

۱ چکیده کلکین

ادبیات و عرفان، هنر و باستان‌شناسی، جامعه و تاریخ، تاریخ علم و تکنولوژی، مردم و سرزمین

مرکز مطالعات فرهنگی - بین‌المللی

چکیده مقاله‌ها

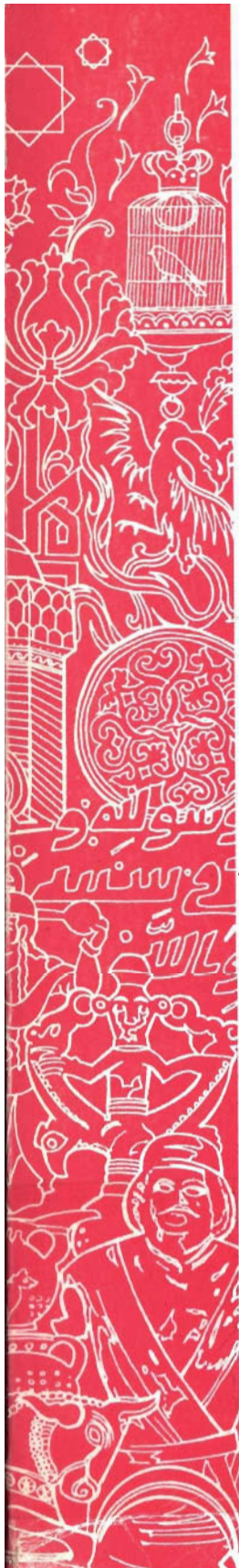
زمستان ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸

چکیده کتاب‌ها

زمستان ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸

فهرست اعلام





1

Golchin

*Literature & Mysticism, Art & Archaeology, Society & History,
History of Science & Technology, People & Land*

Center for Cultural and International Studies

*Abstracts of Articles,
Winter & Spring of 1999*

*Abstracts of Books,
Winter & Spring of 1999*

Index

گلچین / سردبیر محمدعلی شجاعی؛

گروه ویراستاران علی شاه شجاعی... [و دیگران]. - تهران: الهدی، ۱۳۸۰.

۲۶۱، 225 ص.

ISBN: 964 - 472 - 334 - 1

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

فارسی - انگلیسی

۱. ایران‌شناسی - مقاله‌ها و خطابه‌ها - چکیده‌ها. الف. شجاعی، محمدعلی، ویراستار. ب. شاه شجاعی،

علی، گردآورنده.

۸ گ / ۶۴ DSR

۹۵۵/۰۰۷۲

۸۰ - ۳۵۲۴ م

کتابخانه ملی ایران

بنام خدا



سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
معاونت پژوهشی و آموزشی
مرکز مطالعات فرهنگی-بین المللی

گلچین

سر دبیر:	محمد علی شعاعی
معاون سر دبیر:	فاطمه اسماعیلی
فهرست نویسی مقاله ها:	عباس علینقی زاده
فهرست نویسی کتاب ها:	نشریه کتاب ماه
گروه ویراستاران:	دکتر علی شاه شجاعی، جمیله کوکبی، منصور کیایی، دکتر حجت اله حسن لاریجانی
حروفچینی:	الهام خوشدونی فراهانی، سارا سحرخیز اصفهانی
صفحه آرایی:	الهام خوشدونی فراهانی
چاپ و امور فنی:	انتشارات بین المللی الهدی
سال:	۱۳۷۹
نشانی:	تهران، بزرگراه رسالت، روبروی مصلی تهران، مجتمع امام خمینی (ره)، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ساختمان ۱۳ صندوق پستی ۳۵۱۶-۱۵۸۱۵ تلفن: ۸۱۵۳۳۸۶ - فاکس: ۸۱۵۳۲۸۸ E-Mail: Faslnameh @ Yahoo.com

فهرست مطالب

مقدمه

۳ چکیده مقاله‌ها

۱۳۷ چکیده کتاب‌ها

۲۳۵ فهرست اعلام

مقدمه

ایران‌شناسی به معنی وسیع خود، یکی از بزرگ‌ترین ابواب شرق‌شناسی است. علت توجه خاصی که به این بخش ویژه از خاورشناسی شده، آن است که فرهنگ و تمدن ایرانی در مبادی و مبانی بسیاری از فرهنگ‌ها و تمدن‌های دنیای قدیم و جدید حضور دارد و آثار این حضور به صورت‌های گوناگون در جوامع متعددی از قاره‌های آسیا و اقیانوسیه باقی مانده است.

همچنین ایران بر اثر موقعیت ممتاز و مناسب جغرافیایی‌اش و قرار گرفتن بین فرهنگ‌های گوناگون پیشرفته، از دیرباز، از یک فرهنگ کهن غنی و گسترده برخوردار بوده است. در نتیجه آمیخته‌ای از فرهنگ‌های متنوع را یک جا در دل خود جای داده که تاریخ ایران را به صورت تاریخ توالی رویدادها و تمدن‌ها در آورده است. در این مدت طولانی، همواره بر اصیل‌ترین ارزش‌های اندیشه و دین و اخلاق تکیه کرده و نسبت به فرهنگ‌های گوناگون، موقعیت مرکزی داشته است؛ فرهنگی که به ویژگی‌های برجسته، فضائل علمی و اخلاقی نشاط و کوشش، هنرهای ظریفه و فلسفه آراسته بود.

شناسانیدن این فرهنگ و تمدن ارزشمند و جلوه‌های گوناگون آن به علاقمندان، یکی از مهم‌ترین وظایفی است که ایران‌دوستان و پژوهشگران و اهل قلم می‌توانند برعهده داشته باشند. به ویژه در این برهه از زمان که داعیه گفتگوی تمدن‌ها از سوی رئیس‌جمهور محترم جمهوری اسلامی ایران حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی بیان شده و سال ۲۰۰۱ به همین مناسبت، سال گفتگوی بین تمدن‌ها نام گرفته است.

مرکز مطالعات فرهنگی و بین‌المللی نیز پیرو مصوبه کنگره مطالعات ایرانی (که در تاریخ ۲۰ و ۲۱ اسفند ۱۳۷۳ شمسی برابر با ۱۲-۱۱ مارس ۱۹۹۵ میلادی با حضور ایران‌شناسان داخلی و خارجی در تهران برگزار گردید) به منظور ارائه اطلاعات مربوط به مقاله‌ها و کتاب‌ها از مطالعات و یافته‌های علمی پژوهشگران کشور اقدام به انتشار مجموعه‌ای با عنوان «گلچین» نموده است این مجموعه دربرگیرنده موضوعات ادبیات و عرفان، هنر و باستان‌شناسی، جامعه و تاریخ، تاریخ علم و تکنولوژی و مردم و سرزمین است.

«گلچین» مقاله‌ها و کتاب‌هایی را دربر می‌گیرد که توسط مؤلفین ایرانی و دربارهٔ ایران به نگارش درآمده باشد و در انتخاب آنها اعتبار علمی و چاپ اول از شرایط اصلی بوده است. مجموعه حاضر از سه بخش مستقل چکیده مقاله‌ها، چکیده کتاب‌ها و فهرست اعلام تشکیل شده است. بخش اول و دوم به معرفی مقاله یا کتاب به ترتیب حروف الفبا پرداخته و شامل نام و نام خانوادگی مؤلف، عنوان مقاله یا کتاب، نام نشریه و یا ناشر، محل نشر و زمان انتشار می‌باشد. پس از اطلاعات کتاب‌شناسی چکیده‌ای از مقاله و یا کتاب جهت آشنایی خواننده آورده شده است. بخش سوم به فهرست اعلام اختصاص یافته و شماره‌های ارجاعی در مقابل هر اسم شماره مقاله و یا کتاب می‌باشد.

مقاله‌ها و کتاب‌های این شماره از انتشارات زمستان ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸ در داخل ایران تشکیل شده است.

«گلچین» از دریافت نظرات و پیشنهادات محققین محترم بسیار متشکر خواهد شد.

گلچین

چکیده مقاله ها

زمستان ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸

چکیده مقاله‌ها

۱- آذری، علاءالدین. «اشاره‌ای به روابط فرهنگی ایران و یونان در عصر اشکانی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ش ۱۴۸ و ۱۴۹ (زمستان ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸): ص ۷-۱۳.

نخستین مبلغان فرهنگ و مدنیت هلنی، یونانی‌ها بودند. اسکندر و سلوکی‌ها، سنت‌های آنان را در مشرق زمین انتشار دادند. رومی‌ها و کلیسا نیز در تبلیغ و نشر فرهنگ یونانی تلاش زیاد نمودند. سلوکیان در اشاعه آداب و رسوم و شیوه زندگی یونانی درنگ نکردند. آنها برای حراست از قلمرو خود دوستانان فرهنگ هلنی را تشویق نمودند تا به مرزهای شرقی آنها مهاجرت و برای خود شهرهایی در جوار بلاد کهن پدید آورند، این شهرها با شیوه معماری یونانی ایجاد شده بود. خط و زبان یونانی که در عهد اشکانی و سلوکی در ایران رواج داشت، تنها در طبقات مرفه جامعه طرفدار داشت نه در میان توده‌های فقیر و زحمتکش ایرانی، از این رو نتوانست ریشه بگیرد. در شمال شرقی ایران مهاجرنشین‌ها یا کلنی‌هایی از یونانی مآب‌ها پدید آمده بود که حتی در واپسین سال‌های حکومت ساسانیان و اوایل دوره اسلامی، دانشمندان این بلاد آشنایی کامل با دانش‌های یونانی داشتند و ساکنان آنها به یونانی تکلم می‌کردند و به خط یونانی می‌نوشتند. شهر سلوکیه نیز تحت تأثیر فرهنگ یونان بود و در دوره ساسانیان مرکز اصلی روحانیان مسیحی به شمار می‌رفت. شهر شوش نیز تا حدی متأثر از فرهنگ یونانی بود. سلاطین اشکانی که با بیرون کردن سلوکی‌ها قدرت رابه دست گرفتند نیز از تأثیر فرهنگ یونانی برکنار نبودند، به خدایان یونانی عشق می‌ورزیدند و نوشته‌های روی سکه‌ها اغلب به یونانی بود. ولی شاهان آخری اشکانی توجه کمتری به فرهنگ هلنیسم از خود نشان دادند. برخی سلاطین اشکانی، با زبان یونانی آشنا بودند و با آن تکلم می‌کردند. اسناد و مدارک اوایل دوره اشکانی به زبان یونانی بوده و طبقات بالای جامعه به ادبیات یونانی ارج می‌نهادند. نمایشنامه‌ها یا پیس‌های یونانی طالبان زیاد داشت و در بعضی از شهرها تماشاخانه‌هایی به تقلید از یونانیان دایر شده بود.

کاجین

۲- آصف فکرت، محمد. «لهجه بلخ و دریافت بهتر سخن مولوی». *آینه پژوهش*، ش ۵۴ (بهمن و اسفند ۱۳۷۷): ص ۷-۱۸.

مولانا جلال‌الدین مولوی بلخی هنگامی که سخن منظوم را با محدودیت‌های وزن و قافیه، برای جولان اندیشه و سخن دل خویش تنگ می‌دید، لب به شکایت می‌گشود. برخی از محققان، از این بیانات مولانا و از روی دشوار فهمی برخی سخنان او، تصور می‌کنند که گویا مولوی هر اندیشه و سخنی را که به ذهن و زبانش می‌رسیده، بدون توجه به دستور زبان و قواعد شعر بیان کرده است. این محققان این واقعیت را نمی‌پذیرند که اشکال در کم آشنایی با سخنان آن بزرگ است. مولوی در کودکی از بلخ جدا شده، ولی از لهجه بلخ بیگانه نشده و سخن او در بسیاری از مواضع چه از لحاظ دستور و چه از نگاه کاربرد واژه‌ها تحت تأثیر لهجه بلخ و بخارا قرار داشته است. اگر به این نکته بیندیشیم و ابهاماتی را که در سخن مولوی می‌بینیم، با لهجه بلخ، کابل، دوشنبه و بخارا بسنجیم و از آن لهجه‌ها برای دریافت سخن او یاری بجویم، خواهیم دید که تعقید و ابهامی در میان نیست. مولانا نه به وزن بی‌توجه بوده و نه به قافیه، بلکه تحت تأثیر لهجه کهن خود بوده است. در ادامه مقاله نگارنده ویژگی‌ها و خصوصیات لهجه بلخ، کابل و لهجه‌های تاجیکی و بخارایی را ذکر کرده است، ویژگی‌هایی مانند: قرار گرفتن حرف اضافه پس از اسم؛ حالت استمرار افعال؛ حالت امر؛ حالت نهی و حالت نفی. سپس با استفاده از لهجه نمونه‌هایی را از غزلیات شمس بیان کرده است.

۳- آهنچی، آذر. «تأثیر فرهنگی غزالی در بغداد و مسیر تفکر وی از تهافت الفلاسفه تا احیاء علوم‌الدین». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ش ۱۴۸ و ۱۴۹ (زمستان ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸): ص ۶۴-۸۵.

در این مقاله سعی می‌شود تأثیر فرهنگی غزالی در محیط بغداد و دلایل عزیمت وی از آن شهر و نتایج آن از خلال حوادث آن زمان و مسایلی که در حوزه فرهنگی و مذهبی قلمرو اسلامی مطرح بود، تا حد امکان بررسی شود، بررسی حاضر مبتنی بر این عقیده است که نمی‌توان

چکیده مقاله‌ها

تحول در مسیر زندگی غزالی را ورود به عالم تصوف و انزوا تلقی کرد و اصولاً نمی‌توان ادعا کرد که تغییر صوری در دو مرحله زندگی غزالی قبل و بعد از ترک بغداد تغییر مهمی در اصول فکری و اساس بینش‌های دینی وی ایجاد کرده باشد. بررسی حاضر مبتنی بر این اعتقاد است که نمی‌توان تحول در مسیر زندگی غزالی را در وی تلقی کرد، و بسیار کمتر می‌توان حاصل این دگرگونی را مشخص و به تعبیر رایج برگشت از تدریس به انزوا و عالم تصوف، آن هم در شکل رایج آن در قرن پنجم هجری درک کرد. در نوشته حاضر سعی شده است ابتدا تأثیر فرهنگی غزالی در محیط بغداد و سپس علل عزیمت وی از بغداد و نتایج آن، در درجه اول از خلال حوادث و رویدادهای آن زمان و مختصات محیط تا حد ممکن بررسی شود.

۴- اتابکی، تورج. «گفت و گو: وجه ادبی نو در گفتار سیاسی عصر مشروطه». **گفتگو**، ش ۲۳ (بهار ۱۳۷۸): ص ۱۰۶-۱۱۳.

در این مقاله به رواج شیوه گفت و گو به عنوان یک وجه ادبی نو در گفتار سیاسی عصر مشروطه اشاره شده است. در ادبیات کلاسیک فارسی، پرسش و پاسخ نزدیک‌ترین نمونه‌ای است که در سنت ادبی ایران می‌توان به این گونه خاص یافت. نخستین نمونه‌های آن در ادبیات پهلوی دیده می‌شود که هم در وجه بیان شفاهی و هم در ادبیات مکتوب مصداق داشت. تفاوت «پرسش و پاسخ» و «گفت و گو» در این است که در «پرسش و پاسخ» طرفین صحبت در مرتبه برابری قرار ندارند و دانش‌آموز مطیع و افتاده‌ای در محضر استاد سوال‌هایی را مطرح می‌کند. از این رو هیچ نشانی از زیر سوال بودن طرف مقابل وجود ندارد. در نیمه دوم قرن نوزدهم برخی از اصلاح‌طلبان ایرانی گفت و گو را به عنوان وجه بیانی در اعتراض به ناهنجاری‌های اجتماعی و استبداد سیاسی حاکم وارد گفتار سیاسی کشور کردند. میرزا ملکم خان نخستین بار در توضیح بیشتر مفاد رساله پیشین خود کتابچه غیبی یا دفتر تنظیمات وجه بیان گفت و گو را در مکالمات خیالی رفیق و وزیر به کار برد. وی هنگام اقامت در استانبول گفت و گوی دیگری تحت عنوان شیخ و وزیر به رشته تحریر درآورد. در پی ابتکار میرزا ملکم خان وجه گفت و گو

به عنوان یک وجه ادبی در گفتار سیاسی در ایران، با شکل‌گیری نهضت مشروطه و سال‌های بعد از آن، تعداد دیگری از روشنفکران اصلاح طلب ایرانی برای بیان آراء سیاسی خود همین وجه را اتخاذ کردند. از میان این نوشته‌ها، آثار زیر را می‌توان نام برد: *مکالمه سیاح ایرانی با شیخ هندی* نوشته جلال الدین مویده الاسلام؛ *گفت و گوی یک میرزای با علم با یک عوام مستحضر*، و *رساله شیخ و شوخ* که نویسنده آنها مشخص نیست. رسائل دیگر در وجه ادبی گفت و گو رساله *مصاحبه ایرانیه* است که برای نخستین بار به نام *مقاله ملکی* به کوشش ایرج افشار در مجموعه مقالات عبدالرحیم طالب اف تبریزی به نام *آزادی و سیاست* به چاپ رسید. این گفت و گوها از میزان تأثیر پذیری برخی از نویسندگان ایرانی عصر مشروطه از آن وجوه ادبی حکایت دارد که اصولاً ماهیتی خارجی و اروپایی داشت.

۵- احمدی ملکی، رحمان. «احیای زمان اساطیری در آیین‌های سال نو». *هنرنامه*، ش ۲ (بهار ۱۳۷۸): ص ۶-۱۳.

ایرانیان در سده‌های گذشته، همه ساله با اجرای آیین‌ها و مراسم خاص و با برگزاری جشن‌های مختلف، به خصوص در آغاز سال نو، زندگی و جهان خویش را از نو احیاء می‌کردند. در باور آنها، آفرینش جهان، همه ساله با فرارسیدن نوروز و فصل نو، تجدید می‌شود و این تکرار جاودان فعل خلقت که هر سال نو را به آغاز عصر جدید بدل می‌کرد، در زندگی آنها روح نو شدگی و آغاز دوباره هستی می‌دمید. نوروز برای همه آنها، نماد تجدید حیات، نو شدگی و سامانمندی زندگی بود. اعمال و آیین‌هایی که آنها در روزهای آخر سال کهنه و روزهای اول سال نو انجام می‌دادند، همه از این حس و باور فکری و اعتقادی آنان سرچشمه می‌گرفت. در این مقاله بنابر معتقدات مذکور در این لحظه اساطیری که ضمن آن، گیتی که به نابودی گراییده بود و از نو آفریده می‌شود، واژگونی زمان امکان‌پذیر می‌گردد. اینک مردگان می‌توانند به جهان بازگردند. چون همه سدهای بین مرگ و زندگی شکسته شده است. و انسان‌ها با توسل به این آیین‌ها، جدا شدگی و سرگشتگی را از خویش دور کرده و سعی در برقراری ارتباط بین خود و آن بدایت مقدس و ازلی خلقت می‌کنند.

چکیده مقاله‌ها

۶- احمدی ملکی، رحمان. «سروده‌ها و تصنیف‌های «باران خواهی» و «خورشید خواهی» در آذربایجان». شعر، ش ۲۵ (بهار ۱۳۷۸): ص ۱۱۶-۱۲۱.

مردم آیین‌پرداز، برای مقابله با حوادث و مصیبت‌های ناگوار و دردناک و برای فراخوانی و استقبال از برکات و نعمات زمین، آیین‌ها و سرودهای خاصی داشتند. حوادثی چون سیل، توفان و قحطسالی زندگی آنان را تهدید می‌کرد و آنها در رویکرد هر حادثه‌ای، با برگزاری مراسم آیینی ویژه، به پیشگیری یا دست‌کم جبران خسارات و زیان‌های آن حادثه برمی‌آمدند. و برای رهایی از نگرانی بی‌آبی و غیره به آیین متوسل می‌شدند و در این آیین‌ها به سرودن اشعار می‌پرداختند. این مراسم و دعا‌های آن، در خیلی از جاها به ویژه در مناطق کویری و حاشیه کویر و سرزمین‌های کوهستانی و کوه‌پایه‌ای، مخصوصاً در بین برزگران دیم کار به شکل‌های مختلف ادامه دارد. خیلی از این شعرها و سرودها از وزن و قافیه کاملاً درستی برخوردار نیستند ولی قطعات و مصراع‌ها در آنها هم‌رنگ و هماهنگ‌اند. این قطعه‌ها و جملات آهنگین (ریتمیک) و اشعار ساده و دلنشین، کم‌کم سینه به سینه گشته و به عرصه آیین و حافظه جمعی راه یافته و جزء فرهنگ عمومی شده است. آیین‌ها و ذکرهای باران‌خواهی در مناطقی همچون آذربایجان از قدمت و تنوع بیشتری برخوردار است. و در گذشته‌های دور آیین‌های موسوم به «خیدیر، خیدیر» و «چومچه خاتون» برگزار می‌شد. مخاطب آیین پردازان در این اشعار، یا به طور مستقیم خداوند خالق، یا خود خورشید و یا شخص سوم نامعلومی است که با عبارت «گتیر، گتیر» به آن اشاره می‌شود.

۷- اخوت، محمد رحیم. «رو در روی هستی (بازخوانی شعرهای ضیاء موحد)». کلک، دوره جدید، ش ۷-۹ (دی - اسفند ۱۳۷۷): ص ۶۰-۷۶.

مقاله به نقد و بررسی شعرهای ضیاء موحد شاعر معاصر پرداخته است و در آن ویژگی‌های اشعار و دوره‌های شاعری وی را به تفصیل بیان کرده است. ضیاء موحد در یادداشت آغاز کتاب خود نوشته است: گمان می‌کنم این شعرها نشان‌دهنده گذر از سه دوره باشند.

پایبندی به وزن‌های نیمایی در چند شعر این دفتر و سست شدن این بند در شعرهای بعد، یکی از نشانه‌های این گذر است. «وزن» چه عروضی چه نیمایی، بندی است بر پای شعر که می‌تواند سخت باشد یا سست. اما این نشانه در برخی شعرهای ضیاء موحد وی را پایبند کرده است. مجموعه شعر غراب‌های سفید وی چنان در بستر وزن آرمیده، و روانی و روال طبیعی کلام وی چنان به کمال است که خواننده هیچ تنگنا و پایبندی را احساس نمی‌کند، که این نشانه درونی شدن وزن در ذهن و زبان شاعر است. همین درونی شدن، نشدن وزن یا ملکه شدن وزن در بی‌وزن‌ترین شعرهای شاعر هم گاهی خود را نشان می‌دهد، و در واقع بنیان موسیقایی کلام او را می‌سازد. پس نمی‌تواند وجه تمایز دوره‌های شعری او باشد. در دوره تکوین شاعر می‌خواهد اندوهش را بگرید و چشم به کسی دارد که او را از غروب‌ها و باران‌ها بگیرد. شعرگاهی تنها را می‌توان نخستین شاخصه این دوره دانست. از میان هنرهای کلامی، شعر فشرده‌ترین و تمرکز یافته‌ترین شکل ادبیات است که بیشترین حرف را در حداقل واژه بیان می‌کند. این فشردگی را در تمام شعرهای هر سه دوره شاعری ضیاء موحد می‌توان دید.

۸- اذکایی، پرویز. «خاندان شاهیه خوارزم». بخش دوم / *ایران شناخت*، ش ۱۱ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۱۱۲-۱۴۱.

این مقاله به بررسی دو خاندان تاریخی آل مأمون خوارزمشاه و آل فریغون پرداخته و تاریخ کشورمان را در دوره حکومت این دو خاندان بررسی کرده و از حوادث و اتفاقات این دو دوره گفتگو کرده است. حکمرانان سلسله مأمونیان خوارزمشاه که در این بررسی آمده‌اند عبارتند از: مأمون بن محمد، ابوالحسن علی بن مأمون خوارزمشاه، ابوالعباس مأمون بن مأمون و ابوالحارث محمد بن علی. این سلسله هم‌عصر با سامانیان و غزنویان بوده و در این مقاله به مناسبات و روابط این خاندان با دو سلسله مزبور نیز اشاره شده است. خاندان آل فریغون نیز در ایالت گوزگان (جوزجان) یا گوزگانان (جوزجانان) که امروزه در بخش شمال غربی افغانستان قرار دارد حاکمیت داشته و یک دوره شکوفایی سیاسی و فرهنگی را طی سده چهارم

چکیده مقاله‌ها

گذرانده است. فریغونیان خود را از اعقاب فریغون (به تصحیف افریدون) می‌دانستند حاکمان این خاندان که در این مقاله معرفی شده‌اند عبارتند از: فریغون، احمدبن فریغون، ابوالحارث محمد بن احمد، فریغون بن محمد، ابونصر احمدبن محمد و حسن بن احمد فریغون.

۹- اسحاقیان، جواد. «هشت پای پدر سالاری در (سمفونی مردگان)». *ادبیات معاصر*، سال ۳، ش ۲۷ (بهار ۱۳۷۸): ص ۱۷-۳۱.

یکی از بحث‌های نظری که هنوز مورد بررسی قرار می‌گیرد استبداد شرقی است که برخی اندیشمندان غربی هنگام بررسی شیوه تولید آسیایی به آن پرداخته‌اند. این اندیشمندان گاه مالکیت قبیله‌ای و جمعی و فقدان مالکیت فردی و تمرکز وظایف عمومی را (آبیاری، ارتباطات و جز آن) در دست دولت وسیله‌ای می‌دانستند که با استفاده از آن، دولت استبداد و سلطه خود را بر جامعه اعمال می‌کند و به عنوان ناظر عالی در همه امور زندگی خلق دخالت می‌نماید. این نظر تلویحاً به این معنی است که در بسیاری از کشورهای آسیایی مانند هند، روسیه و ایران در صدها سال قبل به آحاد مردم نه به عنوان فرد و هم‌وطن و عضوی از خانواده، بلکه در مقام جزیی از کل جامعه و عشیره می‌نگریسته‌اند. چنین دیدگاهی نسبت به مردم در وجه کلی به استبداد شرقی و قدرت بلامنازع دولت و در بُعد خانوادگی به صورت پدر سالاری نمود می‌یافته است. در جامعه ایران در روزگار مورد بررسی رمان *سمفونی مردگان* اثر عباس معروفی، حاکمیت پدر در خانواده، خود نمودی از باور به پدر سالاری و وابستگی اعضای خانواده به پدر و در وجهی کلی‌تر نشانی از حاکمیت بی‌چون و چرای پدر سالار دارد. در این رمان از پدر سالاری به عنوان پدیده‌ای زشت و عقب‌مانده اجتماعی، و در وجهی عام‌تر و نمادین از دولت سالاری جامعه ایران در عصر ستم‌شاهی حکایت می‌کند.

۱۰- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم. «بررسی تحولات شعر فارسی در دو دهه اخیر: جای دوربین‌ها عوض شده است». *نگارنامه*، سال ۱، ش ۲ (بهمن ۱۳۷۷): ص ۳۴-۴۱.

بین شعری که امروز سروده می‌شود و شعری که تا دو دهه قبل سروده می‌شد، تفاوت‌های

چشمگیری وجود دارد. برخی این تفاوت‌ها را نشانه نوعی بحران و عده‌ای نیز گویای تحولی مثبت در شعر ما تلقی کرده‌اند. این بررسی‌ها علاوه بر پیگیری دگرگونی‌های زیباشناختی، علل و ریشه‌های فرهنگی فاصله‌گیری شاعران امروز از شاعران سلف را آشکار می‌کند. برداشت حاکم بر شعر نو تا دو دهه پیش این بود که شعر را چیز مقدسی می‌انگاشت، و از این نظر با دیدگاه سنتی ما وجه اشتراک داشت، از این دیدگاه، شاعر می‌توانست «لسان الغیب» باشد و شعر، چیزی نزدیک به وحی. شعر نو در مسیر حرکتش، به علت نزدیکی زیاد به جریان‌های سیاسی - اجتماعی، تعهدات مضاعفی را بر دوش گرفت که تا حدودی به عینی‌گرایی آن لطمه زد. همین عامل سبب شد که در حوزه زیباشناختی، گرایش به نمادسازی و سمبولیسم افزایش یابد. در کنار آن، تمایل به ارائه دیدگاهی سراسری از زندگی و تعریف جامع آن، بخش مهمی از شعر نو را با جریان‌های ایدئولوژیک مسلط، همسو ساخت. این گرایش چنان نیرومند بود که تا همین یکی دو دهه پیش، شاعران ما خود را سخنگوی مردم می‌دانستند و بخش عمده‌ای از مخاطبان شعر نو نیز چنین توقعی از شاعرانشان داشتند. تنوع و گوناگونی دیدگاه‌ها، در فضایی که امروز شاعران ما در آن شعر می‌گویند، نوعی ارزش به حساب می‌آید. این مقاله شاعران شعر نو را به پنج نسل تقسیم کرده است. برای اساس نیما را می‌توان به عنوان نسل اول شعر نو به حساب آورد، پس از او شاعرانی مثل شاملو، اخوان، فروغ، مفتون امینی، رحمانی، سپهری و... را می‌توان به عنوان نسل دوم دانست. نسل سوم شعر نو را شاعرانی مانند احمد رضا احمدی، یدالله رویایی، منوچهر آتشی، سپانلو، محمدحقوقی، ضیاء موحد، اوجی، باباچاهی و... تشکیل می‌دهند. تعدادی از شاعران این نسل به لحاظ زیباشناختی کوشیدند و توانستند فضاها و الگوهای تازه‌ای برای شعر نو پدید آورند. از شاعران نسل چهارم می‌توان به هرمز علی‌پور، شاپور بنیاد، بیژن نجدی، شمس لنگرودی و... اشاره کرد. شاعران نسل پنجم نیز شاعرانی مانند شهاب مقربین، نازنین نظام شهیدی، مهرداد فلاح، علی عبدالرضایی، رضا چاپچی و غیره هستند. در ادامه مقاله با ذکر چند مثال، کوشیده است تفاوت‌های فرهنگی و نوع نگاه متفاوت شاعران نسل چهارم و پنجم شعر نو را نشان دهد.

چکیده مقاله‌ها

۱۱- اسماعیل پور، ابوالقاسم. «بررسی تطبیقی دیباچه مثنوی معنوی و اشعار گنوسی». *ایران‌شناخت*، ش ۱۱ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۱۴-۴۱.

هدف نویسنده در این مقاله طرح این نکته است که مضمون هبوط یا اسارت روح در تخته بند بدن از مضامین تازه و نوظهور عرفان اسلامی نیست. بلکه پیشینه‌ای بسیار دیرینه دارد؛ مضمون هبوط و اسارت روح در این جهان را گنوسیان سده دوم و سوم مسیحی مطرح کرده‌اند. بدین منظور نظرات نخستین گنوسی مسیحی، شمعون مغ و مرقیون، عارف صدر مسیحیت شرح داده شده، دیگر گرایش‌های آیین گنوسی از جمله مکتب هرمسی مصر، مکتب والتین که آنرا مکتب سوری - مصری گنوسی نیز خوانده‌اند و عرفان مانوی به منزله واپسین گرایش گنوسی مدنظر قرار گرفته، نمونه‌هایی از اشعار گنوسی - مانوی، حاوی مضامین عرفانی آورده شده و با بررسی تطبیقی آنها با ابیات دیباچه مثنوی معنوی مولانا جلال الدین بلخی این نتیجه گرفته شده است که قطعاً وجوه مشترکی در میان مضامین عرفانی گنوسیان صدر مسیحیت و آثار و اندیشه‌های متصوفه اسلامی وجود دارد و این خود نشانه تداوم بخشی فرهنگ عرفانی در گستره عظیمی از جهان مسیحی، مانوی و اسلامی است.

۱۲- اسماعیلی، حسین. «ثلث». *موزه‌ها*، ش ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۷۷): ص ۴۸-۵۰.

هنر خوش نویسی با فرهنگ، ادب و تاریخ سرزمین ما عجین شده است. تجلی گاه آن را در کتابت قرآن مجید، کتیبه‌های معماری، سنگ نبشته‌ها و حکاکی‌ها می‌توان دید. بوکهارت آلمانی شریف‌ترین هنر بصری در جهان اسلام را خوش‌نویسی و کتابت قرآن می‌داند؛ آن ماری شیمل بخش اساسی پیکره فرهنگ جهان اسلام را هنر خطاطی می‌داند. خطاطی اولین هنر در دنیای اسلام است. طنین و صوت زبان فصیح عربی را از لابه‌لای حروف متنوع، با صلابت و زیبایی ثلث فقط با دیدن می‌توان حس کرد و این نخستین عامل مشترک و هماهنگ کننده هنرهای اسلامی در تمام دنیای اسلام است. پیشینه این خط به دوران عباسیان باز می‌گردد، اما به طور جدی توسط ابن مقله وزیر در قرن چهارم پایه‌گذاری شد و به دست ابن بواب بر

کلیچین

زیبایی‌هایش افزوده شد و توسط یاقوت مستعصمی به کمال رسید. خط ثلث به دلیل صلابت، استحکام و زیبایی همراه با آزادی زیاد ترکیب حروف و کلمات یک استثناء است، بر همین اساس آن را ام الخطوط و سیدالخطوط نام نهاده‌اند و همچنان پویا به حیات خود ادامه می‌دهد. در وجه تسمیه ثلث ابن مقله می‌گوید: «چون نسبت به قلم طومار، در این خط، ثلثی از حروف سطح و بقیه ذور است آن را ثلث نامیده‌اند». ویژگی‌های این خط عبارتند از: شماره‌ها یا تشعیرات؛ ترویس یا سرک؛ الف‌های سترگ، رشید و زیبا؛ یاهای معکوس که گاه در طول یک کتیه چند متری کشیده شده‌اند؛ نقطه‌های مربع یا مستطیل. از فروع این خط می‌توان به توقیع و رقاع اشاره کرد. از اساتید غیر ایرانی معروف این خط می‌توان به مصطفی راغم، عزیز الرفاهی، حافظ عثمان، حاج احمد کامل و محمد هاشم بغدادی اشاره کرد. برخی اساتید صاحب نام این خط در ایران عبارتند از: علیرضا عباسی، احمد معصومی زنجانی، حبیب‌الله فضائلی، مرتضی نجومی، حجت کشفی و استاد سید محمد حسینی موحد.

۱۳- افتاده، محسن. «موسیقی نظامی «رزمی» ایران قبل و بعد از اسلام». *هنر موسیقی*، ش ۷ (بهمن ۱۳۷۷): ص ۲۳-۲۴.

نویسنده در این مقاله از اهمیت، تأثیر و کاربرد موسیقی در جنگ و سیر تاریخی آن در ایران یاد کرده و با بررسی متون تاریخی قدیم اعم از نویسندگان یونانی و ایرانی، به تأثیر و کاربرد این نوع موسیقی در دوران هخامنشی و ساسانی اشاره کرده است. جنگ جزء لاینفک زندگی انسان و تاریخ بشر است و تقریباً در تمامی جنگ‌ها موسیقی رزمی وجود داشته است. نگاهی به نوشته‌های مورخان که خود در صحنه نبرد حضور داشته‌اند و دیگر مورخان حاکی از تأثیر عمیق و محسوس موسیقی در هنگامه نبرد است. سربازانی که طبل و شیپور می‌نواختند در صف مقدم نبرد حضور داشته‌اند و با نواختن ریتم‌ها و ملودی‌های خاص، رزم‌آوران را به حمله و پیشروی دعوت می‌کردند. لحن شیپور یورش و ضربه‌های کوس حمله با آهنگ شیپور

چکیده مقاله‌ها

بیدارباش متفاوت بوده است. از متون کتب تاریخی و شواهد اندک باقی‌مانده چنین بر می‌آید که در هر سپاه برای آموزش موسیقی نظامی واحد ویژه‌ای وجود داشته است و در کنار آن بدون شک سازندگان این ادوات و آلات موسیقی به ساختن آلات موسیقی می‌پرداخته‌اند. در عصر هخامنشیان به ویژه دوران کوروش که اثربخشی این پدیده بر فرماندهان محرز شده بود، به نحوی جدی از موسیقی بهره‌برداری می‌شد و نوازندگان موسیقی نظامی هم طراز با نگاه‌دارنده درفش فرماندهی بودند. پس از فتح ایران توسط اسکندر، یونانیان سازهایی مثل طبل و کوس را از ایرانیان اخذ و برای جنگ به کار بردند. در عصر اشکانیان و ساسانیان نیز در جنگ‌ها از آلات موسیقی استفاده می‌شد و اردشیر در تقسیم‌بندی طبقات اجتماعی، جایگاه مهمی به موسیقیدانان اعطا و آنان را در کنار ساتراپ یا فرماندهان قرار داد.

۱۴- افتخاری، اصغر. «تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در گستره جهانی (دیدگاه نویسندگان و تحلیل‌گران خارجی)». *نامه پژوهش*، ش ۱۰ و ۱۱ (پاییز و زمستان ۱۳۷۷): ص ۲۱۵-۲۶۶.

انقلاب اسلامی ایران اگر چه در حوزه جغرافیایی مشخصی به وقوع پیوست، اما در اندک زمانی توانست با طرح شعارهای حق‌طلبانه و اسلامی، «جهانی» شده، تأثیرات به سزایی از خود در کشورهای مختلف به جای گذارد. این مقاله به بررسی میزان نفوذ انقلاب اسلامی در خاورمیانه، جنوب غربی آسیا، آسیای مرکزی، جنوب شرقی آسیا و آفریقا پرداخته است. آنچه از مجموع این مقاله استنباط می‌شود این است که انقلاب اسلامی ایران به چهارگونه تأثیرگذار بوده است: ۱- تأثیرگذاری مستقیم و آشکار (در لبنان و افغانستان)؛ ۲- تأثیرگذاری به مدد تشدید اسلام‌گرایی (در مصر، تونس و پاکستان)؛ ۳- تأثیرگذاری سطحی (در مالزی و اندونزی)؛ ۴- تأثیرگذاری غیر مستقیم که واکنش شدید کشورهای مقابل، مؤید آن است (در عراق و عربستان سعودی).

۱۵- افروزی، بایز. «مدخلی بر دین ازدایی (یزیدی، ایزدی، یزدی، عدوی و...)». *چیستا*، ش ۱۵۸ و ۱۵۹ (اردیبهشت و خرداد ۱۳۷۸): ص ۶۸۴-۶۹۱.

دین ازدایی که با نام‌های ایزدی، یزیدی، یزدی، عدوی و... شهرت یافته است، دینی کهن و رازآمیز است که ریشه عمیقی در آیین‌ها و باورهای دینی اقوام آریایی دارد. نام این دین نزد مورخین مسلمان «عدوی» ثبت شده و در عراق به دین «یزیدی» مشهور شده و پیروان آن را به اشتباه پرستنده یزید بن معاویه دانسته‌اند. برخی پژوهشگران با توجه به همانندی‌هایی که بین ازدایی و باورهای دینی کهن ایرانیان دیده‌اند، واژه یزیدی را ایزدی گمان کرده‌اند و پیروان آن را ایزدپرست و گاه زرتشتی قلمداد کرده‌اند. شیوه تلفظ این واژه در میان ازداییان نقاط مختلف، متفاوت است: در ارمنستان و گرجستان «ازدی» با کسر اول و سکون ثانی؛ کردهای ایران «ئیزدی» بدون فتح ز؛ سوریه «یزدی» بدون فتح یا؛ ترکیه «یزدی» مانند ارمنستان؛ و ازداییان عراق نیز احتمالاً مانند ازداییان سوریه «یزدی» تلفظ می‌کنند. دو کتاب مقدس ازداییان *مصحف رش و جلوه* و *مصلح* مشهور این دین شیخ آدی (عدی) است. «ازدا» در نیایش‌های ازداییان جایگاه بسیار والایی دارد و از وی به عنوان خدای یگانه و خالق همه موجودات یاد می‌شود ازدایی‌ها به ملایک هفتگانه اعتقاد دارند که شیوه آفرینش آنها مانند امشاسپندان مزدیسنا است. آنها به وجود شیطان اعتقادی ندارند و تمام ناراستی‌ها را از کردار و پندار خود انسان‌ها می‌دانند. نیایش عمده و واجب ازداییان، نیایش خورشید است که فرد باید در روز، سه بار هنگام طلوع، ظهر و پیش از غروب آفتاب روی خود را به سمت خورشید کرده و به آن کرنش کند. کتاب‌های مقدس ازداییان به زبان کردی «سورانی» و با خط مخصوص است که در واقع «دین دبیره» ازداییان به حساب می‌آید و دارای ۳۳ حرف است و از راست به چپ و غیرمتصل نوشته می‌شود. خاستگاه این دین ناحیه «سنجار» در کردستان عراق است. این دین رابطه عمیقی با فرهنگ ملی کردها دارد، تا حدی که بسیاری از جشن‌های مذهبی و باورهای دینی ازداییان، در واقع جشن‌ها و باورهای ملی کردها در گذشته تاریخی آنها بوده و هم‌اکنون نیز در مناطق کردنشین با همان عنوان‌ها و یا با عناوین دیگری برگزار می‌شوند.

چکیده مقاله‌ها

۱۶- افشار، ایرج. «به یاد سعید نفیسی از پیشروان پژوهش‌های ایران‌شناسی». *بخارا*، ش ۴ (بهمن و اسفند ۱۳۷۷): ص ۱۳۵-۱۵۹.

این مقاله در ادامه یادکرد بزرگان در گذشته اختصاص به نامه‌های سعید نفیسی دارد. در این مقاله جمعاً ۲۵ نامه که در فاصله سال‌های ۱۳۲۷ تا سال مرگ نفیسی یعنی ۱۳۴۵ از نقاط مختلف برای ایرج افشار نوشته شده، آمده است. نفیسی از برجستگان و نخبگان ایران بود و نام وی همواره در اوراق ادبی ایران پایدار است و قدر خدمات او همیشه مشخص و زیانزد خواهد بود. این نامه‌ها هم‌گویای صداقت و علاقه‌مندی او به علم و دانش و یادگار صفا و محبت او به دوستانش می‌باشد و هم در حقیقت گویای برخی از مشکلات زندگی وی در آن سال‌ها است.

۱۷- افشار، ایرج. «تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی». (۲) / *بخارا*، ش ۳ (آذر و دی ۱۳۷۷): ص ۲۲۲-۲۶۲.

این نوشته قسمت دوم مقاله نویسنده است که شامل نوشته‌های وی در مورد ایران‌شناسی است و به معرفی ایران‌شناسان و پژوهشگران ایرانی پرداخته، شرح فعالیت‌ها، و آثار آنها را ذکر کرده و برخی نامه‌های ارسال شده آنان برای نویسنده را آورده است. در این نوشته افراد زیر معرفی شده‌اند: منوچهر ستوده بیابانی، میلوش بروتسکی (اهل چکسلواکی)، کارل اشتولز، حسین طوطی، فریتز مایر و یوسف رحمتی. علاوه بر معرفی افراد فوق، در این مقاله، مطالبی راجع به چاپ نسخه برگردان از نسخه‌های خطی فارسی همراه با معرفی نسخه‌های معروف؛ چاپ سنگی - چاپ گراوری؛ و دو یادداشت تحقیقی از مشیرالدوله، آمده است.

۱۸- اکبرزاده، داریوش. «یادگار زیریران یا یادگار اسفندیاری». *موزه‌ها*، ش ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۷۷): ص ۶۰-۶۲.

یادگار زیریران رساله کوچکی به زبان پهلوی است که در اصل به زبان پارسی و ظاهراً نثر توأم با شعر بوده و در زمان اشکانیان سروده شده است. هنگامی که گشتاسب و اقوام او دین

مزدیسنا را می‌پذیرند، خبر آن به خیونان می‌رسد. ارجاسب خیونان خدای، فرستادگانی به دربار گشتاسب می‌فرستد و از وی می‌خواهد دین مزدیسنی را رها کرده و با ارجاسب هم‌کیش شود در غیر این صورت به ایران شهر لشکرکشی و آن را ویران می‌کند. بعد از پاسخ گشتاسب جنگی خونین در می‌گیرد و بیست و سه تن از عزیزان گشتاسب از جمله برادر او زریر، پسر جاماسب، پادخسرو و پسر گشتاسب یعنی فرشاورد کشته می‌شوند. در پایان «بستور» پسر هفت ساله زریر، کین پدر را از قاتل می‌گیرد و ارجاسب شکست خورده روانهٔ سیزدهمین خیون می‌شود. موضوع نبرد زریر با ارجاسب در سایر متون اوستایی نیز دیده می‌شود از جمله در آبان یشت، بند ۱۱۲ به این موضوع اشاره شده است. دلآوری‌های زریر، چگونگی کشته شدن او و کین‌خواهی بستور در شاهنامه ثعالبی و شاهنامه فردوسی نیز ضبط شده است.

۱۹- اکرامی، نورالدین. «(مارکوه) کوهی زیبا و دیدنی در رامسر». *گیله‌وا*، ش ۵۲ (بهمن ۱۳۷۷ فروردین ۱۳۷۸): ص ۱۴-۱۷.

این مقاله با هدف شناسایی و بهره‌گیری بیشتر از جاذبه‌های توریستی شهرستان رامسر به معرفی این شهرستان و مارکوه پرداخته است. این شهرستان در غرب مازندران قرار دارد و از شمال با دریای خزر، از جنوب با البرز میانی، از غرب با رودسر و از شرق با تنکابن همسایه است. قدیمی‌ترین اسم این شهر «سخت‌سر» می‌باشد. رامسر به خاطر داشتن اردوگاه‌های بزرگ کشوری و اماکن تفریحی و ویلاقی و چشمه‌های معدنی نقشی مهم در جذب جهانگردان و هموطنان دارد. در پنج کیلومتری شرق این شهر کوهی منفرد و سرسبز به نام مارکوه (مالکوه) وجود دارد که مردم منطقه به آن «مورکوه» می‌گویند. مارکوه از شمال با روستاهای نیاسته، پوسته و میانحاله و از شرق با روستاهای شهید و رودخانه نساوود و از غرب با روستاهای کوزه‌گر محله کتالم و از جنوب با روستاهای تجن و تلارسر همسایه است. پیکره این کوه سنگ‌های آهکی است که از دل این سنگ‌ها درخت‌های شمشاد و دیگر درختان جنگلی سربرآورده و منظره سرسبز و زیبایی به وجود آمده است. آنچه باعث اهمیت این کوه می‌شود

چکیده مقاله‌ها

وجود قلعه‌ای در قله آن است که قدمت آن مشخص نیست. در روز سیزدهم فروردین هر سال مردم اطراف برای استفاده از مناظر دل‌انگیز مارکوه پای بر قله آن می‌گذارند و جمعیتی عظیم در آنجا گرد می‌آیند. در پایان نگارنده به سازمان جهانگردی و صنعت توریسم کشور توصیه کرده این منطقه را بیشتر مورد توجه قرار داده و با ایجاد استراحتگاه‌ها و هتل‌ها، امکانات تفریحی در روی قله کوه و جلب توریست باعث رونق اقتصادی منطقه و کشور شود.

۲۰- امامی، همایون. «درآمدی بر سیر تحولی گفتار در سینمای مستند ایران». *فصلنامه هنر*، ش ۱۴۸ و ۱۴۹ (زمستان ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸): ص ۱۷۲-۱۷۹.

اهمیت و کارکرد گفتار در سینمای مستند برکسی پوشیده نیست. امروزه به اشکال متنوعی از کاربرد گفتار در مستندهای جهان برخورداریم خورد که در رابطه با موضوع فیلم از تناسب و زیبایی خاصی بهره‌مند هستند. در این مقاله نگارنده کوشیده است اولین تلاش‌هایی را که در زمینه گفتارنویسی به معنی دقیق آن انجام شده معرفی و به اختصار تحلیل نماید. بعد از ورود متفکین به ایران همراه با آنان فیلم‌برداران انگلیسی به ایران می‌آیند و از رویدادهای سیاسی و نظامی ایران فیلم‌های خبری تهیه می‌کنند که این فیلم‌ها برای اولین بار به صورت ناطق همراه با گفتار فارسی به صورت پیش‌فیلم در سینماها به نمایش گذاشته می‌شود. همراهی گفتار در سینمای مستند با فیلم‌های خبری شروع و تا مدت‌ها ادامه پیدا می‌کند. در مارس ۱۹۵۱ (۱۳۳۰) ده نفر از فیلمسازان دانشگاه سیراکیوز جهت تولید فیلم به ایران می‌آیند و مدت دو سال به ساختن یک سری فیلم‌های آموزشی برای روستاییان ایرانی می‌پردازند و کلاس‌هایی نیز برپا می‌کنند. با کار این گروه سینمای مستند وارد مرحله جدید می‌شود که همراه با صداست. در بررسی سیر تحولی گفتار در سینمای مستند ایران باید از شیوه گفتارنویسی در فیلم‌های اصل چهار و گروه سیراکیوز همچون یک زمینه و بستر یاد کرد. در ادامه مقاله نویسنده به بررسی گفتار در اولین فیلم‌های مستند ایرانی می‌پردازد و در این راستا نمونه‌هایی را ارائه می‌کند.

۲۱- امینی، محمدعلی. «شعر امروز و بحران مخاطب». شعر، ش ۲۵ (بهار ۱۳۷۸): ص ۴۲-۴۵.

شعر در فرهنگ اسلامی ایران از دیرباز جایگاه خاصی داشته است و قرن‌های متمادی آینده‌ای به شمار می‌رفت که عواطف و احساسات جامعه ایرانی در آن تجلی یافته بود. انبوه مخاطبان شعر در گذشته و تأییدگران بی‌شمار این هنر، نه تنها به حجیم شدن تاریخ ادبیات فارسی انجامید، بلکه سایر هنرها را نیز در انزوا و بی‌حرکی قرار داد. اما در یک قرن اخیر روند مخاطب سالاری شعر با رشد تدریجی سایر فرهنگ‌ها رنگ باخته و دچار تحول شده است. منظور از مخاطبان شعر امروز، خود شاعران، منتقدان ادبی، روشنفکران و نویسندگان و سایر قشرهای جامعه هستند. بحران مخاطب بدان معنا نیست که شعر امروز در میان مردم عامی حضوری کم رنگ دارد بلکه این شعر در بین فرهیختگان جامعه نیز کمتر پذیرش یافته است. در مقاله حاضر به برخی از عواملی که در ایجاد بحران مخاطب دخیل می‌باشند اشاره شده است. این عوامل عبارتند از: ۱- جریان‌های شعری دههٔ شصت (گروهی از شاعران این دوره بی‌اعتنا به تحولات جامعه و آرمان‌ها و ارزش‌های انقلابی و بلکه با عناد، مخالفت و کوچک شمردن و تمسخر ارزش‌های پذیرفته شدهٔ جامعه، و با خلق آثاری خنثی و بی‌اعتنا نسبت به واقعیت‌های جاری جامعه نوعی بی‌اعتمادی را در مخاطبان شعر ایجاد نمودند)؛ ۲- نوآمدگان و تکرار تجربه‌ها؛ ۳- فقدان نقد کارآمد؛ ۴- نقش مطبوعات در بحران مخاطب. در پایان نگارنده مقاله آورده است که بحران مخاطب شعر امروز امری جدی است و در کشوری چون ایران بی‌مهری و کم‌توجهی به شعر جای تأمل دارد. هنوز از کتاب‌های شاعران نسل‌های پیشین و قرون گذشته به مراتب بیشتر از شعر امروز استقبال می‌شود. شایسته است با پشت‌سر گذاشتن بیش از نیم قرن تاریخ شعر نو فارسی مسیری روشن و واقع‌بینانه را در پیش روی شعر آینده بگشاییم تا بار دیگر این هنر جایگاه شایسته خود را باز یابد.

چکیده مقاله‌ها

۲۲- اندرمانی‌زاده، جلال. «در آستانه انقلاب اسلامی: اسنادی از آخرین تلاش‌های کارگزاران حاکمیت پهلوی». *تاریخ معاصر ایران*، سال ۲، ش ۸ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۱۳۷-۲۲۴.

این مقاله به بررسی اسنادی از انقلاب اسلامی و تلاش‌های عوامل رژیم پهلوی برای متوقف کردن انقلاب پرداخته است. این اسناد به دو بخش تقسیم می‌شوند: بخش اول مربوط به دیدگاه‌ها و عکس‌العمل‌های گروه‌های طرفدار سلطنت مشروطه و طرفدار سلطنت پهلوی درباره انقلاب است و بخش دوم دربرگیرنده اخبار و اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن وقایع از سوی دستگاه‌های امنیتی و نظامی است. در بخش اول دو سند بررسی شده است. سند اول یادداشتی است از جلسه‌ای که در مهر یا آبان ۱۳۵۷ در دفتر ریاست دانشگاه تهران برگزار شده و کاملاً محرمانه و سری بوده است. افرادی مثل کریم سنجابی، شاپور بختیار، داریوش فروهر، احمد مدنی، علی امینی، محسن پزشکیور، برخی نمایندگان مجلس سنا و شورای ملی و نمایندگانی از برخی روحانیون در این جلسه شرکت کرده بودند و اتفاق نظر این افراد در باقی ماندن سلطنت مشروطه و سلطنت کردن شاه و نه حکومت کردن او بود. در سند دوم چگونگی اوضاع جامعه و نحوه برخورد با روند انقلاب اسلامی به قلم عبدالرضا قطبی مدیر عامل وقت رادیو تلویزیون ملی ایران، تحلیل و راهکارهایی ارائه شده است. در بخش دوم شش سند معرفی شده است: سند اول گفت‌وگوی منوچهر ظلی معاون سیاسی وزارت خارجه با آل یاسین سفیر وقت عراق است. محور این گفت‌وگو تبعید امام و موضع‌گیری‌های مطبوعات ایران بر ضد عراق است. سند دوم نامه سپهبد مهدی رحیمی فرماندار نظامی تهران برای آیت‌الله طالقانی است. سند سوم از فرمانداری نظامی تهران به نخست‌وزیری ارسال شده که موضوع آن مجالس عزاداری در محرم و صفر است. سند چهارم از طرف شهربانی صادر شده و موضوع آن گزارش وقایع مسجد جامع کرمان است. سند پنجم گزارش هیئت اعزامی به اصفهان و نجف آباد راجع به وقایع این دو شهر می‌باشد. سند ششم سلسله گزارش‌های فرمانداری‌های نظامی سیزده‌گانه

کلیچین

کل کشور درباره وقایع روز ۵ دی ۱۳۵۷ است. این گزارش‌ها شامل اتفاقات، تظاهرات، عملکرد مخالفان دولت و برخی تحلیل‌ها در مورد جایگاه مخالفان و نحوه برخورد با آنهاست.

۲۳- اولیایی، مصطفی. «تأثیرپذیری عراقی از بزرگان ادب و عرفان پیش از خود، تأثیر و تأثر او با هم‌عصران و تأثیرگذاری وی بر افراد بعد از خود». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ش ۱۴۸ و ۱۴۹ (زمستان ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸): ص ۱۰۴-۱۱۹.

فخرالدین عراقی در سال ۶۱۰ قمری در بخش کميجان استان مرکزی متولد شد، او از دوران کودکی در شهر همدان به تحصیل علم پرداخت و در خردسالی موفق به حفظ قرآن مجید شد. وی از هفده سالگی به سیر و سیاحت روی آورد و در هند، عراق، شام و حجاز به کسب معارف مشغول گردید و در سیر و سلوک عرفانی خویش با بزرگانی چون صدرالدین قوینوی، شیخ بهاءالدین زکریا و شمس تبریزی حشر و نشر داشت و از آنها فیض برد. در آثارش تأثیرپذیری او از بزرگانی مانند محی‌الدین بن عربی، احمد غزالی، خواجه عبدالله انصاری، فردوسی، سنایی غزنوی، ابوسعید ابی‌الخیر و عطار نیشابوری به خوبی مشهود است. بین او و دو ستاره درخشان هم‌عصرش یعنی سعدی و مولوی تأثیر و تأثر دیده می‌شود. بسیاری از بزرگان ادب بعد از عراقی از او متأثرند که از آن جمله شیخ محمود شبستری، حافظ شیرازی و جامی و... را می‌توان نام برد. باید گفت تأثیر آثار عراقی در افراد بعد از خود تا بدان پایه است که حتی در معاصران ما نیز کاملاً مشهود است که از آن جمله می‌توان به فرخی یزدی و فخرالدین مزارعی اشاره کرد. عراقی در سال ۶۸۶ قمری در شام وفات یافت و در جوار قبر محی‌الدین بن عربی به خاک سپرده شد. از آثارش فهمیده می‌شود که همه منازل سیر و سلوک را از بدایات تا نهایات سیر کرده است و بی هیچ تردیدی یکی از سه ستاره درخشان ادب و عرفان قرن هفتم هجری است.

چکیده مقاله‌ها

۲۴- ایرانی قمی، اکبر. «رساله‌ای از رسائل اخوان الصفا». (ترجمه و توضیح) مقام، ش ۴ (بهار ۱۳۷۸): ص ۶-۱۵.

این مقاله یکی از رساله‌های اخوان الصفا و راجع به موسیقی است، ضمن ارائه کلیاتی راجع به موسیقی، نغمه‌ها و الحان مختلف و تأثیرات آنها را در انسان برشمرده است. این مقاله با ارائه دلایلی، موسیقی را ابداع فلاسفه می‌شمارد. اخوان الصفا ضمن ارائه تعریفی از موسیقی، صداها را به دو گونه حیوانی و غیر حیوانی تقسیم می‌کند و اصوات حیوانی را به دو گونه منطقی و غیرمنطقی، و غیر حیوانی را به طبیعی و آلی تقسیم می‌کند. در ادامه مقاله آمده که صداها از لحاظ کیفیت به هشت نوع و از جهت کمیت به دو نوع متصل و منفصل تقسیم می‌شوند که صداها متصل خود به دو قسم زیر و بم تقسیم می‌شوند که از درآمیختن یکنواخت و یکسان آن لحن موزون به وجود می‌آید. در ادامه مقاله انواع صداها توضیح داده شده است و با توجه به شباهت علم عروض که میزان شعر است با قوانین موسیقی، در مورد علم عروض و اوزان شعر و انواع آن توضیحاتی داده است. اخوان الصفا وسایل و آلات موسیقی را ساخت اندیشمندان و حکما می‌داند و در مورد ساخت عود و طرز کار با آن توضیح داده است. اخوان الصفا علت تحریم موسیقی در بعضی شرایع را سوء استفاده برخی از هدف اصلی آن که بزرگان حکما پایه گذاری کردند، می‌داند. اخوان الصفا سپس درباره تأثیرات موسیقی و انواع نغمه‌ها در درمان امراض سخن گفته و آنها را برشمرده است. در ادامه مقاله در مورد قوانین الحان عربی که هشت اصل می‌باشد، و اقوال فلاسفه درباره موسیقی مطالبی به تفصیل بیان شده است.

۲۵- باباچاهی، علی. «محورها و مشخصه‌های شعر پسانیمایی». *کارنامه*، سال ۱، ش ۴ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸): ص ۱۰-۱۲.

شعر فارسی از نظر اختلاف در پسندهای هنری افراد جامعه در چهار عنوان جای می‌گیرد:
۱- قرائت پیش‌نیمایی؛ ۲- نیمایی؛ ۳- غیر نیمایی و ۴- پسانیمایی. در این مقاله تفاوت‌های شعر غیرنیمایی با شعر پسانیمایی به قصد توضیح و تبیین محورها و مشخصه‌های شعر پسانیمایی

کلچین

توضیح داده شده است. وزن یکی از مشغله‌های اصلی شعر غیرنیمایی است. مثلاً از یکسو وزن نیمایی را یکسره کنار می‌گذارد و در عین حال عنصر وزن را کم و بیش در برخی از شعرهایش حفظ می‌کند. در فضای تجربه‌های شعر بی‌وزن شاملو و اوزان غیرنیمایی فروغ، شاعران معاصر دست به تجربه‌هایی می‌زنند. گروهی شدیداً به وزن شاملویی می‌گرایند و عده‌ای به شعر بی‌وزن و گاه فاقد موسیقی روی می‌آورند. در هر صورت شعر امروز در گرایش‌های خود کارکردی اقتدارگرایانه از خود نشان می‌دهد و وزن یا بی‌وزنی را مانند دو نهاد مقتدر ارزیابی می‌کند. اما شعر پسانیمایی از مطلق کردن وزن یا بی‌وزنی می‌پرهیزد و با نسبی‌گرایی سراغ آنها می‌رود و معتقد است وزن، عملکردی ترکیبی دارد: ترکیب اوزان - نه لزوماً دو وزن. در قرائت غیرنیمایی مانند نیمایی، چندآوایی چیزی است در حدود رو به روی هم قراردادن چند آرم یا چند پرده آرم‌نما که نمونه برجسته آن مرغ آمین نیما است. در شعر پسانیمایی با پرش تداعی‌ها، قطع و وصل شدن عبارت‌ها و تنوع آواها روبرو هستیم. شعر پسانیمایی از شگردها و اشکالی که به تکرار و فرسایش رسیده‌اند، دوری می‌کند و معتقد است که برخی اصوات، کلمات و عبارت‌ها در شعر غیرنیمایی (و نیمایی) توان زیبایی شناختی خود را از دست داده‌اند. شعر پسانیمایی با تشبث به عناصری مانند ماه، خورشید، شب و... به عنوان مرکز ثقل زیبایی، یا زشتی که در نهایت برانگیزاننده احساسی رمانتیک یا خصلتی شبانی است در تعارض است و از لحن گفتاری شعر غیرنیمایی نیز آشنایی زدایی می‌کند. تأکید بر تصویر محوری در شکل استعاره، تشبیه، نماد و استفاده بی‌رویه از صفت‌های تصویرساز، از ویژگی‌های شعر غیرنیمایی و نیمایی است. اما شاعران پسانیمایی مانند مدرنیست‌ها و فرمالیست‌های روس با استعاره‌پردازی میانه خوبی ندارند.

۲۶- باقری، بهادر. «دودمان کشواد در دامان تاریخ و حماسه». شعر، ش ۲۵ (بهار ۱۳۷۸): ص ۲۲-۲۷.

دودمان کشواد از بزرگترین خانواده‌های پهلوانی است که بهره سترگی از نقش‌آفرینی‌های

چکیده مقاله‌ها

بخش پهلوانی شاهنامه را به خود اختصاص داده است. کشاورادگان عبارتند از: کشواد (پدر خاندان)، گودرز (پورکشواد)، گیو، بهرام، رهام، شیدوش و هجیر (فرزندان گودرز)، بیژن (پورگیو)، شیرویه و اردشیر (فرزندان بیژن)، دخت گودرز که بانوی رستم است، و نزدیک به هشتاد فرزند گودرز که همگی جان فدای زادبوم خویش می‌کنند. علاوه بر حضور فراگیر و سرنوشت سازی که این خاندان در آورده‌های ایرانیان و انیرانیان از روزگار فریدون تا کیخسرو دارند، تنی چند از آنها نقش نخست بسیاری از کشاکش‌های دلکش و بهت‌انگیز حماسی را بازی می‌کنند و گستره‌های زنده و پرسیلانی از دنیای شاهنامه را با حضور مردانه خویش درمی‌نورددند.

۲۷- بدیعی، پرویز. «یادداشت‌های منتشر نشده روزانه ناصرالدین شاه». قسمت هفتم/ *کنجینه اسناد*، ش ۳۱ و ۳۲ (پاییز و زمستان ۱۳۷۷): ص ۲۶-۴۷.

این نوشتار قسمت هفتم از سلسله مقالات یادداشت‌های روزانه ناصرالدین شاه موجود در اسناد سازمان اسناد ملی ایران است، که شامل خاطرات و یادداشت‌های روزانه وی از اول ذی‌قعدة ۱۳۰۲ قمری تا آخر محرم ۱۳۰۳ قمری است، که مصادف با اواسط مرداد تا اواسط آبان‌ماه بوده است. ناصرالدین شاه در این یادداشت‌ها به ماجراهای تفریح و شکار رفتن خود در مناطق حاشیه تهران آن زمان اشاره می‌کند. وی به مناطقی مانند چمنی کوچک، لوارک، گله گیل، ده شهرستانک، چمنی بزرگ، سلطنت آباد و غیره اشاره می‌کند. همچنین درباره مراسم آتش‌پزان و بیماری خود در سلطنت آباد و مراسم سلام عید قربان در آن محل، مراسم عزاداری، روضه خوانی و تعزیه در ماه محرم و ملاقات وزیر مختار انگلیس با وی در دوشان تپه صحبت می‌کند.

۲۸- براهنی، رضا. «انقلاب و ادبیات». *آرینه*، ش ۱۳۷ (نوروز ۱۳۷۸): ص ۱۶-۱۹.

این مقاله در پی بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر ادبیات و بررسی بحران ادبی در طول بیست سال گذشته در ایران است. انقلاب نوعی جابجایی ارزشی در حوزه ادبیات و تاریخ ادبیات پدید

آورده است، که باید آن را به عنوان پدیده‌ای در ذات و هستی خود طرح کنیم و بشناسیم. از بیست سال پیش ما با پدیده‌ای به نام بحران رهبری ادبی در ایران مواجه هستیم که با خود پدیده‌های ادبی، انواع و اجناس ادبی و با نسبت‌ها و اولویت‌های ادبی سر و کار دارد، نه با اشخاصی که ادبیات را به وجود می‌آورند. این بحران به این دلیل پدید می‌آید که پدیده موضوع روایت چنان اهمیت پیدا می‌کند که هر کس روایت خود را از موضوع ارایه می‌دهد. این بحران هم ادبیات موافقان و هم ادبیات مخالفان را شامل می‌شود. برای بررسی بحران رهبری حاکم بر ادبیات بیست سال گذشته، می‌توان قدری به عقب برگشت و پاره‌ای از مفروضات اصلی و داده‌های اساسی ادبیات پس از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی را در دستور کار قرار داد. بعد از انقلاب مشروطیت نوعی همسایگی با فرهنگ غرب پیدا کردیم. گفتمان جدیدی به نام غرب و ترکیب آن با گفتمان سنت ما در دستور کار آفرینندگان فرهنگی ما حضور پیدا کرد ما گام در عرصه‌ای گذاشتیم که نویسنده مقاله از آن به نام حوزه مرگ یاد کرده است. مشخصه اصلی ادبیات پس از مشروطیت، تجزیه شدن و قطعه قطعه بودن آثار است. گفتمان‌های نو در دهه چهل می‌خواهند دست رد بر گفتمان وهنی که بیست و هشت مرداد به وجود آورده بود بزنند و ثانیاً به دنبال این هستند که این دهه را به عنوان دهه‌ای بزرگ در تاریخ فرهنگ ایران به ثبت برسانند. انقلاب اسلامی گفتمان جدید اسلام و غرب را افتتاح می‌کند. اولویت ادبی ما بعد از انقلاب عوض می‌شود و انقلاب اولویت هزار و صد ساله شعر را عقب می‌زند و اولویت رمان و روایت را جلو می‌آورد. در ادامه مقاله وضعیت ادبیات ایران در طول سال‌های پس از انقلاب به تفصیل بیان شده است.

۲۹- برجیان، حبیب. «سیری در تاریخ اقوام ایرانی زبان اروپای شرقی». *ایران‌شناخت*، ش ۱۱ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۱۴۲-۱۷۷.

در دورانی که مادها و هخامنشیان و اشکانیان بر فلات ایران حکومت می‌کردند، گروه‌های دیگری از طوایف ایرانی زبان در سرزمین‌های جنوبی اروپای شرقی فرمانروایی داشتند. سکاه

چکیده مقاله‌ها

و سرمت‌ها شاخص‌ترین اقوام ایرانی شمالی‌اند که سرنوشت روسیه جنوبی و اوکراین را به مدت هزار سال در دست داشتند. (از اواخر سده هفتم قبل از میلاد تا سده چهارم میلادی) منابع اساسی شناخت این دو قوم یکی آثار کتبی یونانی و رومی و اسناد میخی آشوری و بابلی و هخامنشی و دیگری هزاران مقبره‌ای است که از رؤسا و افراد عادی این قبایل به جای مانده است. در میان نوشته‌های کثیری که راجع به سکاها از نویسندگان و شاعران یونانی و رومی باقی مانده است، ممتازتر از همه، کتاب هرودوت است. منابع یونانی و رومی موید فرمانروایی چهارصد ساله سکاها بر ناحیه‌ای از شمال دریای سیاه است که حدود فعلی اوکراین، مجارستان و رومانی است. این منطقه را سکائیة می‌خواندند. بارزترین ویژگی قوم سکاها پرورش اسب و جنگاوری و آشنایی آنها با فنون سواره نظام است. در ادامه مقاله به تفصیل در مورد جنگاوری، زندگی و فرهنگ، تمدن، روابط و داد و ستد، و گروه‌های سکایی توضیح داده شده است. زوال پادشاهی بزرگ سکا با آمدن اقوام تازه نفس سکایی که سرمت نامیده می‌شوند از شرق رود رن به سکائیة آغاز شد. در تاریخ اقوام ایرانی زبان شمالی سرمت‌ها جایگاه ممتازی دارند و دامنه حضور آنان سراسر دشت‌های اروپای شرقی را در بر می‌گیرد. تاریخ سرمت‌ها به دو دوره تقسیم می‌شود در دوره اول سرمت‌ها همان طوایف کوچنده‌ای در همسایگی شرقی سکا‌های اوکراین هستند که توسط مورخین یونانی ستورمت خوانده می‌شوند. دوره دوم زمانی است که مهاجران سرمتی بر سکائیة استیلا می‌یابند و سکاها را در خود مستهلک می‌کنند و تا قرن چهارم میلادی بر اروپای شرقی فرمان می‌رانند. رواج اصطلاح سرمت مربوط به همین دوره است. در ادامه مقاله راجع به هر دو دوره و شیوه زندگی، فرهنگ، تمدن، جنگاوری و سرانجام زوال سرمت‌ها به تفصیل مطالبی بیان شده است.

۳۰- بشاش کنزق، رسول. «کاسی‌ها و قرائت کتیبة زبان بابلی میانه (کاسی) منقور بر یک قبضه شمشیر دوره کاسی». *موزمها*، ش ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۷۷): ص ۵۷-۵۹.

قوم کاسی در قسمت‌های مرکزی زاگرس ساکن بوده‌اند. نخستین اشاره به این اقوام در متون

عیلامی در اواخر هزاره سوم قبل از میلاد آمده است. در هزاره دوم قبل از میلاد این قوم در شمال بابل مستقر شدند و مدت ۵۷۶ سال بر بابل فرمانروایی کردند. شاهان کاسی از نژاد هند و اروپایی و از یک طبقه اشراف و نظامی بوده‌اند. بررسی اسناد آن دوره نشان می‌دهد که زبان و مذهب رایج در بابل پس از تصرف این سرزمین حفظ و تقویت شده است. اسناد و مدارک دوره کاسی در مقایسه با دوره نخستین سلسله بابل بسیار ناچیز و غیرقابل مقایسه است، ویژگی‌های این اسناد عبارتند از: «تاریخ‌گذاری اسناد بر حسب شماره سال‌های حکومت هر شاه»؛ «ابداع و به کارگیری کودورو (سنگ مرزی) که قطعه سنگی است محتوی فرمان تفویض زمین توسط شاه به عوامل و رعایای خاص». نمونه‌های دیگر از هنر کاسی مهرهای سیلندری خط دار است. از جمله آثار دوران کاسی که در این مقاله معرفی شده یک قبضه شمشیر برنزی است که در موزه تبریز نگهداری می‌شود. کتیبه‌ای به خط میخی و زبان بابلی میانه (دوره کاسی) در بین قبضه و تیغه شمشیر جای دارد که نوشته است «از سیماش شیخو، شاه عالم». این شمشیر چهارمین سند مربوط به این پادشاه است. این پادشاه دوره بابلی میانه در منطقه بطایح یعنی جنوب غربی بین‌النهرین و در فاصله ۱۰۵۷-۱۰۲۴ قبل از میلاد فرمانروایی داشته است. به گفته دیاکونف، وی آخرین پادشاه دوره کاسی است.

۳۱- بقایی (ماکان)، محمد. «اقبال، شریعتی و مفهوم «انال‌الحق»». *دنیای سخن*، ش ۸۴ (اسفند ۱۳۷۷): ص ۸۰-۸۲.

مقاله حاضر تحقیقی است تطبیقی، با نظرانی تازه در مفهوم «انال‌الحق» و دیدگاه‌های دو متفکر بزرگ معاصر اقبال و شریعتی در خصوص آن. «انال‌الحق» گفته معروف منصور حلاج است که با نام وی مترادف شده، و به معنی «من حق هستم» و یا «من خدا هستم» می‌باشد. فقها و محدثان، پس از این سخن منصور را کافر خواندند و او را کشته و سوزاندند و خاکسترش را به آب ریختند. اندیشه او پس از مرگش در میان مردم ریشه می‌دواند و ابتدا پیروان وحدت وجود این بانگ معروف حلاج را به عنوان شعار اصلی مشرب‌شان می‌پذیرند. برای صوفی همه چیز

چکیده مقاله‌ها

خداست و خود او هم یکی از چیزهاست و به خود حق می‌دهد که بگوید «من خدا هستم». این سخن در آثار عطار، ابن عربی، شبستری، عراقی و دیگران منعکس شده است و در تصوف غربی هم دیده می‌شود. شریعتی در کتاب *روشن‌شناخت اسلام*، حلاج را تا حد یک دیوانه تنزل می‌دهد. ولی تحقیقات جدید در مورد حلاج نشان می‌دهد که او به هیچ روی مشرب و حدث وجودی نداشته بلکه یک ثنویت‌گرای بی‌چون و چرا و معتقد به برتری خدا بوده و آنچه می‌گفته کاملاً از روی دانایی و آگاهی بوده است. از آنجا که فلسفه اقبال مبتنی بر کثرت‌گرایی است، او خدا را هم یک «خود» یا «فردی» از افراد می‌داند، منتهی متعالی‌ترین فرد. وی برخلاف شریعتی نه تنها «اناالحق» را مردود نمی‌شمارد، بلکه از مرز جنون هم درمی‌گذرد و مفهوم «اناالحق» را پشت سر می‌نهد، زیرا جنون را قبایی برازنده عقل می‌داند. از دیدگاه او عقل وقتی حقیقت ناب می‌شود که با جنون یا عشق و اشراق بیامیزد. این یکی از خصایص انسان آرمانی اقبال است. بنابراین انسان آرمانی اقبال از «اناالحق» هم می‌گذرد. چنانکه خدا در پی دیدارش برمی‌آید و برای یافتنش بهانه‌ها می‌آفریند.

۳۲- بکاء، اصغر. «سعدی و موسیقی: ماهیت سماع «سماع در شعر سعدی»».

هنرموسیقی، ش ۷ (بهمن ۱۳۷۷): ص ۲۰-۲۲.

سماع به خوانندگی و نوازندگی و پایکوبی اهل تصوف اطلاق می‌شود و آداب و رسوم خاص داشته که هنوز نیز در میان برخی فرقه‌های تصوف معمول است. سماع که در نزد بعضی از متشرعین و فقها مذموم است و گناه شمرده می‌شود نزد اکثر بزرگان صوفیه از راه‌های مهم وصول به حالت وجد شمرده می‌شود. حالت وجد را در قلب ایجاد می‌کند که این حالت حرکات بدنی به وجود می‌آورد که اگر غیر موزونی باشد اضطراب، و اگر موزونی باشد کف زدن و رقص است. صوفیه سماع را آرام دل عاشق و غذای جان و دوی درد سالک می‌شمارند و معتقدند ترانه دل‌نواز ریاب و بانگ جانسوز نی سبب جمعیت حال و آرامش روح عارف است. پاره کردن خرقة و کندن و دریدن و دور انداختن آن عبارت از این است که چون صوفی در

کلچین

حال و غلبه شور و وجد و آشفته‌گی پشت پا به دنیا زده و سردست به کائنات می‌افشاند جامه پاره می‌کرده و به طرف خوانندگان و نوازندگان یا حضار می‌انداخته است. بعضی متصوفان با سماع مخالف بوده و برخی عرفا نیز جواز سماع را مقید به قیودی نموده‌اند، از قبیل اینکه بر آیات قرآن سماع و وجد شود نه بر اشعار، یا لا اقل بر اشعاری که صحبت از مسائل دینی باشد. در این مقاله نمونه‌هایی از سخنان حکما در مورد سماع آمده و سپس غزلیات و رباعیات سعدی که در مورد این مقوله می‌باشد، آورده شده است.

۳۳- بلادی، محمدرضا. «نقد موسیقی شهرستان: موسیقی بوشهر». *هنر موسیقی*، ش ۷ (بهمن ۱۳۷۷): ص ۳۰-۳۱.

این مقاله به بررسی نوارهایی که تحت عنوان موسیقی بوشهر به بازار ارائه شده پرداخته و از جنبه‌های مختلف کارشناسی نقد کرده است. این ترانه‌ها در دو قالب اصیل و بومی و قالب مدرن و امروزی اجرا شده است. در قسمت نی انبان یا نی جفتی دو ایراد (ترتیب سازها، قرار گرفتن ترانه‌های اجرایی جفتی در کنار دمام و دیره) وجود دارد. طی تحقیقات انجام شده هم‌نوازی دمام و نی انبان یا نی جفتی در دو دهه اخیر در اذهان مردم بوشهر جایگاهی ندارد و استفاده خاص داشته است (در مراسم مذهبی سنج و دمام و یا بعضی مراسم خاص مانند دم دم سحری و یا بعضی مراسم دریانوردی). نوازنده نی انبان ترانه‌هایی اجرا می‌کند که غیر بوشهری است. در یزله قسمت اول و دوم نیز اشتباهاتی ذکر شده است.

۳۴- بهزادی اندوهجردی، حسین. «منظومه شمس‌ی ادبیات ایران». *کلیک*، دوره جدید، ش ۷-۹ (دی - اسفند ۱۳۷۷): ص ۵۰-۵۹.

نویسنده در این مقاله با الهام از مجموعه منظومه شمس‌ی و با جستجو در ادبیات ایران اسلامی، چنین مجموعه‌ای را تصور کرده است. در این منظومه قرآن به مثابه خورشید است و آثاری که به تبع و تحت تأثیر آن پدید شده‌اند و روشن‌گر فرهنگ و ادب ما گشته‌اند به ترتیب

چکیده مقاله‌ها

پیدایش عبارتند از: شاهنامه فردوسی، حدیقه الحقیقه سنایی، مخزن الاسرار نظامی، منطق الطیر عطار، مثنوی و غزلیات شمس مولانا جلال‌الدین مولوی، بوستان سعدی، غزلیات حافظ و... که همه بدون استثنا از خورشید وحی الهی قرآن نور می‌گیرند و روشنی بخش آسمان ادب و فرهنگ ایران زمین شده و می‌شوند. در ادامه مقاله، نویسنده قسمت‌هایی از آثار مذکور را آورده و ارتباط آنها را با آیات قرآن بیان کرده است. و در پایان چنین نتیجه‌گیری کرده است که: قرآن کتاب هدایت است و این هدایت در همه جوانب مادی و معنوی انسان راهنما و مشکل‌گشاست، از خودسازی و تزکیه نفس گرفته تا رفتار با خانواده و جامعه و کسب و کار و مسائل سیاسی و اقتصادی و... بنابراین شگفت نخواهد بود اگر نور تعلیمات الهی و معارف انسان‌ساز ستارگان قدر اول آسمان ادب و فرهنگ ایران را که چون خورشید همه جا تاب و همه کس نواز است از کلام الله و تعلیمات رسول اکرم بدانیم.

۳۵- بهزادی، رقیه. «پایه‌های تعالیم زرتشت، مانی و مزدک». فرهنگ کرمان، ش ۲ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۱۸۳-۱۹۹.

زرتشت پیامبر ایرانی از خانواده سپیتامان است. درباره اصل و نسب او اختلاف نظر وجود دارد. وی به دربار ویشتاسپ پناه می‌برد و ویشتاسپ آیین او را می‌پذیرد. اوستا کتاب مقدس زرتشتیان است و تنها بخش کوچکی از آن یعنی گاهان را می‌توان به زرتشت نسبت داد. در گاهان زرتشت بصورت شخصیت واقعی و انسانی ظاهر می‌شود. زرتشت می‌کوشید آداب غرب ایران را که پیشرفته‌تر بودند در شرق رواج دهد. جوهر تعالیم زرتشت را از جمله‌ای از یسن ۳۰ می‌توان استنباط کرد. دو گوهر همزادی که در اندیشه آدمی پدیدار گشتند یکی «سپتامینو» یعنی نیکی در اندیشه و گفتار و کردار و دیگر «انگره مینو» یعنی اندیشه بد است. از میان این دو، دانا نیک را برمی‌گزیند و نادان بد را. این جوهر اخلاقیات زرتشت است که بعدها به صورت یک نظام گسترده جهانی درآمد. اعتقادات، مقدسات و اسطوره‌های نیکی و بدی زرتشتیان در ادامه مقاله توضیح داده شده است. آتشکده‌های زرتشتی دارای ظرفی است که در آن آتش

کلچین

مقدس می‌سوزد و گاهی ادویه خوشبو روی آن می‌پاشند. دعاخواندن شامل خواندن چند آیه از اوستا در روز است. هر ماه و روز حامی و نگهبانی خاص خود دارد. جشن‌های عمده عبارتند از: نوروز، روزهای مردگان، پیشکشی و تقدیم هئومه. می‌گویند هنگام مرگ روان مزدایی سه روز در خانه می‌گردد. سپس به سوی دخمه برج‌های سکوت راهنمایی می‌شود و به دادگاه داوری پر می‌کشد و سپس نزد میترا، سروش و رشن بار می‌یابد. شایستگی و عدم شایستگی او در ترازویی وزن می‌شود. تعالیم زرتشت پس از گسترش یافتن در میان مغان سراسر ایران را فراگرفت. در مورد پیوستگی مانویت با دین زرتشتی هرگز تردید نشده است. ثنویت مانوی به همان اندازه ثنویت مزدایی افراطی و جهانی است و دو اصل جاودان و مشخص را می‌پذیرد. در نظام زاهدانه مانویت یک اصل سه‌گانه مربوط به دهان و دست‌ها و سینه وجود دارد که شبیه اصل سه‌گانه اندیشه نیک و گفتار نیک و کردار نیک زرتشتی است. در مانویت همان تأکیدی که بر طهارت در زرتشتی وجود دارد نیز دیده می‌شود. مانویت را در واقع می‌توان یک فرقه مزدایی دانست که تحت تأثیر عقاید مسیحی است. آیین مزدک در سده ششم رواج یافت و بیشتر جنبه اجتماعی داشت تا دینی و از فرضیه گروه‌گرایی و اشتراک زنان دفاع می‌کرد. عقاید مزدکیان شبیه مانویان است. گرچه مزدک مؤسس آن شناخته شده، اما کریستین معتقد است او مبلغ این مذهب بوده و بنیانگذار آن زرادشت خورکان از مردم فارس بوده است، و گویا این فرد بدعت‌هایی در آیین مانوی آورد و آیین خود را در ایران تبلیغ کرد که پیروان او درست دینان خوانده می‌شدند.

۳۶- بهزادی، رقیه. «هوریانی‌ها (قوم‌های کهن)». *جیستا*، ش ۱۵۴ و ۱۵۵ (دی و بهمن ۱۳۷۷): ص ۳۴۶-۳۵۶.

این مقاله راجع به خاستگاه، ترکیب قومی، زبان، خط، دین، هنر و فرهنگ و تمدن، آثار به جامانده و طرز زندگی قوم هوریانی است. این قوم در هزاره دوم پیش از میلاد در نواحی شمالی دجله و در دامنه‌های زاگرس می‌زیستند و سپس به سوی غرب و سوریه پیش رفتند و برخی از

چکیده مقاله‌ها

سلسله‌های آشور را برانداخته و دولت میتانی را تشکیل دادند و «واسوکانی» را به پایتختی برگزیدند. زبان این قوم با زبان اورارتویی خویشاوندی نزدیک داشت. دین هوریانی‌ها با کیش سرزمین‌های غربی ماد قدیم و تا اندازه‌ای آشوریان از یک نوع بوده است و تصاویر موجودات عجیب‌الخلقه نیمه دال و نیمه انسان و ابوالهول‌های بالدار و حیوانات شگفت‌انگیز تخیلی از ویژگی‌های کیش آنان است. هوریانی‌ها را می‌توان عنصری در تمدن خاور نزدیک دانست، دلیل این مدعا نام‌های هوریانی در الواح اکدی، در چغار بازار، در کنار رود خابور است که نشان دهنده دستیابی قوم هوریانی به تجارت پردرآمد بین‌النهرین است. از آثار به جا مانده قوم هوریانی می‌توان به ظروف معروف به خربت کرک اشاره کرد که در چتل‌هویوک و نواحی دیگر از جمله در دشت آموق انطاکیه به دست آمده است. همچنین تنوری به شکل نعل اسب در تل جدید کشف شده است. بررسی آثار تاریخی و سبک خانه‌های منطقه ماورای قفقاز مربوط به حدود سه هزار سال قبل از میلاد که در آن منطقه کشف شده، مشخص می‌شود اصل و منشاء این فرهنگ مربوط به سرزمین سوریه و بین‌النهرین و قوم هوریانی است که نشان دهنده وجود روابط تجاری و بازرگانی بین دو منطقه است.

۳۷- بیاتی، علی اصغر. «موسیقی مقامی خراسان». مقام، ش ۴ (بهار ۱۳۷۸): ص ۱۴۴-۱۴۷.

خراسان یکی از مراکز مهم موسیقی است که سابقه هنر موسیقی در آن به هزاران سال می‌رسد و اساس و پایه تحقیقات علمی بسیاری از دانشمندان است. بنا به گفته موسیقیدانان پایه و اساس گام‌های شرقی و غربی بر «پرده‌بندی» تنبور خراسان تکیه دارد. صفی‌الدین ارموی از تأثیر موسیقی خراسان به نتایج مهمی دست یافته و گام وی را کامل‌ترین گام می‌دانند که تاکنون تدوین شده است. این گام از پرده‌بندی تنبور خراسان اخذ شده و دو گام منصوب به فیثاغورث و زارلن نیز از پرده‌بندی مزبور قابل استخراج است. در منطقه قوچان اقوام ترکمن، فارس و کرد مهاجر با هم آمیخته و فرهنگ موسیقایی مستقل و بارزی که جمع بین سه سبک

کاجین

موسیقی است به وجود آورده‌اند. موسیقی قوچان به ویژه سبک دو تار نوازی آن حائز اهمیت است. از سیم زیر این ساز برای اجرای اجزای نغمه‌ها استفاده می‌شود. استفاده از سیم بم یا لایای این ساز در قوچان و تربت جام متفاوت است. سازهای متداول در منطقه قوچان عبارتند از: دوتار؛ سرنا یا سورنا (زرنا یا زورنا)، دهل، قوشمه یا قشمه، دایره یا دیره، کمانچه، نی، بوق (که برگرفته از شاخ حیوان جنگلی یا بزکوهی است). موسیقی تربت جام به دو قسمت با کلام و بدون کلام تقسیم می‌شود. از مهم‌ترین مقام‌های بدون کلام «الله» و «مشق پلستان» است. مقام الله شامل هفت قسمت است: الله، رجل، مرغ زیرک؛ مرغ سقا، کوک ذری (کبک زری)، شور شیرین، ورد اعظم. از میان مقام‌های آوازی می‌توان به نوایی و سرحدی اشاره کرد. مقام سرحدی شامل غزلیات سرحدی و دوبیتی‌های سرحدی است. مقام نوایی از مقام‌های بسیار کهن و با آن غزل خوانده می‌شود. از بزرگان موسیقی تربت جام می‌توان به یوسف خان تیموری، استاد اسماعیل و نظر محمد سلیمانی اشاره کرد. از اشخاص فعلی نیز می‌توان از عبدالله سرور احمدی نام برد. موسیقی قوچان نیز به دو قسمت با کلام و بدون کلام تقسیم می‌شود. از میان مقام‌های با کلام می‌توان به نوایی، تجنیس، نصیحت و زارنجی و از جمله مقام‌های بدون کلام می‌توان به قره‌جه بایر، شترزنگ، آلاقیث و آقانور - مقام لرباشی و یک بخش از مقام حجبی قلاق اشاره کرد. یکی از خصیصه‌های موسیقی قوچان ریزهای پر و مداوم و خوش آهنگی است که با ترکیب شلیه و برگردان‌های متنوع، تداوم و استحکام کم نظیری در موسیقی منطقه به وجود آورده است. از اساتید موسیقی منطقه قوچان می‌توان به استاد حاج قربان سلیمانی اشاره کرد که به ابداع چند پنجه جدید توفیق حاصل کرده و مقام‌هایی از جمله گزل نه گزل، پیران، و یک نوع شاه‌ختایی را براساس آنها تدوین کرده است.

۳۸- پرتوی، پروین. «تداوم تاریخی در معماری و شهرسازی ایران: اصول و مفاهیم».

هنرنامه، ش ۲ (بهار ۱۳۷۸): ص ۱۰۶-۱۲۹.

هدف اصلی در این مقاله اصول و مفاهیمی بوده است که در طول تاریخ شهرسازی ایران

چکیده مقاله‌ها

دارای تداوم و استمرار بوده و در رشد، اعتلا و شکوفایی معماری و شهرسازی ایران مؤثر بوده‌اند. جهت نیل به این منظور، از شیوه مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شده است. ویژگی این بررسی توجه به اصول و مفاهیم غیرکالبدی در کنار خصایص کالبدی است. اصولی چون تبادل و تعامل مثبت فرهنگی؛ جاری و ساری بودن ارزش‌های معنوی و اخلاقی در حیات اجتماعی و تجلی آن در معماری و شهرسازی؛ رونق مبادلات تجاری و پرهیز از اقتصاد مصرفی؛ حمایت دولت از دانشمندان، متخصصان و هنرمندان؛ پیوستگی با گذشته و احترام به آن؛ از جمله مهم‌ترین مواردی بوده است که بر اساس این بررسی، تداوم و استمرار آن در معماری و شهرسازی ایران تا قرن سیزدهم هجری به اثبات رسیده و می‌توان آنها را از مهم‌ترین دلایل میراث فرهنگی غنی ایران در این زمینه دانست. آنچه که می‌توان از ماحصل این مقاله برداشت کرد چنین است: معماری و شهرسازی ایران تا قرن سیزدهم هجری شامل مجموعه‌ای از با ارزش‌ترین بناها و فضاهای شهری بوده است؛ اطلاعات فعلی از چندی و چونی این میراث تاریخی به حد چشیدن قطره‌ای از دریاست که آن هم در صورت هم‌ذائقه شدن با غربی‌ها میسر است؛ سیر اندیشه و عمل انسان غربی، عدم کفایت فردگرایی محض را در نیل به سعادت بشری نشان می‌دهد؛ در عرفان اسلامی، انسان موجودی دو بعدی است که ساحت اصلی او، عالم ملکوت است و قدرت خلاقیت او نیز درک این عالم نهفته است؛ با بررسی تحلیلی معماری و شهرسازی ایران می‌توان به اصول ماندگاری دست یافت که توان انطباق با نیازهای جدید را داشته که غالباً منشاء الهی و عرفانی دارد. در صورت اثبات فرض پنجم، اصول مذکور می‌توانند بهترین و مناسب‌ترین راه کارهای احیای ارزش‌های گذشته در معماری و شهرسازی معاصر ایران در بستر یک تداوم تاریخی باشند.

۳۹- پرهام، سیروس. «جلوه‌های اساطیری و نمادهای نخستین در قالی ایران». نشر دانش، سال ۱۶، ش ۱ (بهار ۱۳۷۸): ص ۴۰-۴۷.

قالیبافی و سفالگری کهن‌ترین هنرها هستند. این دو هنر (و کمابیش معماری) هنرهای اعظم

کلی‌بن

این سرزمین هستند و در طول تاریخ نقوش سفالینه‌ها و قالی‌ها با یکدیگر پیوند و پیوستگی داشته‌اند که این پیوستگی برای شناخت تمدن و فرهنگ ایران اهمیت دارد، چون پژوهش در آنها می‌تواند پاره‌ای از زوایای تاریک تاریخ گذشته ما و تاریخ هنرهای ایرانی را روشن کند. هیچ یک از نقوش اشیاء دوران‌های پیش از تاریخ و دوران‌های نخستین تاریخی، جنبه تزئینی صرف و دکوراتیو نداشته و همگی برآمده از نیازها و باورهای جامعه تولیدکننده بوده است. باتوجه به اینکه سرزمین ایران، سرزمینی خشک و کم‌آب است، بیشترین نمادها و نقوش و نگار اشیاء به گونه‌ای مرتبط با آب و باران و کشت و زرع و باروری خاک بوده است. از خوشه گندم تا درخت، همچنین ماه، بزکوهی، مرغان و پرندگان که در اساطیر نماد آب و بارانند. از دیگر نمادها، خطوط مستقیم یا شکسته موازی بوده که نماد آب بوده است، همچنین نشان دادن بارش باران با خطوط موازی شانه مانند، سه گوش‌های پیوسته که نشانه رمزی کوهسار است. اسطوره‌ها و نمادهای بافته شده بر قالی‌های ایلپاتی و روستایی نیز نمادهای رمزی و اسطوره‌ای آب و باران است. نمادهایی مانند خطوط شکسته (مجسم کننده آب‌های متلاطم و امواج)، نوار شطرنجی سر و ته دستباف (تصویر جویبار متلاطم)، درخت سرو، مرغ پیک باران، ترنج (نشانگر حوض و آبگیر)، طرح بسیار رایج لچک و ترنج، پیوند مرغ و گیاه (با این مفهوم که مرغان پیک باران و پاسدار درخت مقدس هستند)، از دیگر طرح‌های قالی ایرانی گیاهان سه شاخه یا سه گل نماد رمزی مواضع سه گانه خورشید در آسمان بوده است، همچنین طرح‌های درخت سه کنده در قالی‌های تبریز، طرح ماهی یا ماهی درهم که در نقاط مختلف ایران بافته می‌شود.

۴۰- پورجوادی، نصرالله. «سعدی و احمد غزالی». نشر دانش، سال ۱۶، ش ۱ (بهار ۱۳۷۸): ص ۳-۱۶.

سعدی در تاریخ ادبیات فارسی بعنوان شاعری بزرگ و نویسنده‌ای توانا و ادیبی فرزانه شناخته شده است. جامی و جنید شیرازی وی را در زمره عرفا و صوفیان ذکر کرده‌اند. تربیت

چکیده مقاله‌ها

سعدی تربیتی صوفیانه بود. او مدتی در نظامیه بغداد درس خوانده بود. جایی که محمد غزالی و برادرش احمد تدریس کرده بودند. در بغداد سهروردی را دیده و به وی دست ارادت داده بود. وی در بغداد مجال بیشتری برای آشنایی با اهل تصوف و مطالعه آثار صوفیه را داشته است. سعدی از لحاظی با احمد غزالی و مکتب او پیوند داشته است. شهاب الدین سهروردی برادرزاده و مرید ضیاءالدین ابوالنجیب سهروردی بود و ابوالنجیب یکی از فریدان و بعداً یکی از خلفای احمد غزالی مذهب تصوف عاشقانه را در کتاب *سوانح* شرح داد و شواهدی مبنی بر آشنایی سعدی با این کتاب وجود دارد. یکی از این قراین شباهت *سوانح* صوری *سوانح* با *گلستان* سعدی است. شیوه تألیف *گلستان* بسیار نزدیک به *سوانح* است. کتاب‌های زیادی به تقلید از *سوانح* نوشته شده است. سعدی نیز در همین دوره به سرمی‌برد و منطقی است تصور کنیم او نیز این کتاب را مطالعه کرده و از آن الهام گرفته باشد. غزالی بارها به بغداد سفر کرده و در آنجا مجالس معروفی گفته بود. مجالس سعدی تا حدودی شبیه به این آثار احمد غزالی است و بعید نیست سعدی آنها را خوانده و تحت تأثیر آنها واقع شده باشد. بعضی محققان معاصر از جمله ملک الشعرای بهار درباره نثر سعدی گفته‌اند که شبیه به نثر خواجه عبدالله انصاری است. زمانی که بهار در مورد نثر سعدی و شباهت‌های آن با نثر خواجه عبدالله انصاری قضاوت می‌کرد *سوانح* و آثار دیگر غزالی هنوز چاپ و منتشر نشده بود و بهار از آنها خبر نداشت. شایسته است محققانی که درباره سعدی و تأثیر نویسندگان قبلی در آثار او تحقیق می‌کنند به جای تکرار سخنان بهار، به کتاب *سوانح* نیز رجوع کنند و مشابهت آثار سعدی را با آن در نظر بگیرند.

۴۱- پوررضا، فریدون. «یادداشت‌های پراکنده درباره موسیقی فولکلوریک گیلان».

گردآوری و تنظیم کورش بزرگپور، *هنر موسیقی*، ش ۷ (بهمن ۱۳۷۷): ص ۲۵-۲۷.

ترانه‌ها و آواهای فولکلوریک دارای اهمیت ویژه و بازگوکننده بخش وسیعی از آداب و رسوم یکپارچگی زمان خود به شمار می‌آیند. موسیقی محلی هر منطقه و استان کشور از یک یا دو دستگاه و مایه متعلق به آنها بهره می‌گیرد. ترانه‌ها و آهنگ‌های اصیل به طور کلی و

دست‌آوردهای خطه گیلان بالاخص، سازنده مشخص ندارند و شاعر آنها نیز شناخته شده نیست و تحت تأثیر عوامل محیط از زبان جمع درآمده و خوانده شده است. این گونه تصانیف به مردم تعلق دارد. بخش کنایات آن معمولاً در مذمت و نکوهش احوال و مسایل مربوط به روستا است و گاهی در تقبیح شیوه زندگی بعضی از افراد منفور و ظالم ده و زمانی برای سرکوفت دختران سبک رفتار و بدحجاب که از حریم اخلاق خارج شده‌اند و بر اخلاقیات روستا زخم وارد کرده‌اند. گیلان به ویژه قسمت دیلمانش مستغرق شور و حال دشتی است، گیلان بعد از کردستان بیشتر از مناطق دیگر در قلمرو دستگاه‌های ایرانی به تفریح نشسته است. شوشتری و گاهی چهارگاه و در بعضی موارد نوانیز در آهنگ‌های اصیل این منطقه جا باز کرده‌اند که البته شور جایگاه رفیع دارد. به طور کلی موسیقی گیلان به دو بخش ترانه‌ها و آواها که این قسمت با کلام همراه است و قسمت دیگر ملودی بدون کلام که شامل ملودی‌های کش‌دار و ملودی‌های ضربی که به رنگ محلی معروفند تقسیم می‌شود. ترانه‌ها شامل چندین قسمت عاشقانه، غمگنانه، شاد، حماسی، سرود، عزا و کنایات است. آواها شامل قطعات و ملودی‌های قاسم‌آبادی، اشکوری، زرد ملیحه، گلنگشی، لیلی ماری، گوسفند دخوان، محمود بیگ و... است که با سازهایی مثل نی و سرنا اجرا می‌شود و کلام ندارد، بیشتر این آواها در موسیقی ایران به ثبت نرسیده‌اند. آن قسمت از موسیقی اصیل گیلان که تا حدودی از دستبرد زمان محفوظ مانده، بیشتر در شرق و غرب گیلان شنیده شده تا مرکز استان.

۴۲- تاجیک، محمدرضا. «غیریت و هویت: شکل‌گیری گفتمان انقلابی در ایران».

پژوهش‌نامه متین، ش ۱ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۸۳-۱۰۵.

در دهه‌های آغازین قرن بیستم در ایران، پس از کودتای ۱۲۹۹ رضاخان، شاهد پیدایش نوعی گفتمان در جامعه ایران هستیم، که نویسنده مقاله از آن با عنوان «پهلویسم» یاد می‌کند. عناصر سازنده چنین گفتمانی عبارت بودند از: شونیسیم (ناسیونالیسم ایرانی افراطی) شبه مدرنیسم یا مدرنیسم کاذب (Pseudo Modernism) و سکولاریسم. در این گفتمان بازسازی

چکیده مقاله‌ها

هویت ملی با بهره‌جویی از میراث فرهنگی و تاریخی باستان‌گرا و جهت همت قرار گرفت. همه تلاش‌ها در جهت تقویت گرایش‌های ناسیونالیستی و جانشین کردن اسطوره‌ها و فرهنگ کهن شاهنشاهی به جای باورها و اعتقادات اسلامی در ذهن مردم بود. هواداران این شیوه گفتمان، با اسلام به مثابه پدیده‌ای بیگانه و تحمیلی بر سرزمین کوروش و داریوش می‌نگریستند که هدف آن آلوده کردن اصالت و هویت شفاف این مرز و بوم بود. بعد از انقلاب اسلامی در ایران گفتمانی شکل گرفت که نویسنده از آن با عنوان «گفتمان انقلابی» نام می‌برد. در این گفتمان، اسلام، دینی تعریف شد که سیاستش و عبادتش در هم ادغام شده بود و احکام اخلاقیش هم سیاسی بود. از ویژگی‌های گفتمان اسلام انقلابی، مقبولیت آن و مبتنی بودن آن بر نظام صدقی (truth regime) حاکم بر جامعه بود. امام خمینی (ره) در استعلای چنین گفتمانی نقشی برجسته و انکارناپذیر داشت، این گفتمان توانست بازتاب دقایق انقلابی سایر گفتمان‌ها در سطح جامعه ایران باشد.

۴۳- توحیدی، فائق. «بررسی‌های هنری و کاربردی ظروفی به نام ریتون (ساغر) در هنر ایران». *موزه‌ها*، ش ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۷۷): ص ۲۴-۴۷.

ریتون واژه‌ای است یونانی که به ظروف یا جام‌های شاخی شکل اطلاق می‌شود. استفاده از این ظروف که شاخی شکل و یا جام‌های انتهای آن کشیده و به شکل سر حیوان درآمده است، به طور حتم جنبه تزئینی و آیینی دارد. قدیمی‌ترین کاربرد آنها جنبه مذهبی داشته است. بعدها با گسترش اعتقادات و شیوه‌های برگزاری مراسم و آیین‌ها، شکل ظروف از حیوانات به شکل جام‌هایی بانمادی از حیوانات تغییر شکل داد و ساختن ظرف‌های تلفیقی و حجم‌هایی که با نشان دادن حالاتی از انسان یا مظاهری از قدرت‌هایی از حیوان ترکیب شده‌اند، متداول گردید. این شیوه در هنر ایران جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داد. بهترین واژه جانشین «ریتون» در فرهنگ فارسی «ساغر» است که در فرهنگ به معنی جام و پیاله آمده است. برای بررسی پیشینه تاریخی این هنر از قدیمی‌ترین دوران می‌توانیم آن را به انواع زیر طبقه‌بندی

کنیم: ۱- ساغرهای مجسمه‌ای شکل، به شکل حیوان یا انسان یا ترکیبی؛ ۲- ساغرهای کله حیوانی؛ ۳- ساغرهای شاخی شکل که انتهای آن به شکل سر یا بخشی از بدن حیوانات است؛ ۴- ساغرهای استوانه‌ای یا مخروطی عمودی استوار شده بر پشت حیوان. از انواع این ساغرها نمونه‌های زیادی در جای‌جای کشورمان کشف شده که در این مقاله به طور مفصل توضیح داده شده است.

۴۴- جعفرزاده، خسرو. «وزن در شعر فارسی و ریتم در موسیقی ایرانی». *ماهور*، سال ۱، ش ۲ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۸۹-۱۰۱.

پدیده ریتم در موسیقی ایرانی، به ویژه در فرم آوازی آن، از مسائل بغرنج و مهم این موسیقی است و با پدیده وزن در شعر فارسی به هم پیچیده و مربوط هستند. موضوع این مقاله بررسی و شناخت رابطه این دو پدیده است. علم عروض در شعر فارسی، دانش «وزن بیان شاعرانه» است و بر پایه آواها یا واج‌های معمول در زبان فارسی استوار گشته است. اجزای تشکیل دهنده نظام صوتی یا آوایی زبان فارسی به دو دسته تقسیم می‌شوند: مصوتها یا حروف صدادار و حروف بی‌صدا. حروف صدادار شامل صدادهای کوتاه و بلند هستند. از ترکیب حروف بی‌صدا و صدادهای یک آوای متحرک به وجود می‌آید. صدادهای بلند نیز آوای متحرک و بی‌صداها، آوای ساکن هستند. هر لفظ از ترکیب این آواها به وجود می‌آید. هر نوع ترکیبی از آواهای ساکن و متحرک، مبین یک وزن بیانی یا وزن عروضی است. عوامل مهم مؤثر در وزن شعر یکی ترتیب پشت سرهم قرار گرفتن هجاهای بلند و کوتاه است و دیگری تکیه‌ای است که در تلفظ به کار می‌رود. در ادامه مقاله، نگارنده برای شناختن اوزان عروضی مثال‌هایی آورده است. ریتم یک عنصر اساسی در شعر، موسیقی و رقص است. برای مفهوم ریتم در فارسی، اصطلاح دقیقی نداریم. در قدیم، از واژه «ایقاع» و امروز از واژه‌های «ضرب» و «وزن» استفاده می‌شود که چون موارد استفاده دیگری هم دارند دقیق و گویا نیستند و بهتر است از همان واژه ریتم استفاده کنیم. عوامل سازنده ریتم عبارتند از میزان، وزن و سرعت. در ادامه مقاله نویسنده با ذکر مثال‌هایی

چکیده مقاله‌ها

به ارتباط وزن شعر و ریتم موسیقی پرداخته و نتیجه گرفته که وزن شعر و کلام یکی از عوامل سازنده موسیقی ایرانی است و آهنگسازان و موسیقی‌دانان خلاق ایرانی باید با شعر و ادبیات هم آشنا باشند.

۴۵- جمال‌زاده، ناصر. «تنوع گفتمانی علمای شیعه در عصر مشروطیت». قسمت دوم/ فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، ش ۸ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۱۷۷-۲۰۰.

علمای مشروطه خواه برخلاف علمای مشروطه خواه از اعلام اینکه بعضی از مفاهیم و نهادهای خود را از گفتمان غربی گرفته‌اند، ابایی ندارد. ایشان غریبان را در اخذ مفاهیمی که موجب پیشرفتشان شده و امदार اسلام و مسلمانان نشان می‌دهند. نائینی نظریه پرداز این گفتمان معتقد است مفاهیمی مانند نظام شورایی، مجلس، قانون، آزادی، برابری و رأی اکثریت، مسائلی خارج از نوع بشر است و اروپاییان این اصول را از منابع اولیه اسلامی کشف کردند در حالی که مسلمانان در متون دینی خود تعمق نکردند و گرفتار طواغیت شدند. وی با استفاده از آیات و روایات سعی دارد ارکان و اصول مشروطیت را مأخوذ از اسلام و مطابق با عقاید شیعه نشان دهد. وی معتقد است در صدر اسلام به این اصول عمل می‌شد و همین امر باعث ترقی و رشد در صدر اسلام شد ولی از دوره معاویه، مسلمانان گرفتار سلطنت موروثی و استبدادی شدند و به انحطاط رو کردند. یکی از پایه‌های این گفتمان مجلس است که به گونه‌ای دقیق با استدلالات عقلی و فقهی که بخوبی اجتهاد سیاسی فقیهان این دسته را می‌نماید در داخل پارادایم شیعه قرار داده شده است. نائینی مجلس را به جای «اصل عصمت» در پارادایم قرار می‌دهد. این گروه عقیده دارند مجلس مشروعیت خود را از نظارت، تأیید و تنفیذ فقها می‌گیرد و مشروعیت سیاسی را از نظارت آحاد ملت بر مجلس به دست می‌آورد و لازم است این مجلس مشتمل بر شماری از مجتهدان یا مأذونان آنان باشد. اصل دیگر، اعتبار آرای اکثریت است. نائینی برای اثبات اعتبار این مسئله از دلایل عقلی مانند: اخذ به ترجیمات عندالتعارض، و اخذ به اکثریت عندالدوران، و برای ارائه دلایل نقلی از مقوله عمر بن حنظله و سیره پیامبر و

ائمه اطهار کمک می‌گیرد. اصل دیگر در ارتباط با حوزه قانونگذاری مجلس است. مجلس فقط حق دخالت در غیر منصوصات یا امور عرضی را دارد که در شرع برای آنها حکم مشخصی وجود ندارد. نائینی معتقد است اگر فقها در زمان غیبت خودشان توانایی انجام اموری مثل قانونگذاری را نداشته باشند می‌توانند آن را به فرد یا نهاد دیگری مثل مجلس واگذار کنند. ولی برای رسمیت یافتن قوانین مجلس، لازم است از سوی مجتهدان طراز اول که نمایندگان مراجع فقها می‌باشند تأیید و تنفیذ شوند.

۴۶- جهانبخش، جویا. «ترجمه و تحریر جامی از خمیره ابن فارض». *آینه میراث*، سال ۱، ش ۳ و ۴ (زمستان ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸): ص ۱۸-۲۸.

ابوحفص (ابوالقاسم) شرف‌الدین عمر بن علی بن مرشد بن علی حموی مشهور به ابن فارض بزرگترین سراینده شعر صوفیانه و پایه‌گذار زبان رمزی در شعر عرب است. از آثار عرفانی وی یکی قصیده تائیه و دیگری قصیده خمیره است. قصیده خمیره که در وصف شراب حب الهی است و به میمیه هم شهرت دارد، اولین بار توسط میر سید علی همدانی در قرن هشتم به فارسی شرح شد که به مشارب الاذواق مشهور است. شرح مشهور دیگر، شرحی است که جامی نگاشته به نام *لوامع انوار الکشف والشهود علی قلوب ارباب الذوق و الجود* که به *لوامع* شهرت یافته است. بر این قصیده شرح‌های مختلف دیگری نیز تهیه شده است. جامی از بزرگترین صوفیان قرن نهم و به طریق نقشبندیان بود. وی چندین نوشته عرفانی دارد که یکی از آنها *لوامع* است. وی *لوامع* را چنین می‌شناسد: «این ورقی چند است در شرح الفاظ و عبارات و کشف رموز و اشارات قصیده میمیه خمیره فارضیه که در وصف راح محبت که شریف‌ترین مطلوبیت به لطیف‌ترین اسلوبی صورت انتظام یافته و در میان ارباب عرفان و اصحاب ذوق و وجدان شیوعی کامل و شهرتی تمام گرفته است.» جامی در این شرح و خصوصاً در مقدماتش از مشارب الاذواق میرسید علی بهره بسیار گرفته است. او نخست واژگان و تعبیرات هر بیت را می‌گشاید، و پس از لفظ می‌گوید، ترجمه و تحریری ادیبانه و هنری از آن به دست می‌دهد و سپس به ذکر

چکیده مقاله‌ها

تفسیر و تأویل صوفیانه شعر دست می‌زند. هر چه از میانه چکامه دورتر و به پایان آن نزدیک می‌شویم گاه ترجمه و تحریر بیت با تفسیر و تأویل آن بیشتر درهم می‌آمیزد. ترجمه جامی از ابیات چکامه جدا از ارزشی که در سیر و تاریخ ترجمه عربی به فارسی و ادبیات صوفیانه دارد، از لحاظ نگارش و شیوایی و ارزش ادبی بسیار درخور نگرش است. در پایان متن چکامه با ترجمه و تحریر جامی آمده است.

۴۷- حاتمی، داوود. «چشم‌انداز زبان فارسی در آسیای میانه». *ایران‌شناسی*، ش ۱۲ (بهار ۱۳۷۸): ص ۲۰۲-۲۳۱.

در این مقاله زبان‌های موجود در جهان و دیدگاه‌های موجود در مورد تکامل آنها و تقسیم‌بندی زبان‌های امروزی جهان بررسی و سپس در مورد زبان فارسی و تاریخچه آن و زبان‌های موجود در آسیای مرکزی مطالبی بیان شده است. زبان فارسی شاخه‌ای از زبان‌های هند و اروپایی است. زبان‌های ایرانی از نظر تاریخی به دو گروه تقسیم می‌شوند: ۱- زبان‌های باستانی یا خاموش یا مرده ایرانی مانند اوستایی، فارسی باستان، سکایی، مادی، سغدی و غیره؛ ۲- زبان‌های کنونی یا زنده ایرانی شامل: فارسی، تاجیکی، افغانی، آسی، کردی، بلوچی و بسیاری از زبان‌ها و لهجه‌ها که شمار متکلمان آنها اندک است. زبان‌های ایرانی از نظر تاریخی و تکامل سه مرحله را پشت سر گذاشته‌اند: دوره باستانی ایرانی از هزاره دوم تا سده چهارم و سوم قبل از میلاد؛ دوره زبان ایرانی میانه از سده چهارم و سوم قبل از میلاد تا سده هشتم و نهم میلادی؛ دوره زبان جدید از سده هشتم و نهم میلادی تا زمان حاضر. باستانی‌ترین زیستگاه مردم ایرانی زبان، آسیای میانه و نواحی مجاور آن بوده است. در ادامه مقاله به حضور اسلام، ایران و ترکان در آسیای مرکزی به تفصیل پرداخته شده است و زبان‌های مختلف رایج در این منطقه بررسی شده‌اند. این زبان‌ها عبارتند از: ازبکی، تاجیکی، ترکمنی، قرقیزی و اویغوری که هر کدام دارای چندین گویش متفاوت است که در مقاله به آنها اشاره شده است. همچنین در مورد نقاط مشترک زبان فارسی با زبان‌های مذکور (بویژه زبان تاجیکی) با ذکر مثال‌هایی توضیحاتی داده شده است.

۴۸- حاکمی والا، اسماعیل. «نکاتی درباره سبک کتاب بهارستان جامی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ش ۱۴۸ و ۱۴۹ (زمستان ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸): ص ۱-۶.

بهارستان جامی که به شیوه گلستان سعدی و در قالب نثر همراه با اشعار فارسی و عربی تألیف شده از نمونه‌های نثر دلنشین و شیرین فارسی به شمار می‌رود. قصد جامی در این کار ساده‌تر کردن شیوه انشای سعدی بود و به همین سبب انشای بهارستان بیش از آنچه انتظار می‌رود متمایل به سادگی است و شاید یکی از علل این تمایل، اختصاص کتاب به تعلیم فرزند نوآموز مؤلف بود. بهارستان در هشت روضه (باب)، مقدمه و خاتمه ترتیب یافته است. جامی در آغاز کتاب یادآور شده است که چون فرزندش ضیاءالدین یوسف به آموختن فنون ادب اشتغال داشت این کتاب را برای وی فراهم آورد و آن را بر اُسلوب گلستان نوشت و به نام سلطان حسین بایقرا موشح ساخت. بهارستان غالباً مشتمل بر مطالب اخلاقی عالی و دستورهای سودمند برای زندگانی است. در مقام مقایسه بهارستان جامی با گلستان سعدی باید گفت: سخن منظوم در بهارستان بیشتر است و سجع و تکلف به وفور در آن راه یافته و در روضه ششم آن پاره‌ای از مطایبات فراهم آمده است که خواننده را از سلیقه تربیتی مولانا جامی دچار تردید و شگفتی می‌سازد. برخی ویژگی‌های نگارشی و ادبی بهارستان از این قرار است: استشهاد به آیات قرآن کریم؛ استفاده از احادیث و روایات مذهبی؛ استفاده از امثال و حکم؛ صنایع بدیعی از قبیل جناس و تضاد و انواع تشبیه؛ کاربرد قواعد نادر دستوری؛ استناد به اشعار عربی و فارسی و اشمال کتاب بر لغات و ترکیبات زیبای فارسی. ضمناً به این نکته باید اشاره کرد که بهارستان دارای مطالب و حکایات متنوعی است از قبیل حکایات تاریخی، ادبی، مطایبات، احوال و اقوال اهل بخشش و کرم، احوال و اقوال شاعران و غیره. از کتاب بهارستان نسخه‌های خطی و چاپی متعددی در کتابخانه‌های ایران و جهان از قبیل کتابخانه ملی ملک، کتابخانه دانشگاه تهران، وین، استانبول، شهرهای مختلف هندوستان و سایر کشورها وجود دارد.

چکیده مقاله‌ها

۴۹- حری، ابوالفضل. «نقد فرمالیستی بر شعر تا انتها حضور اثر سهراب سپهری». شعر، ش ۲۵ (بهار ۱۳۷۸): ص ۹۶-۱۰۱.

در این مقاله نویسنده پس از بیان ویژگی‌ها و خصوصیات نقد فرمالیستی، شعر «تا انتها حضور» اثر سهراب سپهری را مورد بررسی و نقد فرمالیستی قرار داده است. شعر «تا انتها حضور» در مجموعه *ما هیچ مانگه* است. می‌توانیم این شعر را پاسخی به آن دسته از اشعار سهراب سپهری به حساب آوریم که در آنها از «وسعت بی‌واژه»، «دورها آوایی است که مرا می‌خواند»، و یا «هیچستان» سخن رانده است. شعر تا انتها حضور همان سرزمین موعود، شهر و یا هیچستانی است که بعد از زمانی بس دراز به آن می‌رسد. این شعر از چهار بند غیرمساوی تشکیل شده که سه بند اول آن با واژه «امشب» شروع شده و تنها بند آخر با واژه ضد شب یعنی «صبح» آغاز شده است. بنابراین زمان شعر از شب شروع شده و تا اوایل صبح ادامه پیدا می‌کند. افعال همگی از نوع حرکتی و جنبشی هستند. شاعر در دو بند ابتدایی از ترکیبات گیاهی (گیاه پنداری) و یا به طور کل، طبیعت‌گرایی استفاده کرده است. در مورد ضرباهنگ و ریتم شعر با کاهش تعداد مصراع‌ها از بالا به پایین حرکت شعر تندتر و زمان سریع‌تر می‌گذرد و در پایان شعر با پدیدار شدن صبح زمان شب پایان یافته است. و در نهایت شکل کلی شعر شبیه یک پیچک است که بند اول، ریشه‌های گسترده آن در تاریکی زمین و بند دوم ساقه آن (ساقه معنی) و بند سوم نوک پیچک است که تنهاست و بعد از آن نوک و بلند، تماشای خدا قرار گرفته که به صورت صبح متجلی شده است. علاوه بر این بند اول همچنین شبیه یک حشره است. شاعر در این شعر از کلمه درختی می‌سازد، ریشه آن را زهد زمان می‌نامد، و ساقه آن را معنی. می‌توان اذعان کرد در شعر سپهری مرگ و زندگی که در ظاهر خلاف آمد (باطلنما) یکدیگرند، در هم آمیخته است. یک مفهوم است که یک سرش را زندگی و سر دیگرش را مرگ می‌بینیم.

۵۰- حسن‌پور، شهرام. «مفهوم مصلحت و جایگاه آن در نظام قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق*، ش ۸ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۱۴۵-۱۷۶.

اختلاف نظر میان شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی درخصوص مصوبات این مجلس، در پاره‌ای موارد منجر به اصرار هر یک از دو نهاد تقنینی و کنترل‌کننده مذکور، بر رأی و نظر خود شده است. تکرار این وضعیت در شرایطی که قانون اساسی در این زمینه ساکت بود، راه‌حلی را می‌طلبید. بنابراین، به دستور حضرت امام خمینی (ره) مجمع تشخیص مصلحت نظام تشکیل شد. جایگاه قانونی و عملکرد این نهاد جدید که در اصلاحات قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ وارد قانون اساسی شد، پس از بیان مفهوم مصلحت و ماهیت فقهی و حقوقی آن در این مقاله بررسی شده است. در این بررسی نقش مصلحت در احکام ثانوی و نیز در تعارض احکام شرع به عنوان پایه درک جایگاه حقوقی مجمع مطلق نظر بوده، و از سوی دیگر به ضرورت داشتن یا ضرورت نداشتن این نهاد، و راه‌های قانونی و عملی کاهش، یا جلوگیری از اختلاف میان دو نهاد تقنینی و کنترلی توجه شده است.

۵۱- حسن زاده، اسماعیل. «تحلیلی بر واقعه ۱۹ دی ۱۳۵۶ قم». *پژوهش‌نامه متین*، ش ۱ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۱۵۹-۱۸۸.

این نوشتار به دنبال پاسخ گفتن به چرا و چگونگی و پیامدهای واقعه ۱۹ دی ۱۳۵۶ قم، براین فرض استوار است که رژیم بدون اطلاع از آگاهی درون‌گروهی، همبستگی نهفته روحانیون و انسجام تشکیلات حوزه، با جریحه‌دار ساختن آنان به طور ناآگاهانه، به فترت پیش آمده در نهضت پایان داد و با اصلاحات فرهنگی و ضد دینی خود به طور ناخواسته طیف‌های مختلف جناح مخالف روحانیون را به هم نزدیک ساخته و آنان را متوجه دشمن واحد خود - یعنی نظام سیاسی حاکم - نمود. روحانیون نیز فقط با یاد و خاطره این واقعه و پیگیری پدیده چهل‌ها و تمسک به سایر راه‌های سنتی، از آن واقعه به عنوان نقطه عزیمت دوم انقلاب استفاده کرده و به تدریج موقعیت سیاسی خود را در نهضت بالا برده و در رأس رهبری قرار گرفتند. در ۱۷ دی ۱۳۵۶ مقاله‌ای با عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» در روزنامه *اطلاعات* منتشر شد که در آن به حضرت امام خمینی توهین و ایشان عامل استعمار معرفی شده

چکیده مقاله‌ها

بود. انتشار این مقاله در حقیقت جرقه انقلاب اسلامی بود. زیرا بلافاصله اساتید حوزه علمیه کلاس‌ها را تعطیل و طلاب و مردم در مخالفت با چاپ این مقاله تظاهرات کردند که این تظاهرات در روز ۱۹ دی به خشونت گرایید و عوامل رژیم تعدادی را شهید و زخمی کردند. پیامدهای این واقعه به شرح زیر بود: ۱- نزدیکی و همبستگی علما و مراجع و فضلا؛ ۲- این واقعه رهبری نیروهای مذهبی و علما را مطرح و زمینه رهبری امام خمینی را در کل نهضت هموار کرد؛ ۳- این واقعه نقطه آغاز زنجیره چهل‌ها بود که جریان انقلاب را تسریع کرد؛ ۴- این واقعه مخالفت گروهی از علما و مخالفان سیاسی را به مخالفت عمومی و توده‌ای تبدیل و دامنه اعتراضات را وسیع‌تر کرد.

۵۲- حسن‌زاده، علیرضا. «خون سبز: زادمرد قهرمان دستانی در قصه‌های ایرانی». *چیستا*، ش ۱۵۸ و ۱۵۹ (اردیبهشت و خرداد ۱۳۷۸): ص ۶۷۵-۶۸۳.

مراد واژه باززایی یا زادمرد در این مقاله همان واژه تناسخ است که نویسنده آن را از آثار استاد مهرداد بهار اقتباس کرده است. باززایی، پوششی هم‌شتاب با نیاز و خواست توده‌های «دستان ساز» دارد، دگرسانی یک رخساره یا بنیاد فرهنگی بانیاز جنس، سن، قوم، آیین یا طبقه «فرودینه» همبسته است. در چشم‌انداز ژرف قصه‌های عامیانه می‌توان تماشاگر بن‌مایه‌ای همگون با اسطوره‌های بنیادی کهن بود، تصویری از هستی نو، یا رویشی سبز از رستگاری سرخ، حیات گیاهین قهرمان و زادمرد گیاهی یا جانوری او پس از مرگ. در نگاهی به اسطوره‌های اقوام کهن به بن‌مایه‌ای تکرارپذیر و کم و بیش همسان دست می‌یابیم که بیانگر نمادین و تمثیلی باززایی حیات است. در بیشتر این اسطوره‌ها، غیبت و ناپیدایی خدای نرینه یا مادینه با مرگ و عدم زایش زمین یکی می‌شود. دومی، تموز، ازیریس از این گونه خداي‌باند. با بازگشت این رانندگان که به جهان زیرین فرستاده می‌شوند، هستی از نو سبز می‌شود و گیاهان از نو می‌رویند. در تمام اسطوره‌ها باززایی حیات با فرود و قربانی خدای مذکر یا مؤنث همراه می‌شود، بر این اساس در باور انسان‌های کهن، زایش، زندگی و زادمان، بدون فدیة و قربانی ممکن نیست، از

خون قربانی یا کالبد او هستی می‌زاید، افزودگی و چندگونگی می‌یابد. این بن‌مایه را در ادبیات داستانی بویژه با توجه به رخساره‌های پسین‌تر آن در قصه‌های عامیانه می‌توان «خون سبز» نامید. در ادامه مقاله نمونه‌هایی از این اساطیر در قصه‌های ایرانی و سایر ملل آورده شده است.

۵۳- حسنی، حمید. «سکته در شعر فارسی». شعر، ش ۲۵ (بهار ۱۳۷۸): ص ۱۰۲-۱۰۹.

تاکنون تعاریف زیادی برای اصطلاح «سکته» ارائه شده است. در این مقاله تعریف این اصطلاح در چهارده فرهنگ قدیم و جدید آمده است. در بیشتر این فرهنگ‌ها سکته عبارت است از اندکی توقف در وزن شعر چنانچه آن را قبیح و ناخوشایند نماید. در برخی کتاب‌های عروض از جمله معیارالاشعار خواجه نصیرالدین طوسی، شجرة العروض از مظفرعلی اسیر و گزارش عروض سیفی از هنری بلاخمن این اصطلاح را به معنی تبدیل دو هجای کوتاه متوالی به یک هجای بلند تعریف کرده و از آن به عنوان تسکین یاد کرده‌اند. مسعود فرزاد سکته را به دو نوع تقسیم کرده است: یکی سکته که همان است که خواجه نصیر آن را تسکین گفته است، و دیگری شبه سکته یا نیم سکته که عبارت است از ساکن کردن یک هجای کوتاه، مثل «م» در «جام‌ها». در ادامه مقاله، نویسنده تعریف این اصطلاح را در برخی آثار عروضی و غیرعروضی بررسی کرده است. از نظر نگارنده سکته عبارت است از «تبدیل دو هجای کوتاه متوالی به یک هجای بلند در وزن شعر و به ضرورت لفظ» و چند مثال از آن را در وزن‌های مختلف و شعر آزاد آورده است. سکته را تنها در اوزانی می‌توان یافت که دو هجای کوتاه متوالی داشته باشند. بنابراین در متونی چون شاهنامه، بوستان، اسکندرنامه، منطق الطیر، مثنوی معنوی و دیگر مثنوی‌های هم وزن آنها سکته وجود ندارد. در برخی مصراع‌ها نیز دو سکته یافت می‌شود که سبب دو وزنی شدن می‌گردد. سکته در شعر عربی با توجه به اختیارات و ضروریات شاعری ویژه عروضی عربی، بسیار شایع‌تر از شعر فارسی است. در نموداری که سیر تاریخی سکته در چهل دیوان و مجموعه شعر را نشان می‌دهد، از روش میانگین‌گیری چهار تا چهار تا استفاده شده است که فهرست کتاب‌ها به ترتیب تاریخی و آمار سکته‌ها در مقاله آمده است. در ادامه نگارنده با ذکر مثال‌هایی وجه تمایز تسکین با سکته را بیان کرده است.

چکیده مقاله‌ها

۵۴- حضرتی، حسن. «گامی دیگر به سوی انقلاب اسلامی: تأملی در کاپیتولاسیون دوم (۱۳۴۳ ش.)». *پژوهش‌نامه متین*، ش ۱ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۱۸۹-۲۰۷.

کاپیتولاسیون عبارت است از نظام قضاوت کنسولی و برخی امتیازات و مصونیت‌هایی که به اتباع یک کشور خارجی داده می‌شود و براساس آن اتباع آن کشور در کشور میزبان محاکمه نمی‌شوند، بلکه در دادگاه‌های مربوط به دولت خود محاکمه می‌شوند. فلسفه ظهور آن بین دولت‌ها عوامل متعددی دارد، این عوامل عبارتند از: عوامل سیاسی، اقتصادی و تجاری، حقوقی و قضایی. در اسفند ۱۳۴۰ برای اولین بار سفارت آمریکا از دولت امینی اعطای مصونیت به مستشاران آمریکایی را خواستار شده بود که این درخواست در زمان امینی هیچ وقت مطرح نشد و در دوران اسدالله اعلم در مهر ۱۳۴۲ مطرح و تصویب شد که خبر آن مسکوت ماند. بعد از تصویب قرارداد وین در خرداد ۱۳۴۳ در مجلس سنا، حسنعلی منصور (نخست وزیر وقت) در ۳ مرداد در زمان تعطیلات مجلس سنا، درخواست تشکیل جلسه فوق‌العاده نمود و لایحه‌ای با عنوان الحاق یک ماده به قرارداد وین به مجلس برد و در ساعت ۱۲ شب این لایحه مطرح و تصویب شد و سپس در ۲۱ مهر ۱۳۴۳ در مجلس شورای ملی مطرح و تصویب شد و به دولت ابلاغ گردید. به خاطر هراس از افکار عمومی، مطبوعات از درج خبر تصویب آن خودداری کردند. نسخه‌ای از صورت جلسه مجلس به دست حضرت امام خمینی (ره) رسید و ایشان با صدور اعلامیه و سخنرانی در ۴ آبان واکنش تندی نسبت به این اقدام مذبوحانه دولت ایران و آمریکا ابراز داشتند. بعد از خطابه امام، بیشتر مراجع در این باره سکوت کردند و فقط آیت الله مرعشی نجفی همزمان با امام اعلامیه‌ای در محکومیت کاپیتولاسیون صادر کردند. این رخداد اولاً موقعیت حضرت امام را به عنوان تنها رهبر واقعی انقلاب نمایان و تثبیت کرد و ثانیاً باعث تشدید خفقان سیاسی و رشد مبارزات مسلحانه زیرزمینی گردید.

۵۵- حکمت تهرانی، امیر. «سابقه تاریخی پیوند اقتصادی و هنر در ایران: حافظان اصوات و حافظان منافع». *مقام*، ش ۴ (بهار ۱۳۷۸): ص ۹۵-۹۰.

این مقاله راجع به تاریخچه ضبط صفحات موسیقی ایرانی است که آن را به دو دوره تقسیم کرده است. اولین دوره به عهد مظفرالدین شاه برمی‌گردد. در حدود سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۲۹۵ هجری قمری در تهران شدت و آوازه موسیقی مازنی در دربار ناصری واسطه کمپانی His Master's Voice در تهران شد تا با بزرگان موسیقی مذاکره کند و از ساز و آواز آنها صفحه گرامافون پر شود. این اولین معاملات اقتصادی غیرملی و غیربومی در عرصه هنرهای سنتی و بومی بود و باعث ماندگاری آثار اساتید ممتاز آن عصر شد. در این دوره موسیقی در تهران ضبط می‌شد و صفحات مادر برای تکثیر به لندن ارسال می‌گردید و بعد از تکثیر صفحات برای فروش به تهران فرستاده می‌شد. میرزا حسین قلی و سپس شاگرد او درویش خان نخستین کسانی بودند که آثار آنها ضبط شد. دوره دوم ضبط موسیقی ایران مربوط به سال‌های ۱۳۰۵-۱۳۱۸ و در دوره رضاشاه است. در این دوره کیفیت دستگاه‌های گرامافون و صوت صفحات بهتر شد و استفاده از آنها بسیار رواج یافت، همچنین برای پر کردن صفحه، نیازی به مسافرت به اروپا نبود، کمپانی‌های پلِفون و بدافون و ... دستگاه‌های ضبط صفحه را به تهران آوردند. صفحه مادر با کیفیت خوب و توسط دستگاه‌های برق‌دار در تهران پر می‌شد و صفحات تکثیر شده ارسالی از لندن و برلین از گمرک خانه‌ها می‌گذشت و به تهران می‌رسید. در این دوره همه نوع صفحه برای همه نوع افراد یافت می‌شد. کمپانی‌های خارجی و برخی افراد از این راه سودهای سرشاری نصیب خود کردند. در سال‌های ۱۳۰۸-۱۳۰۷ برای واردات کالاهای هنری از قبیل آلات موسیقی و صفحات گرامافون مقرراتی وضع شد که اسناد آن در سازمان اسناد ملی ایران موجود است که در این مقاله به آنها اشاره شده است.

۵۶- «خانه حاج میرزا احمد ابریشمی (و بررسی اجمالی ویژگی‌های هنری - معماری)». *گیله‌وا*، ش ۵۳ (اردیبهشت - تیر ۱۳۷۸): ص ۲۲-۲۳.

این مقاله به معرفی و بررسی یکی از آثار هنری و خانه‌های قدیمی و اعیانی شهر رشت که مربوط به اواسط دوره قاجار است پرداخته است. این اثر که به خانه ابریشمی مشهور است

چکیده مقاله‌ها

اثری بجامانده از خانواده حاج میرزا اسماعیل، حاکی متنفذ از اهالی پیر بازار رشت است که در زمان ناصرالدین شاه به کلانتری رشت منصوب گردید و به همین جهت به حاج حاکم معروف شد. بنا به قولی این بنا توسط پسرکهر حاج حاکم یعنی حاج قاسم معروف به عالیجناب احداث شده است. در سال ۱۳۱۸ حاج میرزا احمد ابریشمی این خانه را از ورثه حاج میرقاسم خریداری کرد. بنای مذکور علی‌رغم تغییراتی که در آن داده شده هنوز به عنوان یک اثر هنری - تاریخی در گیلان مطرح و مورد تحقیق قرار می‌گیرد. در این مقاله راجع به ویژگی‌های هنری و تزئینی این بنای تاریخی به تفصیل توضیح داده شده است. این خانه در سال ۱۳۷۷ توسط وزارت فرهنگ و آموزش عالی خریداری و در اختیار دانشگاه گیلان قرار داده شد تا به صورت دانشکده معماری و شهرسازی از آن استفاده شود.

۵۷- خرمشاد، محمدباقر. «نظام سیاسی فرانسه و انقلاب اسلامی ایران». *نامه پژوهش*، ش ۱۰ و ۱۱ (پاییز و زمستان ۱۳۷۷): ص ۱۹۵-۲۱۴.

اقامت کوتاه حضرت امام خمینی در پاریس قبل از بازگشت به ایران، موجب دسترسی آسان به رسانه‌های جهانی و فراگیر شدن شهرت انقلاب اسلامی ایران شد. با این حضور گسترده، واکنش نظام سیاسی فرانسه در برابر انقلاب، واکنشی دوگانه بود. به این معنا که در یک سو جبهه راست حاکم به رهبری والرئ ژیسکاردستن رئیس جمهور وقت فرانسه بیشتر در کنار حکومت شاه قرار داشت و در سوی دیگر اپوزیسیون (جبهه چپ) به رهبری فرانسوا میتران به نفع مردم و انقلابیون ایران موضع‌گیری کرده بود و می‌کوشید جبهه ملی را تقویت کرده، به قدرت رساند. فرانسه به منظور بررسی اوضاع ایران، کنفرانس گوادلوپ را تشکیل داد. در این کنفرانس، گرچه سران غرب اوضاع ایران و حکومت پهلوی را وخیم می‌دیدند و می‌دانستند شاه دیگر یارای مقاومت در برابر سیل بنیان‌کن حرکت انقلابی مردم ایران را ندارد، ولی همچنان به حفظ او امیدوار بودند، زیرا تصور می‌کردند هنوز ارتش دست نخورده و زیر نفوذ شاه و غرب است. از این رو رئیس جمهور وقت فرانسه تا اخراج امام از فرانسه پیش رفت، ولی چون شاه از

پذیرفتن مسئولیت چنین اقدامی سرباز زد، او نیز منصرف شد. هنگامی که انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید، دولت فرانسه آن را انقلابی غیرپایدار با نتایج و عواقبی غیرقابل پیش‌بینی، ارزیابی کرد و امیدوار بود مذهب‌یون و جلوه‌های مذهبی انقلاب جای خود را به نیروهای دموکراتیک و لائیک بدهند.

۵۸- خرمشاد، محمدباقر. «فوکو و انقلاب اسلامی ایران: معنویت‌گرایی در سیاست». *پژوهش‌نامه متین*، ش ۱ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۲۰۹-۲۲۴.

این مقاله به بررسی دیدگاه‌ها و نظرات میشل فوکو درباره انقلاب اسلامی پرداخته است. حکایت وی و ایران به زمان قبل از انقلاب که در کنار ژان پل سارتر اعلامیه‌ها و نامه‌های تندی علیه شاه و طرفداری از مردم و روشنفکران ایرانی صادر می‌کردند بر می‌گردد. در شهریور ۱۳۵۶ نیز به تهران آمده و نه مقاله برای یک روزنامه ایتالیایی تهیه کرده است. بعد از انقلاب نیز نامه‌ای سرگشاده به مهدی بازرگان نوشته و مقاله‌ای با عنوان «قیام بی‌فایده است» منتشر کرده است. نبودن و منحصر بودن انقلاب اسلامی، فوکو را به شدت مجذوب خود ساخته و تقریباً در تمام مقالات او در قبل از پیروزی انقلاب دو چیز کاملاً مشهود است: نفرت آشکار از رژیم استبدادی و موضع‌گیری علیه این رژیم. تحلیل وی از انقلاب و به تبع آن از انقلاب اسلامی، بازتاب دیدگاه ایشان درباره قدرت و تاریخ است. به عقیده وی انقلاب گسلی است که تاریخ را به قبل و بعد از خود تقسیم کرده و آغازی نو محسوب می‌گردد. وی به قدرت نه مثل یک مالکیت و مایملک، بلکه یک استراتژی می‌نگرد. به اعتقاد فوکو انقلاب اسلامی نمی‌تواند با انگیزه‌های مادی و اقتصادی صورت گرفته باشد. مهم‌ترین ویژگی انقلاب اسلامی از نظر وی ظهور و تجسم نوعی اراده جمعی است. به اعتقاد وی یک جبهه‌بندی بین قاطبه ملت ایران با دستان خالی از یک طرف و قدرت سیاسی حاکم با داشتن پلیس و سلاح‌ها از طرف دیگر، در این انقلاب قابل مشاهده بود. به اعتقاد فوکو عامل اصلی پدید آورنده و علت بقا و دوام انقلاب ایران را باید در عنصر بنیادین دین جستجو کرد. وی این واقعیت را اراده سیاسی از نوع خاص

چکیده مقاله‌ها

می‌نامد. بدینسان این مفهوم «معنویت گرایی سیاسی» است که قلب تحلیل فوکو از انقلاب اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد. وی در این انقلاب تولد و ظهور نوعی حکومت و تقسیم قدرت را می‌یابد که غرب از زمان رنسانس به بعد آن را فراموش کرده است.

۵۹- خسرو پناه، محمدحسین. «مدبرالممالک هرنندی و رویارویی سنت و مدرنیته در ایران». گفتگو، ش ۲۲ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۸۵-۹۵.

از اوایل قرن نوزدهم ایرانیان با مدنیت جدید غرب آشنا شدند. پیش از آن مدت‌ها بود جامعه ایران به دلایل مختلف از روند ترقی مادی و معنوی اروپاییان بی‌خبر مانده بود. از اواخر قرن هجدهم دگرگونی‌های سیاسی - اقتصادی اروپا، سرنوشت سیاسی و اجتماعی ایران را تحت تأثیر قرار داد و برخی زمامداران آینده‌نگر را متوجه ناتوانی و ضعف کشور در برابر دولت‌های اروپایی و لزوم اخذ وسایل مدنیت غرب کرد. این رویارویی و تأثیرپذیری از تمدن غرب، درخور پاسخی شایسته بوده است و تاکنون از اندیشمندان و فعالان سیاسی - اجتماعی کشور پاسخ‌های گوناگونی دریافت داشته است. در این میان رویکرد میرزا رضاخان مدبرالممالک هرنندی در پاسخ به رویارویی سنت و مدرنیته یک استثناء است. وی پس از تشکیل مجلس شورای ملی روزنامه تمدن را منتشر و در آن به تشریح و توضیح شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران و علل عقب‌ماندگی آن می‌پرداخت و می‌کوشید راه غلبه بر آن را عرضه کند. وی علت اساسی عقب‌ماندگی ایرانیان را در شیوه تفکر و ذهنیت آنان می‌داند و عقیده دارد باید ذهن آنان از این عقاید و تفکرات زدوده شود و سپس به آنها علوم و دانش جدید آموزش داده شود. در عرصه سیاست، وی با پیروی از عقاید جان لاک، ژان ژاک روسو و هوگو گروسوس، نتیجه سیاسی حقوق طبیعی را استقرار نظام پارلمانی و تفکیک قوا می‌داند و تأکید می‌کند ما باید پارلمان و ترتیب حکومت عرفی خودمان را مطابق مملکت انگلیس مرتب سازیم و وزرای خود را از پارلمان انتخاب کنیم.

۶۰- خلیلی، محسن. «بایستگی پدیداری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در دیدگاه امام خمینی (س)». *پژوهش‌نامه متین*، ش ۱ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۲۲۵-۲۶۶.

در این مقاله دو روایت از نحوه تدوین قانون اساسی به همدیگر آمیخته شده است: ۱- روایتی تاریخی از چند و چون رویدادهای تدوین قانون اساسی کشورمان با تکیه بر گفتار و کردار امام خمینی (س)؛ ۲- روایتی اندیشه‌ای از نحوه بروز فکر تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در دستگاه اندیشه امام خمینی (س)، پرسش بنیادین نوشته حاضر چنین است: امام خمینی (س) چگونه روند تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را آغاز کردند و شتاب بخشیدند؟ فرضیه یا پاسخ موقت به پرسش فوق بدین قرار است: امام خمینی علاوه بر آنکه جامعه ایران پس از انقلاب را نیازمند قانون اساسی می‌دانستند، چهار نکته نزد ایشان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود: الف) شتاب در تدوین قانون اساسی ب) استقرار سریع و همه‌جانبه نظام جمهوری اسلامی ج) قانونمند شدن روال اداره امور جامعه د) دخیل کردن ملت در سرنوشت سیاسی و تاکید همه‌جانبه به حضور عمومی و آرای مردم. این مقاله به پنج گفتار استوار شده است: «گام‌های آغازین در طرد سلطنت و قانون اساسی مشروطیت»؛ «عنوان‌یابی برای مجلس تدوین‌کننده قانون اساسی جدید»؛ «مجلس خبرگان و بررسی قانون اساسی جدید به عنوان مجلس تدوینگر»؛ «گنجاندن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»؛ «همه‌پرسی تصویب قانون اساسی و مساله متمم و اصلاح آن». در مورد هر گفتار سخنان امام خمینی (س) را نیز آورده و بررسی کرده است.

۶۱- دریایی، تورج. «مدارک پهلوی و تقسیمات نظامی و اداری ساسانیان». *چیستا*، ش ۱۵۴ و ۱۵۵ (دی و بهمن ۱۳۷۷): ص ۳۳۷-۳۴۲.

تقسیمات نظامی و اداری در قرن ششم میلادی رابطه‌ای نزدیک با سقوط سریع ساسانیان در برابر اعراب دارد. تا قبل از این، بیشتر تاریخ‌دانان عقیده داشتند دولت ساسانی به چهارکاست یا سوی تقسیم شده بود. اما به تازگی فیلیپ ژینو با جمع‌آوری مدارک دست اول ادعا کرده که

چکیده مقاله‌ها

این تقسیم‌بندی وجود نداشته و فقط در منابع دست دوم و سوم چنین تقسیمی بوده است. بر هر کاست «سپهبدی» نظارت داشت و قبل از آن تمام ارتش ساسانی زیر سلطه یک «ایران سپهبد» بود. دلیل تقسیم کشور به چهار کاست لقب باستانی پادشاهان میانرودانی است که «شاه چهارسوی جهان» بوده است، این لقب اولین بار در زمان «سارگن» شاه اکد استفاده شد. و در زمان هخامنشیان و کوروش نیز استفاده شد که در یکی از کتیبه‌های سه زبانی در پرسپولیس اطلاعات مهمی در این باره وجود دارد. طبق متن‌های ارمنی و پهلوی امپراطوری ساسانی به چهار کاست تقسیم شده بود. سنت تقسیم جهان به چهارسوی در متن‌های فارسی از قبیل مقدمه شاهنامه ابومنصوری نیز آمده است و در اوستا جهان به هفت کشور تقسیم شده است. مورخان مسلمان نیز مانند طبری، ثعالبی و مسعودی که به متن‌های ساسانی دسترسی داشته‌اند تقسیم‌بندی امپراطوری را به چهار کاست تأیید می‌کنند. در امپراطوری روم شرقی همین تقسیم‌ها وجود داشته و تقسیم آن امپراطوری به چهار قسمت را در نتیجه تأثیر تقسیم امپراطوری ساسانی بر بیزانس دانسته‌اند.

۶۲- دشتی نژاد، عبدالباقی. «شاعران موسیقی‌دان، موسیقی‌دانان شاعر». هنر موسیقی، ش ۷ (بهمن ۱۳۷۷): ص ۱۳-۱۴، ۱۷.

این مقاله به معرفی افراد صاحب‌نظر در هر دو رشته شعر و موسیقی می‌پردازد و اختصاص به معرفی بی‌بی حیاتی کرمانی همسر نور علی‌شاه اصفهانی، عارفه قرن دوازدهم هجری دارد. وی از جمله افرادی است که با بزرگان صوفیه سروکار داشته است. نویسنده این مقاله عقیده دارد با کم آمدن واژه در نیایش، انسان از یک رشته سیم یکصد صدا بیرون آورد و شاید این گونه بود که ساز پیدا شد و دف، نی و غیره به مجالس سماع صوفیه راه یافت. صوفیان شاعر هنگام سماع که جوشش می‌روح را در خم تن افزون می‌کنند هم‌نوازی را با دف، نی و... شعر می‌سرودند و در چنین مجالسی، شعر و موسیقی به وحدت می‌رسند. بزرگانی از صوفیه خود ساز می‌نواختند و بر ساز کارهایی انجام می‌دادند. بی‌بی حیاتی کرمانی در اوان رشد و بلوغ شور و حالی پیدا

کلیچین

می‌کند و در عالم سیر و سلوک به سوی حقیقت پیش می‌رود و از کمالات صوری و معنوی بهره‌ور می‌گردد. دیوان اشعارش مشتمل بر غزل، رباعی، قصیده، ترجیع‌بند و ترکیب‌بند است و در جای جای آن از اصطلاحات موسیقی استفاده کرده‌است. اشعار او به سه دسته تقسیم می‌شود: شعرهایی که در آن اصطلاحات موسیقی به کار رفته است؛ شعرهایی که نام مرغان و اصطلاحات موسیقی در آن توأمان به کار رفته؛ شعرهایی که در آن بعضی اصطلاحات موسیقی به معانی دیگر به کار رفته است.

۶۳- دهشیری، محمدرضا. «بررسی تطبیقی نظریات امام خمینی (ره) و اندیشه گران غربی درباره انقلاب اسلامی». *نامه پژوهش*، ش ۱۰ و ۱۱ (پاییز و زمستان ۱۳۷۷): ص ۲۸۶-۳۰۱.

این مقاله پس از تأکید بر ضرورت انطباق میان محیط ادراکی و عینی در خصوص تحلیل انقلاب اسلامی ایران و تبیین اهمیت بررسی تطبیقی اندیشه امام خمینی و نظریات اندیشه گران غربی در این باره، ابتدا بر ویژگی‌های منحصر به فرد انقلاب اسلامی اشاره می‌کند و سپس در بیان شرایط و عوامل موثر در وقوع انقلاب ایران، مواردی چون «سیاست اسلام‌زدایی شاه»، «نارضایتی عمومی» و «استکبارستیزی» را به مثابه نقاط مشترک میان نظریات اندیشه گران غربی و آرای حضرت امام بررسی می‌نماید. مقاله در ادامه «غفلت از ماهیت معنوی انقلاب اسلامی»، «متأثر بودن آن از شرایط داخلی جامعه» و «تأثیر عزم راسخ مردم در شکستن ارا - حکومت پهلوی در زمینه سرکوب سیاسی - نظامی» را از جمله وجوه افتراق نظریات اندیشه گران غربی با آرای حضرت امام برمی‌شمارد و در پایان به این نتیجه می‌رسد که اندیشه گران خارجی تنها در مواردی به درک دقیق محیط عینی جامعه ایران توفیق یافته‌اند که به شرایط تاریخی و مبانی نظری اندیشه‌ای و نمونه‌های عینی مرام‌شناسی - بسترشناسی و علت‌یابی توجه کرده‌اند. اما از آنجا که آنها با تکیه بر ذهنیات خود و تفاسیر زمامداران و نخبگان مرتبط با خویش، جهان غرب را عامل بازدارنده یا تسریع‌کننده در همه انقلاب‌ها (از جمله انقلاب اسلامی) دانسته‌اند، از این‌رو از تحلیل شایسته انقلاب ایران بازمانده‌اند.

چکیده مقاله‌ها

۶۴- دیانتی فیض آبادی، محمد. «پژوهشی در شناخت متناقض‌نما در ادبیات». *فرهنگ کرمان*، ش ۲ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۹۲-۱۱۶.

واژه پارادوکس «Paradox» در لغت به معنای متناقض‌نما و حالتی است که غیر منطقی به نظر می‌رسد، اما در حقیقت درست است، یا ممکن است، درست باشد، و به شخص یا چیز یا موقعیتی گویند که دارای خصوصیات متناقض‌نما باشد و نیز پارادوکس اشاره دارد، به موقعیت یا شرایطی که دو واقعیت را در بر داشته و کسی انتظار ندارد که هر دو حقیقت باشد. پارادوکس به معنی متناقض، گفته می‌شود و عقیده‌ای است، که با عقاید عموم مخالف باشد و «Paradoxicality» به متناقض‌نمایی گویند که در ظاهر مهمل و در معنی درست، یا مخالف عقاید عمومی باشد. در این مقاله درباره ترفند و صنعت پارادوکس در اصطلاح ادبی دیدگاه صاحب‌نظران زیر بررسی و نقد شده است: شفیعی کدکنی؛ محمد راستگو؛ عبدالکریم سروش؛ جی.ای. کادن؛ کلینث بروکس؛ ام.اچ. ابرامز؛ لارنس پرین؛ الکساندر پاپ؛ کریس بالدیک؛ ان. لیچ؛ فردریک شلگل؛ توماس دکونسی؛ وحیدیان کامیار. در ادامه این مقاله در مورد کاربرد استعاره در پارادوکس؛ جلوه‌آرایه پارادوکس در ادبیات؛ ماهیت، خطر و منشاء پارادوکس مطالبی بیان شده و نگاهی به جایگاه پارادوکس در ادبیات جهان همراه با ذکر چند نمونه آمده است.

۶۵- ذکاوتی قراگزلو، علیرضا. «نظری بر احوال و افکار خواجه یوسف همدانی». *ایران شناخت*، ش ۱۲ (بهار ۱۳۷۸): ص ۷۰-۷۷.

ابویعقوب یوسف بن ایوب بن حسین در سال ۴۴۰ یا ۴۴۱ قمری در بوزنجردهمدان متولد و در سال ۵۳۵ قمری در بادغیس درگذشت. اینکه در بعضی مآخذ به پیروی از دولتشاه سمرقندی کنیه او را ابویوسف آورده‌اند، غلط است. وی در ۲۰ سالگی به بغداد رفت و در نظامیه بغداد فقه و اصول و کلام خواند و در مناظره مهارت یافت و نیز حدیث را نزد اساتید نظامیه استماع کرد. شیخ پس از تکمیل تحصیلات، عزلت گزیده و به عبادت و ریاضت

پرداخته است. انتساب شیخ ابویوسف در تصوف به ابوعلی فارمدی است و با بعضی دیگر نیز صحبت داشته است، وی صوفی معتدل طرفدار شریعت است و ذکر را بر فکر ترجیح می‌دهد. او مثل بیشتر پیران تصوف، عوام گرا بوده اما با عوام زیرک کار دارد نه با عوام کودن، و البته مراتب معرفت و وجود را دقیقاً تفکیک می‌کند. خواجه یوسف از طریق مریدش عبدالخالق غجدوانی پیشوای خواجهگان و نقشبندیان شمرده می‌شود و نیز از طریق احمد یسوی (یاساوی) بنیانگذار عرفان در ترکستان محسوب می‌شود. از آثار خواجه یوسف که عطار کتابی به نام کشف را به او نسبت می‌دهد، ظاهراً غیر از رتبه الحیات که محمد امین ریاحی تصحیح و چاپ کرده چیزی باقی نمانده است. از نکات علم النفسی و تربیتی خواجه یوسف این است که دو نوع اطمینان داریم: اطمینان به دنیا و اطمینان دل به ذکر خدا، در سخن خواجه یوسف یعنی موقوف بودن فکر صحیح بر پاک بودن «زبان و مال و تن» حقیقت بسیار بزرگ و ارزنده‌ای نهفته است. خواجه یوسف مثل همه عرفا و صوفیه جبری است و از ژرفای هستی سخن می‌گوید.

۶۶- ذکاء، یحیی. «آیا هخامنشیان زردشتی بوده‌اند؟ (پژوهشی در جهان بینی و باور سه گانه پرستی هخامنشیان بر اساس تجزیه و تحلیل نمادهای برجای مانده از آنان)». *بخارا*، ش ۳ (آذر و دی ۱۳۷۷): ص ۲۲-۵۰.

نویسنده اعتقاد دارد برای درک پیام و معنای تصاویر تخت جمشید باید به زمان هخامنشیان رفت، تا رمز و راز آنها را بازیافت. درباره معتقدات دینی هخامنشیان، دانشمندان چند منبع و مأخذ برای آن مطرح کرده‌اند که مهم‌ترین آنها مطالب مندرج در لوح‌ها و سنگ نبشته‌های شاهان هخامنشی است، دومین منبع، مطالبی است که در انواع کتیبه‌ها و لوح‌ها و نوشته‌های غیر پارسی و غیر ایرانی آمده است، منبع سوم، اشاره‌ها و مطالب نویسندگان کلاسیک و مورخان یونانی است، منبع چهارم، اشاره‌های مبهم و محدود در نوشته‌ها و کتاب‌های پهلوی و شاهنامه است، پنجمین منبع برخی مطالب است که با دقت می‌توان از اوستا استخراج کرد، منبع ششمی که نویسنده این مقاله به آن اعتقاد دارد این است که هخامنشیان

چکیده مقاله‌ها

برای گزارش دین و آیین خود از دو نوع زبان و بیان استفاده کرده‌اند یکی زبان سنگ نبشته‌ها و لوح‌ها، دیگری بیان رمزی و هنری است که در آن به وسیله نقوش و سبمل‌ها و تندیس‌ها، مطالب مربوط به عقاید خاص خود را مجسم کرده و برای آیندگان به یادگار نهاده‌اند. نویسنده در ادامه ده نکته دایر بر زردشتی نبودن هخامنشیان ذکر کرده است: ۱- در سنگ نبشته‌های هخامنشی هیچ نامی از زردشت برده نشده است؛ ۲- در هیچ یک از سنگ نبشته‌ها، لوح‌ها و نوشته‌های تاریخ نویسان باستانی از اوستا به عنوان کتاب دینی هخامنشیان یاد نشده است؛ ۳- زردشتی، دین یکتاپرستی است، در حالی که هخامنشیان به خدایان متعدد ایمان داشته‌اند؛ ۴- زردشت در مراسم قربانی را منع کرده در حالی که هخامنشیان در مراسم مذهبی خود حیوانات را قربانی می‌کرده‌اند؛ ۵- نوشیدن «هئومه» در تعالیم زردشت منع شده، در حالیکه نوشیدن آن بین هخامنشیان رواج داشته است؛ ۶- شیوه دفن مردگان هخامنشی به خلاف آیین زردشتی است؛ ۷- بین القاب و نام‌های هخامنشیان و دین زردشتی رابطه‌ای وجود ندارد؛ ۸- گاهشماری هخامنشی و اوستایی متفاوت است؛ ۹- از اصول عقاید خاص زردشتی و اصطلاحات آن اثری در نوشته‌های هخامنشی نیست؛ ۱۰- در توصیف هرودوت و دیگران از دین ایرانیان عهد هخامنشی، هیچ نشانی از زردشتی دیده نمی‌شود. اما هخامنشیان و آیین زردشتی در سه مورد اشتراک دارند: نام اهورامزدا، نام مهر (میتره) و ناهید (آن اهیته)، و پرستش و نیایش آتش و برپا داشتن آتشگاه و آتشکده. نویسنده معتقد است هخامنشیان سه‌گانه پرست بوده‌اند، یعنی به سه خدا اعتقاد داشته‌اند: اهورامزدا، به عنوان بزرگترین خدا، مهریا میتره به عنوان خدای خورشید و آن اهیته، خدای آب‌ها.

۶۶- ذکاء، یحیی. «تعیین نوروز در تخت جمشید». *بخارا*، ش ۶ (خرداد و تیر ۱۳۷۸): ص ۱۸۳-۱۸۵.

هرتسفلد باستانشناس آلمانی در حفاری‌های تخت جمشید در میان چهار ستون کاخ شورا یا سه دروازه یا تالار تخت، در کف زمین به سنگ مربعی برخورد کرده که به آن نام سنگ

اندازه گیری داده است. وجود و نصب این سنگ که علائمی از دایره و خطوط بر روی آن مشاهده می شود بی دلیل نبوده و آشکار است که منظور خاصی از نصب آن در میان بوده و از آن مانند یک آلت نجومی استفاده می شده است. در ساعت هفت و سی دقیقه روز اول فروردین همزمان با طلوع آفتاب سایه آن بر روی ساعت آفتابی که بر روی سنگ قرار گرفته می افتد و سایه خط شعاع خورشید از زیر گوشه مربع که دارای علامت کوچکی است تا مرکزیت دایره که بر سنگ حک شده است مشاهده می شود. از اینجا مشخص می شود این سنگ مربع که اندکی اریب نصب شده موقعیت کل صفا تخت جمشید را نسبت به کوه رحمت و خورشید و محل طلوع آن از پشت کوه نشان می دهد و بی گمان آن را از روی محاسبات نجومی و علمی در کف این کاخ نصب کرده اند. توضیح اینکه این آزمایش تنها در دو روز از سال یعنی نوروز و مهرگان در بامدادان امکان پذیر است و بس و گرنه پاسخ مثبت به دست نخواهد آمد.

۶۸- ذوقی، ایرج. «ایالت متحده آمریکا و دولت آزاد ایران». *سیاست خارجی*، سال ۱۳، ش ۱ (بهار ۱۳۷۸): ص ۱۹۱-۲۱۰.

سال های پس از جنگ جهانی دوم، سال های جهت گیری سیاست خارجی ایران در پیوستن به بلوک غرب به ویژه اتکای به آمریکا بود. با اعلام دکترین ترومن در سال ۱۹۴۷، سیاست خارجی ایران با سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا فصل مشترک پیدا کرد. موضوعی که هر چند از قوه به فعل در نیامد اما در شکل تئوریک خود هم بیانگر همان قاعده کلی آمریت و مداخلات آمریکا در امور و مسائل ایران می باشد و آن طرح تشکیل «دولت آزاد ایران» در سال ۱۹۴۸ (۱۳۲۷) است که از سوی سیاست گذاران آمریکایی تدارک شده بود. در کودتایی که قرار بود در سال ۱۳۲۷ برای تشکیل «دولت آزاد ایران» صورت پذیرد مسائل زیر مطرح بود که در مقاله حاضر به تفصیل شرح داده شده است: ۱- عوامل و عناصر احتمالی تشکیل دهنده «دولت آزاد ایران» شامل: ۱- شاه و دربار، کابینه، مجلس و مقام های کشوری، ارتش و ژاندارمری، و عشایر؛ ۲- نقش جنبش مقاومت در صورت وقوع یک کودتای چپی در ایران؛ ۳- نقش جنبش

چکیده مقاله‌ها

مقاومت در صورت اشغال ایران توسط شوروی؛ ۴- مراکز احتمالی جنبش مقاومت در ایران؛
۵- انتخاب پایتخت برای دولت آزاد ایران؛ ۶- مسئله وجود عناصر ناسازگار و متعارض در
جنبش مقاومت؛ ۷- سازماندهی، آموزش و تدارکات برای جنبش مقاومت؛ ۸- اقداماتی که
توصیه شد دولت آمریکا براساس تصمیم کمک به مقاومت انجام دهد.

۶۹- رئیس طوسی، رضا. «استراتژی سرزمین‌های سوخته: اعمال نفوذ بریتانیا در عزل
و نصب مقامات». *تاریخ معاصر ایران*، سال ۲، ش ۸ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۴۵-۸۸.

این مقاله در ادامه سلسله مقالات قبل به تشریح سیاست‌های استعماری انگلیس در مناطق
آباد ایران مانند خوزستان و سیستان پرداخته است. مقاله حاضر نیز که با استناد به منابع
دست اول داخلی و خارجی از جمله گزارش‌های سفارت انگلیس در تهران تهیه شده است،
نفوذ انگلیس‌ها در عزل و نصب مقامات ایرانی در سیستان، سرزمین‌های جدا شده از سیستان و
مسئله تقسیم آب هیرمند را به تفصیل بیان کرده است.

۷۰- رادفر، ابوالقاسم. «گنج حقیقت: نگاهی به شعر و اندیشه «پروین» و کتابشناسی
او». *فرهنگ کرمان*، ش ۲ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۱۱۷-۱۴۸.

پروین اعتصامی فرزند یوسف اعتصامی آشتیانی، شاعری بود که در مدت کوتاه عمر خود
یعنی ۳۵ سال توانست تابلوهای زنده و جاندار از آلام بشری را پیش روی خوانندگان اشعار
خود به نمایش بگذارد. وی در تبریز متولد و در کالج آمریکایی‌ها در تهران تحصیل کرد و در
۱۸ سالگی فارغ‌التحصیل شد. در ازدواج شکست خورد و در عین ناکامی به بستر مرگ افتاد و
در ۳۵ سالگی، در ۱۶ فروردین ۱۳۲۰ فوت کرد. دوران حیات او پرفراز و نشیب بود.
جنبه‌های سیاسی و اجتماعی از یک سو و مسایل اقتصادی و اخلاقی از سوی دیگر، وی را هر
روز با واقعه تازه‌ای روبرو کرد. او در جامعه‌ای زندگی می‌کرد که دستگاه حاکمه از بیگانه
دستور می‌گرفت و عرصه بر آزادیخواهان و روشنفکران تنگ بود و هر جنبش و حرکتی به

شدت سرکوب می‌شد. پروین که در خود یارای مبارزه رویاروی با نظام را نمی‌دید، با بهره‌گیری از قالب مناظره و زبان تمثیل اندیشه‌های معترضان خود را بیان کرد. پروین شاعری عاطفی اما مسئول و متعهد است. به توانایی‌هایش متکی و در برابر ناروایی‌ها و ناکامی‌ها صبور و شکیباست. احساس عمیق او به انسان‌ها باعث شده از شعرش سلاحی برای کمک به بشریت بسازد. او رنجبران را برای دستیابی به حقوق پایمال شده خویش راهنمایی می‌کند. او از کوتاه بینی و خودخواهی برخی شاعران همدوره خود به دور بود و پیوسته سعی داشت با مردم همدردی کند. شعر پروین آمیزه‌ای از معارف عرفانی و آموزش‌های اخلاقی و برگرفته از تعالیم قرآنی و احادیث ائمه (ع) و پیوند ذهنیت و عینیت است. وی ارزش‌های انسانی را در شعر مطرح می‌کند و راه اصلاح جامعه را اندرزهای اخلاقی می‌داند. شعر او نتیجه گره‌خوردگی اندیشه والای گذشته و حال است که متضمن بیان مسئولیت‌های اجتماعی عصر و زمان شاعر نیز می‌باشد. ملک الشعرای بهار درباره سبک شعر او می‌گوید: «دیوان پروین ترکیبی از دو سبک خراسانی و عراقی با محتوای عارفانه و حکیمانه است». در ادامه مقاله کتاب شناسی پروین اعتصامی در مباحث پنجگانه زیر آمده است: ۱- آثار چاپی شاعر؛ ۲- کتاب‌های مستقل؛ ۳- بخش‌هایی از یک کتاب؛ ۴- مقالات؛ ۵- آثار وی به دیگر زبان‌ها.

۷۱- رادفر، ابوالقاسم. «نوایی، نظام الملک ثانی و امیرکبیر خراسان». *ایران‌شناخت*، ش ۱۱ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۴۲-۶۳.

نظام‌الدین امیر علیشیر نوایی شخصیتی چند بعدی و صاحب استعداد خارق‌العاده بود. او در تاریخ، فرهنگ، شعر، ادبیات، معماری و... فردی ممتاز و برجسته بوده است. وی در رواج زبان و ادبیات فارسی و تاجیکی سهم ارزنده‌ای دارد و یکی از مفاخر زمان سلطان حسین بایقرا و دوران گذشته است. وی در رمضان ۸۴۴ هجری در هرات به دنیا آمد و در کودکی همراه پدرش به یزد سفر کرد و در تفت اقامت گزید، او در یزد، مشهد، سمرقند و سپس هرات به کسب معلومات پرداخت و در هر شهر با بزرگان و دانشمندان آنجا آشنا شد و از آنان آموخت. پس

چکیده مقاله‌ها

از به تخت نشستن سلطان حسین بایقرا در هرات که دوست و همدرس او بود، امیر علیشیر به هرات فراخوانده شد و جزء مقربان درآمد، سپس شغل وزارت به او واگذار و بعد به فرمانروایی استرآباد منصوب شد. بعد از یک سال به هرات بازگشت و درخواست عزلت نمود و زندگی آرامی را آغاز کرد. سپس عبدالرحمن جامی را به عنوان پیر برگزید و وارد فرقه نقشبندیه گردید و تا آخر عمر به تألیف و تصنیف آثار ادبی، تاریخی و سرودن شعر و ترجمه مشغول شد و سرانجام در جمادی‌الآخر ۹۰۶ چشم از جهان فرو بست. از وی حدود ۳۰ کتاب و رساله به زبان فارسی و ترکی باقی مانده که برخی از آنها عبارتند از: *دیوان فارسی*، *خمسة المتحیرین*، *چهار دیوان غزلیات*، *مثنوی لسان الطیر* که ترجمه *منطق الطیر* عطار به ترکی است، *تذکره مجالس النفایس* به ترکی، *اربعمین یا چهل حدیث منظوم* به ترکی، *تاریخ انبیا* به ترکی، *سراج المسلمین*، *نظم الجواهر*، *محبوب القلوب* و... منظومه‌های نوایی با اینکه بیشتر پاسخی به منظومه‌های شاعران پیشین فارسی است، ولی او ترکیب منظومه و صفات و سجایای قهرمانان را تغییر می‌دهد و بسیاری از مضامین را از منظومه‌ای به منظومه دیگر منتقل می‌کند.

۷۲- رجبعلی پور، مهدی. «مدرسه ترکان خاتون قراختایی». *فرهنگ کرمان*، ش ۲ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۲۰۰-۲۱۴.

براق حاجب بنیانگذار قراختاییان در دربار خوارزمشاهیان اتابک بود، وی در سال ۶۱۹ کرمان را تصرف و حکومت آن را به دست گرفت. براق با دو پسر محمد خوارزمشاه مماشات ولی پنهانی دل در متابعت چنگیز داشت. وی سلطان غیاث الدین و خانواده او را به قتل رساند و ترکان خاتون از کنیزکان او را به همسری خود در آورد. بعد از مرگ براق، برادرزاده و داماد او سلطان قطب‌الدین حکومت را به دست گرفت و بعد از چهارماه با ترکان خاتون نیز ازدواج کرد. وی بعد از ۱۶ سال به امرقاآن خان مغول برکنار و حکومت کرمان به فرزند براق یعنی رکن‌الدین واگذار شد ولی با روی کار آمدن منگوقاآن مغول حکومت بار دیگر به قطب‌الدین بازگشت و او رکن‌الدین را به قتل رساند. بعد از مرگ قطب‌الدین حکومت کرمان به ترکان

خاتون تفویض شد. در سال ۶۸۱ با روی کار آمدن احمد سلطان، ترکان خاتون از حکومت خلع و سرانجام در تبریز درگذشت و جنازه او در کرمان و در گنبد مدرسه‌ای که در سره شهر ساخته بود دفن شد. قبه سبز یا مدرسه قطبیه تنها اثری است که از قراختاییان برجای مانده، این اثر در زمان ترکان خاتون تعمیر و در جوارش مدرسه توسعه یافت و اموال و املاک فراوان بر آن وقف شد و اساتید زیادی برای تدریس دعوت شدند. این مدرسه به مدرسه عصمتیه و مدرسه ترکان خاتون نیز مشهور شد. شهاب الدین زوزنی در زمان جلال الدین سیورغتمش مسجد جامع ترکان خاتون را تخریب و موقوفات مدرسه و بیمارستان را باطل کرد، ولی با روی کار آمدن پادشاه خاتون بار دیگر مدرسه رونق گرفت. در دوران تیموری سه ریاضیدان مشهور قرن نهم در کرمان می‌زیستند و قسمتی از عمر خود را در این مدرسه سپری کرده‌اند. این سه نفر عبارتند از: علاء الدین علی بن محمد سمرقندی معروف به ملاعلی قوشچی، سید رکن الدین حسینی آملی و شیخ زاده ابواسحاق کوبنانی.

۷۳- رسولی، حجت. «منشأ فصاحت و بلاغت عبدالله بن المقفع». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ش ۱۴۸ و ۱۴۹ (زمستان ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸): ص ۱۲۰-۱۳۵.

فصاحت و بلاغت ابن مقفع همواره مورد توجه و موضوع بحث مورخان و سخن شناسان متقدم و متاخر بوده است. راز فصاحت و بلاغت و منشأ تعلیمات وی موضوع این مقاله است که در مورد آن اشارات متفاوتی در کتب تاریخ به چشم می‌خورد. عموم محققان بر این عقیده‌اند که زبان فارسی را در فارس نزد پدرش آموخته است؛ در بصره با زبان و ادب عربی آشنا شده و با علمای عصر خویش آمد و شد داشته؛ در ولاء ال اهتم به سر برده و این خاندان به علم و ادب شهرت داشته‌اند؛ از ابوجاموس ثوری تعلیم گرفته؛ با عبدالحمید کاتب ارتباط داشته و از او تأثیر پذیرفته است. اگرچه هر یک از موارد فوق به نوبه خود در بلاغت ابن مقفع بی‌تأثیر نبوده ولی هیچ یک را نمی‌توان علت اصلی بلاغت وی دانست. بلکه منشأ اصلی این امر

چکیده مقاله‌ها

آشنایی او با خطب و رسائل امام علی بن ابی طالب (ع) و تأثیرپذیری شدید او از اسلوب علی بن ابی طالب (ع) است. برای اثبات این مدعا استدلال‌هایی آورده شده است از جمله تاکید برخی از محققان و صاحب‌نظران از متقدمان؛ اعتراف خود ابن مقفع؛ مقایسه آثار ابن مقفع با خطب و رسائل علی (ع) و دریافت وجوه مشابهت فراوان میان آنها از حیث اسلوب نگارش و اخذ و اقتباس ابن مقفع از علی (ع).

۷۴- رشاد، علی اکبر. «گفتمان فلسفی نوصدرایی». *قبسات*، سال ۳ و ۴، ش ۱۰ و ۱۱ (زمستان ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸): ص ۵۲-۶۳.

حکمت اسلامی امروز نیازمند احیاء و تحول اساسی است و این احیاء‌گری باید ناظر به چالش‌های طرح شده از سوی گرایش‌های مختلف فلسفی و نیازهای زمانه باشد. چندی است این تحول آغاز شده که مطلع آن گفتمان فلسفی‌ای است که از دهه بیست قرن حاضر خورشیدی به علمداری علامه طباطبایی و استاد مطهری آغاز شده است و چالش‌های تازه‌ای که طی دهه هفتاد شمسی در حوزه‌های فلسفی و الهیات در ایران ظهور کرده است، بستر بسیار مساعدی را برای بارور شدن این نهال جوان فراهم ساخته است. در این مقاله پس از اشاره به ادوار پیدایش و رشد حکمت اسلامی، به اختصار مختصات گفتمان فلسفی معاصر ایران که مشهور به مکتب نوصدرایی است بیان شده است. عقلانیت اسلامی پنج دوره را سپری کرده و اکنون در دوره ششم حیات بارور خود به سر می‌برد. دوره نخست: سرزمین حجاز به جز در عصر ابراهیمی، هیچ گاه پیشینه حکمی نداشته و همواره در عصر جاهلیت به سر می‌برده است و با ظهور اسلام چراغ خردورزی در آن دیار روشن شد؛ دوره دوم: این دوره، دورهٔ تدوین و ساماندهی تفکر عقلانی در دنیای اسلام، همزمان با افول خورشید حکمت و معرفت در مغرب زمین و دوره قرون وسطی بود؛ دوره سوم: قرن دوم هجری (هشتم میلادی) آغاز عصر شکوفایی تمدن اسلامی و قرن سوم روزگار تناوری حکمت و معرفت در دنیای اسلام است و دستاوردهای فکری اقوام مختلف به عربی بازگردانده شد. در این دوره عقلانیت اسلامی هنوز هویت کاملی داشت و

مباحث هستی‌شناسانه در آن بسیار کم‌رنگ و غلبه با جریان اعتزال بود. وجود متقدمان کلام عقل‌گرای اسلامی به این دوره اختصاص دارد؛ دوره چهارم در نیمه دوم قرن چهارم با ظهور فارابی و ابن‌سینا آغاز می‌شود. این دو فیلسوف عقلانیت اسلامی را به اوج خود می‌رسانند؛ دوره پنجم: مبدع این دوره فیلسوف بزرگ صدرالمتألهین یا ملاصدرا بود. آنچه به دست او در حوزه معرفت و حکمت اسلامی روی داد در تاریخ اسلام پدیده‌ای بی‌مانند بود. او به شیوه‌ای هنرمندانه و روشمند حکمت اشراق و حکمت مشاء کلام و عرفان را درهم آمیخت و دستگاه فلسفی و معرفتی واحدی را پی‌ریزی کرد. استاد شهید مطهری بیست و دو مورد از دستاوردهای محتوایی ملاصدرا را به عنوان ارکان حکمت صدرایی ذکر کرده است؛ دوره ششم: همانطور که در ابتدا ذکر شد به علمداری علامه طباطبائی و استاد شهید مطهری آغاز شده است. در گفتمان فلسفی معاصر ایران در سه زمینه دگرگونی روی داده است: صوری و شکلی، روشی، محتوایی.

۷۵- رشاد، علی اکبر. «هندسه مناسبات: دین، دولت و جامعه، در ایران معاصر». *دیانت و مدنیت*، ش ۹ و ۱۰ (زمستان ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸): ص ۱۰۴-۱۱۵.

مراد از دین در این گفتار، دین به مثابه مکتب راهنمای اندیشه و عمل انسانی و عبارت است از مجموعه گزاره‌هایی حقیقی و واقع نما درباره جهان و انسان و مجموعه‌ای از آموزه‌های دستوری و ارزشی جهت تنظیم مناسبات انسان با جهان و انسان‌های دیگر از طریق پیامبران که از سوی خدا تنزیل یا به تنفیذ وحی، توسط عقل سلیم آدمی دریافت می‌شود. منظور از دولت مجموعه دستگاه‌های مقننه، قضائیه و مجریه است، یعنی همان حکومت. جامعه نیز تبلور آحاد مردم است. افراط و تفریط و گرایش تک‌ساحتی در نظریه‌پردازی بزرگترین آفت درک حقیقت است که ردپای آن در همه حوزه‌ها و به ویژه علوم اجتماعی و انسانی عصر جدید مشاهده می‌شود. سکولاریزم از مظاهر افراطی بشرمداری معاصر است و امانیسم نیز واکنشی است در قبال تفکر افراطی نص‌بندگی قرون وسطی. در ظهور سکولاریزم فرهنگی عواملی مانند فقدان نظامات اجتماعی دینی، تحمیل عقاید دینی بر علم، استبداد دین‌مدارانه، رقابت قدرت

چکیده مقاله‌ها

بین امپراطوران و دانشمندان با ارباب کلیسا نقشی اساسی داشته‌اند. به علت وجود تفاوت‌های اساسی بین اسلام و مسیحیت، ظهور پدیده سکولاریسم در دنیای اسلام منتفی است. این تفاوت‌ها عبارتند از: وجود قرآن، سنت پیامبر و روایات موثق که در دسترس مسلمانان است؛ دور ماندن قرآن از آفت تحریف؛ لزوم به کار بستن عقل و اجتهاد در اصول؛ عقل در قاموس فکری مسلمانان معادل وحی است؛ نگرش اسلام به منزلت رفیع علم و عالم؛ استعداد نظام‌پردازی اسلام در همه عرصه‌های اجتماعی. در نظریه سیاسی امام خمینی مناسبات دینی، دولت و جامعه با همدیگر به گونه‌ای بسیار منطقی و معتدل تعریف و تنظیم شده است. جمهوری اسلامی نمودار گویای روابط دین، دولت و مردم در ایران معاصر است. جمهوریت از ماهیت حکومت حکایت می‌کند و اسلامیت شاخص این جمهوری است. در نتیجه دین راهنمای منشأ مشروعیت، و وفاق و گزینش مردمی، مبنای تصمیمات دولت هستند. در ادامه مقاله عناصر تشکیل دهنده حکومت، و ویژگی‌های نظام سیاسی جمهوری اسلامی با اشاره به قانون اساسی بیان شده است.

۷۶- رکوعی، عزت اله. «نگاهی به معماری مساجد اولیه، و مروری در سه مسجد سلجوقی». چیستا، ش ۱۵۶ و ۱۵۷ (اسفند ۱۳۷۷ و فروردین ۱۳۷۸): ص ۴۹۷-۵۰۳.

مساجد اولیه دارای طرح و نقشه بسیار ساده بودند، محوطه مسجد با دیوارهای خشتی محصور شده بود و سایبان‌هایی با پوشش مسطح از جنس چوب و حصیر در جانب قبله و بر فراز پایه‌های خشتی یا آجری احداث می‌شد. این معماری با زندگی و محیط عربستان سازگار بود و طبعاً وضع ایران که تا آن روز دو هزار سال سابقه معماری داشت با این معماری ابتدایی هماهنگی و سازگاری نداشت و ایرانیان طرز تفکر و سنن خود را در بنای مساجد به کار بردند و سرانجام در اواسط قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری فرم گوشواره و مقصوره و گنبد را در خدمت مسجد درآوردند. بنای مسجد جامع قروه یکی از بهترین آثار است که می‌توان آن را پیش درآمد این معماری دانست. این مسجد شامل مقصوره و گنبد آجری بر روی چهار رومی و

بقایای محراب و دو شبستان الحاقی است و یک کتیبه کمربندی به خط ثلث برجسته و یک کتیبه به خط کوفی در زیر گنبد و چهار طاق نمای کم عمق و چهار گوشواره و یک سلسله پشت و بغل است که پاکار آنها بر روی قوس یدی مانند نهاده شده است. بعد از این مسجد، معماری مساجد ایرانی به اوج خود رسید که در میان مساجدی که از قرن ششم شناسایی شده از مسجد جامع عتیق، مسجد جامع اردستان و مسجد جامع زواره باید یاد کرد. هر سه مسجد از مساجد چهار ایوانی دوران سلجوقیان و دارای کتیبه‌هایی به خط کوفی و ثلث هستند و محراب‌های بسیار زیبا با گچ‌بری‌ها و حاشیه‌های مکرر و کتیبه‌های کوفی و ثلث برجسته هستند و در جای جای این مساجد تاریخ بنای قسمت‌های مختلف بر روی کتیبه‌ها نیز ذکر شده است. مسجد جامع عتیق اصفهان در دوران صفویه تعمیر شده و ایوان و محراب آن با کاشی مزین شده است. مقبره ملا محمد باقر و پدرش ملا محمد تقی مجلسی در این مسجد واقع شده و گنبد این مسجد به گنبد خاکی یا گنبد تاج الملک معروف است که در سال ۴۸۱ بنا شده و از لحاظ تکنیکی کامل‌ترین گنبد موجود دنیا است.

۷۷- رمضان، عارف. «سفرنامه عبدالرحیم بادکوبه‌ای: اسامی منازل از اصفهان تا مکه معظمه از سمت تبریز و شام و معاودت از دریا و از جده». *گنجینه اسناد*، ش ۳۱ و ۳۲ (پاییز و زمستان ۱۳۷۷): ص ۴-۹.

این مقاله سفرنامه حاج عبدالرحیم بادکوبه‌ای است که از روی نسخه دست‌نویس موجود در انستیتو نسخ خطی آکادمی علوم جمهوری آذربایجان تهیه شده است. عبدالرحیم بادکوبه‌ای در سنه ۱۲۶۴ هجری این سفر را از اصفهان آغاز و از طریق شهرهای کاشان، قم، زنجان، تبریز، خوی، حسن قلعه، ارزن روم، ارزنگان، کماخ، اکین، ملاطیه، انطاب، حلب، حمرا، حمیص، شام، مدینه منوره به مکه معظمه مسافرت کرده که در پنجم ذی‌الحجه به مکه وارد شده‌اند و پس از انجام اعمال حج از طریق راه دریا و شهرهای جده، عدن، مسقط، بندرعباس، بندرلنگه، بوشهر، عیسی ولد، کنار تخته، کمارج، کازرون، میان کتل، زنیان، شیراز، زرقان، ده‌بید، در

چکیده مقاله‌ها

تاریخ ۱۲ ربیع الثانی ۱۲۶۵ به اصفهان وارد شده‌اند. مجموعه زمان مسافرت ایشان نه ماه و بیست و سه روز طول کشیده صد و ده منزل جمع منازل مکه شده است. وی در این سفرنامه به توصیف شهرها و منازل بین راه و مردمان آنها و به بیان حوادثی که بر آنها گذشته پرداخته است.

۷۸- رنجبر، محمدعلی. «متولیان مدرسه منصوریه شیراز: بازخوانی شش سند». *گنجینه اسناد*، ش ۳۱ و ۳۲ (پاییز و زمستان ۱۳۷۷): ص ۴۸-۶۱.

مدرسه منصوریه شیراز در زمان یعقوب آق‌قویونلو به دست بانی و واقف آن صدرالدین محمد دشتکی شیرازی بنا گردید. براساس وقفنامه افراد خاندان واقف به ترتیب تولیت آن را بر عهده داشتند، موقوفات این مدرسه از معافیت مالیاتی برخوردار بود. در این مقاله علاوه بر شرح حال متولیان این مدرسه شش سند موجود در سازمان اسناد ملی ایران راجع به این مدرسه بررسی شده که موضوع آنها معافیت‌ها و تعیین متولیان موقوفات مدرسه است. این اسناد در فاصله سال‌های ۱۱۸ تا ۱۱۳۳ قمری تحریر شده‌اند. نخستین متولی مدرسه، بانی آن صدرالدین محمد دشتکی بود که تا سال ۹۰۳ که به دست ترکمانان آق‌قویونلو به قتل رسید این سمت را برعهده داشت. با مرگ صدرالدین، تولیت مدرسه به فرزند ارشدش غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی رسید. پس از غیاث‌الدین منصور افراد زیر به ترتیب به سمت تولیت موقوفات مدرسه منصوب شدند: امیر سلام الله بن امیر صدرالدین محمد دشتکی، میرزا ابراهیم دشتکی شیرازی، امیر حسین نصیرالدین، میرزا نظام الدین احمد بن ابراهیم، میرزا معزالدین محمد دشتکی شیرازی، میرزا محمد معصوم دشتکی شیرازی، میرزا نظام الدین احمد مکی شیرازی، میرزا سید علی خان صدرالدین حسینی حسینی مدنی، مکی شیرازی، میرزا مجدالدین محمد بن میرزا سید علی خان، میرزا حسن، میرزا حسن حسینی فسائی مولف *فارستامه ناصری* که فرزند سوم میرزا حسن است. شرح حال و سرانجام افراد خاندان دشتکی در دنباله مقاله ذکر شده است. در ادامه مقاله متن بازنویسی شده شش سند آمده و اصطلاحات آنها توضیح داده شده و در پایان تصاویر اسناد آمده است.

۷۹- روستایی، محسن. «واژگان علمی مصوب فرهنگستان ایران (۱۳۱۴-۱۳۲۰ ش.)». *کنجینه اسناد*، ش ۳۱ و ۳۲ (پاییز و زمستان ۱۳۷۷): ص ۷۶-۸۹.

در این مقاله، نگارنده با بهره گیری از اسناد موجود در سازمان اسناد ملی ایران، سیر تشکیل انجمن های دست اندرکار اصلاح، تغییر و جایگزینی واژگان فارسی به جای واژگان بیگانه را بررسی و واژگان مصوب در حوزه علوم مختلف شامل فیزیک، هواشناسی، مکانیک، حساب و هندسه، روانشناسی و آمار را آورده است. در سال ۱۳۰۷ پس از تشکیل دارالمعلمین عالی جهت برابری واژگان بیگانه در حجره بدیع الزمان فروزانفر جلسه هایی به این منظور تشکیل می شد که سعید نفیسی، هرمز سالور، شیخ رئیس افسر و حسین گل گلاب در آن شرکت داشتند. در سال ۱۳۱۱ عیسی صدیق در دانشسرای عالی، انجمن وضع لغات و اصطلاحات علمی را تأسیس کرد که هفته ای یکبار عده ای از دانشجویان به راهنمایی یکی از استادان به کار واژه گزینی می پرداختند. استادانی مثل رضازاده شفق، محمود حسابی، بیژن، حسین گل گلاب و محمدباقر هوشیار در این انجمن شرکت داشتند. این انجمن حدود ۳۰۰۰ واژه و اصطلاح وضع کرد که حدود ۴۰۰ اصطلاح آن در کتاب های درسی به کار رفت. انجمن پس از تأسیس فرهنگستان ایران در ۱۳۱۴ نیز فعال بود و با آن همکاری داشت. در دی ماه ۱۳۱۴ حسین گل گلاب طی نامه ای به فرهنگستان ضمن اشاره به اهمیت جایگزینی واژگان فارسی به جای بیگانه پیشنهاد تشکیل کمیسیونی برای لغات و اصطلاحات علمی و فنی مدارس را می دهد که در پی آن کمیسیونی مأمور بررسی پیشنهاد فوق شدند و در بهمن ۱۳۱۵ نظامنامه بازبینی در اصطلاحات علمی به تصویب فرهنگستان رسید که در آن روش کار فرهنگستان و شرایط اعضا آمده است. این کمیسیون از سال ۱۳۱۷ تا شهریور ۱۳۲۰ فعال بود و برخی از واژگان علوم پایه محصول کار این کمیسیون است. اعضای کمیسیون اصطلاحات علمی حدود ۲۰ نفر بودند که غلامحسین رهنما به عنوان رئیس، محمود حسابی به عنوان مخبر و حسین گل گلاب به عنوان منشی در این کمیسیون مطرح بودند.

چکیده مقاله‌ها

۸۰- رهبری، مهدی. «نوسازی شتابان و انقلاب اسلامی ایران». *نامه پژوهش*، ش ۱۰ و ۱۱ (پاییز و زمستان ۱۳۷۷): ص ۱۴۷-۱۶۱.

بسیاری از متفکران برجسته خارجی و داخلی، نظریه نوسازی شتابان را در تحلیل انقلاب اسلامی ایران به کار گرفته‌اند، از آن رو که حکومت پهلوی در دهه ۴۰ تا ۵۰ سیاست نوسازی و اصلاحات اقتصادی - اجتماعی را در سطح وسیعی اعمال کرد. گسترش ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی؛ افزایش تعداد مدارس و دانشگاه‌ها و به تبع آن تعداد دانشجویان و دانش‌آموزان؛ بالا رفتن تعداد کارخانه‌ها و موسسات صنعتی و تجاری؛ تشدید روند مهاجرت روستاییان به شهرها و... همگی گواه جریان شتابان نوسازی در دهه‌های مذکور هستند. آنچه نوسازی شتابان را سبب گردید، تغییر بافت سنتی جامعه و واکنش سریع نیروهای اقتصادی - اجتماعی سنتی در مقابل حکومت به علت زیان دیدن از نوسازی و لذا اقدام به انقلاب با هدف مقابله و جلوگیری از این روند بوده است. به منظور بسط نظریه مذکور و تطبیق آن با نحوه وقوع انقلاب اسلامی ابتدا نظریه اولسون و لوییز درباره تأثیر نوسازی سریع بر وقوع انقلاب‌های جهان سوم بیان شده و سپس نظریه‌های افرادی چون نیکی کدی، منصور فرهنگ، بخاش و... درباره انقلاب اسلامی را به آزمون و نقد گذاشته است.

۸۱- ستاری، جلال. «اسطوره الگوی ایرانی تریستان و ایزوت». *بخارا*، ش ۴ (بهمن و اسفند ۱۳۷۷): ص ۳۲-۴۷.

افسانه تریستان و ایزوت در قرن دوازده میلادی اسطوره شور و عشق و رمز و راز و اعجاز شیفتگی در ادب غرب شد یعنی اسطوره عشق مقدر و محتومی که به مرگ رهنمون است. این افسانه یا رمان به زعم بعضی، از منظومه ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی الگو گرفته است. در این مقاله قصد نویسنده این است که رمان تریستان و ایزوت تا چه حد و امدار منظومه ویس و رامین است. در واقع مشابهت هر دو داستان انکار ناپذیر است و طرح اصلی هر دو یکی است. به سبب همین همانندی نخستین کسی که تریستان و ایزوت را با ویس و رامین سنجید و

الگو بودن داستان ایرانی را نتیجه گرفت زنکر دانشمند آلمانی بود و بعضی محققان نظریه او را پذیرفتند. ولادیمیر مینورسکی و پیرگاله نیز الهام پذیری ترستان و ایزوت از ویس و رامین را تأیید کرده‌اند. به گفته پرویز ناتل خانلری مترجم ترستان و ایزوت تفاوت دو داستان در خاتمه آنها است. عشق ترستان و ایزوت به مرگ هر دو عاشق می‌انجامد ولی در منظومه ویس و رامین سرانجام عاشقان وصل و خوشبختی و زندگانی دراز است. در ادامه مقاله نظرات ادب شناسان صاحب نام و اعتبار در مورد شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو رمان به تفصیل بیان شده است.

۸۲- ستایشگر، مهدی. «شاعران موسیقی‌دان، موسیقی‌دانان شاعر». هنر موسیقی، ش ۶ (آذر و دی ۱۳۷۷): ص ۳۲-۳۳.

این مقاله به معرفی سید میرزا محمد نصیر حسینی شیرازی مشهور به فرصت الدوله شیرازی است که در ۱۲۷۱ ق. در شیراز متولد و در آبان ۱۲۹۹ برابر با ۱۰ صفر ۱۳۳۹ وفات یافت و آرامگاهش در حافظیه شیراز است. وی در بازگشت شعاع السلطنه فرزند مظفرالدین شاه از شیراز به تهران همراه وی بود و پس از تقرب به شاه، فرصت الدوله شیرازی لقب گرفت. فرصت الدوله هنرمندی شاعر و موسیقی‌دان بود و اثر معروف او بحورالاحان است. وی از مکتب شیخ مفید شیرازی و سید جمال الدین اسدآبادی و مهدی مصلحی بهره‌مند شد و از شاگردان معروف او روح‌الله خالقی، نجفقلی میرزا و کوهی کرمانی را می‌توان نام برد. آثار وی عبارتند از: آثار عجم، دیوان اشعار، دریای کبیر، اشکال المیزان، منشآت، رساله شطرنجیه، مثنوی هجونا، مقالات علمی و سیاسی، رساله در علم هیات جدید و رساله در گرامر خط میخی. از فرصت در موسیقی علمی اثری مذکور نشده و به تناسب شرایط اجتماعی و عقیدتی از بروز موسیقی علمی خود، خودداری کرد است. غزل فرصت از حال و هوای ویژه‌ای برخوردار و بسیاری از آنها توسط هنرمندان خواننده اجرا شده است. اثر مشهور او بحورالاحان در طول زمان بارها تجدید چاپ شده است. این اثر در علم موسیقی دستگاهی است و از نقطه نظر

چکیده مقاله‌ها

تسلسل گوشه‌ها بسیار مورد تأیید است. فرصت، رابطه شعر و موسیقی را از لحاظ وزن بیان داشته و به عنوان شاهد غزلی نسبتاً مشهور از یکی از شاعران را با مقام یا دستگاه یا آواز یا گوشه‌ای مناسب آن شعر، متذکر گردیده است.

۸۳- سجادی، ضیاءالدین. «لیلی و مجنون در قرن ششم ه.ق. و لیلی و مجنون نظامی». شعر، ش ۲۵ (بهار ۱۳۷۸): ص ۸-۱۷.

داستان لیلی و مجنون که بیان‌کننده عشقی ساده و صحرایی بود ظاهراً در قرن اول هجری قمری در زمان خلافت مروان یا عبدالملک از اشعار عاشقی به نام قیس بن ملوح عامری مشهور به مجنون بر سر زبان‌ها افتاد و در میان عرب‌ها شهرت یافته است. دیوان قیس را ابوبکر المواقبی جمع‌آوری کرد و اشعار دیگران را نیز در آن وارد کرد. این اشعار را عشاق و شیفتگان شعر و ادب حفظ کرده و برای یکدیگر نقل کرده‌اند. در قرن سوم هجری ابن قتیبه دینوری در کتاب الشعر و الشعراء اشعار قیس را آورده و حکایات منسوب به او را نیز در آن کتاب نقل کرده و در دیگر آثار خود نیز چند بیت از این اشعار را آورده است. در قرن چهارم ابوالفرج اصفهانی داستان لیلی و مجنون را در کتاب اغانی نقل کرده است که باعث شهرت فراوان این داستان در کشورهای عربی و در میان ادیبان و شاعران ایرانی شده است. در قرن پنجم نیز این داستان کم و بیش مورد توجه شاعران ایرانی قرار گرفته است و در شعر خود از آن یاد کرده‌اند. شاعرانی مانند باباطاهر همدانی، امیر معزی، قطران، مسعود سعد از جمله این شاعران هستند. اما ناصر خسرو بنابر سیرت مذهبی خود توجه به عشق صوری و این گونه داستان‌های عشقی را رد می‌کند. قرن ششم هجری اوج شهرت این داستان است و تقریباً در تمام نثر و نظم این قرن به این داستان اشاره شده است. و همین شهرت این داستان، پادشاه ادب دوست و فاضل شروان را به تشویق نظامی در تصنیف لیلی و مجنون وادار کرده است. لیلی و مجنون نظامی پنج هزار بیت دارد و به وفات مجنون بر سرگور لیلی و آگاه شدن قبیله مجنون از مرگ او و ختم کتاب به نام شروانشاه می‌انجامد. در ادامه به سایر آثار قرن ششم و حکایت‌های آنها از لیلی و مجنون اشاره شده است.

۸۴- سعادت، اسماعیل. «(را)ی بعد از «یا»ی نکره». *نشر دانش*، سال ۱۶، ش ۱ (بهار ۱۳۷۸): ص ۱۷-۲۶.

موضوع «را» یعنی حرف نشانه مفعول صریح، در فعل متعدی، یکی از پیچیده‌ترین و باریک‌ترین موضوعات دستور زبان فارسی است. پیچیده است، زیرا به آسانی قاعده‌پذیر نیست و هر قاعده‌ای برای آن پیدا کنیم، باز ممکن است استثناهایی داشته باشد، و باریک است، چون تشخیص محل کاربرد آن مستلزم آشنایی با روح زبان است، و بستگی به وضع و موقعیت مفعول صریح پیش از آن دارد. نویسنده در این مقاله مثال‌های مختلفی از افعال متعدی که مفعول صریح آنها هم ذی‌روح است و هم غیر ذی‌روح آورده و قواعد آوردن یا نیاوردن «را» را در آنها به تفصیل مورد بررسی قرار داده است.

۸۵- سعیدی، حوریه. «شکوفه (نخستین روزنامه زنان ایران)». *تاریخ معاصر ایران*، سال ۳، ش ۹ (بهار ۱۳۷۸): ص ۳۴۷-۳۵۵.

روزنامه شکوفه اولین روزنامه‌ای بود که به وسیله یک زن و مخصوص بانوان منتشر شد. شکوفه روزنامه‌ای بود اخلاقی، ادبی، حفظ الصحه، خانه‌داری، بچه‌داری، مهم‌ترین هدفش تربیت دوشیزگان و تصفیه اخلاق زنان بود. این روزنامه از دیحجه ۱۳۳۰ تا ذیقعد ۱۳۳۴ ه.ق. منتشر شد. این روزنامه با چاپ سنگی و سربی با خط تحریری و حروفچینی و در قطع رحلی بود. صاحب امتیاز و مدیر مسئول و نویسنده آن مریم میرعمید سمنانی ملقب به مزین‌السلطنه دختر میر سید رضی رئیس الاطباء پزشک قشون ناصرالدین شاه بود. عمده مطالب روزنامه را مسائل خانواده تشکیل می‌داد و همین گرایش موجب تنوع موضوعات آن بود. از مقولات مورد علاقه و توجه خاص روزنامه، تأکید بر لزوم تربیت و تعلیم دوشیزگان؛ توجه به بهداشت فردی و اجتماعی؛ ضرورت تحصیل علم؛ تقید به احکام و اصول دین و رعایت قوانین مذهبی بود. روزنامه شکوفه تقریباً از سال دوم به بعد بیشتر رنگ و بوی سیاسی - انتقادی به خود گرفته و بحث‌های مطروحه در آن کلی‌تر و جامع‌تر شد و به تجزیه و تحلیل

چکیده مقاله‌ها

علل بروز برخی مشکلات اقتصادی، اجتماعی و عقب‌ماندگی‌های جامعه ایران پرداخت و از عملکرد مسئولان انتقاد کرد.

۸۶- سلامی، اسماعیل. «نگاهی به تأثیر شعر حافظ بر شاعران آمریکایی و انگلیسی». *مجموعه مقالات روابط فرهنگی*، ش ۲ (بهار ۱۳۷۸): ص ۵۴-۶۵.

اهمیت ادبیات تطبیقی برای بررسی روابط ادبی بین فرهنگ‌ها بر کسی پوشیده نیست. متأسفانه این رشته در محافل دانشگاهی ماکتور مورد توجه قرار گرفته است. این مقاله تلاش جدیدی در زمینه تأثیرات شعر حافظ بر شعرای آمریکایی و انگلیسی است و سعی شده تا اندازه‌ای سهم این شاعران در معرفی ادبیات ایران و در نتیجه تأثیر آن بر ادبیات این دو کشور را مورد مطالعه قرار دهد. از دیرباز شاعران و نویسندگان اروپایی توجه زیادی به شعر و ادب ایران نشان داده‌اند و به ترجمه بعضی آثار شاعران برجسته ایرانی مبادرت ورزیده‌اند. در این میان می‌توان از گوته شاعر بزرگ آلمانی نام برد که دیوان حافظ را به آلمانی ترجمه کرد. در آمریکا و انگلستان نیز شاعران بزرگی به ترجمه و معرفی ادبیات ایران دست زدند که عبارتند از: ۱- رالف والدو امرسون: از سن ۴۰ تا ۵۰ سالگی، شعر فارسی همواره منبع الهام شعری این شاعر بود. در سال ۱۸۴۱، نام حافظ و سعدی در فهرست کتاب‌های وی قرار داشت، وی ابتدا به انتشار مقالاتی پراکنده راجع به حافظ دست زد و در سال ۱۸۴۵، به طور جدی به خواندن آثار شاعران ایرانی پرداخت. امرسون حدود ۷۰۰ بیت از اشعار حافظ را ترجمه و منتشر کرد و دو مجموعه گزیده حافظ را در کتاب شعری خود گنجانید؛ ۲- هنری وادزورت لانگفلو: وی از طریق امرسون با ادبیات ایران آشنا شد و در اشعارش از سعدی و خیام تأثیر گرفته است؛ ۳- هرمان ملویل: وی تحت تأثیر اشعار حافظ بود ولی در اواخر عمر از گلستان سعدی و رباعیات خیام در آثار خود بهره جست؛ ۴- آلفرد لرد تنیسون: تأثیر حافظ در اشعار و آثار او به وضوح دیده می‌شود. وی همچنین تحت تأثیر رباعیات خیام بود؛ ۵- متیو آرنولد: وی از جمله شاعران انگلیسی است که شیفته فرهنگ و ادب ایرانی بود. وی در دو مورد از درون مایه‌های

ایرانی استفاده کرده است، یکی در اقتباس از داستان رستم و سهراب و دیگری در مقاله‌ای تحت عنوان تعزیه. البته در هر دو مورد کنجکاوی آرنولد از فرهنگ تعلیقی نشأت می‌گرفت.

۸۷. سلطانی، محمدعلی. «کتاب و کتابخانه در قرن هفتم هجری به گزارش (کتاب الحوادث)». *آینه پژوهش*، ش ۵۴ (بهمن و اسفند ۱۳۷۷): ص ۲-۶.

کتاب *الحوادث* بخش به جا مانده از کتاب تاریخی است که نویسنده گمنامی از قرن هشتم آن را نوشته و مدت‌ها به اشتباه آن را به مورخ مشهور عراقی ابن فوطی نسبت می‌دادند. بخش تاریخی این کتاب حوادث سال‌های ۶۲۵ تا ۷۰۰ هجری را در بردارد و از جمله گزارش‌های پراکنده‌ای درباره کتاب و کتابخانه در آن دوره به دست می‌دهد که در این مقاله مجموعه‌ای از این گزارش‌ها به ترتیب سال آمده است. نویسنده در گزارش حوادث سال ۶۲۶ به تکمیل بنای مسجد مستنجد معروف به قمریه در بغداد می‌پردازد و به کتابخانه آن نیز اشاره می‌کند. در گزارش سال ۶۳۱ به پایان ساخت مدرسه مستنصریه و کتابخانه آن اشاره می‌کند که دارای لوح‌ها و کتاب‌های نفیس به قدر محموله‌ای که ۱۶۰ کارگر حمل و نقل می‌کنند بوده است. این کتابخانه یکی از کتابخانه‌های بزرگ آن زمان شد و ابن فوطی مدتی مدیر آن بود و مورد بازدید مهمانان خلیفه قرار می‌گرفت. در حوادث سال ۶۳۹ از کتابخانه خلیفه و تعیین مسئول برای آن یاد می‌کند. مؤلف کتاب در گزارش خود از کتابخانه دیگری در جامع بصره خبر می‌دهد. از جمله کتابخانه‌های دیگر مورد اشاره، کتابخانه‌ای در منزل مستعصم خلیفه عباسی است که در سال ۶۴۱ ایجاد شده است. کتابخانه دیگر کتابخانه وزیر دانشور مستعصم، مویالدین محمد بن علقمی در خانه‌اش به نام دارالکتب است که در سال ۶۴۴ افتتاح شد. وجود این کتابخانه‌ها در عراق در قرن هفتم هجری حکایت از حضور دانشوران و کتاب دوستان بسیار در این مقطع تاریخ در عراق می‌کند که مؤلف به چند مورد از علاقه‌مندان کتاب اشاره کرده است. در مورد سرانجام تلخ کتاب و کتابخانه در شهر بغداد به حمله مغول در سال ۶۵۶ و کشتار مردم و گسترش قحطی و گرسنگی اشاره می‌کند که بسیاری از کتاب‌های نفیس و ارزشمند در برابر مواد

چکیده مقاله‌ها

غذایی به پایین‌ترین قیمت فروخته شد. با این حال کتاب‌هایی بین مردم محفوظ ماند، به طوری که وقتی خواجه نصیرالدین طوسی در سال ۶۶۲ به بغداد و شهرهای واسط و بصره رفت، برای رصدخانه خود مقدار زیادی کتاب جمع کرد.

۸۸- سلطانی، محمدعلی. «گزارشی از عقاید النساء». *آینه پژوهش*، ش ۵۵ و ۵۶ (فروردین - تیر ۱۳۷۸): ص ۲۷-۳۲.

کتاب *کلثوم ننه* یا *عقاید النساء* از جمله کتب مشهور و پراوازه در ادبیات عامه ایران می‌باشد که نویسنده‌اش مشخص نیست، برخی آنرا از آثار آقاجمال الدین محمد بن حسین بن محمد خوانساری مشهور به آقاجمال خوانساری محدث، اصولی، حکیم و متکلم و فقیه عصر صفوی می‌دانند. محتوای کتاب در واقع نقد غیرمستقیم حرف‌های زنانه و مسلک بانوان و به طور مستقیم گردآوری و پژوهش در دانش عوام یا همان فولکلور است. در مورد انتساب تألیف کتاب به آقاجمال خوانساری چند دلیل ذکر کرده‌اند: نخست اینکه آقاجمال فقیهی مردمی و بسیار پر رفت و آمد با توده مردم بود. از عقاید و آراء جاری میان مردم اطلاع داشت و نسبت به وجود خرافه و عادت‌های بی‌پایه در بین مردم آگاه بود؛ دوم اینکه آقاجمال در روزگاری می‌زیست که خرافه و خرافه‌گویی گسترش فراوان داشت، پادشاه وقت مانند پدرش شاه سلیمان تا روز تاجگذاری در حرمسرا و در بین زنان بود، نه در جمع سیاستمداران و تربیت زنانه پادشاه و سلطه فراوان حرمسرا در امور کشورداری زمینه گسترش عقاید بانوان را مساعد کرده بود. نگارش کتابی که بیانگر عقاید خرافی زنان باشد، نه تنها از شأن یک فقیه آگاه نمی‌کاهد بلکه بیانگر تیزهوشی و مبارزه وی علیه خرافه و سیاست فرهنگی وقت از طریق استهزای آن است. کتاب *کلثوم ننه* یا *عقاید النساء* از نظر مطالعات جامعه‌شناختی تاریخی حائز اهمیت فراوان است و برای پژوهش در جامعه بسته زنان عصر صفوی منبع مفیدی است، ارزش‌های مورد تأکید آنان، دغدغه‌ها و نگرانی‌های خانوادگی، دلوپسی‌ها و... مشغله‌های ذهنی آنان، برداشت‌های دینی، تلقی آنان از طبقات جامعه و ده‌ها موضوع قابل مطالعه را می‌توان در کتاب *کلثوم ننه* جست.

۸۹- شاملو، احمد. «گیل گمش». *کارنامه*، سال ۱، ش ۲ (بهمن ۱۳۷۷): ص ۷-۱۶.

گیل گمش به گیلگامش نیز مشهور است. (پادشاه «اوروک» واقع در جنوب بابل ۳۰۰۰ ق.م.). نقش وی در حال کشتن دو گاو وحشی باقی است. حماسه منظومه گیلگامش به نام پادشاه پهلوان در دست است و آن شامل ۱۲ عدد لوح بزرگ به خط میخی بوده و چون از گلی ساخته شده بود قطعه قطعه گردیده است. امروز این لوح در موزه بریتانیا است. مضامین این حماسه شامل عشق، تربیت، کوه، دشت، وحوش، دریا، سیل، طوفان، راز تولد و مرگ و غیره می باشد. این حماسه مشهور از نخستین افسانه های مدون انسانی است. حماسه گیلگامش حماسه ای است سومری که در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد نوشته شده است. حماسه گیلگامش داستان گیلگامش، پادشاه افسانه ای اور، از شهرهای سومر، است که به جستجوی زندگی جاوید بر می خیزد. بعدها بابلی ها این داستان را به شکل حماسه ای منظوم درآوردند. گیلگامش یکی از شاهکارهای ادبیات جهان به شمار می رود. بخشی از این حماسه شرحی است درباره سیل و طوفان که به روایت طوفان نوح در تورات شباهت بسیار دارد. متن اصلی این حماسه که در ۱۲ لوح گلی است از کتابخانه آشوربانی پال در نینوا به دست آمده است.

۹۰- شریعت زاده جنیدی، مریم. «حس آمیزی در موسیقی دانان ایرانی». *فصلنامه هنر*،

ش ۳۹ (بهار ۱۳۷۸): ص ۱۶۵-۱۶۹.

امروزه پدیده حس آمیزی در روانشناسی خلاقیت از دیدگاه نوروپسیکولوژی مطرح است. به این معنی که تحریکات حسی که واقعیت عینی دنیای خارج را در مغز منعکس کرده، با حواس مشترک ادغام و یک پارچه جهت تعبیر و درک شناخت حرکت می کند. اهداف پژوهش حاضر تعیین پدیده حس آمیزی بین موسیقیدانان و افراد معمولی است، با این فرضیه که پدیده حس آمیزی دیداری و شنیداری به طور معنادار در موسیقی دانان بیشتر از اشخاص معمولی است. جامعه مورد مطالعه شامل ۵۱ تن از موسیقی دانان ایرانی صدا و سیما و ۳۱ تن از افراد معمولی که همگی مرد و از نظر سن و تحصیلات تقریباً به هم نزدیک هستند. این بررسی

چکیده مقاله‌ها

با استفاده از دستگاه تاکیستوسکوپ که امکان تحریک دیداری در حد هزارم ثانیه را با شرایط یکسان آزمایشگاهی میسر می‌سازد و ارایه محرک‌های شنیداری توسط گوشی ارزیابی گردیده است. براساس گزارشات آماری در سطح $a=5\%$ و با درجه آزادی ۸۰ و ۹۵ درصد اطمینان نتیجه می‌گیریم که همبستگی معناداری بین حس‌آمیزی شنیداری هنرمندان و افراد معمولی وجود دارد. در موسیقی‌دانان بروز حس‌آمیزی در چپ دست‌ها بیشتر از راست دست‌ها است، این پدیده در موسیقی‌دانانی که بیشتر از ۲۰ سال سابقه دارند بیشتر از موسیقی‌دانان با سابقه کار کمتر از ۲۰ سال است.

۹۱- شریف‌پور، شهریار. «تصنیف در ایران». *هنر موسیقی*، ش ۷ (بهمن ۱۳۷۷): ص ۱۸-۱۹، ۴۳.

تصنیف نوعی شعر است که با آهنگ، موسیقی خوانده می‌شود. به عقیده اخوان ثالث تصنیف نوعی شعر ملحون است که از ایام قدیم پا به پای غزل شناخته شده و متداول بوده است و به آن «قول» می‌گفته‌اند و آن را در ظرف غزل به کار می‌برده‌اند. قول نوعی غزل بوده است در اوزان شنگ و شاد ضربی که اهل موسیقی برای آن نغمه و آهنگ می‌ساخته و تصنیف می‌کرده‌اند و خوانندگان و قوالان، شعر را همراه با آن می‌خوانده‌اند. به عقیده استاد بهار فرق زیادی بین شعر و تصنیف نبوده و هر شعری را در مزاحفات بحر هزج و رجز به جای تصنیف به کار برده‌اند، وی به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌کند و عقیده دارد تصنیف نوعی از اشعار هجایی است که از قبل از اسلام در ایران رایج بوده است. اصطلاح تصنیف از قرن دهم شایع شده که شاید از قرن هشتم و نهم پدید آمده است و جانشین اصطلاح قول و غزل عهد اول بعد از اسلام است. در موسیقی تصنیف عبارت است از آهنگ‌های کوتاهی که همراه شعر توأم بوده و کلمات آن روی مضامین خاصی ساخته شده و گاهی از حوادث و اتفاقات زمانه بحثی مختصر کرده و جنبه انتقادی داشته است. آهنگ‌های محلی نیز به نوعی همین تصنیف‌های ابتدایی است که اروپایی‌ها ریشه موسیقی ما را در آن جستجو می‌کنند. این فکر چندان صحیح به نظر

گلچین

نمی‌رسد زیرا ما علاوه بر این نغمه‌های عامیانه، ردیفی داریم که اساس موسیقی ماست و این ترانه‌ها فقط در بعضی پرده‌های ردیف ما ساخته شده که ساده‌تر و یا عوامانه و بازاری بوده است. تصنیف‌های عهد صفوی هجایی نبوده و با شعر عروضی هماهنگی داشته است ولی در دوره بعد از آن تا حدود زیادی از اوزان عروضی آزاد هستند. موضوع تصنیف گاهی عشق و عاشقی، و گاهی شوخی و یا تمجید و بدگویی از اشخاص و اوضاع است. تصنیف به صورت کنونی پدیده‌ای جدید است و وقتی شعر از دربار سلاطین به دست مردم کوچه و بازار افتاد، شکل تصنیف به خود گرفت و بعد از مشروطیت شعرا توجه بیشتری به آن کردند. انواع تصنیف عبارتند از: تصنیف عروضی، تصنیف‌های سیاسی و تصنیف‌های طنز که در این مقاله مثال‌هایی از هر کدام ذکر شده است.

۹۲- شکوری، ابوالفضل. «اندیشه سیاسی ابوالحسن عامری». *آینه پژوهش*، ش ۵۳ (آذر و دی ۱۳۷۷): ص ۲-۱۲.

ابوالحسن محمد بن یوسف عامری نیشابوری، رئیس فلاسفه اسلام در نیمه دوم قرن چهارم و ملقب به صاحب الفلاسفه بود که در حدود سال ۳۰۰ قمری متولد و در سال ۳۸۱ فوت کرد. در فلسفه شاگرد ابوزید بلخی بود و در حکم هم‌رتبه فارابی و ابن سینا شمرده می‌شود. وی در توفیق بین شریعت و فلسفه تلاش زیاد کرد، با صوفیه محشور بود و تصوف را دوست داشت. از دیگر اساتید وی ابوجعفر خازن در ریاضیات و نجوم، ابوبکر قفال و ابوالفضل بن عمید وزیر بودند. وی دارای تألیفات زیادی در فلسفه، حکمت و سیاست بوده است. آثار او در زمینه سیاست عبارتند از: *الاعلام بمناقب الاسلام* در ردیف کتاب‌های کلامی و *فرخ‌نامه یونان* دستور به زبان فارسی، و *السعادة والاسعاد*. مبانی محوری فلسفه سیاسی وی بر مبانی کتاب *مناقب و رسائل* پراکنده او را می‌توان در عناوین زیر فهرست کرد. ۱- اصالت الهی عقل، وی عقل را محصول میوه نهایی آفرینش می‌داند. از طرف دیگر عقل چون مخلوق خداوند است مطلق نیست و ناتوانی‌هایی دارد که از طریق وحی جبران می‌شود؛ ۲- نقش مکمل عقل و وحی، ابوالحسن

چکیده مقاله‌ها

عامری پیرو مکتب کندی و ابوزید بلخی است که برای معرفت بشری دو سرچشمه اصلی به نام عقل و وحی قایل بودند و سعادت انسان‌ها را در جمع این دو می‌دانستند و بر پایه همین مبنا به عدم تعارض فلسفه و مذهب معتقد بودند؛^{۹۳} نظام سیاسی اسلامی و مزایای آن، عامری ارکان دین اسلام را در چهار اصل فشرده ساخته است: اعتقادات، عبادات، معاملات و کیفرها، وی می‌گوید: «ریاست و رهبری سیاسی مرکب از دو اصل نبوت راستین و فرمانروایی حقیقی است و هر یک جز به موهبت الهی برای انسان حاصل نمی‌شود.» روی این قاعده جداسازی ملک و دین و سیاست و دیانت را روا نمی‌داند و آن دو را مکمل همدیگر می‌داند. وی از دو نوع رهبری سیاسی نام می‌برد، یکی رهبری و نظام سیاسی مبتنی بر زور و استبداد و دیگری نظام سیاسی و رهبری موسوم به امامت.

۹۳- صاحب نسق، کیاوش. «نقطه، خط، نوا». (۲)/ *هنر موسیقی*، ش ۶ (آذر و دی ۱۳۷۷): ص ۲۸-۳۱.

این نوشته قسمت دوم مقاله نویسنده است. در این قسمت ابتدا در مورد مشکل کاربرد علایم سری و کرن توضیحاتی داده و سپس در مورد اندازه فاصله زائد پیشنهادی داده و بعد از آن شکل دستان فارابی، دستان ابن سینا، دستان صفی‌الدین و دستان طبیعی را ترسیم و در مورد آنها توضیحاتی داده است و سرانجام مقایسه‌ای تطبیقی بین دو تارهای شرق و شمال خراسان و میزان اختلاف با گام تامپرا انجام داده است.

۹۴- صادقی، مقصود علی. «روابط سلجوقیان و قراخانیان در دوره سلطان سنجر». *ایران‌شناخت*، ش ۱۲ (بهار ۱۳۷۸): ص ۱۳۰-۱۶۳.

یکی از مسائل اساسی در بررسی تاریخ سلجوقیان، شناخت روابط این خاندان با دولت‌های همجوار به ویژه حکومت‌های ایالات شرق و شمال شرق ایران است و این بررسی ممکن است روشن‌کننده برخی از ریشه‌های تشکیل، ترقی و زوال دولت مذکور باشد. این روابط در زمان

کلچین

سنجر سلجوقی وارد مرحله جدیدی شد. در دوره سنجر، انتقال مرکز سیاسی از عراق عجم به خراسان، روابط آنها با دولت‌های همجوار دچار تحولات جدیدی شد که در مقدرات دولت سلجوقی، به ویژه کیفیت تضعیف و سقوط آن تأثیر فراوانی داشت. در این مقاله روابط سلجوقیان با حکومت قراخانیان در دوره سلطان سنجر بررسی شده و ضمن آن تاریخچه روابط دو سلسله را از آغاز تا عصر سنجر آورده است. بررسی روابط سنجر و قراخانیان نشان می‌دهد که بین تمام دولت‌های زیر دست سنجر، مناسبات او با حاکمان قراخانی از دیگران نزدیکتر بوده است. انتخاب مرو به عنوان پایتخت که پیوند بیشتری با ماوراءالنهر داشت در تعمق روابط سیاسی، فرهنگی دو طرف مؤثر بوده است. در دوره سنجر قراخانیان نه تنها در بسیاری از اقدامات سیاسی - نظامی سنجر مشارکت و همکاری داشتند، بلکه عنداللزوم سنجر نیز در گرفتاری‌های دولتمردان سمرقند به آنان یاری می‌رساند.

۹۵- صالح، الهیار. «ایران زمان رضاشاه». به کوشش ایرج افشار، نگاه نو، ش ۴۰ (بهار ۱۳۷۸): ص ۱۰-۱۲.

این مقاله از یادداشت‌های الهیار صالح است که در چهارم مرداد ۱۳۲۱ در نیویورک نوشته شده است. وی در آن زمان نماینده بازرگانی ایران در آمریکا بوده است. نگارنده در نوشته خاطراتی از نحوه برخورد و رفتار رضاشاه با زیردستان و خلاصه‌ای از وضع دربار او را ذکر می‌کند و برای نمونه اعتراض رضاشاه به ملاقات منشی شرکت نفت انگلیس با وزیر دارایی را ذکر می‌کند که نشان می‌دهد رضاشاه به هیچ کس اعتماد ندارد و همه از او می‌ترسند و به او دروغ می‌گویند. وی در ادامه خاطراتی از دوران جنگ جهانی دوم در ایران را بازگو می‌کند و از نحوه ورود قوای متفقین به کشور و ناتوانی ارتش ایران در برخورد با نیروها و سرانجام استعفای رضاشاه مطالبی را ذکر می‌کند.

۹۶- صدری‌نیا، باقر. «سیمای کمال در آئینه تذکرها». ایران‌شناخت، ش ۱۲ (بهار ۱۳۷۸): ص ۷۸-۹۷.

چکیده مقاله‌ها

اگرچه آوازه کمال خجندی به تعبیر مبالغه‌آمیز حافظ حسین کربلایی تبریزی، مؤلف *روضات الجنان*، از قاف تا قاف عالم را فراگرفته بود و در عصر خویش در زمره عارفان و شاعران نامدار به شمار می‌آمد، با این حال برخی از حوادث و سوانح حیات وی همچنان در پرده ابهام مانده است، و بسیاری از مؤلفان کتاب‌های تذکره و تاریخ متعرض دقایق احوال وی نشده‌اند. بعضی تنها به تکرار مطالب متقدمان درباب وی بسنده کرده‌اند، و برخی دیگر با اظهارات متشتت و متناقض به ابهامات موجود دامنه افزون‌تری بخشیده‌اند. در مقاله حاضر پاره‌ای از این تناقضات و برخی از جوانب زندگی و اندیشه او از نظر گذرانده شده است. همه مؤلفان کتاب‌های تذکره و تاریخ درباره منشأ و مولد وی اتفاق نظر دارند. درباره تاریخ وفات او اقوال مختلف است. و این اختلاف در تاریخ وفات وی در عصر حاضر نیز دوام یافته است. غالب شارحان احوال وی ضمن تاکید بر این نکته که شیخ را درجه ولایت و ارشاد بوده و شاعری دون مراتب اوست، اشتغال وی را به شعر و شاعری وسیله‌ای برای ستر حال و رعایت عبودیت دانسته‌اند و نوشته‌اند که توجه او به شعر از آن روی بوده است تا ظاهر مغلوب باطن نشود و از عبودیت باز نماند. سودمندترین آگاهی‌ها را در این باب، در *روضات الجنان* و *روضه اطهار* می‌توان یافت. و در نتیجه باید او را پیرو همان مشرب عرفانی دانست که پیش از وی نامدارانی مانند احمد غزالی، فخرالدین عراقی، اوحدالدین کرمانی و بسیاری دیگر از آن پیروی کرده بودند.

۹۷- صرفی، محمدرضا. «اسطوره "زمان در شعر حافظ"». *فرهنگ کرمان*، ش ۲ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۱۴۹-۱۷۲.

زمان مقدس لحظه‌هایی است که عارف از عالم غیب با خبر می‌شود، اما نه با حواس ظاهری بلکه با به کار گرفتن و برانگیختن حواس درونی خود که در واقع استحاله حواس ظاهری و تبدیل آن به حواس درونی و معنوی است. زمان مقدس برای عارف دارای سلسله مراتب است. برترین زمان مقدس نزد او لحظه‌ای است که آفرینش جهان و انسان را درک کند.

کاجین

هر زمان مقدسی که برای عارف دست می‌دهد حادثه‌ای مقدس را که احتمالاً در گذشته‌ای نامعلوم اتفاق افتاده است واقعیت می‌بخشد. از این رو زمان مقدس برای عارف تکرار شدنی است. زمان مقدس توالی‌ای از ابدیت‌ها است، زیرا همیشه شامل حادثه مقدسی است که در ازل اتفاق افتاده و عارف آن را با کشف و شهود خویش درک می‌کند. با ورود در زمان مقدس عارف با ابدیت پیوند می‌یابد و به مقام تمکین می‌رسد. حافظ از این زمان مقدس با کلماتی از قبیل: دوش، دی، دیشب، سحر، صبح، آن زمان، آن روز، سحرگه، سحرگاهان، ازل، شب دوش، نخست روز، خواب خوش، صبحدم، شام، بامداد، نیمه شب و ... تعبیر می‌کند. وی با این تعبیر از بدایت لاهوتی خبر می‌دهد و آغاز آفرینش را در صحنه‌های کاملاً اساطیری نشان می‌دهد. لحظه‌هایی را بازگو می‌کند که نشان از ازل دارند و در همان حال به حال و ابدیت نیز پیوند خورده‌اند. حافظ گاه از آغاز آفرینش و پیدایش عشق سخن می‌گوید، و گاه در این زمان با فرشتگان و قدسیان دیدار می‌کند و سخن آنان را درک می‌کند، گاه این زمان برای او بهانه‌ای جهت بیان آرزو یا اشتیاق می‌شود، گاه به دیدار با خود معشوق نایل می‌شود، و گاه بشارتی یا پیغامی از جانب یار ادراک می‌کند. گاهی نیز در این زمان مقدس به مکان مقدسی وارد و مشکلات روحی خود را حل می‌کند.

۹۸- صعودی‌پور، مریم. «تأثیر ادبیات فارسی بر ادبیات فرانسه». مجموعه مقالات فرهنگ، ش ۲ (بهار ۱۳۷۸): ص ۶۶-۷۷.

این مقاله در مورد تأثیر ادبیات فارسی بر ادبیات فرانسه و چگونگی آشنایی فرانسویان با زبان فارسی است. تا اواخر قرن هجدهم، فرانسویان فقط سعدی و گلستان او را می‌شناختند و از طریق کتاب *نامه‌های ایرانی* مونتسکیو با ایران آشنا شده بودند. در سال ۱۷۹۵ «مدرسه ملی زبان‌های شرقی» گشایش و ترجمه فارسی آثار سعدی، فردوسی، عطار و جامی آغاز شد. سیاستمدارانی که به ایران می‌آمدند نیز به این کار کمک کردند. اولین کسی که از ایران در ادبیات فرانسه سود جست آندره ریوودو نماینده‌نویس فرانسوی بود که نمایشنامه‌ای به نام

چکیده مقاله‌ها

هامان نوشت. بعد از وی پیر ماتیو و آنتوان دومون کرده‌تین این داستان را به صورت نمایشنامه درآوردند. تا قرن هفدهم هیچ یک از آثار ادبی فارسی به فرانسه ترجمه نشده بود، در سال ۱۵۹۶ پیر ویکتور کایه قطعه شعری از فارسی به فرانسه ترجمه کرد. در سال ۱۶۲۴ آندره دوربه با ترجمه گلستان سعدی اولین کوشش را برای شناساندن ادبیات فارسی به فرانسویان به کار برد. تا قبل از آن مردم فرانسه از طریق جهانگردان با ایران آشنا بودند. آثار ولتر عصر جدیدی در روابط فرهنگی دو کشور گشود. در قرن نوزدهم این روابط رونق گرفت و اوستا به فرانسه ترجمه شد. موريس مترلینگ بیش از هر کس از شاهنامه الهام گرفت و ویکتور هوگو نیز تعدادی از اشعار خود را در افسانه قرون به فردوسی اختصاص داد. شناخت سعدی تأثیر زیادی در ادبیات رمانتیست و غزل‌سرایی قرن نوزدهم فرانسه گذاشت و فرانسویان از طریق ترجمه‌های انگلیسی و آلمانی با آثار حافظ آشنا و تحت تأثیر آن قرار گرفتند. حافظ، سعدی و خیام بر ادبیات فرانسه سایه گسترده‌ای داشتند. نثوفیل گوتیه و ارنست رنان از طریق رباعیات خیام اندیشه‌های وی را کشف و او را به ملت خود شناساندند.

۹۹- صفا، ذبیح‌الله. «دل و عشق در اصطلاح صوفیان». فصلنامه هنر، ش ۳۹ (بهار ۱۳۷۸): ص ۱۰-۱۵.

در این مقاله نویسنده مراحل سیر و سلوک عرفانی و مفاهیم دل و عشق را در نظر اهل عرفان و تصوف همراه با ذکر شواهدی از اشعار مولانا جلال‌الدین مولوی بررسی کرده است. کمال‌الدین عبدالرزاق کاشانی عارف بزرگ قرن هفتم و هشتم آدمیان را در سه مرتبه نفس، قلب و روح قرار می‌دهد. باتوجه به همین نقل مرتبه قلب یا دل در نزد بزرگان تصوف تاحدی دریافت می‌شود. اهل عرفان بین دل و عرش الهی تشابهات و تفاوت‌هایی ذکر کرده‌اند. در نظر اهل تصوف، دل را صورتی است که همان صورت صنوبری شکل باشد و جانی است روحانی که خاص آدمی است و آن جان را از نور محبت دلی دیگر هست که هر آدمی را نیست. صوفیان گویند دل اوضاع گوناگون یا اطوار مختلفی دارد که شماره آنها به هفت می‌رسد و آنها را به

کاج‌بن

ترتیب: صدر، قلب، شغاف، فؤاد، حبه‌القلب، سویدا و مهجة‌القلب می‌خوانند. این مراتب هنگامی حاصل می‌شود که دل از فواید تربیت صاحب‌دلان و آگاهان از اسرار شریعت و اطباء حاذق روحانی و ائمه برخوردار شود و این نعمت تربیت حاصل نمی‌شود جز اینکه سالک عاشق شیفته حضرت احدیت و محب محض پیشروان راه شریعت و مرید خالی از شائبه نسبت به اولیاء باشد. و در حقیقت در مرحله پرشور محبت وارد شده باشد. و اگر این محبت به حد افراط رسد عشق ناامیده می‌شود و هیچ‌کس را نمی‌توان عاشق گفت مگر آنکه از معشوق خود دور افتد و در شب‌های هجران با خیال معشوق به راز و نیاز پردازد و لحظه‌ای از تخیل او و دل‌انگیزی‌هایش خالی نباشد. بدیهی است این عشق، غیر از آن وسوسه دایم و سوزانی است که انسان را در بند هوی و هوس مقید می‌کند. عرفا و علمای دیگر در تمیز این دو نوع عشق بحث‌های مستوفی دارند و از آن دو یکی را منبعث از جنون جسمانی و دیگری را ره‌آوردی از ملکوت ربانی و جذبات یزدانی می‌شمارند. همین عشق الهی و حقیقی اساس مکتب و طریقه عرفانی مولوی شده و چون با قلب پاک و دل صافی او آمیخت به خلق آثاری چون مثنوی انجامید.

۱۰۰- صنعتی، همایون. «اقتباس گاه‌شماری مصری باستان بوسیله روحانیت زرتشتی ایران». *فرهنگ کرمان*، ش ۲ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۱۷۴-۱۸۲.

تمام پژوهشگران غربی و منابع امروزی به این نتیجه رسیده‌اند که ایرانیان در اواخر سده ششم و یا اوایل سده پنجم قبل از میلاد تقویم مصری را اقتباس و آن را زیربنای سال دینی خود قرار داده‌اند. به عقیده تقی‌زاده احتمالاً پس از عودت داریوش از مصر، محافل زرتشتی ایران و روستا و موبدان آن‌کیش، گاه‌شماری مصری را اتخاذ و به جای گاه‌شماری اوستایی قدیم استفاده کردند. تقویم اوستایی جدید در تمام کیفیات و جزئیات با تقویم مصری مطابق است. هر روز ماه به یک فرشته موکل و به اسم او منسوب بود. به این نظرات، مختصر ایرادی وارد است. به این معنی که تردید نیست که تا قبل از تصرف مصر به دست ایرانیان خود مصریان هنگام

چکیده مقاله‌ها

تاریخ‌گذاری فقط از ارقام و اعداد استفاده می‌کردند و اسم به کار نمی‌بردند. تمام پژوهشگرانی که عقیده دارند ایرانیان گاه‌شماری مصری را اقتباس کرده‌اند، گاه‌شماری مصری را تعریف و توصیف نکرده‌اند. در گاه‌شماری مصر باستان سال قمری - نجمی بود که روزهای سال $\frac{1}{4}$ ۳۶۵ بود، بعدها گاه‌شماری عرفی را اختراع کردند که در آن تعداد روزهای سال ۳۶۵ روز بود و برای $\frac{1}{4}$ روز اضافه آن در هر سال با آنکه آگاهی داشتند فکری نکرده بودند. روزهای سال را در میان سه فصل که هر فصل چهار ماه سی روزه داشت و پنج روز وارد بر سال (روزهای ابوغنما یا پنجه دزدیده) تقسیم می‌کردند. مصریان باستان همزمان چند نوع سال با اندازه‌های مختلف به کار می‌بردند از جمله: سال ۳۶۰ روزه که جنبه دینی داشت، سال ۳۶۵ روزه معروف به سال عرفی یا گردان، سال قمری - نجمی $\frac{1}{4}$ ۳۶۵ روزه معروف به سال سوتیسی، و سال قمری ۵- ۳۵۴ روزه. حال می‌توان پرسید اگر واقعاً روحانیت زرتشتی گاه‌شماری مصری را اقتباس کرده‌اند کدام یک یا چند عدد از این سال‌های رایج را در مصر باستان پذیرفته بودند؟ قاطبه پژوهشگران غربی اصرار دارند که ایرانیان باستان فقط سال عرفی و غیرمذهبی و به اصطلاح سال قراردادی مصریان را که ۳۶۵ روزه بود، بدون کسر مصری اقتباس کرده و آن را سنگ بنیاد و زیربنای تمام آیین‌ها و مراسم مذهبی خود قرار داده‌اند.

۱۰۱- ضیایی، ایرج. «شعر و مفاهیم ازلی». *کارنامه*، سال ۱، ش ۵ (خرداد ۱۳۷۸): ص ۸۰-۸۳.

شیروانی از شاعران نسل اول جنگ اصفهان است. از چاپ نخستین شعر او در جنگ (بهار ۱۳۴۶ دفتر چهارم) سی سال می‌گذرد. حاصل تلاش او گزینش و چاپ سیزده شعر است که در این مقاله ویژگی‌های اشعار وی بیان شده است. به زیر کشاندن مفاهیم ازلی و برکشاندن مفاهیم جزئی برای همسو کردن آنها با استفاده از قصص و داستان آفرینش آدم و حوا در قالب نگاهی تقدیری به کمک تاریخ، سنن و علم با بینش افلاطونی، با بار فرهنگ اسلامی... اینها تمامی آن چیزی است که شیروانی سعی دارد در این چند شعر تکلیف خود را با آنها روشن کند.

کاجین

او با به کارگیری زبانی فخیم به دور از ویژگی گفتاری و محاوره‌ای در کنار اسطوره‌ها و اندیشه‌های کهن می‌خواهد مانع از توقف مخاطب در نامتناهی و هم در متناهی بشود.

۱۰۲- طاهایی، جواد. «آیا از جامعه شناسی انقلاب اسلامی می‌توان به فلسفه آن راه برد؟ (یک یادداشت)». *نامه پژوهش*، ش ۱۰ و ۱۱ (پاییز و زمستان ۱۳۷۷): ص ۵-۲۵.

این مقاله به رویارویی روشنفکران ایرانی با این سوال پرداخته است که «فلسفه انقلاب اسلامی چیست؟» بخش عمده‌ای از این مقاله به ملاحظاتی انتقادی درباره اخلاقیات پژوهشی، روش‌های تحلیلی و ذهنیات ویژه تحلیل‌گر انقلاب اسلامی اختصاص یافته است. اما در واقع مسئله از شیوه رویارویی این محافل با پدیده انقلاب اسلامی درمی‌گذرد و به این پرسش می‌رسد که آیا اصولاً از طریق بررسی‌های جامعه‌شناختی یا علل فاعلی در زمینه انقلاب اسلامی می‌توان درباره فلسفه یا علت غایی آن به داوری پرداخت؟ این که فلسفه انقلاب اسلامی چیست، موضوع برخی تأملات بعدی است.

۱۰۳- طباطبائی بهبهانی (منصور)، محمد. «در محضر حکیم فندر سک». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ش ۱۴۸ و ۱۴۹ (زمستان ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸): ص ۲۱۳-۲۲۹.

میرابوالقاسم فندر سکی از بزرگان حکمت و در عین حال تقریباً کم شهرت عهد صفوی است. این حکیم علی رغم مقام بزرگش در حکمت و فنون ریاضی مجهول‌القدر است و آثار مختصری از او به دست رسیده است. در تعیین مشرب فلسفی او اختلاف است برخی به اشراقی بودنش حکم کرده و اکثراً به چند بیتی از قصیده یائیه میر متمسک می‌شوند که مضامین آن، عقیده گوینده‌اش به مثل افلاطونی را به ذهن متبادر می‌سازد. برخی دیگر نیز قائل به مشایی بودن او می‌باشند و البته آنچه از مباحث فلسفی صریح میر برمی‌آید جز عقیده اخیر را تأیید

چکیده مقاله‌ها

نمی‌کند. میرفندرسکی سالیانی را در هندوستان به سیر آفاقی و انفسی سپری کرد و سخت از عرفان هندی متأثر گشته بود شرح او بر کتاب **جوک باسشت** یادگار آن ایام است. وی در طول حیات خود مورد تکریم و تعظیم شاهان صفوی و سلاطین هندوستان بود ولی هرگز روح بزرگش مسخر اعتباریات نگردید و در کمال استغنا عمر شریفش را به سر برد. آنچه از میر به دست رسیده اکثراً به صورت جزوات کم حجم و تعلیقه گونه‌ای است که همگی نشانگر ادراک فوق‌العاده میر و تبحر در تقریر مباحث حکمی است. نثری روان و شیوا دارد و به شدت از تصنع و تکلف گریزان است و متکلفین را فرومایه می‌داند. برخی از آثار وی عبارتند از: رساله صنایع، شرح **جوک باسشت**، **جوابیه میر به آقا مظفر حسین کاشی**، **رساله الحریکه**. میرفندرسکی سرانجام در سن ۸۰ سالگی در سال ۱۰۵۰ قمری دعوت حق را لبیک گفت و در قبرستان تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد.

۱۰۴- عباسی، هوشنگ. «مقدمه‌ای بر فرهنگ بومی - هویت گیلانی». قسمت ۱ **گیله‌وا**، ش ۵۲ (بهمن ۱۳۷۷ - فروردین ۱۳۷۸): ص ۲۴-۲۵.

این نوشته قسمت اول مقاله نویسنده در مورد ویژگی‌های بومی و قومی مردم گیلان است. نگارنده در این قسمت موقعیت اکولوژی و جغرافیایی؛ تاریخ؛ زبان؛ هنر و ادبیات؛ آثار دانشمندان و پژوهشگران؛ فرهنگ شفاهی و باورهای عامیانه؛ اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی مردم خطه گیلان را بررسی کرده است. فرهنگ بومی گیلان همه دستاوردهای مادی و معنوی می‌باشد که انسان گیلانی در دوره‌های مختلف حیات اجتماعی و تاریخی به آن دست یافته است و ویژگی یک گیلانی را می‌رساند که باعث تمایزش از دیگر اقوام و مردم مناطق دیگر ایران می‌باشد. این ویژگی را می‌توان در باورها و اعتقادات؛ اندیشه‌ها و احساسات؛ سنن و هنر؛ صنایع؛ قوانین عرفی و رفتارها مشاهده کرد. طبیعت گیلان درختان سر به فلک کشیده‌ای است که در همه جا به چشم می‌خورد و گילה مردها به راحتی از آنها بالا می‌روند و برای چیدن میوه خود را به نوک درختان می‌رسانند و حتی بر بالای آنها استراحت می‌کنند.

خانه‌هایی که در جلگه گیلان ساخته می‌شود مانند درختان غالباً تابع یک طرح قائم چند طبقه است. گیلان یکی از مراکز پیدایش تمدن باستانی در ایران است. زبان بومی مردم آن زبان گیلکی است که از گروه زبان‌های شمال غربی ایران و از گویش‌های باستانی ایران ریشه گرفته و از نظر ویژگی‌های دستوری و نحوی با دیگر زبان‌های ایرانی از جمله فارسی مشابهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد. ادبیات گیلکی در یک قرن اخیر به بالندگی و پویایی ویژه‌ای دست یافته و شعر گیلکی هم طراز با ادبیات نو به جلوه‌گام نهاده و قالب‌ها و سبک‌های مختلف هنری را آزموده است. گیلان در صد سال اخیر از نادر مناطقی بود که در کسب تمدن پیشرو بود. فلاسفه و دانشمندان بزرگی از گیلان برخاسته‌اند. بزرگانی مانند: عبدالقادر گیلانی، محمود پسیخانی، پیر شرفشاه، شیخ زاهد و... از جمله این افراد هستند. در میان اعتقادات عامیانه موارد بسیاری وجود دارد که اختصاص به گیلان دارد. مانند آتش افروزی در مرداد هر سال، برگزاری جشن سال جدید دیلمی به نام نوروز بل، مراسم باران‌خواهی و آفتاب‌خواهی، موسیقی فولکلوریک و آواها و نواهای بومی. از نظر اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی، گیلان پناهگاه علویان و اسماعیلیان و پایگاه تشیع در ایران بوده است.

۱۰۵- عباسی، هوشنگ. «مقدمه‌ای بر فرهنگ بومی - هویت گیلانی». قسمت ۲/گیله‌وا، ش ۵۳ (اردیبهشت - تیر ۱۳۷۸): ص ۲۴-۲۵.

این نوشته قسمت دوم مقاله نویسنده در مورد ویژگی‌های بومی و قومی مردم گیلان است. نگارنده در این قسمت صنایع دستی و تولیدات سنتی، آثار تاریخی و بناهای قدیمی و باستانی، درآمیختگی اقوام و عناصر انسانی، مردم شناسی جسمانی و روان‌شناسی و خلق و خوی گیلانی‌ها را بررسی کرده است. صنایع دستی گیلان عبارتند از: انواع بافتنی‌های دستی و ابریشمی؛ صنایع چموش دوزی؛ گلیم‌بافی؛ چادرشب بافی؛ حصیربافی؛ بامبوفی و کوزه‌گری. ساختمان‌ها و بناهای قدیمی گیلان میراث تمدن اقوام و مردم این منطقه است. حفظ، مرمت و نگهداری این بناها در شناسایی فرهنگ و هویت مردم منطقه بسیار مؤثر است. این بناها درها

چکیده مقاله‌ها

و قلعه‌ها، گنبدها، کاروان سراها، مساجد و عبادتگاه‌ها، حمام‌ها و بازارها، پل‌ها و غیره را شامل می‌شود. از ویژگی‌های فرهنگی گیلان وجود اقوام مختلف در کنار هم و به طور مسالمت آمیز است. از نظر چهره و قیافه، مردم گیلان ویژگی مختص به خود دارند که آنان را از دیگر مناطق ایران متمایز می‌کند که این ویژگی‌ها و نظرات مردم‌شناسان مختلف در این زمینه در ادامه مقاله ذکر شده و در دنباله مقاله به خلق و خو و عادات و رفتارهای مردم گیلان اشاره شده است.

۱۰۶- عبدالهیان، بهناز. «مفاهیم نمادهای مهر و ماه در سفالینه‌های پیش از تاریخ». *هنرنامه*، ش ۲ (بهار ۱۳۷۸): ص ۴۶-۶۳.

مقاله حاضر در راستای طرح پژوهشی مطالعات تطبیقی دانشگاه هنر تهیه شده است و هدف اصلی آن بررسی تمدن‌های کهن به طور عرضی و تطبیقی و همچنین تهیه جداول تخصصی به منظور دسترسی سریع و ساده به اطلاعات مربوطه است. در این مقاله نگارنده ابتدا به توضیح هر یک از عناصر طبیعی شامل آسمان، زمین، مهر و ماه و ایزدان آنان در تمدن‌های مختلف و سپس مفاهیم و نمادهای بصری آنها پرداخته است. آنگاه جداولی از نمادهای هندسی، حیوانی، گیاهی و احتمالاً ابزاری مربوط به هر یک از عناصر طبیعی مورد بحث ارائه می‌شود. این جدول‌ها به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که همچون یک فرهنگ نماد عمل کنند، به طوری که بتوان با دیدن تصویر نماد، به مفهوم و کاربرد آن نماد بر سفالینه‌های پیش از تاریخ پی برد. در مورد مطالب این نوشتار ذکر چند مورد ضروری است: اول اینکه گاه برخی نمادها ابتدا به یک عنصر طبیعی تعلق داشته‌اند که با گذشت زمان، به عنصر دیگری تعلق پیدا کرده‌اند؛ دوم اینکه، زمانی که از نماد، آن هم از نمادهای پیش از تاریخ بحث می‌شود، برخی مفاهیم فرضی هستند و نمی‌توان با قطعیت در مورد آنان نظر داد؛ نکته دیگر اینکه اکثر نقوش جمع‌آوری شده هرچند گاهی طرح‌های متفاوت دارند ولی با مفاهیمی مشترک در اکثر تمدن‌های پیش از تاریخ دیده می‌شوند.

کاجین

۱۰۷- علی بابایی، غلامرضا. «نگاهی به مناسبات سیاسی ایران و فرانسه». سیاست خارجی، سال ۱۳، ش ۱ (بهار ۱۳۷۸): ص ۲۳-۶۲.

آغاز روابط ایران و فرانسه را می‌توان از سال ۱۲۹۲ میلادی که سفیری از جانب ارغون خان به دربار فیلیپ لوبل پادشاه فرانسه اعزام شد، دانست. ولی به قراین و شواهد زیاد، تماس‌های دو کشور از مدت‌ها قبل از آن وجود داشته است. تا اواسط قرن هفدهم میلادی، مخالفت دولت عثمانی و مشکلات و خطرات سفر مهم‌ترین موانع موجود در راه ایجاد ارتباط بین ایران و اروپا بود. با این وجود، در دوران صفویه پای سیاحان فرانسوی به ایران باز شد و این مسافران با انتشار سفرنامه‌های خود توجه و علاقه به ایران را در اروپا به وجود آوردند. این مقاله به سیر تاریخی روابط ایران و فرانسه پرداخته و در آن مطالب مفصلی به شرح زیر آمده است: «روابط ایران و فرانسه در دوره صفویه و عهد نامه تجاری سال ۱۷۰۸ و حق قضاوت کنسولی برای هر دو کشور در این دوره»؛ «روابط دو کشور در دوره زندیه»؛ «روابط دو کشور در دوره قاجاریه شامل مبادله سفیر، نامه ناپلئون به آغامحمدخان و پاسخ فتحعلی شاه به نامه وی (در مورد پیشنهاد انعقاد عهدنامه دوستی و کمک نظامی به ایران)»؛ «عهدنامه فین کشتاین و پی‌آمدهای آن»؛ «افول روابط دو کشور (پس از انعقاد عهدنامه بین ناپلئون و تزار روسیه) و سپس قطع آن و مجدداً برقراری ارتباط»؛ «سیر روابط دو کشور تا جنگ جهانی اول»؛ «روابط فرهنگی دو کشور در دوره قاجار و رضاشاه»؛ «از جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی و روابط اقتصادی دو کشور در این دوره». در بررسی روابط دو کشور در جریان انقلاب اسلامی و پس از آن نیز به مسائلی مانند «علل تیرگی روابط دو کشور (شامل تجمع ضد انقلابیون و فراری‌ها در فرانسه، کمک نظامی فرانسه به عراق و قضیه وام یک میلیارد دلاری ایران به فرانسه)»؛ «فراز و نشیب روابط تا شروع جنگ سفارتخانه‌ها»؛ «تجدید روابط و سپس تیرگی مجدد آن»؛ «موضع فرانسه در برابر تحریم‌های آمریکا»؛ «بهبود و گسترش روابط دو کشور پس از پیروزی ژاک شیراک و آقای خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری».

چکیده مقاله‌ها

۱۰۸- عیوضی، محمدرحیم. «انقلاب اسلامی ایران و تحول در نظریه‌های انقلاب». *نامه پژوهش*، ش ۱۰ و ۱۱ (پاییز و زمستان ۱۳۷۷): ص ۲۶۷-۲۸۵.

انقلاب اسلامی ایران که در شرایط و مقتضیات خاصی روی داد، پدیدآیی متغیرهای جدی نوین در عرصه مطالعات مربوط به نظریه‌های انقلاب، و نیز موجب بازسازی بسیاری از نظریه‌های کلاسیک و جدید در جامعه شناسی سیاسی انقلاب در چارچوب حوزه اجتماعی ایران گردید. در میان آن دسته از نظریه‌های انقلاب که شرایط و مقتضیات پیش از وقوع انقلاب را علت وقوع انقلاب دانسته‌اند شباهت‌های اساسی وجود دارد. در بین نظریه‌های مرتبط با انقلاب، رهیافت انقلاب اسلامی زمینه بازبینی نظریه‌های مربوط به انقلاب را فراهم کرد. این مقاله می‌کوشد دیدگاه‌های مربوط به انقلاب اسلامی را که نظریه‌پردازان معاصر و کلاسیک و مدرن مطرح کرده‌اند، نقد و بررسی کند. انقلاب اسلامی همه نظریه‌های قابل توجه و مطرح درباره انقلاب‌های سیاسی - اجتماعی را به اشکال مختلف به چالش کشیده است و نتیجه آنکه هیچ یک از این نظریه‌ها به تنهایی و بر مبنای نظام تک علتی، نمی‌توانند تبیین‌کننده کنش انقلابی ملت ایران باشند. آن دسته از رهیافت‌های نظری که به نقش عوامل مختلف در تحقق انقلاب اسلامی توجه کرده‌اند، در فهم نظری انقلاب اسلامی موفق‌ترند. بنابراین انقلاب اسلامی در منظر نظریه‌پردازان غربی، عرصه جدیدی در آزمون نظریه‌های رایج و موسوم علوم اجتماعی است.

۱۰۹- فاطمی، ساسان. «یک شکل جهانی برای یک نوع جهانی». *ماه‌آور*، سال ۱، ش ۳ (بهار ۱۳۷۸): ص ۷۰-۸۲.

این ادعا که موسیقی یک زبان بین‌المللی است به همان اندازه واهی است که ادعای وجود یک موسیقی جهانی. موسیقی نه شاخه‌ای جهانی دارد و نه کلیتی که برای همه افراد بشر قابل فهم باشد. با این حال کشف ابعاد جهانی و بین‌المللی موسیقی از دل مشغولی‌های انسان شناسی موسیقی است. کمال مطلوب این علم دست یافتن به یک تئوری جهانی موسیقی است که با

ساختار درونی همه موسیقی‌های جهان جمع‌پذیر باشد و بتواند برای یک نوع جهانی، ساختاری جهانی کشف کند. این آرزو تاکنون تبدیل به یک حسرت شده است. به عنوان مثال تاکنون هیچ قالب مشترکی برای انواع جهانی مانند لالایی‌ها، آوازهای کار، آوازهای مذهبی و غیره یافت نشده است. شاید تنها موفقیتی که در این زمینه به دست آمده، از آن کنستانتین بریلیو باشد که نشان داده همه هتَل مَتَل‌های جهان از قاعده ریتمیک واحدی پیروی می‌کنند. بریلیو، آن را ریتمیک کودکانه می‌نامد. اما اذعان دارد که این ریتمیک منحصر به هتَل مَتَل‌ها یا شعرهای کودکانه نمی‌شود و آثار آن را در انواع دیگر موسیقی نیز می‌توان پیدا کرد. وی در عین حال تأکید می‌کند که نامگذاری به این معنی نیست که کودک با ریتم‌های دیگر آشنایی ندارد. هدف این مقاله، معرفی قواعد کشف شده توسط بریلیو برای ریتمیک کودکانه و تطبیق آن با هتَل مَتَل‌های ایرانی است. خواهیم دید که شعرهای ضربی ایرانی نیز از این قواعد یا در واقع، از چارچوب اصلی این قواعد پیروی می‌کنند؛ هرچند آنها از پاره‌ای ویژگی‌ها برخوردارند که استثناهایی را در قوانین بریلیو وارد می‌کنند.

۱۱۰- فدائی عراقی، غلامرضا. «اسناد کتابخانه مجلس، ابزاری در خدمت نمایندگان و گنجینه‌ای ارزشمند در تاریخ معاصر ایران». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ش ۱۴۸ و ۱۴۹ (زمستان ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸): ص ۲۶۱-۲۸۱.

در این مقاله به اهمیت اسناد و تنوع آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی اشاره شده است، این اسناد شامل بایگانی راکد، اسناد سازمان ملل، بریده جراید، روزنامه‌ها و مجلات قدیمی، آلبوم و نقشه‌هاست. روش نگهداری، سازماندهی و بازیابی فعلی هر کدام از این دسته اسناد و مشکلات آنها به تفصیل بیان شده و اقدامات و طرح‌های در دست اقدام کتابخانه برای سازماندهی و نمایه‌سازی اسناد به روش جدید و کامپیوتری بهره‌بردار و استفاده هر چه بهتر بیان شده است. به طور کلی مشکلات عمده این کتابخانه به شرح زیر بیان شده است: کمبود فضا؛ دور بودن فضاهای نگهداری از همدیگر؛ شیوه نگهداری؛ فقدان سازماندهی؛ نبودن نظام اطلاع رسانی و بالطبع بی‌خبر بودن نمایندگان مجلس و محققان از این مجموعه عظیم.

چکیده مقاله‌ها

۱۱۱- فراستخواه، مقصود. «بازخوانی یک روایت؛ چرا انقلاب شد؟». *دنیای سخن*، ش ۸۴ (اسفند ۱۳۷۷): ص ۴۰-۴۵.

مقاله حاضر علل و موجبات انقلاب اسلامی ایران را تشریح می‌نماید. علل مذکور شامل ۸ مورد می‌باشند که عبارتند از: ۱- اقتصاد اجاره‌دار و حکومت بهره‌گیر، در این نوع اقتصاد سیاسی، حکومت با اجاره‌داری نفت و بهره‌گیری از آن صاحب درآمد آسان می‌شود و از مالیات مردم بی‌نیاز و نسبت به خواسته‌ها، حقوق و آرای آنها بی‌اعتنا می‌گردد. این امر به علاوه علل و عوامل دیگر سبب می‌شود که چنین حکومتی اغلب مستعد استبداد، خودکامگی، تمامیت‌خواهی و انحصارطلبی باشد؛ ۲- قیومت‌پذیری از پایین و انقیادخواهی از بالا، تمامی درآمدها از طریق نفت بود و روند رشد هزینه‌های حکومت پهلوی از نفت تأمین می‌شد؛ ۳- پی‌آمدهای ناموزون و نامتعادل کشاورزی دچار افول شد، توجه بیش از حد به شهر و شهرنشینی و بالا رفتن هزینه‌های نظامی؛ ۴- نابرابری‌های فاحشی در توزیع درآمد، در سال ۱۳۵۲ نزدیک به $\frac{1}{3}$ جامعه تنها ۷٪ هزینه‌ها را به خود اختصاص می‌دادند؛ ۵- فقدان مشروعیت و معناداری سیاسی (بحران مشروعیت و معنای سیاسی)؛ ۶- حس استغنائی حکومت از عرصه مدنی و بخش عمومی؛ ۷- بسته شدن راه مخالفت‌های قانونی و مسالمت‌آمیز؛ ۸- و سرانجام یک هژمونی ایدئولوژیک از اسلام و تشیع سیاسی و مسلکی به رهبری بخشی از روحانیت و در پیشاپیش توده مردم که به عاملان پرشور عرصه سیاست بدل شده بودند، ابتکار عمل انقلابی را به دست گرفت.

۱۱۲- فضایی، یوسف. «بحث کوتاهی در مفهوم درست تاریخ». *چیستا*، ش ۱۵۴ و ۱۵۵ (دی و بهمن ۱۳۷۷): ص ۳۴۳-۳۴۵.

در عصر رواج فرهنگ و تمدن در سرزمین‌های تحت سلطه خلیفه، تاریخ نگاران غالباً وقایع نگار بوده‌اند نه تاریخ‌شناس. یعنی تنها به نقل وقایع بسنده می‌کرده‌اند و آنها را تحلیل و تفسیر نمی‌کردند و علل و عوامل آن را مشخص نمی‌کردند. از جمله این افراد محمد بن جریر

کلچین

طبری، ابن اثیر و ابن خلدون هستند. البته معدودی از آنها مثل ابوریحان بیرونی و ناصر خسرو و ابن ابی اصیبعه و همچنین ابن خلدون را در مقدمه تاریخ خود می‌توان مورخ واقعی و تاریخ‌شناس شمرد، زیرا از وضع حال مردم عادی جامعه و سیر فرهنگ بشر صحبت کرده‌اند. اما وضعیت تاریخ‌نگاری جدید در اروپا شروع شد و مورخان با شیوه علمی و تاریخ‌شناسی به بیان حوادث پرداختند. از قرن هفدهم مورخان بزرگ مانند آلبر ماله، ویل دورانت، آرنولد توین‌بی، گوردن چاپلید و دیگران با شیوه علمی جامعه‌شناسی تاریخ جهان را نوشتند و علم تاریخ را به رشته‌های مختلف تقسیم کردند. در ایران در سده‌های اخیر حسن پیرنیا در نوشتن *تاریخ ایران باستان*، نصرالله فلسفی در نوشتن کتاب *زندگی شاه عباس کبیر* و مرتضی راوندی در نوشتن کتاب *تاریخ اجتماعی ایران* حتی‌المقدور با شیوه جدید تاریخ‌نگاری به بیان حوادث پرداخته‌اند. از اواخر سده ۱۹ میلادی تاریخ‌نگاران سوسیالیست در مکتب سوسیالیسم نیز از شیوه علمی تاریخ با سبک خاصی پیروی کردند و حوادث تاریخی را غالباً معلول اختلاف طبقاتی در جامعه‌ها شمردند.

۱۱۳- فلاح‌کار، ستار. «موسیقی در سرزمین گیل و دیلم». *مقام*، ش ۴ (بهار ۱۳۷۸): ص ۱۳۸-۱۴۰.

آثار به جا مانده در شرق گیلان، به ویژه در جنوب شرقی و کوهپایه‌ای اطراف آن، یعنی دیلمان، به ما می‌گوید که در حقیقت، این منطقه زادگاه موسیقی گیل و دیلم است. موسیقی در گیل و دیلم، به چهار دسته تقسیم می‌شود: ۱- موسیقی رزمی شامل موسیقی کشتی و بندبازی و... از وسایل این موسیقی کرنا است که دو شکل دارد (یا از جنس نی است و بسیار بلند، و یا از جنس شاخ گاو یا شاخ گوزن)؛ ۲- موسیقی مجلسی شامل موسیقی عروسی، ختنه‌سوران، تولد نوزاد و آیین نوروز و... از مهم‌ترین آلات این نوع موسیقی سرنا و نقاره است؛ ۳- موسیقی مذهبی (عرفانی) شامل تعزیه‌خوانی و چووشی خوانی. از مهم‌ترین آلات مورد استفاده در تعزیه کرنا و سنج است؛ ۴- موسیقی شبانی نوعی خاص از موسیقی است که خاص دامداران و کشاورزان به هنگام کار است و دو شکل‌زاری و هرائی و یک شکل عاشقانه را دارا است.

چکیده مقاله‌ها

۱۱۴- فلاح، مهرداد. «بررسی تحولات شعر فارسی در دو دهه اخیر: این شعر برای خودش شناسنامه دارد». *کارنامه*، سال ۱، ش ۳ (اسفند ۱۳۷۷): ص ۱۶-۲۵.

از جمله مسائلی که خوانندگان حرفه‌ای شعر ما با شعر شاعران جوان دارند، اتهام بی‌معنایی یا نامفهوم بودن شعر اینان است. بیشتر این خوانندگان معنا را در شعر با موضوع یکی می‌انگارند و موضوع از دید اینان به موضوع‌های عام نظیر مرگ، عشق و غیره محدود می‌شود و چون در بیشتر شعرهایی که این شاعران می‌سرایند تأکیدی بر این موضوعات کلی دیده نمی‌شود، خوانندگان سرخورده و عصبانی شعر را کنار می‌گذارند. با نگاهی به بهترین شعرهای بیست سال اخیر باید به این خوانندگان حق داد. علت اینکه شاعران جوان از کلی‌گویی و عام‌نگری دور شده و به جزئی‌نگری روی آورده‌اند را باید در تلاش شاعران برای کشف فرم‌های جدید در قلمرو شعر دانست، همچنین ویژگی بارز شعر امروز آرمان‌گریزی آن است. بعضی‌ها این آرمان‌گریزی را دلیل آن می‌دانند که شعر از مسائل اجتماعی روی‌گردان است و به طور کلی به آن پشت می‌کند. خصوصیتی که شعر اجتماعی امروز را با نمونه‌های آن در قبل متفاوت می‌کند بیشتر حاصل تصویری است که شاعران جوان نسبت به کارکردهای اجتماعی شعر دارند. این شاعران در مورد کارکردهای اجتماعی شعر و میزان تأثیر آن بر مردم، قطعیت و خوش‌بینی سابق را ندارند.

۱۱۵- فولادوند، عزت‌الله. «اخوان ثالث و سبک خراسانی». *ادبیات معاصر*، سال ۳، ش ۲۷ (بهار ۱۳۷۸): ص ۲-۱۶.

برای بازشناسی محتوا و مضمون نو و کهنه در آثار شعرای متقدم و متأخر می‌توان موضوع واحدی را در کارگاه ذهن و زبان شاعران بزرگ دنبال کرد و از بازآفرینی هنری هر یک، از مضمونی موردنظر، به قدرت خلاقیت و چند و چون شاعری آنان پی برد. و ابتکار شاعر را از دست به شدن موضوع تازگی اندیشه و خلق تصاویر و تسلط بر واژگان نتیجه گرفت یا بالعکس به ضعف و ناتوانی او پی برد. در این مقاله نویسنده مضمون (ابر) را به عنوان مضمونی

کاجین

طبیعی و عینی در دفتر چند شاعر صاحب نام همچون فرخی سیستانی، مسعود سعد سلمان، ازرقی هروی و اخوان ثالث پی‌گیری کرده است و به مقایسه قدرت خلاقیت، اندیشه و تفکر آنها پرداخته است.

۱۱۶- قاسمی، فرید. «ناصری در عهد ناصری». *نگاه‌نو*، ش ۳۹ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۱۴۷-۱۳۳.

در آخرین سال‌های سلطنت ناصرالدین شاه قاجار نخستین شماره نشریه *ناصری* در روز یکشنبه غره شوال یونت ثیل هجری سنه ۱۳۱۱ در مطبعه دارالسلطنه تبریز منتشر شد. ناشر این نشریه مدرسه مظفری بود به مدیریت محمد ندیم باشی و سردبیر آن در شروع کار علی بن موسی قاجار (صدق الملک) بود. این نشریه از حیث شکل و محتوا سرآمد مطبوعات عهد خود بود. از این نشریه در عهد ناصری مجموعاً ۶۵ شماره در ۵۹۵ صفحه منتشر شد. ترتیب انتشار *ناصری* در سال اول پانزده روز یک‌بار و قیمت آن یک ساله ۲۴ نمره دوازده هزار دینار، شش ماهه ۱۲ نمره شش هزار دینار، سه ماهه ۶ نمره سه هزار دینار و قیمت تک نمره دویست و پنجاه دینار بود. صفحه اول شماره‌های *ناصری* به سرلوحه نشان دولتی، نام نشریه، فهرست مندرجات و دیباچه اختصاص داشت. درباره نوع و روش *ناصری* در زیر سرلوحه آورده‌اند: این روزنامه از مطالب دولتی و پولتیک داخله و امور مربوط به آن دو سخن نخواهد راند و مقصود کلی از طبع و نشر آن انتشار برخی مطالب مربوط به علوم، تمدن و تجارت است...

۱۱۷- قدردان قراملکی، محمدحسن. «مشروعیت حکومت اسلامی از منظر شهید مطهری». *نامه مفید*، سال ۵، ش ۱۷ (بهار ۱۳۷۸): ص ۲۰۵-۲۳۲.

این مقاله به بررسی منشاء مشروعیت حکومت اسلامی از منظر شهید مطهری می‌پردازد، در این نوشتار نکات ذیل مورد کنکاش قرار گرفته است: ۱- فرضیه‌های مختلف در مقوله مشروعیت حکومت (زور و غلبه، حق طبیعی و فطری، سنتی، قرارداد و رضایت عمومی، الوهی

چکیده مقاله‌ها

و کاریزمایی؛ ۲- مشروعیت الهی حکومت پیامبر اسلام و امامان علیه السلام؛ ۳- پاسخ‌های استاد مطهری از شبهات بعضی معاصران به نظریه مشروعیت الهی حکومت پیامبر و امامان علیه السلام، مانند شبهه شورا، بیعت و استنکاف امامان از پذیرفتن حکومت؛ ۴- تحلیل منشاء مشروعیت ولایت فقیه. موضع استاد مطهری در مسأله اخیر چندان شفاف نیست که آیا مشروعیت ولی فقیه به طور تمام و کمال انتصابی است یا انتخابی؟ و یا تلفیقی از هر دو؟ نویسنده سعی می‌کند با فحص و استخراج آرا و اندیشه‌های مختلف استاد، و مقایسه آنها با یکدیگر، به پاسخ سوال مزبور دست یابد. برای تبیین بیشتر، ادله و شواهد هر دو نظریه (انتصاب و انتخاب) از آثار آن شهید، مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱۱۸- قرخلو، مهدی. «مهاجران ایرانی در کشور کانادا». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ش ۱۴۸ و ۱۴۹ (زمستان ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸): ص ۱۹۳-۲۱۲.

مهاجرت به خارج از کشور امروزه یک پدیده بین‌المللی است که از نظر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی نسبت به کشورهای مبدأ و مقصد تأثیرگذار می‌باشد. روند مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور بیانگر آن است که اغلب نیروهای انسانی که با صرف هزینه‌های سنگین در ایران تربیت می‌شوند به شیوه‌های گوناگون و بر اثر عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جذب کشورهای غربی می‌شوند. از نتیجه این گونه مهاجرت‌ها معمولاً کشورهای مقصد بیشتر از کشورهای مبدأ سود می‌برند. این مقاله با استفاده از آمارهای اداره مهاجرت کانادا به بررسی وضعیت عمومی و گسترش جغرافیایی مهاجران ایرانی در کانادا می‌پردازد. در این راستا آگاهی از اوضاع اجتماعی و سیاسی مهاجران ایرانی در کانادا به دولت این امکان را خواهد داد تا مسئولان ما در رفتارهای خود نسبت به مهاجران تجدید نظر نموده و سازمان‌هایی را برای خدمات رسانی فرهنگی به ایرانیان در خارج و همچنین جذب مهاجران و نیروهای انسانی متخصص ایجاد نماید. قطعاً یک ارتباط منطقی و مثبت با ایرانیان خارج از نظر امنیتی و سیاسی نیز برای کشور مثمرتر خواهد بود.

۱۱۹- قیصری، ابراهیم. «رستم و سهراب» شولوخف. فصلنامه هنر، ش ۳۹ (بهار ۱۳۷۸): ص ۴۷-۵۳.

گرداب مجموعه‌ای از ده داستان کوتاه به قلم الکساندروویچ میخائیل شولوخف (۱۹۰۵-۱۹۸۰) نویسنده نامدار داستان بلند حماسی *دُن آرام* و برنده جایزه ادبی نوبل ۱۹۶۵ است. خال دومین داستان مجموعه گرداب است که شولوخف در آن، گوشه‌ای از وقایع ناگوار دوران جنگ‌های داخلی روسیه را نشان می‌دهد. در این مقاله خلاصه‌ای از داستان بازگو می‌شود و بعد به شباهت‌های آن با داستان «رستم و سهراب» شاهنامه فردوسی می‌پردازد. هر چند محور اصلی اسطوره رستم و سهراب و داستان «خال» شولوخف - یعنی کشته شدن پسر بر دست پدر - یکی است ولی منظومه پر جاذبه حکیم توس با خیال‌بندی‌های شاعرانه، صحنه‌آرایی‌ها و اصولاً لطف کلام منظوم آنی دارد که داستان شولوخف ندارد. تفاوت دیگر در این دو داستان هم موضوع، پایان کار (پدر) است و رفتار او پس از آگاهی از کار هولناکی که کرده است. پایان کار آتامان (پدر) اخلاقی است زیرا این پدر تاب تحمل جنایتی را که مرتکب شده ندارد و خود به قصاص می‌پردازد و خویشتن را از رنج قاتل پسر بودن می‌رهاند و مسأله جنبه شخصی و فردی پیدا می‌کند. البته رستم هم برای یک لحظه چنین تصمیمی می‌گیرد و می‌خواهد با دشنه، خود را سر به نیست کند اما پهلوانان همراه او مانع می‌شوند.

۱۲۰- کاجی، حسین. «تعجب عالمانه، تحیر عابدانه: بحثی پیرامون روحیات عالمان دیندار». *دنیای سخن*، ش ۸۳ (دی و بهمن ۱۳۷۷): ص ۶۸-۷۱.

قصد این مقاله آن است تا نسبت میان تعجب عالمانه (که یکی از مهم‌ترین تجلیات و مظاهر مواجهه انسان با جهان در حوزه وجودی است) و تحیر عابدانه را (که یکی از اصلی‌ترین نمونه‌های مواجهه انسان با امر قدسی است) مشخص و توصیف نماید. این نسبت به دو شق توافقات و تعارضات تقسیم می‌شود. ۱- توافقات: قدمت و سابقه دین و رابطه انسان با امر قدسی بسی بیشتر از تاریخ علم و رابطه انسان و طبیعت است و از این رو با مستندات می‌توان

چکیده مقاله‌ها

نشان داد که تجربه‌ای تحیرگونه نسبت به امر قدسی در بسیاری موارد زمینه‌ساز علم‌جویی و شگفتی عالمانه شده است و دو مفهوم تحیر و تعجب طیفی را تشکیل می‌دهند که حادث شدن یکی در به وجود آمدن دیگری کمک فراوانی می‌کند؛ ۲- تعارضات: بین این دو مفهوم فاصله زیادی موجود است و ما با دو نوع رویکرد به جهان و دو نوع تجربه مواجهیم که تعجب عالمانه به علم منتهی می‌شود، علمی که با افسون‌زدایی و اسطوره‌زدایی به قوانینی دست می‌یابد که آن تعجب و شگفتی را زایل و گاهی تغییر می‌دهد، ولی تحیر عابدانه بسی اوقات همان‌گونه باقی می‌ماند و با تغییر میانه‌ای ندارد و حتی معارفی که به تبع از آن حادث می‌شوند از آن ویژگی حیرانی رنگ و انگ‌های فراوانی همراه دارند. چون تعارض علم و دین در حوزه روحيات عالمان دیندار مورد نظر است، می‌توان گفت برای اینان حضور دوست و رابطه با امر قدسی آنقدر مهم است که همه چیز و همه کس فدای آن رابطه می‌گردند. از این رو یکی از معضلات عالمان دیندار تعیین اولویت در جهانی است که همه ناگزیر از انتخاب هستند و در این میان آنها بین دو نوع معرفت و تجربه گوناگون در رفت و آمد هستند. این تعارض به جز حوزه فردی در حوزه فرهنگ‌هایی چون فرهنگ ایرانی - اسلامی نیز وجود داشته و دارد. اما بشر امروزه نیازمندی خود را به هر دو ساحت تعجب عالمانه و تحیر عابدانه نشان داده و متوجه شده است که رویکردی یکه و تنها از برآوردن نیازهای دو جانبه و چند بعدی او عاجزاست. از این رو این مقاله مدعی است که جا انداختن این دو تجربه در وجود چند لایه بشری از بزرگترین مسایل انسان اندیشه‌ورزی است که در انتهای قرن بیستم ایستاده است.

۱۲۱- کاجی، حسین. «رازدانی روشنفکران؛ ابهام‌ها و ایهام‌ها: تبیین و تحلیلی از نسبت روشنفکری و رازدانی در آراء دکتر عبدالکریم سروش». *دنیای سخن*، ش ۸۴ (اسفند ۱۳۷۷): ص ۹۸-۱۰۱.

نگارنده در این مقاله به تبیین و تحلیل نظرات عبدالکریم سروش در خصوص رازدانی روشنفکران می‌پردازد که به‌طور خلاصه به شرح زیر می‌باشد: ۱- سروش روشنفکر را محصول

دوران جدید و فرد نخبه و ممتاز آن به حساب می‌آورد و حکیمان و پیران فرزانه را افراد نخبه و برجسته جهان قدیم می‌داند؛ ۲- مهم‌ترین ویژگی و خصوصیت روشنفکر و روشنفکر دینی را رازدانی به‌شمار می‌آورد. از این لحاظ در نگاه او روشنفکران بسی به پیامبران شباهت دارند چون به‌زعم سروش رازدانی صفت پیامبران و رسولان است؛ ۳- سروش به‌تبع حافظ و بخصوص مولوی از مفاهیم راز و رازدان و رازدانی سخن به‌میان می‌آورد و رازدانی را آگاهی به بواطن و عواقب امور معرفی می‌کند که همراه داشتن آن سینه‌ای فراخ و تحملی عظیم می‌خواهد و افشای آن نظام حیات را مختل می‌نماید و او این ویژگی را به روشنفکران، که در نگاه وی جانشینان پیامبران هستند، نسبت می‌دهد.

۱۲۲- کاردگر، یحیی. «امیری فیروزکوهی و سبک هندی». *ادبیات معاصر، سال ۳، ش ۲۷* (بهار ۱۳۷۸)؛ ص ۹۲-۱۰۴.

سبک هندی در آغاز عصر صفوی به منظور مبارزه با ابتذال شعر دوره تیموری ظهور کرد و در اواخر صفویه به علت افراط در به‌کارگیری تشبیهات و استعارات غریب و نامأنوس رو به انحطاط نهاد. ولی با ناکامی شعرای دوره بازگشت و کاهش تعصبات ادبی بعد از یک قرن و نیم موجب شد این شیوه طرفدارانی پیدا کند. با ظهور شاعرانی مانند حیدر علی کمالی اصفهانی، میرزا حسن آتش، عبدالرسول بزمی، هادی رنجی، رهی معیری، خلیل سامانی و امیری فیروزکوهی تقلید از این شیوه در شعر معاصر آغاز شد. لیکن این شاعران از تقلید صرف پرهیز کرده و بیشتر به محسنات آن سبک توجه و از معایب آن دوری کردند. از میان این شاعران، امیری فیروزکوهی دارای شهرت بیشتری است. وی نخستین محقق است که با بینش عمیق به شعر سبک هندی به تجزیه و تحلیل نقاط ضعف آن پرداخت و شاعران این شیوه را از گمراهی به در آورد. بسیاری از مضامین و ترکیبات سبک هندی در اشعار او انعکاس یافته که در این میان تأثیر او از شعر صائب محسوس‌تر است. غالب ویژگی‌های سبک هندی که در اشعار او به چشم می‌خورد عبارتند از: استفاده فراوان از تمثیل؛ به‌کارگیری الفاظ و اصطلاحات عامیانه؛

چکیده مقاله‌ها

انعکاس تجارب روزانه و حوادث زندگی؛ مضمون‌سازی و توجه به مضامین غریب؛ غلبه یأس و بدبینی بر اندیشه شاعر؛ بیان نکات اخلاقی و حکیمانه؛ افراط در به کارگیری صور خیال. در شعر امیری در کنار تأثیر از شیوه هندی، کوشش‌هایی برای اصلاح معایب این شیوه نیز به چشم می‌خورد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: کاستن از تعقید و ابهام موجود در سبک هندی؛ تکرار قافیه که در سبک هندی موارد فراوان دارد در شعر او بسیار اندک است و او از این ویژگی سنتی سبک هندی در جهت مثبت و برای آرایش کلام بهره گرفته است؛ امیری زبان شعر سبک هندی را با تأثیرپذیری از گویندگان عراقی و آذربایجانی تا حدود زیادی از سستی و ابتذال رها کرده است.

۱۲۳- کریمیان، علی. «نمونه امضای اعضای هیأت دولت از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ش.»، قسمت ۸/کنجینه اسناد، ش ۳۱ و ۳۲ (پاییز و زمستان ۱۳۷۷): ص ۹۰-۱۰۲.

این نوشته که قسمت هشتم از این سلسله مقالات است و با بهره‌گیری از اسناد موجود در سازمان اسناد ملی ایران و سایر منابع تهیه شده به بررسی شرح حال و فعالیت‌های فریدون کشاورز گیلانی و عبدالحسین هژیر اختصاص دارد. فریدون کشاورز گیلانی در سال ۱۲۸۶ در رشت به دنیا آمد. تحصیلات خود را در گیلان و سپس دارالفنون گذراند و برای ادامه تحصیل در رشته طب راهی فرانسه شد و در رشته بیماری‌های کودکان فارغ‌التحصیل گردید و به ایران بازگشت. با تأسیس حزب توده به عضویت آن درآمد و به نمایندگی بندرپهلوی در مجلس انتخاب شد. وی روزنامه رزم را منتشر کرد و در زمان نخست‌وزیری قوام السلطنه به سمت وزارت فرهنگ منصوب شد. بعد از اعلام غیرقانونی بودن حزب توده و بازداشت سران آن، کشاورز به همراه عده‌ای از کشور گریختند و به شوروی رفتند. کشاورز بعد از ده سال به عراق، چین، سوئیس و الجزایر رفت و از سال ۱۳۵۲ از سوئیس پناهندگی سیاسی گرفت و در آن کشور ماندگار شد. عبدالحسین هژیر در سال ۱۲۸۱ در تهران متولد شد و تحصیلات خود را در دارالفنون و مدرسه علوم سیاسی گذراند و به خدمت وزارت امور خارجه درآمد و در سفارت

شوروی مشغول کار شد و بعد از ۹ سال از آنجا اخراج و در وزارت طرق و شوارع، وزارت مالیه و بانک ملی ایران مشغول به کار شد. وی مدتی رئیس کمیسیون ارز و مدتی مدیرعامل شرکت قماش و سپس رئیس هیأت مدیره بانک کشاورزی بود. در کابینه محمدعلی فروغی در اسفند ۱۳۲۰ به وزارت پیشه و هنر و بازرگانی منصوب و در بیشتر کابینه‌های بعدی شرکت داشت. بعد از سقوط دولت حکیمی در خرداد ۱۳۲۷ به نخست‌وزیری انتخاب و منصوب شد که باعث مخالفت علما و تعدادی از نمایندگان شد. در ۱۳ آبان ۱۳۲۸ توسط حسن امامی (یکی از فدائیان اسلام) ترور شد و روز بعد فوت کرد. در مقاله حاضر تصاویر افراد مذکور به همراه نمونه امضای آنها آمده است و آثار و تألیفات آنان نیز درج گردید.

۱۲۴- کریمی زنجان‌ی اصل، محمد. «ازدواج با محارم؛ گمانه‌ای دیگر در باب نسبیتی دیر پا». *چیستا*، ش ۱۵۶ و ۱۵۷ (اسفند ۱۳۷۷ و فروردین ۱۳۷۸): ص ۴۸۲-۴۹۶.

مسئله ازدواج با محارم به عنوان آموزه‌ای زردشتی در پژوهش‌های ایران شناختی جایگاه مهمی به خود اختصاص داده است. در این مقاله، به قصد روشن‌تر شدن سازه حاکم بر آرای ایران‌شناسانی که به این مطلب توجه داشته‌اند، نویسنده پیش از هر چیز بر نمودن رهیافت‌های نظری آنها را در نظر داشته است که عبارتند از: رهیافت معطوف به زبان شناسی تطبیقی و رهیافت معطوف به گزارش‌های تاریخی. در رهیافت زبان شناسی توجه عمده به اصطلاح «خَوِیت وَدَته» یا «خود و گدس» یا «خویدوده» معطوف شده و با مراجعه به متن‌های پهلوی و حتی اوستای متأخر این اصطلاح به ازدواج با محارم ترجمه شده است. مهم‌ترین استندهای موجود در این باره عبارتند از: ۱- ذکر این مسئله در روایت آشوهیشتان؛ ۲- بر ساخته شدن اصطلاح «خَوِیت وَدَته» از «خویتو» اوستایی و استنتاج معنی زناشویی خویتو برای اصطلاح یاد شده که ازدواج بین برادر و خواهر را ممکن می‌داند؛ ۳- بر ساخته شدن اصطلاح فوق از واژه‌ای اوستایی به معنی تفویض خویشتن؛ ۴- اشاره به کاربرد این اصطلاح در بند ۹ یسنای ۱۲ و ترجمه آن به زناشویی با خویشاوندان؛ ۵- اشاره به بندهای سوم و چهارم از فصل هشتماد

چکیده مقاله‌ها

کتاب دینکرد و ترجمه پهلوی یسنای ۴۱ که عبارت باشد از پیوند اهورامزدا و دخترش سپندارمذ؛ ۶- تأکید بر اشاره‌های کتاب‌های پهلوی به ثواب ازدواج با محارم؛ ۷- ناگزیری مفسران متن‌های زرتشتی از تعمیم واژه تازه اوستایی به مفهونی خاص و شکل متقدم آن به دلیل نبود هیچ اصطلاحی که بتواند معنی آن را افاده کند. رهیافت زبان‌شناسی را از دو راه چگونگی طرح اصطلاح مذکور در اوستای موجود، و بررسی چرایی طرح آن می‌توان سنجید. در اوستای موجود از واژه «خَوِیت و دَته» هیچ نشانی نیست، اما واژه‌هایی هم ریشه آن یافت می‌شوند که مترجمان آنها را بی‌هیچ ترجمه‌ای آوانویسی کرده‌اند. در کتاب یادگار زیریران از ازدواج گشتاسب با خواهرانش سخن آمده که چندان در خور اعتماد نیست و حتی به نظر قائلان به وجود ازدواج با محارم، افسانه‌ای است جعل شده برای تقدیس این مسئله. کلیه کسانی که به این مسئله تأکید ورزیده‌اند گرایش عمیق به زروانی‌گری دارند و اصل ازدواج با محارم برآمده از زروانی‌گری است. برقرار کردن ازدواج با محارم به عنوان یکی از افتخارات کریت‌ر موبد موبدان ساسانی گواه روشنی بر اختصاص این ازدواج به مغان است و نسبت دادن آن به جمع در روایات پهلوی و بندهش نیز بر خاستگاه غیر زرتشتی این رسم دلالت دارد. در رهیافت گزارش‌های تاریخی هرودوت از ازدواج کمبوجیه و خواهرانش به عنوان گناه یاد می‌کند که هیچ سابقه‌ای بین پارسیان نداشته است. از بین شاهان ساسانی نیز فقط قباد با دختر خواهرش ازدواج کرد. با توجه به این مطالب ازدواج با محارم در ایران باستان را نمی‌توان پدیده‌ای با ریشه ایرانی و زرتشتی دانست. امروزه محققان، نمونه‌های هخامنشی این عمل را بر گرفته از رسوم ایلامی دانسته‌اند.

۱۲۵- کریمی زنجانی اصل، محمد. «ازدواج در ایران باستان؛ گونه‌شناسی و آداب و رسوم». *چیستا*، ش ۱۵۸ و ۱۵۹ (اردیبهشت و خرداد ۱۳۷۸): ص ۶۶۳-۶۷۴.

این مقاله راجع به آداب و رسوم و انواع ازدواج در ایران باستان است که با جستجو در متون پهلوی و سایر منابع تاریخی نگاشته شده است. در عهد ساسانی، در صحنه حیات اجتماعی

کلیچین

ایرانیان، دوده‌ها مهم‌ترین نقش را بر عهده داشتند؛ و جوان ایرانی تا پیش از تشکیل دوده خود و احراز دوده سالاری، از هویت اجتماعی مشخصی برخوردار نبوده است. از دیدگاه آیین زرتشتی، ازدواج تکلیفی مذهبی و پیمانی لازم برای رستگاری روح بوده است. در جامعه مزدیسنایی، شهروندی بیش از هر چیز به ازدواج مرد و بنیاد نهادن اجاق خانوادگی معطوف بود. بنابر آموزه‌های اوستایی، پسر و دختر، تا قبل از ۱۵ سالگی و برگزاری آیین سدره پوشی و بستن کُشتی، حق ازدواج نداشته‌اند در آیین مزدیسنایی ازدواج با اهل کفر و آنانی که به لحاظ صحت و سلامت جسم و روح نامتعادل باشند را ممنوع و ازدواج با افراد مستمند، عنین، ابرص، هوس‌باز و ... را به طور ضمنی منع کرده بود. خصوصیات مهم مرد مزدایی عبارت بود از: باهوش و درس خوانده، خوش خلق و در حرفه خود آزموده بودن. گونه‌های متداول ازدواج در دوره ساسانی عبارت بودند از پادشازن، چکرزن، ایوک‌زن، سترزن، خودسرزن. در مورد آداب و رسوم ازدواج در عهد ساسانی در سندی به نام *پیمان کدخدایی* که در عهد یزدگرد سوم نگاشته شده چنین آمده است: پس از ۱۵ سالگی دختر، پدرش می‌کوشید شوهری مناسب برای او بیابد و در صورت فوت پدر پیش از این هنگام، این وظیفه بر عهده دوده سالار جدید قرار می‌گرفت. به ازدواج دختر با مردی هوشمند و با لیاقت توصیه شده و فرزاندگی و پرهیزگاری زن ستوده شده است، و بر پرهیز از ازدواج دختران با پیرمردان و جوانان با پیرزنان تأکید شده است. جوانان در سن ۲۰ سالگی، به طور معمول پس از برگزاری آیین سدره پوشی در ۱۵ سالگی و چند سالی کار برای پس انداز و با انتخاب دختر هم پیشه‌اش، واسطه‌ای را به خواستگاری نزد پدر دختر می‌فرستاد. مسئله مهریه نیز در جریان عقد مطرح می‌شد. مرد، زن را در نیمی از دارایی خود سهم می‌کرد. مقدار جهیزیه نیز به موقعیت دوده و ثروت و پیشه خانواده‌اش وابسته بود. به طور کلی در ایران عهد ساسانی، ازدواج به لحاظ عملی افزاری بود برای دستیابی به کمال معنوی و روحانی، و به لحاظ نظری به عنوان امری فرشکردی و جاودان، با فرجام شناسی آیین زرتشتی متأخر، ارتباطی مستقیم داشت. ازدواج افزاری بود در جهت پیروزی نیروهای اهورامزدايي بر

چکیده مقاله‌ها

اهریمن و نیروهایش، و پیوند دو جان بود با سرشتی متفاوت اما سرنوشتی مشترک، سرنوشتی که در این جهان به کار و شناسایی، و در آن جهان، به زندگی و زیبایی معطوف بود.

۱۲۶- کریمی، علیرضا. کریمی، علی. «لهرستانی‌های مهاجر در ایران ۱۳۲۳-۱۳۲۰». *تاریخ معاصر ایران*، سال ۳، ش ۹ (بهار ۱۳۷۸): ص ۷-۴۰.

جنگ جهانی دوم با حمله آلمان به لهستان آغاز و تا ۲۹ سپتامبر ۱۹۳۹ این کشور کاملاً به تصرف ارتش‌های آلمان و شوروی در آمد و عده زیادی از مردم لهستان به اردوگاه‌های کار در آلمان و شوروی فرستاده شدند. اما تحولات بعدی در جنگ موجب شد توافق شوروی و آلمان از میان برود و متعاقب آن لهستانی‌های رانده شده به شوروی به دلایل مختلف آزادی خود را به دست آورند. لذا پس از توافق استالین و دولت در تبعید لهستان مهاجرت نزدیک به ۱۵۰ هزار تن از طریق ایران به نقاطی چون فلسطین، آفریقای جنوبی، آفریقای شمالی و دیگر نقاط آغاز شد. این افراد به وسیله کشتی از بندر پهلوی وارد ایران شدند. مقاله حاضر با تکیه بر اسناد سازمان اسناد ملی ایران و سایر منابع دیگر به بررسی چگونگی ورود، پیامدهای اقتصادی، بهداشتی - درمانی، اجتماعی، فرهنگی و نیز نحوه خروج این لهستانی‌ها از ایران میان سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۳ می‌پردازد.

۱۲۷- کسایی، نورالله. «ترجمه و تأثیر آن در تجلی فرهنگ و تمدن اسلامی». *آینه پژوهش*، ش ۵۳ (آذر و دی ۱۳۷۷): ص ۱۳-۲۰.

این مقاله به بررسی اهمیت علم و علم‌آموزی در اسلام، و تاریخچه ترجمه و زباندانی در جهان اسلام و نقش و تأثیر آن در فرهنگ و تمدن اسلامی پرداخته است. نخستین ابزار و مهم‌ترین عامل بهره‌گیری از دانش و حکمت اقوام و ملل دیگر، زبان آموزی و آشنایی علمی با زبان و خط بیگانگان است. نخستین گام در طریق ترجمه از همان آغاز هجرت پیامبر برداشته شد. در همان سال‌ها پیامبر زیدبن ثابت انصاری را به آموزش خط و فراگیری زبان عبری

ترغیب کرد. حضور اصحاب وفادار پیامبر از عجمیان چون سلمان فارسی، بلال حبشی و صهیب رومی در رواج واژه‌های خارجی در جامعه مدینه‌النبی مؤثر بوده است. امر زبان‌آموزی در زمان پیامبر و بعد از رحلت آن حضرت ادامه یافت، و حکومت نوپای اسلامی با سرعتی غیرقابل تصور بر عمده تمدن‌های آن روز دست یافت و بر بزرگترین مراکز علمی آموزشی آن زمان سایه افکند، که در مقاله به سیر تاریخی آن اشاره شده است. استاد سنتلانه تاریخ ترجمه در عهد آل‌عباس را به سه مرحله تقسیم کرده است: ۱- از خلافت منصور تا پایان خلافت هارون که طبقه نخست مترجمان دست به کار شدند و آثاری مانند *مجسطی*، *کلیله و دمنه* و آثار ارسطو به عربی ترجمه شد؛ ۲- از خلافت مامون تا آغاز سده چهارم که آثار بقراط، جالینوس، ارسطو و تعدادی از آثار افلاطون ترجمه شد؛ ۳- از سده چهارم تا نیمه‌های سده پنجم که بیشتر کتاب‌های منطقی و طبیعی ارسطو و کتاب‌های یحیی نحوی مصری ترجمه شد. در دوره اسلامی نهادهای فعال در زمینه ترجمه عبارت بودند از: دارالعلم اسکندریه، جندی‌شاپور ایران و بیت‌الحکمه بغداد. از نیمه دوم قرن پنجم و آغاز عصر سلجوقیان رواج تعصبات مذهبی و تفرقه و تشتت افکار و دخالت حکمرانان در زندگی عالمان به تدریج ضرباتی بر پیکره فکری جامعه اسلامی وارد و آن را خمیده کرد. در این دوره نه زبان‌دانی یافت می‌شد و نه رابطه‌ای علمی برقرار بود و نه ترجمه‌ای از کشفیات جدید علمی در دسترس بود.

۱۲۸- کسای، نورالله. «جغرافیادانان جهانگرد و نقش آنان در بالندگی فرهنگ و تمدن اسلامی». *ایران‌شناخت*، ش ۱۱ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۱۹۲-۲۱۳.

این مقاله در مورد اهمیت جهانگردی و گردشگری است که در آن آیاتی از *قرآن مجید* که مسلمانان را به گردش در زمین و سیر آفاق و انفس سفارش می‌کند و روایاتی که در این زمینه از ائمه اطهار بیان شده نیز آورده است و سپس جغرافیادانان و جهانگردان مسلمان معروف مانند ابوالقاسم محمد بن حوقل معروف به ابن حوقل، ابواسحق ابراهیم اصطخری، ابن بطوطه، ابن جهان بستی، ابو عبدالله یاقوت بن حموی رومی، ناصر خسرو قبادیانی و ابو عبدالله مقدسی

چکیده مقاله‌ها

همراه با شرح حال مختصر و قسمت‌هایی از سفرنامه‌های آنها معرفی شده‌اند. در پایان نگارنده رمز و راز رشد و شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی در اعصار گذشته را که نه دولتی مسئول و نه مواجهی برقرار بوده است از برکت فضای فرهنگی حاکم بر جامعه آن روزگار دانسته که دانشمندی صرفاً با انگیزه علمی و خدمت به بشریت و دانش بشری، روزگاری را بر سرکارهایی چنین بزرگ و ماندگار می‌نهاد.

۱۲۹- کیانی، مجید. «جایگاه تقلید و تکرار در موسیقی ایرانی». *ماه‌آور*، سال ۱، ش ۲ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۶۳-۷۱.

تقلید کردن که به معنی پیروی کردن از رفتار و گفتار کسی آمده است و نیز تکرار کردن که به معنی انجام دادن کاری بیش از یک بار است، در امر آموزش موسیقی، نقش مهم و اساسی دارد. مطالب فراگرفته شده موسیقی در اثر تکرار، در ذهن فراگیرنده جای می‌گیرد و در اثر تکرار بیشتر به اصطلاح، ملکه ذهن می‌شود. این شیوه تقلید و تکرار مربوط به دوره‌ای از آموزش است که در فرهنگ‌های شرقی از جمله ایران آن را دوره شریعت می‌نامند و این دوره تنها به امور ظاهری و اکتسابی اختصاص دارد. بنابراین هنرجوی موسیقی هم در ابتدای آموزش خود چاره‌ای جز تکرار و تقلید سرمشق‌های استادان پیشین ندارد. متأسفانه در پنجاه سال یا صد سال اخیر، به علت تأثیرپذیری از فرهنگ غرب، مقوله آموزش به طور عام و آموزش موسیقی به طور خاص در کشور ما با وضع نامناسبی مواجه شده است. در این تأثیرپذیری تقلید نادرست و نشناختن آن، چنان تأثیر منفی در فرهنگ ما گذاشته است که برای فراگیری دانش نظری موسیقی، کاملاً به تئوری موسیقی غرب می‌پردازیم و برای آموزش علمی موسیقی خود نیز به دستورها و متدهای ایرانی اقتباس شده از موسیقی غربی روی می‌آوریم. در پایان نویسنده چنین نتیجه گرفته است که در زمینه آموزش دوره ابتدایی یا شریعت در فرهنگ‌هایی که سنت موسیقایی دیرینه دارند، مانند ایران، تقلید و تکرار آثار استادان موسیقی گذشته ضروری است

کلیچین

ولی در زمینه آموزش دوره عالی یا طریقت، تقلید و تکرار آثار استادان گذشته به هیچ وجه جایز نیست، اگر معیار را آزادی، انسانیت، عدالت، صلح و تفاهم در نظر بگیریم، هر اثر هنری از جمله موسیقی هنری با ارزش و ماندگار است، آنچه در تضاد با هنر یا موسیقی جدی قرار می‌گیرد. هنر یا موسیقی عامه‌پسند کنونی است که موجب آشفته‌گی جایگاه هنر و موسیقی می‌شود. برای رفع این مشکل باید جایگاه موسیقی عامه‌پسند را در فرهنگ موسیقی ایرانی مشخص کرد تا مردم ماهیت این نوع موسیقی را دریابند.

۱۳۰- لولوئی، کیوان. «بروجرد نگین کهن تاریخ لرستان». *ایران شناخت*، ش ۱۲ (بهار ۱۳۷۸): ص ۲۶۸-۳۰۳.

در این مقاله نویسنده با هدف شناسایی و معرفی ویژگی‌ها و جاذبه‌های بروجرد به منظور بهره‌گیری از قابلیت‌های گردشگری نهفته در این شهر ابتدا به شرح موقعیت جغرافیایی و سابقه تاریخی این دیار پرداخته، سپس آثار و ابنیه فرهنگی بروجرد را در چهار بخش: مزارها، تپه‌های باستانی، مساجد و سایر آثار معرفی کرده است. در بخش اول، امامزاده جعفر(ع)، مقبره دو خدایان، قبر آقاحسین، بنعه امامزاده قاسم، قبر سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی (صدرالمحققین)، بنعه شاه‌زوارین، امامزاده محسن(ع)، امامزاده ویلیان (ویلینو)، شاهزاده ابوالحسن(ع) و مقابر حاج میرزا محمود مواهب طباطبایی و سید بحر العلوم معرفی شده است؛ در بخش دوم اطلاعاتی در خصوص تپه قرق، تپه قلابایی، تپه فلارمیان (رمیو) و تعدادی دیگر از تپه‌های باستانی این منطقه ارائه گردیده است؛ در بخش سوم پیشینه تاریخی و معماری مسجد جامع بروجرد، مسجد سلطانی (امام) و مسجد قلعه مورد بررسی قرار گرفته است؛ در بخش چهارم نیز اطلاعات مختصری درباره بازار بروجرد و کاروانسرای دموورگان ارائه گردیده است. در پایان مقاله نیز ۳۴ نام که در منابع تاریخی مختلف برای این شهر ذکر شده، آمده است.

چکیده مقاله‌ها

۱۳۱- ماهرویان، هوشنگ. «نیما، رویکرد چهارم به مدرنیته». *نگاه نو*، ش ۳۹ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۷۹-۹۸.

این مقاله بخش نخست از سخنرانی نگارنده است که به بررسی دو مسئله معرفت‌شناسی و زیبایی‌شناسی در جهان غرب در دوران قرون وسطی و رنسانس پرداخته و سپس رویکردهای مختلف جامعه ایرانی را در مواجهه با پدیده مدرنیته بررسی کرده است. مهم‌ترین منابع فکری اروپا در قرون وسطی یکی کتاب مقدس و دیگری کتاب *شهر خدا* اثر سنت اگوستین است. در این دوران هدونیسیم (لذت طلبی) که از شعارهای مدرنیته است کفر است و آدمی با رنج بردن خواست خداوند را برآورده می‌کند. با رنسانس نگاه معرفت‌شناسی و زیبایی‌شناسی انسان تغییر کرد. طبیعت و حواس اساس دستیابی به حقیقت شدند. در قرون پانزدهم و شانزدهم مدرنیته هنوز دچار هرج و مرج بود و پایه‌های فلسفی خود را نیافته بود. قرن هفدهم این پایه‌ها را ایجاد کرد. در قرن هجده مدرنیته در کلیه ابعاد گسترش یافت و در قرن نوزدهم شروع به جهانی شدن کرد و به سرزمین ما نیز پا گذاشت. از زمان ورود مدرنیته به ایران، رویکردهای مختلفی به آن داشته‌ایم که به سه رویکرد عمده تقسیم می‌شوند: رویکرد اول تقی‌زاده‌ای است که فقط در پی گرفتن از غرب بدون دخالت ایرانی است و معتقد است از سر تا پا باید تسلیم تمدن مغرب زمین شویم؛ رویکرد دوم میرزا ملکم‌خان است، رویکردی که به شکل التقاطی در پی کسب مدرنیته است و این رویکرد را در عالم مترقی دوران مشروطه میرزای نائینی هم می‌توان دید، میرزای نائینی می‌خواهد ما به ازای هرچه را در غرب می‌بیند در گنجینه معارف ما بیابد؛ رویکرد سوم از آن شیخ فضل‌الله نوری است که برای حفظ گنجینه در پی نفی پدیده‌های مدرن است و برای نگهداری سنت و معارف فرهنگی، مدرنیته و تمامی مولفه‌های آن را طرد می‌کند. از دیگر نمایندگان این گرایش علی اکبر تبریزی است. در ۱۵۰ سال اخیر ما هر سه رویکرد و شکست آنها را آزمودیم. هیچ کدام نتوانستند راه برون رفت از بحران را بیابند. در جستجوی راه‌های پیموده شده در این مدت، رویکرد چهارمی را نیز می‌توان

یافت که بر بحران در حیظه کار خود پیروز شده است. این رویکرد با بررسی و نقد سنت به مدرنیته می‌رسد و متعلق به نیماست. وی با نقد و گسست از شعر کلاسیک فارسی به شعری دست یافت که تداوم شعر کلاسیک است. وی یک عمر با شعر فارسی کلنچار و آن را نقد و خوب و بد آن را سنگین و سبک کرد تا شعر نو ایران را پایه‌گذاری کرد و راه برون رفت از بحران را یافت. انقلاب وی تنها حاصل تغییرات در وزن و قافیه نبود، بلکه نگرشی جدید به جان یافته بود. تفکر و شعر نیما، رویکرد چهارم به مدرنیته بود. این رویکرد را می‌توان همچون الگویی در مقابل خود گذاشته و برای برون رفت از بحران از آن کمک گرفت. بحران معماری، نقاشی، موسیقی و جامعه‌شناسی و فرهنگ نیازمند نظریه پردازی برون رفت هستند.

۱۳۲- مجد، فوزیه. «از پیوند و یگانگی: طرحی برای فارابی و مسیان». *ماهور*، سال ۱، ش ۳ (بهار ۱۳۷۸): ص ۳۵-۶۸.

هدف این مقاله پیدا کردن ارتباط و پیوند ریتم‌های موسیقی ایرانی با دور فاختی است. تا قرن هفتم هجری برابر با سیزدهم میلادی شیوه علامت‌گذاری برای ریتم بر اساس یک نظام نام‌آوا شکل گرفته بود که با یاد یارهای عروض ساخته شده بود. در رسائل اخوان‌الصفاء قواعد خواندن (غنا) و آهنگ (الحان) با توجه به نظام نام‌آوا شرح داده شده است. قبل از اخوان‌الصفاء، اسحاق کندی هشت اصل یا مد ریتمیک رایج زمان خود را شرح داده و این مدها را جورج فارمر ارائه داده است. این مدها عبارتند از: ثقیل اول، ثقیل دوم، ماخوری، خفیف ثقیل، رمل، رمل سبک، سبک سبک، هزج. سه واژه نقره، ایفاع و دور در مورد چگونگی ریتم‌ها به کار می‌رود و در تمام نوشته‌های قدیم از فارابی، ابن سینا، صفی‌الدین و عبدالقادر مراغی آن را استفاده کرده‌اند. نقره از دید فارابی کوچکترین واحد زمان است و بر اساس آن ترکیبات متری شکل می‌گیرند. این تفکر پایه و اساس ریتم در موسیقی قدیم ایران است. فارابی دو تقسیم‌بندی برای ریتم قائل شده است: پیوسته و گسسته، ریتم‌های پیوسته را که ضرب‌های برابر دارند، منشأ ریتم‌های گسسته یا ریتم‌های با ضربه‌های نابرابر می‌داند. درباره ریتم‌های سنگین و

چکیده مقاله‌ها

سبک زمان میان ضربه‌ها کوتاه‌تر است. ریتم سنگین نتهای کشیده دارد و کندتر است و ریتم سبک، تندتر است. موسیقی‌دانان غیر عرب از ریتمی استفاده می‌کنند که به آن فاختی نام نهاده‌اند. مفسر کتاب *الادوار* می‌گوید ایرانی‌ها ریتم‌هایی دارند که میان اعراب و دیگر مردم غیر عرب متداول نیست و در میان این ریتم‌ها فاختی از همه نامی‌تر است. این ریتم پیوسته سنگین هزج است که با سبک خود آمیخته شده است. در شرح *ادوار* عبدالقادر ریتم فاخته را بر اساس تن تن می‌داند که در اصل می‌تواند شکل پایه ریتم فاخته شناخته شود. موسیقی راگا در هند مانند موسیقی‌های ما، تک صدایی است، یعنی حاکمیت ملودی و ریتم و تشکیلات آن بسیار غنی است. دو مکتب موسیقی هند و ایران در تقسیم‌بندی موسیقی‌های مدال قرار می‌گیرد و در مورد فلسفه‌ی ادوار ریتمیک نیز وجوه مشترک دارند. اولیویه مسیان آهنگساز فرانسوی در کتاب *تکنیک زبان موسیقی من* به تفصیل در مورد نظام ریتمیک موسیقی هند با نام‌های (راگواردانا) و (سیمهاوی کریدیتا) توضیح داده است.

۱۳۳- مدیرشانه‌چی، محسن. «نظریه توسعه ناموزون در تحلیل انقلاب اسلامی». *نامه پژوهش*، ش ۱۰ و ۱۱ (پاییز و زمستان ۱۳۷۷): ص ۲۷-۳۶.

این مقاله به بررسی و معرفی یکی از مهم‌ترین نظریه‌های عرضه شده در زمینه توضیح، تحلیل و تفسیر انقلاب اسلامی ایران، یعنی نظریه توسعه ناموزون اختصاص دارد. این نظریه را پرواند آبراهامیان نظریه پرداز و پژوهشگر صاحب نظر در مسائل ایران تدوین و در کتاب معروف خود، *ایران بین دو انقلاب* تشریح کرده است. در این مقاله نویسنده نظریه را با دیدگاه‌ها و آرای نویسندگان و پژوهشگران دیگری که در این باره نظر داده‌اند، مقایسه نموده و پس از مشخص کردن وجوه کلی و جزئی اشتراک و افتراق آن با سایر نظریات و داوری‌های صاحب نظران ایرانی و غیر ایرانی درباره ریشه و علل و عوامل تکوین انقلاب، میزان کاربرد آن را در تحلیل انقلاب اسلامی ایران نشان داده است.

۱۳۴- مزینانی، محمد صادق. «حکومت و مشروعیت در قراءت شهید مطهری». حوزه، سال ۱۶، ش ۱۹ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸): ص ۲۷۲-۳۱۴.

این مقاله نگاهی دارد به یکی از اساسی‌ترین بحث‌ها در فلسفه سیاسی، با عنوان حکومت و مشروعیت از نگاه استاد شهید مطهری. استاد شهید می‌نویسد: دولت و حکومت در حقیقت، یعنی مظهر قدرت جامعه در برابر هجوم خارجی و مظهر عدالت و امنیت داخلی و مظهر قانون برای داخل و مظهر تصمیم‌های اجتماعی در روابط اجتماعی. استاد شهید به نقد دیدگاه آنارشئیست‌ها، مارکسیست‌ها و خوارج که منکر نیاز جوامع به حکومت شده‌اند پرداخته و به دلیل عقل و نقل، نیاز جامعه را به دولت و حکومت، ثابت کرده است. مشروعیت در مباحث سیاسی، دو اصطلاح دارد: به معنای قانونی بودن، و به معنای حق حاکمیت. درباره حق مالکیت و ملاک مشروعیت حکومت، از سوی متفکران و فلاسفه سیاسی دیدگاه‌های گوناگون ارائه شده است مانند حق گروهی از نژادها؛ حق طبقه برگزیده و اشراف؛ قرارداد اجتماعی؛ دموکراسی و حق الهی. شهید مطهری به دو دیدگاه دیگر نیز اشاره کرده که هر دو برگشت به حق الهی دارند. این پنج دیدگاه را می‌توان به دو محور خواست مردم و حق الهی برگرداند. مشروعیت حکومت در اسلام، الهی است. از دیدگاه اهل سنت راه‌های مشروعیت عبارتند از: شورا و بیعت، گماردن حاکم از سوی خلیفه پیشین، و به دست آوردن حکومت از راه زور و غلبه. در باره مشروعیت حکومت در زمان غیبت از نظر شیعه دو دیدگاه وجود دارد: ۱- حق حاکمیت فقیه عادل، برجسته و آگاه که برقراری ولایت یکی از فقیهان از طریق یکی از روش‌های زیر است: اقدام عملی یکی از آنها، انتخاب خبرگان، انتخاب مردم؛ ۲- انتخاب حاکم توسط مردم با توجه به شرایطی که شارع مقدس برای حاکم بیان داشته است. با تحقیق و بررسی در آثار شهید مطهری مشخص می‌شود ایشان به روش اول یعنی نصب فقیه از سوی امامان معصوم باور داشته است و وضع قانون‌های ناپایدار را در قلمرو کار و اختیار حاکم اسلامی دانسته است. به طور کلی ایشان مانند بسیاری از متفکران شیعی به ولایت مطلقه فقیه باور دارد و حکومت اسلامی و حق حاکمیت را از باب ولایت می‌داند و نه وکالت.

چکیده مقاله‌ها

۱۳۵- مسکرنژاد، جلیل. «نگاهی بر فن آوری سلمان در صنایع بدیعی». *ایران شناخت*، ش ۱۱ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۶۴-۸۳.

قرن هشتم هجری هرچند از حیث اوضاع تاریخ، حکومت و حکمرانان متعدد در مناطق مختلف ایران، قرن آشفته‌ای است، ولی از جهت تعدد و تنوع مکاتب اندیشه و بزرگان علم و ادب و عرفان از ویژگی خاص برخوردار است. این قرن یکی از پربارترین قرون از حیث جریان اندیشه‌های عرفانی از یک سو و شعر و ادب از سوی دیگر است. با این گستردگی فکر و اندیشه و زایش‌های فکری هر کس نمی‌تواند در بین اقران صاحب عزت و شهرتی باشد، مگر اینکه در جهتی سرآمد اقران باشد که سلمان یکی از آنان است. سرآمدی سلمان ساوجی را در بین معاصرینش و در کل ادب فارسی که او را شاعری هنرآفرین با کلامی سلیس و دلنشین و ماندگار می‌کند، باید در شیوه سخنوری او بازشناخت. زیرا وی نه تحت تأثیر جریان‌های فکری و عرفانی قرار داشته و نه خود صاحب مکتب و صومعه شده و نه در علوم عقلی و نقلی صاحب عنوان و نامی است. فن بدیع و بدیع‌سرایی یکی از مواردی است که هنرنمایی و زورآزمایی شاعران را در دوره‌های مختلف به ما نشان می‌دهد و شاعران این فن را که آرایش صوری کلام و پیوند آن با آرایه‌های معنوی است، بسیار مورد توجه قرار داده و در کسب مهارت در این شیوه کوشیده‌اند. سلمان نیز در این فن شعری آراسته با نام *بدایع البحار* می‌باشد که در آن ۱۲۰ فن از فنون بدیعی و ۶۴ بحر شعری و نیز دوایر عروضی شش‌گانه را تعبیه کرده است. وی علاوه بر این قصیده مرصع و ملون در قصاید دیگر نیز صنایعی از فنون بدیعی را التزام شده است و علاوه بر آن تفاریق صنایع دیگر را نیز با استادی تمام به کار گرفته است. در ادامه مقاله شواهدی چند از غزلیات سلمان را که این فن‌آوری‌ها در آنها به کار رفته، آورده است.

۱۳۶- مشیری تفرشی، منیژه. «مانی و آیین او». *چیستا*، ش ۱۵۴ و ۱۵۵ (دی و بهمن ۱۳۷۷): ص ۳۲۶-۳۳۲.

مانویت اولین و مهم‌ترین نهضت جدا شده از آیین زردشت در سده سوم میلادی در

امپراطوری ایران شروع و به شدت توسط زردشتیان مورد تهاجم قرار گرفت. مانی با در هم آمیختن مقدماتی از دین‌های گوناگون سعی کرد دین جدیدی ارائه و دنیای شرق و غرب را از راه یک اعتقاد مشترک به هم نزدیکتر کند. مانی نسبی ایرانی داشت، پدرش اهل همدان و مادرش از خاندان اشکانی بود. وی در سال ۲۱۶ میلادی در نزدیکی بغداد به دنیا آمد و در ۲۰ سالگی دعوی پیامبری کرد و در سال ۲۴۲ در تاجگذاری شاهپور اول شرکت کرد. دین او ابتدا در ایران استقبال شد ولی در اثر مخالفت رهبران زردشتی، شاهپور او را از ایران تبعید کرد. در دوران هرمز به ایران بازگشت و وی از او حمایت کرد، ولی در اثر بدگویی و تحریک روحانیون زردشتی به دستور بهرام اول جانشین هرمز به طرز فجیعی به قتل رسید. مانی معتقد بود کامل کننده رسالت زردشت، بودا و مسیح است و از هر کدام از این ادیان قسمت‌هایی را اقتباس کرد. به عقیده مانی، مبنای هستی از آغاز تا انجام بر پایه دو عنصر بود. وی روشنی را نشانه خوبی و روح می‌دانست و تاریکی را، هم معنی با ماده و پلیدی می‌انگاشت. اعتقاد دیگر در آیین مانی، اعتقاد به وجود سه دوره در تاریخ زمان بی‌آغاز و انجام بود: دوره مقدماتی، میانه و پایانی. تخیل مانی مراحل خلقت و آفرینش جهان را با کلماتی لطیف بیان می‌کند که در مقاله به تفصیل بیان شده است. مانی خود را آخرین فرستاده حقیقت معرفی کرد و گفت رسالت آسمانی او در آشکار کردن همه دانستنی‌هایی که به بهتر شدن و رهایی بشر منتهی می‌شود خلاصه شده است. طبق نظر مانی بشر از جسم، روح و روان تشکیل شده است. وی این نظریه را از سیستم کهن‌تر عرفانی مسیحی اقتباس کرده بود. مانی پیروانش را به دو دسته تقسیم کرده بود: دسته اول گزیدگان یا به کمال رسیدگان که مجرد می‌ماندند و زندگی آنها توأم با ریاضت بود؛ دسته دوم سماعیون یا شنوندگان بودند که مردم از این دسته به حساب می‌آمدند.

۱۳۷- معدن‌کن، معصومه. «راه‌های نزدیکی به حکمت مولانا». *ایران شناخت*، ش ۱۱ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۸۴-۹۹.

یکی از راه‌های نزدیکی به حکمت مولانا، غوطه خوردن در دیوان کبیر غزلیات است. در

چکیده مقاله‌ها

خواندن غزلیات شمس به قصد شناخت حکمت مولانا باید تمام درجه‌های قلبی و فکری و روحی و استنباطی خواننده به‌روی مفاهیم بسیار پران سمبولیسم حاکم بر غزل‌ها باز باشد تا امکان استفاده از آن حاصل شود، و یکی از راه‌های رسیدن به این مسئله درک و شناخت سمبول‌ها است و در این صورت است که حتی از طریق یک غزل می‌توان به حکمت مولانا نزدیک شد. یکی دیگر از راه‌ها، دریافت کانون غزل‌ها است چون بدون پی‌بردن به کانون اصلی غزل نمی‌توان محور آن را پیدا کرد و مفاهیم و مضامین پراکنده یک غزل را در دایره‌ای خاص فهمید. کانون غزل فضای ثابت فکری یا روحی یا عاطفی است که بر اندیشه و ضمیر شاعر هنگام سرودن غزل حاکم است. نکته دیگر اینکه نزدیک شدن به حکمت مولانا بدون استفاده توأم از دیوان کبیر غزلیات و مثنوی، تقریباً نامقدور و یا بسیار ناقص خواهد بود و ورود به عالم این دو اثر بزرگ نیز بدون تسلط و ممارست و ذهن‌سوزی و دلفروزی برای درک کامل سمبول‌های مولانا غیرممکن است. در ادامه مقاله نویسنده به برخی از مهم‌ترین محورهای غزلیات شمس اشاره کرده است.

۱۳۸- معلمی، حسن. «معرفت شناسی از دیدگاه حکمت متعالیه». *قبسات*، سال ۳ و ۴، ش ۱۰ و ۱۱ (زمستان ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸): ص ۸۶-۹۳.

مسائل معرفت‌شناسی در گذشته یکی از مباحث ضمنی در فلسفه اسلامی بوده و هیچ‌گاه هسته مرکزی مباحث فلسفه اسلامی نبوده است. فلاسفه معاصر همچون علامه طباطبائی آن را به عنوان مقدمه‌ای بر فلسفه مطرح ساخته‌اند. این مقاله به بررسی معرفت‌شناسی از دیدگاه ملاصدرا می‌پردازد. از دیدگاه ملاصدرا معرفت حقیقی، علم و یقین مطابق با واقع است. یقین مذکور نیز یقینی ثابت و دائمی است و حقیقی‌ترین معرفت را بدیهیات اولیه می‌داند که تصدیق آنها به چیزی جز تصور موضوع و محمول و نسبت‌سنجی بین آنها نیاز ندارد و حقیقی‌ترین بدیهیات را استحاله اجتماع نقیضین و ارتفاع آن به حساب می‌آورده در معرفت‌شناسی غربی، به تبع افلاطون، قید موجه بودن را به تعریف اضافه کرده‌اند. ملاصدرا علم و معرفت را دارای

کلچ بن

مراتب علم‌الیقین، عین‌الیقین و حق‌الیقین می‌داند و مرتبه اول را علم برهانی، مرتبه دوم را شهودی و مرتبه سوم را اتصال وجودی می‌داند. یکی از ارکان تعریف معرفت حقیقی، یقین و علم است و اگر کسی مطلق علم و یقین را دست نیافتنی بداند در واقع معرفت حقیقی را دست نیافتنی قلمداد کرده است. ملاصدرا یقین را نه تنها ممکن بلکه محقق می‌داند. یعنی ملاصدرا شکاکیت را مردود و علم و یقین را ممکن می‌داند. وی علم را به حضوری و حصولی تقسیم می‌کند و درباب عقل و توانایی آن معتقد است که نفس انسان مستعد است که همه حقایق را در آن تجلی کند. ملاصدرا علم حضوری و بدیهیات اولیه را مصداق کامل علم و یقین می‌داند. مطابقت با واقع شرط دیگر معرفت حقیقی است، ملاصدرا منشأ تصورات بشری را حس، و حس را از جنود عقل می‌داند و معتقد است ادراکات بشری در ابتدا جزئی است و نفس انسان به کمک عقل به مفاهیم کلی دست می‌یابد. وی مبدأ ادراکات تصوری را حواس پنجگانه، علم حضوری و حواس باطنی می‌داند و اعتقاد دارد علم در طول زندگی بشر حاصل می‌شود. ملاصدرا بدیهیات را قضایای یقینی و مطابق با واقع می‌داند و بدیهیات اولیه را حقیقی‌ترین معارف بشر و استحاله اجتماع نقیضین و ارتفاع آن را در بدیهیات اولیه حقیقی‌ترین علم و مبنای همه علوم می‌داند.

۱۳۹- ملاح، حسینعلی. «رساله‌ای از «ابن‌خردادبه» در زمینه موسیقی دوره ساسانی». *مقام، ش ۴ (بهار ۱۳۷۸)*: ص ۴۴-۴۷.

رساله اللهو و الهامی از «ابن‌خردادبه» در بیست و نه صفحه تنظیم شده و از آن اطلاعات سودمندی در باره موسیقی و سرود و شعر ایرانی پیش از اسلام می‌توان به‌دست آورد. در این رساله نام برخی از آلات موسیقی ایرانی و بعضی اصطلاحات و مقام‌هایی که در موسیقی وجود داشته به شرح زیر آمده است: فیذر س رومی نقل می‌کند تارهای چهارگانه (ساز) همانند طبایع اربعه آدمی است: سیم زیر بمثابه مردمان صفراوی مزاج و سیم مثنی همچون مردمان دمووی مزاج و سیم مثلث به اشخاص بلغمی مزاج شباهت دارد و سیم بم به مردمان سودائی طبع ماند.

چکیده مقاله‌ها

سیم زیر را با خنصر، سیم مثنی را با انگشت بنصر، سیم مثلث را با انگشت وسطی و سیم بم را با انگشت سبابه می‌نوازند. ایرانیان عود را با نای، زنامی را با طنبور، و سورنای را با دهل و مستیج را با «صنج» هم‌نواز می‌کردند و می‌نواختند. همراه با آواز، عود یا چنگ می‌نواختند، آنها دارای نغمات و آهنگ‌ها و تصنیف‌ها و ترانه‌های متنوعی بوده‌اند که بالغ بر هشت می‌شده است: بندستان و بهار، ابرین، ابرینه، مادر واسبان، شسم، قبه، اسپراس. کسری می‌گوید: عود عالی‌ترین سازهاست و من حاضرم برای اصلاح و تکمیل آن صد هزار درهم اعطا کنم. ایرانیان سازی دارند بنام (ونج) که هفت تار دارد و نواختن آن شبیه صنج است و اهالی خراسان و توابع آن را در عمل آورند. در ری و طبرستان و دیلم، نواختن طنبور بیش از سایر مناطق متداول بوده است. ساز دیگری نزد نبطی‌ها و جرامقه متداول بوده که آن را غندول می‌گفتند. بزرگترین موسیقی‌دان زمان خسرو پرویز، پهلبد بوده است. گویند هرگاه که کاتبان و راویان اخبار از عرض خبری به شاهنشاه بیم داشتند به باربد متوسل می‌شدند و او با نغمه‌ای، خشم و لینعمت خود را فرومی‌نشاند. نغمات و آهنگ‌هایی که باربد به خاطر خسرو پرویز ساخته بالغ بر هفتاد و پنج قطعه است.

۱۴۰- ملایی، علیرضا. «بررسی تحلیل رویداد ۱۷ شهریور ۱۳۵۷». *پژوهش‌نامه متین*، ش ۱ (زمستان ۱۳۷۷): ص ۲۶۷-۲۹۰.

این مقاله به بررسی روند تحولات انقلاب اسلامی از ۱۷ دی تا شکل‌گیری و وقوع واقعه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ پرداخته و آنها را به تفصیل بیان کرده است و در ادامه پیامدهای رویداد ۱۷ شهریور را از قبیل تردید و تزلزل در اراده سیاسی رژیم پهلوی؛ تأثیر این واقعه در مشی مبارزه و خواست‌های سیاسی مخالفان؛ حکومت نظامی و تزلزل ارتش برشمرده است و همچنین به بررسی عملکرد آمریکا در جریان انقلاب اسلامی و تحولات پس از ۱۷ شهریور پرداخته و در پایان به موضوع هجرت امام از نجف به پاریس و گسترش اعتصابات و از پا درآمدن رژیم پهلوی پرداخته است.

۱۴۱- موحدی، محمدرضا. «آقا حسین خوانساری و منشآت ادبی». *آینه پژوهش*، ش ۵۵ و ۵۶ (فروردین - تیر ۱۳۷۸): ص ۱۱-۶۶.

نثر نویسندگان عصر صفوی، همانند عصر تیموری و پس از مغول، نثری مکلف و مصنوع بود و ساده‌نویسی را دون شأن خود می‌دانستند. این گرایش در میان مترسلان و منشیان دربار بیشتر بود و تکلفی دوجندان داشت و فضل فروشی و قدرت نمایی‌های شاعرانه در آن به چشم می‌خورد. از منشآت و نوشته‌های پراکنده‌ای که از آقا حسین خوانساری بر جای مانده پیداست که وی نیز در همان فضای ترسلات فاضلانه و مکاتبات منشیانه می‌زیسته است. نثر وی آنجا که در وصف سخن یا فرارسیدن یا ذکر مجلس بزمی عارفانه، قلم می‌زند، بسی دلنشین‌تر و لطیف‌تر از مواردی است که به سلطان یا از جانب سلطان رقع‌ای می‌نویسد. بر نوشته‌های منشیانه او، جلالت و مهابت تشریفات و تکلفات حاکم بر دربار شاهی، سایه افکنده است. وی با بسیاری از شاعران و نویسندگان هم عصر خویش مکاتبه داشته است. در میان منشآت موجود از آقا حسین خوانساری چند نامه عربی نیز وجود دارد که دو مورد از مهم‌ترین آنها خطاب به شریف مکه است. شاید بتوان گفت مهم‌ترین و زیباترین رقع در میان منشآت آقا حسین خوانساری نامه‌ای است تحت عنوان «قورق شراب» که در آن با بیانی شاعرانه و سرشار از مایه‌های شعری انگیزه‌های گرایش به خمر و آسودگی از تفکر و خود را بر بال خیال رها کردن و ... را در قالب یک محاکات نفسی برمی‌نماید و رشته سخن را به لذت حاصله از صهبای عشق و باده معرفت می‌کشانند و شمه‌ای از روحيات خود را در چنان مستی و خماری باز می‌گوید. و برای آنکه هیبت فقیهانه خود را نیز فرونگذاشته باشد، به الفاظ موکده و مغلفه در ذم رفاقت با دختر رز و پرهیز از آب مویز سخن گفته و خاتمه را به مدح ممدوح صفوی، حسن تخلص بخشیده است. در پایان مقاله نگارنده فهرست منشآت آقا حسین خوانساری را که در ضمن مجموعه‌ها و جنگ‌های گوناگون به دست آمده، آورده است.

چکیده مقاله‌ها

۱۴۲- «موسیقی و موسیقیدانان معاصر ایران». مقام، ش ۴ (بهار ۱۳۷۸): ص ۶۶-۷۷.

موسیقی ایران تا اواخر قرن هشتم هجری در اوج عزت و تعالی بود و از قرن نهم بسیار محدود شد، موسیقیدانان نابغه کمتر ظهور کردند و میدان فراگیری این هنر در محاصره افراد بی‌اطلاع و زورمندان کوتاه فکر قرار گرفت. از عهد عبدالقادر مراغی تا اوایل دوره پهلوی هیچ رساله مهمی درباره موسیقی نوشته نشد و بسیاری از سازهای موسیقی از بین رفتند. موسیقی به کنج منازل و پستوها رانده شد و دامنه تحول و تأثیر آن محدود شد. در دوره صفویه، موسیقی مذهبی و فرهنگ صوتی شیعه تقویت شد و در زمان شاه عباس به روضه‌خوانی، اذان، مناجات و... و بالاخره تعزیه که رکن اصلی موسیقی مذهبی ایران است بسیار توجه شد و شعرایی چون محتشم کاشانی با سرودن مرثی‌ها به تأثیر این موسیقی کمک کردند. جوهره هنری موسیقی سازی در موسیقی آوازی ذوب شد و موسیقی آوازی با تغییراتی ناچیز به دوره قاجار و عهد ناصری رسید و در دوره ناصرالدین شاه دوباره تعزیه خوانی رونق گرفت، همان طور که موسیقی سازی و بزمی نیز رونق گرفته بود. انواع فرم‌های موسیقی مانند موسیقی زورخانه، موسیقی سپاه، موسیقی دراویش و موسیقی بزم و شادی نیز کم و بیش حضور داشتند ولی فاقد حیات و نیرو و شکوفایی سده‌های قبل بودند و در کل موسیقی و موسیقیدانان در حاشیه و انزوا قرار داشتند. در سال ۱۲۴۸ شعبه‌ای برای تعلیم موسیقی نظامی در دارالفنون تشکیل و نوعی از موسیقی ساده اروپایی به دربار قاجار راه یافت. فارغ‌التحصیلان این مدرسه در موسیقی غربی مهارت خوبی داشتند و در بیرون از مدرسه نیز با موسیقی سنتی ایران آشنا می‌شدند. در ادامه مقاله پنجاه تن از موسیقیدانان معاصر ایران همراه با شرح حال مختصر و آثار آنها معرفی شده‌اند.

۱۴۳- موعاری، منوچهر. «گستره تجملی سفال: نگرشی بر آثار هنرمندان سفالگر در ششمین نمایشگاه دوسالانه سفال در موزه هنرهای معاصر تهران». فصلنامه هنر، ش ۳۹ (بهار ۱۳۷۸): ص ۱۰۷-۱۲۶.

این مقاله به بررسی آثار هنرمندان سفالگر در ششمین نمایشگاه دوسالانه سفال در موزه هنرهای معاصر تهران پرداخته و ضمن بیان ویژگی‌های آثار هنرمندان در هر گالری، در مورد گستره سمبل‌های فرهنگی، سنتی و هنری این آثار و نقش‌ها و شکل‌های گوناگون آنها توضیحات مفصل داده است.

۱۴۴- مهاجر، محسن. «اندیشه سیاسی صدر المتألهین». *تجسّات*، سال ۳ و ۴، ش ۱۰ و ۱۱ (زمستان ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸): ص ۱۰۸-۱۲۵.

فیلسوفان و اندیشمندان تاکنون نتوانسته‌اند بر مفهوم مشترک و جامعی از سیاست اتفاق نظر پیدا کنند و هر یک حدود و ثغوری برای مفهوم آن در نظر گرفته‌اند. امروزه برخی به این نتیجه رسیده‌اند که نباید انتظار مفهوم ثابتی از سیاست داشت، بلکه هر روز بر اساس نگرش‌ها و رویکردهای جدید باید آنرا تعریف کرد. صدر المتألهین معتقد است که سیاست، تدبیر و تلاشی انتخابی و عقلایی و مبتنی بر کشش‌های فطری و طبیعی انسان‌هاست که جهت اصلاح حیات جمعی برای نیل به سعادت و غایات الهی در پیش گرفته می‌شود. وی سیاست را حرکت از نفس جزیی می‌داند که بر اساس حسن اختیار و انتخاب فرد انسانی است برای اینکه آنها را بر محور نظام‌بندی گرد آورد و جماعتشان را اصلاح کند. وی سیاست را به دو قسم انسانی و الهی تقسیم می‌کند. صدر المتألهین رابطه دین و سیاست را مبتنی بر اصل کلی رابطه «دین و دنیا» و «دنیا و آخرت» کرده و در نظر او سیاست بدون شریعت مانند جسدی بدون روح است. برای بیان نقش ابزاری سیاست برای دین از چهار منظر «مبدأ، غایت، فعل و انفعال» آن را ارزیابی و با دین مقایسه می‌کند. وی انسان را خلیفه الله در روی زمین می‌داند و عقیده دارد ادای این حق و اصلاح حیات اجتماعی، بدون سیاست و ریاست امکان‌پذیر نیست. وی اجتماعات را به دو بخش ناقص و کامل تقسیم می‌کند و اجتماعات کامل را که در حد حکومت می‌باشند در سه سطح (حکومت مدینه، حکومت امت، حکومت جهانی معموره زمین) مطرح و شرایط و ویژگی‌هایی برای رئیس اول در هر یک از سه سطح نظام سیاسی ذکر می‌کند.

چکیده مقاله‌ها

۱۴۵- مهاجر، محسن. «جامعه مدنی و جمهوری اسلامی ایران». *دیانت و مدنیت*، ش ۹ و ۱۰ (زمستان ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸): ص ۴۶-۶۳.

جامعه مدنی روشی برای اداره حیات اجتماعی انسان‌هاست که در بستر تاریخ در معرض بهسازی و تحول است و ممکن است قرائت‌های موجود از آن مورد تردید و تجدید نظر قرار گیرد. پس تفکر دکماتیزی و جزم‌گرایانه در پذیرش یا انکار آن مردود است. جامعه مدنی به عنوان یک روش خصلت عام و فراگیر دارد و دارای ماهیت خنثی است. و ممکن است با فرهنگ‌ها و ساختارهای متفاوت و هر نوع اندیشه‌ای سازگاری داشته باشد. در غرب هنوز توافقی بر سر مفهوم و جایگاه علمی آن ایجاد نشده و هنوز تکلیف آن با دولت یکسره نشده است که آیا پیش از تکوین دولت بوده یا مساوی یا متضاد با دولت است و یا اصلاً پس از نابودی دولت شکل می‌گیرد؟ در برخورد با چالش‌های موجود در مورد مفهوم و نحوه تحقق جامعه مدنی در کشور ما باید به چند نکته زیر توجه کرد: ۱- بستر نضج و شکل‌گیری آن کشورهای غربی است؛ ۲- در برخورد با مفاهیم غربی باید معیار سنجش و ارزیابی را روشن کرد؛ ۳- هیچ توافقی بر سر اینکه جامعه مدنی قابلیت تکرارپذیری و انطباق و ادغام در بستر دینی را دارد وجود ندارد؛ ۴- در پذیرش گفتمان، چنانچه در انطباق آن بر جامعه نیاز به جرح و تعدیل و اصلاح باشد، آیا باید در روش گفتمانی آن بازنگری کرد؟ ۵- در شرایط نوین ارتباطات آیا می‌توان با نفی و انکار جزم‌گرایانه به مقابله مطلق با آن برخاست؟ ۶- برخورد انفعالی در مقابل مفاهیم و اندیشه‌های غربی نتایج زیان‌باری در عقب ماندگی یا محو هویت فکری و فرهنگی جوامع منفعل دارد؛ ۷- در انتقال و ترجمه تفکر دیگران، همواره قرائت خاص ناقلان و انگیزه‌های شخصی مترجمان دخیل بوده است که این امر اندیشه دینی را با مشکل مواجه کرده است. برخی از راهکارهایی که رابطه تعاملی دولت و جامعه مدنی را گسترش و کارایی هرکدام را بالا می‌برد عبارتند از: نظم و قانون؛ گسترش تنوع و تکرر در جامعه؛ تصحیح نگرش و فرهنگ سیاسی؛ تحدید ساخت قدرت سیاسی؛ توجه به ساختار طبقاتی در جامعه؛ ایجاد

روحیه تساهل و تسامح. با نگاهی به قانون اساسی کشورمان مشاهده می‌شود چهار ضلع بنیادین حکومت یعنی مشروعیت، تحصیل قدرت، اعمال قدرت و چگونگی تحدید قدرت در جمهوری اسلامی به سبکی بسیار بدیع به وجود آمده که از طریق ضلع چهارم یعنی چگونگی تحدید قدرت ضلع جامعه مدنی پی‌ریزی گردیده است.

۱۴۶- مهردادپی، لیدا. «ارتباط شعر و موسیقی». بخش دوم/مقام، ش ۴ (بهار ۱۳۷۸): ص ۲۸-۳۷.

در قسمت اول این پژوهش، عوامل سازنده در ارتباط موسیقی و شعر بررسی شده و انواع ترانه‌های محلی و جایگاه کاربردی آنها مطرح شده است. ترانه‌های بزمی به دو دسته روستایی و شهری تقسیم می‌شوند. به عقیده روح‌اله خالقی ترانه‌های روستایی یکی از منابع ذیقیمت موسیقی هر کشور است، چون کمتر تحت تأثیر افکار مردم شهرنشین قرار گرفته و طبیعی‌تر و اصیل‌تر است. ترانه‌های محلی ایران از نظر ملودی بسیار غنی و پرمایه و یکی از زیباترین پربرترین ترانه‌های فولکلوریک دنیا است. نشانه طرز تفکر و تمدن و فرهنگ ما و نمایاننده ملت و گذشته ما است. موسیقی محلی ایران بر دو نوع ترانه‌های بومی آوازی و رقص‌های محلی سازی است و از آهنگ‌های ضربی و ترانه‌هایی که وزنی مشخص و صریح دارند تشکیل می‌شود. مضامین این اشعار در ارتباط کامل با وضع زندگی مردم ده‌نشین است. سبک‌های این ترانه‌ها عبارتند از: آوازهای مربوط به کار و تلاش، قهرمانی، حماسی، مناسک، آوازه‌ها، عشقی و تغزلی. با این تنوع سبک، آوازهایی که مضامین تغزلی دارند برترند. ترانه‌های شهری به ده گونه تقسیم می‌شود: ۱- توصیفی و ستایشی (در مدح شاهان و حکام)؛ ۲- عشقی؛ ۳- پندآمیز؛ ۴- عرفانی؛ ۵- میهنی یا سیاسی؛ ۶- شکوایی؛ ۷- انتقادی؛ ۸- هزل‌گونه؛ ۹- ترانه‌های کودکان؛ ۱۰- ترانه‌های بحر طویل‌گونه. شعر و موسیقی از دیرباز نزدیکی و قرابت دیرینه داشته‌اند، هر دو زائیده هنری والا و در واقع همزاد هستند. موسیقی به زبان اصوات سخن می‌گوید و شعر به زبانی تکلم می‌کند که الفاظ از عناصر سازنده آن است. و چون پیوند شعر و موسیقی موجب

چکیده مقاله‌ها

می‌شود این دو هنر در یک قالب، متظاهر و متجلی گردند، عنوان تلفیق را بر آن نهاده‌اند، یعنی به هم بافته و منسجم شده و یا در مقابل هم قرار گرفته‌اند. در پیوند شعر و موسیقی «تکیه» نقش مهم و اساسی دارد و با توجه به محل قرار گرفتن آن روی هجاها، هر کلمه معانی خاصی پیدا می‌کند.

۱۴۷- میرافضلی، علی. «صادق هدایت و ترانه‌های خیام». *نشر دانش*، سال ۱۶، ش ۱ (بهار ۱۳۷۸): ص ۲۷-۳۹.

حکیم عمر خیام نیشابوری مشهورترین شاعر ایرانی در اروپاست و رباعیات او بارها در کشورهای اروپایی ترجمه و چاپ شده است. صادق هدایت نخستین پژوهشگر ایرانی است که با مطالعه دستاوردهای ایران‌شناسان اروپا، پایه‌گذار شیوه‌ای نسبتاً جدید در بررسی انتقادی و تدوین رباعیات خیام شد. وی *مقدمه‌ای بر رباعیات خیام* را در سال ۱۳۰۳ به چاپ رساند که عمده مطالب آن را از *تاریخ ادبیات ایران* اثر ادوارد براون و تحقیقات دیگر ایران‌شناسان برگرفت. ده سال بعد هدایت *ترانه‌های خیام* را منتشر کرد. وی در مقدمه کتاب مجموعه رباعیات منسوب به خیام را دارای ۸۰ تا ۱۲۰۰ رباعی ذکر کرده و آنها را فاقد تشکل و انسجام معنوی و ساختاری می‌داند. هدایت با پژوهش و جستجو در منابع و مآخذ کهن فارسی و عربی جمعاً ۱۴ رباعی را متعلق به خیام دانسته و آنها را به عنوان رباعیات اساسی و کلیدی خیام تلقی کرده است. والنتین ژوکوفسکی در دیوان‌های ۳۹ شاعر فارسی، ۸۲ فقره از ۴۶۴ رباعی، که در چاپ نیکولا به نام خیام درج شده است، یافت و آنها را رباعیات سرگردان نامید که میان دو یا چند شاعر مشترکند. این روش بیشتر ارزش سلبی دارد و مورد اعتراض بعضی پژوهشگران قرار گرفته است، از جمله این مخالفان و پیشقدم آنها در ایران، هدایت است. وی در مقایسه شاعران زبان فارسی با خیام، شعرا را به دو دسته تقسیم می‌کند. آنها که با مضامین خیامانه سر و کار ندارند و آنها که پیرو مسلک و سبک خیام بوده‌اند. هدایت برای کتاب‌های علمی خیام اعتبار زیادی منظور نمی‌کند زیرا به نظر او خیام این کتاب‌ها را بنا به دستور یا خواهش

کلچین

بزرگان نگاشته و در آن روش تقیه و کتمان را در پیش گرفته است. در میان آثار خیام، هدایت برای *نوروز نامه* حساب جداگانه‌ای باز کرده، چرا که در خلال این کتاب می‌توان بعضی مطالب علمی یافت که برخلاف دیگر کتاب‌ها از دست خیام در رفته و افکار نهان او را آشکار می‌کند. در پایان می‌توان گفت صادق هدایت با انتقال مطالعات و پژوهش‌های ایران شناسان اروپا به محیط فرهنگی ایران، نگاه تازه‌ای وارد عرصه خیام‌شناسی کرد.

۱۴۸- میرعلی نقی، علیرضا. «علی بن محمد معمار بنایی؛ خوشنویس، شاعر، موسیقیدان و آهنگساز». *مقام*، ش ۴ (بهار ۱۳۷۸): ص ۱۲۰-۱۲۳.

این مقاله برای بنیاد دایرةالمعارف اسلامی (دانشنامه جهان اسلام) نوشته شده که جهت دسترسی اهل موسیقی در این نشریه چاپ شده است. علی بن محمد معمار بنایی از مردم میانه و متولد هرات و نام دیگر او کمال الدین شیرعلی بنایی هروی است وی ابتدا به خطاطی و بعد به شعر و شاعری پرداخت. بنایی نام شعری او است، تخلص دیگر او «حالی» بوده که دیوان او با این نام است. به موسیقی علاقه کامل داشته و در فن ادوار دو رساله نوشته است و در ساختن انواع اشکال و صور موسیقی مهارت داشته است. وی سپس سر ارادت بر آستان شیخ شمس‌الدین محمد لاهیجی پیشوای صوفیه نوربخشی فارس نهاد و اشعاری در مدح او سرود، سپس در دربار سلاطین مختلف به سر برد تا اینکه در ۹۱۸ و به قولی در ۹۲۲ هجری در حمله امیر نجم ثانی وزیر شاه اسماعیل در ماوراءالنهر کشته شد. وی در زمان شکیب‌خان لقب ملک الشعرائی دریافت کرده است، در انواع شعر دست داشته و دیوان اشعار، منظومه بهرام و بهروز و مثنوی شیبانی *نامه* از آثار اوست. دلیل دیگر شهرت بنایی احیای مقام موسیقیدانی اوست که با کشف رساله موسیقی او به انتشار رسید. مقدمه رساله وی خطبه‌ای دارد که موجز و دارای صفت براعت استهلال در استفاده از اصطلاحات موسیقایی است. مقدمه با تعریف موسیقی آغاز و پس از توضیحی درباره نغمه، حدث و نقل، به تعریف «بعد» می‌رسد و با بیان جمع و تألیف ملایم، ذکر از «انف» و «مشط» به میان آورد و با شرح تقسیم وتر به هفده جزء یا نغمه پایان

چکیده مقاله‌ها

می‌یابد. این رساله دو مقاله نیز دارد، مقاله اول در تقسیم و تعریف ابعاد، اسباب تألیف و تنافر ملایم، تحقیق دورها و اسامی هشتاد و چهار دایره و... است و مقاله دوم در علم ایقاع است. نکته مهم درباره رساله بنایی امتیاز ادبی و رعایت اختصار و زودفهمی و همچنین خوشنویسی کم‌نظیر آن است.

۱۴۹- میلانی، عباس. «تذکرة الاولیاء و تجدد». *کارنامه*، سال ۱، ش ۳ (اسفند ۱۳۷۷): ص ۱۰۰-۱۰۷.

تصوف یکی از ارکان معنویت ایران و تذکرة الاولیاء یکی از پرنفوذترین و مهم‌ترین آثار صفویان است. این کتاب در اوایل سده هفتم قمری برابر با سیزدهم میلادی تدوین شد. زمان نگارش این کتاب مقارن دورانی است که ریشه‌های تجدد در غرب پدیدار می‌شد. سرمایه‌داری و شهرنشینی به تدریج نضج می‌گرفت، سلطه کلیسا و الهیات کم‌کم جای خود را به جامعه مدنی و تفکر علمی و عرفی می‌داد. از برجسته‌ترین ویژگی‌های تذکرة الاولیاء زبان آن است. در ایجاز و استحکام، سلامت و سلاست از نوادر نثر فارسی است، زبان این کتاب در غایت شیوایی و توانایی است. ویژگی دیگر این کتاب جوهر شاعرانه نثر عطار است. زبان این کتاب نه تنها سهل و ممتنع بلکه مسجع و مقفی است. از سویی دیگر، ساخت کل تذکرة الاولیاء خود نمادی از خمیره فلسفی و تصوف است. ساخت روایی ابواب تذکرة الاولیاء نیز جالب توجه‌اند. هر باب با توصیفی مسجع و مقفی از یکی از اولیاء آغاز می‌شود. در اغلب باب‌ها، بلافاصله پس از این اوصاف اجمالی، نام پیران و اولیایی آمده که مرشد و دلیل راه ولی مورد بحث آن باب بوده‌اند، بعد از آن به سبب توبه صوفی برمی‌خوریم و سپس بخش اعظم ذکر هر یک از اولیاء شامل اقوال و کرامات آنان است. بسیاری از باب‌های تذکرة الاولیاء با مرگ صوفی و خواب‌هایی که دیگران در شب مرگش درباره او دیده‌اند پایان می‌گیرد. قسمت بعدی مقاله در مورد ساخت فلسفه تذکرة الاولیاء و ویژگی‌های انسان مورد نظر آن می‌باشد.

۱۵۰- ناطق، هما. «پی‌آمدهای سیاسی و اقتصادی «تنظیمات» عثمانی: ترکان، ارمنیان، ایرانیان». بخش اول/بخار، ش ۵ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸): ص ۲۸۱-۳۰۶.

در این مقاله که بخش اول از مقاله سه قسمتی است اصلاحات دولت عثمانی را در سده نوزدهم تا زمان مشروطیت ۱۸۷۶ در بر دارد و پی‌آمد این اصلاحات را در میان ملت ترک و دیگر ملیت‌ها بویژه ارمنیان سنجیده است. ناخرسندی غربیان را که در خیال تجزیه امپراطوری بودند، پیشرفت‌های عثمانی و آشتی میان ترک و عیسوی را از لابه‌لای اسناد و گزارش‌های سیاسی‌شان تشریح کرده است. همچنین در جدایی‌افکنی میان عیسویان و ترکان به تصریح نقش میسیونرها، فراماسون‌های بنیادگرا و نمایندگان سیاسی دولت‌های اروپایی برآمده است و به ناگزیر در هر دوره به روابط دولت عثمانی با ایران توجه داده است. دوره اول اصلاحات تا سال ۱۸۰۸ ادامه داشت؛ دوره دوم با روی کار آمدن محمود دوم یا سلطان غازی محمود ثانی از ۱۸۰۸ شروع و تا ۱۸۳۹ ادامه داشت؛ دوره سوم تنظیمات را در سال ۱۸۳۹ سلطان عبدالمجید به همت و یاری صدراعظم کاردانش رشیدپاشا بنیان نهاد، این اصلاحات تا سال ۱۸۶۰ دوام یافت و در ایران نیز تأثیر بخشید.

۱۵۱- ناظرزاده کرمانی، فرهاد. «حمله‌خوانی: گونه مهمی از نقالی مذهبی در ایران». *فصلنامه هنر*، ش ۳۹ (بهار ۱۳۷۸): ص ۶۵-۷۴.

حمله‌خوانی گونه‌ای از نقالی مذهبی است که «درونمایه» و «متن» آن عمدتاً از دو کتاب *حمله حیدری* برگرفته شده است. برای شناخت ژرف‌تر و بیشتر *حمله حیدری* راجی کرمانی، بایسته است که با هنر نقالی و به‌ویژه نقالی مذهبی که حمله‌خوانی برجسته‌ترین نمونه آن است، بیشتر آشنا شود و از آن آگاهی یافت. از جمله مواردی که در مقاله حاضر به آن اشاره شده است عبارتند از: ویژگی‌های هنر نقالی (داستان‌گویی نمایشی) و اهمیت آن در ایران. گونه‌های نقالی دینی - مذهبی عبارتند از: مناقب خوانی؛ فضائل خوانی و حمله خوانی؛ پرده‌خوانی و روضه‌خوانی. نگارنده این مقاله، بر بنیاد درونمایه و هم «ریختار نمایش‌گری»، هنر نقالی را در

چکیده مقاله‌ها

سه گونه گنجانده است. داستان‌گویی‌های نمایشی خنیاگرانه؛ داستان‌گویی‌های نمایشی افسانه‌های مردم پسند و داستان‌گویی نمایشی مذهبی. مهم‌ترین حماسه‌های مذهبی موردنظر در این مقاله عبارتند از: *خاورنامه*، *صاحبقران‌نامه*، *مختارنامه*، *شاهنامه* *حیرتی*، *غزوانامه* *اسیری*، *خداوند نامه*، *اردیبهشت نامه*، *دلگشای نامه*، *جنگ‌نامه*، *داستان علی اکبر*، *حمله حیدری* که تمام‌کننده آن میرزا ابوطالب فندرسکی و *حمله حیدری* اثر ملا بمانعلی راجی کرمانی می‌باشد.

۱۵۲- ناقد، خسرو. «ایران شناسی در سرزمین‌های آلمانی زبان»، (۲)/ *بخارا*، ش ۴ (بهمن و اسفند ۱۳۷۷): ص ۱۶۰-۱۷۵.

در این مقاله نویسنده به معرفی آثار ادبی فارسی که به زبان آلمانی ترجمه و منتشر شده پرداخته است. از جمله کتاب‌هایی که به زبان آلمانی ترجمه و منتشر و در این مقاله معرفی شده‌اند عبارتند از: ۱- *ستاره‌های شعر شرق در آسمان غرب* که مجموعه اشعاری است برگزیده از زیباترین شعرهای کلاسیک فارسی خیام، مولوی و حافظ؛ ۲- *کتاب آدم‌های غایب* تقی مدرسی؛ ۳- *مردی با کراوات سرخ* که مجموعه‌ای از داستان‌های هوشنگ گلشیری است؛ ۴- *رمان سووشون* از سیمین دانشور؛ ۵- *زمستان ۶۲* از اسماعیل فصیح؛ ۶- *سمفونی مردگان*. رشته *تسییح* و *پیکر فرهاد* هر سه از عباس معروفی؛ ۷- *نسیم شرق* که مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه ایرانی است و به کوشش محمد علافی و ترجمه گروهی از مترجمان آلمانی و ایرانی منتشر شده است و دربرگیرنده ۱۶ داستان کوتاه است. به جز کتاب‌های فوق در این مقاله نشریه *ایران* زمین نیز معرفی شده است. این نشریه به همت کانون فرهنگ و تمدن ایران در آلمان منتشر شده است و علی رهبر سردبیری آنرا برعهده دارد و به صورت فصلنامه منتشر می‌شود.

۱۵۳- *نجل رحیم، عبدالرحمن*. «طعم گیلان؛ نمایشی از پیوند سرشت انسان با طبیعت». *گفتگو*، ش ۲۳ (بهار ۱۳۷۸): ص ۱۱۴-۱۲۷.

این مقاله به بررسی فیلم طعم گیلان ساخته عباس کیارستمی پرداخته است، نویسنده این کارگردان را فیلم‌سازی طبیعت‌مدار، متفکر و صاحب سبک می‌داند. به عقیده وی، کیارستمی در این فیلم تلاش می‌کند تا حجاب آگاهی و خودآگاهی انسانی را به کناری زند تا معنای ریشه‌ای‌تری برای زندگی و مرگ انسان در رابطه با طبیعت زیستمند پیدا کند. او در این فیلم ترفندهای زیادی به کار می‌برد تا موقعیت انسان را به طور عریان در جهان زیستمند، مقابل مرگ و زندگی نشان بدهد. او مجبور می‌شود تا با واداشتن شخص اول فیلم به خودکشی، یعنی مرگ بی‌افتخار و با اجتناب از هر نوع توجیه عاطفه‌برانگیزی برای این تصمیم، آرایش‌های فرهنگی و اجتماعی را به کناری گذارد تا موقعیت انسان را در رابطه مستقیم با طبیعت به تصویر بکشد.

۱۵۴- «نگاه کوتاهی به موسیقی ایرانی از منظر تفکر». مقام، ش ۴ (بهار ۱۳۷۸): ص ۱۳۴-۱۴۱.

این مقاله یا سخنرانی که نویسنده آن مشخص نیست در دو بخش تنظیم شده است. بخش اول در مورد وضعیت موسیقی در روزگار فعلی که ضمن آن به ارتباط موسیقی با مقوله‌های فرهنگ، سیاست و نقش اجتماعی موسیقی و اهمیت روانی آن اشاراتی می‌کند. بخش دوم اشاره به جایگاه موسیقی در افکار قدما و نحوه ارتباط موسیقی با علوم دیگر مانند ریاضیات و حکمت است. در قسمت بعدی مقاله انواع موسیقی در زمان حاضر و ویژگی‌های هر کدام بیان شده است. در این قسمت به انواع موسیقی لائیک و غیرلائیک و خصوصیات هر کدام اشاره شده است. در ایران قبل از اسلام سه نوع موسیقی متداول بوده است: موسیقی رزمی، موسیقی مذهبی و موسیقی بزمی. موسیقی رزمی در لحظات جنگ، دفاع و مقابله با دشمن کاربرد داشته و آلات این نوع موسیقی بیشتر آلات بادی و کرنا، درازنای، سرنا، سازهای ضربی و بعضی انواع طبل‌ها بوده است. این موسیقی در مغرب زمین به صورت مارش‌های نظامی رشد بیشتری کرد. در ادامه مقاله راجع به موسیقی ایرانی در زمان حاضر مطالبی بیان شده است و نگارنده

چکیده مقاله‌ها

راهکارهایی را جهت تجدید نظر و اصلاح در بعضی از قسمت‌های موسیقی ایرانی بیان کرده تا با وضعیت اجتماعی کشور و شریعت موافقت و همراهی داشته باشد.

۱۵۵- نوایی، عبدالحسین. «اسنادی از داستان تریاک». *گنجینه اسناد*، ش ۳۱ و ۳۲ (پاییز و زمستان ۱۳۷۷): ص ۶۲-۷۵.

داستان تریاک در کشور ما تاریخی دور و دراز و پرفراز و نشیب دارد. یک روز آن را ترویج و مصرف می‌کردند و یک روز کاشت و مصرف آن را ممنوع می‌کردند. در این مقاله چهارده سند که مربوط به مصرف، کاشت، انحصار، ممنوعیت و تجارت تریاک و فهرست شیرخانه‌های تهران است آمده است. این اسناد که از جمله اسناد سازمان اسناد ملی ایران است، براساس تاریخ، تنظیم و نقل شده است. این اسناد هرچند همگی راجع به تریاک هستند، لیکن سخت باهم اختلاف دارند، یکی ایجاد انحصار را موجب قتل چند میلیون می‌بیند و دیگری با آرم و کاغذ خاص و مشحون به وعده و وعید، از ترک تریاک سخن می‌گوید. یکی می‌خواهد تریاک‌های چند سال پیش خریده را به دولت قالب کند، دیگری از رضاشاه خواسته که دولت بر بهای خریداری تریاک از رعایا بیفزاید. این اختلاف نظرها و تفاوت دریافت‌ها و برداشت‌ها از لحاظ اجتماعی بسیار شیرین و مغتنم است و با این اسناد به خوبی روشن می‌شود که هر که به فکر خویش است.

۱۵۶- نوایی، کامبیز. «پنج مجلس در نگارگری ایرانی». *رواق*، ش ۲ (زمستان ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸): ص ۲۱-۳۷.

این مقاله در پی اثبات ادعای گروهی از محققان است مبنی براینکه مینیاتور ایرانی تصویری از عالمی مثالی و قدسی است و ربطی به عالم واقعیات ندارد، و لذا هرچه برخلاف تصویرگری عالم واقع در این مینیاتورها دیده می‌شود نه از بابت جهل و عجز نقاش بلکه به خاطر احتراز تعمدی او از واقع‌نمایی است. به این منظور پنج نمونه از این آثار را از مکتب کمال‌الدین بهزاد و شاگردانش برگزیده و مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. این آثار عبارتند

کلیچین

از: مجلس اول یوسف و زلیخا (صفحه‌ای از بوستان سعدی، اثر کمال‌الدین بهزاد، اواخر قرن نهم هجری)؛ مجلس دوم خسرو و شیرین (صفحه‌ای از *خمسه نظامی*، منسوب به سلطان محمد، قرن دهم هجری)؛ مجلس سوم شیخ صنعان و دختر ترسا (صفحه‌ای از *خمسه* امیر علیشیر نوایی، منسوب به شیخ‌زاده، اوایل قرن دهم هجری)؛ مجلس چهارم صوفی در حمام (صفحه‌ای از *هفت اورنگ جامی* و منسوب به قدیمی، قرن دهم هجری)؛ مجلس پنجم مجنون در خیمه‌گاه لیلی (صفحه‌ای از *هفت اورنگ جامی*، منسوب به شیخ محمد).

۱۵۷- نوروزی طلب، علیرضا. «جستاری در مبانی نظری هنر و مفاهیم نگارگری ایرانی». *فصلنامه هنر*، ش ۳۹ (بهار ۱۳۷۸): ص ۸۶-۱۰۶.

در این مقاله ابتدا در خصوص مبانی نظری هنر مطالبی بیان داشته است و سپس ویژگی‌های هنر و نقاشی ایرانی یا مینیاتور را از دیدگاه نظریه پردازان مختلف آورده است. نگارگری ایرانی دارای خصوصیتی کلی است که این خصوصیات به‌نحوی از انحاء در هنر تصویرگری سایر ملل هم وجود دارد. عدم توجه به واقع‌گرایی محض و اجتناب از ژرفانمایی (پرسپکتیو) و سایه روشن در نمایش فرم و روایت‌گری و نمادگرایی (در اشکال و رنگ‌ها)؛ تأکید به عنصر تزئین و تجسم فضایی خیالی؛ تکیه بر عنصر خط برای تفکیک سطوح و پیروی از سنن نگارگری در شکل بیان؛ بهره‌گیری از هنر خوشنویسی برای توضیح تصویر؛ بهره‌گیری از تذهیب و تشعیر در حواشی بعضی تصاویر؛ تصویر موجودات اساطیری، افسانه‌ای، فرشتگان و اجنه و دیوها؛ تلفیق انسان و فضای زیست با اعمال هندسه ناب اقلیدسی و ایجاد صور تزئینی در معماری و تلفیق مجموعه (انسان و فضای زیست) با طبیعت به نحو متعادل و موازنه‌ای منطقی؛ عدم نمایش چشمگیر چین و شکن در البسه جهت جلوگیری از تمرکز و انحراف دید به سمت فرم‌های فرعی و جزیی از جمله خصوصیات عمومی نگارگری ایرانی است. فضا در مینیاتور ایرانی نمودار فضای ملکوتی (بهشت و جهان ملکوتی) است و اشکال و رنگ‌های آن جلوه‌ای از اشکال و رنگ‌های همین عالم مثالی است.

چکیده مقاله‌ها

۱۵۸- هادی زاده، رسول. «آغاز راه نوین در پژوهش ادبیات دوره سامانیان». *ایران شناخت*، ش ۱۲ (بهار ۱۳۷۸): ص ۵۸-۶۹.

این مقاله را نویسنده‌ای از کشور تاجیکستان نوشته و در آن ابتدا به تجربیات آموختن تاریخ ادبیات دوره سامانیان و آثار و احوال رودکی در آن کشور اشاره کرده است. وی می‌نویسد این مسئله در تاجیکستان سابقه‌ای قریب دویست ساله دارد. در این مدت سیمای بسیاری از شاعران گمنام و کم‌شهرت عهد سامانیان و پیش از آن در تاریخ ادبیات جلوه‌گر شده و آثار بازمانده شاعران قرن دهم میلادی و قبل از آن با زحمات زیاد جمع‌آوری و بارها به طرز علمی به طبع رسیده است. به طور خلاصه، در علم متن‌شناسی و ادبیات‌شناسی تاریخی ما، مستشرقان غرب در کشف و برقراری زمان، موقع و ادبیات عهد سامانیان، واقعاً خدمتی بزرگ و تاریخی انجام داده‌اند. در آموزش تاریخ ادبیات فارس و تاجیک اولین بار راه نوینی با ابتکار دانشمند داغستانی الاصل مسکو یعنی محمد نوری عثمانف ایجاد شد. روش و راه نوین دیگر در آموزش ادبیات فارسی، روش علمی عالم چیره‌دست روسیه میخائیل باختین بود. این راه بعداً در بعضی رساله‌های پژوهشی محققان نسل نو تاجیک ادامه یافت. در ادامه مقاله نگارنده بعضی راه‌ها و اصول نوین را در تحقیق ادبیات فارسی و تاجیک و بویژه ادبیات دوره سامانیان پیشنهاد کرده است. و سپس به اقدامات دانشمندان تاجیک در گردآوری و طبع اشعار رودکی اشاره کرده است، او اظهار داشته که تا امروز متن کامل و معتبر علمی و تصحیح و تکمیل یافته رودکی تألیف نشده و جهت دستیابی به این چنین متنی راه‌هایی را جهت همکاری با دانشمندان ایرانی پیشنهاد کرده است.

۱۵۹- «یادداشت‌هایی درباره سابقه تاریخی ارکستر». *بخش دوم/مقام*، ش ۴ (بهار ۱۳۷۸): ص ۹۶-۱۰۱.

این نوشته بخش دوم مقاله درباره تاریخچه ارکستر در ایران است. قسمت اول اختصاص به بررسی ارکسترهای دولتی و رسمی داشته است و در این قسمت ارکسترهای غیردولتی و مردمی

کاجین

بررسی شده‌اند. از لحاظ تحلیلی و تاریخی، این افراد را می‌توان در زمره افرادی به شمار آورد که هر چند در برابر عظمت تمدن و فرهنگ غرب خود باختگی‌هایی داشتند، لیکن ارتباط سالم و فزاینده خود را با فرهنگ سنتی قطع نکردند. رو آوردن این افراد به غرب، پاسخ به نیاز اجتماعی بود که با ظهور مشروطیت پیش آمد. از این رو تغییراتی چند در فرم، ابزار و نحوه اجرای موسیقی داده شد. در آن زمان انجمن اخوت به ریاست میرزا علی خان ظهیرالدوله، مأمّن موسیقیدانانی مانند درویش خان، باقرخان رامشگر، حسین خان اسماعیل‌زاده، نایب اسدالله اصفهانی، سید حسین طاهرزاده و... بود که در این انجمن به اجرای برنامه می‌پرداختند. برنامه‌های این انجمن شامل موسیقی ایرانی و موسیقی اروپایی به صورت ارکستر بود. دسته دوم، ادامه منطقی ارکستر مدرسه عالی موسیقی و مکتب علینقی وزیری هستند که یکی از این نمونه‌ها ارکستر پرویز ایرانپور است. از افراد دیگری که رو به کارهای ارکستری آورده‌اند استاد علی اکبر خان شهنازی را باید نام برد که در سال ۱۳۰۵ انجمن هیأت مروجین موسیقی ایرانی را تأسیس کرد. در ادامه مقاله به سایر افراد و گروه‌ها که در زمینه گسترش ارکستر فعالیت کرده‌اند اشاره شده و سیر تاریخی این موضوع بررسی شده است. از جمله این افراد و گروه‌ها عبارتند از: ارکستر مرتضی‌خان محجوبی، ارکستر جامعه باربد که در سال ۱۳۰۵ به دست اسمعیل مهرتاش تأسیس شد. قسمت پایانی مقاله به سازهای مورد استفاده در ارکسترها و نوازندگان معروف پرداخته است.

۱۶۰- یزدان پناه لموکی، طیار. «فرهنگ اعتقادی مازندران باستان (از آغاز تا هزاره دوم پیش از میلاد)». چیستا، ش ۱۵۴ و ۱۵۵ (دی و بهمن ۱۳۷۷): ص ۳۳۳-۳۳۶.

نگارنده این مقاله اعتقاد دارد باور دینی مردم در مازندران توتیمیزم بوده است و در جریان تاریخ به باور دیگری مانند تابوتیزم، مانائیزم و سحر و جادو منجر شده است. از وجود اشیاء و ابزار به دست آمده در گورهای باستانی مازندران چنین بر می‌آید که آنها عقیده داشته‌اند مردگان در دنیای دیگر دارای همان زندگی زمینی هستند و دارای احساسات و خواسته‌های

چکیده مقاله‌ها

زمان حیات نیز می‌باشند. نگارنده در ادامه به آداب و اعتقادات اقوام باستانی مانند «دریگ‌ها»، «ماسازت‌ها» و «کاسی‌ها» در مورد دفن مردگان و طرز رفتار آنها با پیرمردان و پیرزنان اشاره کرده است و اعتقاد دارد دفن مردگان همراه با اشیاء ناشی از تأثیر فرهنگ سومری‌ها می‌باشد. از جمله اشیاء به دست آمده در تورنگ تپه تندیس ایزد بانویی است که بیانگر اهمیت و نقش زن در امور اجتماعی آن دوره است. بالاگرفتن نفوذ اجتماعی زنان به پایداری و تکامل مناسبات مادرشاهی انجامید و در نهایت قداست یافت. هرچند آغاز این تمدن در مازندران مشخص نیست ولی گواه پیشرفت اجتماع قبیله‌ای در مازندران است. با گسترش کشاورزی نیروهای طبیعی مانند باران، آتش، خورشید و رعد و برق توجه انسان‌ها را بیشتر جلب کرد. بنابراین پرستش آنها در مازندران باستان جای تعجبی ندارد.

۱۶۱- یزدانی، مرضیه. «تاریخچه معارف در ایران: بازخوانی گزارشی از رویکرد ایرانیان به گسترش فرهنگ و ایجاد موسسات آموزشی». *گنجینه اسناد*، ش ۳۱ و ۳۲ (پاییز و زمستان ۱۳۷۷): ص ۱۰-۲۵.

در این مقاله پس از ذکر مقدمه‌ای در مورد گزارش‌های تاریخی و تقسیم‌بندی آن به سه دسته دولتی، جمعی و فردی، با بهره‌گیری از اسناد موجود در خزانه سازمان اسناد ملی ایران به سندی از نوع گزارش دولتی پرداخته و بر تبیین وضعیت معارف ایران از پیش از اسلام تا سال ۱۳۱۳ که سال نگارش گزارش است پرداخته است. گزارش مورد نظر به دستور شورای احصائیه تهیه شده و نگارنده اعتقاد دارد که روند معارفی ایران معاصر نتیجه اقتباس معارف اروپا بوده و تأکید بر زمان‌های اخیر دارد. به همین دلیل هر چه به زمان گزارش نزدیک می‌شویم از کلی و شعاری بودن آن کاسته شده و با واقعیات بیشتر انطباق دارد. تکیه نگارنده گزارش بر قوم‌گرایی و در برخی نکات ناسیونالیستی افراطی است، که این دیدگاه در دوره رضاشاه بسیار رواج داشته است. این گزارش جریان‌های فرهنگی ایران را به شش دوره تقسیم کرده است: دوره اول از پیش از اسلام تا ابتدای صفویه؛ دوره دوم از صفویان تا صدارت

کلیـن

امیرکبیر؛ دوره سوم از صدارت امیرکبیر تا سال ۱۳۱۶ قمری؛ دوره چهارم از سال ۱۳۱۶ قمری با تأسیس انجمن مکاتب ملیه ایران آغاز و تا مشروطیت دوم ادامه دارد؛ دوره پنجم از مشروطیت دوم در سال ۱۳۲۸ قمری آغاز و تا سال ۱۲۹۷ شمسی ادامه دارد؛ دوره ششم از سال ۱۲۹۷ شمسی آغاز شده و درخشان‌ترین دوره معارفی ایران است.

چکیده کتاب

چکیده کتابها

۱۶۲- *آموزگار جاوید*. به اهتمام صادق لاریجانی، ویراستار محسن صادقی، قم: مرصاد، ۱۳۷۷.

این مجموعه حاوی مقالات تنی چند از استادان و نویسندگان است که به مناسبت بزرگداشت مقام علمی و معنوی مرحوم «میرزا هاشم آملی» گردآوری شده است. ده مقاله عربی و پانزده مقاله فارسی در این مجموعه با موضوعات متنوع فقهی، اصولی، فلسفی، تفسیری، تاریخی و نظایر آن نوشته شده است. در بخش اول کتاب زندگی‌نامه نامبرده آمده است. عناوین تعدادی از مقالات و نویسندگان این چنین است: «تحفه آل حکیم / جوادی آملی»؛ «فی علم القاضی / سید محمد خامنه‌ای»؛ «فی معنی بسم الله الرحمن الرحیم / حسین مظاهری»؛ «حکمت عقلی پیش از اسلام / پرویز اذکابی»؛ «عاشورا پشتوانه تشیع / سید جعفر شهیدی»؛ «میراث فقهی (غنا و موسیقی) / رضا مختاری».

۱۶۳- *آوانسیان، اردشیر. خاطرات سیاسی*. به اهتمام علی دهباشی، تهران: شهاب ثاقب؛ سخن، ۱۳۷۸.

کتاب حاضر، خاطرات سیاسی یکی از اعضای فعال و برجسته جنبش کمونیستی ایران است که ذیل عناوین گوناگون به رشته تحریر در آمده است. گفتنی است «آوانسیان» یکی از اعضای گروه «۵۳ نفر» بود که در سال ۱۲۸۴ در خانواده‌ای ارمنی در دهی نزدیک تبریز به دنیا آمد و در سال ۱۳۶۹ در ایران درگذشت. او عضویت و مبارزه در حزب کمونیست و بعدها، حزب توده را از سال ۱۳۰۱ با تشکیل اتحادیه کارگران داروخانه‌ها در رشت آغاز کرد و بارها به تبعید و زندان محکوم شد و سرانجام به طور غیابی حکم اعدام وی صادر گردید و در پی آن سال‌هایی از عمر خود را در پناهندگی گذراند. عناوین برخی سرفصل‌های کتاب بدین قرار است: «تشکیل حزب توده ایران»؛ «چگونگی ارتباط با کمینترن»؛ «ادبیات مارکسیستی»؛ «داستان محاکمه کارگران بهشهر»؛ «سازمان دهی در مازندران»؛ «برخی شیوه‌های کار ما در بدو تأسیس حزب»؛ «نهضت حزب توده در آذربایجان»؛ «درباره جعفر پیشه‌وری»؛ «کیفیت فعالان حزب

کلچین

در آذربایجان؛ «درباره فرقه دمکرات آذربایجان»؛ «ماجرای قیام خراسان»؛ «درباره روزبه»؛ «فعالیت حزب توده ایران در انتخابات مجلس»؛ «داستان علی دشتی و...» کتاب با دوازده ضمیمه همراه است از جمله: «سازمان حزب کمونیست ایران در خراسان»؛ «خاطراتی از حزب کمونیست ایران»؛ «نامه اردشیر آوانسیان به قلم احسان طبری، خلیل ملکی، ایرج اسکندری و دکتر انور خامه‌ای»؛ «اسامی ۵۳ نفر»؛ «فهرست اعلام» و «عکس‌ها».

۱۶۴- آیت‌اللهی، علیرضا. *شوراهای کشوری و آمایش شهر و روستا*. ویراستار نادر زکریا پور، تهران: علیرضا آیت‌اللهی، ۱۳۷۷.

مباحث این کتاب ذیل دو موضوع نظام یافته است: «جوامع پایه محلی» عنوان موضوع اول است که خواننده طی آن با این مباحث آشنا می‌شود: «انجمن ده یا شورای روستا»؛ «شورای شهر و شهرک»؛ «روش انتخابات»؛ «قانون تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران»؛ «شهرداری در ایران» و مباحثی از این دست. موضوع بخش دوم «جوامع محلی میانه» است. در این بخش، مؤلف مطالبی درباره شورای استان یا منطقه، کیفیت مشارکت مردم و وظایف شورای استانی به دست می‌دهد.

۱۶۵- اتحادیه، منصوره (نظام مافی). *اینجا طهران است... مجموعه مقالاتی درباره طهران ۱۳۴۲-۱۳۶۹ ه. ق. ق.* ویراستار مصطفی زمانی‌نیا، تهران: تاریخ ایران، ۱۳۷۷.

این کتاب مجموعه مقالاتی است درباره مسائل گوناگون تهران در قرن گذشته از جمله: جمعیت، فرهنگ، دربار، امنیت، پلیس، موقوفات، خالصه‌جات، آذوقه شهر، زنان و تجار که با استفاده از اسناد خصوصی فراهم آمده است. عناوین مقالات که در هفده گفتار سامان یافته عبارتند از: ۱- رشد و توسعه شهر تهران در دوره ناصری، ۱۳۲۰-۱۳۶۹ ه. ق. ق.؛ ۲- تهران، قانون فرهنگی ایران در عصر قاجار؛ ۳- خاطرات رجال قاجار، مروری بر امور دربار و روابط درباریان؛ ۴- بافت اجتماعی - اقتصادی بازار تهران و محله بازار در نیمه دوم قرن ۱۳ ه. ق. ق. به

چکیده کتابها

انضمام صورت دکان‌ها، مشاغل و حرف در تهران، در ۱۲۶۹ و ۱۳۲۰ ه.ق.؛ ۵- مسئله امنیت در تهران عصر ناصری و وظایف پلیس؛ ۶- خرید و فروش زمین در تهران، نگاهی به اوضاع اجتماعی تهران در اوایل قرن ۱۴ ه.ق.؛ ۷- موقوفات تهران و تحول شهر (۱۳۲۰-۱۲۶۹ ه.ق.)؛ ۸- تهران و املاک خالصه ورامین؛ ۹- واردات دروازه‌های دارالخلافه تهران، معرفی یک سند؛ ۱۰- زن در جامعه قاجار؛ ۱۱- فعالیت زنان در انقلاب مشروطیت؛ ۱۲- مسائل صرافیه از خلال سطورنامه‌های یک صراف؛ ۱۳- مسائل صرافیه و تجارت در آغاز قرن ۱۴ ه.ق.؛ ۱۴- فهرست سپاه ایران در جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴ م.)؛ ۱۵- اجاره و اجاره‌نشینی در تهران؛ ۱۶- ماجرای اجاره مالیات توتون و تنباکوی کردستان در ۱۳۳۳ ه.ق.؛ ۱۷- مسائل کیفیت‌گذران یک دانشجوی ایرانی در آلمان ۱۳۴۸-۱۳۴۰ ه.ق./۱۹۳۰-۱۹۲۱ م. کتاب با عکس‌ها و جدول‌هایی همراه شده و با فهرست اعلام خاتمه می‌پذیرد.

۱۶۶- احمدی، حمید. *قوم‌گرایی در ایران: از افسانه تا واقعیت*. تهران: نشرنی، ۱۳۷۸.

نگارنده در این پژوهش، ضمن مطالعات قومی از دیدگاه روش‌شناسی، بر آن است مقولاتی نظیر قومیت، ملیت و هویت را با نگاهی نقادانه بررسی کند. وی براساس سه متغیر اساسی «دولت مدرن اقتدارگرا»، «مبارزه نخبگان سیاسی» و «تأثیر سیاسی بین‌المللی» چارچوب نظری خود را در ارتباط با تحولات کردستان، آذربایجان و بلوچستان ایران به کار می‌گیرد تا بدین وسیله اعتبار تجربی آن را در معرض سنجش قرار دهد.

۱۶۷- ارجمند، مهدی. *الگوهای روایت در سینمای ایران*. تهران: بنیاد سینمایی فارابی، ۱۳۷۷.

در این نوشتار، مؤلف بر آن است به گونه‌ای تحلیلی مفهوم روایتگری و دنیای ذهنی راویان برجسته سینمای ایران را رمزگشایی نماید و به این سؤال پاسخ گوید که «چرا سینما در سیر

کاجین

تکاملی خود از اسلوب‌های داستانی» برای ارتباط با بیننده سود جسته و چرا هم اکنون فیلم‌های «روایتگری» به منزله جریانی غالب ملکه ذهن سینماگران دنیاست؟» مباحث کتاب عبارتند از: «روایت چیست؟»؛ «شکل‌های بیانی در سینمای ایران»؛ «تجربیات زیبایی شناسانه» و «ارزش‌های نوین».

۱۶۸- اسماعیل پور، جمشید. *عشایر آذربایجان و ایلات مغان*. تهران: فاخته، ۱۳۷۸.

کتاب حاضر پژوهشی است درباره ایلات و عشایر منطقه آذربایجان، معرفی کوتاهی از قبایل ساکن و مهاجر به این ناحیه در ایران باستان و قرن‌های بعد از اسلام، مشخصات و ویژگی‌های گوناگون ایلات منطقه در زمان حاضر، همچنین آداب و رسوم و روابط اجتماعی و اوضاع اقتصادی و حوادث سیاسی از مطالب کتاب به شمار می‌آید. پژوهنده، کتاب را با این مباحث تدوین کرده است: «سابقه تاریخی عشایر و تمدن انسانی»؛ «عشایر ایران»؛ «سیاست ایران و عشایر»؛ «پراکندگی عشایر آذربایجان»؛ «عشایر آذربایجان قبل از اسلام»؛ «عشایر آذربایجان بعد از اسلام»؛ «عشایر و ایلات آذربایجان شرقی و غربی»؛ «مغان و ساوالان»؛ «ایل شاهسون»؛ «عشایر و نادرشاه»؛ «دشت مغان - عشایر»؛ «فرهنگ و رسوم شاهسون»؛ «السه و زیور آلات شاهسون»؛ «داد و ستد»؛ «تحصیلات و عبادت»؛ «جشن و عروسی»؛ «کفن و دفن» و مباحثی از این دست. کتاب با تعدادی عکس و فهرست منابع خاتمه می‌پذیرد.

۱۶۹- اسماعیلی، محمود. *قطره باران: چند نامه به پسر و به جوانان خارج از کشور*. تهران: محمود اسماعیلی؛ کتاب زمان، ۱۳۷۸.

این کتاب شامل نامه‌هایی است که نویسنده در سال‌های اخیر، برای پسرش در خارج از کشور نوشته و در آنها بعضی از اطلاعات علمی درباره آب و نفت، همچنین مطالبی درخصوص اوضاع اجتماعی و تاریخ معاصر ایران را مطرح کرده است. برخی از عناوین فصل‌های کتاب بدین قرار است: «گل تنهایی کویر»؛ «حمله صدام»؛ «بارن رویتر»؛ «قرن نفت»؛ «پیدایش نفت»؛

چکیده کتابها

«جغد جنگ»؛ «کودتای رضاخان»؛ «آزادی خرمشهر»؛ «قادسیه»؛ «ارتش متفقین در ایران»؛ «سلاح شیمیایی صدام»؛ «خلع ید از شرکت انگلیسی نفت»؛ «تقیه و نفاق»؛ «سه شخصیت زندانی دزفول»؛ «فتح فاو»؛ «رئیس زندان اهواز» و «پذیرش قطعنامه ۵۹۸». گفتنی است مطالب این کتاب بدون ترتیب تاریخی وقایع، شکل گرفته است.

۱۷۰- اسناد روابط خارجی آمریکا درباره نهضت ملی شدن نفت ایران. مترجم عبدالرضا هوشنگ مهدوی؛ اصغر اندرودی، تهران: علمی، ۱۳۷۷، ۲ جلد.

مجموعه اسناد و مدارک گردآوری شده در این کتاب متضمن این موضوعات است: کمک اقتصادی به ایران، نفع آمریکا در حل اختلافات ایران و انگلیس درباره نفت، وقایع منتهی به قتل نخست وزیر رزم آراء، تشکیل دولت مصدق و ملی شدن صنعت نفت ایران، مأموریت «هریمن»، دعوای شرکت نفت انگلیس و ایران در سازمان ملل متحد، دیدار مصدق از واشنگتن و دیگر حوادث آن عهد.

۱۷۱- اسنادی از روند انعقاد عهدنامه دوم/ارزنه الروم (۱۲۶۴-۱۲۵۸ ه.ق.). به اهتمام نصرالله صالحی، تهران: وزارت امور خارجه؛ مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۷.

در این کتاب، مجموعه‌ای از اسناد و مکاتبات تاریخی دوره قاجار مربوط به عهدنامه دوم «ارزنه الروم» میان ایران و عثمانی - ۱۲۵۸ تا ۱۲۶۴ ه.ق. - گرد آمده است. این اسناد که براساس سال وقوع تنظیم شده عمدتاً شامل مکاتبات دولتمردان دو کشور و تعدادی فرمان و متن عهدنامه مذکور است. کتاب با مقدمه‌ای کوتاه درباره تاریخچه روابط ایران و عثمانی و زمینه‌ها و روند انعقاد عهدنامه دوم ارزنه الروم همراه است. در این مجموعه پس از متن حروفچینی شده هر سند، تصویر دستنویس آن نیز آمده است. صفحات پایانی به فهرست اسامی، اماکن و ایلات و طوایف اختصاص دارد.

کتاب‌ها

۱۷۲- افتخارزاده، محمودرضا. *اسلام و ایران: مذهب و ملیت ایرانی*. تهران: رسالت قلم، ۱۳۷۸.

نویسنده در بخش نخست کتاب، با نگاهی به دوران تاریخی ایران باستان، ساختار اشرافی، مبانی قدرت روحانیت مزدیسنا، شیوه اجرای آداب و احکام دینی و حوزه‌های فقهی روزگار ساسانی را بررسی می‌کند. وی در بخش دوم، درباره ظهور اسلام در ایران و نقش آن در شکل‌گیری هویت، ملیت و تاریخ ایرانی سخن می‌گوید و در بخش پایانی درخصوص مبانی و عناصر هویت ملی ایران چون عاشورا، سنن ایرانی، سوگواری، تعزیه، نوروز و آداب و اعمال آن توضیحاتی به دست می‌دهد. سخن اصلی نویسنده در کتاب حاضر این است که نشان دهد چگونه اسلام سازنده هویت و فرهنگ ملی ایرانی بوده است.

۱۷۳- افتخارزاده، محمودرضا. *تحریر اوستایی تاریخ ایران باستان: ایران: آیین و فرهنگ*. تهران: رسالت قلم، ۱۳۷۸.

۱۷۴- افشار، ایرج. *یزدنامه: یزدنما - متون پیشینه - پژوهش‌های تاریخی...*. تهران: یزدان، ۱۳۷۸، جلد دوم.

این کتاب جلد دوم از این مجموعه است و شامل مباحثی درباره یزد است که طی ده فصل سامان یافته است: «یزدناما» (مجموعه غزلیاتی درباره یزد)؛ «متون پیشینه»؛ «پژوهش‌های تاریخی» (شامل ده مقاله)؛ «باستان‌شناسی و آثار باستانی»؛ «جغرافیا و سفرنامه»؛ «فرهنگ و ادبیات»؛ «هنر و نگارها»؛ «کتاب‌شناسی»؛ «اسناد»؛ «عکس و تصویر».

۱۷۵- افشار سیستانی، ایرج. *جزیره کیش: مرورید خلیج فارس*. تهران: هیرمند، ۱۳۷۸.

در اثر حاضر ویژگی‌های طبیعی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی جزیره کیش در سه بخش معرفی شده است. نگارنده در بخش نخست، موقعیت خلیج فارس را از نظر جایگاه جغرافیایی،

چکیده کتابها

طبیعی، استراتژیک و ژئوپولیتیک تشریح نموده طی آن جزایر و بنادر، ویژگی‌های آب و هوایی، رودها و پیشینه نام خلیج فارس را معرفی می‌کند. بخش دوم که به بررسی موقعیت «جزیره کیش» اختصاص یافته از چهار فصل تشکیل شده است: «جایگاه جغرافیایی و طبیعی جزیره کیش»؛ «نام، پیشینه تاریخی و آثار باستانی جزیره کیش»؛ «جایگاه اجتماعی جزیره کیش» و «اقتصاد جزیره کیش». بخش سوم کتاب شامل فهرست‌های اعلام، کسان، مکان‌ها، منابع و آثار مؤلف است.

۱۷۶- افشار سیستانی، ایرج. *جزیره هندورابی و دریای پارس و نگاهی به جزایر «فارور» و «فارورگان» شامل: اوضاع طبیعی، جغرافیایی، تاریخی...*. تهران: روزنه، ۱۳۷۷.

۱۷۷- امامی، کریم. *شیراز و چشم‌اندازهای پیرامون آن*. عکاس محمد صادقی فسانی، تهران: زرین؛ سیمین؛ نارستان، ۱۳۷۸.

در مجموعه حاضر تصاویر هنری و رنگی از جلوه‌های گوناگون تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، طبیعی و هنری شیراز و استان فارس به چاپ رسیده است. عکس‌ها با توضیحاتی به فارسی و انگلیسی همراه گشته و با این موضوعات ترتیب یافته‌اند: ۱- شیراز دیروز، شیراز امروز؛ ۲- پا به پای عشایر کوچگر؛ ۳- چشم‌اندازهای دیگر؛ ۴- از گذشته‌های غرور آفرین.

۱۷۸- امیری اسفندقه، مرتضی. *این شرح شرحه: تجلی و بررسی اجمالی رمضان در ادوار شعر پارسی*. تهران: سفیر صبح، ۱۳۷۸.

دفتر حاضر متضمن اشعاری است در باب ماه رمضان که افزون بر آن تأثیر ماه رمضان در ادوار مختلف شعر فارسی در کتاب بررسی و تبیین می‌شود. نگارنده کتاب را با این عناوین سامان داده است: «سبک خراسانی»؛ «خیام فیلسوفی شاعر»؛ «عرفان و تصوف»؛ «سبک عراقی»؛ «سبک هندی» و عناوینی از این قبیل. از جمله شاعرانی که در این اثر سروده‌ای از آنان نقل شده

کلیچین

عبارتند از: «فرخی سیستانی»، «امیر معزی»، «خیام»، «ناصر خسرو»، «حافظ شیرازی»، «انوری» و «جلال‌الدین محمد بلخی».

۱۷۹- امینی، حسن. *بازتاب بودا در ایران و اسلام*. تهران: میرکسری، ۱۳۷۸.

پژوهش حاضر سه موضوع را در بردارد: ۱- تأثیر بودا، تعلیمات، آموزه‌ها و آیین‌های او در ایران و اسلام به ویژه در تصوف اسلامی؛ ۲- شناسایی هویت واقعی و پیشینه و اهمیت تاریخی قهرمانان داستان اسلامی شده «بوداسف» و «بلوهر»؛ ۳- مشابّهات و وجوه اشتراک و افتراق داستان‌هایی که در طول تاریخ در این زمینه در آثار ادبی، عرفانی و فلسفی به پارسی و عربی بین مسلمانان منتشر شده است. موضوعات یاد شده براساس عناوین خاص تشریح می‌شوند که به هر یک از آنها در پی اشاره می‌شود: «دین شناسی تطبیقی»؛ «بودا در اسلام»؛ «تاریخچه دو هزار و پانصد ساله داستان بودا»؛ «سابقه کیش بودایی در ایران»؛ «انعکاس کیش بودایی در ایران»؛ «انعکاس کیش بودایی در منابع اسلامی»؛ «تأثیر کیش بودایی در قوانین و مراسم قلندران و خاکساران»؛ «زندگی‌نامه بودا به زبان‌های عربی و فارسی»؛ «تمثیل‌ها و ادبیات داستانی در روایات بوداسف و بلوهر»؛ «الهیات و اخلاقیات اسلامی در داستان بوداسف و بلوهر».

۱۸۰- *انقلاب اسلامی و تهدیدات*. تهیه و تنظیم علی سعیدی شاهرودی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی؛ مرکز چاپ و نشر، ۱۳۷۷.

در نوشتار حاضر، نویسنده ضمن بررسی مختصر عملکرد دشمنان انقلاب اسلامی، به ویژه شیوه تهاجم فرهنگی، راه کارهایی مناسب برای مقابله با آن به دست می‌دهد و طی آن، این موضوعات را مطرح می‌سازد: علت اصلی مخالفت و سرسختی استکبار جهانی با حرکت اسلام، تعریف لغوی و اصطلاحی انقلاب، ابعاد انقلاب اسلامی، پیشینه توطئه‌های دشمن علیه حرکت اسلامی، توطئه‌های استکبار علیه انقلاب اسلامی، دشمن و شیوه‌های براندازی (شامل شیوه‌های نظامی، سیاسی، محاصره اقتصادی، جاسوسی و اطلاعاتی، تهاجم فرهنگی)، قلمرو تهاجم

چکیده کتابها

فرهنگی (شامل تهاجم در حوزه‌های مبانی اندیشه و فکر دینی، محتوای دینی، اخلاق و فرهنگ مردم)، ویژگی‌های تهاجم فرهنگی، چگونگی و راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی، پیشینه تهاجم در حوزه مبانی اندیشه دینی، نحوه مقابله با تهاجم به نظام فکری در گذشته، شیوه مقابله با جریان مهاجم غربی. فهرست منابع کتاب در انتها ذکر شده است.

۱۸۱- باقرزاده بابلی، عبدالرحمن. *آشنایی با فرزندان بابل در سه قرن اخیر*. با مقدمه جعفر سبحانی تبریزی، قم: مبعث، ۱۳۷۷.

در این مجموعه اطلاعاتی از ۲۹ عالم مذهبی شهرستان بابل در سه قرن اخیر گردآمده است. از جمله این اشخاص می‌توان به شیخ عبدالله مازندرانی، شیخ جعفر اشراقی، آیت‌الله سیدابراهیم ثابتی، علامه حائری مازندرانی، شیخ نجفعلی فاضل و سیدزین العابدین عدنانی اشاره کرد.

۱۸۲- باقری، محمد مهدی. *مختصری از تاریخ بسطام: از پیدایش تا حکومت قاجاریان*. تهران: اعلمی، ۱۳۷۷.

نگارنده این کتاب، تصویری از شهر «بسطام» از قدیم‌ترین ایام تا دوران معاصر به دست می‌دهد. عناوین برخی سرفصل‌های کتاب بدین قرار است: «جغرافیای طبیعی بسطام»؛ «قدیمی‌ترین روایت درباره شهر بسطام در باستان»؛ «غارت بسطام توسط سلوکیان»؛ «دین و آیین مردم بسطام در عهد باستان»؛ «بسطام در عهد اسلام»؛ «تاریخ فتح منطقه قومس»؛ «تاریخ آمدن امامزاده محمد فرزند امام صادق(ع) به ایران و سکونت در بسطام»؛ «علت کشته شدن امامزاده محمد»؛ «بنای گنبد و بارگاه بر مزار امامزاده محمد»؛ «امیر تاج‌الدین بسطامی»؛ «بسطام و نهضت سربداران»؛ «بسطام و صفاریان»؛ «سامانیان و بسطام»؛ «بسطام در زمان فرقه اسماعیلیه»؛ «سلجوقیان و بسطام»؛ «بسطام و خوارزمشاهیان»؛ «بسطام در حمله مغول»؛ «حکومت علویان و بسطام»؛ «دولت صفویان و بسطام»؛ «بسطام در حکومت افشاریه»؛ «زندیه

کلچین

و قاجاریه؛ «آثار تاریخی بسطام»؛ «مشاهیر و بزرگان بسطام»؛ «تکایای قدیمی بسطام»؛ «قصیده بسطامیه».

۱۸۳- بحرینی، حسین. *تجدد، فراتجدد و پس از آن در شهرسازی*. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۸.

نویسنده با نگاهی به تجربه تلخ تجدد و فرا تجدد، به واقعیت‌های زندگی قرن بیستم در زمینه شهرسازی اشاره کرده سپس با استناد به تجارب سایر کشورها، رویدادهای مربوط به حرفه و رشته شهرسازی در ایران را شرح و بررسی نموده است. «انقراض شهرسازی جدید»؛ «فراتجدد»؛ «مرگ یا حیات دوباره»؛ «تجدد یا فراتجدد در شهرسازی»؛ «فرا تجدد در معماری و طراحی شهری»؛ «دو دید فرا تجدد در طراحی شهری»؛ «فراتجدد و برنامه‌ریزی شهری» و «تحولات پس از فرا تجدد» مباحث اصلی این کتاب هستند.

۱۸۴- بخشنده، فرهاد. *تاریخ مختصر جهان اسلام با تأکید بر وقایع ایران (از عام الفیل تا قرن پانزدهم هجری قمری)*. تهران: چوگان، ۱۳۷۸.

آنچه در این نوشتار به طبع رسیده شرح مختصری است از تاریخ سیاسی اسلام و ایران دوره اسلامی از ظهور اسلام تا قرن پانزدهم هجری قمری. مطالب کتاب به ترتیب قرن‌های هجری، نظام یافته و در هر قرن به برجسته‌ترین رویدادهای آن زمان اشاره شده است.

۱۸۵- برزین، سعید. *زندگینامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان*. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۸.

شرح و بررسی حیات و تلاش‌های سیاسی مهندس مهدی بازرگان، همچنین مهم‌ترین رویدادهای مرتبط با او در تاریخ معاصر و انقلاب اسلامی، موضوعی است که نویسنده در اثر حاضر پی می‌گیرد. کتاب از دوازده فصل با عناوین و مباحث زیر تشکیل شده است:

- ۱- ریشه‌ها؛ ۲- اولین تجربه‌های سیاسی؛ ۳- اخلاق اجتماعی اسلامی؛ ۴- مقاومت در برابر

چکیده کتابها

کودتا؛ ۵- قوانین تاریخی و اجتماعی؛ ۶- جذبه مذهبی میان مردم؛ ۷- نفی استبداد؛ ۸- مبارزه ایدئولوژیکی؛ ۹- ساختمان ایدئولوژی اسلامی؛ ۱۰- انقلاب و دولت موقت؛ ۱۱- شکست جریان لیبرال؛ ۱۲- حکومت قانون و دولت عوام. در صفحات پایانی، فهرست آثار بازرگان و فهرست راهنما به طبع رسیده است.

۱۸۶- برومند سعید، جواد. *نوروز جمشید: پژوهشی نوین از پیدایی نوروز*. تهران: توس، ۱۳۷۷.

نگارنده این کتاب ذیل چهار بخش اطلاعاتی در باب نوروز به دست داده است. بخش اول مربوط به جشن‌هایی است که از زمان‌های قدیم در فروردین ماه وجود داشته و سبب شده است که این ماه مقدم و محترم باشد. بخش دوم نیز به آیین‌های قربانی فروردین ماه اختصاص دارد. در بخش سوم، از علل و پیشینه پیدایی جشن نوروز و انقلاب جمشید و برپایی آیین داد جمشیدی سخن به میان آمده است. در بخش چهارم مخاطبان با سنت‌ها و آیین‌های نوروزی آشنا می‌شوند که در طول تاریخ پس از جمشید رواج گرفته و در فرهنگ ایرانی باقی مانده‌اند. افزون بر آن، مؤلف به آن دسته از آیین‌های نوروزی اشاره کرده که تنها نامی از آنها برجای مانده و مراسم آن به دست فراموشی سپرده شده است.

۱۸۷- بلوکباشی، علی. *نقد و نظر (معرفی و نقد آثاری در ادبیات مردم‌شناسی)*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۷.

در مجموعه حاضر مجده مقاله گردآمده که پیش از این در یک دوره سی و شش ساله در نشریه‌های گوناگون به طبع رسیده است. این مقالات براساس موضوع، ذیل پنج بخش با این عناوین نظام یافته است: «حوزه اساطیر ایران» (دوره اساطیر ایران در تاریخ طبری، شناخت اساطیر ایران و...)؛ «حوزه دین و مذهب» (پدیدارشناسی مناسک تشرف، اسلام در عمل، مردم‌شناسی تاریخی سرزمین‌های اسلامی خاورمیانه)؛ «زن در عرصه عقیده و عمل» (عقاید النساء،

کلیچین

زنان دهکده؛ «اقوام در گذرگاه تاریخ و فرهنگ»؛ «اقوام مسلمان جهان، جاده ابریشم، مسئله اقلیت‌های ملی در شوروی کوچک» و «دانش و هنر و ادبیات» (دانش‌نامه میسری، نقش و نگارهای سردرخانه‌های قدیم تهران، تعزیه‌نامه‌های دربند سر، شعر عامه بلوچ و...).

۱۸۸- بهبهانی، سیمین. *یاد بعضی نفرات*. تهران: البرز، ۱۳۷۸.

سیمین بهبهانی در ابتدای این مجموعه با لحنی شاعرانه به برخی خرده‌ها در باب شعر خود پاسخ می‌گوید و طی آن، به این موضوعات اشاره می‌کند: «زمان و شعر»؛ «انسجام در شعر امروز و شعر سنتی»؛ «ارزش طنین واژه‌ها»؛ «ارزش تشکّل واژه‌ها»؛ «زبان شاعر»؛ «تصویر»؛ «شعر کم تصویر» و «تصویر کنایی». وی سپس با عنوان *یاد بعضی نفرات* گوشه‌هایی از زندگی، احوال و آثار برخی شعراء و نویسندگان معاصر را بعضاً در قالب خاطرات و دریافت‌های شاعرانه به دست می‌دهد. این اشخاص که تصاویری از آنان نیز در کتاب به چاپ رسیده عبارتند از: منوچهر آتشی، هوشنگ ابتهاج، مهدی اخوان ثالث، پروین اعتصامی، منصور اوجی، شهرنوش پارسی‌پور، گلی ترقی، صفدر تقی‌زاده، اصغر الهی، رباب تمدن، علی محمد حق‌شناس، بهاء‌الدین خرمشاهی، سیمین دانشور، محمود دولت‌آبادی، منیر و روانی‌پور، یدالله رویایی، محمدعلی سپانلو، سهراب سپهری، منوچهر شیبانی، هوشنگ گلشیری، جواد مجابی، فریدون مشیری، حمید مصدق، عباس معروفی، ابراهیم مکیلا، ضیاء موحد، نادر نادرپور و بیژن نجدی. بخش دوم کتاب شامل «گفت و شنودها و پرسش و پاسخ‌ها» ست که عمدتاً در باب «شعر»، «فرهنگ»، «قصه‌نویسی» و «زن» صورت گرفته است. نمایه کتاب نیز در بخش انتهایی کتاب به چاپ رسیده است.

۱۸۹- بهنود، مسعود. *مجموعه مقالات حروف (گزیده مقالات دو حرف و حرف دیگر)*.

تهران: علم، ۱۳۷۸.

مجموعه حاضر شامل ۳۲ مقاله کوتاه است. این مقالات برگزیده مقالات دو کتاب نگارنده

چکیده کتابها

- «دو حرف» و «حرف دیگر» - است. دوازده مقاله نخست کتاب نوشته‌هایی کلی است و به زعم مؤلف «مسائلی که مربوط به انسان است به عنوان انسان». بخش دوم شامل پنج مقاله است که به مسائل جهانی، به ویژه مسائل سیاسی و انسانی زمان اختصاص دارد. بخش سوم زندگی‌نامه این اشخاص را در بردارد: «شاه»، «احسان طبری»، «ایرج اسکندری»، «مظفر بقایی» و «مظفر فیروز». در انتهای این بخش مقاله‌ای تحت عنوان «نسل سوم» به چاپ رسیده که نگارنده افراد یادشده را در یک مقطع تاریخی خاص بررسی می‌کند. بخش چهارم، نقد کتاب است که به بهانه آن، به برخی ویژگی‌های «مصدق»، «جلال آل احمد»، «تقی‌زاده» و «الهیاری صالح»، نیز اشاراتی رفته است. آخرین بخش کتاب، حسب حالی است از نویسنده و بیشتر مربوط به زادگاهش تهران.

۱۹۰- بیات، عزیزالله. *شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران*. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷، ۲ جلد. این کتاب با مدخلی راجع به نقش اسناد و استناد در تاریخ آغاز می‌شود، سپس براساس ادوار تاریخ ایران، سلسله‌های پیش از اسلام و بعد از اسلام تا دوره قاجار طبقه‌بندی می‌شود. هر فصل از کتاب به یک دوره (سلسله) اختصاص می‌یابد. و در ابتدای آن خلاصه‌ای از اوضاع سیاسی هر دوره، سپس منابع دست اول و دوم آن معرفی می‌شود. در قسمت تاریخ ایران بعد از اسلام، مورخان براساس حروف الفبایی و آثار برجسته آنان معرفی می‌شوند. در پایان کتاب نیز مطلبی درباره نحوه تبدیل تقویم‌های مختلف آمده است.

۱۹۱- بیات، عزیزالله. *کلیات تاریخ تطبیقی ایران*. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷.

در اثر حاضر نویسنده کلیات حوادث تاریخی ایران را در دوره‌های قبل و بعد از اسلام، با حوادث مهم سرزمین‌های دیگر در هر عصر مقایسه می‌کند؛ سپس برای هر دوره تاریخی ایران حوادث و تحولات تاریخی ممالک معاصر را بازگو می‌نماید. کتاب به چهار بخش تقسیم شده است: ۱- سلسله‌های قبل از اسلام؛ ۲- ایران بعد از اسلام؛ ۳- از طاهریان تا حمله مغول؛ ۴- از

کلچین

استیلای مغول تا انقراض سلسله پهلوی. هر یک از این بخش‌ها از چند فصل تشکیل شده و هر فصل به یک سلسله حکومتی اختصاص دارد. فهرست منابع در صفحات پایانی کتاب آمده است.

۱۹۲- بیانی، شیرین (اسلامی ندوشن). *تیسفون و بغداد در گذر تاریخ*. تهران: جامی، ۱۳۷۸. اثر حاضر پژوهشی است درباره شکل‌گیری، توسعه، شکوفایی و سرانجام انحطاط دو شهر تیسفون و بغداد از قدیم‌ترین ایام تا پایان عصر مغول که در دوازده فصل سامان یافته است. مخاطبان کتاب را با این مباحث پی می‌گیرند: «بنیاد بغداد»؛ «بغداد اساطیری»؛ «بابل عتیق در ارتباط با بغداد»؛ «بغداد پس از هخامنشی و بنای شهر سلوکیه»؛ «هفت شهر مدائن (بلاش گرد، وه اردشیر، وه آنتیوک، خسرو، هتبو، شاهپور، تیسفون)»؛ «ساسانیان و تیسفون»؛ «سقوط تیسفون مدائن و پس از آن»؛ «کوفه به جای مدائن»؛ «مدائن و مغولان»؛ «بغداد عهد اسلامی»؛ «گزینش بغداد عتیق به پایتختی»؛ «ایران در رویارویی با بغداد»؛ «جانشینان طغرل سلجوقی و بغداد»؛ «نظری کلی بر سیمای بغداد در عهد عباسی»؛ «اسامی ابنیه و آثار و محلات»؛ «دروازه‌ها»؛ «تهاجم مغول و سقوط بغداد»؛ «بغداد در دوره ایلخانی»؛ «نقش مسیحیت در سقوط بغداد»؛ «شکوفایی بغداد در عهد غازانی»؛ «سیمای بغداد در عهد ایلخانی» و «بغداد در شامگاه عهد ایلخانی». فهرست منابع و مآخذ، اعلام مکان‌ها و نام‌ها در صفحات پایانی کتاب مندرج است.

۱۹۳- پارسا دوست، منوچهر. *شاه تهماسب اول*. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷. اثر حاضر، پژوهشی است درباره زندگی و حوادث دوران سلطنت شاه تهماسب اول صفوی. این پژوهش ذیل هفت بخش تدوین شده که هر بخش آن متشکل از چند فصل است. بخش اول که «سال‌های ناتوانی» عنوان گرفته مشتمل است بر: «شاه تهماسب و پادشاهی»؛ «شاه تهماسب در تلاش تثبیت قدرت». بخش دوم با عنوان «شاه تهماسب و همسایگان» شامل این مباحث

چکیده کتابها

است: «شاه تهماسب و ازبکان»؛ «شاه تهماسب و عثمانی»؛ «پناهندگی سلطان بایزید به ایران»؛ «شاه تهماسب و سایر پادشاهان عثمانی». در بخش سوم «کشورگشایی شاه تهماسب» این موضوعات به چشم می‌خورد: «فتح ولایت‌ها (فتح قندهار، شروان، شکی و سیستان)»؛ «حمله‌های مکرر به گرجستان»؛ «شاه تهماسب و همایون شاه» عنوان چهارمین بخش کتاب است که با دو موضوع شرح «همایون شاه پیش از دیدار با شاه تهماسب» و «همایون شاه و شاه تهماسب» بررسی می‌شود. بخش پنجم یعنی «شاه تهماسب و دشواری‌های داخلی» با این مباحث شکل گرفته است: «سرکشی‌ها و شورش‌ها»؛ «شورش گیلانیان»؛ «شورش مردم تبریز». بخش ششم: «کشورداری شاه تهماسب» شامل این مطالب است: «سیاست داخلی»؛ «رویه‌های کشورداری»؛ «شاه تهماسب و مردم»؛ «انتقال پایتخت به قزوین»؛ «سیاست خارجی شاه تهماسب». «سال‌های پایانی شاه تهماسب» عنوان بخش هفتم کتاب که با دو موضوع سامان یافته عبارتند از: «شاه تهماسب در ناتوانی» و «ارزیابی شاه تهماسب». بخش پایانی کتاب به ضmann، منابع و فهرست اعلام اختصاص دارد.

۱۹۴- پرهام، مهدی. *شکرانه منفی: امروز، دیروز، فردا*. تهران: شالوده، ۱۳۷۸.

نویسنده در کتاب حاضر این نکته را خاطر نشان می‌کند که مقوله شکر کردن به خاطر «نداشتن» است نه «داشتن»؛ برای مثال در جامعه‌ای که از نظر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در تزلزل است مردم مدام وضع خود را با وضع مردمی که بدتر از آنان زندگی می‌کنند مقایسه می‌نمایند و شکرانه به جای می‌آورند که همانند آنان نیستند. این نوع شکرانه حرکتی را که عامل تغییر وضع موجود است در افراد خاموش می‌کند و زندگی به خوردن و نمردن محدود می‌گردد. به زعم مؤلف، جامعه ایران وضعیتی این چنین دارد. نویسنده در ذیل مقالاتی چون «فردا خیلی دیر است»؛ «تورم و شکل نامتعهدان انقلاب»؛ «رسالت و شخصیت روشنفکر»؛ «آدم‌ها و آدمک‌ها» و «صنعت و شبه صنعت» وضعیت جامعه ایران را از دیدگاه «شکرانه منفی» ارزیابی می‌کند. در مبحث نخستین کتاب، مقالاتی چند از جمله «سلام بر آزادی»؛

کتابچین

«واقعیت‌ها را بپذیریم»؛ «گرایش‌های ملی را محترم داریم» و «حافظه تاریخی را تقویت کنیم» به چاپ رسیده است. مضمون این مقالات عمدتاً به زمان کنونی و عصر ریاست جمهوری سید محمد خاتمی اختصاص دارد.

۱۹۵- پناهی شرفویی، یدالله. *شرفویه دارالمؤمنین*. شیراز: [بی‌نا]، ۱۳۷۷.

در این کتاب مطالبی درباره تاریخ و فرهنگ روستای «شرفویه» از توابع شهرستان «لار» در استان فارس فراهم آمده است. موضوعات اصلی کتاب عبارتند از: «مشخصات جغرافیایی و تقسیمات کشوری شرفویه»؛ «تاریخ شرفویه»؛ «بزرگان شرفویه»؛ «اماکن مقدسه در شرفویه»؛ «شرفویه و نهضت مشروطیت»؛ «زبان و لهجه شرفویی و واژه‌های شرفویی». توضیحات نویسنده، فهرست منابع و چند عکس از روستای شرفویه و آثار تاریخی آن ضمیمه کتاب است.

۱۹۶- پوراحمد، کیومرث. *شاه: روایت سینمایی*. تهران: روزنه کار، ۱۳۷۸.

این فیلم‌نامه به شرح زندگی و لحظات تاریخی و مهم رضاخان و محمدرضا پهلوی اختصاص دارد. فیلم‌نامه حاضر با تصویری از رضاشاه که لباس سربازی به تن دارد آغاز می‌شود و با وقوع انقلاب اسلامی، فرار شاه به کشور مصر و سرانجام مرگ وی در بیمارستان قاهره به پایان می‌رسد. در صفحات پایانی کتاب، تصاویر گوناگونی از محمدرضا شاه و وقایع انقلاب اسلامی به چاپ رسیده است.

۱۹۷- پیرنیا، حسن. *عصر اساطیری تاریخ ایران: خطوط برجسته‌ی داستان‌های ایران قدیم*.

ویراستار سیروس ایزدی، تهران: هیرمند، ۱۳۷۸.

مخاطبان این مجموعه ذیل چهار فصل داستان‌های اساطیری ایران را مطالعه می‌کنند. فصل اول با عنوان «روایات و داستان‌های قدیم» شامل روایات کهن و داستان‌هایی است درباره دوره پیشدادیان، سلسله کیانیان، اسکندر، اشکانیان و ساسانیان. فصل دوم مربوط به «مدارک داستان‌های قدیم» است. در فصل سوم با عنوان «سنگش داستان‌ها و مقایسه آنها با تاریخ» نکاتی

چکیده کتابها

درباره عهد قدیم تا منوچهر، منوچهر تا کیقباد، از کیقباد تا گشتاسب و از گشتاسب تا مرگ دارا بیان شده است و فصل چهارم مربوط است به «کلیاتی که راجع به قرون قبل از تاریخ می‌توان استنباط نمود».

۱۹۸- **تاریخ البرز (مقالات پیرامون تاریخ مازندران، گیلان، گلستان و سمنان)**. به اهتمام تیساپه اسدی، قائم شهر: روجا، ۱۳۷۸، جلد اول.

این کتاب جلد اول از این مجموعه است و مشتمل بر ده مقاله برگزیده درباره تاریخ و فرهنگ مازندران، گیلان، گلستان و سمنان که در همایش بومی - تاریخی «تاریخ البرز» ارائه شده است. عناوین مقالات و نام نویسندگان آنها عبارتند از: «نقش دریای مازندران در تاریخ منطقه/ عزیز طویلی»، «ظل السلطان و حکومت مازندران و گرگان (۱۲۷۹-۱۲۷۷ ه.ق.) / جمشید قائمی»، «یادنامه میرزا مهدی، دست‌نوشته نایابی از جنبش بابیه گیلان/ حسین صمدی»، «دژهایی با سابقه آتشگاه در تنکابن/ علی‌اصغر یوسفی نیا»، «شناسایی یک امامزاده (سید رضا کنتی بهشهر)/ تیساپه اسدی»، «وقار السلطنه گیلانی، مبارز دو انقلاب: بازخوانی سند: از دوران مشروطه/ محمود دهقان»، «ترور امیران در دوران کیانیان/ هوشنگ عباسی»، «انگیزه متلاشی شدن جنبش‌های سیاسی معاصر/ فریدون نوزاد»، «یادمان‌های تاریخی و آیینی در فرهنگ مازندران/ اسدالله عمادی» و «نمایه‌های البرز و ری در تاریخ طبری/ روجا احمدزاده».

۱۹۹- **تاریخ تهاجم فرهنگی غرب: نقش روشنفکران وابسته: میرزا آقاخان کرمانی**. تدوین مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، تهران: قدر ولایت، ۱۳۷۸، جلد ششم.

در ششمین شماره از مجموعه تاریخ تهاجم فرهنگی غرب: نقش روشنفکران وابسته، «میرزا آقاخان کرمانی» معرفی شده است. میرزا آقاخان در سال ۱۲۷۰ ه.ق. در شهر کرمان به دنیا آمد. وی پس از گذراندن دوره‌های مقدماتی از شهر مشهد رهسپار استانبول گردید و در ایام اقامت در استانبول به واسطه تأثیر عوامل مختلف اجتماعی، دستخوش تحول فکری عجیبی

کلیچین

شد؛ سپس با مطالعه متن ترکی سه مکتوب «میرزافتحعلی آخوندزاده»، با دین و اعتقادات دینی در افتاد. او رابطه بسیار نزدیکی با «میرزا ملکم خان» داشت. «شرح مختصری از زندگانی»، «شکل‌گیری شخصیت فکری میرزا آقاخان کرمانی» و «اصول و فعالیت‌های فکری و سیاسی آقاخان کرمانی» محتوای اصلی این کتاب را تشکیل می‌دهد.

۲۰۰- تبریزنیا، حسن. *برخی علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران*. مشهد: سیاوش، ۱۳۷۷.

در پژوهش حاضر، روند تاریخی و علل گوناگون ناپایداری احزاب سیاسی ایران بررسی و تبیین شده است. این پژوهش ذیل پنج فصل با این عناوین نظام یافته است: «مبانی و ساختارهای حزبی»، «تاریخچه احزاب در ایران»، «تجربه‌ها و نکته‌ها»، «بررسی چند فرضیه درباره علل ناپایداری احزاب سیاسی ایران» و «برخی علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران».

۲۰۱- تجویدی، علی. *موسیقی ایرانی: مقدمه، نوا، راست پنجگاه، سه‌گاه و آثار مؤلف*. ویراستار جواد طباطبائی، تهران: سروش، ۱۳۷۷، جلد دوم.

این کتاب جلد دوم از مجموعه این عنوان است و حاوی نت‌های موسیقی راست پنج‌گاه، نوا و سه‌گاه است؛ همچنین اشعاری متناسب با گوشه‌های آوازی ردیف موسیقی ایرانی - روی نت‌های مختلف تدوین شده و در ابتدای کتاب نکاتی درباره دستگاه‌های ایرانی بیان گردیده است.

۲۰۲- *تحلیل و تفسیر مجموعه اسناد روستایی و عشایری ایران*. به اهتمام جواد صفی‌نژاد. تهران: آتیه، ۱۳۷۷.

کتاب دو جلدی حاضر مجموعه‌ای است از اسناد روستایی و عشایری برخی مناطق ایران که به همراه تحلیل و تفسیرهایی مفصل به طبع رسیده است. جلد اول این مجموعه متشکل از دو کتاب است. کتاب نخست شامل «رساله سرشماری ولایت تربت حیدریه در سال ۱۲۹۶ ه.ق.»

چکیده کتابها

و کتاب دوم حاوی کتابچه «سرشماری ولایت طبرس در سال ۱۲۹۸ ه.ق.» است. اسناد حاضر در بردارنده اطلاعات جامعی از خانواده‌ها، سرمایه و مشاغل منطقه یاد شده است. جلد دوم نیز از دو کتاب: «سند دشمن زیاری مربوط به سال ۱۰۶۸ ه.ق.» و «اسناد نظام زراعی سنتی ورامین، بین سال‌های ۱۳۱۰-۱۲۹۰ ه.ق.» تشکیل شده است. کتاب اول این جلد کهن‌ترین سند عشایری در ایران و مربوط به ایل «دشمن زیاری» خطاب به پسران و مردم منطقه است که ۱۱۲ تن از عشایر مناطق مختلف ناظر بر اجرای وصیت‌نامه بوده‌اند. کتاب دوم جلد دوم، یعنی «سند ورامین» نیز شامل قراردادهای روستاهای خالصه ورامین در زمان ناصرالدین شاه است.

۲۰۳- تدین، عطاءالله، *نقش آفرین الموت*. تهران: انتشارات تهران، ۱۳۷۸.

کتاب حاضر، پژوهشی است درباره زندگی، اقدامات و اندیشه‌های حسن صباح - رهبر و مؤسس فرقه اسماعیلیان ایران - نیز اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی آن زمان. کتاب در شانزده فصل فراهم آمده که عناوین برخی از آنها از این قرار است: «اعترافات باز سپید الموت»؛ «سیری در پاسخ‌نامه حسن صباح به ملک‌شاه»؛ «جان باختگان اسماعیلی»؛ «خیام و غزالی»؛ «بحثی کوتاه درباره شیوه تبلیغات باطنیان»؛ «خلقیات سلجوقیان دشمن اسماعیلیان»؛ «فعالیت‌های زیرزمینی اسماعیلیان در کرمان»؛ «نفوذ اسماعیلیان در قلب شهرهای بزرگ»؛ «تصفیه خونین در الموت»؛ «قیامت در الموت (۵۵۷-۵۶۱ ه.ق.)»؛ «حورشاه و ننگ تسلیم (۶۵۴ ه.ق.)»؛ «بازتاب جهانی قیام الموت».

۲۰۴- *تذکره الشعراء/سلطان محمد مطربی سمرقندی*. به اهتمام اصغر جانندا، مقدمه علی رفیعی علامرودشتی، تهران: مرکز مطالعات ایرانی؛ آینه میراث، ۱۳۷۸.

تألیف حاضر تذکره ۳۴۳ تن از سلاطین و امرای ماوراءالنهر و شاعران معاصر مولف است که به ترتیب حروف الفبایی سامان یافته است. در این کتاب نمونه‌هایی از سروده‌ها، لطایف و ظرایف اقوال افراد گردآوری شده و در خلال سطرهای آن، آیات، احادیث، فنون بدیعی و امور

کتابچین

شگفت‌انگیز فراهم آمده است. در پیش‌گفتار، شرح حال مولف، ارتباط او با دریاها و سلاطین، تالیفات و آثار او بررسی می‌شود. اسامی برخی اشخاص این تذکره بدین قرار است: «امین سمرقندی»، «انجمن بخارایی»، «بوری بلخی»، «دردی تاشکندی»، «هجایی مروی»، «وحشی بافقی»، «حریمی کابلی» و «لامعی بخارایی».

۲۰۵- تربیت، محمدعلی. *دانشمندان آذربایجان*. به اهتمام غلامرضا طباطبائی مجد، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۸.

در این مجموعه شرح حال ۹۳۴ تن از مشاهیر خطه آذربایجان - به ویژه مشاهیر قرن هشتم هجری به بعد - با اشاره به آثار آنان گردآمده است. گردآورنده در تدوین این مطالب از منابع دست‌نویس تاریخی، ادبی و رجال بهره جسته است. بخش پایانی کتاب به فهرستی از یکصد و پنج روزنامه اختصاص دارد که در آذربایجان چاپ و منتشر شده‌اند. در این فهرست که براساس حروف الفبا تنظیم یافته ذیل هر روزنامه این اطلاعات مندرج است: دوره انتشار، محل انتشار، نوع چاپ، نام مدیر و سال انتشار. برخی از این نشریات عبارتند از: *آذر*، *آذرآبادگان*، *آزاد*، *آزادیستان*، *اتحاد*، *ادب*، *انجمن*، *بریدشمال*، *تبریز*، *تجدد*، *توفیق*، *جریده اسلامی*، *خاور*، *دبستان*، *روزنامه ملی*، *سعادت*، *شرق*، *عبرت*، *عدالت*، *فریاد*، *فکر*، *کاوه*، *مساوات*، *ملانصرالدین* و *نجات*. در صفحات پایانی فهرست اعلام متن آمده است.

۲۰۶- تفضلی، ابوالقاسم. معتضد، خسرو. «*از فروغ السلطنه تا انیس الدوله: زنان حرمسرای ناصرالدین شاه، بررسی و تحلیل زندگی، رویدادها و...*». تهران: گلریز، ۱۳۷۸.

در این کتاب، سرنوشت زنان حرمسرای ناصرالدین شاه، از فروغ السلطنه تا انیس الدوله بازگو می‌شود، همچنین مخاطبان با رویدادها و اوضاع و احوال دربار در آن عهد آشنا می‌شوند. کتاب در بیست و نه فصل فراهم آمده که برخی از آنها بدین قرار است: «نظریه‌ها و قضاوت‌ها درباره ناصرالدین شاه»؛ «حرمسرا، هم و غم ناصرالدین شاه را تشکیل می‌داد»؛ «پنج زن نخستین

چکیده کتابها

ناصرالدین شاه؛ «امین اقدس و برادرزاده او عزیزالسلطان»؛ «انیس الدوله شهره در وفاداری»؛ «شکوه السلطنه مادر ولیعهد مظفرالدین میرزا»؛ «عفت السلطنه مادر ظل السلطان»؛ «عکس گرفتن در دربار و حرمسرای ناصرالدین شاه»؛ «جاسوسه ظاهراً خبرنگار انگلیس در حرمسرای ناصرالدین شاه»؛ «تاج السلطنه دختر ناصرالدین شاه از اوضاع داخلی حرمسرا می گوید» و «کشته شدن ناصرالدین شاه به روایت ده ها شاهد». آخرین مطلب کتاب مقاله ای است با عنوان «امامه، زادگاه انیس الدوله» که در پی آن، عکس هایی از ناصرالدین شاه و زنان وی همچنین برخی درباریان به طبع رسیده است.

۲۰۷- توانگر زمین، محمدکاظم. **تأکیدی بر یگانگی شخصیت ذی القرنین و کوروش**. شیراز: نوید، ۱۳۷۸.

مؤلف این کتاب بر آن است نشان دهد کوروش بنیانگذار هخامنشیان همان «ذوالقرنین» است که در قرآن از او سخن رفته است. در فصل اول، ابتدا مؤلف از چگونگی «آغاز بحث ذوالقرنین در اسلام» سخن به میان می آورد؛ سپس با استفاده از تفسیر المیزان مقایسه ای میان شخصیت ذوالقرنین و کوروش به دست می دهد. در فصل دوم موضوع ذوالقرنین از منظر تورات و ارتباط آن با قوم یهود بررسی می شود. فصل سوم مطالبی است درباره نقش برجسته ای که به صورت یک انسان بالدار با تاجی مخصوص و دوشاخ غیر عادی بر سر حکاکی شده است. فصل چهارم به شرح مختصری از زندگی کوروش و بررسی عملکرد نظامی و رفتار اخلاقی و مذهبی او اختصاص یافته است. نویسنده در فصل پنجم، با معرفی سرزمین های فتح شده کوروش و اقوام مهاجم در این سرزمین ها، می کوشد اقوام مهاجم را با اقوام «یاجوج و ماجوج» مقایسه کند. در فصل ششم، نگارنده تلاش کرده با بررسی واژه کوروش و نظریاتی که در این باب مطرح شده، یگانگی شخصیت ذوالقرنین و کوروش را اثبات نماید. کتاب با تصاویری از آثار باستانی به پایان می رسد.

کلچین

۲۰۸- توهم توطئه: گفت و گو با دکتر زیبا کلام پیرامون علل تاریخی عقب ماندگی ایران. گردآورنده اردلان عطارپور، تهران: جستجو، ۱۳۷۸.

«توهم توطئه» گفت و شنودی است با صادق زیبا کلام درباره علل عقب ماندگی ایران. مباحثی که در این گفت و شنود مطرح شده بدین قرار است: «نقش بیگانگان و پادشاهان در عقب ماندگی ایران»؛ «تئوری توطئه (نقش عوامل توطئه گر و پنهان در عقب ماندگی)»؛ «دیدگاه مردم»؛ «اندیشمندان و حاکمان نسبت به تئوری توطئه»؛ «دلایل شکل گیری و قوت یافتن تئوری توطئه»؛ «نقش تحولات تاریخی»؛ «شرایط اقلیمی و جغرافیایی در عقب ماندگی» و مباحثی از این دست.

۲۰۹- تهران: جواهری در جاده ابریشم. تهران: طاهر، ۱۳۷۷.

مجموعه حاضر متشکل از صدها تصویر از تهران امروز است. عکس‌های حاضر مربوط به آثار تاریخی تا آخرین دستاوردهای زندگی شهرنشینی تهران است. مقدمه کتاب نیز درباره تاریخچه تهران و توضیحات تصاویر، به زبان انگلیسی است. این کتاب برای راهنمایی و استفاده ایرانگردان خارجی منتشر شده است.

۲۱۰- تیموری، ابراهیم. امپراطوری مغول و ایران: دوران فرمانروایی چنگیزخان و جانشینان او. تهران: دانشگاه تهران؛ مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۷.

مخاطبان این کتاب، با تاریخ سیاسی و شرح رویدادهای دوران فرمانروایی چنگیزخان و جانشینان او (تا زمان هولاکو) آشنا می‌شوند. کتاب ذیل ده فصل با این عناوین سامان یافته است: ۱- چنگیزخان و بنیانگذاری امپراطوری مغول؛ ۲- فتوحات چنگیزخان؛ ۳- خوارزمشاهیان، سلطان محمد خوارزمشاه و نقاط ضعف دولت او، اختلاف و افتراق در جهان اسلام؛ ۴- روابط خوارزمشاه و چنگیزخان، واقعه اترار و تیرگی روابط؛ ۵- تهاجم نیروهای مغول به ایران زمین، ویرانی و قتل و غارت شهرهای ماوراءالنهر و خراسان؛

چکیده کتابها

۶- شکست خوارزمشاه و مرگ او، اشغال سرزمین‌های ایران، تاخت و تاز مغولان در جنوب؛
۷- بازگشت چنگیزخان به مغولستان، سال‌های آخر زندگی خان مغول و مرگ او؛ ۸- اولوس چهارگانه چنگیزخان، اوگتای قآن طرفدار مسلمانان، تهاجم دوم مغول به ایران و اروپا؛
۹- گیوک، خان بزرگ؛ ۱۰- منگوقاآن. کتاب با سه ضمیمه همراه است: ۱- مسیحیت نسطوری و نقش آن؛ ۲- فرانسیسکن‌ها و دومینیکن‌ها؛ ۳- سفرنامه هتوم پادشاه ارمنستان به مغولستان. کتاب با فهرست منابع و مآخذ و فهرست اعلام به پایان می‌رسد.

۲۱۱- جبارلوی شبستری، بهرام. *دریاچه ارومیه (اشک طبیعت ایران)*. تهران: نقش مهر، ۱۳۷۸.

در این کتاب، مجموعه‌ای از پژوهش‌های جغرافیایی، زمین‌شناسی و زیست‌شناسی درباره دریاچه ارومیه و حوضه آن گرد آمده است. مخاطبان، کتاب را ذیل شش فصل با این عناوین مطالعه می‌کنند: ۱- کلیات (شامل: ویژگی‌های دریاچه ارومیه، نام‌های دریاچه، سکونت‌گاه‌های مهم حاشیه دریاچه، بنادر واسکله‌ها، آب و هوا و تاریخچه حفاظت از دریاچه ارومیه)؛ ۲- زمین‌شناسی دریاچه ارومیه؛ ۳- حوضه آبریز دریاچه ارومیه؛ ۴- آبشناسی دریاچه ارومیه؛ ۵- آرتمیای دریاچه ارومیه؛ ۶- جزایر دریاچه ارومیه (ویژگی‌های زیستی و غیرزیستی). مباحث یاد شده با تصاویر و جدول‌های متعددی همراه است. بخش پایانی کتاب به فهرست واژه‌های فارسی و انگلیسی اختصاص دارد.

۲۱۲- جمعی از نویسندگان. *انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن*. مقدمه مصطفی ملکوتیان، ویراستار عباس عبیری، قم: معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، ۱۳۷۷.

در این کتاب که به منظور تدریس در مقطع کارشناسی تهیه و تدوین شده ذیل ده فصل، عوامل، ویژگی‌ها، اهداف و دست‌آوردهای انقلاب اسلامی ایران بررسی و ارزیابی می‌شود.

کلچین

عناوین فصل‌ها از این قرار است: ۱- پیشینهٔ دین و حکومت در ایران؛ ۲- روشنفکران ایرانی و غرب؛ ۳- دو حرکت تاریخی تأثیرگذار پیشین؛ ۴- دوره پهلوی تا اوایل دهه چهل؛ ۵- نهضت امام خمینی از آغاز تا سال ۱۳۴۳؛ ۶- اوضاع ایران در دهه‌های چهل و پنجاه؛ ۷- نهضت امام خمینی از سال ۱۳۴۳ تا پیروزی انقلاب اسلامی؛ ۸- بررسی‌های نظری درباره انقلاب اسلامی؛ ۹- دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران؛ ۱۰- موانع رویاروی انقلاب اسلامی. متن کامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز فهرست منابع و مآخذ ضمیمه کتاب است.

۲۱۳- جوادی، غلامرضا. *دلیجان در آئینه ایران*. ویراستار حسین حاتمی، مشهد: شرکت به نشر، ۱۳۷۸.

در تحقیق حاضر، جنبه‌های مختلف جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهرستان «دلیجان» معرفی شده است. کتاب با کلیاتی درباره موقعیت و حدود جغرافیایی شهرستان دلیجان و وجه تسمیه آن آغاز می‌شود؛ سپس با این مباحث ادامه می‌یابد:

- ۱- جغرافیای طبیعی منطقه دلیجان؛ ۲- جغرافیای تاریخی دلیجان؛ ۳- جغرافیای انسانی دلیجان؛ ۴- اوضاع اقتصادی شهرستان دلیجان؛ ۵- نگاهی به جغرافیای روستایی دلیجان؛ ۶- آثار و بناهای تاریخی - مذهبی دلیجان؛ ۷- علما و شخصیت‌های مهم شهرستان دلیجان؛ ۸- آداب و رسوم شهرستان دلیجان. کتاب با فهرست‌ها، جدول‌ها، نمودارها و آمارهایی متناسب با مطالب همراه شده و با فهرست‌های گوناگون به پایان می‌رسد.

۲۱۴- چوبینه، سجاد. *حکمت نظری و عملی در شاهنامه فردوسی*. شیراز: نوید، ۱۳۷۷.

در این کتاب اندیشه و هنر فردوسی و تسلط او بر علوم مختلف زمان به ویژه کلام و فلسفه طی این عناوین ارزیابی شده است: «جهان‌بینی توحیدی»؛ «انسان‌شناسی»؛ «آیین نبرد و اخلاق جنگاوری»؛ «پندپذیری»؛ «ایرانیان»؛ «عزت و آزادی»؛ «بردباری»؛ «احترام به عرف» و مباحثی از این دست.

چکیده کتابها

۲۱۵- *چهره‌هایی در یک آینه (خاطرات اشرف پهلوی)*. مترجم هرمز عبداللهی، تهران: فرزانه روز، ۱۳۷۷.

نوشتار حاضر، خاطرات اشرف پهلوی است. او در طول زندگی خود در بسیاری از حوادث سیاسی و اجتماعی ایران، از شهریور ۱۳۲۰ تا انقلاب اسلامی نقشی مؤثر داشت. اشرف ضمن بیان خاطرات خود به روابطش با شاه سابق و دیگر اعضای خانواده پهلوی و دست‌اندرکاران امور سیاسی و اجتماعی کشور اشاره می‌کند. همچنین تصویری از رخداد‌های مهم این دوره به دست می‌دهد. کتاب از ۹ فصل با این عناوین تشکیل شده است: ۱- رضاخان؛ ۲- چهره‌هایی در یک آینه، ۳- عروسی‌ها؛ ۴- سال‌های جنگ؛ ۵- پلنگ سیاه؛ ۶- محمد مصدق؛ ۷- سفید سیار؛ ۸- آغاز یک پایان؛ ۹- تبعید. در صفحات پایانی، افزون بر یک پیوست، تصاویر متعددی از خاندان پهلوی و شماری از شخصیت‌های آن دوره به طبع رسیده است.

۲۱۶- حاتمی، حسن. *محرم در کازرون*. تهران: روزگار، ۱۳۷۸.

در این نوشتار، نخست، شهرستان کازرون و گذشته تاریخی، زیارتگاه‌ها، آیین‌ها و باورهای مردم این شهر به اجمال معرفی می‌شود، سپس نویسنده آداب و مراسم مردم این شهرستان را در ایام عزاداری ماه محرم توصیف می‌کند.

۲۱۷- حامدی اوغولبیک، علی اشرف. *وسایل ارتباط جمعی و توسعه روستایی*. ویراستار فرانک حامدی، تهران: به دید، ۱۳۷۸.

در تألیف حاضر، ضمن تشریح مسائل عمده توسعه روستایی در ایران، سعی شده نقش و کاربرد وسایل ارتباط جمعی در توسعه روستایی، همچنین تجربیات سایر کشورهای جهان در استفاده از آن بازگو شود. به همین منظور، نگارنده این عناوین را برای کتاب بر می‌گزیند: «کلیاتی درباره توسعه و توسعه روستایی»؛ «تاریخچه، ویژگی‌ها و نقش‌های وسایل ارتباط جمعی»؛ «نقش وسایل ارتباط جمعی در توسعه روستایی»؛ «استفاده از وسایل ارتباط جمعی در

کتابچین

توسعه روستایی کشورهای مختلف پنج قاره جهان» و «استفاده از وسایل ارتباط جمعی در توسعه روستایی ایران». در پایان هر فصل، علاوه بر خلاصه مطالب، زیرنویس‌ها و منابع مختلف آمده است.

۲۱۸- حسن بیگی، محمدرضا. *تهران قدیم*. تهران: منصوری، ۱۳۷۷.

در اثر حاضر، نویسنده - ضمن استفاده از عکس‌های فراوان از تهران قدیم - چهره این شهر و مشخصه‌های آن را، در دوران تحول از یک آبادی کوچک به شهری بزرگ ترسیم می‌کند. نگارنده جلوه‌های گوناگون حیات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این شهر را در دوران یاد شده و گاه در اعصار قدیم‌تر نشان داده است. در کتاب حاضر این مطالب را می‌خوانیم: «دروازه‌ها و محلات تهران»؛ «تهران به روایت بیگانگان (سیاحان)»؛ «توپخانه مرکز تهران»؛ «شمس‌العماره و ماجراهایش»؛ «ارگ سلطنتی و ویژگی‌هایش»؛ «گوشه‌هایی از زندگی اجتماعی مردم»؛ «پوشاک مردم در تهران قدیم»؛ «از کجاوه و پالکی تا ماشین دودی و اتومبیل»؛ «مدارس قدیمه تهران»؛ «طب و درمان در تهران قدیم»؛ «داستان روشنایی تهران»؛ «چگونگی ایجاد پست و پستخانه»؛ «استقرار نظم و ایجاد اداره نظمی»؛ «مجرمین و مجازات‌ها در تهران قدیم»؛ «ایجاد باغ وحش در تهران دیروز»؛ «قهوه‌خانه و قهوه‌خانه نشینی در تهران»؛ «سوگواری تهران نشین‌ها»؛ «دلقک‌های سرشناس پایتخت»؛ «تفریحات و سرگرمی‌های مردم»؛ «پیدایش و تکامل سینما در تهران»؛ «از بانک شاهنشاهی تا بانک ملی»؛ «وضعیت روزنامه و روزنامه‌نگاری»؛ «ورود دوربین عکاسی و فیلمبرداری به تهران»؛ «زنبورک و زنبورک‌خانه». شماری از تصاویر و فهرست منابع و مآخذ در صفحات پایانی آمده است.

۲۱۹- حسینی زاده، مهدی. *هنر در منظومه هستی*. تهران: سناء دل، ۱۳۷۸.

مجموعه حاضر مشتمل بر چهار فصل است: فصل اول حاوی یادداشت‌های مؤلف است که با عنوان «آنچه درباره هنر می‌اندیشم» به چاپ رسیده است. فصل دوم با عنوان «پدیده‌ها در

چکیده کتابها

پرتو هنر» به رابطه هنر و اخلاق، هنر و انقلاب، هنر و جنگ و نظایر آن مربوط می‌شود. فصل سوم با عنوان «هنر دانشوران» به هنر از دیدگاه شخصیت‌های دینی و همانند آن اختصاص یافته است و فصل چهارم درباره هنر در شعر پارسی است.

۲۲۰- حقیقت، عبدالرفیع. *تاریخ جنبش‌های مذهبی در ایران: از کهن‌ترین زمان تاریخی تا عصر حاضر*. تهران: کوشش، ۱۳۷۷، جلد چهارم.

کتاب حاضر، جلد چهارم از این مجموعه است که در آن، جنبش‌های مذهبی و آزادی خواهی ایرانیان در دوره قاجاریه، معرفی و ارزیابی می‌شود (سه جلد قبلی این کتاب مربوط به جنبش‌های مذهبی ایران در قرن‌های قبل از اسلام تا پایان قرن دوازدهم هجری است) بخشی از مطالب کتاب را با این عناوین می‌خوانیم: «اصول چهارگانه حدیث و روایت»، «سیاست مذهبی پادشاهان قاجار»، «دیدگاه‌های متفاوت مجتهدان دوره قاجاریه درباره حکومت»، «آغاز جنبش مشروطه خواهی ایرانیان»، «جنبش اهل حق (علی‌اللهی)»، «ظهور مذهب شیخیه»، «ظهور فرقه بابیه»، «فرقه ازلی (ازلیان)»، «ظهور فرقه بهایی»، «اسماعیلیان ایران در دوره قاجاریه»، «وضع مسیحیان و یهودیان ایران در دوره قاجاریه»، «ماجرای شورش سید عالمگیر»، «مجتهدان مذهب شیعه در دوره قاجاریه»، «مفسران قرآن در دوره قاجاریه و نمونه‌های اشعار مذهبی از دوره قاجاریه». در صفحات پایانی کتاب، فهرست مآخذ و فهرست اعلام آمده است.

۲۲۱- *حکایات شیرین ملانصرالدین*. گردآورنده فریدون جهانبانی، تهران: ارمغان، ۱۳۷۷.

اثر حاضر مجموعه‌ای است از حکایات و اندرزهای «نصرالدین خوجا» متخلص به «ملانصرالدین» یکی از طنزپردازان شرقی که در قرن هفتم هجری می‌زیسته است. در مجموعه حاضر این حکایت‌ها را می‌خوانیم: «نماز یک پا»، «موز خوردن ملا»، «ماسه شریکی»، «غیب‌گویی»، «گریه و خنده»، «شوخی کدخدا»، «ساعت ملا»، «این منم یا او» و... در یکی از حکایات می‌خوانیم ملا در حالت احتضار زنش را بر بالین خویش فرا خواند و گفت: خواهش

کلیپین

می‌کنم بهترین جامه‌هایت را بپوش و صورتت را نیز بیارای و در کنار من بنشین. زن ملا با حیرت به صورت شوهرش نگریست و گفت: در این حال زار چه جای آراستن است. آیا می‌خواهی نزد خلائق بد نام شوم و از مرگ شوی خود خوشحال جلوه کنم؟ ملا در همان حال بیماری لبخندی زد و گفت: نه زن عزیز! من می‌خواهم تو زیبا و آراسته باشی تا چنانچه عزرائیل برای گرفتن جان من آمد از تو خوشش بیاید و به جای من تو را با خود ببرد.

۲۲۲- حماسه ۱۹ دی قم. به اهتمام علی شیرخانی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.

در این کتاب، مجموعه مصاحبه‌هایی با شخصیت‌های دست‌اندرکار و شاهدان عینی قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ - به انضمام اسناد مربوط به آن واقعه - به چاپ رسیده است. مصاحبه شندگان عبارتند از: حجت‌الاسلام محمد مهدی اکبرزاده، دکتر غلامرضا باهر، محمود علی دست افکن، حجت‌الاسلام محسن رفیعی، محمد شجاعی، رضا صادقی، آیت‌اله سید حسن طاهری خرم‌آبادی، حجت‌الاسلام عبدالکریم عابدینی، حجت‌الاسلام سید ضیاء مرتضویان، آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، آیت‌الله سید حسین موسوی تبریزی، آیت‌الله محمد مؤمن، حجت‌الاسلام حسین وافی، آیت‌الله محمد یزدی و محمد حسن ظریفیان. ضمائم کتاب نیز بدین شرح است: متن مقاله احمد رشیدی مطلق، متن سخنرانی‌های روز ۱۸ و ۱۹ دی ۱۳۵۶، شهدای نوزده دی قم و زندگی‌نامه آنها، اعلامیه‌ها و سخنرانی‌ها و بیانات امام خمینی (ره) پس از فاجعه ۱۹ دی و متن نامه‌ها، اطلاعیه‌های گروهی از آیات عظام و روحانیون در ارتباط با قیام مذکور. در صفحات پایانی کتاب تصاویر اسناد مربوط به این قیام چاپ شده است. قیام ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶، که از آن به منزله «جرقه انقلاب» یاد می‌شود از قم آغاز شد. این قیام در پی اعتراض به چاپ توهین‌آمیز مقاله‌ای با امضای احمد رشیدی مطلق علیه امام خمینی (ره) و روحانیت به وقوع پیوست که منجر به شهادت پنج تن و زخمی شدن ده‌ها تن در قم گردید و به قیام در شهرهای دیگر تا پیروزی قطعی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ انجامید.

چکیده کتابها

۲۲۳- حنیف، محمد. *شناخت ایل بیران وند*. خرم آباد: پیغام، ۱۳۷۷.

نوشتار حاضر، پژوهشی است در باب ایل «بیران وند» از عشایر لرستان که ذیل دو بخش سامان یافته است. بخش اول به «تاریخ» این ایل اختصاص دارد و شامل این مباحث است: ۱- محدوده زندگی؛ ۲- خاستگاه؛ ۳- وجه تسمیه؛ ۴- تقسیمات ایلی؛ ۵- خوانین ایل بیران وند؛ ۶- نقش ایل بیران وند در تاریخ لرستان: الف. از کاسی‌ها تا اسلام، ب. از اسلام تا قاجاریه، ج. از آغامحمدخان قاجار تا ۱۳۱۲، ۷- ضمایم. در فصل دوم فرهنگ ایل «بیران وند» بررسی و ارزیابی می‌شود. مباحث این فصل عبارتند از: ۱- اخلاق و عادات؛ ۲- مسکن؛ ۳- پوشاک؛ ۴- گویش‌های زبان لری؛ ۵- درمان و گیاهان دارویی شفابخش؛ ۶- ادبیات و هنر؛ ۷- کارگزاران فرهنگ و هنر (دلی‌ها، تیتال‌چی‌ها، تیارت‌بازها، تعزیه‌گردان‌ها، نقال‌ها، داستان‌سرایان، کارگزاران نمایش جشن محصول، نوازندگان)؛ ۸- آیین‌های زندگی (تولد، ختنه‌سوران، عروسی، اعیاد، جنگ، مرگ، عزا)؛ ۹- آواهای کار (مشک‌زنی، شیردوشی، خرمنکوبی)؛ ۱۰- باورها؛ ۱۱- دیگر امور فرهنگی (فال شوشمکی، فال چل سرو، چیستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها، بازی‌ها)؛ ۱۲- منابع و مآخذ.

۲۲۴- حیدری، غلام. *فیلم‌شناخت ایران (فیلم‌شناسی سینمای ایران) ۱۳۵۱-۱۳۴۷*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸.

این مجموعه، شامل معرفی ۳۵۷ فیلم سینمایی ایران است که طی سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ به نمایش درآمده است. ذیل هر فیلم این اطلاعات مندرج است: نام فیلم، کارگردان، فیلم‌بردار، موسیقی، هنرپیشگان، مدت زمان فیلم، تهیه‌کننده، خلاصه‌ای از فیلم و تصویری از فیلم. ابتدای کتاب شامل فهرست و سال‌شمار فیلم و انتهای آن حاوی تصاویر و فهرست اعلام است.

۲۲۵- *خاطرات پرنس/رفع*. به اهتمام علی دهباشی، تهران: شهاب ثاقب؛ سخن، ۱۳۷۸.

کتاب حاضر، حاوی خاطرات «میرزا رضاخان» ملقب به ارفع‌الدوله است. او یکی از رجال

کتابین

اواخر عهد ناصری و دوره مظفرالدین شاه به شمار می‌آید که مناصب گوناگونی به ویژه نماینده سیاسی ایران در قفقاز، پطرز بورغ، اسلامبول و دیگر پایتخت‌ها را عهده‌دار بوده است. اثر حاضر ذیل پنج «کتاب» با این مطالب سامان یافته است: کتاب اول: «سرگذشته این بنده از روز تولد تا داخل شدن به خدمت دولت در ژنرال قونسولگری تفلیس و مدت اقامت در آنجا تا حرکت به تهران»؛ کتاب دوم: «مسافرت به خراسان و روسیه و مدت اقامت در تهران در زمان ناصرالدین شاه»؛ کتاب سوم: «مستشاری سفارت پطرز بورغ تا مراجعت از آنجا به جلفا و مسافرت به فرنگستان در التزام رکاب ناصرالدین شاه در سفر سیم»؛ کتاب چهارم: «ژنرال قونسولگری در قفقاز، سفارت پطرز بوزغ، سفارت کبری در اسلامبول»؛ کتاب پنجم: «خدمات مختلفه در ایران و خارجه» (مسافرت به اروپا و آمریکا بعد از سفارت در اسلامبول، وزارت عدلیه در تهران، سفر به اروپا و جامعه ملل). تعدادی عکس از پرنس ارفع و بستگان و سایر صاحب منصبان دوره قاجار ضمیمه کتاب است.

۲۲۶- **خاطرات و حکایت‌ها**. گردآورنده مؤسسه فرهنگی قدر ولایت. تهران: قدر ولایت، ۱۳۷۷، جلد اول.

در سلسله کتاب‌های **خاطرات و حکایت‌ها**، مجموعه‌ای از گفتارها، خاطرات و حکایات از زبان آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی گردآمده که طی آن گوشه‌هایی از تاریخ انقلاب بازگو شده است. در جلد اول از چاپ جدید این مجموعه، ۳۴ خاطره و حکایت به طبع رسیده است.

۲۲۷- **خاقانی، بدیل بن علی. آتش‌اندر جنگ: گزیده‌ای از دیوان خاقانی شروانی**. گردآورنده مهدی ماحوزی، تهران: سخن، ۱۳۷۷.

در مجموعه حاضر، برگزیده‌ای از اشعار خاقانی شروانی - به همراه شرح احوال و آثار او - ذیل این عنوان فراهم آمده است: «خاقانی را چگونه می‌توان شناخت»؛ «شرح قصیده بحتری»؛

چکیده کتابها

«شرح قصیده منطق الطیر»؛ «مقایسه خاقانی و چند شاعر بزرگ پس از او در عرصه غزل» و نوشته‌هایی از این قبیل. در این مجموعه برخی اشعار خاقانی در قالب غزل، قصیده، قطعه و رباعی گردآوری شده و در بخش پایانی نیز فهرست اعلام، توضیح واژگان مربوط به سفرهای او و فهرست منابع به چشم می‌خورد.

۲۲۸- خدایاری، ناصر. کریمی، علیرضا. *بررسی انقلاب اسلامی ایران*. تبریز: ۱۳۷۷.
در تحقیق حاضر، انقلاب اسلامی ایران و زمینه‌ها و علل بروز آن بررسی و تحلیل شده است. کتاب با مبحثی مقدماتی درباره اهمیت و ضرورت و هدف شناخت انقلاب اسلامی و موضوعات درخور شناخت آن، آغاز می‌گردد و با شش فصل ادامه می‌یابد: ۱- شروع نهضت (از نهضت تنباکو)؛ ۲- پیروزی نهضت (انقلاب مشروطه و نهضت‌های پس از آن شامل: میرزا کوچک خان، خیابانی، محمد تقی خان پسیان و تنگستانی‌ها و دشتستانی‌ها)؛ ۳- از کودتا تا کودتا (دوره استبداد رضا شاهی و نخست‌وزیری مصدق و نهضت ملی شدن نفت)؛ ۴- اصلاحات محمدرضا شاه و آغاز سقوط او (بررسی علل و زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و خارجی سقوط محمدرضا شاه)؛ ۵- مذهب و سقوط محمدرضا شاه؛ ۶- امام خمینی و پیروزی انقلاب اسلامی. صفحات پایانی به کتابنامه اختصاص دارد.

۲۲۹- خسروپناه، محمدحسین. *سازمان افسران حزب توده ایران ۱۳۲۳-۱۳۳۳*. تهران: شیرازه، ۱۳۷۷.

چگونگی تأسیس، عملکرد پرفراز و نشیب، نحوه فروپاشی سریع و به طور کلی تاریخچه سازمان افسران حزب توده ایران در فاصله سال‌های ۱۳۲۳ تا ۱۳۳۳ موضوعی است که در دوازدهمین شماره از «مجموعه تاریخ معاصر ایران» ذیل سه فصل تشریح و تحلیل شده است. فصل اول با عنوان: «از شهریور ۱۳۲۰ تا سقوط فرقه دموکرات آذربایجان» شامل این مباحث است: «فروپاشی دیکتاتوری رضاشاه و تأثیر آن بر ارتش ایران»؛ «حزب کبود، نهضت ملی و گروه رزم‌آرا»؛ «حزب توده ایران»؛ «تشکیلات نظامیان حزب توده ایران»؛ «قیام افسران

کلیچین

خراسان»، «سازمان نظامیان حزب توده و خودمختاری آذربایجان»؛ «انحلال سازمان نظامیان حزب توده ایران». مخاطبان در فصل دوم عملکرد سازمان افسران در دوران نهضت ملی شدن نفت را با این مباحث پی می‌گیرند: «گروه هشت نفره خسرو روزبه»؛ «اتلاف با حزب توده ایران»؛ «سازمان افسران حزب توده ایران»؛ «بحران ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و فرار رهبری حزب از زندان قصر»؛ «قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و نقش سازمان افسران»؛ «کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲»، در فصل سوم، که «از ۲۸ مرداد تا فروپاشی سازمان افسران» را در بر می‌گیرد این مباحث به چشم می‌خورد: «ستاد مقابله با کودتا»؛ «آموزش نظامی»؛ «تهیه سلاح و مهمات»؛ «خرابکاری در پادگان قلعه مرغی»؛ «ماجرای ناوبر»؛ «چگونگی شناسایی و تلاش سازمان افسران»؛ «عوامل فروپاشی». بخش پایانی کتاب به پنج ضمیمه «خاطرات سرگرد همایونی و متن دو اعلامیه و نمونه کاراکتریستیک و آیین نامه سازمان حزب توده» و سندها و تصاویر و فهرست اعلام اختصاص دارد.

۲۳۰- خلیل‌الله مقدم، احمد. *تاریخ جامع ملی شدن نفت*. تهران: علم، ۱۳۷۷.

کتاب حاضر، پژوهشی است درباره نهضت ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر مصدق که ضمن آن نویسنده رخدادها، شخصیت‌ها و تحولات مرتبط با این واقعه را براساس مشاهدات و خاطرات و مطالعات خود بازگو می‌کند. برخی مطالب کتاب از این قرار است: «امتیاز داری چیست؟»؛ «تقدیم قرارداد الحاقی نفت به مجلس شورای ملی»؛ «نطق تاریخی دکتر مصدق»؛ «جنگ نفت بین دولت و مجلس»؛ «نظریات گوناگون درباره قانون ملی شدن نفت»؛ «نخست وزیری دکتر مصدق»؛ «دکتر مصدق کیست؟»؛ «شکایت انگلیس به دادگاه بین‌المللی لاهه»؛ «نقش حزب توده در زمان حکومت مصدق»؛ «دادگاه لاهه و شورای امنیت»؛ «رویدادهای ۲۹ تیرماه ۱۳۳۱»؛ «پیروزی در دادگاه لاهه»؛ «ملی شدن شیلات»؛ «رودرویی مستقیم شاه و مصدق»؛ «سیاست روسیه و آمریکا در ایران»؛ «کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تجزیه و تحلیل کودتای ۲۸ مرداد».

چکیده کتابها

۲۳۱- خورسند، علی. *زندگی سیاسی حاج میرزا ابراهیم خان کلانتر (اعتمادالدوله)*. تهران: اوحدی، ۱۳۷۷.

در اثر حاضر زندگی نامه سیاسی حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله و نقش تاریخی او در تحولات و رویدادهای زمان با این عناوین بررسی و ارزیابی شده است: ۱- کریم خان زند و جانشینان او؛ ۲- شرح نسب و خانواده؛ ۳- نقش کلانتران در تاریخ؛ ۴- بستن شیراز بر روی لطفعلی خان؛ ۵- ارتباط با قاجاریه؛ ۶- میرزا ابراهیم خان در مقام صدارت عظمی؛ ۷- اقدامات حاج ابراهیم در دوران سلطنت فتحعلی شاه؛ ۸- روابط سیاسی ایران در عصر فتحعلی شاه؛ ۹- بازماندگان حاج ابراهیم اعتمادالدوله؛ ۱۰- علل انقراض ابراهیم اعتمادالدوله؛ ۱۱- دآوری ها و آرای مختلف درخصوص حاج ابراهیم اعتمادالدوله. کتاب با «شجره النسب خانوادگی حاج ابراهیم کلانتر» و «کتابنامه» به پایان می رسد.

۲۳۲- دانش پژوه، منوچهر. *شیراز: نگین درخشان در فرهنگ و تمدن ایران زمین*. تهران: میرمند، ۱۳۷۸.

کتاب «شیراز» سومین اثر از مجموعه «ایران شناسی» است که طی آن خوانندگان با نام های م. سلف شیراز، پیشینه تاریخی و حکومت های گوناگون آن مانند اتابکان فارس، خاندان بویه، دران کریم خان زند و قاجار تا دوران اخیر آشنا می شوند. علاوه بر آن، اطلاعاتی درباره باغ های شیراز، شاعران، مدارس قدیم، بناهای باستانی و ترانه های شیرازی در کتاب فراهم آمده است. در قسمت انتهایی کتاب تصاویر متعددی مربوط به شیراز، به چاپ رسیده است.

۲۳۳- درخشانی، جهانبخش. *آریایی ها و مهاجرت آنها، پیشینه و آثار این قوم در قرن های دوم و سوم قبل از میلاد*. تهران: نشر بین الملل پژوهش های ایرانی، ۱۳۷۷.

اثر حاضر پژوهشی است به زبان آلمانی درباره آریایی ها و مهاجرت آنها، نیز پیشینه و آثار این قوم در قرن های دوم و سوم قبل از میلاد که براساس یافته های تاریخی و باستانی در

آسیای میانه ذیل نه فصل با این عناوین سامان یافته است: ۱- مشکلات و معضلات؛ ۲- تئوری مهاجرت؛ ۳- قدیم‌ترین آثار از زبان‌های آریایی؛ ۴- آریایی‌ها در متون و باستان‌شناسی؛ ۵- جهان‌بینی آریایی‌ها و انتشار آن در ملت‌های دیگر مشرق زمین و آسیای؛ ۶- وجه تسمیه و اصل نام آریایی‌ها؛ ۷- نام ملل و سرزمین‌های آریاییان؛ ۸- تصویر زمانی؛ ۹- تصویر تاریخی. فهرست اسامی، علامت‌ها، نقشه‌های جغرافیایی و مطالبی دیگر ضمیمه کتاب است.

۲۳۴- درگاهی، محمود. *نقد شعر در ایران (بررسی شیوه‌های نقد ادبی در ایران از آغاز تا عصر جامی)*. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷.

تألیف حاضر تأملی است بر آراء، اندیشه‌ها و دیدگاه‌های ایرانیان در زمینه نقد شعر. در این اثر شیوه‌های نقد ادبی در ایران از آغاز تا عصر جامی ذیل چهار فصل بررسی شده است: «نگاهی به نقد شعر یونان باستان»؛ «نگاهی به نقد شعر عرب»؛ «نقد شعر در ایران» و «شیوه‌های نقد». مؤلف برخی مباحث و نظریات نوین نقد ادبی را به همراه مقولات آن، برای ارزیابی دوره‌های بعدی ادبیات به خصوص در سبک هندی به کار برده است.

۲۳۵- درویشیان، علی‌اشرف. *سی و دو سال مقاومت در زندان‌های شاه: خاطرات صفرخان (صفر قهرمانیان)*. تهران: نشر چشمه، ۱۳۷۸.

خاطرات صفرخان (صفر قهرمانیان) در سال‌های مبارزه با رژیم طاغوت، محتوای کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد که به صورت گفت و گو فراهم آمده است. نامبرده در سال ۱۳۰۰ در روستای شیشوان از روستاهای «عجب شیر» متولد شد و از سال ۱۳۲۱ به طور علنی مبارزه با زمین‌داران را آغاز کرد. در سال ۱۳۲۵ پس از شکست در مقابل نیروهای دولتی، به همراه عده‌ای از هم‌زمان به عراق گریخت. اما در سال ۱۳۲۷ به ایران بازگشت که در پی آن دستگیر شد و از اسفند ماه ۱۳۲۷ تا آبان ۱۳۵۷ در زندان به سر برد. قبل از آن از آذر ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۷ نیز حدود دو سال در زندان‌های عراق زندانی بوده است. برخی سرفصل‌های کتاب به این قرار

چکیده کتابها

است: «موقعیت جغرافیایی روستای شیشوان»، «زادگاه صفرخان»، «اوضاع سیاسی - اجتماعی در دوران کودکی صفرخان»، «پیدایش فرقه دموکرات آذربایجان»، «دوره اول دستگیری و زندان ۱۳۲۵-۱۳۳۷»، «حکم اعدام»، «ده ساله دوم زندان ۱۳۳۷-۱۳۴۷»، «زندان در برازجان»، «مرگ شریک زندگی صفرخان»، «ده ساله سوم زندان ۱۳۴۷-۱۳۵۷»، «آزادی، نخستین مصاحبه»، «گفتگو با علی پاینده از دوستان صفرخان». در پایان کتاب تصاویری از صفرخان به چاپ رسیده است.

۲۳۶- دریانورد، غلامحسین. *سیمای بندر گناوه در هفت آینه آمار، تاریخ و سفرنامه‌ها، اقتصاد، اثار، فرهنگ هنر و...* تهران: هیرمند، ۱۳۷۷.

اثر حاضر تحقیقی است در باب تاریخ و اوضاع جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بندر «گناوه» که مباحث آن ذیل هفت بخش با این عناوین سامان یافته است: ۱- گناوه در آینه آمار؛ ۲- گناوه در آینه تاریخ و سفرنامه‌ها؛ ۳- گناوه در آینه اقتصاد؛ ۴- گناوه در آینه اثار؛ ۵- گناوه در آینه فرهنگ، هنر، ادبیات و ورزش؛ ۶- گناوه در آینه فرهنگ مردم؛ ۷- گناوه در آینه شعر «بندری‌ها». فهرست اعلام و منابع و مآخذ، صفحات پایانی کتاب را به خود اختصاص داده‌اند.

۲۳۷- دفتر ادبیات انقلاب اسلامی. *روزشمار انقلاب اسلامی (۱۳۵۷/۱/۱ تا ۱۳۵۷/۳/۳۱)*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۷۷، جلد سوم.

کتاب حاضر جلد سوم از *روزشمار انقلاب اسلامی* و مشتمل بر خلاصه حوادث و اخبار انقلاب در بهار ۱۳۵۷ است. کتاب با مقدمه‌ای کوتاه درباره اوضاع سیاسی ایران در سال ۱۳۵۷ آغاز می‌گردد، آنگاه اخبار و رویدادهای روزانه با تحلیلی از آن به ترتیب روزها ارائه می‌شود. منابع و مآخذ و توضیحات مربوط به اخبار هر روز، در پایان مطالب همان روز آمده است. مباحث یاد شده با تصاویر گوناگونی از شخصیت‌ها، رویدادها و روزنامه‌های دوران مورد بحث همراه است، در صفحات پایانی فهرست اعلام آمده است.

کتابچین

۲۳۸- دفتر نشر دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام. *بررسی و تحلیل مسائل انرژی در ایران*. تهران: دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۷۷.

در این کتاب کوشش شده، مراحل مختلف بخش انرژی در کشور، از مرحله تولید و عرضه تا مصرف نهایی انرژی، همچنین متغیرهای اساسی مرتبط با آن بررسی و تحلیل شود. عناوین مهم‌ترین سرفصل‌های کتاب به این شرح است: «بررسی تقاضای انرژی کشور طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۶۷»؛ «صادرات و واردات انرژی در ایران»؛ «قوانین و استانداردهای انرژی»؛ «مدیریت انرژی و بهره‌وری» و «بررسی بخش انرژی در برنامه‌های اول و دوم توسعه».

۲۳۹- دلیری مالوانی، ابراهیم. *تاریخ ادبیات ایران: شرح زندگی و آثار شاعران و دانشمندان دوره صفویه*. قم: ۱۳۷۷، جلد سوم.

نگارنده در جلد سوم تاریخ ادبیات ایران که مربوط به دوره صفویه است، بر آن است به رغم برخی تاریخ‌نویسان معاصر جنبه‌های مثبت تاریخ و ادبیات این دوره را یادآور شود. کتاب حاضر شامل فصل پانزدهم و فصل شانزدهم این مجموعه است، با مباحثی از این قبیل: «وضع عمومی ادبیات فارسی در دوره صفویه»؛ «سبک شعر در دوره صفوی و ویژگی‌های آن»؛ «معرفی بزرگترین شاعران پارسی‌گوی در دوره صفویه همانند: «اهلی شیرازی»، «فضولی بغدادی»، «وحشی بافقی»، «محتشم کاشانی»، «عرفی شیرازی»، «فیضی دکنی»، «نظیری نیشابوری»، «زلالی خوانساری»، «طالب آملی»، «کلیم کاشانی»، «غنی کشمیری»، «صائب تبریزی» و «بیدل دهلوی». فصل شانزدهم با موضوع «سیر حکمت در عصر صفوی و حکیمان بزرگ آن عصر» تدوین شده است. مباحث پایانی کتاب مربوط به تذکره‌ها و فرهنگ‌نویسی در عهد صفویه است.

۲۴۰- دمندان، پریسا (نفیسی). *چهره‌نگاران اصفهان (کوشه‌ای از تاریخ عکاسی ایران)*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸.

در این مجموعه طی هفت فصل، روند عکاسی در اصفهان از آغاز تا امروز بررسی و تبیین

چکیده کتابها

شده است. فصل اول، حاوی عکس‌های تاریخی از مکتب اصفهان است. در فصل دوم، عکاسان مکتب اصفهان معرفی شده‌اند. در فصل‌های سوم و چهارم مخاطبان با نخستین واردکنندگان مواد و وسایل عکاسی به اصفهان، همچنین «ارنست هولستر» عکاس آلمانی و آثار به جای مانده از او آشنا می‌شوند. در فصل‌های پنجم و ششم، نمونه‌هایی از عکس‌های ظل‌السلطان و نامه‌های خصوصی میرزا مهدی‌خان چهره‌نما به طبع رسیده است. فصل پایانی به معرفی تشکیلات صنفی عکاسان اصفهان از گذشته تا حال اختصاص دارد.

۲۴۱- ذاکر حسین، عبدالرحیم، *ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت*. تهران: نشر علم، ۱۳۷۷، ۴ جلد.

تدوین حاضر در بردارنده تاریخ ادبی - سیاسی هفتاد و دو ساله ایران از استقرار نظام مشروطیت تا پایان آن عصر است. مؤلف در این اثر سرودهایی گردآورده که بیانگر رویدادهای سیاسی یا طنز و لطیفه‌ای از اوضاع اجتماع است. در کتاب حاضر، عصر مشروطیت به چهار مرحله زمانی تقسیم گردیده که عنوان هر یک از مجلدهای کتاب را نیز تشکیل می‌دهد ۱- از استقرار مشروطیت تا خلع قاجار؛ ۲- دوران بازگشت به حکومت فردی؛ ۳- دوران تفوق و برتری جنبش‌های ملی؛ ۴- از کودتای ۲۸ مرداد تا پیروزی انقلاب اسلامی. عناوین کتاب ذیل بیست و چهار فصل تنظیم شده که قسمتی از آنها بدین قرار است: «دوره اول مجلس شورای ملی»؛ «فتوحات و پیروزی آزادیخواهان»؛ «شاعر ادیب و توانا در زندان»؛ «سرودهای سیاسی»؛ «فتوت بین مجلس اول و مجلس دوم»؛ «اسامی نمایندگان دوره هجدهم تا بیست و چهارم»؛ «مقایسه اوضاع سیاسی کشور». در پایان کتاب فهرست منابع مورد استفاده فراهم آمده است.

۲۴۲- ذکاوتی قراگزلو، علیرضا، *عمر خیام نیشابوری: حکیم و شاعر*. ویراستار محمد سید اخلاقی، تهران: طرح نو، ۱۳۷۷.

عمر خیام یکی دیگر از سلسله آثار «طرح نو» است که نویسنده در آن سعی دارد تصویری

روشن از افکار خیام ترسیم سازد. مؤلف این اثر - با اشاره به زمانه خیام و اوضاع فرهنگی و اجتماعی دوران او - در واقع بنیاد عقل‌گرایی و اعتقادات خیام را به مدد منابع معتبر دنبال می‌کند. وی با این استدلال که چهره فلسفی و کلامی خیام مهجور مانده بر آن است با برجسته کردن خیام فیلسوف و متکلم در مقابل خیام ریاضی‌دان و شاعر ابعاد تازه‌ای از عقاید او مطرح نماید. در پایان کتاب، براساس آرای کلامی و فلسفی خیام، گزینشی از رباعیات خیام صورت گرفته است. تألیف حاضر با این عناوین نظام یافته است: «آیا خیام حکیم ریاضی‌دان، همان خیام شاعر است؟»، «خیام میان حقیقت و افسانه»، «با فیلسوفان و متکلمان اسلامی»، «گذری بر رسالات فلسفی خیام»، «پیوست انتقادی»، «رباعیات خیام میان فلسفه و کلام»، «نقد خارجی و داخلی رباعیات خیام»، «گزیده رباعیات». در بخش انتهایی کتاب، کتابنامه، آیات، احادیث و عبارات عربی کتاب، همچنین نمایه به طبع رسیده است.

۲۴۳- رازورزی در آیین زرتشت (عرفان زرتشتی). گردآورنده شیوا کاویانی، تهران: ققنوس، ۱۳۷۷.

آن چه در این نوشتار فراهم آمده دیدگاه‌های دو دانشمند زرتشت‌شناس و ایران‌شناس به نام‌های «جیمز. آر. راسل» و «شائول شاکد» است که طی آن مبحث رازورزی و دانش نهانی، همچنین گرایش‌های نهانی (رازورزانه) در آیین زرتشت، به تفصیل بررسی و ارزیابی شده است. افزون بر آن از آیین‌های رازورز و عرفان جهان و ایران سخن به میان آمده است.

۲۴۴- راهگانی، روح‌انگیز. تاریخ موسیقی ایران. ویراستار حسن شکاری، تهران: پیشرو، ۱۳۷۸.

در این کتاب سیر تاریخی، پیدایش و تحول موسیقی ایران طی سه دوره مختلف بررسی شده است، دوره اول با عنوان «عصر باستان» به موسیقی در عصر مادها، هخامنشیان، سلوکیه، اشکانیان و ساسانیان، اختصاص دارد. دوره دوم با عنوان «دوره بعد از اسلام (از قرن اول تا نهم

چکیده کتابها

هجری)» مشتمل است بر موسیقی در دوره اسلامی، دوره خلفای راشدین، عباسیان، ایران در سده‌های سوم و چهارم هجری (طاهریان، صفاریان، سامانیان، آل زیار، آل بویه)، ایران در قرن پنجم و ششم هجری (غزنویان و سلجوقیان)، مغول، تیموریان. دوره سوم تحت عنوان «دوره صفویه تاکنون» شامل موسیقی در عصر صفویه، قاجاریه و دوره پهلوی است. نگارنده در قسمت پایانی کتاب مبحثی را به موسیقی‌های محلی (فولکلور) ایران اختصاص داده که طی آن انواع موسیقی‌های محلی نواحی مختلف ایران را معرفی کرده است.

۲۴۵- *راهنمای تمبرهای ایران: قاجار - پهلوی - جمهوری اسلامی ایران*. تهیه و تنظیم فریدون نوین فرح‌بخش، تهران: مهر، ۱۳۷۷.

در مجموعه حاضر ۲۸۲۲ تمبر ایران به ترتیب تاریخ چاپ، از دوره حکومت قاجاریه یعنی سال ۱۲۴۷ شمسی تا سال ۱۳۷۷ تنظیم و معرفی شده است. ذیل هر تمبر علاوه بر تصویر اطلاعاتی از قبیل تاریخ و سال تمبر، مناسبت چاپ تمبر، اندازه تمبر، تیراژ، قیمت، رنگ، ارزش سری و دندانه به زبان فارسی و انگلیسی درج شده است.

۲۴۶- رجب زاده، هاشم. *خواجہ رشیدالدین فضل‌الله*. ویراستار محمد سید اخلاقی، تهران: طرح نو، ۱۳۷۸.

در مجلد حاضر از مجموعه «بنیانگذاران فرهنگ امروز» پژوهنده، احوال و آثار رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر ایرانی و دانشمند عهد ایلخانان مغول را در متن دوره تاریخی حیاتش بررسی کرده است عناوین تعدادی از فصل‌های بیست‌گانه کتاب بدین قرار است: «مقام وزارت - وضع و موقع آن»؛ «احوال رشیدالدین فضل‌الله»؛ «دارایی و درآمد رشیدالدین فضل‌الله»؛ «دین و اعتقاد مذهبی رشیدالدین فضل‌الله»؛ «خصوصیت اسلامی و ایرانی»؛ «اندیشه سیاسی رشیدالدین»؛ «مفهوم ایرانی حکومت و سلطنت»؛ «تدابیر حکومتی و اصلاحی رشیدالدین»؛ «ماهیت و هدف سیاست و اصلاحات رشیدالدین»؛ «رشیدالدین و جامع التواریخ»؛ «نوشته‌های

کتاب‌ها

علمی و ادبی رشیدالدین» و «مقام علمی رشیدالدین فضل‌الله». مباحث کتاب با فهرست منابع و نمایه، خاتمه می‌یابد.

۲۴۷- رحمت‌نژاد، حسین. *ضرب‌المثل‌های ایرانی شامل: ۱۹۹۹ ضرب‌المثل ایرانی و ۱۹۹۹ معادل و راهنما*. تهران: شقایق، ۱۳۷۸.

۲۴۸- رضازاده ملک، رحیم. *بلور کلام فردوسی*. تهران: فکر روز؛ کلبه، ۱۳۷۸.

کتاب متضمن هفت مقاله است که در آن سعی شده ابیات و قطعه‌هایی از شاهنامه که دست خورده و مخدوش به نظر می‌آمده، سامان داده شود. مقالات مذکور که در واقع نوعی تصحیح انتقادی بخش‌هایی از شاهنامه به شمار می‌آید با این عناوین نظام یافته است: «طبقات اجتماعی دوران ساسانی»؛ «تأسیس نوروز جمشیدی»؛ «چو اردیبهشت آفتاب از بره»؛ «سیمرغ و سیندخت»؛ «زن بارگی بهرام گور»؛ «شمار ابیات شاهنامه»؛ «گهبد». (در این بخش، نگارنده با ذکر شواهد و نمونه‌هایی چند، گهبد یا گاهبذ را کسی می‌داند که گاهنامه‌ای در اختیار داشته و مسئول تعیین مراتب افراد در نظام طبقاتی بوده است). فهرست واژگان متن و فهرست منابع در انتهای کتاب به چاپ رسیده است.

۲۴۹- رضازاده ملک، رحیم. *عمر خیام (قافله سالار دانش)*. تهران: صدای معاصر؛ علم و هنر، ۱۳۷۷.

در این کتاب مجموعه رسائل علمی، فلسفی و ادبی حکیم عمر خیام به همراه شرح احوال و سوانح زندگی او ذیل ده فصل فراهم آمده است. در اثر حاضر تشخیص رباعیات خیام از حیث «اصیل»، «منسوب» و «صحت و سقم» به اجمال بررسی شده است. تأسیس و ترتیب تقویم جلالی از دیگر مطالب کتاب است که خیام بدان اهتمام ورزید. در بخش پایانی فهرست منابع و مآخذ و دو پیوست آمده‌اند. در پیوست نخست تحقیقات جدید در احوال عمر خیام و در پیوست دوم سیاهه نوشته‌های فارسی درباره خیام به طبع رسیده است.

چکیده کتابها

۲۵۰- رضایی، عبدالعظیم. *پیشینه ایرانیان: از باستان تا انقراض ساسانیان*. ویراستار عباس ایمانی، تهران: در، ۱۳۷۸، ۲ جلد.

در مجموعه دو جلدی حاضر، تاریخ سیاسی ایران، از دوران اساطیری و کهن تا عصر قاجار و واقعه مشروطیت، به گونه مختصر در سی و سه فصل شرح و بررسی شده است. عناوین پاره‌ای از سرفصل‌های کتاب چنین است: «جغرافیای تاریخی ایران باستان»؛ «ساکنان آغازین فلات ایران»؛ «اهریمن و اهورامزدا در میان ایرانیان»؛ «ایرانیان نخستین یا پهلویان»؛ «مهابادیان آغازین شاهان ایران»؛ «پیشدادیان»؛ «کیانیان»؛ «پیدایش و سرگذشت زرتشت»؛ «مادها»؛ «سلسله هخامنشی»؛ «جانشینان اسکندر در ایران» (سلوکیان)؛ «پارت‌ها یا پهلویان»؛ «ساسانیان»؛ «خیزش مسلمانان»؛ «خروج ایران از زیر نفوذ عرب‌ها»؛ «طاهریان و علویان»؛ «صفاریان و نژاد و نسب آنها»؛ «سامانیان»؛ «آل بویه و دیلمیان» و «غزنویان».

۲۵۱- رضوانی گیل کلانثی، مجتبی. *پویش انسان در جغرافیا (مطالعه موردی ایل خزل)* تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷.

در این پژوهش، ویژگی‌های اجتماعی و جغرافیای انسانی و اقتصادی ایل «خزل» در استان ایلام بررسی و تشریح شده است. این پژوهش که به گونه میدانی فراهم آمده، ذیل چهار فصل سامان یافته است. فصل اول حاوی کلیات جغرافیایی و طبیعی منطقه است. در فصل دوم ویژگی‌های انسانی زندگی ایلی به طور کلی و ایل خزل به طور اخص بررسی می‌شود. فصل سوم درباره ویژگی‌های اقتصادی ایل «خزل» است و در فصل چهارم پژوهنده راهبردهایی برای توسعه ایل «خزل» به دست داده است. مطالب یاد شده با تصاویر و جدول‌های متعددی همراه است و در صفحات پایانی کتاب منابع و مآخذ آن مندرج است.

۲۵۲- رنجبر، احمد. *ده مقاله (اجتماعیات در ادبیات)*. تهران: اساطیر، ۱۳۷۷.

کتاب حاضر حاوی ده مقاله است که طی آن مخاطبان با وضعیت اجتماعی ایران در دوره

کاجین

حیات هشت تن از بزرگان علم و ادب - حافظ، فردوسی، فرخی، عطار، عشقی، خواجو، پروین اعتصامی و سعدی - آشنا می‌شوند. عناوین مقاله‌ها بدین قرار است: «مروری بر نکات عرفانی اجتماعی آثار فخرالدین عراقی»؛ «مددکاری اجتماعی از دید سعدی»؛ «برخی نکات اجتماعی در دیوان اشعار پروین اعتصامی»؛ «اجتماعیات در اشعار فرخی»؛ «عشقی و مسائل اجتماعی»؛ «مسائل اجتماعی در اشعار خواجوی کرمانی»؛ «مددکاری در دیوان حافظ»؛ «مددکاری اجتماعی در منطق الطیر عطار نیشابوری»؛ «اشاره‌ای به مسائل اجتماعی و سیاسی در خمسه نظامی» و «مسائل فرهنگی در شاهنامه فردوسی».

۲۵۳- روزنامه خاطرات عین السلطنه: روزگار نیابت سلطنت عضدالملک قاجار. به اهتمام

مسعود میرزا سالور؛ ایرج افشار، تهران: اساطیر، ۱۳۷۷، جلد چهارم.

این کتاب چهارمین مجلد از خاطرات قهرمان میرزا عین السلطنه مشتمل بر وقایع روزانه ایران در روزگار نیابت سلطنت علیرضاخان عضدالملک قاجار است. کتاب براساس تقسیم‌بندی زمانی از چهار بخش تشکیل شده است: ۱- از ۲۸ جمادی الثانیه تا ۳ رمضان ۱۳۲۷ق؛ ۲- از ۱۴ رمضان ۱۳۲۷ق. تا ۸ ذی‌الحجه ۱۳۲۷ق؛ ۳- روزنامه سفر قزوین: ۱۱ ذی‌الحجه ۱۳۲۷ق. - ۱۶ محرم ۱۳۲۸ق؛ ۴- روزنامه اقامت الموت: ۲۱ محرم ۱۳۲۸ق. - ۱۶ شوال ۱۳۲۸ق. عین السلطنه هنگام نگارش این بخش از کتاب، در ناحیه الموت اقامت داشته، از این رو، افزون بر شرح وقایع یاد شده از آداب و رسوم مردم حوالی الموت نیز سخن گفته است. کتاب با تصاویری از رجال سیاسی دوره قاجار و مشروطه، نیز پاره‌ای اسناد و مکاتبات همراه است.

۲۵۴- روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر اول فرنگستان. به اهتمام فاطمه قاضیها،

تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۷.

در کتاب حاضر خاطرات سفر اول ناصرالدین شاه به فرنگستان به چاپ رسیده است.

چکیده کتابها

ناصرالدین شاه همزمان با بیست و ششمین سال سلطنتش، از طریق انزلی با کشتی به قفقاز و روسیه رفت؛ سپس به ترتیب به آلمان، بلژیک، انگلستان، فرانسه، سوئیس، ایتالیا، اتریش و عثمانی سفر کرد. سرانجام از راه قفقاز به انزلی آمد و از آنجا به تهران بازگشت. وی خاطرات خود را در سوم شعبان ۱۲۹۰ قمری در تهران به اتمام رساند. در این کتاب، تصاویری از اسناد، شخصیت‌ها و مکان‌های ذکر شده به طبع رسیده است.

۲۵۵- زرشناس، شهریار. *اشارات در باره لیبرالیسم در ایران*. تهران: کیهان، ۱۳۷۸.

مؤلف کتاب، ابتدا به اجمال از مفاهیم و مبانی فلسفی لیبرالیسم و سیر تحولات تاریخی آن سخن به میان می‌آورد؛ سپس برخی اندیشمندان این مکتب به اختصار معرفی می‌شوند. در پی آن مؤلف با شرح روند شکل‌گیری لیبرالیسم در ایران تفکرات و اندیشه‌های برخی افراد و تشکل‌های لیبرالی را بررسی و ارزیابی می‌کند، از جمله «زین‌العابدین مراغه‌ای»؛ «میرزا ملکم خان»؛ «تشکل‌های لیبرالی دوران مشروطیت»؛ «تشکل‌های لیبرالی دوره پهلوی: حزب ایران»؛ «پیدایش جبهه ملی»؛ «جبهه ملی و آمریکا»؛ «مظفر بقایی و حزب رنجبران»؛ «پوزیتویسم دینی» و «محافظه کاران».

۲۵۶- زعیم، کوروش. *جبهه ملی ایران از پیدایش تا کودتای ۲۸ مرداد*. با همکاری علی اردلان، نویسرکان: تاح، تهران: ایران مهر، ۱۳۷۸.

مخاطبان این کتاب با تاریخچه و سرگذشت جبهه ملی ایران، مبارزات سیاسی دکتر محمد مصدق و نهضت ملی، نیز جنبش ملی شدن نفت ایران آشنا می‌شوند. به عبارت دیگر، در این کتاب رویدادهای سیاسی ایران از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بررسی و تشریح می‌گردد. برخی سرفصل‌های کتاب عبارتند از: «مجلس چهاردهم»؛ «بحران نفت»؛ «پیدایش جبهه ملی ایران»؛ «مجلس شانزدهم»؛ «ترکیب جبهه ملی ایران»؛ «مصدق در مجلس شورای ملی»؛ «نخستین دولت جبهه ملی»؛ «فراکسیون نهضت ملی»؛ «کودتای ۲۸ مرداد» و «آخرین دفاع دکتر مصدق در دادگاه نظامی».

۲۵۷- زمانی، کریم. *شرح جامع مثنوی معنوی*. تهران: اطلاعات، ۱۳۷۸، جلد ششم.

این کتاب دفتر ششم مثنوی معنوی است که با شرح کامل ابیات همراه شده و با چاپ این جلد مجموعه شرح شش دفتر با اهتمام «کریم زمانی» پایان می‌یابد. علاوه بر شرح ابیات، واژه‌های دشوار نیز در پاورقی شرح و معنی شده است. «حکایت آن صیادی که خویشتن در گیاه پیچیده بود»؛ «حکایت امیرترک و مطرب»؛ «قصه شاعر و شیعه حلب»؛ «قصه هلال»؛ «حکایت صدر جهان بخارا و فقیه»؛ «حکایت آن دو برادر یکی کوسه و یکی امرد»؛ «حکایت امروالقیس و گریختن او از ملک و فرزند خویش»؛ از جمله حکایات و قصه‌هایی است که در این دفتر شرح و تفسیر می‌شود. فهرست اصطلاحات و کلید واژه‌ها و فهرست منابع و مآخذ در صفحات انتهایی کتاب به چاپ رسیده است.

۲۵۸- زمرشیدی، حسین. *نقش آجر و کاشی در نمای مدارس*. ویراستار محمد

سید اخلاقی، تهران: زمر، ۱۳۷۸.

در این مجموعه، تصاویری از قوس‌ها و نقوش اجرایی گوناگون مربوط به معماری سنتی و اسلامی گرد آمده است. افزون بر آن مخاطبان با چگونگی ترسیم قوس‌ها و نحوه اجرای پلان‌ها آشنا می‌شوند. در این کتاب، همچنین تصاویر متعددی از قاب‌بندی‌ها، مساجد و مدارس دوره‌های مختلف به طبع رسیده است. ذیل تصاویر یاد شده، توضیحاتی درباره نوع معماری، ابعاد، مصالح و نظایر آن مندرج است.

۲۵۹- سبحانی، جلال. *صید دل: گفتاری درباره زیباییشناسی حافظ*. ویراستار ابراهیم

احمدیان، تهران: جلال سبحانی، ۱۳۷۷.

نویسنده در کتاب حاضر نظری گذرا بر نقش تربیتی و هدایتی بزرگان مکتب عرفان دارد. در این اثر، زیبایی کلام حافظ ذیل دو بخش ارزیابی می‌شود. در بخش نخست از تأثیر زیبایی در جهان‌بینی حافظ سخن به میان می‌آید. در بخش دوم تأثیر زیبایی در سلوک عملی و رفتاری

چکیده کتاب‌ها

حافظ بررسی می‌گردد. برخی دیگر از موضوعات کتاب چنین است: «درجات زیباشناسی افراد»؛ «راز مقبولیت فراگیر حافظ»؛ «معشوق حافظ در زیبایی مطلق است و بی‌همتا»؛ «عشق خداوند به خود»؛ «دل به عشق مجازی نسپردن» و «پاسبانی از حرم دل». در خاتمه، یادداشت‌ها، منابع و فهرست کسان و کتاب‌ها فراهم آمده است.

۲۶۰- سبزواری، هادی بن محمد. *شرح مثنوی حاج ملا هادی سبزواری: دفتر پنجم و دفتر ششم*. به اهتمام مصطفی بروجردی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۷، جلد سوم.

این کتاب جلد سوم از شرح مثنوی و شامل شرح دفتر پنجم و ششم مثنوی مولوی است که آن را حکیم سبزواری به رشته تحریر در آورده است. حاج ملا هادی سبزواری در شرح ابیات مثنوی، معانی برخی واژگان را آورده، همچنین ابیاتی را نیز مطابق مشرب فکری خود تاویل نموده است. حکیم در تفسیر ابیات از آیات و احادیث متعدد بهره فراوان برده است.

۲۶۱- سپهر، محمدتقی. *ناسخ التواریخ: تاریخ قاجاریه*. به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: اساطیر، ۱۳۷۷، ۳ جلد.

ناسخ التواریخ مجموعه‌ای است سه جلدی در باب تاریخ قاجار، اثر مورخ نامی میرزا محمدتقی مستوفی، ملقب به لسان‌الملک و متخلص به سپهر. وی این مجموعه را در سال ۱۲۵۸ ه.ق. به دستور محمدشاه و تشویق و ترغیب حاجی میرزا آقاسی، نگاشته است. «سپهر» کتاب اول تاریخ قاجاریه را در دو جلد تألیف کرد: جلد اول، وقایع دوره قاجاریه از آغاز تا پایان سلطنت فتحعلی شاه قاجار را در بردارد. «اصل و نسب قاجاریه»؛ «چگونگی به قدرت رسیدن قاجاریه»؛ «ظهور آغامحمدخان قاجار و تأسیس سلسله قاجار» و «سلطنت فتحعلی شاه قاجار» مباحث این مجلد است. در جلد دوم «شرح سلطنت محمد شاه قاجار از سال ۱۲۵۰ تا مرگ وی - ۱۲۶۴ ه.ق.» آمده است. سپهر در عهد ناصرالدین شاه نیز مامور شد جلد

سوم (کتاب دوم) *ناسخ التواریخ* را تألیف کند. این جلد شرحی است از «وقایع سلطنت ناصرالدین شاه قاجار از سال ۱۲۶۴ هنگام جلوس به تخت سلطنت تا سال ۱۲۷۴ ه.ق.» جلد اول با مقدمه‌ای از مصحح همراه است که طی آن از لسان الملک سپهر و اثر او، همچنین چاپ‌های مختلف و تصحیح حاضر سخن به میان آمده است. گفتنی است نیمی از حجم جلد سوم به نمایه اختصاص یافته است.

۲۶۲- سجادی، محمدکاظم. *راهنمای مسافران همدان*. تهران: دانشجو، ۱۳۷۸.

در این نوشتار به گونه‌ای مختصر اطلاعات مورد نیاز مسافران به شهر و استان همدان فراهم آمده است: از آن جمله «موقعیت طبیعی و جغرافیایی»، «جاذبه‌های باستانی و تاریخی و مذهبی»، «بازار»، «محلات قدیمی و گردشگاه‌ها و مناظر طبیعی». بخش پایانی این راهنما به فهرست نیازمندی‌های مسافران مانند مراکز اقامتی، خدماتی، تعمیرگاه‌ها، برخی ادارات و نظایر آن اختصاص دارد.

۲۶۳- سرکاراتی، بهمن. *سایه‌های شکار شده: گزیده مقالات فارسی*. تهران: قطره، ۱۳۷۸.

سایه‌های شکار شده مجموعه‌ای است از مقالات فارسی درباره اسطوره‌شناسی و واژه‌های حماسی و تاریخی در ادبیات کلاسیک ایران. عنوان برخی مقاله‌ها بدین قرار است: «پری (تحقیق در حاشیه اسطوره شناسی تطبیقی)»، «بنیان اساطیری حماسه ملی ایران»، «جایابی اساطیر در شاهنامه»، «افسانه آب حیات در اسکندرنامه نظامی و روایات دیگر داستان اسکندر»، «سلاح مخصوص پهلوانان در روایات حماسی هند و اروپایی»، «پهلوان اژدرکش در اساطیر و حماسه ایران».

۲۶۴- سعدی، ایرج. *تاریخ نمایش در ملایر*. ویراستار مریم سعدی، تهران: علم گستر،

۱۳۷۸.

مخاطبان این کتاب با سیر تاریخی نمایش در شهرستان ملایر آشنا می‌شوند. کتاب با

چکیده کتابها

مطالبی درباره تاریخ ملایر و آثار بناهای باستانی این شهر آغاز می‌شود؛ سپس با استناد به منابع متعدد، روند تاریخی اجرای مراسم نیایشی، نمایشی، اجرای خرده نمایش‌ها و شیوه‌های نمایشی در ملایر بیان می‌گردد. بخشی از کتاب به بررسی و ارزیابی وضعیت تئاتر و نمایش ملایر در قبل و بعد از انقلاب اختصاص دارد. کتاب با تصاویر متعددی همراه است.

۲۶۵- سعیدیان، عبدالحسین. *سرزمین و مردم ایران*. تهران: علم و زندگی، ۱۳۷۸.

آن چه در این مجموعه به طبع رسیده مقالات و نوشتارهای متعددی است که طی آن جنبه‌های گوناگون کشور و مردم ایران بازگو شده است. این مطالب که از منابع مختلف استخراج شده با تصاویر و نقشه‌ها و جداولی چند همراه است. برخی موضوعات کتاب عبارتند از: «سیمای طبیعی ایران»؛ «چهره جغرافیایی ایران»؛ «دیدنی‌های ایران»؛ «زیبایی‌های طبیعت ایران»؛ «رودهای مهم ایران»؛ «دریاها و دریاچه‌های ایران»؛ «آب‌های معدنی»؛ «رستنی‌های ایران»؛ «محیط زیست»؛ «فلور ایران»؛ «مراتع»؛ «جنگل‌ها»؛ «باغ‌ها»؛ «مناطق حفاظت شده»؛ «تالاب‌ها»؛ «جزیره‌ها»؛ «جانوران»؛ «ایلات و عشایر»؛ «جغرافیای تاریخی»؛ «تاریخ اساطیری»؛ «علم در ایران»؛ «زبان‌های ایرانی»؛ «هنرها»؛ «آثار تاریخی»؛ «موسیقی»؛ «زندگی اقتصادی»؛ «صنایع» و «کشاورزی». فهرست منابع و مآخذ مطالب و مقالات کتاب در پایان ضمیمه شده است.

۲۶۶- سلطان‌زاده، حسین. *تداوم طراحی باغ ایرانی در تاج محل (آرامگاه بانوی ایرانی تبار)*.

تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸.

پانزدهمین شماره از مجموعه فرهنگ و معماری به معرفی «تاج محل» اختصاص دارد. این مجموعه با هدف معرفی خصوصیات معماری و شهرسازی سنتی و مفاهیم آن به چاپ رسیده است. در فصل نخست کتاب با عنوان «باغ ایرانی» به برخی خصوصیات باغ ایرانی به روایت «عبدی بیگ» اشاره می‌شود. فصل دوم با عنوان «تاج محل» به این مباحث اختصاص می‌یابد:

کتابچین

«گورکانیان و فرهنگ ایرانی»؛ «تاج محل مزار چه کسی است؟»؛ «عناصر و فضاهاى تاج محل»؛ «برخی از ویژگی‌های معماری تاج محل»؛ «شکل‌ها و عددهای نمادی و رمزی» و «معمار تاج محل کیست؟» در پایان کتاب، واژه‌نامه فنی و هنری متن «پادشاه‌نامه»، یادداشت‌ها و فهرست‌های مختلف به چاپ رسیده است.

۲۶۷- سیاحت ایران: سفری کوتاه از دریچه دوربین عکاسان ایران. تهیه و تنظیم جواد یساولی، تهران: فرهنگسرای یساولی، ۱۳۷۷.

۲۶۸- سید ناصری، حمیدرضا. ستوده، امیررضا. پاره‌ای از خورشید: گفته‌ها و ناکفته‌ها از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری. ویراستار شهرام رجب‌زاده، تهران: ذکر، ۱۳۷۸.

در بخش نخست این کتاب با عنوان «مطهری به روایت مطهری» بخش‌هایی از آثار استاد شهید که گوشه‌ای از زندگی او را شامل می‌شود، بازگو شده است. فصل دوم تحت عنوان «مطهری به روایت خانواده» شامل خاطراتی است از اعضای خانواده ایشان. فصل سوم نیز متضمن خاطراتی است که با عنوان «مطهری به روایت یاران و شاگردان» فراهم آمده است.

۲۶۹- سیف‌زاده، محمد. پیشینه تاریخی موسیقی لرستان. خرم‌آباد: افلاک، ۱۳۷۷.

در کتاب حاضر، مؤلف ذیل مباحث گوناگون، تصویری از تاریخچه موسیقی لرستان فرا روی مخاطب قرار می‌دهد. مباحث کتاب بدین قرار است: «موسیقی در دوران کاسی‌ها»؛ «موسیقی در دوران ساسانیان»؛ «موسیقی دانان ساسانی در لرستان»؛ «موسیقی و ترانه‌های غنایی و عاشقانه»؛ «موسیقی و ترانه‌های حماسی»؛ «موسیقی سوگواری»؛ «موسیقی فصول»؛ «موسیقی و ترانه‌های طنز» و «موسیقی مذهبی». در بخشی از کتاب، اساتید سازهای مختلف معرفی شده‌اند، همچنین نمونه اشعار و ترانه‌های محلی لرستان به طبع رسیده است.

چکیده کتابها

۲۷۰- شایان، علیرحم. *پارسی سرایان بام ایران چهار محال و بختیاری شامل زندگینامه و آثار ۵۸۳ تن از شعرا*. تهران: جهان بین، ۱۳۷۸، ۲ جلد.

در مجموعه حاضر، ۵۸۳ تن از شعرای چهار محال بختیاری معرفی شده است شیوه ترتیب کتاب براساس نام خانوادگی شاعر یا تخلص اوست که گاه با تصویری از او همراه است. در کتاب، ابتدا، زندگی و احوال شاعر به گونه‌ای مختصر معرفی می‌شود، سپس نمونه‌ای از اشعار هر یک، درج می‌گردد.

۲۷۱- شعبان‌زاده، بهمن. *تاریخ تهران*. تهران: کتاب همراه، ۱۳۷۸.

در این مجموعه، مخاطبان با پیشینه تاریخی شهر تهران از عصر صفوی تا دوره پهلوی آشنا می‌شوند. کتاب با تصاویری از تهران قدیم همراه شده و با فهرست منابع خاتمه می‌پذیرد. «موقعیت جغرافیایی تهران»؛ «تهران در دوره صفوی»؛ «تهران در دوره قاجار»؛ «تهران در دوره پهلوی» و «تاریخچه مؤسسات تمدنی جدید تهران» مباحث اصلی این کتاب به شمار می‌آیند.

۲۷۲- شعبانی، رضا. *مختصر تاریخ ایران در دوره‌های افشاریه و زندیه*. تهران: سخن، ۱۳۷۸.

در اثر حاضر، تاریخ ایران در دوره‌های «افشاریه و زندیه» طی شش بخش بررسی شده است. بخش اول حاوی «تاریخ سیاسی افشاریه»؛ و بخش دوم متضمن «تاریخ سیاسی زندیه» است؛ در بخش سوم «نظام اداری و حکومتی ایران در دوره‌های افشاریه و زندیه» تبیین شده که از آن جمله است: «ارکان دولت»، «امراء»، «مقرب الخاقان‌ها»، «مقرب الحضرت‌ها» و «وزیر بیوتات». در بخش چهارم از «نظام اجتماعی در دوره‌های افشاریه و زندیه» با این مباحث سخن به میان آمده است: «اوضاع و احوال عمومی»، «روحانیون»، «موقعیت روحانیون در عصر افشاریه و زندیه»، «جنگ آوران»، «ارتش در عصر نادری»، «ارتش در عصر کریم‌خان»، «درویشان»، «عیاران»، «اقدامات اجتماعی (اصلاحات نادر و اقدامات عمرانی کریم‌خان)»، «هنر و هنرمندان»؛ نویسنده در بخش پنجم «نظام اقتصادی ایران» در دوره‌های مورد بحث را با این مباحث پی می‌گیرد: «کشاورزان»، «برخی از منابع عایدات عصر زندیه»، «بازرگانی

کلچین

خارجی»، «تجارت خارجی و داخلی ایران»، «مقایسات و مقادیر»؛ بخش ششم به «مناسبات خارجی ایران در ادوار افشاریه و زندیه» اختصاص دارد. در این بخش روابط سیاسی و تا حدودی تجاری ایران با کشورهای انگلیس، هند، فرانسه، هلند، روسیه و ممالک شرقی بررسی و تشریح شده است. در صفحات پایانی فهرست اعلام آمده است.

۲۷۳- شمس، ابراهیم. *زندگی شمس العارفین (حضرت شیخ محمد عزیز نجاری قدس سره) و طریقت قادریه نجار*. تهران: کانون گسترش علوم، ۱۳۷۷.

این کتاب سرگذشت نامه «شیخ محمد عزیز نجاری» (متوفی به سال ۱۳۲۲ ه.ق.) است که مباحث آن ذیل چهار فصل مرتب شده است: «زندگی نامه شمس العارفین (محمد عزیز نجاری)»؛ «کرامات شیخ»؛ «خلفای شیخ محمد عزیز» و «جانشینان شیخ». پایان کتاب به تصاویر برخی از رهروان «شیخ عزیز» اختصاص دارد. گفتنی است نامبرده بنیانگذار طریقت قادریه بخارا است که در بخشی از کتاب، مؤلف اطلاعاتی در این باب به دست داده است.

۲۷۴- شهیدی، جعفر. *شرح مثنوی*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸، جلد سوم.

اثر حاضر شرحی است بر دفتر سوم مثنوی مولانا جلال الدین رومی. نگارنده پس از فراهم آوردن بیت‌های هر بخش، معنی لغات، همچنین شرح و توضیح ابیات مورد نظر را به دست داده است. در انتهای کتاب، فهرست آیات و احادیث و نام اشخاص، مثلها و گفتار مشایخ مندرج است.

۲۷۵- شیبانی، عبدالحسین. *خاطرات مهاجرت از دولت موقت کرمانشاه تا کمیته ملیون برلن*. به اهتمام ایرج افشار؛ کاوه بیات، تهران: شیرازه، ۱۳۷۸.

«خاطرات مهاجرت» بازنوشته تقریرات عبدالحسین شیبانی ملقب به وحیدالملک است که در آن، وقایع و سوانح ایامی که در دوران مهاجرت سیاسی سال ۱۳۳۴ ه.ق. بر او گذشته

چکیده کتابها

بازگو شده است. نکات برجسته کتاب بدین قرار است: «حرکت از تهران به همراه قافله مهاجران به سوی قم و تشکیل دادن کمیته دفاع ملی در آنجا»؛ «عزیمت به کرمانشاه و تشکیل شدن هیأت حکومت موقتی»؛ «شکل دادن جمعیت مدافعین وطن در قصر شیرین»؛ «ورود به بغداد و استانبول»؛ «مسافرت به برلین در مقام نماینده دولت موقت کرمانشاه برای تأمین خواسته‌های ملیون ایرانی و در پی آن اقامت سه ساله در برلین و تشریح مذاکرات وی با دولت آلمان»؛ همچنین «اوضاع بین‌المللی و منازعات دول اروپایی و جنگ جهانی اول». گفتنی است عبدالحسین شیبانی از رجال سیاسی و دانشگاهی ایران است که در سال ۱۲۹۲ ه.ق. (۱۲۵۲ ه.ش.) در کاشان متولد شد و تحصیلات عالی‌اش را در انگلستان به پایان رسانید و چندی سمت دستیاری ادوارد براون را در دانشگاه کمبریج بر عهده داشت. ضمن آن که برخی مناصب دولتی و غیر دولتی را عهده‌دار بود. وی سرانجام در سال ۱۳۴۲ در تهران درگذشت. کتاب با سالشمار توضیحی، فهرست اعلام و تصاویری از نامبرده و برخی رجال دیگر به پایان می‌رسد.

۲۷۶- شیعه، اسماعیل. *شهر و منطقه در ایران*. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۷۸. در این کتاب، طی شش فصل مسائل برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در ایران شرح و بررسی می‌شود. در هر فصل کیفیت طراحی و برنامه‌ریزی‌ها با وضع موجود تحلیل و ارزیابی می‌گردد. فصل‌های کتاب عبارتند از: «محیط ایران و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای»؛ «برنامه‌ریزی مراکز زیستی ایران بر مبنای بوم ساخت‌های طبیعی و انسانی»؛ «درآمدی بر ضوابط برنامه‌ریزی مسکن در شهرها و مناطق ایران»؛ «تأملی در برنامه‌ریزی‌های شهری و منطقه‌ای در ایران»؛ «مروری بر سوابق تاریخی شهرسازی و عمران منطقه‌ای در ایران» و «بحث‌هایی در مسائل شهرسازی». کتاب با تصویرها، جداول، نقشه‌ها و کتاب‌شناسی همراه است. دانشجویان رشته‌های شهرسازی، معماری، جغرافیا، برنامه‌ریزی شهری، عمران و جغرافیای شهری از مخاطبان کتاب به شمار می‌آیند.

۲۷۷- صادقی، گرگعلی. *ممسنی؛ دشتی پراز نون و تشتی پراز خون*. با همکاری سلبعلی عزیزی، شیراز: کوشامهر، ۱۳۷۷.

این کتاب مروری است بر تاریخ «ممسنی و بویراحمد» در اواخر عصر قاجار و دوره پهلوی که محور اصلی مطالب آن موضوع موقوفه بودن املاک ممسنی در نیم قرن اخیر و معرفی شخصیت اصلی رویدادها یعنی «معین التجار بوشهری» است. نویسنده ابتدا مقدمه‌ای کوتاه در شناخت ایلات و عشایر ایران نگاشته، آنگاه منطقه ممسنی را به اجمال معرفی نموده است. وی در فصل‌های بعدی حوادث و کشمکش‌های قرن اخیر منطقه یاد شده را در ارتباط با املاک موقوفه و نقش معین‌التجار بوشهری شرح می‌دهد.

۲۷۸- صحتی سردرودی، محمد. *غروی اصفهانی؛ نابغه نجف*. قم: حوزه علمیه قم؛ دفتر تبلیغات اسلامی؛ مرکز انتشارات، ۱۳۷۷.

در این کتاب سیره علمی و عملی شیخ محمد حسین اصفهانی مشهور به «غروی» بازگو شده است. نگارنده افزون بر شرح دوران کودکی، معرفی استادان و شاگردان و آثار و ابتکار نامبرده، گزیده سخنان برخی شخصیت‌ها را درباره غروی آورده است که از آن جمله است: سخنانی از علامه امینی، علامه طباطبائی، شهید مطهری، استاد آشتیانی و شیخ آقابزرگ تهرانی.

۲۷۹- صدیقی، محسن. *کردستان و سقز در گذر زمان*. تهران: محسن صدیقی، ۱۳۷۷.

کتاب حاضر مجموعه‌ای است در باب حوادث دوران معاصر شهر «سقز» که نگارنده آن را براساس شنیده‌ها و مطالعات خود، همچنین تحقیقات دیگران نگاشته است. مباحث کتاب از دوره ناصرالدین شاه و حکومت سیف‌الدین خان (مظفرالسلطنه اردلان) در سقز آغاز می‌شود و در پی آن مخاطبان اطلاعاتی را درباره این شهر کسب می‌کنند از جمله رویدادهای قرن اخیر سقز و شهرهای مرتبط با آن، حوادث کردستان و آذربایجان، نیز هجوم نیروهای عثمانی به این مناطق و جنایات آنها، مطالب کتاب با تصاویری از تغییرات سیمای جغرافیای شهر و

چکیده کتابها

شیوه‌های زندگی مردم این منطقه همراه است. در بخش دوم کتاب نیز تصاویری از شخصیت‌های نامبرده در متن به طبع رسیده است.

۲۸۰- صفا، ذبیح‌اله. *تاریخ ادبیات ایران: از آغاز عهد اسلامی تا اوایل قرن هفتم هجری (خلاصه جلد اول و دوم تاریخ ادبیات در...)*. به اهتمام ماهدخت بانو همایی، تهران: جاجرمی، ۱۳۷۸.

کتاب حاضر اولین شماره از خلاصه تاریخ ادبیات در ایران تألیف ذبیح‌اله صفا است. که خلاصه از مطالب جلد‌های اول و دوم - از آغاز عهد اسلامی تا اوایل قرن هفتم هجری - را در بر می‌گیرد. کتاب متشکل از سه بخش است: «وضع سیاسی و اجتماعی و علمی و ادبی ایران از آغاز عهد اسلامی تا پایان قرن سوم هجری»؛ «وضع سیاسی و اجتماعی و ادبی ایران در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم»؛ «وضع سیاسی و اجتماعی و علمی و ادبی ایران از میانه قرن پنجم تا آغاز قرن هفتم هجری»؛ دانشجویان و علاقه‌مندان به زبان و ادب پارسی از مخاطبان کتاب به شمار می‌آیند.

۲۸۱- صفا، ذبیح‌اله. *تاریخ ادبیات ایران: از آغاز عهد اسلامی تا اوایل قرن هفتم هجری (خلاصه جلد اول و دوم تاریخ ادبیات در...)*. تهران: فردوس، ۱۳۷۸، جلد اول.

کتاب حاضر خلاصه‌ای است از جلد اول و دوم «تاریخ ادبیات ایران» که اینک در یک مجلد به چاپ رسیده است. کتاب حاضر در سه بخش کلی تدوین شده که به ترتیب عبارتند از: «وضع سیاسی و اجتماعی و علمی و ادبی ایران از آغاز عهد اسلامی تا پایان قرن سوم هجری»، «وضع سیاسی و اجتماعی و علمی و ادبی ایران در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هجری»، «وضع سیاسی و اجتماعی و علمی و ادبی ایران از میانه قرن پنجم تا آغاز قرن هفتم هجری». در طی این بخش‌ها، دانشمندان، نویسندگان و شاعران بزرگ ایرانی معرفی می‌شوند.

۲۸۲- صفا، ذبیح‌اله. *تاریخ ادبیات ایران: (خلاصه جلد پنجم: بخش اول، دوم، سوم تاریخ ادبیات در ایران از آغاز سده دهم تا ...)*. گردآورنده محمد ترابی، تهران: فردوس، ۱۳۷۸.

چهارمین شماره از خلاصه تاریخ ادبیات ایران تألیف ذبیح‌اله صفا تلخیصی است از بخش‌های اول، دوم و سوم جلد پنجم که سرفصل‌های آن به ترتیب عبارتند از: «وضع سیاسی و اجتماعی ایران در دو قرن هفتم و هشتم»؛ «نگاهی به وضع اجتماعی ایران از نخستین سال‌های سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری»؛ «وضع دینی ایران از اوایل سده دهم تا میانه سده دوازدهم»؛ «وضع علوم از سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری»؛ «زبان و ادب فارسی از نخستین سال‌های سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری»؛ «شاعران پارسی‌گوی از نخستین سال‌های سده دهم»؛ «نثر فارسی از نخستین سال‌های سده دهم»؛ «پارسی نویسان از آغاز سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری».

۲۸۳- صفی‌زاده، صدیق. *تاریخ کرد و کردستان*. تهران: آتیه، ۱۳۷۸.

اثر حاضر تحقیقی است درباب تاریخ و گذشته قوم کرد از قدیم‌ترین ایام تا عصر حاضر، نیز گزارشی است از سرگذشت سلسله‌ها و حکومت‌های این منطقه. نویسنده همچنین مطالبی درباره فرهنگ و جامعه، عقاید و سنت‌های این قوم در اثر خود بیان نموده است. از جمله سرفصل‌های کتاب عبارتند از: «مورخان کرد»؛ «لفظ کرد»؛ «کرد از روزگار کهن (گوتی‌ها، لولوبی‌ها، کاسی‌ها، متیانی‌ها، اورارتو، مادها)»؛ «کردها در دوره اسلامی»؛ «خرافات راجع به کردان»؛ «جغرافیای کردستان»؛ «زندگی روستایی در کردستان»؛ «ملیت کرد»؛ «کرد در کشورهای ایران، ترکیه، عراق، سوریه و روسیه»؛ «دیانت و معتقدات»؛ «طریقه‌های تصوف در کردستان»؛ «زبان پهلوی و پیوند آن با زبان کردی»؛ «خط و زبان کردی»؛ «ادبیات کردی»؛ «سرایندگان کرد»؛ «اعیاد در کردستان»؛ «بازی‌های سنتی کردی»؛ «زن در میان کردان»؛ «طوایف کرد»؛ «شرح حال و سرگذشت فرمانروایان کرد (از جمله: ارومی، حسبتانی، سالاری، شدادی، روادی، دنبلی، مروانی، بنی عیار، اورامان، جاوان، شبانکاره، ایزدی، اربیل، ایوبی، اردلان، بدلیسی، لرکوچک، آل‌کرت،

چکیده کتابها

جزیره، شیروان، چگنی، قوچان، بختیاری، زندیه، بارزانی و...؛ «آثار تاریخی کردستان»؛ «سنگ نوشته اورامان»؛ «کرد و شاهنامه»؛ «فرهنگ لغات»؛ «مآخذ، منابع و فهرست اعلام».

۲۸۴- صفی‌زاده، صدیق. *تاریخ موسیقی کردی*. تهران: بهنام، ۱۳۷۸.

این کتاب شامل مباحثی درباره انواع موسیقی، سازها، آواز و ترانه‌های کردی است که برخی موضوعات آن مانند: «دستان‌ها و آوازهای کردی» و «هوره کردی» به زبان کردی و فارسی، همراه با آوانگاری انگلیسی عرضه شده است. عناوین برخی فصل‌ها به این قرار است: «تاریخ کرد و کردستان»؛ «زبان کردی و گویش‌های آن»؛ «تاریخچه موسیقی کردی»؛ «زردشت مادی و آیینش»؛ «نوا خوش کردی»؛ «سازهای کهن کردی»؛ «نواهای کردی»؛ «دستگاه‌های موسیقی کردی»؛ «دستان‌ها و آوازهای کردی»؛ «مقام‌های کردی». در پایان کتاب خلاصه‌ای از زندگانی موسیقی‌دانان کرد، فرهنگ لغات، نت‌های موسیقی و فهرست اعلام به چاپ رسیده است.

۲۸۵- صفی‌زاده، فاروق. *ایران نشستگاه نخستینه آریاییان: بازنگری تاریخ ایران*. تهران: پژوهنده، ۱۳۷۸.

این جزوه نوشتاری است درباره خاستگاه اصلی آریاییان و تعیین محل دقیق آن. نویسنده ابتدا به دیدگاه‌های برخی ایران‌شناسان، محققان و مستشرقان اشاره می‌کند که باختر یا اروپا را خاستگاه اولیه آریاییان می‌دانند. وی سپس سعی دارد عقیده خود را چنین اثبات نماید که ایران (کردستان امروزی) خاستگاه اصلی آریاییان بوده است.

۲۸۶- صفی‌زاده، فاروق. *چهارشنبه سوری یا دگرنیاکان ما*. تهران: پژوهنده، ۱۳۷۸.

۲۸۷- صوفی، لیلا. *زندگینامه شاعران ایران*. ویراستار ماندانا نوروزی، تهران: جاجر می، ۱۳۷۷.

اثر حاضر مجموعه‌ای است از شرح حال چند شاعر ایرانی به همراه نمونه‌هایی از شعر آنان. اسامی برخی شعرا بدین قرار است: «پروین اعتصامی»، «حافظ شیرازی»، «رودکی»، «باباطاهر عریان»، «شمس تبریزی»، «شیخ بهائی»، «سهراب سپهری»، «مولوی» و «عبید زاکانی».

۲۸۸- طالبی نژاد، احمد. *در حضور سینما: تاریخ تحلیلی سینمای پس از انقلاب*. تهران: بنیاد سینمایی فارابی، ۱۳۷۷.

این کتاب تحلیلی است تاریخی بر سینمای پس از انقلاب که مؤلف آن را به سه دوره تقسیم کرده است. نخست سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲ (دوران برزخی سینمای ایران)؛ دوم سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۲ (دوره ثبات مدیریت و حضور جدی سینماگران در عرصه‌های جهانی)؛ و دوره سوم سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷. مؤلف بخشی از کتاب را با عنوان «نگاهی به درون» به بررسی کیفی فیلم‌های پس از انقلاب اختصاص داده است. پایان هر بخش شامل تصاویری از برخی فیلم‌های نقد و تفسیر شده است.

۲۸۹- طبری، احسان. *آورانندگان اندیشه خطا: سیری در احوال صادق هدایت و احمد کسروی*. تهران: کیهان، ۱۳۷۸.

در پیش‌گفتار کتاب به زندگی سیاسی و فرهنگی «احسان طبری» اشاره شده است؛ سپس در مقدمه، کتاب حاضر چنین معرفی می‌شود: «این کتاب متضمن بررسی مستند و انتقادی اندیشه‌های دین‌سازی کسروی، نیست انگارانه صادق هدایت، غرب پرستانه تقی‌زاده و توجیه‌گرانه آدمیت در مورد رجال غرب‌زده و مکاتب غربی است».

۲۹۰- طلوعی، محمود. *از طاووس تا فرح: جای پای زن در مسیر تاریخ معاصر ایران*. تهران: علم، ۱۳۷۷.

در این کتاب شرح حال زنانی را می‌خوانیم که در تاریخ معاصر ایران (از آغاز قاجاریه تا

چکیده کتابها

پایان عصر پهلوی) نقش داشته‌اند. کتاب با شرح حال «طاووس»، ملقب به «تاج الدوله» که از میان صدها زن فتحعلی شاه قاجار، بیش از همه او را تحت تأثیر قرار داد، آغاز و به شرح حال فرح، ختم می‌شود. از جمله زنان دیگری که در این کتاب معرفی شده‌اند، عبارتند از: ملکه جهان (مهدعلیا)، انیس الدوله، زنان و دختران سرشناس فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه، فخرالدوله، فوزیه، ثریا و اشرف. کتاب با چهار ضمیمه، از جمله چند سند و مجموعه‌ای از مکاتبات رسمی، همچنین عکس‌هایی از زنان یاد شده همراه است.

۲۹۱- عباسی شهنی، عباس. سلطانی، نبی‌الله. ظاهری، علیرضا. *آشنایی با آثار سیاحتی و زیارتی مسجد سلیمان*. به اهتمام فرمانداری مسجد سلیمان، تهران: هیرمند؛ سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۸.

در این کتاب، مخاطبان با شهر «مسجد سلیمان» و آثار سیاحتی و زیارتی آن آشنا می‌شوند. در مقدمه کتاب نویسنده از اوضاع جغرافیایی، وجه تسمیه، نقش منطقه در جنگ تحمیلی و زبان و قومیت مسجد سلیمان سخن به میان می‌آورد، سپس آثار تاریخی، مذهبی و دیدنی این شهر و نواحی اطراف آن همراه با عکس‌های رنگی و سیاه و سفید معرفی می‌شود، از جمله: «سرمسجد»، «تپه باستانی کلگه‌زری»، «بقعه هفت شهیدان»، «قلعه ترک دز»، «بقعه متبرکه بی‌بی بتولی»، «بقعه علمداری»، «بقعه بابا زید»، «قلعه شکرآب»، «تپه‌های باستانی گلگیر»، «غار پیده»، «کتیبه‌ها»، «سد خلیل خان»، «بقعه امامزاده سلطان ابراهیم»، «قلعه خواجه»، «دژ اسدخان» و «قلعه اتابک کتک».

۲۹۲- عبدلی، علی. *مشاهیر تالش*. رضوانشهر: علی عبدلی، ۱۳۷۸.

در مجموعه حاضر، شرح حال ۶۱ تن از علما، شعرا، مشایخ منتسب به «تالش» از زمان‌های قدیم تا دوران معاصر، به استناد منابع و متون تاریخی، ادبی و دینی گردآمده که برخی از آنها عبارتند از: «اشرف کرگانه‌رودی»، «اشجع الدوله اسالمی»، «بابا روشندهی»، «جمال الدین

کتابچین

گیلانی، «شیخ زاهد گیلانی»، «سلمان پاشا ساسانی»، «شرفشاه دولایی»، «صارم السلطنه»، «عبدالقادر گیلانی»، «فتحعلی خان فومنی»، «کمال‌الدین نقشبندی»، «محمدباقر شفتی»، «میرمصطفی خان»، «میرزا ابراهیم» و «یونس خان». صفحات پایانی کتاب به فهرست منابع و مأخذ اختصاص دارد.

۲۹۳- عرب، غلامحسین. *اصفهان*. تهران: فرهنگسرای یساولی، ۱۳۷۷.

در مجموعه حاضر، بیش از ۱۶۰ قطعه عکس رنگی از جلوه‌های گوناگون شهر اصفهان به طبع رسیده است. منارجنبان، تخت پولاد، سی و سه پل، پل خواجه، کاخ عالی قاپو، مسجد جامع، چهل ستون، مسجد شیخ لطف‌الله، بازار، مدارس و خانه‌های کهن از جمله این تصاویر است. کتاب با مقدمه‌ای به فارسی و انگلیسی درباره اصفهان آغاز شده و در پاره‌ای موارد شرح تصاویر به زبان انگلیسی آمده است.

۲۹۴- علامه، صمصام‌الدین. *تاریخ جامع تنکابن*. تنکابن: نشر تنکابن؛ حسین بیگی، ۱۳۷۸.

در این کتاب، جغرافیای طبیعی و اقتصادی تنکابن، همچنین ویژگی‌های انسانی این شهرستان اعم از نژاد، زبان، مسکن، لباس، مذهب، آثار تاریخی و بقاء متبرکه، صنایع دستی و نظایر آن توصیف شده است. مطالب دیگر کتاب بدین قرار است: «ضرب المثل‌ها»؛ «یچی مچی (چیستان)»؛ «اقسام بازی‌ها و سرگرمی‌های جوانان»؛ «ترانه‌های محلی»؛ «معرفی چند شاعر محلی»؛ «مراسم عزاداری»؛ «آداب و رسوم ازدواج در روستاها»؛ «پیک‌های نوروزی و طلّیعه بهار»؛ «مراسم نوروز سلطانی باستانی و سیزده بدر»؛ «تاریخ سیاسی منطقه» و «تاریخچه سازمان‌های دولتی و ملی همراه با نام رؤسا و مسئولین آنها از بدو تأسیس تا زمان حاضر». بخش پایانی کتاب به ضمایم و پیوست‌ها و فهرست مراجع اختصاص دارد. از جمله ضمایم کتاب، فرهنگ لغات محلی تنکابن است که با تلفظ حروف لاتین و ترجمه فارسی به چاپ رسیده است. در برخی صفحات کتاب، تعدادی عکس، جدول و نمودار به چشم می‌خورد.

چکیده کتابها

۲۹۵- عنایت، حمید. *نهادهای اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام*. مصحح صادق زیباکلام، تهران: روزنه، ۱۳۷۸.

مؤلف کتاب، طی دو بخش اطلاعاتی درباره سازمان‌های اجتماعی و سیاسی ایران باستان به دست می‌دهد. بخش اول مطالبی است درباره آیین زرتشت، رابطه آن با قدرت سیاسی و جنبش‌های مزدک و مانی. افزون بر آن، در این بخش، مؤلف از تلاش‌های مورخان ایرانی بعد از اسلام، مبنی بر تلفیق و پیوند میان دو عنصر ایرانییت و اسلامیت سخن به میان آورده است. بخش دوم به بررسی و معرفی آراء سیاسی در میان رگه‌ها و فرق مختلف اسلامی و اندیشمندان مسلمان اختصاص دارد.

۲۹۶- غلامرضایی، محمد. *سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو*. تهران: جامی، ۱۳۷۷.

اثر حاضر مجموعه یادداشت‌هایی است از نویسنده که ضمن تدریس سبک‌شناسی شعر فارسی گردآوری نموده است. در این نوشتار، که ذیل یازده فصل نظام یافته سبک‌شناسی نظم از زمان رودکی تا عصر شاملو بررسی و ارزیابی می‌شود. فصل‌های کتاب عبارتند از: «کلیات سبک‌شناسی»، «ویژگی‌های زبانی دوره رشد و تکوین»، «شعر دوره سامانی»، «سبک شعر قرن پنجم»، «سبک شعر قرن ششم»، «سبک عراقی»، «سبک شعر قرن نهم: دوران تصنع (طلیعه سبک هندی)»، «سبک شعر دوره صفویه»، «سبک شعر در دوران بازگشت ادبی»، «سبک شعر در دوره مشروطه» و «سبک نیمایی».

۲۹۷- غنی، سیروس. *ایران: برآمدن رضاخان: برافتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها*. مترجم حسن کامشاد، تهران: نیلوفر، ۱۳۷۷.

پژوهنده در اثر حاضر حوادث سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۵ را تجزیه و تحلیل می‌کند. این دوره شامل واقعه کودتا تا تاج‌گذاری رضاخان و انقراض قطعی سلسله قاجار است. در کتاب

همچنین اقدامات رضاخان و نقش و دخالت انگلیسی‌ها ارزیابی می‌شود. مباحثی که در کتاب گنجانده شده عبارتند از: «ایران در دوره سلطنت قاجار»؛ «قرارداد ۱۹۱۹»؛ «قرارداد در سرانجام زوال»؛ «کناره‌گیری و ثوق‌الدوله»؛ «نخست‌وزیری مشیرالدوله (حسین پیرنیا)»؛ «نخست‌وزیری سپهدار»؛ «مقدمه کوتاه»؛ «رضاخان و کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹»؛ «صد روز حکومت سیدضیاء»؛ «دولت اول قوام»؛ «نخست‌وزیری نوبتی»؛ «نخست‌وزیری رضاخان و جنبش جمهوری»؛ «وحدت ایران»؛ «انقراض سلسله قاجار»؛ «آغاز عصر پهلوی». کتاب با عکس‌هایی از شخصیت‌های نام برده همراه است و در بخش پایانی این موضوعات به چشم می‌خورد: سخن آخر، یادداشت‌ها، مراجع، کتاب‌شناسی و فهرست نام‌ها.

۲۹۸- فرامرزی، احمد. **شیخ حسین خان چاه کوتاهی: در جنگ مجاهدین دشتستان و تنگستان با دولت انگلیس**. به اهتمام قاسم یا حسینی، تهران: شیرازه، ۱۳۷۷.

این کتاب مشتمل است بر یادداشت‌های استاد احمد فرامرزی درباره «شیخ حسین خان چاه کوتاهی» و اقدامات و مبارزات او در جنبش دشتستان و تنگستان علیه انگلستان. کتاب حاضر حاصل ثبت خاطرات تنی چند از بازماندگان سال‌های جنگ و نبرد، به ویژه تقریرات شیخ محمدخان چاه کوتاهی است که به همراه اسناد و مدارکی چند به طبع رسیده است. کتاب از دو بخش و ضمائم تشکیل شده است. بخش اول «جنگ مجاهدین دشتستان و تنگستان با دولت انگلیس نام دارد» و عنوان بخش دوم «بعد از متارکه و جنگ» است. بخش ضمائم شامل سیزده سند است که با تعدادی تصویر و فهرست اعلام به پایان می‌رسد.

۲۹۹- فرامرزی، عبدالرحمن. **خاطرات استاد فرامرزی**. به اهتمام حسن فرامرزی، تهران: دستان، ۱۳۷۸.

در مجموعه حاضر، خاطرات «عبدالرحمن فرامرزی» - ادیب و روزنامه‌نگار معاصر - به طبع رسیده است. در پیش‌گفتار این مجموعه دیدگاه‌های برخی صاحب‌نظران و ادیبان، درباره

چکیده کتابها

نامبرده انعکاس یافته است که از آن جمله‌اند: محیط طباطبائی، باستانی پاریزی، پرویز ناتل خانلری، مسعود فرزاد، ابوالقاسم پاینده، شمس‌الملوک مصاحب، مسعود بهنود و حبیب یغمایی. خاطرات استاد عبدالرحمن فرامرزی با عناوینی از این دست نظام یافته است: «خاطراتی از دوران تحصیلی من»، «سفری به حجاز»، «سفری به انگلیس»، «دو ساعت با بزرگترین عالم دنیا»، «سفری به هند»، «یادی از مجلس»، «اولین عشق»، «یادی از گذشته».

۳۰۰- فردوسی، ابوالقاسم. *داستان‌های نامورنامه باستان شاهنامه فردوسی: داستان جنگ هاماوران و به آسمان رفتن کاووس و جنگ هفت گردان*. به اهتمام محمد دبیر سیاقی، تهران: پیوند معاصر؛ قطره، ۱۳۷۸، جلد ششم.

تالیف حاضر ششمین کتاب از سلسله *داستان‌های نامورنامه باستان شاهنامه فردوسی* است که با شرح زندگانی «فردوسی» همراه است. عناوین برخی داستان‌های منظوم کتاب بدین شرح است: «رزم کردن کاووس با شاه هاماوران»، «به زنی خواستن کاووس سودابه دختر شاه هاماوران را»، «تاخت کردن افراسیاب بر ایران زمین» و «آراستن کاووس جهان را». کیکاوس پس از جنگ با شاه «بربر» به سیستان می‌رود و یک ماه میهمان زال و رستم می‌شود. به هنگام مراجعت با شنیدن خبر طغیان شاه هاماوران و فرمانروای مصر و شام ایران را به دست رستم می‌سپارد و به سوی سرزمین هاماوران حرکت می‌کند. سرانجام کیکاوس، شاه هاماوران را شکست می‌دهد و دختر او سودابه را به همسری بر می‌گزیند. در پی آن ...

۳۰۱- فردوسی، ابوالقاسم. *داستان‌های نامورنامه باستان شاهنامه فردوسی: داستان رستم و سهراب*. به اهتمام محمد دبیر سیاقی، تهران: پیوند معاصر؛ قطره، ۱۳۷۸، جلد هفتم.

رستم و سهراب عنوان هفتمین شماره از مجموعه *داستان‌های نامورنامه باستان شاهنامه فردوسی* است که با موضوعاتی از این دست به چاپ رسیده است: «آمدن رستم به نخجیرگاه»، «زادن سهراب از تهمینه»، «رسیدن سهراب به دژ سپید»، «رزم سهراب با گردآفرید»، «خشم

گرفتن کاووس بر رستم؛ «رزم رستم با سهراب». در پیش گفتار شرح حالی از «فردوسی» فراهم آمده و در پاورقی معانی واژه‌های دشوار درج شده است.

۲۰۲. فردوسی، ابوالقاسم. *داستان‌های نامور نامه باستان شاهنامه فردوسی: داستان سیاوش*.

به اهتمام محمد دبیرسیاقی، تهران: پیوند معاصر؛ قطره، ۱۳۷۸، جلد هشتم.

نوشتار حاضر عنوان هشتمین کتاب از سلسله *داستان‌های نامور نامه باستان شاهنامه فردوسی* است که با گزارشی از زندگی «فردوسی» آغاز می‌شود. برخی موضوعات کتاب بدین شرح است: «باز آمدن سیاوش از زابلستان»؛ «عاشق شدن سودابه بر سیاوش»؛ «چاره ساختن سودابه و زن جادو»؛ «بخشش جان سودابه خواستن سیاوش، از پدر»؛ «نامه سیاوش به کاووس». پس از تولد «سیاوش» ستاره‌شناسی طالع او را آشفته می‌بیند که سرانجامی نامبارک در انتظارش است. منجم، «کاووس» را از آن آگاه می‌سازد چندی بر شاه و سیاوش می‌گذرد. روزی رستم به درگاه «کاووس» آمده از او می‌خواهد تا «سیاوش» را بدو سپارد تا وی فن رزم‌آوری و نبرد بیاموزد. بدین ترتیب «سیاوش» مدتی در زابلستان سپری می‌کند تا این که یک روز «سیاوش» و «رستم» نزد «کاووس» جشنی شاهانه ترتیب داده، بزرگان کشور و سران لشکر خود را به استقبال آنان می‌فرستد. با آمدن «سیاوش» به بارگاه پدر، بازی سرنوشت آغاز می‌شود و....

۳۰۳. فردوسی، ابوالقاسم. *شاهنامه: از دستنویس موزه فلورانس محرم ۱۱۳۰ ه.ق*. به اهتمام

عزیزالله جوینی، تهران: دانشگاه تهران؛ مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۷.

اثر حاضر گزارشی است از ابیات و واژگان دشوار شاهنامه حکیم فردوسی براساس نسخه دست‌نویس موزه فلورانس. این مجموعه حاوی پیش‌گفتار و متن شاهنامه به نثر و نظم است که از پادشاهی «منوچهر» تا «زوطهماسب» را در برمی‌گیرد. در این اثر، فهرست ابیات مورد بحث، فرهنگ لغات و ترکیبات، فهرست اعلام و امکنه گرد آمده است. «گفتار اندر مردن

چکیده کتابها

افریدون شاه، «گفتار اندر رسیدن سیمرخ به زال»، «گفتار اندر عاشق شدن رودابه بر زال» و «گفتار اندر پادشاهی نوذر پسر منوچهر» از مطالب کتاب به شمار می‌آید.

۳۰۴- فرمانفرمائیان، مهرماه. *زندگی نامه عبدالحسین میرزا فرمانفرما*. تهران: توس، ۱۳۷۷، جلد ۲.

نویسنده در اثر دو جلدی حاضر، زندگانی «عبدالحسین میرزا فرمانفرما» را به همراه وقایع دوران قاجار شرح و بررسی می‌کند. شایان ذکر است عبدالحسین میرزا، نوه عباس میرزا است که در دوران ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه، احمد شاه و اوایل حکومت رضاخان فرمانروایی ایالات و وزارت و مناصب دیگر را بر عهده داشته است. جلد اول از این مجموعه که *دوران استبداد* نام دارد از ۲۶ فصل تشکیل شده است. این نوشتار با نگاهی به اوضاع اقتصادی و سیاسی دوره قاجار شروع می‌شود، سپس زندگی عبدالحسین میرزا را از تولد تا دوره مشروطیت در بر می‌گیرد. پاره‌ای از سرفصل‌های کتاب بدین قرار است: «خاندان فرمانفرما»؛ «دوران کودکی و جوانی»؛ «مأموریت تبریز»؛ «حکومت اول و دوم کرمان»؛ «رقابت‌های سیاسی در با...»؛ «حکومت فارس»؛ «تبعید به عراق»؛ «مشروطیت و جنبش‌های سیاسی»؛ «حکومت آذر یجان»؛ «جنبش تبریز علیه استبداد»؛ «جنگ با عثمانیان»؛ «استعفای فرمانفرما»؛ «استبداد صغیر»؛ «روابط فرمانفرما با کارمندان و مبارزه مشروطه خواهان و دوران مشروطیت». کتاب با عکس‌هایی از رجال دوره قاجار همراه شده و با فهرست تصاویر و اعلام به پایان می‌رسد. جلد دوم با عنوان *آغاز سلطنت احمد شاه* در ۲۱ فصل سامان یافته، احوال و اقدامات عبدالحسین میرزا فرمانفرما در دوران سلطنت احمد شاه و وقایع آغاز جنگ جهانی اول تشریح شده است. تعدادی از سرفصل‌های کتاب بدین قرار است: «اوضاع ایران و آغاز سلطنت احمد شاه»؛ «وقایع آذربایجان و دخالت روس‌ها»؛ «حکومت غرب»؛ «آداب و رسوم ایرانیان در گذشته»؛ «آغاز سلطنت احمد شاه و جنگ جهانی اول»؛ «فعالیت آلمانی‌ها در ایران»؛ «کابینه فرمانفرما»؛ «خاطراتی از زندگی خصوصی فرمانفرما»؛ «حکومت دوم فارس» و... کتاب با

عکس‌هایی از خاندان فرمانفرما و سایر رجال سیاسی دوران قاجار همراه است و بخش پایانی آن به سه پیوست و چند مطلب با این عناوین اختصاص دارد: ۱- رضاخان سردار سپه نخست وزیر می‌شود؛ ۲- تشکیل کانون خانواده در تهران؛ ۳- زندگی خصوصی فرمانفرما در روزهای آخر حیات؛ ۴- عبدالحسین میرزا فرمانفرما واقف انستیتو پاستور ایران؛ ۵- خاتمه (مختصری از شرح حال نویسنده کتاب)؛ ۶- روزشمار زندگی عبدالحسین میرزا فرمانفرما؛ ۷- روزشمار زندگی فیروز میرزا نصرت‌الدوله؛ ۸- صورت اجزاء و مستخدمین خانه و باغ شاهزاده فرمانفرما. فهرست تصاویر و اعلام ضمیمه کتاب است.

۳۰۵- فرهنگ نام‌ها. گردآورنده حمید هاشمی، تهران: فرهنگ و قلم، ۱۳۷۷.

فهرستی از نام‌های اشخاص، اعم از نام‌های رایج در گذشته و حال در این مجموعه گرد آمده است. نام‌ها به ترتیب حروف الفبای فارسی تنظیم و تلفظ آنها با حروف لاتین مشخص شده است. ریشه تاریخی و معنی لغوی و توضیحات مختصری نیز در مقابل هر اسم آمده است. برای هر نام، ریشه اصلی زبانی آن با حروف اختصاری تعیین شده، همچنین مفهوم این حروف در پایان کتاب آمده است.

۳۰۶- فرهنگ نام‌های برگزیده: شامل نام‌های پارسی، لری، کردی، ترکمنی، عبری، ارمنی،

ترکی. گردآورنده فریبا کرمی، تهران: ناژین، ایدون، ۱۳۷۸.

این فرهنگ، شامل گزیده‌ای از نام‌های پارسی، لری، کردی، ترکمنی، عربی، ارمنی، ترکی، عبری و فرنگی است که به ترتیب حروف الفبای فارسی تدوین شده است. در مقابل هر نام، مترادف، معنا یا توضیحی مختصر آمده است؛ برای مثال در مقابل نام «آبگینه» می‌خوانیم: شیشه، بلور، ظرف، شراب، الماس، تیغ، کنایه از آسمان و آینه.

۳۰۷- فرید، طاهره. *ایهامات دیوان حافظ*. تهران: طرح نو، ۱۳۷۷.

در مجموعه حاضر، ابتدا مؤلف تعریفی از صنعت ایهام و اقسام آن به دست می‌دهد، سپس

چکیده کتابها

ایهامات دیوان حافظ را براساس نسخه محمدقزوینی و دکتر قاسم غنی همراه با شماره غزل و بیت مربوط ذکر می‌کند. در اثر حاضر برای روشن شدن مفهوم اصلی یا ایهامی شواهد شعری آورده شده که بیشتر آنها از دیوان حافظ است. ایهامات براساس حروف پایانی غزل‌ها تنظیم گشته‌اند.

۳۰۸- فقیر اصطهباناتی، علی. *خرابات: در بیان حکمت، شجاعت، عفت و عدالت به پیروی از گلستان سعدی*. مصحح منوچهر دانش‌پژوه، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب؛ آینه میراث، ۱۳۷۸.

تألیف حاضر اثری است از «میرزا علی واعظ اصطهباناتی» متخلص به «فقیر» که مطالب آن در بیان «حکمت»، «شجاعت»، «عفت» و «عدالت» با استناد به *گلستان سعدی* نگارش یافته است. این متن در چهار باب و یک دیباچه و یک فصل پایانی با عنوان «پیمانه» تدوین شده و شامل حکایات و ضرب‌المثل‌های متعدد و متنوعی است که با سخنان حکمای بزرگی چون «سقراط»، «افلاطون»، «لقمان»، «سولون» و «هرمس» همراه گشته است. فهرست «آیات قرآن»، «احادیث و روایات»، «فهرست اعلام»، «فهرست اشعار متن»، «امثال فارسی»، «اقوال و امثال عربی» و فهرست کتاب‌ها در صفحات پایانی جمع آمده است.

۳۰۹- فهیمی، مهدی. *فرهنگ جبهه: شعارها و رجزها*. تهران: سروش؛ فرهنگ گستر، ۱۳۷۸، جلد دوم.

در این شماره از مجموعه *فرهنگ جبهه* شعرها و رجزهای رایج در میان رزمندگان، ذیل پنج فصل با این عناوین گرد آمده است: ۱- تکمله و تتمه جلد اول؛ ۲- شوخ‌شعارها؛ ۳- شعارها و رجزها؛ ۴- اشعار غیرفارسی؛ ۵- پراکنده‌ها. بخش پایانی کتاب به فهرست عام شامل فهرست آیات، روایات، ادعیه، اسماء الهی، اشخاص، مکان‌ها، گروه‌ها و دسته‌های نظامی و نظایر آن اختصاص دارد.

کتابچین

۳۱۰- فهیمی، مهدی. *فرهنگ جبهه: شوخ طبعی‌ها*. تهران: سروش؛ فرهنگ گستر، ۱۳۷۸، جلد سوم.

در این جلد از مجموعه فرهنگ جبهه بخشی دیگر از شوخ طبعی‌های رایج در میان رزمندگان اسلام براساس خاطرات و روایت‌های رزمندگان اسلام به طبع رسیده است. کتاب متشکل از پانزده فصل با این عناوین است: ۱- اشاره و کنایه؛ ۲- تواضع و تادیب نفس؛ ۳- مزاح و مطایبه؛ ۴- خوردن و آشامیدن؛ ۵- عبادت و اخلاص؛ ۶- غیبت و حضور؛ ۷- سلام و صلوات؛ ۸- جبهه جنگ و دشمن؛ ۹- گفت و شنود؛ ۱۰- شهادت و بهشت موعود؛ ۱۱- رندی و عیاری؛ ۱۲- تجاهر و تظاهر؛ ۱۳- دعا و توسل؛ ۱۴- وقایع اتفاقیه؛ ۱۵- بدیهه‌گویی و حاضر جوابی. کتاب با فهرست موضوعی مطالب، نام و مشخصات راویان و عکس‌هایی از جبهه و رزمندگان دفاع مقدس به پایان می‌رسد.

۳۱۱- فهیمی، مهدی. *فرهنگ جبهه: مشاهدات*. تهران: سروش؛ فرهنگ گستر، ۱۳۷۸، ۲۵۶ ص، جلد دوم.

نوشتار حاضر از مجموعه فرهنگ جبهه، جلد دوم از بخش «مشاهدات» است که طی آن خاطرات و مشاهدات گروهی از دانش‌آموزان رزمنده اعزامی از استان‌های اصفهان و ایلام بازگو می‌شود. کتاب متشکل از سیزده فصل با این عناوین است: ۱- پذیرش؛ ۲- آموزش؛ ۳- روزهای اول؛ ۴- پست و نگهبانی؛ ۵- شب عملیات؛ ۶- فرماندهی و فرمانبری؛ ۷- جنگ و گریز؛ ۸- عسرو حرج؛ ۹- زخمی‌ها و شهدا؛ ۱۰- دشمن؛ ۱۱- زندگی در جنگ؛ ۱۲- وقت خوش کردن؛ ۱۳- یاد یاران. در پایان کتاب «نمایه عملیات»، نام و مشخصات راویان، فهرست عام (شامل فهرست تولد، شهرستان و بخش، تحصیلات، لشکر و یگان، گردان و واحد، رسته و...) و عکس‌هایی از رزمندگان دفاع مقدس آمده است.

۳۱۲- فهیمی، مهدی. *فرهنگ جبهه: مکاتبات*. تهران: سروش؛ فرهنگ گستر، ۱۳۷۸، ۳۶۰ ص، جلد اول.

چکیده کتابها

نوشتار حاضر، جلد اول از مجموعه «مکاتبات» - از کتاب‌های فرهنگ جبهه - مشتمل بر ۸۹ نامه رزمندگان اسلام است. در ابتدای هر نامه، شناسنامه‌ای شامل نام فرستنده و گیرنده، مبدأ و مقصد و تاریخ نامه آمده و در پایان آن نیز توضیحاتی درباره نامه مندرج است. صفحات پایانی کتاب به فهرست عام شامل فهرست آیات، روایات، ادعیه، استغاثه، آداب و رسوم، امثال و حکم، شعرها، شعارها و... به ترتیب الفبا، همچنین نمونه‌هایی از دست‌نویس نامه‌ها اختصاص دارد.

۳۱۳- قاسمی، احمد. *مغان نگین آذربایجان*. ویراستار غلامحسین بیگدلی، تهران: احمد قاسمی، ۱۳۷۷، ۲ جلد.

اثر دو جلدی حاضر، حاوی مطالبی است درباره ویژگی‌های جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ایلات و عشایر منطقه «دشت مغان» و سه شهرستان آن یعنی «پارس‌آباد»، «بيله‌سوار» و «گرمی». جلد اول با عنوان *جغرافیای شهرستان‌های پارس‌آباد، بيله‌سوار و گرمی* و جلد دوم با عنوان *کوچ‌نشینان دشت مغان (ایل شاهسون)* منتشر شده است. جلد اول با پنج فصل شکل گرفته است: ۱- جغرافیای طبیعی مغان؛ ۲- جغرافیای تاریخی مغان؛ ۳- ساختار فرهنگی و اجتماعی مغان؛ ۴- ویژگی‌های جغرافیایی شهرها و آبادی‌های مهم مغان؛ ۵- جغرافیای اقتصادی مغان. جلد دوم نیز درباره عشایر و زندگی کوچ‌نشینان در دشت مغان است که مباحث آن به ایل شاهسون اختصاص دارد. این جلد ذیل هشت فصل با این عناوین فراهم آمده است: ۱- سابقه تاریخی ایل شاهسون؛ ۲- سازمان ایلی و طوایف شاهسون؛ ۳- کوچ ایل شاهسون؛ ۴- مالکیت مراتع ایل شاهسون؛ ۵- اقتصاد ایل شاهسون؛ ۶- خوراک و پوشاک ایل شاهسون؛ ۷- اسکان عشایر ایل شاهسون؛ ۸- مسائل و مشکلات شاهسون‌ها و راهکارهایی برای حفظ جوامع عشایری. مطالب یاد شده با نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌های متعددی همراه است.

۳۱۴- قاسمی پویا، اقبال. *مدارس جدید در دوره قاجاریه: بانیان و پیشروان*. ویراستار

هاشم بناءپور؛ رضا پورجوادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۸.

اثر حاضر پژوهشی است درباره علل تأسیس و گسترش مدارس جدید در عصر قاجار، همچنین معرفی بانیان و پیشروان آنها که در شش فصل سامان یافته است. در فصل اول نگارنده دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی ایران و غرب در روزگار قاجار را شرح و ارزیابی می‌نماید. در فصل دوم شیوه آموزش عمومی در دوره قاجار را تشریح کرده در این خصوص به مکتب‌خانه‌ای اشاره می‌کند. وی در فصل سوم زمینه‌های فکری تحول نظام آموزشی و پیدایش مدارس جدید را مطرح می‌سازد و از این منظر سه عامل را ارزیابی می‌کند: ۱- آشنایی با فرهنگ و تمدن و نهادهای آموزشی اروپاییان؛ ۲- روزنامه‌ها و گسترش مدارس جدید؛ ۳- نوآوران و پیشگامان مدارس جدید (نظیر: امیرکبیر، آخوندزاده، ملک‌خان، طالبوف، سید جمال الدین اسدآبادی، امین‌الدوله و میرزا حسن رشیدیه). در فصل چهارم نقش و تأثیر انقلاب مشروطیت در گسترش مدارس جدید بررسی می‌شود. فصل پنجم به معرفی مدارس جدید در ایالات و ولایات و شهرهای مختلف در دوره قاجاریه اختصاص می‌یابد. نویسنده در فصل ششم نتایج اجتماعی و سیاسی و آموزشی گسترش مدارس جدید در دوره قاجاریه را نقد و ارزیابی می‌کند. کتابنامه، فهرست راهنما و فهرست اعلام در انتهای کتاب آمده است.

۳۱۵- قاسمی، حبیب. *جغرافیای دشتستان*. قم: همسایه، ۱۳۷۷.

در این کتاب، مؤلف ذیل چند فصل، تصویری از موقعیت طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی شهرستان «دشتستان» واقع در استان بوشهر به دست می‌دهد. برخی سرفصل‌های کتاب از این قرار است: «آشنایی با شهرستان دشتستان»؛ «فهرست اسامی شهرها و روستاهای این شهرستان»؛ «آشنایی با آثار تاریخی دشتستان»؛ «نقاط دیدنی دشتستان»؛ «محصولات کشاورزی و صنایع دستی و رودخانه‌های مهم و ارتفاعات دشتستان»؛ «آشنایی با شهر برازجان»؛ «آشنایی با بخش مرکزی شهرستان دشتستان»؛ «آشنایی با بخش سعدآباد»؛ «آشنایی با بخش شبانکاره». فهرست منابع و مآخذ پایان بخش کتاب است.

چکیده کتابها

۳۱۶- **قصه‌ها و غصه‌ها**. گردآورنده مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، تهران: قدر ولایت، ۱۳۷۷، جلد اول.

این کتاب جلد اول از مجموعه **قصه‌ها و غصه‌ها** است که در آن برخی از اشخاص و روشنفکران معاصر - به ویژه عصر پهلوی - معرفی شده‌اند. در این کتاب مؤلف در قالب چند داستان و حکایت به نگرش و نقش حساس، همچنین اقدامات این روشنفکران در تحولات کشور اشاره می‌کند. برخی از این افراد عبارتند از: میرزا ملکم خان، محمد علی فروغی، «ذکاء الملک» تیمور تاش، قوام السلطنه، سید حسن تقی‌زاده، میرزا محمد خان مصدق السلطنه، اردشیر زاهدی، علی امینی، اسدالله علم، اللهیار صالح، امیر عباس هویدا، پرویز راجی، بنی صدر و پرویز خوانساری.

۳۱۷- **قنوت**، عبدالرحیم. **داستان دانشوران: سرگذشت بزرگان علم و فرهنگ ایران**. مشهد: نیکونشر، ۱۳۷۷، ۴ جلد.

داستان دانشوران مجموعه‌ای است شامل سرگذشت علم و فرهنگ ایران از قرن دوم هجری تا قرن چهاردهم. جلد اول این مجموعه از «بایزید بسطامی» تا «شیخ کلینی» است و شامل اطلاعاتی است از زندگی، آثار، اندیشه‌ها و دستاوردهای مشاهیر ایران در دوره اسلامی که به ترتیب سال درگذشت اشخاص از قرن دوم هجری معرفی شده‌اند. شخصیت‌هایی که در این جلد معرفی می‌شوند عبارتند از: بایزید بسطامی، محمد بن موسی خوارزمی، علی بن ابن طبری، امام محمد بخاری، ابومعشر بلخی، حسین بن منصور حلاج، محمد بن جریر طبری، محمد بن زکریای رازی، ابوزید بلخی و شیخ کلینی. فهرست منابع نیز در صفحات پایانی آمده است. جلد دوم با شرح حال «فارابی» آغاز و با اطلاعاتی درباره «کسای مروتی» به پایان می‌رسد. برخی مشاهیری که مخاطبان در این جلد با آنان آشنا می‌شوند عبارتند از: فارابی، رابعه، دقیقی توسی، کسای مروتی، شیخ صدوق، ابوشکور بلخی. برای نمونه در این جلد به زندگی فارابی در بغداد اشاره می‌شود، همچنین دلایل اشتها، آرا و دیدگاه‌های او در خصوص «مدینه فاضله» ارزیابی

کلچین

می‌گردد و در پایان آثار و سبک نگارش نامبرده معرفی می‌شود. کتاب با تصاویری از مشاهیر یاد شده همراه است. در جلد سوم دوره زندگی «فردوسی» تا «ابوسعید ابوالخیر» ارزیابی می‌شود. اسامی برخی از اشخاص این دوره عبارتند از: فردوسی، ابن سینا، عنصری، منوچهری دامغانی، مسکویه رازی، یکی از این شخصیت‌های برجسته فردوسی است که به زندگی او در دربار غزنه و آل باونه اشاره می‌شود؛ همچنین از ایمان و اعتقاد او و دشمنی سلطان محمود با او سخن به میان می‌آید. کتاب با تصاویری از شخصیت‌های مورد نظر همراه است. جلد چهارم با شرح زندگی ابوریحان بیرونی آغاز می‌شود و با مطالبی درباره ناصر خسرو خاتمه می‌یابد. از دیگر مشاهیری که در این شماره از آنها سخن به میان آمده عبارتند از: باباطاهر عریان، اسدی توسی، فخرالدین اسعد گرگانی، ابوالفضل بیهقی، کتاب با تصاویری از این بزرگان همراه است. ذیل زندگی ابوریحان بیرونی از نحوه تحصیل در علم نجوم و ریاضیات، تحقیقات و ماجرایی او با سلطان محمود، همچنین آثار و عقاید او سخن به میان آمده است.

۳۱۸- قیصری، ابراهیم. *قند مکرر (تکرار مضمون در آثار سعدی)*. تهران: روزنه، ۱۳۷۷. اثر حاضر به بررسی تکرار مضمون در آثار سعدی اختصاص دارد. مباحث کتاب پس از اشاره به چگونگی تألیف بوستان و گلستان، ذیل این عناوین شکل گرفته است: «آب جوی آمد و غلام ببرد»؛ «آب ز سرچشمه ببند»؛ «آه مظلومان»؛ «احوال یعقوب»؛ «ایجاد بنای خیر»؛ «بدخوی و حسود»؛ «برگ درختان سبز»؛ «بهشت بی دوست» و موضوعاتی از این دست.

۳۱۹- کار، مهرانگیز. *رفع تبعیض از زنان: مقایسه کنوانسیون رفع تبعیض از زنان با قوانین داخلی ایران*. تهران: پروین، ۱۳۷۸.

مطالب کتاب حاضر بر پایه «کنوانسیون رفع تبعیض از زنان» به نگارش در آمده است. این کنوانسیون در سال ۱۹۷۹ میلادی از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده که البته دولت ایران هنوز به این کنوانسیون ملحق نشده است. مباحث این کتاب از یک سو به

چکیده کتابها

مطالعه تطبیقی موادی از کنوانسیون - براساس حقوق داخلی ایران - اختصاص یافته و از سوی دیگر امکانات دولت ایران برای الحاق به آن ارزیابی شده است. فصل نخست کتاب حاوی گزارش کوتاهی درباره تحولات حقوق بشر در قرن بیستم میلادی است. در فصل دوم ظرفیتها و تواناییهای فقه شیعه ارزیابی شده که مبنای آن قانونگذاری در ایران است و فصلهای سوم تا هجدهم به مطالعه تطبیقی مواد ۱ تا ۱۶ کنوانسیون در مقایسه با قوانین ایران اختصاص دارد که طی آن موارد اختلاف و انطباق آن استخراج شده است. در پایان هر فصل امکانات موجود برای اصلاح قوانین، همراه با توصیه‌هایی برای رفع اختلاف آمده است.

۳۲۰- کامبخش فرد، سیف‌الله، *گورخمرهای اشکانی: مجله باستان‌شناسی و تاریخ (پیوست شماره ۱)*. ویراستار احمد حب علی موجانی؛ هایدی عبدالحسین زاده، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷.

نوشته حاضر پیوست شماره یک مجله باستان‌شناسی و تاریخ مرکز نشر دانشگاهی است که در آن گزارشی درخصوص مراحل کاوش و دست‌یابی به گورهای دوره اشکانی به چاپ رسیده است. آداب تدفین مردگان اشکانی، بررسی تصویر زندگی پس از مرگ در نزد مردمان آن دوران، آلات و ابزار، زر و زیور و لباس و صنایع دستی چوبی و سفالی ساکنان منطقه آذربایجان و اردبیل کنونی به ویژه منطقه گرمی و مرکز دشت مغان از جمله مباحث این نوشتار است. مهم‌ترین حاصل این کاوش که در سال ۱۳۴۴ صورت گرفته، دست‌یابی به گورهای خمرهای ۲۲۰۰ ساله متعلق به دوران اشکانیان است. کتاب با طرح‌ها و تصاویر متعدد رنگی و سیاه و سفید از محل کاوش و آثار کشف‌شده همراه است و با دو نقشه، فهرست و منابع و مقدمه‌ای به انگلیسی پایان می‌پذیرد.

۳۲۱- *کتاب‌شناسی وقف (کتابها، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌های تحصیلی، وقف‌نامه‌ها)*. تهیه و تنظیم محمد حسن بکائی، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۷۷.

کتاب شناسی وقف مجموعه‌ای است مشتمل بر اطلاعات کتاب شناختی ۲۸۲ کتاب، ۲۲۲ مقاله، ۳۱ پایان نامه و ۱۱۷ وقف نامه که در چهار بخش جداگانه به ترتیب حروف الفبای فارسی عنوان کتاب، مقاله یا پایان نامه تدوین شده است. ذیل هر مدخل این اطلاعات مندرج است: عنوان، نام پدیدآورنده، زبان مدرک، محل نشر، تاریخ نشر، ناشر و سرانجام صفحه‌ای شامل مسائل مربوط به وقف. در پایان کتاب، نمایه مدارک فوق به صورت مجزا آمده است.

۳۲۲- کسروی تبریزی، احمد. *در پیرامون تاریخ*. تهران: فردوس، ۱۳۷۷.

اثر حاضر دربردارنده مباحثی است درباب مفهوم، روش‌ها، اهداف، انواع و دیدگاه‌های مختلف تاریخ نویسی و خطر آلودگی‌های تاریخ نگاری که در پنج فصل با این عناوین فراهم آمده است: ۱- پیرامون تاریخ؛ ۲- تاریخ ایران پس از اسلام؛ ۳- تاریخ و تاریخ نویسان؛ ۴- تاریخ مشروطه و تاریخ هجده ساله؛ ۵- تاریخ درست چیست؟ در دو پیوست کتاب واژه‌های تازه‌ای که در نوشته‌های کسروی به کار رفته، همچنین فهرست کتاب‌ها و آثارش ضمیمه شده است.

۳۲۳- کلانتری باغمیشه‌یی، ابراهیم. *روزنامه‌ی خاطرات شرف‌الدوله (۱۳۲۴-۱۳۲۷ ه.ق.)*. به اهتمام یحیی ذکاء، تهران: فکر روز؛ کلبه، ۱۳۷۷.

در این مجموعه، خاطرات میرزا ابراهیم خان باغمیشه‌ای - مشهور به کلانتر - گردآمده است. وی که پس از انقلاب مشروطه از سوی مردم تبریز به نمایندگی دوره اول در مجلس شورای ملی انتخاب شده بود از روز حرکت از تبریز به تهران (۲۳ ذی‌قعد ۱۳۲۴ ه.ق.) وقایع و پیشامدهای روزانه خود را تا ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷، بر روی اوراقی یادداشت کرده و به صورت کتاب به یادگار نهاده که اینک متن تصحیح شده آن، زیور طبع یافته است. کتاب با شرح حال نامبرده به قلم مصحح آغاز می‌شود و با ذکر خاطرات، به ترتیب روزانه، ادامه می‌یابد و با ۱۹۱ عکس از رجال سیاسی و صحنه‌هایی از انقلاب مشروطه، همچنین نمایه اشخاص، مکان‌ها و شهرها به پایان می‌رسد.

چکیده کتابها

۳۲۴- کیانی، منوچهر. *کوچ با عشق شقایق*. شیراز: کیان نشر، ۱۳۷۷.

در اثر حاضر جلوه‌هایی از شیوه زندگی، اقتصاد، صنایع دستی، آداب و رسوم و هنرهای ایل قشقایی به همراه تصاویر رنگی، انعکاس یافته است. «نگاهی به ایل قشقایی»؛ «دست‌بافت‌های مردم ایل قشقایی»؛ «پوشاک»؛ «تزیینات»؛ «بوست و دستکارهای وابسته به آن»؛ «صنایع غذایی»؛ «مسکن»؛ «موسیقی در ایل قشقایی» و «دیگر هنرهای مردم ایل قشقایی» موضوعات اصلی این کتاب است. فهرست لغات و اصطلاحات در بخش انتهایی کتاب به چاپ رسیده است.

۳۲۵- گزارش‌های نظمیه از محلات طهران: راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه. به اهتمام انیسه شیخ رضائی؛ شهلا آذری، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۷، ۲ جلد.

کتاب دو جلدی حاضر حاوی گزارش‌های منظم وقایع و فعالیت‌های گوناگون اقشار مختلف مردم در محلات مختلف دارالخلافه تهران است که براساس رویدادهای محلات این شهر، توسط منشی‌های نظمیه در سال‌های ۱۳۰۵-۱۳۰۳ تهیه و به ترتیب روزها تنظیم شده است. محلاتی که اتفاقات آنها گزارش شده عبارتند از: «دولت»، «سنگلیج»، «عودلجان»، «چالمیدان» و «بازار». در پایان گزارش‌های هر روز، اسامی کسانی که وارد نظمیه شده و محبوس یا مرخص شده‌اند مندرج است. این کتاب با تعدادی عکس از تهران قدیم همراه شده و با این بخش‌ها خاتمه می‌یابد: «رجال شناسی»؛ «گزیده تصاویر اسناد»؛ «فهرست اشخاص، اماکن، تعزیه‌ها، مشاغل، موضوعی» و «کتابنامه». در پایان کتاب، نقشه تهران عهد ناصری به طبع رسیده است.

۳۲۶- گلزار مشاهیر: زندگینامه درگذشتگان مشاهیر ایران ۱۳۵۸-۱۳۷۶. گردآورنده مریم آقا شیخ محمد؛ سعید نوری نشاط، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی؛ برگ زیتون، ۱۳۷۸.

در مجموعه حاضر، شرح مختصر زندگانی و آثار ۶۶۷ تن از مشاهیر ایران که در فاصله سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۶ بدرد حیات گفته‌اند ذیل شش فصل گردآمده است. به استثنای فصل اول که شامل زندگی نامه حضرت امام خمینی (ره) است، هر یک از فصل‌های بعدی به گروهی از مشاهیر اختصاص یافته است. عناوین این گروه‌ها عبارتند از: «گروه دین»؛ «گروه ادبیات»؛ «گروه علوم نظری»؛ «گروه علوم عملی» و «گروه هنر». زندگی‌نامه‌های هر فصل به ترتیب الفبای نام مشاهیر مرتب شده‌اند. هر زندگی‌نامه با نام، موضوع و زمینه اشتغال، سال و محل تولد، تاریخ و محل درگذشت یا شهادت شخصیت موردنظر آغاز می‌شود، با شرح کوتاهی از زندگانی و آثار او ادامه می‌یابد، سپس با ذکر مآخذ یا منابع خاتمه می‌پذیرد. این کتاب از یازده نمایه نیز برخوردار است: ۱- مدخل‌های اصلی؛ ۲- اسامی اشهر و القاب؛ ۳- اسامی مستعار؛ ۴- اشخاص؛ ۵- شهرها و کشورها؛ ۶- عنوان کتاب‌ها؛ ۷- نمایش‌ها؛ ۸- مجله‌ها و روزنامه‌ها؛ ۹- تخلص شعرا؛ ۱۰- فیلم‌ها؛ ۱۱- مجموعه‌های تلویزیونی. همچنین در بخش «استدراکات» زندگی‌نامه مختصر ۲۳۱ شخصیت دیگر آمده است. فهرست منابع و مآخذ، و تصاویری از درگذشتگان نامبرده در صفحات پایانی کتاب به چاپ رسیده است.

۳۲۷- لاریجانی، محمدجواد. *درس‌های سیاست خارجی*. تهران: مشکوه، ۱۳۷۷.

در این کتاب علاوه بر طرح موضوعات نظری برای فهم و بیان وقایع جهانی، وضعیت دیپلماسی کشور ایران نقد و بررسی می‌شود. اساساً کتاب با این مباحث شکل گرفته است: «فهم وقایع جهانی»؛ «داشتن استراتژی»؛ «طراحی عملیاتی»؛ «ساماندهی اجرایی»؛ «علل ضعف دستگاه سیاست خارجی»؛ «توجیه و تبلیغ در سیاست خارجی»؛ «زمینه‌های ظهور تمدن جدید»؛ «آینده پژوهی» و «پیش‌بینی آینده و مفهوم حکومت».

۳۲۸- لاکهارت، لارنس. افشار نادری، غلامرضا. افشار نادری، اسماعیل. *نادرشاه: آخرین کشورگشای آسیا*. ویراستار نگین ایران‌بان، تهران: دستان، ۱۳۷۷.

در این کتاب مباحث گوناگونی همراه با نوشته‌هایی از نویسندگان مختلف درباره نادرشاه

چکیده کتابها

افشار گرد آمده است. در بخش اول این مباحث مطرح شده است: «پادشاهان»؛ «اوضاع داخلی»؛ «روابط خارجی»؛ «سیاست مذهبی» و «فساد صفویان». در بخش دوم مخاطبان دیدگاه‌ها و نوشته‌های صاحب‌نظران ذیل را مطالعه می‌کنند: «هن وی»؛ «جیمز فریزر»؛ «دکتر لاکهارت»؛ «احمد کسروی»؛ «دکتر رضازاده شفق»؛ «ک. ز. اشرافیان/م. ر. آرونوا»؛ «دکتر عبدالحسین نوایی»؛ «پادری بازن»؛ «محمدحسین قدوسی»؛ «سر پرسی سایکس»؛ «محمد شفیع تهرانی» و «حسن آزاد». این بخش با مطالبی با عنوان «تبار نادرشاه» به پایان می‌رسد. بخش سوم با عنوان «نادرشاه» گنجانده شده که از بیست و شش فصل و سه ضمیمه تشکیل شده است. عناوین تعدادی از فصل‌ها بدین قرار است: «اصل و نسب نادر و اقدامات نخستین او»؛ «اخراج غلجائی‌ها»؛ «اولین جنگ نادر با ترکان و به اطاعت درآوردن ابدالی‌ها»؛ «تاجگذاری نادر»؛ «فتح دوباره قندهار»؛ «حمله به هندوستان»؛ «دوران نیابت سلطنت رضاقلی میرزا»؛ «لشکرکشی به ترکستان»؛ «نبرد داغستان»؛ «شورش در ایران: ۱۷۴۴-۱۷۴۳ م.»؛ «ویژگی‌های شخصیت نادر و دستاوردهای او». فهرست مآخذ و تعدادی تصویر در صفحات پایانی آمده است.

۳۲۹- لامعی، شعبانعلی. *حکایت‌هایی از زندگی دکتر شریعتی*. تهران: قلم، ۱۳۷۷.

این کتاب با چهار عنوان «اجتماعیات»؛ «اسلامیات»؛ «کوپریات» و «شریعتی در آینه خاطرات» فراهم آمده است. قسمت پایانی به خاطرات تنی چند از اشخاص نظیر طالقانی، بازرگان، محمدتقی شریعتی، عبدالکریم شریعتی، مصطفی چمران، صادق زیباکلام و حمید عنایت اختصاص یافته است.

۳۳۰- لچیان، علیرضا. *هنر دینی در گذر زمان*. تهران: آذریون، ۱۳۷۷.

مؤلف کتاب بر آن است با بررسی برخی تمدن‌های پیشرفته جهان و نیز تحقیق در آثار دستاوردهای هنری، از انگیزه خداجویی انسان‌ها در آفرینش آثار هنری پرده بردارد. وی

کلچین

می‌کوشد با اشاره به آن دسته از آثار هنری که متأثر از مذهب است مقوله «دینی بودن آثار هنری» را براساس مصادیق علمی تبیین نماید. این مباحث ذیل هشت بخش با این عناوین سامان یافته است: «تعاریف دین، تاریخ، تمدن و فرهنگ»؛ «هنر اولیه»؛ «تمدن‌های نخستین»؛ «بین‌النهرین»؛ «هنر ایران»؛ «مصر»؛ «هنر یونان» و «هنر ایتالیا».

۳۳۱- متقی‌زاده، احمد. *انقلاب اسلامی ایران و عوامل وقوع آن*. تهران: انجمن قلم ایران، ۱۳۷۷.

در این کتاب که برای تدریس درس «انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن» در دانشگاه‌ها فراهم آمده، عوامل و زمینه‌های وقوع انقلاب اسلامی در ایران ذیل چهار فصل بررسی و تشریح می‌شود. فصل نخست با عنوان «تعریف، مفاهیم و تئوری‌ها» از سه قسمت تشکیل شده است: ۱- تعریف مفاهیم؛ ۲- مروری بر تئوری‌های انقلاب؛ ۳- تئوری‌های انقلاب اسلامی. فصل دوم ذیل عنوان «عوامل نارضایتی مردم از وضع موجود» شامل سه قسمت است: ۱- نقش نظام سیاسی در وقوع انقلاب اسلامی؛ ۲- نقش فرهنگ در وقوع انقلاب؛ ۳- نقش سیستم اقتصادی در وقوع انقلاب. فصل سوم تحلیلی است از «نقش مکتب اسلام و تفکر دینی در ترسیم جامعه مطلوب». در فصل چهارم، مؤلف «عوامل تحریک کننده اراده عمومی» را با این موضوعات برشمرده است: ۱- وجود دشمن مشترک؛ ۲- نقش مکتب اسلام؛ ۳- رهبریت بلامنازع امام (ره)؛ ۴- ریشه تاریخی انقلاب اسلامی (عامل ذهنی)؛ ۵- تاریخ انقلاب اسلامی. کتاب با بررسی «عوامل تسریع کننده انقلاب، وقایع ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۷» به پایان می‌رسد. صفحات پایانی به خاتمه، نتیجه‌گیری و منابع و مآخذ اختصاص دارد.

۳۳۲- مجمع فرهنگی شهید آیت‌الله بهشتی. *حماسه هشت سال دفاع مقدس: در جبهه‌ها چه خبر بود؟*. تهران: مهربان، ۱۳۷۸، جلد اول.

در این کتاب که جلد اول این مجموعه است، شرح مشاهدات و خاطرات نویسنده طی

چکیده کتابها

هشت سال دفاع مقدس و ایام حضور در جبهه، همراه با قطعات و نوشته‌هایی درباره شهیدان و جانبازان گرد آمده است. شرح سلحشوری‌های رزمندگان و ارزش‌های دفاع مقدس با تصاویری از رزمندگان، جبهه‌ها، شهدا و جانبازان از دیگر مطالب کتاب به شمار می‌آید.

۳۳۳- مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت هشتادمین سال شهادت رئیس علی دلواری: ۲۰-۲۲ فروردین ۱۳۷۳. به اهتمام محمد حسن نبوی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۸، جلد دوم.

کتاب حاضر دربردارنده مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت هشتادمین سال شهادت «رئیس علی دلواری» است که از بیستم تا بیست و دوم فروردین ماه ۱۳۷۳ در بوشهر برگزار شد. عناوین مقالات و نام نویسندگان آنها عبارتند از: «پیشینه تاریخی قیام ضد استعماری جنوب ایران/دکتر سید جعفر حمیدی»؛ «آیت‌الله سید عبدالحسین لاری و شهید رئیس علی دلواری/سید علی میر شریفی»؛ «آیت‌الله سید عبدالحسین لاری و نهضت تنگستان/محمد باقر وثوقی»؛ «نقش مردم بوشهر در قیام جنوب/عبدالکریم مشایخی»؛ «بوشهر در تصرف انگلیسی‌ها/دکتر تنهاتن ناصری»؛ «پلیس جنوب ایران/دکتر عبدالحسین شاهکار»؛ «جنبش رئیس علی دلواری و جنبش‌های مسلحانه ضد استعماری/دکتر ایرج نبی‌پور»؛ «شیخ حسین خان چاهکوتاهی و قیام ضد استعماری جنوب ایران/عبدالمجید زنگویی»؛ «حبیب‌الله خان قوام‌الملک شیرازی و نهضت جنوب/سید ابوالقاسم فروزانی»؛ «نقش مرحوم ناصر دیوان‌کازرونی در مبارزات مردم جنوب/موسی مطهری زاده»؛ «پراکندگی قدرت و ماهیت نیروهای محلی منطقه بنادر و سواحل جنوب در زمان اشغال بوشهر و پیدایش نهضت تنگستان (۱۳۳۳ قمری)/حمید اسدپور»؛ «زندگی‌نامه حاج سید محمدرضا کازرونی»؛ «فعالیت مأموران آلمانی در جنوب ایران طی جنگ جهانی اول/دکتر علی بیگدلی» و «جنگ جهانی اول و بازتاب آن در فارس/افشین پرتو». در پایان این مجموعه چند سند تاریخی و تصاویر و اسناد به چاپ رسیده است.

۳۳۴- مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده. زیر نظر حوزه معاونت پژوهشی، ویراستار محمد قره‌چمنی، تهران: دانشگاه هنر، ۱۳۷۸، جلد اول.

مجموعه حاضر دربرگیرنده ۴۱ مقاله از اولین همایش «معماری مسجد: گذشته، حال و آینده» است که تحت عنوان کلی «تبیین ویژگی‌های معماری مسجد: خصوصیات کالبدی - فضایی، خصوصیات ساختاری و جنبه‌های جمالی» گردآوری شده است. تعدادی از مقالات و نویسندگان آن را در پی ذکر می‌کنیم: «فرم‌ها و نقش‌های نمادین در مساجد ایران/رحمان احمدی ملکی»؛ «نیایش و آفرینش فضا/محمدرضا اولیاء»؛ «رابطه بین صورت و معنی در فرایند شکل‌گیری مسجد/جواد عرفانیان»؛ «درآمدی بر مساجد حاشیه خلیج فارس/محمدقائدی»؛ «تقدس و تناسخ در معماری مذهبی/میرعابدین کابلی»؛ «هویت یگانه مسجد/مصطفی کیانی»؛ «بررسی تاریخی مسجد جامع یزد/صدیقه گلشن»؛ «مسجد تمثال انسان کامل/کامبیز نوایی».

۳۳۵- محدث زاده، حسین. عباسی، حبیب‌الله. اثر آفرینان: زندگینامه نام‌آوران فرهنگی ایران (از آغاز تا سال ۱۳۰۰ ش.). زیر نظر کمال حاج سید جوادی، با همکاری عبدالحسین نوایی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷، جلد دوم.

در مجموعه اثر آفرینان زندگینامه نام‌آوران فرهنگی و علمی ایران، اعم از نویسندگان، شاعران، بزرگان دین و عرفا، مترجمان و هنرمندان - از آغاز تا سال ۱۳۰۰ ش. - گرد آمده است. کتاب حاضر، جلد دوم از مجموعه یاد شده است که به حروف «ب» تا «خ» اختصاص داد و با شرح حال «باباافضل کاشانی، افضل‌الدین محمدبن حسن/حسین» آغاز و به «خیری تبریزی» ختم می‌شود.

۳۳۶- محمدخانی، حسین. مثنیین: کندی‌نین تاریخی، دبلری، گلیریولاری، تاریخی سیمالاری و... ویراستار عبدالعلی حجازی، تهران: [بی‌نا]، ۱۳۷۸.

در کتاب حاضر که به زبان ترکی نگارش یافته، روستای «مثنیق» (مثنیین) از توابع شهرستان

چکیده کتابها

شبستر در آذربایجان شرقی معرفی شده، افزون بر آن، ویژگی‌های طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، آثار تاریخی و آداب و رسوم آن بازگو گشته است. مباحث یاد شده با عکس‌ها و تصاویر گوناگونی همراه است.

۳۳۷- محمدی، محمدعلی. *چکیده‌ای از رویدادهای یکصد و بیست ساله اخیر اهواز (بندر ناصریه سابق)*. تهران: تورنگ، ۱۳۷۷.

در اثر حاضر، نویسنده شنیده‌ها و دیده‌های خود را از رویدادها و تحولات یکصد و بیست ساله اخیر شهر اهواز به رشته تحریر کشیده است. شماری از سرفصل‌های کتاب عبارتند از: «حدود جغرافیایی خوزستان»؛ «تأسیسات بندری شرکت نفت»؛ «وجه تسمیه امانیه»؛ «در سال ۱۲۹۵ شمسی سیلی عظیم قسمتی از شهر اهواز را ویران کرد»؛ «اولین خاندانی که به اهواز آمدند خانواده محترم عامری بودند»؛ «مساجد و اماکن مذهبی اهواز»؛ «مقبره علی بن مهزیار»؛ «حوض‌ها موجب شیوع بیماری‌ها به خصوص کوری و کچلی بود»؛ «برای عبور از رودخانه از کلک استفاده می‌کردند»؛ «داماد را شب عروسی با رسوم خاصی به حمام می‌بردند»؛ «باغ‌های اهواز»؛ «لباس محلی مردم اهواز با قبایل بختیاری و لر خوزستان»؛ «پل‌های اهواز و ایجاد راه آهن سراسری»؛ «در صد سال پیش سوخت آشپزخانه با هیزم بود»؛ «اولین تلفنخانه اهواز».

۳۳۸- محمدی، منوچهر. *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مسائل*. تهران: دادگستر؛ ۱۳۷۷.

ارزیابی و تشریح سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، موضوع اصلی این کتاب است که طی آن ابتدا «کلیاتی» درباره ویژگی‌های انقلاب اسلامی، حوزه و قلمرو سیاست خارجی مطرح می‌شود؛ آنگاه در بخش اول «اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی» تشریح می‌گردد. نویسنده در بخش دوم با عنوان «مسائل سیاست خارجی جمهوری اسلامی» تحولات عمده و سیاست‌های مهم در بیست سال گذشته را ارزیابی می‌کند.

۳۳۹- محمدی، منوچهر. *مروری بر سیاست خارجی ایران دوره پهلوی، یا، تصمیم‌گیری در نظام تحت سلطه*. تهران: دادگستر، میزان، ۱۳۷۷.

در کتاب حاضر، سیاست خارجی ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بررسی شده و ویژگی‌ها و عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری سیاست خارجی دوران پهلوی ذیل شش فصل با این عناوین تبیین گردیده است: ۱- تقسیم‌بندی دولت‌ها از نظر میزان استقلال در تصمیم‌گیری سیاست خارجی؛ ۲- اهداف قدرت‌های ذی‌نفوذ و سلطه‌گر در ایران و سیاست‌های آنها (شامل کشورهای روسیه، انگلیس، آمریکا و آلمان)؛ ۳- بررسی تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران در دوران پهلوی اول ۱۳۲۰-۱۲۹۹ (دوره سلطه کامل انگلیس)؛ ۴- دوره تزلزل سلطه (۱۳۳۲-۱۳۲۰)؛ ۵- دوره استقرار سلطه مجدد انگلیس و آغاز نفوذ آمریکا؛ ۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری. در صفحات پایانی کتاب، فهرست منابع و مآخذ آمده است.

۳۴۰- *مدرسه سعادت بوشهر از چند زاویه (مجموعه مقالات، عکس و اسناد)*. گردآورنده عبدالکریم مشایخی، بوشهر: مرکز بوشهرشناسی؛ همسایه، ۱۳۷۷.

اثر حاضر مجموعه مقالاتی است درباره تاریخچه مدرسه سعادت بوشهر و جایگاه این نهاد فرهنگی در تحولات سیاسی و فرهنگی و اجتماعی آن ناحیه. این مجموعه از سالنامه‌ها، جنگ‌ها، آرشیوهای خصوصی و برخی کتاب‌ها گردآوری و چاپ شده است. شایان ذکر است که مدرسه سعادت در سال ۱۳۱۷ ه.ق. به همت مرحوم «احمدخان دریابیگی» حکمران بنادر و جزایر خلیج فارس و بعضی از بازرگانان و دیگر اصناف بوشهری تأسیس شد. عناوین مقالات و نام نویسندگان آنها عبارتند از: «موقعیت جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی بوشهر/عبدالکریم مشایخی»؛ «مختصری از تاریخچه مدرسه سعادت بوشهر/شیخ عبدالکریم سعادت»؛ «بررسی اجمالی حیات فرهنگی مرحوم شیخ عبدالکریم سعادت/علی حق‌شناس»؛ «شیخ محمد حسین سعادت/علی حق‌شناس»؛ «تاریخچه فرهنگ و معارف بوشهر/حسن برازجانی»؛ «شفیق شهریاری، معلم مدرسه سعادت/سید محمد حسن نبوی»؛ «میرزا ابراهیم صدیق، چهره‌ای نه

چکیده کتابها

چندان آشنا و مرگی نابهنگام/سیدمحمد حسن نبوی؛ «نقش تجار در مدرسه سعادت/احمد دشتی»؛ «مدرسه سعادت در اولین روزهای پیروزی مشروطیت در بوشهر/سیدقاسم یاحسینی»؛ «شرح حال خودم از دوران دبستان تا بازنشستگی/احمد صالحی». کتاب با نمایه و تعدادی عکس و تصویر اسناد به پایان می‌رسد.

۳۴۱- مرادی غیاث آبادی، رضا. **منشور کوروش هخامنشی**. تهران: رضا مرادی غیاث آبادی، ۱۳۷۸.

فرمان کوروش کبیر یا «نخستین اعلامیه حقوق بشر» که بر استوانه‌ای گلین به خط و زبان بابلی نگاشته شده اینک با سه زبان فارسی، فرانسه و انگلیسی به چاپ رسیده است. در این کتاب همچنین تصاویری از منشور کوروش، شکل بازنویسی شده منشور کوروش، آرامگاه کوروش، سنگ نبشته کوروش و سنگ نگاره کوروش آمده است.

۳۴۲- **مرتضی کاتوزیان**. تهران: فرهنگسرای یساوی، ۱۳۷۷.

این کتاب شامل گزیده‌ای از نقاشی‌های سیاه و سفید و رنگی مرتضی کاتوزیان است که ذیل هر یک این اطلاعات به زبان فارسی و انگلیسی درج شده است: موضوع (نام نقاشی، سال، نوع رنگ‌آمیزی و اندازه. در قسمت‌هایی از فواصل نقاشی، پرسش و پاسخ‌هایی در زمینه نقاشی، تاریخ نقاشی، سبک‌های نقاشی، نقاشی پس از انقلاب، نمایشگاه‌های نقاشی و غیره گنجانده شده است. در ابتدای کتاب شرح مختصری از زندگانی استاد کاتوزیان به فارسی و در انتهای آن به زبان انگلیسی آمده است.

۳۴۳- مستوفی، عبدالحسین. **تصویر کردها در چرخش حیات اجتماعی ملت‌ها و صفحات تاریخ، از نظر مبانی علمی**. تهران: علم و هنر، ۱۳۷۸.

در این نوشتار کوتاه، نویسنده اطلاعاتی درباره ریشه نژادی و پیشینه کردها، وضعیت کنونی ایشان، همچنین تحولاتی که در دوران معاصر از سرگذرانده‌اند به دست می‌دهد، افزون بر آن

کتابچین

مخاطبان مطالبی درباره سرزمین، مردم و فرهنگ این قوم مطالعه می‌کنند. صفحات پایانی کتاب به تصاویری رنگی از جلوه‌های مختلف جامعه، مردم و سرزمین کردستان اختصاص دارد.

۳۴۴- مصدق، محمد. *اصول وقواعد و قوانین مالیه در ممالک خارج و ایران*. مقدمه عزت‌الله سبحانی، تهران: فرزانه روز، ۱۳۷۷.

مباحث این کتاب حاصل دانش و تجارب عملی دکتر محمد مصدق در دوره تصدی وزارت دارایی است. وی در این کتاب ابتدا تعریفی از بودجه و کلیات آن به دست می‌دهد؛ سپس این عناوین را تشریح می‌کند: «در تهیه و تصویب کتابچه دستورالعمل و بودجه»؛ «در اجرای بودجه»؛ «در تفتیش اجرای بودجه». در بخشی از کتاب، قوانین مالیه ایران با سایر کشورهای اروپایی مقایسه شده است. بخش پایانی کتاب به فهرست عایدات و مخارج بودجه خرج دولت مصوب سال ۱۳۰۱ مجلس شورای ملی، اختصاص دارد.

۳۴۵- معتضد، خسرو. *تنش بزرگ: روابط خارجی ایران در دوران رضاشاه از ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰*. تهران: پیکان، ۱۳۷۸.

بررسی وضعیت قدرت‌های جهانی و موقعیت بین‌المللی و روابط خارجی ایران با کشورهای آلمان، روسیه و انگلستان در دوره رضاشاه موضوع اصلی این پژوهش است. دوران یاد شده تقریباً فاصله زمانی پس از جنگ اول جهانی تا خاتمه جنگ جهانی دوم را شامل می‌شود. عناوین پاره‌ای از سرفصل‌های بیست و یک گانه کتاب بدین شرح است: «مناسبات ایران و آلمان پس از پایان جنگ اول جهانی»؛ «توسعه روابط اقتصادی آلمان با ایران»؛ «صنایع نظامی»؛ «تسلیمات و هواپیمایی نظامی»؛ «سیاست انگلیس در ایران»؛ «ماجرای نفت»؛ «روسیه شوروی و ایران»؛ «آغاز جنگ جهانی دوم در اروپا و پیامدها و واکنش‌های آن در ایران»؛ «رضاشاه، آلمان و شورش عراق»؛ «اشغال آذربایجان در شهریور ۱۳۲۰».

چکیده کتابها

۳۴۶- معصومی، علی. *قصه‌هایی از زندگانی شیخ بهایی: چهره‌ها و قصه‌ها*. تهران: پیام محراب، ۱۳۷۸، جلد چهارم.

در جلد چهارم از مجموعه *چهره‌ها و قصه‌ها*، نوجوانان زندگی نامه داستانی «شیخ بهایی» را در دو فصل مطالعه می‌کنند. فصل اول مطالب و حوادثی است که به نوعی با زندگی شیخ بهایی ارتباط دارد. در فصل دوم حکایات، افسانه‌ها و مطالبی از آثار شیخ بهایی استخراج و به طبع رسیده است.

۳۴۷- ملکی، حسین. *کتاب سیاه: سال‌های نهضت ملی از نهم اسفند ۱۳۳۱ تا مرداد ۱۳۳۲*. تهران: علمی، ۱۳۷۸.

این کتاب جلد هفتم از مجموعه کتاب سیاه است که نویسنده با عنوان سال‌های نهضت ملی وقایع مربوط به نهم اسفند ۱۳۳۱ تا مرداد ۱۳۳۲ را شرح و تحلیل می‌کند. پاره‌ای از سرفصل‌های کتاب به این قرار است: «بیانات حائری زاده در جواب دکتر مصدق»، «اعلامیه دربار»، «جریان لحظه به لحظه واقعه نهم اسفند»، «خلع سلاح»، «پیام آیت‌الله بروجردی»، «خروج اشرف و مادرش»، «مذاکرات با شاه و نخست وزیر»، «علل پنهانی اختلاف شاه و مصدق»، «توطئه مشترک انگلیس و آمریکا برای سقوط مصدق»، «نفوذ حزب توده و نگرانی مراجع مذهبی»، «فتوای آیت‌الله کلباسی درباره حزب توده»، «توقیف شیخ محمد تهرانی»، «پیام نهرو به دکتر مصدق»، «مصدق و هیتلر»، «چگونگی برگزاری رفراندوم»، «تلاش آمریکا برای کودتا در ایران»، «گزارش مفصل روزنامه اطلاعات درباره وقایع ۹ اسفند تا ۱۴ اسفند ۱۳۳۱». صفحات پایانی به فهرست اسامی اختصاص دارد.

۳۴۸- ملکی، خلیل. *نهضت ملی ایران و عدالت اجتماعی*. ویراستار عبدالله برهان، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷.

اثر حاضر مشتمل است بر مجموعه مقالات خلیل ملکی درباره «سوسیالیسم ایرانی» که در

کلچین

دوران مبارزات جنبش ملی شدن صنعت نفت تا زمان حیات دکتر مصدق در نشریات آن عصر چاپ و انتشار یافته است. این مقالات عبارتند از: «سرنوشت تاریخی لیبرالیسم»؛ «شرط ادامه پیروزمندانه نهضت ملی»؛ «عالمی از نو بیاید ساخت»؛ «به سوی آینده»؛ «مبارزه با بزرگترین خطری که نهضت ملی را تهدید می‌کند»؛ «استراتژی و تاکتیک احزاب کمونیست در برخورد با نهضت‌های ملی آسیا و آفریقا»؛ «اختلاف بین کمونیسم و سوسیالیسم طی دو قرن»؛ «تحلیلی از گذشته نهضت ملی بر ترسیم راه آینده»؛ «بیانیه جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی ایران»؛ «حزب ایران نوین یا حزب طبقه جدید».

۳۴۹- مهدی‌نیا، جعفر. *هفت بار اشغال ایران در ۲۳ قرن*. تهران: پانوس، ۱۳۷۷، ۴ جلد. نویسنده در اثر حاضر که شامل چهار جلد است تاریخ ایران را در هفت مرتبه اشغال سرزمین ایران بررسی کرده است. این هفت مرحله عبارتند از: «حملات اسکندر»؛ «اعراب»؛ «سلجوقیان»؛ «مغولان»؛ «تیمور»؛ محمود افغان و اشغال نیروهای شوروی و انگلستان در دوره معاصر. بخش‌های کتاب با این عناوین نظام یافته است؛ جلد اول: ۱- آغاز زندگی و سابقه تمدن و ادیان در ایران باستان؛ ۲- ادیان در ایران باستان؛ ۳- شاهان هخامنشی و حمله اسکندر به ایران؛ ۴- ایران در عهد اشکانیان. جلد دوم: ۵- شامگاه اشکانیان و سحرگاه ساسانیان؛ ۶- عمران و آبادی در عهد ساسانیان؛ ۷- انواع و اقسام مالیات، هنر، تشکیلات اجتماعی و سیاسی - مذهبی، در عهد شاهان ساسانی؛ ۸- ساسانیان در سراسیمه سقوط؛ ۹- تشکیل نهضت‌های ضد عرب؛ ۱۰- جنبش بابک خرم‌دین و سرانجام او. جلد سوم: ۱۱- ایران در اشغال سلجوقیان؛ ۱۲- ایران در تصرف کامل مغول؛ ۱۳- پایان تسلط ایلخانان بر ایران؛ ۱۴- تسلط تیمور لنگ بر ایران؛ ۱۵- ایران بعد از مرگ تیمور؛ ۱۶- تسلط محمود افغان بر ایران. جلد چهارم: ۱۷- پایان ششمین بار اشغال ایران؛ ۱۸- آغاز سلطنت خاندان قاجار؛ ۱۹- هفتمین و آخرین بار اشغال ایران؛ ۲۰- خلاصه تاریخ ایران از عهد باستان تا سال ۱۳۲۵؛ ۲۱- خلاصه تاریخ زندگی و مشخصات شعرا و نویسندگان ایرانی؛ ۲۲- شهرهای باستانی ایران؛ ۲۳- اقلیت‌های ایرانی در

چکیده کتابها

گذرگاه تاریخ (زرتشتیان، ارمنیان، یهودیان و آشوری‌ها). هر یک از مجلدات کتاب با تعدادی تصویر همراه است و با فهرست اعلام به پایان می‌رسد.

۳۵۰- مهیمنی، محمدعلی. *نخبه‌کشی در جامعه شناسی*. تهران: ثالث، ۱۳۷۷.

در تحقیق حاضر، نقش مردم و تحولات اجتماعی ایران در سیر تحولات تاریخی، همچنین نقش فرد در راستای جامعه ایرانی، با مشخصات اجتماعی خاص ایران و مردم آن بررسی و ارزیابی شده است. نویسنده در این پژوهش با نگاهی گذرا به سیر تحولات تاریخی ایران در قبل و بعد از اسلام تا دوران معاصر و ارزیابی نقاط عطف آن، به ویژه ظهور نخبگان مختلف و قیام‌های متعدد مردمی در پویه تاریخ ایران اذعان می‌دارد شرایط اجتماعی و محیطی در ظهور نخبگان انکارناپذیر است؛ همچنین بسیاری از نخبه‌کشی‌ها را در طول تاریخ به سلاطین، حکومت‌های خودکامه، زورمداران، ثروتمندان، اشراف و زمین‌داران و نظایر آنها نسبت می‌دهد، نه مردم و جامعه ایرانی. افزون بر آن نشان می‌دهد بسیاری از قیام‌ها و جنبش‌ها در طول تاریخ از سوی مردم شکل گرفته است. برخی مطالب کتاب بدین قرار است: «درآمدی بر تاریخ ایران»؛ «نخبگان عصر ساسانی»؛ «سه شیوه مبارزه با خلافت (مبارزه فرهنگی، مبارزه مسلحانه و مبارزه نفوذی)»؛ «قیام ابومسلم»؛ «سلسله‌های مستقل ایرانی»؛ «سیمای نخبگان (یحیی برمکی، ابوعلی سینا، نظام الملک)»؛ «سربداران»؛ «فضل‌الله حروفی»؛ «ترکمانان و دراویش صفوی»؛ «شورش‌های مردمی در زمان نادر»؛ «انگیزه‌ها و علل انقلاب مشروطه»؛ «جنبش ملی نفت»؛ «چرا مصدق را دوست دارند؟». کتاب با فهرست منابع و مآخذ به پایان می‌رسد.

۳۵۱- میر ابوالقاسمی، محمد تقی. *گیلان از انقلاب مشروطیت تا زمان ما*. رشت: گیلان؛

تالش، ۱۳۷۷.

در این کتاب ذیل دو بخش، تحولات و تغییرات یکصد ساله اخیر گیلان بررسی شده است.

کتاب‌ها

بخش اول که به رویدادهای تاریخی این منطقه، از مشروطیت تا زمان حاضر اختصاص یافته، شامل این مباحث است: «سالشمار وقایع گیلان»، «نبرد در راه استقلال از انقلاب مشروطه تا قیام جنگل»، «دولت و مجلس و مردم»، «ایران و جنگ جهانی اول»، «نظرات میرزا کوچک خان و حیدر عمو اوغلی»، «از کودتای ۱۲۹۹ تا جنگ جهانی دوم»، «گیلان از جنگ جهانی دوم تا کودتای ۲۸ مرداد»، «از کودتای دوم تا جمهوری دوم»، «پس از استقرار جمهوری اسلامی ایران». در بخش دوم از تغییرات و نوآوری‌های گیلان سخن به میان آمده است. در این بخش این مباحث به چشم می‌خورد: «تحول حقوق مالکیت و پی‌آمدهای آن»، «شهرنشینی و توسعه شهرها»، «مؤسسات آموزشی نوین»، «موقوفات»، «تأمین‌کننده هزینه‌های مالی جنبش‌ها»، «انتشارات و مطبوعات»، «مجامع هنری و گروه‌های نمایش»، «بهداشت - درمان - آموزش پزشکی»، «بازار و تحولات اجتماعی»، «تحولات فرهنگ عمومی در یکصد سال اخیر»، «فروپاشی نظام ایلی و قومی»، «آب و مایه‌های حیاتی آن»، «سرگرمی‌ها و دلبستگی‌های عمومی و مباحثی از این قبیل». صفحات پایانی کتاب به پیوست‌ها، یادداشت‌ها، اسناد و عکس‌ها اختصاص دارد.

۳۵۲- میراث اسلامی ایران. به اهتمام رسول جعفریان، قم: کتابخانه ایت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۷، جلد نهم.

۳۵۳- میرزا سالور، قهرمان. روزنامه خاطرات عین السلطنه: روزگار نیابت سلطنت ناصرالملک همدانی. به اهتمام مسعود میرزا سالور؛ ایرج افشار، تهران: اساطیر، ۱۳۷۷، جلد پنجم.

این کتاب پنجمین جلد از خاطرات «عین السلطنه» و شرحی است از رویدادهای دوران نیابت سلطنت «ناصرالملک همدانی» که از ۱۸ رمضان ۱۳۲۸ تا ۲۶ شعبان ۱۳۳۲ ه. ق. نیابت سلطنت احمد شاه قاجار را عهده‌دار بود. در این مجلد علاوه بر مشروح حوادث تاریخی،

چکیده کتابها

شرح وقایع و مشاهدات و خاطرات سه سفر عین السلطنه به قزوین نیز مندرج است. در بخشی از این کتاب، کتابچه جغرافیای الموت به طبع رسیده است. مطالب این مجلد با اخبار مربوط به تاج‌گذاری احمدشاه خاتمه می‌یابد. «اطلاعاتی درباره الموت، از جمله پاره‌ای واژه‌های تاتی و الموتی؛ غذاهای مرسوم الموت»؛ «اجاره «گون» و طرز تهیه کتیرا در آن نواحی»؛ «خاطرات دوران کودکی و جوانی عین السلطنه»؛ «اطلاعاتی درباره رجال و اشخاص مانند عباس میرزا ملک آرا»؛ «احتساب الملک، مختار الدوله و سید بحرینی»؛ «مسائل مهم اجتماعی و سیاسی دوره نیابت سلطنت»؛ از مطالب کتاب به شمار می‌آید.

۳۵۴- میر محمدی، حمیدرضا. *جغرافیای خوانسار*. قم: دبیرخانه کنگره محقق خوانساری، ۱۳۷۷، ۲ جلد.

اثر دو جلدی حاضر، به مناسبت کنگره بزرگداشت «آقا حسین خوانساری» با این مختصات در یک مجلد چاپ شده است: بخش نخست درباره «جغرافیای طبیعی خوانسار» است که این موضوعات را در بر می‌گیرد: «زمین‌شناسی»؛ «آب و هوا»؛ «ژئومورفولوژی»؛ «منابع آب»؛ «پوشش گیاهی»؛ «زندگی جانوری و بررسی مشکلات طبیعی» در بخش دوم «جغرافیای انسانی خوانسار» با این عناوین بررسی می‌شود: «معناشناسی خوانسار»؛ «ویژگی‌های جمعیتی و جغرافیای شهری خوانسار». بخش سوم که محتوای جلد دوم را تشکیل می‌دهد از شش فصل با این عناوین فراهم آمده است: ۱- بنیادهای فرهنگی خوانسار؛ ۲- بنیادهای مذهبی؛ ۳- آموزش و پرورش و فرهنگ؛ ۴- سابقه نژادی و زبان خوانساری؛ ۵- ویژگی‌های اقتصادی خوانسار؛ ۶- خوانسار در سفرنامه‌ها. کتاب با فهرست منابع و عکس‌هایی از آثار تاریخی و علمای خوانسار به پایان می‌رسد.

۳۵۵- میر نجفی‌زاده، جواد. *مبانی تاریخ اجتماعی ایران در ادوار مختلف*. کرمان: جواد میر نجفی‌زاده، ۱۳۷۷.

در اثر حاضر نویسنده بر آن است شرحی مجمل از اوضاع و احوال اجتماعی مردم ایران در دوره‌های مختلف تاریخی به دست دهد. کتاب از شانزده فصل تشکیل شده که عناوین پاره‌ای از آنها بدین قرار است: «تاریخ اجتماعی و مفهوم آن»؛ «منابع تاریخ دوران ماد و هخامنشی»؛ «وضع اجتماعی دوران ساسانی»؛ «ادوار تاریخ»؛ «عاقبت کار سلسله‌ها و ظهور سلجوقیان»؛ «چگونگی تأسیس دولت صفویه»؛ «وضع اجتماعی افشاریه و زندیه»؛ «اوضاع سیاسی دوران پهلوی»؛ «مسائل اجتماعی خاص در پدید آمدن اجتماع»؛ «عوامل انسانی در تاریخ اجتماعی»؛ «مبانی اساسی زندگی مادی در اجتماعات ایران»؛ «تاریخ سیاسی ایران و اثرات اجتماعی آن».

۳۵۶- مؤمنی، مصطفی. *پایگاه علم جغرافیا در ایران: پایگاه جغرافیای شهری در ایران* زیر نظر علی دهباشی، تهران: فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸، جلد اول.

در کتاب حاضر، پایگاه جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی شهری معاصر در ایران با شیوه‌های کاربرد تحلیلی تکوینی، تحلیل ساختاری و تحلیل کارکردی تشریح شده، همچنین کیفیت هر دوره به طور تطبیقی با دوره موازی آن در جغرافیای شهری غرب ارزیابی می‌شود. در این مجموعه ابتدا نوشته‌های مربوط به جغرافیا به شیوه تقسیم‌بندی موضوعی و دوره‌بندی جغرافیای شهری فراهم آمده سپس دیدگاه‌ها، مضامین، محورها، وظایف و جهات علمی پایگاه کنونی جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی شهری مشخص شده است. مطالب پایانی نیز مربوط به روند آتی جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی شهری در ایران است.

۳۵۷- مؤیدی شوشتری، اکرم. *شوشتر یعنی خویشتن: بررسی جغرافیای طبیعی، ویژگی‌های باستانی، تاریخ، جغرافیای انسانی و جغرافیای اقتصادی شهر شوشتر*. اهواز: آیات، ۱۳۷۷.

در این کتاب جغرافیای طبیعی، ویژگی‌های باستانی، تاریخ، جغرافیای انسانی و جغرافیای اقتصادی شهر «شوشتر» ذیل ده فصل بررسی شده است: ۱- جغرافیای طبیعی شوشتر؛ ۲- ویژگی‌های باستانی شهر شوشتر؛ ۳- تاریخ شوشتر؛ ۴- آثار باستانی شهر شوشتر؛ ۵- جغرافیای انسانی شهر شوشتر؛ ۶- آداب و رسوم مردم شوشتر؛ ۷- علما و مشاهیر شوشتر؛

چکیده کتابها

۸- شعرای شوشتر؛ ۹- جغرافیای اقتصادی شوشتر؛ ۱۰- خدمات. پایان کتاب به تصاویری رنگی از مباحث مطرح شده و فهرست منابع اختصاص دارد.

۳۵۸- ناظمی، نازیلا. *نوروز ایرانیان*. تهران: کتاب همراه، ۱۳۷۷.

در این اثر مؤلف بر آن است ضمن بررسی سیر تاریخی برگزاری جشن نوروز در میان ایرانیان، جایگاه آن را در اسلام تبیین نماید. مطالب کتاب طی سه فصل مرتب شده که عناوین آنها به این شرح است: «نوروز در ایران باستان»، «نوروز در دوره اسلامی» و «سنت‌های نوروزی در باورهای محلی ایران». ذیل سه فصل یاد شده، آیین‌های ویژه ایام نوروز به همراه تصاویر آمده است.

۳۵۹- *نامواره دکتر محمود افشار*. گردآورنده ایرج افشار، با همکاری محمدرسل

دریادگشت، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۸، جلد دهم.

در دهمین جلد از مجموعه *نامواره دکتر محمود افشار* پنجاه و هشت مقاله گردآمده که عناوین برخی از مقالات آن بدین قرار است. «اینوه ماساجی ژاپنی در ایران/دکتر هاشم رجب‌زاده»، «نمادشناسی اساطیر ایرانی/محمد شکری فومشی»، «تالش در عصر مشروطیت/علی عبدلی»، «قندهار و غزنی/محمدرضا خسروی»، «فتوالیسم چیست؟ و فتودال کیست؟/دکتر حسن شایگان»، «ایران از ساتراپی تا ممالک محروسه/احمد توکلی»، «ذیل تاریخ گزیده/دکتر عبدالحسین نوایی»، «توضیح درباره ذیل تاریخ گزیده/ایرج افشار»، «بلوچستان در سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۷/احمد اقتداری»، «خلد برین و مؤلف آن/دکتر سیدآقا عون‌اللهی»، «واسموس و حیدرخان حیات داودی/محمد کرم‌پور»، «واقعۀ بست نشستن سرباز در حضرت عبدالعظیم/عبدالله عقیلی»، «اسکندر گجسته و مردم کازرون/حسن حاتمی»، «اولیاءالله آملی/حسین صمدی» و «صفویه و افشاریه در زبده‌التواریخ/محمدنادر نصیری مقدم». کتاب با سه ضمیمه به پایان می‌رسد که عبارتند از: ۱- قلمرو فارسی؛ ۲- نامه‌های دوستان؛ ۳- یادداشت‌های تاریخی و ادبی.

کلچین

۳۶۰. نامه‌های تبریز از ثقة الاسلام به مستشارالدوله (در روزگار مشروطیت). به اهتمام ایرج افشار، تهران: فرزانه روز، ۱۳۷۸.

در مجموعه حاضر ۱۲۸ نامه و ۶۰ تلگراف از ثقة الاسلام تبریزی - میرزا علی آقا - (۱۲۷۷-۱۳۳۰ ه.ق.) به طبع رسیده است. این تلگراف‌ها از تبریز به تهران و خطاب به میرزا صادق‌خان مستشارالدوله (وکیل آذربایجان در دوره‌های اول و دوم) ارسال شده است. ثقة الاسلام در این نامه‌ها وقایع مربوط به تبریز و دیگر شهرهای آذربایجان را به مستشارالدوله بازگو نموده است. نامه‌ها و تلگراف‌های مذکور در فاصله سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۹ ه.ق. نوشته شده و در این کتاب به ترتیب سال و شماره گرد آمده است.

۳۶۱. نراقی، حسن. چکیده تاریخ ایران: از کوچ آریایی‌ها تا پایان سلسله پهلوی. تهران: آتیه، ۱۳۷۸.

چکیده تاریخ ایران شرح اجمالی یک دوره تاریخ سیاسی ایران از مهاجرت آریایی‌ها تا پایان سلسله پهلوی است که در هر فصل آن، مخاطبان با یک دوره تاریخی و با یک سلسله حکومتگر، آشنا می‌شوند. رویدادهای تاریخی، آغاز و انجام یک سلسله یا دوره، برجسته‌ترین حکمرانان و مهم‌ترین اقدامات آنها از موضوعات هر فصل کتاب به شمار می‌آید. تعدادی از سرفصل‌های کتاب عبارتند از: «مختصری درباره «ایران زمین» سرآغاز تاریخ ایران»؛ «هخامنشیان»؛ «سلوکیان»؛ «پارتیان»؛ «ساسانیان»؛ «ظهور اسلام»؛ «خلافت عباسیان»؛ «صفاریان و سامانیان»؛ «دیلیمان»؛ «غزنویان»؛ «سلجوقیان»؛ «خوارزمشاهیان» و «اتابکان».

۳۶۲. نصیبی، محمد ولی. گذری بر تاریخ و جغرافیای شهر سیس و توابع. تبریز: پرور، ۱۳۷۷.

کتاب حاضر مشتمل است بر اطلاعاتی درباره موقعیت و ویژگی‌های جغرافیایی و پیشینه تاریخی شهرستان «سیس» از توابع شهرستان شبستر. پاره‌ای از موضوعات کتاب بدین قرار

چکیده کتابها

است: «وجه تسمیه سیس»، «موقعیت جغرافیایی»، «ویژگی‌های عمومی شامل: «آب و هوا، آب، رودخانه، پوشش گیاهی، زمین‌شناسی»، «ویژگی‌های کشاورزی»، «مشاغل و فعالیت‌های اقتصادی»، «فرهنگ»، «خصوصیات مردم سیس»، «سابقه تاریخی سیس»، «آثار تاریخی و مذهبی شامل: مزار و گنبد شیخ مجدالدین، مزار و مرقد پیر رجب، شیخ شرف شاه «سیسی» مزار و مرقد شیخ عز ساوشانی، مسجد محمد حنیفه و آثار تاریخی دیگر». کتاب با تعدادی جدول و نمودار و نقشه و تصویر همراه شده و با فهرست مآخذ خاتمه می‌پذیرد.

۳۶۳- نظام الدین زاده، حسن. *هجوم روس و اقدامات روسای دین برای حفظ ایران*. به اهتمام نصرالله صالحی، تهران: تیراژه، ۱۳۷۷.

در سال ۱۳۳۰ ه. ق. روسیه به خاک ایران تجاوز کرد. این امر خشم علما و آیات عظام - مستقر در عتبات - را برانگیخت. نویسنده در این کتاب کوشیده است تلاش علما را در ترغیب مردم به مقاومت علیه متجاوزان به تصویر کشد. نویسنده کتاب یکی از شاهدان عینی بوده و کتاب را یک سال بعد از پایان نهضت علما در بغداد، منتشر کرده است. در این کتاب، افزون بر مشاهدات نگارنده، تلگراف‌های متبادله بین کاظمین و شهرهای مختلف ایران، گرد آمده است. کتاب با مقدمه و روزشمار وقایع سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۲۴ ه. ق. آغاز می‌شود و صفحات پایانی آن به فهرست اعلام اختصاص می‌یابد.

۳۶۴- نظامی، الیاس بن یوسف. *اقبالنامه*. مصحح حسن وحیدی دستگردی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی؛ حوزه هنری، ۱۳۷۸.

اقبالنامه از مجموعه *خمسه نظامی* با تصحیح «حسن وحیدی دستگردی» چاپ دیگری است که همراه با شرح برخی ابیات و عبارات فراهم آمده است. در این اثر، زندگی اسطوره‌ای اسکندر با چهره‌ای مقدس به زیور نظم آراسته شده است.

۳۶۵- نقد فیلم در ایران. به اهتمام محمد عبدی، تهران: آگه سازان، ۱۳۷۷.

این کتاب متشکل از سه بخش است که بخش نخست آن به بررسی تاریخچه نقد نویسی از زمان شکل‌گیری تا عصر حاضر اختصاص دارد. در بخش دوم آثار سه منتقد تاریخ مطبوعات ایران، یعنی: «شمیم بهار»، «پرویز دواپی» و «کیومرث وجدانی» همراه با ارائه نمونه‌ای از کار هر یک ارزیابی می‌شود. بخش سوم حاصل گفت و گو با سه منتقد است که عبارتند از: «جمشید ارجمند»، «خسرو دهقان» و «شهرام جعفری نژاد». در صفحات پایانی کتاب گفت و گویی با بهرام بیضایی درباره «نقد و نقدنویسی» به چاپ رسیده است.

۳۶۶- نواب صفا، اسماعیل. قصه شمع: خاطرات هنری. تهران: البرز، ۱۳۷۷.

قصه شمع شامل خاطرات متنوعی است از هنرمندان موسیقی اصیل ایرانی که در سال ۱۳۴۰ طی برنامه‌ای با همین عنوان تهیه و از رادیو ایران پخش شده است. در این مجموعه افزون بر شرح گوشه‌هایی از زندگی هنرمندان، نام کنسرت‌های موسیقی، آهنگ‌ها، اشعار، ویژگی‌های اخلاقی همراه با مصاحبه‌ها، تصاویر و اسناد متعدد به چاپ رسیده است. برخی از این افراد عبارتند از: قمرالملوک وزیری، ابوالحسن صبا، لطف‌الله مجید، احمد عبادی، غلامحسین بنان، داریوش رفیعی، روح‌الله خالقی، مجید وفادار، مهدی خالدی، حسین یاحقی، مرتضی و رضا محجوبی.

۳۶۷- ورجاوند، پرویز. سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین. تهران: نشر نی، ۱۳۷۷.

این مجموعه در سه جلد به چاپ رسیده است. جلد اول با عنوان جغرافیا و محیط زیست، نام و تاریخ پژوهشی است گسترده درباره تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قزوین، همچنین معرفی آثار تاریخی این منطقه که با این موضوعات سامان یافته است: ۱- چگونگی اوضاع جغرافیایی و زیست محیطی و منابع؛ ۲- نام قزوین و ریشه آن؛ ۳- تاریخ و رویدادهای قزوین در سیر زمان از آغاز تا دوران قاجاریه؛ ۴- قزوین و رویدادهای آن در دوران قاجاریه؛

چکیده کتابها

۵- رویدادهای آغاز مشروطیت، استبداد صغیر و پیروزی مشروطه خواهان؛ ۶- قزوین در دوران احمدشاه و جنگ جهانی اول؛ ۷- رویدادها و حکمرانان و فرمانداران قزوین از آغاز مشروطیت تا کودتای ۱۲۹۹؛ ۸- قزوین در کودتای ۱۲۹۹ سید ضیاء و رضاخان میرپنج؛ ۹- حکمرانان قزوین از کودتای ۱۲۹۹ تا سلطنت رضاشاه؛ ۱۰- پایان کار سلسله قاجار و پادشاهی رضاشاه و فرمانداران قزوین؛ ۱۱- سرای درم یا «دارالضرب» قزوین، نگاهی به سکه‌های ضرب قزوین از دوران آل بویه تا قاجاریه. کتاب همراه با مجموعه‌ای از عکس‌های تاریخی، تصویر اسناد و سکه‌ها به طبع رسیده است. جلد دوم کتاب با عنوان فرهنگ سرزمین قزوین، نگرشی بر موقعیت، جمعیت، ... پژوهشی است در باب فرهنگ، موقعیت، جمعیت، مردم‌شناسی، زبان و سرایندگان و پیشینه دانش و هنر در سرزمین قزوین. در این جلد، بخش‌های دوازدهم تا بیستم با این عناوین به طبع رسیده است: ۱۲- قزوین در بخش‌بندی‌های ایالاتی و ولایاتی و تقسیمات کشوری در سیر تاریخ؛ ۱۳- موقعیت و اهمیت قزوین در مسیر راه‌ها در طول تاریخ؛ ۱۴- سیری در جمعیت‌شناسی قزوین؛ ۱۵- نگاهی بر مردم‌شناسی قزوین؛ ۱۶- آیین اسلام و جنبش‌های مذهبی مربوط به آن و مردم قزوین در سیر زمان؛ ۱۷- ارمنیان، یهودیان و زرتشتیان قزوین؛ ۱۸- نگاهی به نهادها و پیشینه کوشش‌های علمی حوزه قزوین در سیر زمان؛ ۱۹- شاعران و سرایندگان قزوین؛ ۲۰- هنر و هنرآفرینان قزوین. مطالب یاد شده با تصاویر متعددی همراه است. جلد سوم با عنوان سازمان حکومتی، نهادها و اوضاع اقتصادی، و کوشش‌های فرهنگی خاندان‌های قزوین پژوهشی است که بیشتر به سده‌های اخیر مربوط می‌شود. در این جلد برخی خاندان‌های این منطقه نیز معرفی شده است. این جلد شامل بخش‌های بیست و یکم تا بیست و هفتم است که با این عناوین به طبع رسیده است: ۲۱- حکمران، سازمان حکومتی و اداره شهر؛ ۲۲- خراج و مالیات قزوین در دوران‌های گذشته، دفترهای بودجه مالیاتی قزوین؛ ۲۳- نگاهی گذرا بر اوضاع اقتصادی قزوین در عهد قاجاریه تا آغاز مشروطیت؛ ۲۴- نگاهی به چگونگی شکل‌گیری و عملکرد برخی از

کلچین

سازمان‌های حکومتی قزوین از بعد از مشروطیت تا دوران رضاشاه؛ ۲۵- کوشش‌های فرهنگی در شهر قزوین در سال‌های پایانی دوران قاجاریه و دوران رضاشاه؛ ۲۶- خاندان‌های قزوین؛ ۲۷- سیری در چگونگی اوضاع و رویدادهای شهر قزوین از دوران مظفرالدین شاه تا ریاست وزرایی سردار سپه و رفتن احمدشاه به فرنگ به روایت یادداشت‌های تاریخی روزانه عین‌السلطنه. مطالب یاد شده با عکس‌ها و تصاویر اسناد متعدد همراه شده و با فهرست منابع و اعلام هر سه جلد به پایان می‌رسد.

۳۶۸- وزیری، علینقی. *موسیقی نامه وزیری: مجموعه مقاله‌ها، مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و قلم‌اندازی‌های پراکنده*. گردآورنده علیرضا میرعلینقی، تهران: معین، ۱۳۷۷.

در این مجموعه که ذیل چهل و دو فصل تدوین شده مقاله‌ها، مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و نوشته‌های پراکنده «علینقی وزیری» درباره موسیقی گردآمده است. عناوین برخی فصل‌ها از این قرار است: «موسیقی ایران در کتاب دستور تار»، «صنایع ظریفه»، «در عالم موسیقی و صنعت»، «به یاد شاهزاده ایرج میرزا جلال الممالک»، «یادگاری‌های مدرسه عالی موسیقی در تاریخ»، «دو نطق در مراسم سالانه مدرسه عالی موسیقی»، «مدرسه موسیقی از مدارس عالی است» و «موسیقی هم علم است و هم صنعت».

۳۶۹- هاشمی، مصطفی. *مجموعه مقاله‌های سمینار ساماندهی و بهسازی روستاهای استان فارس، شیراز: ۲۶ و ۲۷ آذر ۱۳۷۵*. ویراستار سارا سلامی، شیراز: جهاد سازندگی استان فارس، ۱۳۷۷.

مجموعه حاضر حاوی مقالاتی است که در ۲۶ و ۲۷ آذرماه ۱۳۷۵ در سمینار ساماندهی و بهسازی روستاهای استان فارس، در شیراز عرضه شده است. عناوین مقالات و نویسندگان آنها عبارتند از: «محورهای مسائل و مشکلات روستاهای استان فارس/دکتر مهیار اردشیری»، «بررسی تطبیقی طرح‌های هادی روستایی/دکتر سید حسن حسینی ابری»، «واکاوی توسعه

چکیده کتابها

کالبدی روستاها با نگرش بر استان فارس/محمدرضا بذرگر؛ «بررسی اقتصادی ساماندهی روستایان و تأثیر آن بر قابلیت تولیدات کشاورزی/مهندس رضا صداقت و دکتر بهاءالدین نجفی»؛ «استقرار شهرک‌های خدماتی در مناطق روستایی با استفاده از مدل جاذبه/دکتر خسرو موحد»؛ «الگویی برای ساماندهی روستاهای استان فارس/فاطمه تقی‌زاده»؛ «برنامه‌ریزی ناحیه‌ای برای سازماندهی خدمات روستایی/علی منصوری»؛ «بررسی راهبردهای ممکن برای اتخاذ مناسب‌ترین شیوه مدیریت و مشارکت در ساماندهی روستاها/مهندس احمد شیرازیان»؛ «ساماندهی و مدیریت در روستاها/مهندس حمید کریمی» و «بررسی تغییرات ساختار قدرت در روستاهای استان فارس/دکتر عبدالعلی لهرسایی‌زاده».

۳۷۰- هنری، مرتضی. *نوروزگان: گفتارها و سرودهایی در آیین نوروزی*. تهران: سروا، ۱۳۷۷.

این کتاب مشتمل است بر سرودها، گفتارها، آداب و رسوم عید نوروز که مؤلف طی آن با مروری تاریخی بر پیشینه و ویژگی‌های عید نوروز، مباحث خود را این گونه تنظیم می‌کند: فصل 'اول شامل آیین‌های نوروز است، مانند: «گاه‌شماری»، «روز نو»، «جشن آغاز»؛ «پنجه اندر»؛ و «فروردین ماه فروهرها». فصل دوم به مراسم و آیین‌های گوناگون چهارشنبه سوری اختصاص دارد. مطالب فصل سوم مربوط به مقدمات نوروز و مراسم تحویل سال است و فصل چهارم به مراسم سیزده بدر اختصاص یافته است. در پایان کتاب سروده‌های نوروزی از شعرای بزرگ مانند فردوسی، سعدی، مولوی و حافظ جمع آمده است.

۳۷۱- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا. *صحنه‌هایی از تاریخ معاصر ایران: مجموعه مقالات*. تهران: علمی، ۱۳۷۷.

در اثر حاضر گوشه‌هایی از تاریخ معاصر ایران ذیل بیست فصل بررسی و ارزیابی می‌شود:

- ۱- سیاست‌های خارجی امیرکبیر؛ ۲- سقوط میرزا تقی‌خان امیرکبیر/مسئله اقتدار وزارت در

دوران قاجار؛ ۳- میرزا آقاخان نوری تبعه انگلیس بود یا تحت الحمایه؛ ۴- ایران و بریتانیای کبیر؛ ۵- سلطان رضاخان در جنگ با مشروطه طلبان تبریز؛ ۶- استخدام مورگان شوستر و پیامدهای سیاسی آن؛ ۷- بانک شاهنشاهی و دولت ایران؛ ۸- کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و نقش وینستون چرچیل؛ ۹- رقابت استاندارد اوایل - سینکر در کسب امتیازات نفت شمال ایران (۱۹۲۰-۱۹۲۵)؛ ۱۰- افسانه اتحاد رضاشاه با آلمان هیتلری؛ ۱۱- سرنوشت خاندان سلطنتی قاجار؛ ۱۲- انگلیس‌ها و بازگشت سلسله قاجاریه؛ ۱۳- سرآغاز پشتیبانی آمریکایا از حکومت فردی در ایران؛ ۱۴- مسئله آذربایجان چگونه حل شد؛ ۱۵- روزی که دکتر مصدق انگلیسی‌ها را از ایران بیرون کرد؛ ۱۶- بیست و پنج سال همکاری محرمانه شاه و اسرائیل؛ ۱۷- راهی که پیشنهاد کردیم و تصویب نشد؛ ۱۸- آخرین مصاحبه منتشر نشده شاه؛ ۱۹- پایان کار محمدرضا پهلوی؛ ۲۰- آخرین روزهای لوئی شانزدهم. صفحات پایانی کتاب به فهرست اعلام اختصاص دارد.

۳۷۲- یزدانی، زینب. *زن در شعر فارسی (دویروز - امروز)*. ویراستار منوچهر علی‌پور، تهران: فردوس، ۱۳۷۸.

اثر حاضر تحقیقی است درباره «سیمای زن» در ادبیات فارسی که در سه فصل: «ملاحظات نظری»، «سیمای زن در ادبیات منظوم پیشین» و «سیمای زن در ادبیات منظوم امروز» نظام یافته است. در این نوشتار جایگاه زن در ادبیات ایران و نگاه شاعران نسبت به او بیان شده است. نگارنده در این اثر پس از بررسی موقعیت اجتماعی، فرهنگی زن در جامعه، به اشعار شاعران بزرگ و صاحب سبک استناد می‌کند. مخاطبان برخی مباحث کتاب را با این عناوین پی می‌گیرند: «زن وسیله‌ی دست‌یابی به معرفت»؛ «پند و اندرز زن به مرد»؛ «زن و توجه او به عرفان و معرفت»؛ «آه و نقرین زن و تاثیر آن در زندگی»؛ «جایگاه زنان اسطوره‌ای در شعر امروز»؛ «زن به عنوان همسری در خور ستایش» و «زن و همانندی او به آینه و آسمان و پرنده».

فہرست اعلام

آ

- آبراهامیان، یرواند ۱۳۳
آثار باستانی - آثار تاریخی
آثار تاریخی ۵۶، ۷۲، ۱۷۴، ۱۹۲، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۳۲، ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۹۱، ۲۹۳، ۲۹۴، ۳۵۷، ۳۳۶
آخوندزاده، فتحعلی ۱۹۹، ۳۱۴
آداب طریقت ۲۳
آداب و رسوم ۵، ۱۶۰، ۱۶۸، ۱۷۲، ۱۸۶، ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۲۳، ۲۶۵، ۲۸۳، ۲۹۴، ۳۳۶، ۳۷۰، ۳۵۸، ۳۷۰
آدمیت، فریدون ۲۸۹
آذربایجان ۶، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۶۸، ۲۰۵، ۲۲۹، ۲۳۵، ۳۰۴، ۳۶۰
آذربایجان شرقی ۳۲۰، ۳۳۶، ۳۶۲
آذری، شهلا ۳۲۵
آذری، علاءالدین ۱
آریایان ۲۳۳، ۲۶۳، ۲۸۵، ۳۶۱
آزادی ۱۹۴، ۲۱۴
آزادخواهی ۲۴۱، ۲۵۵، ۳۴۸
آستانه حضرت عبدالعظیم ۳۵۹
آسمان (در اساطیر) ۱۰۶
آسوریان ۳۴۹
آسیای جنوب شرقی ۱۴
آسیای جنوب غربی ۱۴
آسیای مرکزی ۱۴، ۴۷
آسیای میانه - آسیای مرکزی
آشوریان - آسوریان
آصف فکرت، محمد ۲
آغامحمدقاجار ۲۶۱
آفریقا ۱۴
آفاجمال خوانساری، محمدبن حسین ۸۸، ۲۷۷
آقاحسین خوانساری - محقق خوانساری، حسین بن محمد

آقاراضی خوانساری ۲۷۷

آقاشیخ محمد، مریم ۳۲۶

آقامحمد قاجار - آغامحمد قاجار

آق قوینلو ۷۸

آل احمد، جلال ۱۸۹

آل بویه ۲۳۲، ۲۹۴

آل زیار ۲۴۴

آل فریفون - فریفونیان

آلمان ۲۷۵، ۳۲۸، ۳۳۹، ۳۴۵

آملی، هاشم ۱۶۲

آموزش ۱۲۹

آموزش عالی ۱۶۱

آموزش و پرورش ۱۶۱، ۳۱۴

آوازه‌های محلی - موسیقی محلی

آوانسیان، اردشیر ۱۶۳

آهنچی، آذر ۳

آیت‌اللهی، علیرضا ۱۶۴

آینده‌نگری ۳۲۷

آیین‌مانی - مانویت

الف

ابراهیم‌خان اعتمادالدوله - کلانتر، محمد ابراهیم
بن هاشم

ابر در ادبیات ۱۱۵

ابن‌اشعث - سجستانی، عبدالله بن سلیمان

ابن‌العربی، محمدبن عبدالله ۲۳

ابن‌المقفع، عبدالله بن دادویه ۷۳

ابن‌بابویه، محمدبن علی ۳۱۷

ابن‌سینا، حسین بن عبدالله ۷۴، ۳۱۷، ۳۵۰

ابن‌عربی - ابن‌العربی، محمدبن عبدالله

ابن‌فارض، عمر بن علی ۴۶

ابن‌مسکویه، احمد بن علی ۳۱۷

ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین ۸۳

ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد ۳۱۷

گلچین

- ابوزید، احمدین سهل ۳۱۷
 ابوزید بلخی - ابوزید، احمدین سهل
 ابوسعید ابوالخیر ۳۱۷
 ابوشکر بلخی ۳۱۷
 ابوعلی سینا - ابن سینا، حسین بن عبدالله
 ابومسلم خراسانی، عبدالرحمن بن مسلم ۳۵۰
 ابومعشر الفلکی، جعفر بن محمد ۳۱۷
 اتابکان فارس ۲۳۲
 اتابکی، تورج ۴
 اتحادیه، منصوره (نظام مافی) ۱۶۵
 اجاره ۱۶۵
 احادیث ۲۰۴
 احتساب الملک - صبا، فتحعلی بن محمد
 احمد سلطان خان مغول ۷۲
 احمد قاجار ۳۰۴، ۳۵۳، ۳۶۷
 احمدیان، ابراهیم ۲۵۹
 احمدی، حمید ۱۶۶
 احمدی ملکی، رحمان ۵، ۶
 احیاء علوم الدین ۳
 اخلاق ۲۱۴
 اخلاق اسلامی ۱۷۹
 اخوان الصفا، ۲۴
 اخوان ثالث، مهدی ۱۱۵
 اخوت، محمدرحیم ۷
 ادبیات ۶۴
 ادبیات آمریکایی ۸۶
 ادبیات انگلیسی ۸۶
 ادبیات ایرانی ۲۸، ۱۸۷، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲
 ادبیات باستان ۸۹
 ادبیات بودایی ۱۷۹
 ادبیات پهلوی ۱۸، ۲۸۳
 ادبیات روسی ۱۱۹
 ادبیات سیاسی ۴
 ادبیات عامه ۸۸
 ادبیات عامه آذربایجانی ۶
 ادبیات عربی ۷۳
 ادبیات فارسی ۴، ۲۱، ۲۳، ۲۸، ۳۴، ۴۲، ۴۶، ۹۸، ۱۵۲، ۱۵۸، ۱۸۸، ۲۳۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۷۲
 ادبیات فرانسه ۹۸
 ادبیات کردی ۲۸۳
 ادبیات و اجتماع ۲۵۲
 ادبیات و اخلاق ۲۵۲
 ادیان ایرانی ۱۵، ۳۵، ۶۶، ۱۳۶، ۳۴۹
 اذکایی، پرویز ۸
 آرامنه ۱۵۰، ۳۴۹، ۳۶۷
 ارتش ۲۷۲
 ارتش ایران ۲۲۹
 ارجمند، مهدی ۱۶۷
 اردبیل (استان) ۳۱۳، ۳۲۰
 اردستان ۷۶
 اردلان، علی ۲۵۶
 ارفع الدوله - ارفع، رضا
 ارفع، رضا ۲۲۵
 ارکستر ۱۵۹
 ارمنی‌ها - آرامنه
 اروپا ۲۵۴، ۳۱۴، ۳۴۴
 اروپای جنوبی ۲۹
 اروپای شرقی ۲۹
 ازبکان ۱۹۳
 ازبکستان ۴۷
 ازدایی ۱۵
 ازداییان ۱۵
 ازدواج - زناشویی
 ازدواج زردشتی - زناشویی (زردشتی)
 ازرقی همدانی ۱۱۵

فهرست اعلام

- اساطیر ۵۲
اساطیر ایرانی ۵، ۵۲، ۱۰۶، ۱۸۷، ۱۹۷، ۲۶۳، ۳۵۹، ۳۶۴
استانبول ۱۹۹، ۲۲۵، ۲۷۵
استانداران و فرمانداران ۲۷۲، ۳۶۷
استاندارد ۲۳۸
استعمار انگلستان ۶۹
استعمار فرهنگی ۲۰۸، ۲۸۹
استکبار ۱۸۰
استولز، کارل ۱۷
اسحاقیان، جواد ۹
اسدآبادی، جمال ۳۱۴
اسدی، تیسپه ۱۹۸
اسدی، علی بن احمد ۳۱۷
اسفندیاری بختیاری، ثریا ۲۹۰
اسکندر گجسته ۳۵۹
اسکندر مقدونی ۱، ۱۹۷، ۲۶۳، ۳۴۹، ۳۶۴
اسکندرنامه ۲۶۳
اسکندری، ایرج ۱۸۹
اسلام ۱۷۲، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۷، ۲۰۷، ۲۹۵، ۳۳۱، ۳۵۲، ۳۵۸
اسلام‌شناسان ۳۲۹
اسلام‌گرایی ۱۴
اسلام و دولت ۷۵، ۹۲، ۱۱۷، ۱۳۴، ۱۴۴
اسلام و سیاست ۷۵، ۹۲، ۱۳۴، ۱۴۴
اسلام و موسیقی ۱۶۲
اسلامی ندوشن، شیرین - بیانی، شیرین
اسماعیل پور، ابوالقاسم ۱۱
اسماعیل پور، جمشید ۱۶۸
اسماعیلیان ۲۰۳، ۳۱۴
اسماعیلی، حسین ۱۲
اسماعیلی، محمود ۱۶۹
اسماعیلیه ۱۸۲، ۲۰۳
- اسناد ۲۲، ۲۷، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۱۱۰، ۱۲۳، ۱۵۵، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۰۲، ۳۲۵
اشراقی، جعفر ۱۸۱
اشرف‌الملوک قاجار ۲۹۰
اشرف پهلوی ۲۱۵، ۲۹۰، ۳۴۷
اشغال متفقین ۳۴۹
اشکانیان ۱، ۱۳، ۱۹۷، ۲۴۴، ۲۵۰، ۳۲۰، ۳۴۹، ۳۶۱
اشیای سفالین ۴۳، ۱۰۶، ۱۴۳
اشیای هنری ایرانی ۱۰۶، ۱۴۳
اصفهان ۲۲، ۷۶، ۲۴۰، ۲۹۳
اصفهان (استان) ۳۱۱
اصفهانی، محمدحسین ۲۷۸
اعتصامی، پروین ۷۰، ۲۵۲، ۲۸۷
اعلامیه‌ها، شعارها و غیره ۳۰۹
افتاده، محسن ۱۳
افتخارزاده، محمودرضا ۱۷۲، ۱۷۳
افتخاری، اصغر ۱۴
افراسیاب ۳۰۰
افروزی، بایز ۱۵
افسانه‌ها و قصه‌ها ۲۴۲
افسانه‌ها و قصه‌های ایرانی ۲۵۷، ۲۶۳، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲
افسر، شیخ‌الرئیس ۷۹
افشار، ایرج ۱۶، ۱۷، ۹۵، ۱۷۴، ۲۵۳، ۳۵۲
۳۵۳، ۳۶۰
افشار سیستانی، ایرج ۱۷۵، ۱۷۶
افشار، محمود ۳۵۹
افشار نادری، اسماعیل ۳۲۸
افشار نادری، غلامرضا ۳۲۸
افشاریان ۱۸۲، ۲۷۲، ۳۲۸، ۳۵۰، ۳۵۹
افغانستان ۱۴
افلاطون ۳۰۸

کـلـجـبـن

- انجمن‌های روستا ۱۶۴
 انجمن‌های شهر ۱۶۴
 اندرزنامه‌ها ۲۱۴، ۲۲۱
 اندرمانی‌زاده، جلال ۲۲
 اندرودی، اصغر ۱۷۰
 اندونزی ۱۴
 اندیشه و تفکر ۲۱۴
 انرژی ۲۳۸
 انسان ۱۸۹
 انسان‌شناسی ۱۸۷، ۲۱۴
 انصاری، عبدالله بن محمد ۲۳
 انقلاب ۸۰، ۱۰۸، ۳۳۱
 انقلاب اسلامی ۱۴، ۲۲، ۲۸، ۵۱، ۵۴، ۵۷، ۵۸، ۶۳، ۸۰، ۸۱، ۱۰۲، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۸۰، ۱۸۵، ۱۹۶، ۲۱۲، ۲۲۲، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۷، ۲۴۱، ۳۳۱، ۳۳۸
 انقلاب مشروطه ۱۶۵، ۱۹۵، ۱۹۸، ۲۲۰، ۲۲۸، ۲۴۱، ۲۵۰، ۲۵۵، ۲۹۶، ۳۰۴، ۳۱۴، ۳۲۲
 ۳۲۳، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۷
 انگلستان ۶۹، ۱۷۰، ۲۳۰، ۲۷۲، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۳۳، ۳۳۹، ۳۴۵، ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۷۱
 انوری، محمد بن محمد ۱۷۸
 انیس‌الدوله قاجار ۲۰۶، ۲۹۰
 اورنگ، محمود ۱۹۸
 اوستا ۱۷۳
 اوضاع اجتماعی ۱۶۵، ۲۰۸، ۲۱۸، ۲۵۲، ۲۷۲، ۲۸۱، ۲۸۲، ۳۲۵، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۵
 اوضاع اقتصادی ۱۶۸، ۱۹۴، ۳۶۹
 اوضاع روستایی ۲۰۲
 اوگتای قآن ۲۹۰
 اولیایی، مصطفی ۲۳
 اولیاءالله آملی ۳۵۹
 اهواز ۳۳۷
- اقبال لاهوری، محمد ۳۱
 اقبالنامه ۳۶۴
 اقتدارگرایی ۱۶۶
 اقتصاد سیاسی ۱۱۱
 اقلیت‌ها ۱۸۷
 اکبرزاده، داریوش ۱۸
 اکرامی، نورالدین ۱۹
 البخاری الجعفی، محمد بن اسماعیل ۳۱۷
 البرز ۱۹۸
 الموت ۲۰۳، ۲۵۳، ۳۵۳
 الواح گلین - کتیبه‌ها
 امام خمینی - خمینی، روح‌الله
 امام‌زاده محمد بن جعفر صادق ۱۸۲
 امام محمد بخاری - البخاری الجعفی، محمد بن اسماعیل
 امامه ۲۰۶
 امامی، کریم ۱۷۷
 امامی، همایون ۲۰
 امپراتوری عثمانی ۱، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۷۱، ۱۹۳
 امیر تاج‌الدین بسطامی ۱۸۲
 امیرعلیشیر نوابی، علیشیرین کیچکنه ۷۱
 امیرکبیر، تقی ۳۱۴، ۳۷۱
 امیرمعزی، محمد بن عبدالملک ۱۷۸
 امیری اسفندقه، مرتضی ۱۷۸
 امیری فیروزکوهی، کریم ۱۲۲
 امین اقدس ۲۰۶
 امین‌الدوله ۳۱۴
 امینی، حسن ۱۷۹
 امینی، علی ۳۱۶
 امینی، محمدعلی ۲۱
 اناالحق ۳۱
 انتخابات ۱۶۴
 انجمن وضع لغات و اصطلاحات علمی ۷۹

فهرست اعلام

- اهورامزدا ۶۶
 ایالات متحده ۶۸، ۱۷۰، ۲۳۰، ۲۵۵، ۳۳۹، ۳۴۷، ۳۷۱
 ایران باستان ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۹۷، ۲۵۰، ۲۸۵، ۲۹۵، ۳۴۹، ۳۵۸
 ایرانبان، نگین ۳۲۸
 ایران شناسان ۱۷، ۹۸
 ایرانشناسی ۱۶، ۱۷، ۱۵۲، ۱۷۳، ۲۳۲
 ایرانگردی - جهانگردی
 ایرانیان ۵، ۱۱۸، ۲۱۴، ۲۳۴، ۲۵۰
 ایرانی قعی، اکبر ۲۴
 ایزدی، سیروس ۱۹۷
 ایلات و عشایر ۱۶۸، ۱۷۷، ۲۰۲، ۲۲۳، ۲۵۱، ۲۶۵، ۲۷۷، ۳۱۳، ۳۲۴
 ایلام (استان) ۳۱۱
 ایل بیران وند - بیران وند
 ایلخانان ۳۴۹
 ایل خزل - خزل
 ایل دشمن زیاری - دشمن زیاری
 ایل شاهسون - شاهسون
 ایل قشقای - قشقای
 ایلک خانیان ۹۴
 ایل ممسنی - ممسنی
 ایمانی، عباس ۲۵۰
 ایهام ۳۰۷
- ب**
 باباچاهی، علی ۲۵
 باباطاهر ۲۸۷، ۳۱۷
 بابل ۱۸۱
 بادکوبه‌ای، عبدالرحیم ۷۷
 باذل، میرزامحمد رفیع ۱۵۱
 باران خواهی ۶
 باران در ادبیات ۶
- بازار تهران ۱۶۵
 بازرگان، مهدی ۱۸۵
 بازرگانی ۲۷۲
 بازی‌ها ۲۹۴
 باستان شناسی ۲۳۳
 باقرزاده بابلی، عبدالرحمن ۱۸۱
 باقری، بهادر ۲۶
 باقری، محمدمهدی ۱۸۲
 بانک شاهنشاهی ۳۷۱
 بایزید بسطامی، طیفوربن عیسی ۳۱۷
 بایزید عثمانی ۱۹۳
 بحرینی، حسین ۱۸۳
 بحورالاحان ۸۲
 بخارا ۲۷۳
 بخشنده، فرهاد ۱۸۴
 بدیع ۱۳۵
 بدیعی، پرویز ۲۷
 برازجان ۳۱۵
 براق حاجب ۷۲
 براهنی، رضا ۲۸
 برجیان، حبیب ۲۹
 برزین، سعید ۱۸۵
 برلین ۲۷۵
 برنامه‌ریزی شهری - شهرسازی
 برنامه‌ریزی منطقه‌ای - عمران منطقه‌ای
 بروجرد ۱۳۰
 بروجردی، حسین ۳۴۷
 بروجردی، مصطفی ۲۶۰
 بروشکی، میلوش ۱۷
 برومندسعید، جواد ۱۸۶
 برهان، عبدالله ۳۴۸
 بریتانیا - انگلستان
 بزرگپور، کوروش ۴۱
 بسطام ۱۸۲

کلیچین

- بشاش کنزق، رسول ۳۰
 بغداد ۳، ۸۷، ۱۹۲، ۲۷۵، ۳۶۳
 بقایی (ماکان)، محمد ۳۱
 بقایی، مظفر ۱۸۹، ۲۵۵
 بکائی، محمدحسن ۳۲۱
 بکاء، اصغر ۳۲
 بلادی، محمدرضا ۳۳
 بلاغت - معانی و بیان
 بلخی ۲
 بلوچستان ۱۶۶، ۳۵۹
 بلوکباشی، علی ۱۸۷
 بلوهر ۱۷۹
 بنائی، کمال الدین بن محمد ۱۴۸
 بنائی، کمال الدین شیرعلی - بنائی، کمال الدین بن محمد
 بندرگناه - گناه
 بنی امیه - امویان
 بنی صدر، ابوالحسن ۳۱۶
 بودا ۱۷۹
 بودا و بودیسم ۱۷۹
 بودجه ۳۴۴
 بودجه برنامه‌ای ۳۴۴
 بوذاسف ۱۷۹
 بوستان سعدی ۳۴
 بوشهر (استان) ۳۳، ۲۳۳، ۲۳۶، ۳۱۵، ۳۳۳، ۳۴۰
 بهارستان جامی ۴۸
 بهبهانی، سیمین ۱۸۸
 بهرام ساسانی پنجم ۲۴۸
 بهروری ۲۳۸
 بهزادی اندوهجردی، حسین ۳۴
 بهزادی، رقیه ۳۵، ۳۶
 بهنود، مسعود ۱۸۹
 بیات، عزیزالله ۱۹۰، ۱۹۱
 بیات، کاوه ۲۷۵
 بیانی (اسلامی ندوشن)، شیرین ۱۹۲
 بیانی، علی‌اصغر ۱۱۷
 بیرانوند ۲۲۳
 بیگدلی، غلامحسین ۳۱۳
 بیله‌سوار ۳۱۳
 بیهقی، محمد بن حسین ۳۱۷
پ
 پادشاه خاتون ۷۲
 پارادوکس ۶۴
 پارس‌آباد ۳۱۳
 پارسادوست، منوچهر ۱۹۳
 پاکستان ۱۴
 پایان‌نامه‌ها ۳۲۱
 پدرسالاری ۹
 پدیده‌شناسی ۱۸۷
 پرتوی، پروین ۳۸
 پرده‌خوانی - نقالی
 پرهام، سیروس ۳۹
 پرهام، مهدی ۱۹۴
 پسیان، محمدتقی ۲۲۸
 پسیخانی، محمود ۱۰۴
 پلیس جنوب ایران ۳۳۳
 پناهی شرفویی، یدالله ۱۹۵
 پوراحمد، کیومرث ۱۹۶
 پورجوادی، رضا ۳۱۴
 پورجوادی، نصرالله ۴۰
 پوررضا، فریدون ۴۱
 پهلوی ۵۱، ۵۴، ۹۵، ۱۱۱، ۱۲۳، ۱۴۰، ۱۶۳، ۱۷۰، ۱۹۶، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۵، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۵۵، ۲۷۱، ۲۹۰، ۲۹۷، ۳۱۶، ۳۳۹، ۳۴۷، ۳۵۵، ۳۶۱، ۳۶۷، ۳۷۱
 بلوچستان ۱۶۶، ۳۵۹
 بلوکباشی، علی ۱۸۷
 بلوهر ۱۷۹
 بنائی، کمال الدین بن محمد ۱۴۸
 بنائی، کمال الدین شیرعلی - بنائی، کمال الدین بن محمد
 بندرگناه - گناه
 بنی امیه - امویان
 بنی صدر، ابوالحسن ۳۱۶
 بودا ۱۷۹
 بودا و بودیسم ۱۷۹
 بودجه ۳۴۴
 بودجه برنامه‌ای ۳۴۴
 بوذاسف ۱۷۹
 بوستان سعدی ۳۴
 بوشهر (استان) ۳۳، ۲۳۳، ۲۳۶، ۳۱۵، ۳۳۳، ۳۴۰
 بهارستان جامی ۴۸
 بهبهانی، سیمین ۱۸۸
 بهرام ساسانی پنجم ۲۴۸
 بهروری ۲۳۸
 بهزادی اندوهجردی، حسین ۳۴
 بهزادی، رقیه ۳۵، ۳۶
 بهنود، مسعود ۱۸۹
 بیات، عزیزالله ۱۹۰، ۱۹۱

فهرست اعلام

- پهلوی، رضا ← رضا پهلوی
 پهلوی، محمدرضا ← محمدرضا پهلوی
 پیرنیا، حسن ۱۹۷، ۲۹۷
 پیشدادیان ۱۹۷
 پیشه‌وری، جعفر ۱۶۳
- ت**
 تئاتر ← نمایش
 تاج‌الدوله ۲۹۰
 تاج‌السلطنه ۲۰۶
 تاج‌محل ۲۶۶
 تاجیکستان ۴۷
 تاجیک، محمدرضا ۴۲
 تاریخ ۱۱۲، ۳۲۲
 تاریخ اجتماعی ۳۵۰، ۳۵۵
 تاریخ ادبیات فارسی ۱۵۸، ۲۰۴، ۲۳۹، ۲۸۱، ۳۱۷
 تاریخ اسلام ۱۸۴
 تاریخ ایران ۱، ۸، ۲۲، ۲۷، ۳۶، ۳۸، ۵۱، ۵۴، ۵۷، ۷۱، ۹۴، ۹۵، ۱۰۷، ۱۲۳، ۱۴۰، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۷، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۵۰، ۲۵۳، ۲۵۶، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۸۵، ۲۹۰، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۴، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۸، ۳۳۳، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۵، ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۳، ۳۵۵، ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۷، ۳۷۱
 تاریخ باستان ۲۹، ۳۰، ۳۶، ۱۰۶، ۲۳۳
 تاریخ‌گزیده ۳۵۹
 تاریخ‌نگاری ← تاریخ‌نویسی
 تاریخ‌نویسان ۱۱۲، ۳۲۲
 تاریخ‌نویسان اسلامی ۱۱۲
- تاریخ‌نویسان ایران ۱۱۲، ۱۹۰
 تاریخ‌نویسی ۳۲۲
 تالش ۲۹۲، ۳۵۹
 تبریز ۱۹۳، ۳۰۴، ۳۲۳، ۳۶۰
 تبریزنیا، حسن ۲۰۰
 تبلیفات ۳۲۷
 تجدد ۱۸۳
 تجدید حیات فکری ۲۹۵
 تجویدی، علی ۲۰۱
 تحریم تنباکو ۲۲۸
 تحولات اجتماعی ۱۹۴، ۳۱۴
 تخت‌جمشید ۶۶، ۶۷
 تدین، عطاءالله ۲۰۳
 تذکرةالاولیاء عطار ۱۴۹
 ترائی، محمد ۲۸۲
 ترانه ۹۱، ۱۴۶
 ترانه‌های ایرانی ۹۱، ۱۴۶
 ترانه‌های لری ۲۶۹
 ترانه‌های محلی ← موسیقی محلی
 تربت جام ۳۷
 تربت حیدریه ۲۰۲
 تربیت، محمدعلی ۲۰۵
 ترجمه ۱۲۷، ۱۵۲
 ترکان خاتون ۷۲
 ترکان عثمانی ۱۵۰
 ترکمنستان ۴۷
 ترکیه ۲۸۳
 تریاک ۱۵۵
 ترستان وایزوت ۸۱
 تسکین در شعر ← سکنه در شعر
 تصنیف ← ترانه
 تصوف ۳۱، ۳۲، ۴۰، ۴۶، ۶۵، ۹۹، ۱۴۹، ۱۷۸، ۱۷۹، ۲۷۳
 تعزیه ۴۱

کلیچین

- تفاسیر ۱۶۲
تفضلی، ابوالقاسم ۲۰۶
تفلیس ۲۲۵
تقسیمات کشوری ۶۱
تقویم جلالی ۲۴۹
تقی زاده، حسن ۱۳۱، ۱۸۹، ۲۸۹، ۳۱۶
تمبر ۲۴۵
تمدن ۱۶۸، ۳۱۴، ۳۳۰
تمدن اسلامی ۳۸، ۸۷، ۱۲۷، ۱۲۸
تمدن ایرانی ۳۸، ۳۹، ۱۰۶، ۱۲۸
تمدن باستان ۳۶، ۱۰۶
تمدن جدید ۳۲۷
تناسخ ۵۲
تباکو ۱۶۵
تنکابن ۱۹۸، ۲۹۴
تنگستان ۲۹۸
توانگرزمین، محمدکاظم ۲۰۷
توتون ۱۶۵
توحید ۲۱۴
توحیدی، فائق ۴۳
تورات ۲۰۷
تورم ۱۹۴
توسعه نیافتگی ۲۰۸
تونس ۱۴
تهاجم فرهنگی - فرهنگ زدایی
تهافت الفلاسفه ۳
تهران ۱۵۵، ۱۶۵، ۲۰۹، ۲۱۸، ۲۷۱، ۲۷۵، ۳۲۵
تهرانی، امیرحکمت ۵۵
تهماسب صفوی - طهماسب صفوی اول
تهمینه ۳۰۱
تیسفون ۱۹۲
تیمورتاش ۱۹۲
تیموری، ابراهیم ۲۱۰
تیموریان ۲۴۴، ۳۴۹
ثاقبی، ابراهیم ۱۸۱
ثقة الاسلام تبریزی، علی بن موسی ۳۶۰
جاده ابریشم ۱۸۷
جامعه شناسی ۱۰۲، ۳۲۹
جامعه مدنی ۱۴۵
جامی، عبدالرحمن بن احمد ۲۳، ۴۶، ۴۸
جانبازان ۳۳۲
جانفدا، اصغر ۲۰۴
جبارلوی شبستری، بهرام ۲۱۱
جبهه ملی ایران ۲۵۵، ۲۵۶
جزایر خلیج فارس - خلیج فارس
جزیره فارور - فارور
جزیره فارورگان - فارورگان
جزیره کیش - کیش
جزیره هندورابی - هندورابی
جشن ها ۵، ۱۸۶
جعفرزاده، خسرو ۴۴
جعفریان، رسول ۳۵۲
جغرافیا ۲۶۵، ۳۵۶
جغرافیای تاریخی ۲۵۰
جغرافیای شهری ۳۵۶
جغرافیدانان مسلمان ۱۲۸
جلال الدین سیورغتمش ۷۲
جلایریان ۹۶
جلفا ۲۲۵
جمال زاده، ناصر ۴۵
جمعیت شناسی ۳۶۷
جمعیت مدافعین وطن ۲۷۵
جمهوری اسلامی ۷۵، ۱۴۵، ۲۲۶

فهرست اعلام

- جنبش بایبه گیلان ۱۹۸
جنبش‌ها و قیام‌ها ۲۲۰، ۲۴۱، ۲۵۶، ۲۹۵، ۳۳۳، ۳۵۰
جنبش‌های اسلامی ۲۲۰
جنگ ۱۳، ۲۱۴
جنگ ایران و عراق ۱۰۷، ۱۶۹، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۳۲، ۳۱۲
جنگ جهانی اول ۱۶۵، ۳۰۴، ۳۳۳، ۳۵۱، ۳۶۷
جنگ جهانی دوم ۹۵، ۱۲۶، ۳۴۵، ۳۵۱، ۳۶۲
جنگ‌های ایران و روس ۳۶۳
جوادی، غلامرضا ۲۱۳
جوینی، عزیزالله ۳۰۳
جهانبانی، فریدون ۲۲۱
جهانبخش، جويا ۴۶
جهانگردان مسلمان ۱۲۸
جهانگردی ۱۲۸، ۲۰۹
- ج**
جنگیزخان ۷۲، ۲۱۰
جوینه، سجاد ۲۱۴
چهارشنبه سوری ۳۷۰
چهارمحال و بختیاری ۲۷۰
- ح**
حائری مازندرانی ۱۸۱
حاتمی، حسن ۲۱۶
حاتمی، حسین ۲۱۳
حاتمی، داوود ۴۷
حاج سیدجوادی، کمال ۳۳۵
حافظ، شمس‌الدین محمد ۲۳، ۸۶، ۹۷، ۱۷۸، ۲۵۲، ۲۵۹، ۲۸۷، ۳۰۷، ۳۷۰
حاکمی والا، اسماعیل ۴۸
حامدی اوغولبیک، علی اشرف ۲۱۷
حامدی، فرانک ۲۱۷
- حب علی موجانی، احمد ۳۲۰
حج ۷۷
حجاز ۲۹۹
حجازی، عبدالعلی ۳۳۶
حدیقه‌الحقیقه سنایی ۳۴
حرمسرا ۲۰۶
حروفی، فضل‌الله ۳۵۰
حری، ابوالفضل ۴۹
حزب ایران ۲۵۵
حزب ایران نوین ۳۴۸
حزب توده ایران ۱۲۳، ۱۶۳، ۲۲۹، ۲۳۰، ۳۴۷
حزب رنجبران ۲۵۵
حزب کمونیست ایران ۱۶۳
حزب‌های سیاسی ۲۰۰
حسن آمیزی ۹۰
حسابی، محمود ۷۹
حسن‌یگی، محمدرضا ۲۱۸
حسن‌پور، شهرام ۵۰
حسن‌زاده، اسماعیل ۵۱
حسن‌زاده، علیرضا ۵۲
حسن صباح ۲۰۳
حسینی، حمید ۵۳
حسین بایقرا ۷۱
حسین‌خان چاه کوتاهی ۲۹۸، ۳۳۳
حسینی‌زاده، مهدی ۲۱۹
حضرتی، حسن ۵۴
حق قضاوت کنسولی ← کاپیتولاسیون
حقوق بشر ۳۱۹، ۳۴۱
حقوق تطبیقی ۳۱۹
حقوق زنان ۳۱۹
حقیقت، عبدالرفیع ۲۲۰
حکمت ← فلسفه
حکمت اسلامی ← فلسفه اسلامی
حکمت متعالیه ۱۳۸

کـلـجـبـن

- حکومت اسلامی - اسلام و دولت
 حلاج، حسین بن منصور ۳۱، ۳۱۷
 حماسه‌های منظوم - منظومه‌های حماسی
 حمله اعراب ۳۴۹
 حمله افغانان ۳۴۹
 حمله خوانی ۱۵۱
 حمله مغول - مغولان و ایلخانان
 حنیف، محمد ۲۲۳
 حورشاه ۲۰۳
 حوزه‌های علمیه ۷۸
 حیدرخان حیات داودی ۳۵۹
 حیدر عمواغلی ۳۵۱
 حیدری، غلام ۲۲۴
- خ
 خااطرات ۲۷، ۱۶۳، ۲۱۵، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۲۶،
 ۲۳۵، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۶۸، ۲۷۵، ۲۹۹، ۳۱۰،
 ۳۱۱، ۳۲۳، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۵۳
 خاقانی، بدیل بن علی ۲۲۷
 خامنه‌ای، علی ۲۲۶
 خاندان کشواد - کشواد (خاندان)
 خانه ابریشمی ۵۶
 خاورمیانه ۱۴، ۱۸۷
 خجند ۹۶
 خجندی، کمال ۹۶
 خدا ۳۱
 خداشناسی ۱۷۹
 خدایاری، ناصر ۲۲۸
 خدمات اجتماعی روستایی ۳۶۹
 خراج ۳۶۷
 خراسان ۱۱۷، ۲۱۰
 خرمشاد، محمد باقر ۵۷، ۵۸
 خزل ۲۵۱
 خسروپناه، محمدحسین ۵۹، ۲۲۹
- خسرو و شیرین ۱۵۶
 خط ثلث ۱۲
 خط کردی ۲۸۳
 خلدبرین ۳۵۹
 خلیج فارس ۱۷۵، ۱۷۶
 خلیل‌الله مقدم، احمد ۲۳۰
 خلیلی، محسن ۶۰
 خمینی، روح‌الله ۵۱، ۵۴، ۶۰، ۶۳، ۱۴۰، ۲۱۲،
 ۲۲۸، ۳۲۶
 خواجه‌ای کرمانی، محمد بن علی ۲۵۲
 خواجه رشیدالدین فضل‌الله - رشیدالدین
 فضل‌الله
 خواجه نظام‌الملک - نظام‌الملک، حسن بن علی
 خواجه یوسف همدانی، یوسف بن ایوب ۶۵
 خوارزمشاه (مامونیان) - مامونیان
 خوارزمشاهیان ۷۲، ۱۸۲، ۲۱۰، ۳۶۱
 خوارزمی، محمد بن موسی ۳۱۷
 خوانسار ۳۵۴
 خوانساری، آقاحسین - آقاحسین خوانساری
 خوانساری، پرویز ۳۱۶
 خورسند، علی ۲۳۱
 خورشید (دراساطیر) ۱۰۶
 خوزستان ۳۳۷
 خوشنویسان ایرانی ۱۲، ۱۴۸
 خوشنویسی ۱۲
 خیابانی، محمد ۲۲۸
 خیام، عمر بن ابراهیم ۸۶، ۱۴۷، ۱۷۸، ۲۴۲،
 ۲۴۹
- د
 دادگاه لاهه ۲۳۰
 دارالفنون ۱۶۱
 داستان‌های ایرانی ۸۱
 داستان‌های تاریخی ۱۹۷، ۲۶۳

فهرست اعلام

- داستان‌های حماسی ۱۸، ۲۶، ۲۶۳
داستان‌های روسی ۱۱۹
داستان‌های عاشقانه ۸۱، ۸۳
داستان‌های فارسی ۹، ۸۱
داستان‌های فرانسوی ۸۱
داستان‌های مذهبی ۱۵۱
دانش‌آموزان ۱۶۱
دانش‌پژوه، منوچهر ۲۳۲، ۳۰۸
دانشجویان ۱۶۱
دانشجویان ایرانی خارج از کشور ۱۲۳
دانشگاه کمبریج ۲۷۵
دانشمندان اسلامی ۱۶۲
دانشمندان ایرانی ۷۱، ۲۰۵، ۲۸۱، ۳۱۷، ۳۲۶، ۳۳۵
دبیرستانی، محمد ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲
دخالت خارجی ۶۸، ۶۹، ۲۹۷، ۳۴۷
دربار و درباریان ۲۰۶
درخشانی، جهانبخش ۲۳۳
درگامی، محمود ۲۳۴
درویشیان، علی‌اشرف ۲۳۵
دریائی، تورج ۶۱
دریاچه ارومیه ۲۱۱
دریاگشت، محمدرسول ۳۵۹
دریانورد، غلامحسین ۲۳۶
دریای خزر ۱۹۸
دریای مازندران - دریای خزر
دستور زبان فارسی ۸۴
دشتستان ۲۹۸، ۳۱۵
دشتکی (خاندان) ۷۸
دشت مغان - مغان
دشتی‌نژاد، عبدالباقی ۶۲
دشمن‌زیاری ۲۰۲
دقیقی طوسی - دقیقی، محمد بن احمد
دقیقی، محمد بن احمد ۳۱۷
- دل (عرفان) ۹۹
دلیجان ۲۱۳
دلیری مالوانی، ابراهیم ۲۳۹
دمندان، پریسا (نقیسی) ۲۴۰
دنیوی گرای - سکولاریسم
دوره مغول - مغولان و ایلخانان
دولت ۱۶۶، ۲۷۲
دولت آزاد ایران ۶۸
دولت موقت ۱۸۵
دومینیکن‌ها ۲۱۰
دهباشی، علی ۱۶۳، ۲۲۵، ۳۵۶
دهشیری، محمدرضا ۶۳
دهکوه ۱۸۷
دیانتی فیض‌آبادی، محمد ۶۴
دیپلماسی ۳۲۷
دیلمیان ۲۵۰، ۳۶۱
دین ۱۸۷، ۱۹۹
دین‌مانی - مانویت
دیوان حافظ ۳۰۷
دیوان شمس ۱۳۷
دیوان کازرونی، ناصر ۳۳۳
- ذ
ذاکر حسین، عبدالرحیم ۲۴۱
ذکاوتی قراقرزلو، علیرضا ۶۵، ۲۴۲
ذکاء، یحیی ۶۶، ۶۷، ۳۲۳
ذوقی، ایرج ۶۸
ذی‌القرنین ۲۰۷
- ر
رئیس طوسی، رضا ۶۹
رئیس علی دلواری ۳۳۳
راجی، پرویز ۳۱۶
راجی کرمانی، ملابمانعلی ۱۵۱

کلیچین

- رادفر، ابوالقاسم ۷۰، ۷۱
 رازدانی ۱۲۱
 رازی، محمد بن زکریا ۳۱۷
 راسل، جیمز آر ۲۴۳
 رامسر ۱۹
 راهگانی، روح‌انگیز ۲۴۴
 راهنماها ۲۶۵، ۲۶۲، ۲۰۹
 رباعی ۱۴۷، ۲۲۷، ۲۴۲، ۲۴۹
 رجب‌زاده، شهرام ۲۶۸
 رجب‌زاده، هاشم ۲۴۶
 رجبعلی‌پور، مهدی ۷۲
 رحمت‌نژاد، حسین ۲۴۷
 رحمتی، یوسف ۱۷
 رسانه‌های گروهی ۲۱۷
 رستم ۳۰۰
 رستم و سهراب ۱۱۹، ۳۰۱
 رسولی، حجت ۷۳
 رشاد، علی‌اکبر ۷۴، ۷۵
 رشت ۵۶
 رشد اقتصادی ۲۳۸
 رشدیه، حسن ۳۱۴
 رشیدالدین فضل‌الله ۱۲۸
 رضا پهلوی ۹۵، ۱۱۱، ۱۹۶، ۲۱۵، ۲۲۸، ۲۲۹
 ۲۹۷، ۳۰۴، ۳۴۵، ۳۶۷، ۳۷۱
 رضازاده شفق، صادق ۷۹
 رضازاده ملک، رحیم ۲۴۸، ۲۴۹
 رضاشاه پهلوی - رضا پهلوی
 رضایی، عبدالعظیم ۲۵۰
 رضوانی‌گیل کلانی، مجتبی ۲۵۱
 رفیعی‌علامرودشتی، علی ۲۰۴
 رکن‌الدین ۷۲
 رکوعی، عزت‌اله ۷۶
 رمضان ۱۷۸
 رمضان، عارف ۷۷
 رنجبر، احمد ۲۵۲
 رنجبر، محمدعلی ۷۸
 روابط اقتصادی ۱۰۷
 روابط خارجی ۶۸، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۷۰، ۱۷۱
 ۲۷۲، ۳۲۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۵
 روابط فرهنگی ۱، ۱۰۷
 روابط قومی ۱۶۶
 روانشناسی ۹۰
 روحانیت ۴۵، ۵۱، ۲۷۲، ۳۶۳
 روحانیت (زردشتی) ۱۷۲
 روحانیت شیعه ۴۵
 روحانیت و مشروطیت ۴۵
 روحانیون شیعه - روحانیت شیعه
 رودابه ۳۰۳
 رودکی، جعفر بن محمد ۱۵۸، ۲۹۶
 روزبه، خسرو ۲۲۹
 روزشمار - سالشمار
 روزنامه‌نگاران ۸۵
 روزنامه‌ها ۸۵، ۲۰۵، ۳۱۴
 روزنامه‌های فارسی ۱۱۶
 روستاها ۱۶۴، ۳۶۹
 روستای شرفویه - شرفویه
 روستای مشفق - مشین (روستا)
 روستاییان ۳۶۹
 روستایی، محسن ۷۹
 روسیه ۲۲۵، ۲۷۲، ۲۸۳، ۳۰۴، ۳۳۹، ۳۶۳
 روسیه شوروی - شوروی
 روشنفکران ۱۲۱، ۱۹۴، ۱۹۹
 روشنفکران ایرانی ۳۱۶
 روشنفکران دینی ۱۲۱
 روشنفکری ۱۲۱
 روضات الجنان ۹۶
 روضه اطهار ۹۶
 روضه خوانی ۱۵۱

فهرست اعلام

- وهبری، مهدی ۸۰
 وهنما، غلامحسین ۷۹
 ریاضیات ۳۱۷
 ریاضیدانان ایرانی ۲۴۲، ۷۲
 ریتیم ۴۴، ۱۰۹، ۱۳۲
- ز**
 زابلستان ۳۰۲
 زال ۳۰۳، ۳۰۰
 زاهدی، اردشیر ۳۱۶
 زبان ۴۷
 زبان آلمانی ۱۵۲
 زبان ازبکی ۴۷
 زبان اویغوری ۴۷
 زبان پهلوی ۲۸۳
 زبان تاجیکی ۴۷
 زبان ترکمنی ۴۷
 زبان فارسی ۴۷، ۷۹، ۸۴، ۲۸۲، ۳۵۹
 زبان قرقیزی ۴۷
 زبان کردی - کردی
 زبان گیلکی - گیلکی
 زبان‌های آریایی ۲۳۳
 زبان‌های ایرانی ۴۷، ۲۸۲
 زبده‌التواریخ ۳۵۹
 زراعت - کشاورزی
 زردشت - زردشت
 زرتشتی - زردشتی
 زردشت ۳۵، ۱۷۳، ۲۴۳
 زردشتی ۳۵، ۶۶، ۱۰۰، ۱۰۶، ۱۲۴، ۱۲۵،
 ۱۷۲، ۲۴۳، ۲۹۵
 زردشتیان ۱۲۴، ۱۲۵، ۳۴۹، ۳۶۷
 زرشناس، شهریار ۲۵۵
 زعیم، کورش ۲۵۶
 زکریا، بهاء‌الدین ۲۳
- زکریاپور، نادر ۱۶۴
 زمان در شعر ۹۷
 زمان مقدس ۹۷
 زمانی، کریم ۲۵۷
 زمانی‌نیا، مصطفی ۱۶۵
 زم‌رشیدی، حسین ۲۵۸
 زمین (در اساطیر) ۱۰۶
 زناشویی ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۶۸، ۲۹۴
 زناشویی با محارم ۱۲۴
 زناشویی (زردشتی) ۱۲۴، ۱۲۵
 زنان ۱۶۵، ۱۸۷، ۱۸۸، ۲۰۶، ۳۱۹، ۳۷۲
 زنان ایرانی ۲۹۰
 زنان در ادبیات ۳۷۲
 زنان روزنامه‌نگار ۸۵
 زنان سیاستمدار ۲۹۰
 زنان شاعر ۳۷۲
 زندگی ۳۷۲
 زندگی شهری ۱۸۳
 زندگی فرهنگی ۳۳۶
 زندگی‌نامه - سرگذشت‌نامه
 زندیان ۱۰۷، ۱۸۲، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۷۲، ۳۲۸،
 ۳۵۵
 زواره ۷۶
 زیارتگاه‌های اسلامی ۲۱۶، ۲۹۱
 زیباکلام، صادق ۲۰۸، ۲۹۵
 زیبایی‌شناسی ۱۳۱، ۲۵۹
- س**
 ساختمان‌های مدارس ۲۵۸
 سازمان ملل متحد ۳۱۹
 سازمان میراث فرهنگی کشور ۲۹۱
 سازمان‌های دولتی ۲۹۴
 ساسانیان ۱۳، ۶۱، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۹، ۱۷۲،
 ۱۹۲، ۱۹۷، ۲۴۴، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۶۹، ۳۴۹،
 ۳۵۵، ۳۶۱

کلچین

- ساغر ۴۳
سالشمار ۲۳۷
سالور، قهرمان میرزا ۱۸۷، ۲۵۳، ۳۵۳
سالور، مسعود میرزا ۲۵۳، ۳۵۳
سالور، هرمز ۷۹
سامانیان ۱۵۸، ۱۸۲، ۲۴۴، ۲۵۰، ۲۹۶، ۳۶۱
سبحانی تبریزی، جعفر ۱۸۱
سبحانی، جلال ۲۵۹
سبزواری، هادی بن محمد ۲۶۰
سبزواری، هادی بن مهدی ۲۶۰
سبک خراسانی ۱۷۸
سبک شناسی ۲۹۶
سبک عراقی ۱۸۷، ۲۹۶
سبک هندی ۱۲۲، ۱۸۷، ۲۳۴، ۲۹۶
سپهر، محمد تقی ۲۶۱
سپهری، سهراب ۴۹، ۲۸۷
ستاری، جلال ۸۱
ستایشگر، مهدی ۸۲
ستوده، امیررضا ۲۶۸
ستوده بیابانی، منوچهر ۱۷
سجادی، ضیاء الدین ۸۳
سجادی، محمد کاظم ۲۶۲
سجایی، عزت الله ۳۴۴
سخنوری ۷۳
سربازان ۳۱۱، ۳۱۲
سربداران ۱۸۲، ۳۵۰
سرکاراتی، بهمن ۲۶۳
سرگذشتنامه ۱۸۱، ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۹، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۲۷، ۲۳۱، ۲۳۹، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۵، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۱۷، ۳۲۶، ۳۳۵، ۳۴۲، ۳۴۶، ۳۶۴
سرگذشتنامه و کتاب شناسی ۲۴۹، ۳۲۶
سرم‌ها ۲۹
- سرودها ۲۴۱، ۳۷۰
سرودهای ملی و انقلابی ۲۴۱
سروش، عبدالکریم ۱۲۱
سعادت، اسماعیل ۸۴
سعادت، عبدالکریم ۳۴۰
سعدآباد ۳۱۵
سعدی، ایرج ۲۶۴
سعدی، مریم ۲۶۴
سعدی، مصلح بن عبدالله ۴۳، ۸۶، ۲۵۲، ۳۰۸، ۳۱۸، ۳۷۰
سعیدیان، عبدالحسین ۲۶۵
سعیدی، حوریه ۸۵
سعیدی شاهرودی، علی ۱۸۰
سفال ایرانی ۳۹، ۴۳، ۱۰۶، ۱۴۳
سفالگری ۴۳، ۱۴۳
سفالگری ایرانی ← سفال ایران
سفال‌ها ← اشیای سفالین
سفرنامه‌ها ۷۷، ۲۵۴
سقراط ۳۰۸
سقز ۲۷۹
سکاها ۲۹
سکته در شعر ۵۳
سکولاریسم ۷۵
سکه‌ها ۳۶۷
سلامی، اسماعیل ۸۶
سلامی، سارا ۳۶۹
سلجوقیان ۷۶، ۹۴، ۱۸۲، ۱۹۲، ۲۰۳، ۲۴۴، ۳۴۹، ۳۵۵، ۳۶۱
سلطان حسین بایقرا ← حسین بایقرا
سلطانزاده، حسین ۲۶۶
سلطان سنجر سلجوقی ۹۴
سلطان غیاث الدین ۷۲
سلطان قطب الدین ۷۲
سلطانی، محمدعلی ۸۷، ۸۸

فهرست اعلام

- سلطانی، نبی‌الله ۲۹۱
 سلمان ساوجی، سلمان بن محمد ۱۳۵
 سلوکیان ۱، ۱۸۲، ۱۹۲، ۲۴۴، ۲۵۰، ۳۶۱
 سماع ۳۲
 سمبولیسم ۱۰۶
 سمنان (استان) ۱۹۸
 سنایی، مجدود بن آدم ۲۳
 سن پترزبورگ ۲۲۵
 سنت و مدرنیسم ۱۲۱، ۵۹
 سنگ نبشته‌ها - کتیبه‌ها
 سودابه ۳۰۲، ۳۰۰
 سوریه ۲۸۳
 سوسیالیسم ایرانی ۳۴۸
 سوگواری‌ها ۱۷۲، ۲۱۶، ۲۹۴
 سولون ۳۰۸
 سیاست ۹۲، ۱۴۴
 سیاست خارجی - روابط خارجی
 سیاست در ادبیات ۲۴۱
 سیاستمداران ایرانی ۷۱، ۱۲۳، ۲۴۶، ۲۷۵، ۳۱۶
 سد و ش ۳۰۲
 سید اخلاقی، محمد ۲۴۲، ۲۴۶، ۲۵۸
 سید بحرینی ۳۵۳
 سید ناصری، حمید رضا ۲۶۸
 سیر و سلوک - آداب طریقت
 سیر و سیاحت ۱۲۸، ۲۶۵، ۲۹۷، ۲۹۹
 سیزده بدر ۳۷۰
 سپس ۳۶۲
 سیستان ۶۹، ۱۹۳، ۳۰۰
 سیف‌زاده، محمد ۲۶۹
 سینمای ایرانی ۲۰، ۱۵۳، ۱۶۷، ۲۲۴، ۲۸۸، ۳۶۵
 سینمای مستند ۲۰
 سینمای مستند ایرانی ۲۰
- ش
 شاعران ایرانی ۱۰، ۲۳، ۶۲، ۷۰، ۷۱، ۸۲، ۹۶، ۱۰۳، ۱۲۲، ۱۳۵، ۱۴۸، ۱۵۸، ۱۷۸، ۱۸۸، ۲۰۴، ۲۲۷، ۲۳۹، ۲۴۲، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۷، ۲۷۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۷، ۲۹۲، ۳۱۷، ۳۲۶، ۳۳۵، ۳۴۹، ۳۵۷، ۳۶۷، ۳۷۲
 شاعران کرد ۲۸۳
 شاکد، شائول ۲۴۳
 شام ۳۰۰
 شاملو، احمد ۱۰، ۸۹، ۲۹۶
 شاهان و فرمانروایان ۳۰۰، ۳۰۲
 شاه تهماسب - تهماسب صفوی اول
 شاهسون ۱۶۸، ۳۱۳
 شاهنامه فردوسی ۳۴، ۱۱۹، ۲۱۴، ۲۴۸، ۲۶۳، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳
 شایان، علیرحم ۲۷۰
 شبانکاره ۳۱۵
 شبستر ۳۳۶، ۳۶۲
 شجاعت ۳۰۸
 شرف‌الدوله - کلانتری باغمیشه‌ای، ابراهیم
 شرفویه ۱۹۵
 شروان ۱۹۳
 شریعت‌زاده جنیدی، مریم ۹۰
 شریعتی، علی ۳۱، ۳۲۹
 شریف‌پور، شهریار ۹۱
 شعبان‌زاده، بهمن ۲۷۱
 شعبانی، رضا ۲۷۲
 شعر آزاد ۷، ۱۰، ۲۵، ۴۹، ۱۳۱، ۲۹۶
 شعر انقلابی ۲۱
 شعر تاریخی ۲۶۳
 شعر جدید - شعر سپید
 شعر حماسی ۱۱۹، ۲۶۳
 شعر سپید ۱۰، ۲۵
 شعر عربی ۵۳، ۲۳۴

کـجـین

- شهرداری ۱۶۴
شهرسازی ۳۸، ۱۸۳، ۲۶۶، ۲۷۶، ۳۵۶
شهرها و شهرستان‌ها ۳۸، ۱۶۵، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۸۲، ۲۰۹، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۳۲، ۲۳۶، ۲۶۲، ۳۵۷، ۳۵۴، ۳۳۷، ۳۲۵، ۳۱۵، ۲۹۱، ۲۷۱، ۳۶۷
شهیدان ۳۳۲
شهیدی، جعفر ۲۷۴
شیبانی، عبدالحسین ۲۷۵
شیخ‌بهائی، محمد بن حسین ۲۸۷، ۳۴۶
شیخ‌رضائی، انیسه ۳۲۵
شیخ صدوق - ابن بابویه، محمد بن علی
شیراز ۷۸، ۱۷۷، ۲۳۱، ۲۳۲
شیرخانی، علی ۲۲۲
شیروانی، محمدرضا ۱۰۱
شیره‌کش‌خاندا ۱۵۵
شیعه، اسماعیل ۲۷۶
شیلات ۲۳۰
- ص
صاحب‌نسق، کیاوش ۹۳
صادرات و واردات ۲۳۸، ۲۷۲
صادق، صادق ۳۶۰
صادقی‌فسائی، محمد ۱۷۷
صادقی، گرگعلی ۲۷۷
صادقی، محسن ۱۶۲
صادقی، مقصوده‌علی ۹۴
صالح، اللهیار ۹۵، ۱۸۹، ۳۱۶
صالحی، نصرالله ۱۷۱، ۳۶۳
صبا، فتحعلی بن محمد ۳۵۳
صبر ۲۱۴
صحتی سردودی، محمد ۲۷۸
صدرالدین القونوی، محمد بن اسحاق ۲۳
صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم ۷۴، ۱۳۸، ۱۴۴
- شعر عرفانی ۹۷
شعر فارسی ۷، ۱۰، ۲۱، ۲۳، ۲۵، ۴۰، ۴۴، ۴۸، ۴۹، ۵۳، ۶۲، ۷۰، ۸۳، ۸۶، ۹۱، ۹۶، ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۳۵، ۱۴۷، ۱۵۸، ۱۷۸، ۱۸۸، ۲۰۴، ۲۱۴، ۲۱۹، ۲۲۷، ۲۳۴، ۲۳۹، ۲۴۲، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۳، ۲۷۰، ۲۷۴، ۲۸۷، ۲۹۶، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۶۴، ۳۷۰، ۳۷۲
شعر فارسی معاصر ۱۰، ۲۱، ۲۵، ۴۹، ۱۲۲
شعر محلی آذربایجانی ۶
شعر معاصر - شعر فارسی معاصر
شعرنو - شعر آزاد
شعر نیمایی - شعر آزاد
شعر یونانی ۲۳۴
شکاری، حسن ۲۴۴
شکر کردن ۱۹۴
شکوری، ابوالفضل ۹۲
شکوفه (روزنامه) ۸۵
شکوه‌السلطنه ۲۰۶
شکی ۱۹۳
شمایل خوانی ۱۵۱
شمس، ابراهیم ۲۷۳
شمس تبریزی، محمد بن علی ۲۳، ۲۸۷
شناخت (فلسفه) ۱۳۱، ۱۳۸
شورا (اسلام) ۱۶۴
شوراهای اسلامی ۱۶۴
شورای شهر - انجمن‌های شهر
شورای نگهبان ۵۰
شوروی ۶۸، ۱۸۷، ۲۳۰، ۳۴۵، ۳۴۹
شوستر، ویلیام مورگان ۳۷۱
شوشتر ۳۵۷
شولوخف، میخائیل الکساندروویچ ۱۱۹
شهاب‌الدین زوزنی ۷۲

فهرست اعلام

- صدرالمآلهین ← صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم
صدری‌نیا، باقر ۹۶
صدیق، عیسی ۷۹
صدیقی، محسن ۲۷۹
صرافی ۱۶۵
صرفی، محمدرضا ۹۷
صعودی‌پور، مریم ۹۸
صفا، ذبیح‌الله ۹۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲
صفاریان ۱۸۲، ۲۴۴، ۲۵۰، ۳۶۱
صفویان ۷۶، ۷۸، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۴۱، ۱۸۲، ۱۹۳، ۲۳۹، ۲۷۱، ۲۹۶، ۳۲۸، ۳۵۰، ۳۵۹، ۳۵۵
صفی‌زاده، صدیق ۲۸۳، ۲۸۴
صفی‌زاده، فاروق ۲۸۵
صفی‌نژاد، جواد ۲۰۲
صنایع بدیعی ← بدیع
صنایع دستی ۱۰۵
صنعت ۱۹۴
صنعتی، همایون ۱۰۰
صوفیان ← عارفان
صوفی، لیلا ۲۸۷
صوفیه ← تصوف
- ض
- ضبط موسیقی ایرانی ۵۵
ضرب‌المثل‌ها ۲۹۴
ضرب‌المثل‌های ایرانی ۲۴۷
ضرب‌المثل‌های عربی ۳۰۸
ضرب‌المثل‌های فارسی ۳۰۸
ضیایی، ایرج ۱۰۱
- ط
- طالبوب، جلال ۳۱۴
- طالبی‌نژاد، احمد ۲۸۸
طالقانی، محمود ۲۲
طاهاپی، جواد ۱۰۲
طاهریان ۲۴۴، ۲۵۰
طباطبایی بهبهانی، محمد (منصور) ۱۰۳
طباطبایی، جواد ۲۰۱
طباطبایی، ضیاء ۲۹۷، ۳۶۷
طباطبایی مجد، غلامرضا ۲۰۵
طبری، احسان ۱۸۹، ۲۸۹
طبری، علی بن سهل ۳۱۷
طبری، محمد بن جریر ۳۱۷
طیس ۲۰۲
طلوعی، محمود ۲۹۰
طنز فارسی ۲۲۱
طنزنویسان ۲۲۱
طوطی، حسین ۱۷
تهران ← تهران
طهماسب صفوی اول ۱۹۳
- ظ
- ظاهری، علیرضا ۲۹۱
ظروف سفالی ← سفالگری
ظل‌السلطان، مسعود میرزا بن ناصر ۱۹۸، ۲۴۰
- ع
- عارفان ۲۳، ۳۱، ۳۲، ۶۵، ۲۸۳، ۳۳۵
عاشورا ۱۶۲، ۱۷۲
عالمان اسلامی ← مجتهدان و علما
عامری، ابوالحسن محمد بن یوسف ← عامری، محمد بن یوسف
عامری، محمد بن یوسف ۹۲
عبادات ۱۶۸
عباس میرزا قاجار (ملک آرا) ۳۰۴، ۳۵۳
عباسیان ۱۹۲، ۳۶۱

کلچین

- عباسی، حبیب‌الله ۳۳۵
 عباسی شهنی، عباس ۲۹۱
 عباسی، هوشنگ ۱۰۴، ۱۰۵
 عبدالحسین زاده، هایده ۳۲۰
 عبدالحمید بن یحیی کاتب ۷۳
 عبدالقادر گیلانی، عبدالقادر بن ابی صالح ۱۰۴
 عبداللہیان، بہناز ۱۰۶
 عبداللہی، ہرمز ۲۱۵
 عبدلی، علی ۲۹۲
 عبدی، محمد ۳۶۵
 عبید زاکانی، عبیداللہ ۲۸۷
 عبیری، عباس ۲۱۲
 عثمانی - امپراتوری عثمانی
 عدالت ۳۰۸
 عدنانی، زین‌العابدین ۱۸۱
 عراق ۱۴، ۸۷، ۲۸۳، ۳۰۴
 عراقی، ابراہیم بن بزرگمہر ۲۳، ۲۵۲
 عراقی، فخرالدین - عراقی، ابراہیم بن بزرگمہر
 عربستان سعودی ۱۴
 عرب، غلامحسین ۲۹۳
 عرضه و تقاضا ۲۳۸
 عرفان ۱۱، ۲۳، ۳۱، ۳۲، ۴۰، ۴۶، ۴۹، ۶۵، ۹۷، ۹۹، ۱۰۳، ۱۳۷، ۱۷۸، ۲۴۳، ۲۵۲، ۳۷۲، ۲۵۹
 عرفان اسلامی - عرفان
 عرفان در ادبیات ۱۱، ۴۶، ۴۹
 عرفان در شعر ۱۱، ۴۰، ۱۳۷
 عرفان مسیحی ۱۱
 عروض ۴۴، ۵۳
 عروض عربی ۵۳
 عروض فارسی ۴۴، ۵۳
 عزت نفس ۲۱۴
 عزیزالسلطان ۲۰۶
 عزیزی، سلبلعی ۲۷۷
- عشایر - ایلات و عشایر
 عشق ۲۵۹
 عشق (عرفان) ۹۹، ۲۵۹
 عشقی، محمدرضا بن ابوالقاسم ۲۵۲
 عضدالملک قاجار ۲۵۳
 عطارپور، اردلان ۲۰۸
 عطار، محمد بن ابراہیم ۲۳، ۲۵۲
 عقب ماندگی ۶۹، ۲۰۸
 عکاسان ۲۴۰
 عکاسی ۲۴۰
 عکس‌ها ۱۷۷، ۲۴۰، ۲۹۳
 عکس‌های ایران ۲۶۷
 علامہ، صمصام‌الدین ۲۹۴
 علامہ نائینی - نائینی، محمدحسین
 علم، اسداللہ ۳۱۶
 علما - روحانیت
 علمای شیعه - روحانیت شیعه
 علم و دین ۱۲۰
 علوم ۲۸۰
 علوم سیاسی ۲۹۵
 علویان ۱۸۲، ۲۵۰
 علوی خوانساری، آقاحسین - آقاحسین علوی
 خوانساری
 علی‌بابایی، غلامرضا ۱۰۷
 علی‌بن ابی‌طالب، امام اول ۷۳
 علی‌پور، منوچہر ۳۷۲
 عمران روستایی ۲۱۷، ۳۶۹
 عمران شہری ۲۷۶
 عمران منطقہ‌ای ۲۷۶
 عنایت، حمید ۲۹۵
 عنصری، حسن بن احمد ۳۱۷
 عہدنامہ ارزروم (۱۲۶۳ق.) ۱۷۱
 عہدنامہ تجاری (۱۷۰۸) ۱۰۷
 عہدنامہ فین‌کنشتاین ۱۰۷

فهرست اعلام

- عید نوروز - نوروز
عین السلطنه ۳۶۷
عیوضی، محمدرحیم ۱۰۸
- غ
- غازانی ۱۹۲
غرب زدگی ۱۹۹، ۲۸۹
غزالی، احمد بن محمد ۲۳، ۴۰
غزالی، محمد بن محمد ۳
غزل ۲۲۷
غزلیات شمس - دیوان شمس
غزنویان ۲۴۴، ۲۵۰، ۳۱۷، ۳۶۱
غلامرضایی، محمد ۲۹۶
غنی، سیروس ۲۹۷
- ف
- فتودالیم ۳۵۹
فارابی، محمد بن محمد ۷۴، ۱۳۲، ۳۱۷
فارس ۱۹۵، ۳۰۴، ۳۶۹
فارسی، ادبیات - ادبیات فارسی
فارسی - زبان فارسی
فارور ۱۷۶
فارورگان ۱۷۶
فاضل، نجفعلی ۱۸۱
فاطمی، ساسان ۱۰۹
فتحعلی قاجار ۱۰۷، ۲۳۱، ۲۹۰
فخرالدوله - اشرف الملوك قاجار
فخرالدین اسعد گرگانی ۳۱۷
فدایی عراقی، غلامرضا ۱۱۰
فراجدد ۱۸۳
فرار مغزها ۱۱۸
فرستخواه، مقصود ۱۱۱
فرامرزی، احمد ۲۹۸
فرامرزی، حسن ۲۹۹
- فرامرزی، عبدالرحمن ۲۹۹
فرانسه ۵۷، ۹۸، ۱۰۷، ۲۷۲
فرانسیسکن ها ۲۱۰
فرآورده های کشاورزی ۳۶۹
فرح دیبا ۲۹۰
فرخ زاد، فروغ ۱۰
فرخی سیستانی - فرخی، علی بن جلولوغ
فرخی، علی بن جلولوغ ۱۱۵، ۱۷۸، ۲۵۲
فردوسی، ابوالقاسم ۲۳، ۱۱۹، ۲۱۴، ۲۴۸
۲۵۲، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۱۷، ۳۷۰
فرصت شیرازی - فرصت، محمد نصیر بن جعفر
فرصت، محمد نصیر بن جعفر ۸۲
فرقه دموکرات آذربایجان ۱۶۳، ۲۲۹، ۲۳۵
فرقه قادریه - قادریه
فرمانداران - استانداران و فرمانداران
فرمانداری مسجد سلیمان ۲۹۱
فرمانفرمائیان (خاندان) ۳۰۴
فرمانفرمائیان، مهرماه ۳۰۴
فرمانفرما، عبدالحسین میرزا ۳۰۴
فرمانفرما، فیروز میرزا بن عباس میرزا ۳۰۴
فروردین ۱۸۶، ۳۷۰
فروزانفر، بدیع الزمان - فروزانفر، محمد حسن
فروزانفر، محمد حسن ۷۹
فروغ السلطنه ۲۰۶
فروغی، محمد علی ۳۱۶
فرهنگ ۱۸۷، ۱۸۸، ۲۸۳، ۳۰۹، ۳۱۴، ۳۳۶، ۳۶۷
فرهنگ ایرانی ۱۰۴، ۱۳۱، ۱۷۲، ۱۸۶
فرهنگ بومی ۱۰۵
فرهنگ زدایی ۱۸۰، ۱۹۹
فرهنگستان ایران ۷۹
فرهنگ عامه ۴۱، ۸۸، ۱۰۴، ۱۶۰، ۱۸۶، ۲۲۳، ۳۵۸
فرهنگ یونانی ۱

کاجین

- فرید، طاهره ۳۰۷
فریغونیان ۸
فضاحت - سخنوری
فضائل خوانی ۱۵۱
فضایی، یوسف ۱۱۲
فقر ۱۹۴
فقه ۱۶۲
فقهها - فقیهان
فقه جعفری ۳۱۹
فقه شافعی ۳
فقه شیعه ۴۵
فقیراصطهباناتی، علی ۳۰۸
فقیهان ۳
فلاحکار، ستار ۱۱۳
فلاح، مهرداد ۱۱۴
فلسفه ۱۰۲، ۱۰۳، ۲۱۴، ۳۰۸
فلسفه اسلامی ۳۱، ۷۴، ۹۲، ۱۰۳، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۶۲، ۲۴۲
فلسفه ایرانی ۷۴
فن ترجمه - ترجمه
فوزیه ۲۹۰
فوکو، میشل ۵۸
فولادوند، عزت‌الله ۱۱۵
فولکلور - فرهنگ عامه
فهیمی، مهدی ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲
فیروز، مظفر ۱۸۹
فیلسوفان ۲۴۲
فیلسوفان اسلامی ۳۱، ۷۴، ۹۲، ۱۴۴، ۲۶۸، ۳۴۶
فیلسوفان ایرانی ۷۴، ۹۲، ۱۰۳، ۱۷۸
فیلسوفان شیعه ۲۶۸
فیلم مستند - سینمای مستند
فیلمنامه‌ها ۱۹۶
فیلم‌های ایرانی - سینمای ایرانی
- ق
قآن‌خان مغول ۷۲
قاجاریان ۲۷، ۵۶، ۶۹، ۱۰۷، ۱۱۶، ۱۶۵، ۱۸۲، ۲۰۶، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۵۰، ۲۵۳، ۲۶۱، ۲۷۱، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۴، ۳۱۴، ۳۲۳، ۳۳۳، ۳۴۹، ۳۵۳، ۳۶۳، ۳۶۷، ۳۷۱
قادریه ۲۷۳
قاسمی، احمد ۳۱۳
قاسمی پویا، اقبال ۳۱۴
قاسمی، حبیب ۳۱۵
قاسمی، فرید ۱۱۶
قاضیها، فاطمه ۲۵۴
قالی‌های ایرانی ۳۹
قانون اساسی ۵۰، ۶۰، ۱۴۵، ۲۱۲
قبه سبز ۷۲
قدردان قراملکی، محمدحسن ۱۱۷
قرآن ۳۴، ۲۰۴
قراخانیان - ایلک خانیان
قراختانیان ۷۲
قرخلو، مهدی ۱۱۸
قرقیزستان ۴۷
قره‌چمنی، محمد ۳۳۴
قزاقستان ۴۷
قزوین ۱۹۳، ۲۵۳، ۳۵۳، ۳۶۷
قشقای ۳۲۴
قصر شیرین ۲۷۵
قصه‌گویی ۱۸۸
قصیده ۲۲۷
قفقاز ۳۶، ۲۲۵
قم ۵۱، ۲۲۲، ۲۷۵
قندهار ۱۹۳، ۳۵۹
قنات، عبدالرحیم ۳۱۷
قوام‌السلطنه، احمد ۲۹۷، ۳۱۶

- کتیبه‌های میخی بابل ۸۹
کتیبه‌های هخامنشی ۶۶، ۳۴۱
کردان ۱۵، ۲۴۳، ۲۸۳
کردستان ۱۶۵، ۱۶۶، ۲۴۳، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵
کردها ۷۲
کردی ۲۸۳، ۲۸۴
کرمان ۲۲، ۷۲، ۱۹۹، ۲۰۳، ۳۰۴
کرمانشاه ۲۷۵
کرمی، فریبا ۳۰۶
کریم‌خان زند ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۷۲
کریمیان، علی ۱۲۳
کریمی زنجانی اصل، محمد ۱۲۴، ۱۲۵
کریمی، علی ۱۲۳
کریمی، علیرضا ۱۲۶، ۲۲۸
کسانی مروزی ۳۱۷
کسانی، نورالله ۱۲۷، ۱۲۸
کسروی، احمد ۲۸۹
کسروی تبریزی، احمد ۳۲۲
کشاوریان ۲۷۲
کشاوری گیلانی، فریدون ۱۲۳
کشاوری ۲۰۲
کشواد (خاندان) ۲۶
کشورهای اسلامی ۱۸۴، ۳۵۳
کلام ۲۱۴
کلانتر، محمدابراهیم بن هاشم ۲۳۱
کلانتری باغمیشه‌ای، ابراهیم ۳۲۳
کلینی، محمدبن یعقوب ۳۱۷
کمال‌الدین بهزاد ۱۵۶
کمیته دفاع ملی ۲۷۵
کمیته ملیون برلین ۲۷۵
کمیسیون اصطلاحات علمی ۷۹
کنگره‌ها ۳۳۳، ۳۶۹
کنوانسیون رفع تبعیض از زنان ۳۱۹
کوچ ۱۷۷
- قوام‌الملک شیرازی، حبیب‌الله ۳۳۳
قوانین و مقررات ۱۶۴، ۲۳۸، ۳۱۹
قوچان ۳۷
قومس ۱۸۲
قوم‌شناسی ۱۶۶
قهرمانیان، صفر ۲۳۵
قهوه‌خانه‌ها ۱۵۵
قیام افسران خراسان ۲۲۹
قیام تنگستان ۲۲۸، ۲۹۸، ۳۳۳
قیام جنگل ۳۵۱
قیام سی تیر ۱۳۳۱ ۲۲۹
قیصری، ابراهیم ۱۱۹
- ک
کاپیتولاسیون ۵۴، ۱۰۷
کاتوزیان، مرتضی ۳۴۲
کاجی، حسین ۱۲۰، ۱۲۱
کاردگر، یحیی ۱۲۲
کار، مهرانگیز ۳۱۹
کازرون ۲۱۶، ۳۵۹
کازرونی، محمدرضا ۳۳۳
کاسی‌ها ۳۰، ۲۶۹
کاظمین ۳۶۳
کامبخش فرد، سیف‌الله ۳۲۰
کامشاد، حسن ۲۹۷
کانادا ۱۱۸
کاووس ۳۰۰، ۳۰۲
کاروانی، شیوا ۲۴۳
کتابخانه مجلس شورای اسلامی ۱۱۰
کتابخانه‌های اسلامی ۸۷
کتابخانه‌های مساجد ۸۷
کتاب‌شناسی ۳۲۱
کتاب‌های چاپی فارسی ۳۲۱
کتیبه‌ها ۶۶، ۸۹، ۳۴۱

کـلـچـین

ل	کودتا ۶۸، ۲۴۱
لار ۱۹۵	کودتای ۱۲۹۹ ۲۲۸، ۲۹۷، ۳۶۷، ۳۷۱
لاریجانی، صادق ۱۶۲	کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ - کودتای ۱۲۹۹
لاریجانی، محمدجواد ۳۲۷	کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۰
لاری، عبدالحسین ۳۳۳	۲۴۱، ۲۵۶، ۳۵۱
لاکمارت، لارنس ۳۲۸	کورش هخامنشی ۲۰۷، ۳۴۱
لامعی، شعبانعلی ۳۲۹	کیانیان ۱۹۸
لبنان ۱۴	کیانفر، جمشید ۲۶۱
لجیانی، علیرضا ۳۳۰	کیانیان ۱۹۷، ۲۵۰
لرستان ۱۳۰، ۲۲۳، ۲۶۹	کیانی، مجید ۱۲۹
لرها ۲۲۳	کیانی، منوچهر ۳۲۴
لطفعلی خان زند ۲۳۱	کیش ۱۷۵
لطفی، محمدرضا ۳۲۰	کیکاووس ۳۰۰
لطیفه‌های فارسی ۲۲۱، ۲۵۷، ۳۱۰	گـ
لغات خارجی - واژه‌ها و ترکیبات خارجی	گاه‌شماری ۳۷۰
لغت‌سازی - واژه‌های جدید	گاه‌شماری زردشتی ۱۰۰
لقمان ۳۰۸	گاه‌شماری مصری ۱۰۰
لوحه‌های سنگی - کتیبه‌ها	گرجستان ۱۹۳
لولوئی، کیوان ۱۳۰	گردآفرید ۳۰۱
لهجه بلخی - بلخی	گرگان ۱۹۸
لهجه کردی - کردی	گرمی ۳۱۳، ۳۲۰
لهستانی‌ها ۱۲۶	گلستان (استان) ۱۹۸
لیبرالیسم - آزادیخواهی	گلستان سعدی ۴۸، ۳۰۸
لیلی و مجنون ۸۳، ۱۵۶	گل‌گلاب، حسین ۷۹
م	گناوه ۲۳۶
مثنین (روستا) ۳۳۶	گورها و گورستان‌ها ۳۲۰
ماحوزی، مهدی ۲۲۷	گویش کردی - کردی
ماد ۲۴۴، ۲۵۰، ۳۵۵	گیلان ۳۵، ۴۱، ۵۶، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۳، ۱۹۸
مارکوه ۱۹	گیلانی‌ها ۱۰۴
مازندران ۱۶۰، ۱۹۸	گیلکی ۱۰۴
مازندرانی، عبدالله ۱۸۱	گیل‌گمش ۸۹
مالزی ۱۴	گیوک‌خان ۲۱۰
مالیات ۷۸، ۱۶۵، ۳۴۴، ۳۶۷	

فهرست اعلام

- مالیه عمومی ۳۴۴
 مامونیان ۸
 مانویت ۳۵، ۱۳۶، ۲۹۵
 مانی، پیامبر ایرانی ۳۵، ۱۳۶
 ماوراءالنهر ۲۰۴، ۲۱۰
 ماه (دراساطیر) ۱۰۶
 ماهریان، هوشنگ ۱۳۱
 ماه محرم ← محرم
 مایر، فریتز ۱۷
 مترجمان ۱۲۷
 مترجمان ایرانی ۳۳۵
 متقی‌زاده، احمد ۳۳۱
 مثنوی مولوی ۱۱، ۳۴، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۷۴
 مجتهدان و علما ۱۸۱، ۲۷۸، ۲۹۲، ۳۳۵، ۳۵۷، ۳۶۳
 مجده، فوزیه ۱۳۲
 مجلس شورای اسلامی ۵۰
 مجلس شورای ملی ۲۴۱، ۲۵۶، ۳۲۳
 مجلس قانونگذاری ۴۵
 مجمع تشخیص مصلحت نظام ۵۰
 مجمع تشخیص مصلحت نظام. دبیرخانه ۲۳۸
 مجمع فرهنگی شهید آیت‌الله بهشتی ۳۳۲
 محدث‌زاده، حسین ۳۳۵
 محرم ۲۱۶
 محقق خوانساری، حسین‌بن محمد ۱۴۱
 محمدخانی، حسین ۳۳۶
 محمد خوارزمشاه ۲۱۰
 محمدرضا پهلوی ۶۸، ۱۱۱، ۱۸۹، ۱۹۶، ۲۱۵، ۳۷۱، ۳۴۷، ۲۲۸
 محمد علی قاجار ۳۰۴
 محمد قاجار ۲۶۱
 محمدی، محمدعلی ۳۳۷
 محمدی، منوچهر ۳۳۸، ۳۳۹
 محمود غزنوی ۳۱۷
 مختارالدوله ۳۵۳
 مخزن الاسرار نظامی ۳۴
 مدائن ۱۹۲
 مدبرالممالک هرندی، میرزارضا ۵۹
 مددکاری اجتماعی ۲۵۲
 مدرسه ترکان خاتون ۷۲
 مدرسه سعادت پوشهر ۳۴۰
 مدرسه عصمتیه ← مدرسه ترکان خاتون
 مدرسه قطبیه ← مدرسه ترکان خاتون
 مدرسه منصوریه شیراز ۷۸
 مدرسه‌ها ۱۶۱، ۲۵۸، ۳۱۴، ۳۴۰
 مدرسه‌های علمیه ← حوزه‌های علمیه
 مدرن‌سیم ۵۹، ۱۲۱، ۱۳۱
 مدیرشانه‌چی، محسن ۱۳۳
 مدیریت ۲۳۸
 مدینه فاضله ۳۱۷
 مرادی غیاث‌آبادی، رضا ۳۴۱
 مراغه‌ای، زین‌العابدین ۲۵۵
 مردم‌شناسی ۱۸۷، ۳۶۷
 مزدپرستی ← زردشتی
 مزوراز ۲۴۳
 مزینانی، محمدصادق ۱۳۴
 مسائل اجتماعی و اخلاقی ۳۷۲
 مساجد ← مسجدها
 مستوفی، عبدالحسین ۳۴۳
 مسجد جامع اردستان ۷۶
 مسجد جامع زواره ۷۶
 مسجد جامع عتیقی اصفهان ۷۶
 مسجد جامع قروه ۷۶
 مسجد جامع یزد ۳۳۴
 مسجد سلیمان ۲۹۱
 مسجدها ۷۶، ۲۵۸، ۳۳۴
 مسعود سعد سلمان ۱۱۵
 مسگرنژاد، جلیل ۱۳۵

کلیچین

- مسلمانان ۱۸۷، ۲۵۰
 مسیحیت ۱۹۲، ۲۱۰
 مشارکت اجتماعی ۱۶۴
 مشاهیر ایرانی ۲۰۵، ۳۱۷، ۳۲۶، ۳۳۵
 مشایخی، عبدالکریم ۳۳۰
 مشروطیت ۴۵، ۱۱۰، ۱۳۱
 مشهد ۱۹۹
 مشیرالدوله ← پیرنیا، حسن
 مشیرتفرشی، منیژه ۱۳۶
 مصدق، محمد ۱۷۰، ۱۸۹، ۲۱۵، ۲۲۸، ۲۳۰،
 ۲۵۶، ۳۱۶، ۳۴۴، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۷۱
 مصر ۱۴، ۱۰۰، ۳۰۰
 مصرف ۲۳۸
 مطبوعات ایرانی ۱۱۶
 مطربی سمرقندی، سلطان محمد ۲۰۴
 مطهری، مرتضی ۱۱۷، ۱۳۴، ۲۶۸
 مظفرالدین قاجار ۲۰۶، ۲۲۵، ۳۰۴، ۳۶۷
 معافیت مالیاتی ۷۸
 معانی و بیان ۷۳
 معتضد، خسرو ۲۰۶، ۳۴۵
 معدن‌کن، معصومه ۱۳۷
 معرفت‌شناسی ← شناخت (فلسفه)
 معروفی، عباس ۹
 معصومی، علی ۳۴۶
 معلمی، حسن ۱۳۸
 معماری ۳۸، ۲۶۶
 معماری اسلامی ۳۸، ۷۶، ۲۰۳، ۲۵۸
 معماری ایرانی ۳۸، ۷۶، ۲۰۳، ۲۵۸
 معماری جدید ۱۸۳
 معماری مدارس ← ساختمان‌های مدارس
 معماری مساجد ۳۳۴
 معین‌التجار بوشهری ۲۷۷
 مغان ۱۶۸، ۳۱۳، ۳۲۰
 مغولان و ایلخانان ۷۲، ۱۹۲، ۲۱۰، ۲۴۴، ۲۴۶،
 ۳۰۸، ۳۴۹
 مغولستان ۲۱۰
 مقاله‌ها و خطابه‌ها ۳۳۳
 مقاله‌های فارسی ۱۸۹، ۲۶۳، ۳۲۱، ۳۵۹
 مکی، حسین ۳۴۷
 ملاح، حسینعلی ۱۳۹
 ملاصدرا ← صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم
 ملانصرالدین ۲۲۱
 ملایر ۲۶۴
 ملایی، علیرضا ۱۴۰
 ملک‌شاه سلجوقی ۳، ۲۰۳
 ملکم ۱۳۱، ۱۹۹، ۲۵۵، ۳۱۴، ۳۱۶
 ملکوئیان، مصطفی ۲۱۲
 ملکی، خلیل ۳۴۸
 ملی شدن نفت ۱۶۹، ۱۷۰، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۵۶،
 ۳۴۸، ۳۵۰
 ملی‌گرایی ۲۷۵
 ممسنی ۲۷۷
 مناظر ایران ۲۶۵، ۲۶۷
 مناقب خوانی ۱۵۱
 منصورحلاج ← حلاج، حسین‌بن منصور
 منطق‌الطیر عطار ۳۴، ۲۵۲
 منظومه‌های حماسی ۸۹، ۱۵۱
 منظومه‌های مذهبی ۱۵۱
 منگوقاآن مغول ۷۲، ۲۱۰
 منوچهری، احمدبن قوص ۳۱۷
 موحد، ضیاء ۷
 موحدی، محمدرضا ۱۴۱
 مورخان ← تاریخ‌نویسان
 موسسه فرهنگی قدر ولایت ۱۹۹، ۲۲۶، ۳۱۶
 موسیقی ۲۴، ۹۰، ۱۰۹، ۱۲۹، ۱۴۶، ۱۵۴،
 ۳۲۰، ۳۶۸

فهرست اعلام

- مهرادپی، لیدا ۱۴۶
 مهرپرستی ۶۶
 مهینمی، محمدعلی ۳۵۰
 میرابوالقاسمی، محمدتقی ۳۵۱
 میراث فرهنگی ۳۸
 میرافضلی، علی ۱۴۷
 میرزا آقاخان کرمانی، عبدالحسین ۱۹۹
 میرزا آقاخان نوری ۳۷۱
 میرزا کوچک خان، یونس بن میرزا بزرگ ۲۲۸، ۳۵۱
 میرزا ملکم خان - ملکم
 میرزا مهدی خان چهره‌نما ۲۴۰
 میرزای نائینی - نائینی، محمدحسین
 میرعلینقی، علیرضا ۱۴۸، ۳۶۸
 میرفندرسکی، ابوالقاسم بن میرزا بزرگ ۱۰۳
 میرفندرسکی، میرزا ابوطالب ۱۵۱
 میرمحمدی، حمیدرضا ۳۵۴
 میرنجفی زاده، جواد ۳۵۵
 میلانی، عباس ۱۴۹
 مینیاتر ایرانی ۱۵۶، ۱۵۷
- ن**
 نائینی، محمدحسین ۴۵، ۱۳۱
 ناپلئون اول، امپراتور فرانسه ۱۰۷
 نادر افشار ۱۶۸، ۲۷۲، ۳۲۸
 نادرشاه افشار - نادر افشار
 ناسیونالسیم ایرانی ۴۲
 ناسیونالسیم - ملی‌گرایی
 ناصرالدین شاه قاجار - ناصرالدین قاجار
 ناصرالدین قاجار ۲۷، ۲۰۶، ۲۲۵، ۲۵۴، ۲۶۱، ۳۰۴، ۲۹۰
 ناصرالملک همدانی ۳۵۳
 ناصر خسرو ۳۱۷
- موسیقی آسیای مرکزی ۳۲۰
 موسیقی اسلامی ۲۶۹
 موسیقی ایرانی ۱۳، ۳۳، ۳۷، ۴۱، ۴۴، ۵۵، ۶۲، ۷۲، ۸۲، ۹۱، ۹۳، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۸، ۱۵۴، ۱۵۹
 موسیقی دانان ۹۰
 موسیقی دانان ایرانی ۳۷، ۶۲، ۸۲، ۹۰، ۱۳۲، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۸، ۱۵۹، ۲۶۹، ۳۶۶، ۳۶۸
 موسیقی کردی - موسیقی محلی کردستان
 موسیقی محلی ۳۳، ۱۴۶
 موسیقی محلی ایرانی ۱۱۳، ۱۴۶، ۲۴۴
 موسیقی محلی بوشهر ۳۳
 موسیقی محلی خراسان ۳۷
 موسیقی محلی کردستان ۲۸۴
 موسیقی محلی گیلان ۴۱، ۱۱۳
 موسیقی محلی لرستان ۲۶۹
 موسیقی مذهبی ۳۲
 موسیقی مصری ۳۲۰
 موسیقی نظامی ۱۳
 موسیقی هندی ۱۳۲
 موعاری، منوچهر ۱۴۳
 موقوفات - موقوفه‌ها
 موقوفه‌ها ۷۸، ۱۶۵، ۲۷۷
 مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد ۲، ۱۱، ۲۳، ۱۳۷، ۱۷۸، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۷۴، ۲۸۷، ۳۷۰
 مومنی، مصطفی ۳۵۶
 موبدی شوشتی، اکرم ۳۵۷
 مهاجران ۱۱۸، ۱۲۶، ۱۶۸
 مهاجران ایرانی ۱۱۸
 مهاجرت ۱۱۸، ۲۷۵، ۳۶۱
 مهاجر، محسن ۱۴۴، ۱۴۵
 مهد علیا ۲۹۰
 مهدی‌نیا، جعفر ۳۴۹

کلیچین

- ناصری (نشریه) ۱۱۶
ناصریه - اهواز
ناطق، هما ۱۵۰
ناظرزاده کرمانی، فرهاد ۱۵۱
ناظمی، نازیلا ۳۵۸
ناقد، خسرو ۱۵۲
نام‌ها ۳۰۶
نام‌های اشخاص ۳۰۶، ۳۰۵
نام‌های ایرانی ۳۰۶، ۳۰۵
نامه‌های فارسی ۳۶۰، ۳۱۲، ۱۶
نباءپور، هاشم ۳۱۴
نبوی، محمدحسن ۳۳۳
نثر عربی ۷۳
نثر فارسی ۴، ۴۶، ۴۸، ۱۴۱، ۱۴۹، ۲۰۴، ۲۸۲، ۳۰۳
نجاری، محمد عزیز ۲۷۳
نجف آباد ۲۲
نجل رحیم، عبدالرحیم ۱۵۳
نجوم ۳۰۲، ۳۱۷
نجوم ایرانی ۶۷
نخست وزیران ۱۲۳
نراقی، حسن ۳۶۱
نسخه‌های خطی ۳۰۳
نصیبی، محمد ولی ۳۶۲
نظام‌الدین زاده، حسن ۳۶۳
نظام‌الملک، حسن بن علی ۳، ۳۵۰
نظام مافی، منصوره - اتحادیه، منصوره
نظامی، الیاس بن یوسف ۸۳، ۲۵۲، ۲۶۳، ۳۶۴
نظریه توسعه ناموزون ۱۳۳
نفت ۱۱۱، ۱۶۹، ۱۷۰، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۵۶، ۳۴۸
نفیسی، سعید ۱۶، ۷۹
نقاشان ایرانی ۳۴۲
نقاشی ۱۵۶، ۱۵۷
- نقاشی ایرانی ۳۴۲
نقالی ۱۵۱
نقالی مذهبی ۱۵۱
نقد ادبی ۲۱، ۴۹، ۲۳۴، ۲۴۲
نقد سینمایی ۳۶۵
نقد فیلم - نقد سینمایی
نقد و تفسیر ۲۵۷، ۲۶۰
نگارگری - نقاشی
نمادگرایی - سمبولیسم
نمایش ۲۶۴
نمایندگان مجلس ۱۱۰، ۲۴۱، ۳۲۳
نواب صفا، اسماعیل ۳۶۶
نوایی، عبدالحسین ۱۵۵، ۳۳۵
نوایی، کامبیز ۱۵۶
نورآباد ۲۷۷
نوروزی ۵، ۶۷، ۱۷۲، ۲۴۸، ۳۵۸، ۳۷۰
نوروزی طلب، علیرضا ۱۵۷
نوروزی، ماندانا ۲۸۷
نوری، فضل‌الله ۱۳۱
نوری نشاط، سعید ۳۲۶
نوسازی شتابان ۸۰
نویسندگان اسلامی ۱۶۲
نویسندگان ایرانی ۷۳، ۱۴۱، ۱۸۸، ۲۵۲، ۲۸۱
۲۸۲، ۲۹۹، ۳۲۶، ۳۴۹
نویسندگان عرب ۷۳
نوین فرح‌بخش، فریدون ۳۵۹
نهیج البلاغه ۷۳
نهضت مقاومت ملی ایران ۳۴۷، ۳۴۸
نهضت‌های مقاومت ۳۳۳
نیما یوشیج ۱۰، ۱۳۱، ۲۹۶

و

واژگان بیگانه - واژه‌ها و ترکیبات خارجی

فهرست اعلام

- واژه‌ها و ترکیبات خارجی ۷۹
 واژه‌های جدید فارسی ۷۹
 واسموس ۳۵۹
 واقعه آذربایجان ۲۳۵
 واقعه مسجد جامع کرمان ۲۲
 واقعه نوزده دی (۱۳۵۶) ۵۱، ۲۲۲
 واقعه هفده شهریور (۱۳۵۷) ۱۴۰
 وثوق الدوله، حسن ۲۹۷
 وحدت وجود ۳۱
 وحیدی دستگردی، حسن ۳۶۴
 ورامین ۱۶۵، ۲۰۲
 ورجاوند، پرویز ۲۶۷
 وزن شعر - عروض
 وزیران ۱۲۳
 وزیران ایرانی ۲۴۶
 وزیر، علینقی ۳۶۸
 وضع سیاسی و اجتماعی ۱۶۸، ۱۸۹، ۲۴۱، ۲۵۲
 وقار السلطنه گیلانی - اورنگ، محمود
 وقف ۷۸، ۳۲۱
 وقفنامه‌ها ۳۲۱
 ولایت فقیه ۱۱۷، ۱۳۴
 ویس و رامین ۸۱
 ۵
 هادی‌زاده، رسول ۱۵۸
 هاشمی، حمید ۳۰۵
 هاشمی، مصطفی ۳۶۹
 هخامنشیان ۱۳، ۶۱، ۶۶، ۱۲۴، ۲۰۷، ۲۴۴، ۲۵۰، ۳۴۹، ۳۵۵، ۳۶۱
 هدایت، صادق ۱۴۷، ۲۸۹
 هرمس ۳۰۸
 هژیر، عبدالحسین ۱۲۳
 هلند ۲۷۲
 همایون شاه ۱۹۳
 همایی، ماهدخت بانو ۲۸۲
 همدان ۲۶۲
 هند ۲۷۲، ۲۹۹
 هندورابی ۱۷۶
 هنر ۱۵۷، ۲۱۴، ۲۱۹، ۲۷۲، ۳۳۰
 هنر اسلامی ۱۲
 هنر ایرانی ۱۲، ۳۹، ۴۳، ۱۵۶، ۱۵۷، ۲۶۵، ۳۶۷
 هنرمندان ۲۷۲
 هنرمندان ایرانی ۳۲۶، ۳۳۵
 هنر و اخلاق ۲۱۹
 هنر و ادبیات ۲۱۹
 هنر و انقلاب ۲۱۹
 هنر و جنگ ۲۱۹
 هنر و دین ۲۱۹، ۳۳۰
 هنرهای تزئینی اسلامی ۳۳۴
 هنری، مرتضی ۳۷۰
 هوریانی‌ها ۳۶
 هوشنگ مهدوی، عبدالرضا ۱۷۱، ۳۷۱
 هوشیار، محمدباقر ۷۹
 هولستر، ارنست ۲۴۰
 هویدا، امیرعباس ۳۱۶
 هیرمند ۶۹
 ۵
 یاحسینی، قاسم ۲۹۸
 یادگار زریران ۱۸
 یحیی برمکی ۳۵۰
 یزد ۱۷۴
 یزدان‌پناه لموکی، طیار ۱۶۰
 یزدانی، زینب ۳۷۲

کاجین

یزدانی، مرضیه ۱۶۱

یساولی، جواد ۲۶۷

یوسف وزلیخا ۱۵۶

یونان ۱

یهودیان ۲۰۷، ۳۴۹، ۳۶۷

- Tabarī, Muḥammad ibn Jarīr. 317
 Tabas, 202
 Ṭabāṭabā'ī, Ṣiyyā', 297, 367
 Ṭahmāsb Safavī I, 193
 Ṭālbūf, Jalāl, 314
 Tūṭī, Ḥusayn, 17
 Ṭabarī, Iḥsān, 289
 Ṭabāṭabā'ī Bihbahānī, Muḥammad
 (Maṣṣūr), 103
 Ṭabāṭabā'ī Majd, Ghulām-Rizā, 205
 Ṭabāṭabā'ī, Javād, 201
 Ṭāhāyī, Javād, 102
 Ṭahirids, 244, 250
 Ṭālibīnizhād, Aḥmad, 288
 Ṭāliqānī, Maḥmūd, 22
 Ṭulū'ī, Maḥmūd, 290
 Uftādh, Muḥsin, 13
 Ugtāy Qāān, 290
 Ukhuvvat, Muḥammad Raḥīm, 7
 Ulīyā'ī, Muṣṭafā, 23
 United Nations, 319
 United States of America, 68, 170, 230,
 255, 347, 371
 Urban design. *See* Urban planning
 Urban development, 276
 Urban geography, 356
 Urban life, 183
 Urban societies, 164
 Urūmīyih Lake, 211
 Utopia, 317
 Uzbekistan, 47
 Uzbek language, 47
 Uzbeks, 193
 Vahīdī Dastgirdī, Ḥasan, 364
 Valayat-I Faqīh (guardianship of
 juriprudent), 117, 134
 Vaqār al-Salṭanah Gīlānī. *See* Urang,
 Maḥmūd
 Varāmīn, 165, 202
 Varjāvand, Parvīz, 367
 Vāsmūs, 359
 Vazīrī, 'Alī-Naqī, 368
 Village societies, 164
 Villagers, 369
 Villages, 164, 369
 Vis and Rāmīn, 81
 War, 13, 214
 Westernization, 199, 289
 Wine cup, 43
 Women in literature. 372
 Women journalists. 85
 Women poets. 372
 Women politicians. 290
 Women. 165, 187, 188, 206, 319, 372
 Women's rights. 319
 Word making. *See* New words
 Worships, 168
 Wuthūq al-Dawlah, Ḥasan, 297
 Yādgār-i Zarīrān, 18
 Yāḥusainī, Qāsim, 298
 Yaḥyā Barmakī, 350
 Yasavulī, Javād, 267
 Yazd, 174
 Yazdānī, Marzīyih, 161
 Yazdānī, Zīynab, 372
 Yazdānpanāh Lamūkī, Ṭayyār. 160
 Yusuf and Zulaykhā, 156
 Za'im, Kūrūsh, 256
 Zābulistān, 302
 Zāhidī, Ardishīr, 316
 Zakariyā, Bahā' al-Dīn, 23
 Zakariyāpūr, Nādir, 164
 Zāl, 300, 303
 Zamānī, Karīm, 257
 Zamānīnīyā, Muṣṭafā, 165
 Zamarshīdī, Ḥusain, 258
 Zandīyān, 107, 182, 231, 232, 272, 328,
 355
 Zarshinās, Shahrīyār, 255
 Zavārih, 76
 Zībākalām, Ṣādiq, 208, 295
 Ṣiyyā'ī, 'Iraj, 101
 Zoroaster, 35, 173, 243
 Zoroastrian calendaring, 100
 Zoroastrian, 35, 66, 100, 106, 124, 125,
 172, 243, 295
 Zoroastrians, 124, 125, 349, 367
 Zubdat al-Tavārīkh, 359
 Ṣil al-Sulṭān, Maṣ'ūd Mīrzā ibn Nāsir.
 198, 240
 Zāhirī, 'Alī-Rizā, 291

- Tāj al-Saltānah, 206
Taj Mahal, 266
Tajik language, 47
Tajik language, 47
Tājīk, Muḥammad-Rizā, 42
Tajikistan, 47
Tajvidī, 'Alī, 201
Tālīsh, 292, 359
Tangistān, 298
Taḡīzādīh, Ḥasan, 131, 189, 289, 316
Tarbiyat, Muḥammad-'Alī, 205
Tavāngarzamīn, Muḥammad-Kāzīm, 207
Tax, 78, 165, 344, 367
Teaching, 129
Teahouse, 155
Teflis, 225
Tehran Bazar, 165
Tehran, 155, 165, 209, 218, 271, 275, 325
Temporary government of Iran, 185
Thanksgiving, 194
Thaḡat al-Islām Tabrīzī, 'Alī ibn Mūsā, 360
Thāḡībī, Ibrāhīm, 181
The Buyids, 232, 294
The clergy (Shi'ite), 45
The clergy (Zoroastrian), 172
The clergy, 45, 51, 272, 363
The Committee of National Defense, 275
The Convernion of Elimination of Discrimination against Women, 319
The event of 17 shahrivar 1357/1978, 140
The event of 19th of Day 1356/1977, 51, 222
The event of Azerbaijan, 235
The event of Jāmi' Mosque of Kirmān, 22
The Farīḡhūns. *See* Farīḡhūnīyān
The Green Dome, 72
The Movement of Tangistān, 228, 298, 333
The occupation by The Allies, 349
The Police of Southern Iran, 333
The Polish, 126
The selected history, 359
The Theory of unbalanced development, 133
The true knowledge (philosophy), 131, 138
The uprising of Khurāsān army officers, 229
The uprising of Tīr 30, 229
The World War I, 165, 304, 333, 351, 367
The World War II, 95, 126, 345, 351, 362
The Ziyārs, 244
Theater. *See* Drama
Theses, 321
Thought, 214
Thulth script, 12
Tih-rānī, Amīr-Hikmat, 55
Time in poetry, 97
Timurids, 244, 349
Tīstūn, 192
Tobacco Movement, 228
Tobacco, 165
Tourism, 128, 209
Trade, 272
Tradition & modernity, 59, 121
Traditions (aḡādīth), 204
Transcendent philosophy, 138
Translation technique. *See* translation
Translation, 127, 152
Translators, 127
Transoxiana, 204, 210
Travel memoirs, 77, 254
Traveling & tourism, 128, 265, 267, 299
Tribes & clans, 168, 177, 202, 223, 251, 265, 277, 313, 324
Trīstat va Isot, 81
Tuḡīdī, Fā'iq, 43
Tunikābun, 198, 294
Tunisia, 14
Turābī, Muḥammad, 282
Turbat-i Ḥīdarīyih, 202
Turbat-i Jām, 37
Turkān Khātūn School, 72
Turkān Khātūn, 72
Turkey, 283
Turkman language, 47
Turkmanistan, 47
Ṭabarī, 'Alī ibn Sahl, 317
Ṭabarī, Iḡsān, 189, 289

- Sipihri, Suhrāb, 49, 287
 Sīs, 362
 Sīstān, 69, 193, 300
 Sitāyishgar, Mahdī, 82
 Sīyāvush, 302
 Sīzdih bidar, 370
 Sky (in myths), 106
 Social aid, 252
 Social and moral issues, 372
 Social changes, 194, 314
 Social history, 350, 355
 Social situation, 165, 208, 218, 252, 272, 281, 282, 325, 350, 351, 355
 Sociology, 102, 329
 Socrates, 308
 Soldiers, 311, 312
 Song, 91, 146
 South East Asia, 14
 South West Asia, 14
 Southern Europe, 29
 St. Petersburg, 225
 Stamp, 245
 Standard, 238
 State divisions, 61
 State Expediency Council, 50
 Stools, Carl, 17
 Story writing, 188
 Students (school), 161
 Students (university), 161
 Stylistic approach, 296
 Subhānī Tabrizī, Ja'far, 181
 Subhānī, Jalāl, 259
 Sūdābih, 300, 302
 Sufis. *See* Mystics
 Sufism, 31, 32, 40, 46, 65, 99, 149, 178, 179, 273
 Sulṭān Ghayāth al-Dīn, 72
 Sulṭān Ḥusayn Bāyqarā. *See* Ḥusayn Bāyqarā
 Sulṭān Quṭb al-Dīn, 72
 Sulṭān Sanjar Saljūqī, 94
 Sulṭānī, Muḥammad-'Alī, 87, 88
 Sulṭānī, Nabīullāh, 291
 Sulṭānzādh, Ḥusain, 266
 Sulun, 308
 Sun (in myths), 106
 Supply & demand, 238
 Surūsh, 'Abd al-Karīm, 121
 Sutūdiḥ Bīyābānī, Manūchihr, 17
 Sutūdiḥ, Amīr Rizā, 268
 Symbolism, 106
 Syria, 283
 Šabā, Faṭḥ-'Alī ibn Muḥammad, 353
 Šadiq, 'Isā, 79
 Šadiq, Šadiq, 360
 Šadr al-Dīn al-Qūnavī, Muḥammad ibn Ishāq, 23
 Šadr al-Dīn Shīrāzī, Muḥammad ibn Ibrāhīm, 74, 138, 144
 Šadr al-Muti'lihīn. *See* Šadr al-Dīn Shīrāzī, Muḥammad ibn Ibrāhīm
 Šafārids, 182, 244, 250, 361
 Šāliḥ, Allāhyār, 95, 189, 316
 Šu'ūdīpūr, Maryam, 98
 Šadiqī Fasā'ī, Muḥammad, 177
 Šadiqī, Gurg-'Alī, 277
 Šadiqī, Maqṣūd-'Alī, 94
 Šadiqī, Muḥsin, 162, 279
 Šadrīniyā, Bāqir, 96
 Šafā, Dhabīḥullāh, 99, 280, 281, 282
 Šafīnizhād, Javād, 202
 Šafīzādh, Fārūq, 285
 Šafīzādh, Šadiq, 283, 284
 Šāhib Nasaq, Kīyāvush, 93
 Šāliḥī, Naṣrullāh, 171, 363
 Šan'atī, Humāyūn, 100
 Šarfī, Muḥammad-Rizā, 97
 Šīḥatī Sardrūdī, Muḥammad, 278
 Šūfī, Lailā, 287
 Ta'zīyah, 41
 Tabriz, 193, 304, 323, 360
 Tabrizniyā, Ḥasan, 200
 Tadayun, 'Atā'ullāh, 203
 Tafazzulī, Abu'l-Qāsim, 206
 Tahāfat al-Falāsafah, 3
 Tahmāsb Šafavī. *See* Tahmāsb Šafavī I
 Tahmīnih, 301
 Taimūrī, Ibrāhīm, 210
 Taimūrtāsh, 192
 Tāj al-Dawlah, 290

- Salāmī, Ismāʿīl, 86
 Salāmī, Sārā, 369
 Salmān Sāvujī, Salmān ibn Muḥammad, 135
 Sālūr, Hurmuz, 79
 Sālūr, Masʿūd Mīrzā, 253, 353
 Sālūr, Qahramān Mīrzā, 187, 253, 353
 Samāʾ, 32
 Samanids, 158, 182, 244, 250, 296, 361
 Sanāyī, Majdūd ibn Ādam, 23
 Sānāyī's Ḥadīqat al-Ḥaṭīqah, 34
 Saqqiz, 279
 Sarbidārān, 182, 350
 Sarkārātī, Bahman, 263
 Sarmatians, 29
 Sasanids, 13, 61, 124, 125, 139, 172, 192, 197, 244, 248, 250, 269, 349, 355, 361
 Satirists, 221
 Sattārī, Jalāl, 81
 Saudi Arabia, 14
 Sayfzādih, Muḥammad, 269
 Sayyid Akhlāqī, Muḥammad, 242, 246, 258
 Sayyid Bahrainī, 353
 Sayyid Nāṣirī, Ḥamīd-Rizā, 268
 Scenarios, 196
 Schools, 161, 258, 314, 340
 Science & religion, 120
 Sciences, 280
 Secularism, 75
 Seleucids, 1, 182, 192, 244, 250, 361
 Seljuks, 76, 94, 182, 192, 203, 244, 349, 355, 361
 Shaʿbānī, Rizā, 272
 Shaʿbānzādih, Bahman, 271
 Shabānkārih, 315
 Shabistar, 336, 362
 Shāfiʿī jurisprudence, 3
 Shāh Tahmāsb. *See* Tahmāsb Safāvi I
 Shahāb al-Dīn Zūzanī, 72
 Shahīd Āyatullāh Bihishti Complex, 332
 Shahīdī, Jaʿfar, 274
 Shahsavan Tribe. *See* Shahsavan
 Shāhsuvan, 168, 313
 Shakī, 193
 Shākūd, Shāʿul, 243
 Shakūrī, Abū'l-Faḍl, 92
 Shamāyīl-Khānī, 151
 Shāmlū, Aḥmad, 10, 89, 296
 Shāmlū, Aḥmad, 89
 Shams Tabrizī, Muḥammad ibn ʿAlī, 23, 287
 Shams, Ibrāhīm, 273
 Shams's collection of lyric poems, 137
 Shams's lyrics. *See* Shams's poetical collection
 Sharaf al-Dawlah. *See* Kalāntarī
 Bāghmīshīʿī, Ibrāhīm
 Sharfūyih Village. *See* Sharfūyih
 Sharfūyih, 195
 Sharīʿatī, ʿAlī, 31, 329
 Sharīʿatzādih Junaydī, Maryam, 90
 Sharīf-pūr, Shahriyār, 91
 Sharvān, 193
 Shāyān, ʿAlī-Raḥm, 270
 Shaybānī, ʿAbd al-Ḥusain, 275
 Shaykh Bahāʿī, Muḥammad ibn Ḥusain, 346, 387
 Shaykh Rizāʿī, Anīsīh, 325
 Shaykh Ṣadūq. *See* Ibn Bābivīyih.
 Muḥammad ibn ʿAlī
 Shīʿih, Ismāʿīl, 276
 Shiʿite clergies. *See* The clergy (Shiʿite)
 Shiʿite jurisprudence, 319(Jaʿfarī)
 Shiʿite jurisprudence, 45
 Shiʿite philosophers, 268
 Shiʿite jurists. *See* The Clergy
 Shikārī, Ḥasan, 244
 Shīrāz, 78, 177, 231, 232
 Shīrkhānī, ʿAlī, 222
 Shīrvānī, Muḥammad Rizā, 101
 Sholokhov, Michael Alexandrovich, 119
 Shukūṭīh (newspaper), 85
 Shukūh al-Salṭānah, 206
 Shūshtar, 357
 Shuster, William Morgan, 371
 Sights of Iran, 265, 267
 Silk Road, 187
 Simnān (province), 198
 Sipihr, Muḥammad Taqī, 261

- Raḥmatnizhād, Ḥusain, 247
 Rain in literature. 6
 Rajab-ʿAlīpūr, Mahdī, 72
 Rajabzādih, Hāshim, 246
 Rajabzādih, Shahrām, 268
 Rājī Kirmānī, Mullābimān-ʿAlī, 151
 Rājī, Parvīz, 316
 Ramaẓān, ʿĀrif, 77
 Ramaẓān, 178
 Rāmsar, 19
 Raṇjbar, Aḥmad, 252
 Raṇjbar, Muḥammad-ʿAlī, 78
 Rashād, ʿAlī-Akbar, 74, 75
 Rashīd al-Dīn Faẓlullāh, 128
 Rasht, 56
 Rasūlī, Hujjat, 73
 Rāzī, Muḥammad ibn Zakarīyā, 317
 Rebirth, 52
 Recording Iranian music, 55
 Regional design. *See* Regional development
 Regional development, 276
 Religion, 187, 199
 Religious intellectuals, 121
 Religious music. 32
 Religious narration. 151
 Religious scholars. 181, 278, 292, 335, 357, 363
 Religious schools, 78
 Religious stories. 151
 Renting, 165
 Representatives/Members of Majlis, 110, 241, 323
 Revival of thought, 295
 Revolution, 80, 108, 331
 Revolutionary poetry, 21
 Rhetoric, 214
 Rhetorics, 135
 Rhythm, 44, 109, 132
 Rizā Pahlavī, 95, 111, 196, 215, 228, 229, 297, 304, 345, 367, 371
 Rizā Shāh Pahlavī. *See* Rizā Pahlavī
 Rizāyī, ʿAbd al-ʿAzīm, 250
 Rizāzādih Malik. Raḥīm, 248, 249
 Rizāzādih Shafaq. Šādiq, 79
 Rizvānī Gīl Kulāʿī, Muḥtabā, 251
 Royal Bank, 371
 Rūdābih, 303
 Rūdakī, Jaʿfar ibn Muḥammad, 158, 296
 Rukn al-Dīn, 72
 Rukūʿī, ʿIzzatullāh, 76
 Rural development, 217, 369
 Rural situation, 202
 Rural social services, 369
 Rushdīyah, Ḥasan, 314
 Russel, James. R. 243
 Russia, 68, 187, 225, 230, 283, 272, 304, 339, 345, 349, 363
 Russian literature, 119
 Russian stories, 119
 Rustam & Suhrāb, 119, 301
 Rustam, 300
 Rūstāyī, Muḥsin, 79
 Ruẓah-khānī, 151
 Ruẓāt al-Janān, 96
 Rūzbih, Khusruw, 229
 Ruẓih-yi Athār, 96
 Saʿādat School of Būshīhr, 340
 Saʿādat, ʿAbd al-Karīm, 340
 Saʿādat, Ismāʿīl, 84
 Saʿdābād, 315
 Saʿdī, ʿIraj, 264
 Saʿdī, Maryam, 264
 Saʿdī, Muḥliḥ ibn ʿAbdullāh, 43, 86, 252, 308, 318, 370
 Saʿdī's Būstān, 34
 Saʿīdī Shāhrūdī ʿAlī, 180
 Saʿīdī, Ḥūrīyih, 85
 Saʿīdīyān, ʿAbd al-Ḥusain, 265
 Saʿdī's Gulistān, 48, 308
 Sabzivārī, Hādī ibn Mahdī, 260
 Sabzivārī, Hādī ibn Muḥammad, 260
 Sacred time, 97
 Safavids, 76, 78, 103, 105, 107, 141, 171, 182, 193, 239, 271, 296, 328, 350, 355, 359
 Saḥābī, ʿIzzatullāh, 344
 Sajjādī, Muḥammad Kāzīm, 262
 Sajjādī, Zīyā ʿal-Dīn, 83
 Sakas, 29

- 227, 234, 239, 242, 248, 252, 257,
260, 263, 270, 287, 296, 300, 301,
302, 303, 307, 308, 309, 364, 370, 372
- Persian printed books, 321
- Persian prose, 4, 46, 48, 141, 149, 204,
282, 303
- Persian prosody, 44, 53
- Persian proverbs, 308
- Persian satires, 221
- Persian stories, 9, 81
- Persian, literature. *See* Persian literature
- Persian. *See* Persian language
- Phenomenology, 187
- Philosophers, 242
- Philosophy, 102, 103, 214, 308
- Photographers, 240
- Photographs of Iran, 267
- Photographs, 177, 240, 293
- Photography, 240
- Pīmiyā, Ḥasan, 197, 297
- Pīshdādiyān, 197
- Pīshihvarī, Ja'fār, 163
- Pisyān, Muḥammad-Taqī, 228
- Plates in Cuneiform in Bābol, 89
- Plato, 308
- Political & social situation, 168, 189, 241,
252
- Political economy, 111
- Political literature, 4
- Political parties, 200
- Political science, 295
- Politics in literature, 241
- Politics, 92, 144
- Post-modernism, 183
- Poverty, 194
- Praying for rain, 6
- Prime ministers, 123
- Productivity, 238
- Propagation, 327
- Prosody, 44, 53
- Proverbs, 294
- Psychology, 90
- Pūrahmad, Kīyūmarth, 196
- Pūrjavādī, Naṣrullāh, 40
- Pūrjavādī, Rīzā, 314
- Pūrriżā, Firiydūn, 41
- Qā'ākhān Mughul, 72
- Qādirīyah, 273
- Qadr-dān Qarāmalikī, Muḥammad-Ḥasan,
117
- Qadr-i Valāyat Cultural Institution, 199,
226, 316
- Qahramāniyān, Šafār, 235
- Qaišarī, Ibrāhīm, 119
- Qajarids, 27, 56, 69, 107, 116, 165, 182,
206, 220, 223, 225, 228, 231, 232, 241,
244, 250, 253, 254, 261, 271, 297, 298,
304, 314, 323, 333, 349, 353, 363, 367,
371
- Qanavāt, 'Abd al-Raḥīm, 317
- Qandihār, 193, 359
- Qarahchamanī, Muḥammad, 334
- Qarakhlū, Mahdī, 118
- Qarākhṭā'iyyān, 72
- Qashqāyī Tribe. *See* Qashqāyī
- Qashqāyī, 324
- Qāsimī Pūyā, Iqbāl, 314
- Qāsimī, Aḥmad, 313
- Qāsimī, Farīd, 116
- Qāsimī, Ḥabīb, 315
- Qaṣr-i Shīrīn, 275
- Qavām al-Mulk Shīrāzī, Ḥabībullāh, 333
- Qavām al-Saltānah, Aḥmad, 297, 316
- Qāzīhā, Fāḥimih, 254
- Qazvīn, 193, 253, 353, 367
- Quatrain, 147, 227, 242, 249
- Qūchān, 37
- Qum, 51, 222, 275
- Qumis, 182
- Quran, 34, 204
- Qutbiyah School. *See* Turkān Khātūn
School
- Ra'īs 'Alī Dilvārī, 333
- Ra'īs Tūsi, Rīzā, 69
- Rādīfar, Abu'l-Qāsim, 70, 71
- Rafī'i 'Alāmarvdashtī, 'Alī, 204
- Rahbarī, Mahdī, 80
- Rāhgānī, Rūhangīz, 244
- Rahnamā, Ghulām-Ḥusayn, 79
- Rahmatī, Yūsuf, 17

Golchin

- Nāṣir Kāzīrūnī's poetical works, 333
 Nāṣir Khurūw, 317
 Nāṣirī (magazine), 116
 Nāṣirīyih. *See* Ahwāz
 Natinal anthems & revolutionary hymns, 241
 Natinal Defense Society, 275
 National Consultative Assembly, 241, 256, 323
 Nationalism, 275
 Nāṭiq, Humā, 150
 Navāb Ṣafā, Ismā'īl, 366
 Navāyī, 'Abd al-Ḥusain, 155, 335
 Navāyī, Kāmbīz, 156
 Nāẓimī, Nāẓilā, 358
 Nāẓirzādih Kirmānī, Farhād, 151
 Netherlands, 272
 New civilization, 327
 New Persian words, 79
 Newspapers, 85, 205, 314
 Nīmā Yūshij, 10, 131, 296
 Nīmai poetry. *See* modern poetry
 Nizām al-Dīnzādih, Ḥasan, 363
 Nizām al-Mulk, Ḥasan ibn 'Alī, 3, 350
 Nizām Māfī, Manṣūrih. *See* Ittiḥādīyih, Manṣūrih
 Nizāmī, Ilyās ibn Yūsuf, 83, 252, 263, 364
 Nūr-Ābād, 277
 Nūrī, Faḡlullāh, 131
 Nūrīnīshāt, Sa'īd, 326
 Nurūzī, 5, 67, 172, 248, 358, 370
 Nurūzī, Māndānā, 287
 Nurūzītalab, 'Alī-Rizā, 157
 Nuvīn Farahbakhsh, Firiydūn, 359
 Oil nationalization, 169, 170, 228, 230, 256, 348, 350
 Oil, 111, 169, 170, 228, 230, 256, 348
 Old Testament, 207
 Opium joints, 155
 Opium, 155
 Orchestra, 159
 Organization of Cultural Heritage, 291
 Ottoman Empire, I, 105, 107, 171, 193
 Ottoman Turks, 105
 Ottoman. *See* Ottoman Empire
 Pādishāh Khātūn, 72
 Pahlavī language, 283
 Pahlavī, Muḥammad Rizā. *See* Muḥammad Rizā Pahlavī
 Pahlavī, Rizā. *See* Rizā Pahlavī
 Pahlavid literature, 18, 283
 Pahlavid, 51, 54, 95, 111, 123, 140, 163, 170, 196, 212, 215, 228, 229, 230, 235, 244, 245, 255, 256, 271, 290, 297, 316, 339, 347, 355, 361, 367, 371
 Painting, 156, 157
 Pakistan, 14
 Panāhī Sharfūyī, Yadullāh, 195
 Pantheism, 31
 Paradox, 64
 Pardah-khānī. *See* Narration
 Parhām, Mahdī, 194
 Parhām, Sīrūs, 39
 Parliament of legislation, 45
 Pārsābād, 313
 Pārsādūst, Manūchihr, 193
 Parthians, I, 13, 197, 244, 250, 320, 349, 361
 Partuvī, Parvīn, 38
 Pasīkhānī, Maḥmūd, 104
 Patience, 214
 Patriarchy, 9
 Pause in Persian verse, 53
 People's participation, 164
 Persepolis, 66, 67
 Persian anecdotes, 221, 257, 310
 Persian essays, 189, 263, 321, 359
 Persian Gulf, 175, 176
 Persian language grammar, 84
 Persian language, 47, 79, 84, 282, 359
 Persian letters, 16, 312, 360
 Persian literature, 4, 21, 23, 28, 34, 42, 46, 98, 152, 158, 188, 239, 280, 281, 282, 317, 318, 372
 Persian newspapers, 116
 Persian poetry, 2, 7, 10, 21, 23, 25, 40, 44, 48, 49, 53, 62, 70, 83, 86, 91, 96, 97, 101, 103, 114, 115, 119, 122, 135, 147, 158, 178, 188, 204, 214, 219,

- Mongolia, 210
 Mongols and Ilkhānān, 72, 192, 210, 244, 246, 308, 349
 Mongols' attacks. *See* Mongols & Ilkhānān
 Monotheism, 214
 Month of Muḥarram. *See* Muḥarram
 Moon (in myths), 106
 Mosque architecture, 334
 Mosques, 76, 258, 334
 Mourning ceremonies, 172, 216, 294
 Movements & uprisings, 220, 241, 256, 295, 333, 350
 Mu'alimī, Ḥasan, 138
 Mu'ayidī Shūshtarī, Akram, 357
 Mu'in al-Tujār Būshihri, 277
 Mu'minī, Muṣṭafā, 356
 Mu'tazid, Khusrūw, 206, 345
 Mudabir al-Mamālik Harandī, Mīrzā Rizā, 59
 Mudīrshānihchī, Muḥsin, 133
 Mughān, 168, 313, 320
 Mughārī, Manūchihr, 143
 Muhaimanī, Muḥammad-'Alī, 350
 Muhājir, Muḥsin, 144, 145
 Muḥadithzādih, Ḥusain, 335
 Muḥammad Khwārazmshāh, 210
 Muḥammad Qājār, 261
 Muḥammad-'Alī Qājār, 304
 Muḥammadī, Manūchihr, 338, 339
 Muḥammadī, Muḥammad-'Alī, 337
 Muḥammadkhānī, Ḥusain, 336
 Muḥammad-Rizā Pahlavī, 68, 111, 189, 196, 215, 228, 347, 371
 Muḥaqiq Khwānsārī, Ḥusayn ibn Muḥammad, 141
 Muḥarram, 216
 Mukhtār al-Dawlah, 353
 Mullā Naṣr al-Dīn, 221
 Mullā Ṣadrā. *See* Ṣadr al-Dīn Shīrāzī, Muḥammad ibn Ibrāhīm
 Mullāyī, 'Alī-Rizā, 140
 Municipality, 164
 Murādī Ghīyāthābādī, Rizā, 341
 Mushīr Tafrishī, Manīzhīh, 136
 Mushīru al-Dawlah. *See* Pīrmīyā, Ḥasan
 Music, 24, 90, 109, 129, 146, 154, 320, 368
 Musicians, 90
 Muslim geographers, 128
 Muslim philosophers, 31, 74, 92, 144, 268, 346
 Muslim scientists, 162
 Muslim tourists, 128
 Muslims, 187, 250
 Mustulī, 'Abd al-Ḥusain, 343
 Muṣadiq, Muḥammad, 170, 189, 215, 228, 230, 256, 316, 344, 347, 348, 350, 371
 Mutaqīzādih, Aḥmad, 331
 Muṭaharī, Murtazā, 117, 134, 268
 Muṭribī Samarqandī, Sulṭān Muḥammad, 204
 Muvahid, Zīyā, 7
 Muvahidī, Muḥammad-Rizā, 141
 Muẓafār al-Dīn Qājār, 206, 225, 304, 367
 Mystical path, 23
 Mystics, 23, 31, 32, 65, 283, 335
 Myths, 52
 Nā'inī, Muḥammad Ḥusayn, 45, 131
 Naba'pūr, Hāshim, 314
 Nabavī, Muḥammad-Ḥasan, 333
 Nādir Afshār, 168, 272, 328
 Nādirshāh Afshār. *See* Nādir Afshār
 Nafīsī, Sa'id, 16, 79
 Nahj al-Balāghah, 73
 Najaf-Ābād, 22
 Najārī, Muḥammad 'Azīz, 273
 Najl Rahḥīm, 'Abd al-Rahīm, 153
 Names, 306
 Napoleon I, French Emperor, 107
 Nāqid, Khusrūw, 152
 Narāqī, Ḥasan, 361
 Narration, 151
 Naṣībī, Muḥammad-Valī, 362
 Nāṣir al-Dīn Qājār, 27, 206, 225, 254, 261, 290, 304
 Nāṣir al-Dīn Shāh Qājār. *See* Nāṣir al-Dīn Qājār
 Nāṣir al-Mamālik Hamadānī, 353

Golchin

- Maḥmūd Ghaznavī, 317
 Māḥuzī, Maḥdī, 227
 Majd, Fūzīyih, 132
 Majles (Islamic Consultative Assembly), 50
 Majles (Parliament) Library, 110
 Makhzan al-Asrār by Nizāmī, 34
 Makī, Ḥusain, 347
 Malakūtiyān, Muṣṭafā, 212
 Malāyir, 264
 Malaysia, 14
 Malikī, Khalīl, 348
 Malikshāh Seljuk, 3, 203
 Mallāḥ, Ḥusain-ʿAlī, 139
 Mamasanī Tribe. *See* Mamasanī
 Mamasanī, 277
 Man, 189
 Management, 238
 Manāqib-Khānī, 151
 Mangūqāʿān Mongol, 72, 210
 Mani religion. *See* Manicheanism
 Mani, Iranian prophet, 35, 136
 Manicheanism, 35, 136, 295
 Maṣṣūr Ḥallāj. *See* Ḥallāj, Ḥusaun ibn Maṣṣūr
 Maṣṣūrīyah School of Shīrāz, 78
 Maṣṣūq al-Ṭayr of ʿAṭṭār, 34, 252
 Maṣṣūchihrī, Aḥmad ibn Qūs, 317
 Manuscripts, 303
 Marāghīʿī, Zayn al-ʿĀbidīn, 255
 Mārkuh, 19
 Marriage with maḥārim, 124
 Marriage, 124, 125, 168, 294
 Martial music, 13
 Martyrs, 332
 Masʿūd Saʿd Salmān, 115
 Mashʿaq Village. *See* Maʿshīn (village)
 Mashāyikhī, ʿAbd al-Karīm 330
 Mashhad, 199
 Masjid Sulaimān, 291
 Mass media, 217
 Mathematics, 317
 Mawlavī, Jalāl al-Dīn Muḥammad ibn Muḥammad, 2, 11, 23, 137, 178, 257, 260, 274, 287, 370
 Mawlavī's Mathnavī, 11, 34, 257, 260, 274
 Māzandarān Sea. *See* Caspean Sea
 Māzandarān, 160, 198
 Māzandarānī, ʿAbdullāh, 181
 Mazdaism. *See* Zoroastrianism
 Mazīnānī, Muḥammad-Ṣādiq, 134
 Medes, 244, 250, 355
 Memoirs, 27, 163, 215, 222, 225, 226, 235, 253, 254, 268, 275, 299, 310, 311, 323, 329, 332, 353
 Methodology, 296
 Meyer, Fritz, 17
 Middle Asia. *See* Central Asia
 Middles East, 14, 187
 Migration, 177
 Mīlānī, ʿAbbās, 149
 Milkum, 131, 199, 255, 314, 316
 Miniature. *See* Painting
 Ministers, 123
 Minorities, 187
 Mīr ʿAlīnaqī, ʿAlī-Rizā, 148, 368
 Mīr Abu'l-Qāsimī, Muḥammad-Taqī, 351
 Mīr Afzalī, ʿAlī, 147
 Mīrfindiriskī, Abu'l-Qāsim ibn Mīrzā Buzurg, 103
 Mīrfindiriskī, Mīrzā Abū-Ṭālib, 151
 Mīrmuḥammadī, Ḥamid-Rizā, 354
 Mīrnajafīzādih, Javād, 355
 Mīrzā Āqājān Nūrī, 371
 Mīrzā Āqākhān Kirmānī, ʿAbd al-Ḥusayn, 199
 Mīrzā Kūchak Khān, Yūnis ibn Mīrzā Buzurg, 228, 351
 Mīrzā Maḥdī-Khān Chihrihnamā, 240
 Mīrzā Milkum Khān. *See* Milkum
 Mīrzā Nāʿinī. *See* Nāʿinī, Muḥammad Ḥusayn
 Misgarnizhād, Jalīl, 135
 Mithraism, 66
 Modern architecture, 183
 Modern poetry, 7, 10, 25, 49, 131, 296
 Modernism, 59, 121, 131
 Modernity, 183
 Mongol Period. *See* Mongols & Īlkhānān

- Khumainī, Rūḥullāh, 51, 54, 60, 63, 140, 212, 228, 326
 Khuramshād, Muḥammad-Bāqir, 57, 58
 Khurāsān, 117, 210
 Khurāsānī style, 178
 Khursand, 'Alī, 231
 Khusruw va Shīrīn, 156
 Khusruwpanāh, Muḥammad-Ḥusain, 59, 229
 Khūzistān, 337
 Khwājah Nizām al-Mulk. *See* Nizām al-Mulk, Ḥasan ibn 'Alī
 Khwājah Rashīd al-Dīn Faḡlullāh. *See* Rashīd al-Dīn Faḡlullāh
 Khwājah Yūsuf Hamadānī, Yūsuf ibn Ayyūb, 65
 Khwānsār, 354
 Khwānsārī, Āqā Ḥusayn. *See* Āqā Ḥusayn Khwānsārī
 Khwānsārī, Parvīz, 316
 Khwārazmī, Muḥammad ibn Mūsā, 317
 Khwārazmshāh (Ma'mūnīyān). *See* Ma'mūnīyān
 Khwārazmshāhīyān, 72, 182, 210, 361
 Kings & rulers, 300, 302
 Kirkizi language, 47
 Kirkizstan, 47
 Kirmān, 22, 72, 199, 203, 304
 Kirmānshāh, 275
 Kīsh Island. *See* Kīsh
 Kīsh, 175
 Kishavarz Gīlānī, Firiydūn, 123
 Kīyā'īyān, 198
 Kīyānfār, Jamshīd, 261
 Kīyānī, Majīd, 129
 Kīyānī, Manūchīhr, 324
 Kīyānīyān, 197, 250
 Kulaynī, Muḥammad ibn Ya'qūb, 317
 Kurd poets, 283
 Kurdish accent. *See* Kurdish
 Kurdish accent. *See* Kurdish
 Kurdish language. *See* Kurdish
 Kurdish literature, 283
 Kurdish music. *See* Kurdish folklore music
 Kurdish script, 283
 Kurdish, 283, 284
 Kurdistān, 165, 166, 243, 283, 284, 285
 Kurds, 15, 243, 283
 Labour Party, 255
 Lachyānī, 'Alī-Rizā, 330
 Lacmart, Laurence, 328
 Lailī va Majnūn, 83, 156
 Lāmi'ī, Sha'bān-'Alī, 329
 Language, 47
 Lār, 195
 Lārī, 'Abd al-Ḥusayn, 333
 Lārījānī, Muḥammad Javād, 327
 Lārījānī, Šādiq, 162
 Laws and regulations, 164, 238, 319
 Lebanon, 14
 Liberalism, 241, 255, 348
 Liberty, 194, 214
 Libraries of mosques, 87
 Life, 372
 Literary criticism, 21, 49, 234, 242
 Literature & ethics, 252
 Literature & society, 252
 Literature, 64
 Love (mysticism), 99, 259
 Love stories, 81, 83
 Love, 259
 Lulu'ī, Kayvān, 130
 Luqman, 308
 Luristān, 130, 223, 269
 Luristān's songs, 269
 Lurs, 223
 Luṭf-'Alī Khān Zand, 231
 Luṭfī, Muḥammad-Rizā, 320
 Lyric, 170??
 Ma'dandkan, Ma'sūmīh, 137
 Ma'mūnīyān, 8
 Ma'rūfī, 'Abbās, 9
 Ma'sūmī, 'Alī, 346
 Ma'shīn (village), 336
 Madā'in, 192
 Mahd 'ulyā, 290
 Mahdīnīyā, Ja'far, 349
 Mahrādpay, Līdā, 146
 Māhrūyān, Hūshang, 131

Golchin

- Islamism, 14
 Islamologists, 329
 Islands of Persian Gulf. *See* Persian Gulf
 Islamic shrines, 216, 291
 Ismā'īlī, Ḥusain, 12
 Ismā'īlī, Maḥmūd, 169
 Ismā'īlīyān, 203, 314
 Ismā'īlīyih, 182, 203
 Ismā'īl-Pūr, Abu'l-Qāsim, 11
 Ismā'īl-Pūr, Jamshīd, 168
 Istanbul, 199, 225, 275
 Iṣṭahān (province), 311
 Iṣṭahān, 22, 76, 240, 293
 Iṣṭahānī, Muḥammad Ḥusayn, 278
 Ittīhādīyih, Maṣūrih (Nizām Māfi), 165
 Īzādī, Sīrūs, 197
 Ja'farīyān, Rasūl, 352
 Ja'farzādih, Khusruw, 44
 Jabārlū Shabistarī, Bahrām, 211
 Jahānbakhsh, Jūyā, 46
 Jahānbānī, Fariydūn, 221
 Jalāl al-Dīn Sivarghatmesh, 72
 Jalālī Calendar, 249
 Jalāyirīyān, 96
 Jamālzādih, Nāsir, 45
 Jāmī, 'Abd al-Raḥmān ibn Aḥmad, 23, 46, 48
 Jāmī 'Atīqī Mosque of Iṣṭahān, 76
 Jāmī' Mosque of Ardīstān, 76
 Jāmī' Mosque of Qarvih, 76
 Jāmī' Mosque of Yazd, 324
 Jāmī' Mosque of Zavārih, 76
 Jāmī's Bahāristān, 48
 Jānfadā, Asghar, 204
 Javadī, Ghulām-Rizā, 213
 Jews, 207, 349, 367
 Journalists, 85
 Jultā, 225
 Jungle uprising, 351
 Jurisprudence & Constitutionalism, 45
 Jurisprudence, 162
 Jurisprudents, 3
 Justice, 308
 Juvainī, 'Azīzullāh, 303
 Kaikāvūs, 300
 Kājī, Ḥusain, 120, 121
 Kalāntar, Muḥammad Ibrāhīm ibn Hāshim, 231
 Kalāntarī Baghmīshī'i, Ibrāhīm, 323
 Kamāl al-Dīn Bihzād, 156
 Kāmbakhshīard, Saifullāh, 320
 Kāmshād, Ḥasan, 297
 Kār, Mihrangīz, 319
 Karamī, Farībā, 306
 Kārdgar, Yahyā, 122
 Karīm Khān Zand, 231, 232, 272
 Karīmī Zanjānī Aṣl. Muḥammad, 124, 125
 Karīmī, 'Alī, 126
 Karīmī, 'Alī-Rizā, 126, 228
 Karīmīyān, 'Alī, 123
 Kasā'i Marvazī, 317
 Kasā'i, Nūrullāh, 127, 128
 Kashvād (family), 26
 Kasravī Tabrizī, Aḥmad, 322
 Kasravī, Aḥmad, 289
 Kassites, 30, 269
 Kātūzīyān, Murtaẓā, 342
 Kāvīyānī, Shīvā, 243
 Kāvūs, 300, 302
 Kazakstan, 47
 Kāzirūn, 216, 359
 Kāzirūnī, Muḥammad-Rizā, 333
 Kāzimiyn, 363
 Khājūyī Kirmānī, Muḥammad ibn 'Alī, 252
 Khālīlī, Muḥsin, 60
 Khālīlullāh Muqadam, Aḥmad, 230
 Khāmīnī'i, 'Alī, 226
 Khāqānī, Badīl ibn 'Alī, 227
 Khayyām, 'Umar ibn Ibrāhīm, 86, 147, 178, 242, 249
 Khazal Tribe. *See* Khazal
 Khazl, 251
 Khīyābānī, Muḥammad, 228
 Khodāshīnāsī, 179
 Khudāyārī, Nāsir, 228
 Khujand, 96
 Khujandī, Kamāl, 96
 Khuld-i Barīn 359

- Iranian fictions & stories, 257, 263, 300, 301, 302
- Iranian films, 20, 153, 167, 224, 288, 365
- Iranian folklore music, 113, 146, 244
- Iranian historiographers, 112, 190
- Iranian immigrants, 118
- Iranian intellectuals, 316
- Iranian languages, 47, 282
- Iranian literature, 28, 187, 280, 281, 282
- Iranian mathematicians, 72, 242
- Iranian miniature, 156, 157
- Iranian ministers, 246
- Iranian music, 13, 33, 37, 41, 44, 55, 62, 72, 82, 91, 93, 129, 132, 139, 142, 148, 154, 159
- Iranian musicians, 37, 62, 82, 90, 132, 139, 142, 148, 159, 269, 366, 368
- Iranian myths, 5, 52, 106, 187, 197, 263, 359, 364
- Iranian names, 305, 306
- Iranian Nationalism, 42
- Iranian painters, 342
- Iranian painting, 342
- Iranian philosophers, 74, 92, 103, 178
- Iranian philosophy, 74
- Iranian poets, 10, 23, 62, 70, 71, 82, 96, 103, 122, 135, 148, 158, 178, 188, 204, 227, 239, 242, 248, 252, 257, 270, 281, 282, 287, 292, 317, 326, 335, 349, 357, 367, 372.
- Iranian politicians, 71, 123, 246, 275, 316
- Iranian press, 116
- Iranian proverbs, 247
- Iranian religions, 15, 35, 66, 136, 349
- Iranian scientists, 71, 205, 281, 317, 326, 335
- Iranian socialism, 348
- Iranian songs, 91, 146
- Iranian stories, 81
- Iranian students abroad, 123
- Iranian translators, 335
- Iranian women, 290
- Iranian writers, 73, 141, 188, 252, 281, 282, 299, 326, 349
- Iranians, 5, 118, 214, 234, 250
- Iran-Iraq War, 107, 169, 309, 310, 311, 312, 332
- Iranologists, 17, 98
- Iranology, 16, 17, 152, 173, 232
- Iran-Russia wars, 363
- Iraq, 14, 87, 283, 304
- Iraqi style, 187, 296
- Isfāndyārī Bakhtiyārī, Thurayā, 290
- Ishrāqī, Ja'far, 181
- Ishāqiyān, Javād, 9
- Iskandarī Gujastih, 359
- Iskandarī, Iraj, 189
- Iskandarnāmiḥ, 263
- Islam & government, 75, 92, 117, 134, 144
- Islam & music, 162
- Islam & politics, 75, 92, 134, 144
- Islam, 172, 179, 184, 187, 207, 295, 331, 352, 358
- Islāmī Nudūshan, Shīrīn. *See* Bayānī, Shīrīn
- Islamic architecture, 38, 76, 203, 258
- Islamic art, 12
- Islamic civilization, 38, 87, 127, 128
- Islamic councils, 164
- Islamic countries, 184, 353
- Islamic decorative arts, 334
- Islamic ethics, 179
- Islamic government. *See* Islam & government
- Islamic historiographers, 112
- Islamic libraries, 87
- Islamic movements, 220
- Islamic music, 269
- Islamic Mysticism. *See* Gnosticism / Mysticism
- Islamic philosophy, 31, 74, 92, 103, 138, 144, 162, 242
- Islamic republic, 75, 145, 226
- Islamic Revolution, 14, 22, 28, 51, 54, 57, 58, 63, 80, 81, 102, 108, 111, 180, 185, 196, 212, 222, 226, 228, 237, 241, 331, 338
- Islamic scholars. *See* Jurisprudents
- Islamic writers, 162

- Hātāmī, Ḥasan, 216
Hātāmī, Ḥusain, 213
Ḥaydar ‘Amū Ughlī, 351
Ḥaydar Khān Ḥayāt Dāvūdī, 359
Ḥaẓratī, Ḥasan, 54
Ḥijāz, 299
Ḥijāzī, ‘Abd al-‘Alī, 336
Ḥisābī, Maḥmūd, 79
Ḥubb-‘Alī Mūjānī, Aḥmad, 320
Ḥurri, Abu’l-Faẓl, 49
Ḥūrshāh, 203
Ḥurūfī, Faẓlullāh, 350
Ḥusainīzādīh, Maḥdī, 219
Ḥusayn Bāyqarā, 71
Ḥusayn Khān Chāh Kūtāhī, 298, 333
I am the Truth (Ana’l-Ḥaq), 31
I’tiṣāmī, Parvīn, 70, 252, 287
Ibn ‘Arabī. *See* Ibn al-‘Arabī, Muḥammad
ibn ‘Abdullāh
Ibn al-‘Arabī, Muḥammad ibn ‘Abdullāh,
23
Ibn al-Muqafa’, ‘Abdullāh ibn Dādvīyih,
73
Ibn Ash’ath. *See* Sajistānī, ‘Abdullāh ibn
Sulaymān
Ibn Bābivīyih, Muḥammad ibn ‘Alī, 317
Ibn Fāriẓ, ‘Umar ibn ‘Alī, 46
Ibn Muskūyih, Aḥmad ibn ‘Alī, 317
Ibn Sīnā, Ḥusayn ibn ‘Abdullāh, 74, 317,
350
Ibrāhīm Khān I’timād al-Dawlah. *See*
Kalāntar, Muḥammad Ibrāhīm ibn
Hāshim
Ifṭikhārī, Asghar, 14
Ifṭikhārzādīh, Maḥmūd-Rizā, 172, 173
Iḥtisāb al-Mulk. *See* Šabā, Faṭḥ-‘Alī ibn
Muḥammad
Ihyā ‘Ulūm al-Dīn, 3
Ikhvān al-Šafā, 24
Ikramī, Nūr al-Dīn, 19
Ilakkhānīyān, 94
Ilām (province), 311
Ilkhānān, 349
Imām Khumainī. *See* Khumainī. Ruḥullāh
Imām Muḥammad Najārī. *See* al-Bukhārī
al-Ja’fī, Muḥammad ibn Ismā’īl
Imāmī, Humāyūn, 20
Imāmī, Karīm, 177
Imāmzādīh Muḥammad ibn Ja’far Šādiq,
182
Imānī, ‘Abbās, 250
Immigrants, 118, 126, 168
Immigration, 118, 275, 361
Imperialism, 180
India, 272, 299
Indian music, 132
Indian style, 122, 187, 234, 296
Indonesia, 14
Industry, 194
Inflation, 194
Inscriptions, 66, 89, 341
Intellectuality, 121
Intellectuals, 121, 194, 199
Interpretations, 162
Invalids of war (jānbāzān), 332
Iqbāl lāhūrī, Muḥammad, 31
Iqbāl-nāmih, 364
Iran Nuvīn Party, 348
Iran Party, 255
Iran’s Communist Party, 163
Iran’s National Front, 255, 256
Iran’s National Movement, 347, 348
Iran’s Tūdi Party, 123, 163, 229, 230,
347
Irānbān, Nigīn, 328
Irānī Qumī, Akbar, 24
Iranian Academy, 79
Iranian architecture, 38, 76, 203, 258
Iranian army, 229
Iranian art, 12, 39, 43, 156, 157, 265, 367
Iranian artistic works, 106, 143
Iranian artists, 326, 335
Iranian astrology, 67
Iranian calligraphers, 12, 148
Iranian carpets, 39
Iranian ceramics, 39, 43, 106, 143
Iranian civilization, 38, 39, 106, 128
Iranian culture, 104, 131, 172, 186
Iranian documentary films, 20

- Gnosticism in poetry, 11, 40, 137
 Gnosticism/Mysticism, 11, 23, 31, 32, 40, 46, 49, 65, 97, 99, 103, 137, 178, 243, 252, 259, 372
 God, 31
 Government, 166, 272
 Governmental organizations, 294
 Governors, 272, 367
 Governorship of Mas'jid Sulaimān, 291
 Greece, 1
 Greek Culture, 1
 Greek poetry, 234
 Guidebooks, 209, 262, 265
 Gul-i Gulāb, Ḥusayn, 79
 Gulistān (province), 198
 Gurdāfarīd, 301
 Gurgān, 198
 Ḥādīzādih, Rasūl, 158
 Hague International Court, 230
 Hamadān, 262
 Handicrafts, 105
 Harem, 206
 Ḥāshimī, Ḥamīd, 305
 Ḥāshimī, Muṣṭafā, 369
 Hasty modernization, 80
 Hazhīr, 'Abd al-Ḥusayn, 123
 Heart (mysticism), 99
 Hermes, 308
 Hidāyat, Šādiq, 147, 289
 Higher education, 161
 Hindūrābi Island. *See* Hindūrābī
 Hindūrābī, 176
 Hīrmand, 69
 Historians. *See* Historiographers
 Historical geography, 250
 Historical monuments, 56, 72, 174, 192, 205, 207, 213, 232, 265, 267, 291, 293, 294, 336, 357
 Historical poetry, 263
 Historical societies, 197, 263
 Historiographers, 112, 322
 Historiography, 322
 History of Iran, 1, 8, 22, 27, 36, 38, 51, 54, 57, 71, 94, 95, 107, 123, 140, 163, 165, 169, 170, 172, 173, 175, 182, 184, 190, 191, 192, 193, 197, 198, 210, 212, 215, 218, 225, 228, 229, 230, 231, 232, 237, 241, 244, 246, 250, 253, 256, 271, 272, 275, 285, 290, 297, 298, 304, 316, 317, 320, 322, 323, 328, 333, 338, 339, 345, 347, 349, 350, 351, 353, 355, 359, 361, 363, 367, 371
 History of Islam, 184
 History of Persian literature, 158, 204, 239, 281, 317
 History, 112, 322
 Holster, Ernst, 240
 Holy Shrine of 'Abd al-'Azīm, 359
 Honor, 214
 Human Rights, 319, 341
 Humāyī, Māhdukht Bānū, 282
 Humāyūn Shāh, 193
 Hunarī, Murtaẓā, 370
 Hūshang Mahdavi. 'Abd al-Rizā, 171, 371
 Hushiyār, Muḥammad Bāqir, 79
 Huvaiddā, Amīr 'Abbās, 316
 Hymns, 241, 370
 Ḥā'iri Māzandarānī, 181
 Ḥāfīz, Shams al-Dīn Muḥammad, 23, 86, 97, 178, 252, 259, 287, 307, 370
 Ḥāfīz's Poetical works, 307
 Ḥaidarī, Ghulām, 224
 Ḥāj Sayyid Javādī, Kamāl, 335
 Hajj (pilgrimage), 77
 Ḥākīmī Vālā, Ismā'īl, 48
 Hallāj, Ḥusayn ibn Manšūr, 31, 317
 Ḥāmidī Ughulbayk, 'Alī-Ashraf, 217
 Ḥāmidī, Farānak, 217
 Ḥamlah-Khānī, 151
 Ḥanīf, Muḥammad, 223
 Ḥaqīqat, 'Abd al-Ra'ī, 220
 Hasan Šabāh, 203
 Hasanbaygī, Muḥammad-Rizā, 218
 Hasanī, Ḥamid, 53
 Hasanpūr, Shahrām, 50
 Ḥasanzādih, 'Alī-Rizā, 52
 Ḥasanzādih, Ismā'īl, 51
 Ḥātāmī, Dāvūd, 47

- Farmānfarmā, 'Abd al-Ḥusayn Mīrzā, 304
- Farmānfarmā, Fīrūz Mīrzā ibn 'Abbās Mīrzā, 304
- Farmānfarmā'īyān (family), 304
- Farmānfarmā'īyān, Mihrmāh, 304
- Farmers, 272
- Farrukhī Sīstānī. *See* Farrukhī, 'Alī ibn Jūlūgh
- Farrukhī, 'Alī ibn Jūlūgh, 115, 178, 252
- Farrukhzād, Furūgh, 10
- Fars Atābakān, 232
- Fārs, 195, 304, 369
- Fārūr Island. *See* Fārūr
- Fārūr, 176
- Fārūrgān Island. *See* Fārūrgān
- Fārūrgān, 176
- Farvardīn, 186, 370
- Fath-'Alī Qājār, 107, 231, 290
- Fātimī, Sāsān, 109
- Fazā'il-Khānī, 151
- Fazāyī, Yūsuf, 112
- Fāzil, Najaf-'Alī, 181
- Feudalism, 359
- Fictions & stories, 242
- Film criticism, 365
- Fin Kentshtein Treaty, 107
- Financial regulations, 344
- Firdawsī, Abū'l-Qāsim, 23, 119, 214, 248, 252, 300, 301, 302, 303, 317, 370
- Firdawsī's Shāhnāmīh, 34, 119, 214, 248, 263, 300, 301, 302, 303
- Fīrūz, Muẓaffar, 189
- Fisheries, 230
- Folk songs. *See* Folk music
- Folk songs. *See* Folk music
- Folklore culture, 41, 88, 104, 105, 160, 186, 223, 358
- Folklore literature, 88
- Folklore music of Būshīhr, 33
- Folklore music of Khurāsān, 37
- Folklore music of Kurdistān, 284
- Folklore music of Luristān, 269
- Folklore music of of Gīlān, 41, 113
- Folklore music, 33, 146
- Folklore poetry of Azerbaijan, 6
- Folklore. *See* Folklore culture
- Foreign influence, 68, 69, 297, 347
- Foreign politics. *See* Foreign relations
- Foreign relations, 68, 105, 107, 170, 171, 272, 327, 338, 339, 345
- Foreign terms, 79
- France, 57, 98, 107, 272
- Franciscans, 210
- Free government of Iran, 68
- French literature, 98
- French stories, 81
- Fuku, Michel, 58
- Fūlādvand, 'Izzatullāh, 115
- Furṣat Shīrāzī. *See* Furṣat, Muḥammad Naṣīr ibn Ja'far
- Furṣat, Muḥammad Naṣīr ibn Ja'far, 82
- Furūgh al-Saltānah, 206
- Furūghī, Muḥammad-'Alī, 316
- Furūzānfar, Badī' al-Zamān. *See* Furūzānfar, Muḥammad Ḥasan
- Furūzānfar, Muḥammad Ḥasan, 79
- Future prediction, 327
- Fūzīyih, 290
- Games, 294
- Geography, 265, 356
- Georgia, 193
- German language, 152
- Germany, 275, 328, 339, 345
- Germī, 313, 320
- Ghanī, Sīrūs, 297
- Ghazālī, Aḥmad ibn Muḥammad, 23, 40
- Ghāzānī, 192
- Ghaznavids, 244, 250, 317, 361
- Ghulāmīrizāyī, Muḥammad, 296
- Gīlakī language. *See* Gīlakī
- Gīlakī, 104
- Gīlān, 35, 41, 56, 104, 105, 113, 198
- Gīlānīhā, 104
- Gīlgamish, 89
- Gīnāvah Port. *See* Gīnāvah
- Gīnāvah, 236
- Gīvak Khān, 210
- Gnostic poetry, 97
- Gnosticism in literature, 11, 46, 49

- Dalīrī Mālavānī, Ibrāhīm, 239
 Damandān, Parīsā (Nafīsī), 240
 Damascus, 300
 Dānīshpazhūh, Manūchihr, 232, 308
 Daqīqī Tūsī. *See* Daqīqī, Muḥammad ibn Aḥmad
 Daqīqī, Muḥammad ibn Aḥmad, 317
 Dār al-Funūn, 161
 Dargāhī, Maḥmūd, 234
 Darvīshīyān, 'Alī-Ashraf, 235
 Daryā'ī, Tūraj, 61
 Daryāgasht, Muḥammad-Rasūl, 359
 Daryānavard, Ghulām-Ḥusain, 236
 Dashman Zīyārī Tribe. *See* Dashman Zīyārī
 Dashman Zīyārī, 202
 Dashtakī (dynasty), 78
 Dashtīnīzhād, 'Abd al-Bāqī, 62
 Dashtistān, 298, 315
 Daylamīyān, 250, 361
 Declarations & slogans, 309
 Deeds of endowment, 321
 Dhakāvātī Qarāguzlū, 'Alī-Rizā, 65, 242
 Dhākir Ḥusain, 'Abd al-Raḥīm, 241
 Dhi'l-Qarnayn, 207
 Dhukā', Yahyā, 66, 67, 323
 Dhuqī, Iraj, 68
 Dihbāshī, 'Alī, 163, 225, 356
 Dihkūh, 187
 Dihshīrī, Muḥammad-Rizā, 63
 Diljān, 213
 Diplomacy, 327
 Dirakhshānī, Jahānbakhsh, 233
 Dīyānatī Fayzābādī, Muḥammad, 64
 Documentary films, 20
 Documents, 22, 27, 77, 78, 79, 110, 123, 155, 170, 171, 202, 325
 Dominicans, 210
 Drama, 264
 Earth (in myth), 106
 Earth tablets. *See* Inscriptions
 Eastern Azerbaijan, 320, 336, 362
 Eastern Europe, 29
 Economic growth, 238
 Economic relations, 107
 Economic situation, 168, 194, 369
 Education, 161, 314
 Egypt, 14, 100, 300
 Egyptian calendaring, 100
 Egyptian music, 320
 Elections, 164
 Elegy, 227
 Eloquence, 73
 Endowment, 78, 321
 Endowments, 78, 165, 277
 Energy, 238
 England, 69, 170, 230, 272, 297, 298, 299, 333, 339, 345, 347, 349, 371
 English literature, 86
 Epic narration, 89, 151
 Epic poetry, 119, 263
 Epic stories, 18, 26, 263
 Epistemology. *See* ??? (Philosophy)
 Ethics, 214
 Ethnical relations, 166
 Ethnicity/ethnocentrism, 166
 Ethnology, 367
 Eughord language, 47
 Europe, 254, 314, 344
 Exchanger, 165
 Exemption from taxes, 78
 Exports & imports, 238, 272
 Fadāyī 'Arāqī, Ghulām-Rizā, 110
 Fahīmī, Maḥdī, 309, 310, 311, 312
 Fakhr al-Dawlah. *See* Ashraf al-Mulūk Qājār
 Fakhr al-Dīn As'ad Gurgānī, 317
 Falāḥatkār, Sattār, 113
 Fallāḥ, Mihrdād, 114
 Faqīr Iṣṭahbānātī, 'Alī, 308
 Fārābī, Muḥammad ibn Muḥammad, 74, 132, 317
 Farah Dībā, 290
 Farāmarzī, 'Abd al-Raḥmān, 299
 Farāmarzī, Aḥmad, 298
 Farāmarzī, Ḥasan, 299
 Farāsatkhāh, Maqṣūd, 111
 Farīd, Ṭāhīrīh, 307
 Farīghūnīyān, 8

- Britain. *See* England
 British colonialism, 69
 Brutiski, Milush, 17
 Buddha & Buddhism, 179
 Buddha, 179
 Buddhist literature, 179
 Budget, 344
 Būdhāsif, 179
 Buḥūr al-Aḥḥān, 82
 Buildings of schools, 258
 Bukā', Asghar, 32
 Bukā'ī, Muḥammad Ḥasan, 321
 Bukhārā, 273
 Bulūkbāshī, 'Alī, 187
 Burāq Ḥājib, 72
 Burāzjān, 315
 Burhān, 'Abdullāh, 348
 Burjiyān, Ḥabīb, 29
 Burūjird, 130
 Burūjirdī, Ḥusayn, 347
 Burūjirdī, Muṣṭafā, 260
 Burūmaṇḍ Sa'id, Javād, 186
 Būshihr (province), 33, 233, 236, 315, 333, 340
 Buzurgpūr, Kūrush, 41
 Calendaring, 370
 Calligraphy, 12
 Cambridge University, 275
 Canada, 118
 Capitulation, 54, 107
 Caspean Sea, 198
 Caucuses, 36, 225
 Central Asia, 14, 74
 Central Asian music, 320
 Ceramic works, 43, 106, 143
 Ceramics, 43, 143
 Ceremonies, 5, 186
 Chahār Maḥāl va Bakhtiyārī, 270
 Chahārshanbih sūrī, 370
 Characters' names, 305, 306
 Chengiz Khān, 72, 210
 Christian Gnosticism, 11
 Christianity, 192, 210
 Chronology, 237
 Chūbīnih, Sajjād, 214
 Cities and provinces, 38, 165, 174, 177, 182, 209, 216, 218, 232, 236, 262, 271, 291, 315, 325, 337, 354, 357, 367
 Civil society, 145
 Civilization, 168, 314, 330
 Cloud (in literature), 115
 Coins, 367
 Commercial treaty, 107
 Commission for Scientific Terms, 79
 Comparative rights, 319
 Congresses, 333, 369
 Constitutional law, 50, 60, 145, 212
 Constitutional Revolution, 165, 195, 198, 220, 228, 241, 250, 255, 296, 304, 314, 322, 323, 350, 351, 359, 360, 367
 Constitutionalism, 45, 110, 131
 Consumption, 238
 Contemporary Persian poetry, 10, 21, 25, 49, 122
 Contemporary poetry. *See* Contemporary Persian poetry
 Contract of Arzenah al-Rūm, 171
 Council of Guardians, 50
 Councils, 164
 Coup d'état of 1299/1910, 228 297, 367, 371
 Coup d'état of 28th Mordād 1332/1954, 228, 229, 230, 241, 256, 351
 Coup d'état of 3rd Isfand 1299/1910. *see* Coup d'état of 1299/1910
 Coup d'état, 68, 241
 Courts & courtiers, 206
 Creating emotion, 90
 Criticism & interpretation, 257, 260
 Cultural colonialism, 208, 289
 Cultural heritage, 38
 Cultural invasion, 180, 199
 Cultural life, 336
 Cultural relations, 1, 107
 Culture, 187, 188, 283, 309, 314, 336, 367
 Customs, 5, 160, 168, 172, 213, 216, 218, 223, 265, 283, 294, 336, 337, 358, 370
 Cyrus, the Achaemenian, 207, 341
 Dabīrsiyāqī, Muḥammad, 300, 301, 302

- Asadī, 'Alī ibn Aḥmad, 317
 Asadī, Tisāpih, 198
 Ashraf al-Mulūk Qājār, 290
 Ashraf Pahlavī, 215, 290, 347
 Āshūrīyān. *See* Assyrians
 Association for Coining Scientific Terms
 & Expressions, 79
 Assyrians, 349
 Astrology, 302, 317
 Āṣif Fikrat, Muḥammad, 2
 Atābakī, Tūraj, 4
 Authoritarianism, 166
 Āvānisiyān, Ardishīr, 163
 Āvānisiyān, Ardishīr, 163
 AVECINNA. *See* Ibn Sinā, Ḥusayn ibn
 'Abdullāh
 Avesta, 173
 Awareness of mysteries, 121
 Awliyā'ullāh Āmulī, 359
 Awrang, Maḥmūd, 198
 Āyatullāhī, 'Alī-Rizā, 164
 Azdāyī, 15
 Azdāyīyān, 15
 Azerbaijan Democrat Faction, 163, 229,
 235
 Azerbaijan folklore literature, 6
 Azerbaijan, 6, 163, 166, 168, 205, 229,
 235, 304, 360
 Azraqī Hamadānī, 115
 Bābāchāhī, 'Alī, 25
 Bābātāhir, 287, 317
 Babism Movement of Gilān, 198
 Bābul, 181
 Backwardness, 69, 208
 Bādhil, Mīrzā Muḥammad Rafī', 151
 Badī'ī, Parvīz, 27
 Bād-kūbih'ī, 'Abd al-Raḥīm, 77
 Baghdad, 3, 87, 192, 275, 363
 Bahrām Sāsānī V, 248
 Bahrainī, Ḥusain, 183
 Bakhsahndih, Farhād, 184
 Balkhī accent. *See* Balkhī
 Balkhī, 2
 Balūchistān, 166, 359
 Banā'ī, Kamāl al-Dīn ibn Muḥammad,
 148
 Banā'ī, Kamāl al-Dīn Shīr-'Alī. *See*
 Banā'ī, Kamāl al-Dīn ibn Muḥammad
 Banī Šadr, Abu'l-Ḥasan, 316
 Banī Umayyah. *See* Umayyān
 Baqāyī (Mākān), Muḥammad, 31
 Baqāyī, Muḥammad, 189, 255
 Bāqirī, Bahādur, 26
 Bāqirī, Muḥammad-Mahdī, 182
 Bāqirzādh Bābulī, 'Abd al-Raḥmān, 181
 Barāhanī, Rizā, 28
 Barzīn, Sa'īd, 185
 Bashāsh Kanzaq, Rasūl, 30
 Bastām, 182
 Bathos-Burials, 320
 Bayānī (Islāmī Nudūshan), Shīrīn, 192
 Bayānī, 'Alī-Asghar, 117
 Bayāt, 'Azīzullāh, 190, 191
 Bayāt, Kāvīh, 275
 Bāyazīd 'Uthmānī, 193
 Bāyazīd Bastāmī, Ṭayfūr ibn 'Isā, 317
 Bayhaqī, Muḥammad ibn Ḥusayn, 317
 Bāzargān, Mahdī, 185
 Berlin, 275
 Berlin's Committee of Nationalists, 275
 Bibliography, 321
 Bīgdilī, Ghulām-Ḥusain, 313
 Bihbahānī, Sīmīn, 188
 Bihnūd, Mas'ūd, 189
 Bihzādī Andūhjirdī, Ḥusain, 34
 Bihzādī, Ruqayah, 35, 36
 Bilādī, Muḥammad-Rizā, 33
 Bīlih-savār, 313
 Bilūhir, 179
 Biography & bibliography, 249, 326
 Biography, 181, 185, 188, 189, 199, 204,
 206, 207, 227, 231, 239, 268, 270,
 275, 281, 283, 287, 289, 292, 299,
 300, 302, 304, 317, 326, 335, 342,
 346, 364
 Bīrānvand Tribe. *See* Bīrānvand
 Bīrānvand, 223
 Brain drain, 118
 Bravery, 308

- Agriculture, 202
 Āhanchī, Ādhar, 3
 Ahūrāmazdā, 66
 Ahwāz, 337
 Ahmad Qājār, 304, 353, 367
 Ahmad Sulṭān Khān Mughul, 72
 Ahmadī Malikī, Rahmān, 5, 6
 Ahmadī, Ḥamīd, 166
 Ahmadīyān, Ibrāhīm, 259
 Akbarzādih, Dāryūsh, 18
 Akhavān Thālith, Mahdī, 115
 Ākhūndzādih, Fath-‘Alī, 199, 314
 Alamūt, 203, 253, 353
 Al-Bukhārī al-Ja‘fī, Muḥammad ibn Ismā‘īl, 317
 Alburz, 198
 Alexander the Great, 1, 197, 263, 349, 364
 Āl-i Ahmad, Jalāl, 189
 Amāmah, 206
 Ambiguity, 307
 American literature, 86
 Amīn al-Dawlah, 314
 Amīn Aqdas, 206
 Amīnī, ‘Alī, 316
 Amīnī, Ḥasan, 179
 Amīnī, Muḥammad-‘Alī, 21
 Amīr ‘Alīshīr Navāyī, ‘Alīshīrīn Kīchkanīh, 71
 Amīr Kabīr, Taqī, 314, 371
 Amīr Mu‘izī, Muḥammad ibn ‘Abd al-Malik, 178
 Amīr Tāj al-Dīn Baṣṭāmī, 182
 Amīrī Firūzkūhī, Karīm, 122
 Amīrī Isfandqīh, Murtaẓā, 178
 Āmulī, Ḥāshim, 162
 Ancient civilization, 36, 106
 Ancient countries, 36
 Ancient history, 29, 30, 36, 106, 233
 Ancient Iran, 172, 173, 197, 250, 285, 295, 349, 358
 Ancient literature, 89
 Ancient Monuments. *See* Historical monuments
 Andarmānīzādih, Jalāl, 22
 Andarūdī, Asghar, 170
 Anecdotes, 214, 221
 Anīs al-Dawlah Qājār, 206, 290
 Anṣārī, ‘Abdullāh ibn Muḥammad, 23
 Anthropology, 187, 214, 367
 Anti-colonial movements, 333
 Anvarī, Muḥammad ibn Muḥammad, 178
 Āq Quynlū, 78
 Āqā Jamāl Khwānsārī, Muḥammad ibn Ḥusain. *See* Muḥaqqiq Khwānsārī, Ḥusayn ibn Muḥammad
 Āqā Muḥammad Qājār. *See* Āghā Muḥammad Qājār
 Āqā Razī Khwānsārī, 277
 Āqā Shaykh Muḥammad, Maryam, 326
 Arab writers, 73
 Arabic literature, 73
 Arabic poetry, 53, 234
 Arabic prose, 73
 Arabic prosody, 53
 Arabic proverbs, 308
 Arabs’ attacks, 349
 Archaeology, 233
 Architecture of schools. *See* Buildings of Schools
 Architecture, 38, 266
 Ardabīl (province), 313, 320
 Ardalān, ‘Alī, 256
 Ardīstān, 76
 Arfa’ al-Dawlah. *See* Arfa’, Rīzā
 Arfa’, Rīzā, 225
 Arjumand, Mahdī, 167
 Armenians, 150, 349, 367
 Army, 272
 Art & ethics, 219
 Art & literature, 219
 Art & religion, 219, 330
 Art & revolution, 219
 Art & war, 219
 Art, 157, 214, 219, 272, 330
 Articles and speeches, 333
 Artists, 272
 Aryan languages, 233
 Aryans, 233, 263, 285, 361
 Asadābādī, Jamāl, 314

- ‘Abbās Mīrzā Malik Ārā. *See* ‘Abbās Mīrzā Qājār (Malik Ārā)
 ‘Abbās Mīrzā Qājār (Malik Ārā), 304, 353
 ‘Abbāsī Shahnī, ‘Abbās, 291
 ‘Abbāsī, Hūshang, 104, 105
 ‘Abbāsī, Ḥabībullāh, 335
 ‘Abd al-Ḥusainzādih, Hāyidih, 320
 ‘Abd al-Ḥamīd ibn Yaḥyā Kātib, 73
 ‘Abd al-Qādir Gīlānī, ‘Abd al-Qādir ibn Abī Ṣaliḥ, 104
 ‘Abdī. Muḥammad, 365
 ‘Abdulī. ‘Alī, 292
 ‘Abdullāhī. Hurmuz, 215
 ‘Abdullāhīyān, Bihnāz, 106
 ‘Abirī, ‘Abbās, 212
 ‘Adnānī, Zayn al-‘Ābidīn, 181
 ‘Alam, Asadullāh, 316
 ‘Alavī Khwānsārī, Āqā Ḥusayn. *See* Āqā Ḥusayn ‘Alavī Khwānsārī
 ‘Alavids, 182, 250
 ‘Alī ibn Abī Tālib, The first Imām, 73
 ‘Alībābā’ī. Ghulām-Rizā, 107
 ‘Alipūr, Manūchīhr, 372
 ‘Allāmah Nā’īnī. *See* Nā’īnī, Muḥammad Ḥusayn
 ‘Allāmah, Ṣamṣām al-Dīn, 294
 ‘Āmirī, Abu’l-Ḥasan Muḥammad ibn Yūsuf. *See* ‘Āmirī, Muḥammad ibn Yūsuf
 ‘Āmirī, Muḥammad ibn Yūsuf, 92
 ‘Arab. Ghulām-Ḥusain, 293
 ‘Arāqī, Fakhr al-Dīn. *See* ‘Arāqī, Ibrāhīm ibn Buzurgmīhr
 ‘Arāqī, Ibrāhīm ibn Buzurgmīhr, 23, 252
 ‘Āshūrā, 162, 172
 ‘Attār, Muḥammad ibn Ibrāhīm, 23
 ‘Aṭṭār’s Tadhkirat al-Awliyā, 149
 ‘Aṭṭārpūr, Ardalān, 208
 ‘Ayn al-Salṭanah, 367
 ‘Azid al-Mulk Qājār, 253
 ‘Azīz al-Sulṭān, 206
 ‘Azīzī, Salb-‘Alī, 277
 ‘Ināyat, Ḥamīd, 295
 ‘Ishqī, Muḥammad Rizā ibn Abu’l-Qāsim, 252
 ‘Iṣmatīyah School. *See* Turkān Khātūn School
 ‘Iyvaṣī, Muḥammad-Raḥīm, 108
 ‘Ubayd Zākānī, ‘Ubaydullāh, 287
 ‘Unsurī, Ḥasan ibn Aḥmad, 317
 Abbasids, 192, 361
 Ābrāhāmīyān, Yirvānd, 133
 Abrīshamī House, 56
 Abū Ma’shar al-Falakī, Ja’far ibn Muḥammad, 317
 Abū Muslim Khurāsānī, ‘Abd al-Raḥmān ibn Muslim, 350
 Abū Rayḥān Bīrūnī, Muḥammad ibn Aḥmad, 317
 Abū Sa’id Abu’l-Khayr, 317
 Abū Shakūr Balkhī, 317
 Abū Zayd Balkhī. *See* Abū Zayd, Aḥmad ibn Sahl
 Abū Zayd, Aḥmad ibn Sahl, 317
 Abu’l-Faraj Iṣfahānī, ‘Alī ibn Ḥusayn, 83
 Achaemenian inscriptions, 66, 341
 Achaemenians, 13, 61, 66, 124, 207, 244, 250, 349, 355, 361
 Ādamīyat, Firiydūn, 289
 Ādharī, ‘Alā’ al-Dīn, 1
 Ādharī, Shahlā, 325
 Adhkāyī, Parvīz, 8
 Aesthetics, 131, 259
 Afghanistan, 214
 Afghans’ attacks, 349
 Afrāsīyāb, 300
 Africa, 14
 Al’rūzī, Bāyīz, 15
 Af’sar, Shaykh al-Ra’īs, 79
 Afshār Nādirī, Ghulām-Rizā, 328
 Afshār Nādirī, Ismā’īl, 328
 Afshār Sīstānī, Īraj, 175, 176
 Afshār, Īraj, 16, 17, 95, 174, 253, 352, 353, 360
 Afshār, Maḥmūd, 359
 Afshārīyān, 182, 272, 328, 350, 355, 359
 Āghā Muḥammad Qājār, 261
 Agricultural products, 369

Index

Abstracts of Books

Iranian literature and the poets' approaches to her are stated. The author, analyzing woman's social and cultural position in society, relies on the great stylist poets' poems. Some of the topics, covered in the book, are as following: "Woman as an opportunity for accession to knowledge"; "Woman's advice to man"; "Woman and her attention to mysticism and knowledge"; "Woman's sigh and curse and their effect on life"; "Mythological women's position in today's poetry"; "Woman as a wife-worthy of praise"; "Woman and her resemblance to mirror, sky and bird."

the last Tuesday of year). The third chapter is devoted to preparation for Nurūz and ceremonies of transition to New Year. The fourth chapter deals with Sīzdih Bi-dar (the 13th of Farvardīn, the day which is spent out of city, usually in the countries) traditions. At the end of the book, a set of Nurūz lyrics by great poets such as Firdusī, Sa'ādī, Mulavī, and Ḥāfiz are provided.

371- Hūshang Mahdavi, 'Abd al-Rizā. *Şahniḥā-yī az Tārīkh-i Mu'āşir-i Īrān: Majmū'ih Maqālāt (Scenes from the Contemporary History of Iran: The Set of Articles)* 1st ed. Tehran: 'Ilmī Publications, 1998.

In the present work, some aspects of the contemporary history of Iran are, in twenty chapters, analyzed. 1) Amīr-Kabīr's foreign policies, 2) Mīrzā Taqī-Khān Amīr-Kabīr's fall and the question of ministerial authority in Qajarid age. 3) Was Mīrzā Āqā-Khān Nūrī a British subject or a protégé. 4) Iran and Great Britain. 5) King Rizā-Khān fighting Tabrīz constitutionalists. 6) Morgan Shuster's employment and its political consequences. 7) Royal Bank and the government of Iran. 8) Isfand 3rd. 1299 (H.S.) coup d'état and Winston Churchill's role. 9) The competition of Standard Oil and Sinkler to own the concession of Iran's north oil (1920-1925 A.D.). 10) The tale of King Rizā's alliance with Nazis Germany. 11) The destiny of Qajarid Royal Dynasty. 12) The British and the Qajarid restoration. 13) The beginning of the U.S.A.'s support of monarchy in Iran. 14) How was the question of Azerbaijan solved? 15) The day on which Dr. Muşadiq ousted the British from Iran. 16) Twenty-five-year-secret cooperation between Shāh (Muḥammad- Rizā Pahlavī) and Israel. 17) The solution which we proposed but was not verified. 18) Shāh's unpublished interview. 19) Muḥammad-Rizā Pahlavī's fate. 20) The last days of Louis XVI. The ending pages are dedicated to an index of names.

372- Yazdānī, Zainab. *Zan dar Shi'r-i Fārsī: Dīruz-Imrūz (Woman in Persian Poetry: Yesterday-Today)* 1st ed. Tehran: Firdus Publications, 1999.

The book is a research into the woman's figure in Persian literature organized in three chapters with the following titles: 1. "Theoretical perspectives" 2. "Woman's figure in the past versified literature": 3. "Woman's figure in today's versified literature." Here, woman's position in

music college is one of the advanced schools”; “Music is both a science and an industry”.

369- Hāshimī, Muṣṭafā. *Majmū‘ih Maqālihā-yi Simīnār-i Sāmāndihī va Bihsāzī-yi Rūstāhā-yi Ustān-i Fārs, Shīrāz: 26 va 27 Ādhar 1375 H.S. (The Collection of Essays in the Seminar of Development and Betterment of Fārs Province Villages, Shīrāz: 16 and 17 December 1996) 1st ed. Shīrāz: Jahād-i Sāzandigī-yi Ustān-i Fārs, 1998.*

The current collection consists of essays presented in The Seminar of Development and Betterment of Fārs Province Villages in Shīrāz on Ādhar 26 - 27, 1375 (H.S). The titles of the essays and their authors are as following: On issues and problems of Fārs province villages by Mahyār Ardishīrī Ph.D.; A comparative analysis of rural guide plan by Sayyid Hasan Ḥusainī Abrī Ph.D.; An investigation on figurative development of villages concerning Fārs province by Muḥammad Rizā Bādhargar: Economic analysis of villagers’ development and its effect on the quality of agricultural products by Rizā Šidāqat Eng., and Bahā Al-Dīn Najafī Ph.D.; Establishment of service centers in rural areas enjoying the attraction model by Khusruw Muvahid Ph.D.; A pattern for the development of Fārs province villages by Fātimih Taqīzādih; Regional planning to systematize rural services by ‘Alī Manšūrī; Analysis of possible strategies to adopt the most suitable method of management and participation for the development of villages by Aḥmad Shīrāzīyān Eng.; Development and management of villages by Ḥamīd Karīmī Eng. Analysis of power construction changes in Fārs province villages by ‘Abd al-‘Alī Lahsā’īzādih Ph.D.

370- Hunarī, Murtażā. *Nurūzgān: Guftārḥā va Surūdhā-yī dar Āyīn-i Nurūz (Nurūzgān: Traditions and Lyrics of Nurūz) 1st ed. Tehran: Sarvā, 1998.*

The book contains lyrics, traditions, and customs of Nurūz. Reviewing the background and characteristics of Nurūz historically, the writer organizes his discussion as following: The first chapter includes Nurūz traditions, such as calendaring, the new day, new year’s eve, Panjah Andargāh, Farvardīn, the month of Furūharz (Farvahars). The second chapter concerns with various ceremonies and traditions of Chahār Shanbih Sūrī (the ceremonies of

occurred there in Qajarid age, 5) The events of the beginning of constitutionalism, minor despotism, and the constitutionalists' victory, 6) Qazvīn in Aḥmad-Shāh's period and World War I, 7) The events, rulers and governors of Qazvīn from the beginning of constitution to coup d'état 1299 (H.S.), 8) Qazvīn in Sayyid Zīyā and Rizā-Khān Mīr-Panjeh's coup 1299 (H.S.), 9) Qazvīn's governors from coup d'état 1299 (H.S.) to Rizā-Shāh's reign, 10) The end of Qajarids dynasty, Rizā-Shāh's monarchy and Qazvīn's governors, 11) Sarā-yi-Dīram or Dar al-Žarb (coinage-house) of Qazvīn; a look at the coined coins in Qazvīn from Būyid to Qajarid age. Annexed to the book is a set of pictures of historical events, documents and coins. Volume two of the set "The History and Culture of Qazvīn" is a research into the culture, situation, population, anthropology, language, poets as well as scientific and artistic background of Qazvīn. Here, chapters 12 on to 20 are categorized with the following topics: 12) Qazvīn's situation regarding provincial divisions throughout history; 13) The strategic situation and importance of Qazvīn throughout history; 14) A glance at Qazvīn's ethnology; 15) A glance at Qazvīn's anthropology; 16) Islam and the related religious movements of the people of Qazvīn throughout history; 17) Armenians, Jews and Zoroastrians in Qazvīn; 18) A glance at institutions and the background of scientific attempts in Qazvīn throughout history; 19) Poets and singers of Qazvīn; 20) Art and artists of Qazvīn. The above-mentioned topics are appended to a great number of pictures.

368- Vazīrī, Alī-Naqī. *Mūsīqī-Nāmih-yi Vazīrī: Majmū'ih Maqālīhā, Muṣāḥibihā, Sukhanrānīhā va Qalam Andāzīhā-yi Parākandih (Mūsīqī Nāmih-yi Vazīrī: Vazīrī's Repertoire: The Collection of Essays, Interviews, Speeches and Random Writings)* Ed. 'Alī-Rizā Mīr 'Alī Naqī. 1st ed. Tehran: Mu'in Publications, 1998.

In this work, including 42 Chapters, 'Alī-Naqī Vazīrī's essayes, interviews, speeches and random writings about music have been gathered. Some of the chapters are as following: "Irān's music in the guide-book of the tār"; "Fine arts"; "The world of music and industry"; "In the memory of prince Iraj Mīrzā Jalāl al-Mulk"; "Mementoes of Music college in the history"; "Two speeches in the annual ceremony of music college"; "The

some verses and expressions. Here, Alexander's legendary life-story, as a holy man, has been versified.

365- *Naqd-i Fīlm dar Īrān (Film Criticism in Iran)* Ed. Muḥammad 'Abdī. 1st ed. Tehran: Āgahsāzān Publications, 1998.

"Film Criticism in Iran" includes three sections. The first section studies the history of criticism from its formation to the present time. In the second section, the works of three critics of Iran's press history, i.e. "Shamīm Bahār", "Parvīz Dawā'ī" and "Kīyūmarth Wujdānī" are evaluated along with presentation of samples of their works. The third section contains interviews with three critics: "Jamshīd Arjumand", "Khusruw Dihqān" and "Shahrām Ja'farī-Nizhād". On the final pages of the book, there is a dialogue with "Bahrām Baiẓā'ī" about criticism and critical writing.

366- Navāb Ṣafā, Ismā'īl. *Qīṣh-yi Sham': Khāṭirāt-i Hunarī (The Tale of the Candle: Artistic Memoirs)* 1st ed. Tehran: Alburz Publications, 1998.

"The Tale of the Candle", the title of a program broadcast from the voice of Iran in 1340 H.S., contains a variety of memoirs from the artistes of the Iranian classical music. In this work, besides parts of the artistes' biographies, there are musical concerts names, melodies, poems, the artistes' moral characteristics along with interviews, pictures and various documents. Some of the mentioned artistes are: Qamaral Mulūk Wazīrī, Abulhassan Sabā, Luṭfullāh Majd, Aḥmad 'Ibādī, Ghulām Ḥussain Banān, Dāryūsh Rafī'ī, Rūḥullāh Khālīghī, Majīd Wafādār, Mahdī Khālīdī, Ḥussain Yāhaqī, Murtizā and Riza Mahjubī.

367- Varjāvand, Parvīz, *Sīmā-yi Tārīkh va Farhang-i Qazvīn (The History and Culture of Qazvīn)* 1st ed. Tehran: Nashr-i Nay, 1998.

This book is published in three volumes. Volume one of the set "The History and Culture of Qazvīn" is an extensive research into the political, social, economic and cultural history of Qazvīn. Introducing the historical monuments of the area, it is categorized with the following topics: 1) Geographical and enviromental situation of the area and its natural sources, 2) Etymology of Qazvīn, 3) The history and events of Qazvīn in the course of time from early periods to Qajarids age, 4) Qazvīn and the events

362- Naṣībī, Muḥammad-Valī. *Gudharī bar Tārīkh va Jughrāfiyā-yi Shahr-i Sīs va Tavābi* (A Review of the History and Geography of Sīs and Its Dependencies) 1st ed. Tabriz: Parīvar, 1998.

The present work includes some information on the geographical situation and characteristics as the well as historical background of Sīs – a dependency of Shabistar city. Some of the subjects of the book are as following: Etymology of Sīs; Geographical situation; General features including: climate, water, rivers, and plant coverage; Geology; Agricultural features; Professions and economic activities; Culture; The characteristics of people of Sīs; Historical background of Sīs; Historical and religious monuments including: the dome and shrine of Pīr Rajab – Shaykh Sharaf-Shāh Sīsī, the dome and shrine of Shaykh Majd al-Dīn, the dome and shrine of Shaykh ‘Īz Sāwowsānī, Muḥammad Ḥanīfoḥ Mosque, and other historical buildings. The book is appended to some tables, diagrams, maps and pictures. It ends with a bibliography.

363- Nizām al-Dīnzādhī, Ḥasan. *Hujūm-i Rūs va Iqdāmāt-i Ru’asā-yi Dīn Barāy-i Hifẓ-i Īrān* (Russia’s Attack on Iran and the Moslem Clergy’s Measures to Preserve Iran’s Territorial Integrity) Ed. Naṣrullāh Ṣāliḥī. 1st ed. Tehran: Tīrāzhah, 1998.

In 1330 (A.H.), Russia inroaded on Iran. The action evoked the Moslem clergy and religious leaders’ -- resident in The Holy Shrines -- rage. In this book, the author has tried to prove their attempt in motivating people to resist invaders. The writer has been one of the eye - witnesses and published the book in Baghdad one year later after the clergy’s movement. Besides the author’s own observations, the exchanged telegrams between Kāẓimīn and various cities of Iran are gathered in the present work. The book begins with a preface and a chronology of the events occurring from 1330 to 1324 (A.H.). At the end, it includes an index of names.

364- Nizāmī, Ilyās-Ibn Yūsuf. *Iqbāl Nāmih*. Ed. Ḥasan Vahīd Dastgirdī. 1st ed. Tehran: Islamic Propagation Organization Publications Art Center, 1999.

Iqbāl-Nāmāh-another version of the set “Khamsah-i-Nizāmī” - edited by Ḥassan Wahīd Dastgirdī, has been published along with a commentary on

Karampūr; “The incident of the soldier taking sanctuary in the Holy Shrine of ‘Abd al-‘Azīm”, by ‘Abdullāh ‘Aqīlī; “Iskandar Gujastah and the people of Kāzirūn” by Ḥasan Ḥātamī; “Awliyāullāh Āmulī” by Ḥusain Ṣamadī; “The Safavids and Afshārīds in Zubdat al-Tawārikh” by Muḥammad Nādir Naṣīrī Muqadam. The book ends with three supplements titled: 1) Persian territory; 2) Letters from the friends; 3) Historical and literary notes.

360- *Nāmihā-yi Tabrīz: az Thiḡat al-Islām bi Mustashār al-Dawlah dar Rūzigār-i Mashrūfiyat (Tabrīz Letters: From Thiḡat al-Islām to Mustashār al-Dawlah in Constitutional Era)* Ed. Īraj Afshār. 1st ed. Tehran: Farzān Rūz Publications, 1999.

Here, 128 letters and 60 telegrams from Thiḡat al-Islām Tabrīzī-Mīrzā ‘Alī-Āqā (1277-1330 A.H.) have been collected. The telegrams are from Tabrīz to Tehran, addressing Mīrzā Ṣādiq-Khān Mustashār al-Dawlah, (Azirbaijan representative in the first and second periods of National Consultative Assembly). In these letters, Thiḡat al-Islām informs Mustashār al-Dawlah of the incidents of Tabrīz and other cities of Azirbaijan. The letters and telegrams were written between 1324 and 1329 (A.H.). They are arranged chronologically and numerically.

361- Narāqī, Ḥasan. *Chikīdih-yi Tārīkh-i Īrān: Az Kūch-i Āryāyihā tā Pāyān-i Sislīliḡ-yi Pahlavī (A Concise History of Iran: From Immigration of Aryāns to the End of Pahlavid dynasty)* 1st ed. Tehran: Atīyih Publications, 1999.

“A concise history of Iran” is a brief explanation on a period of political history of Iran from Āryāns’ immigration to the end of Pahlawīds dynasty. In each chapter the readers are introduced to a historical period or one of ruling dynasties. Each chapter contains the historical events, the beginning and end of a dynasty or a period, the most significant rulers and their most important actions. A number of topics of the book are as following: The territory of Iran, in short; The beginning of Iran’s history; Achaemenids; Seleucides; Pārsīyāns; Sāssānīds; The appearance of Islam; ‘Abbāsīds caliphate; Ṣafārīds; Samānīds; Dailamīyāns; Ghaznawīds; Siljūks; Khwārizmshāhīds; Atabakāns.

***Anthropological Geography, and Economic Geography of Shūshtar* 1st ed. Ahvāz: Āyāt Publications, 1998.**

In this book, the natural geography, archaeological characteristics, history, anthropological geography and economic geography of Shūshtar are studied within ten chapters: Natural geography of Shūshtar; Archaeological characteristics of Shūshtar; History of Shūshtar; Archaeological monuments of Shūshtar; Anthropological geography of Shūshtar; Traditions and customs of people of Shūshtar; Scientists and scholars of Shūshtar; Poets of Shūshtar; Economic geography of Shūshtar; Services. The book ends with some colorful photographs of the discussed subjects and a bibliography.

358- Nāẓimī, Nāzīlā. *Nurūz-i Īrānīyān (Iranians' Nurūz [New Year])* 1st ed. Tehran: Kitāb-i Hamrāh, 1998.

Having studied the historical evolution of performing Nowrūz festivity among Iranians, the author evaluates its position in Islam. The book consists of three chapters with the following titles: Nowrūz in ancient Iran; Nowrūz in Islamic epoch; Nowrūz traditions from Iranians' view – points. The particular traditions of Nowrūz are illustrated at the end of each above - mentioned chapter.

359- *Nāmvarīh-yi Dr. Maḥmūd Afshār (Commemoration of Dr. Maḥmūd Afshār)* Ed. Īraj Afshār, in Collaboration with Muḥammad Rasūl Daryā Gasht. 10th Vol. 1st ed. Tehran: Dr. Maḥmūd Afshār's Endowment Foundation, 1999.

In vol. 10 of the set “Commemoration of Dr. Maḥmūd Afshār”, 58 articles have been gathered: the titles of some are as following: *Innuvah Māsajī* of Japan in Iran” by Dr. Hāshim Rajabzādīh; “Symbolism in Iranian myths” by Muḥammad Shukrī Fumashī; “Tālīsh during the constitutional era” by ‘Alī ‘Abdulī; “Qandīhār and Ghaznīh” by Muḥammad Rīzā Khusrawī; “What is Feudalism and who is Feudal” by Dr. Ḥasan Shāyḡān; “Iran from Satrapy to protected territories” by Aḥmad Tawakulī; “Under the selected history” by Dr. ‘Abd al-Ḥusain Nawā’ī; “Explanation about under the selected history” by Īraj Afshār; “Balūchistān from 1307 to 1317 H.S.” by Aḥmad Eqtidārī; “Khuld-i Barīn and its author” by Dr. Sayyid Āghā ‘Unullāhī; “Vāsmus and Haidar-Khān Ḥayāt Dāwūdī” by Muḥammad

355- Mīr Najafizādh, Javād. *Mabānī-yi Tārīkh-i Ijtimā'ī-yi Īrān dar Advār-i Mukhtalif (The Principles of Iran's Social History in Different Eras)* 1st ed. Kirmān: Javād Mīr Najafizādh, 1998.

In the present book, the author aims to represent a brief explanation on the Iranians' social situations during different historical periods. The book is comprised of 16 chapters; the titles of some of which are as following: Social history and its concept, The sources of Medes and Achaemenids histories, Social situation in Sassanid era, The historical periods, The fates of dynasties and the appearance of Seljuqs, How Safavids sovereignty was established, Social situations in Afshārīds and Zandīyah ages, Political situations in Pahlavids era, Special social conditions effective in establishing a community, Human factors in social history, Fundamental principles of materialistic life in Iranian communities, Iran's political history and its social effects.

356- Mu'minī, Muṣṭafā. *Pāyghāh-i 'Ilm-i Juġhrāfiyā dar Īrān: Pāyghāh-i Juġhrāfiyā-yi Shahrī dar Īrān (The Base of Science of Geography in Iran: The Base of Urban Geography in Iran)* 1st ed. Vol. 1. Tehran: Science Academy of Islamic Republic of Iran, 1999.

In the present book, the bases of urban geography and contemporary urban planning in Iran have been described through analytical-originating application, structural analysis, and functional analysis methods. The mode of each period is also comparatively evaluated against its corresponding period of the urban geography of the west. In this collection, texts about the geography have initially been prepared in the style of subject classification and categorization of urban geography and then the views, contexts, directives, duties, and scientific aspects of current base of urban geography and urban planning have specified. Final topics of the book are related to the future process of urban geography and urban planning in Iran.

357- Mu'ayidī Shūshtarī, Akram. *Shūstār Ya'nī Khūbtar: Barrasī-yo Juġhrāfiyā-yi Ṭabī'ī, Vīzhigīhā-yi Bāstāni, Tārīkh, Juġhrāfiyā-yi Insānī va Juġhrāfiyā-yi Iqtisādī-yi Shahr-i Shūstar (Shūshtar Means Better: The Study of Natural Geography, Archaeological Characteristics, History,*

Publications, 1998.

Vol. 5 of 'Ayn al-Salṭānah's Journal is a comment on the events during Naṣīr al-Mulk Hamidānī's regency who undertook Aḥmad-Shāh's regency from Ramazān 18, 1328 to Sha'bān 26, 1332 (A.H.). In this book, besides revealing the historical events, the incidents, observations and memories of 'Ayn al-Salṭānah's three journeys to Qazwīn have been mentioned too. The geographical directory of Alamūt is perceived in a part of the book. The discussion of the vol. ends by providing some information on Aḥmad-Shāh's crowning. The readers are also provided with more information on Alamūt including some *Tatī* and Alamūtī terms, popular foods, renting goats-thorn and the method of producing gum tragacanth in that region, 'Ayn al-Salṭānah's childhood and youth memories, information about the statesmen and figures such as 'Abbās-Mīrzā Malik Ārā, Iḥtisāb al-Malik, Mukhtār al-Dawlah, Sayyid Bahrainī and important social and political issues of his regency.

354- Mīr Muḥammadī, Ḥamid Rizā. *Jughrāfiyā-yi Khwānsār (Geography of Khwānsār)* 2 vols. 1st ed. Qum: The Secretariat of Muḥaqiq Khwānsārī's Congress, 1998.

The present two-volumed work is published in one set, with the following specifications, on the occasion of the congress commemorating "Āqā Ḥusain Khwānsārī". The 1st section is about "Khwānsār's natural geography, covering topics: geology, climate, geomorphology, water resources, plantation, biology, and study of natural problems. The 2nd section, titled "The human geography of Khwānsār", contains topics such as Khwānsār's etymology its history and archaeological monuments its population characteristics and urban geography. The 3rd section, covering topics of the 2nd vol., the 2nd section comprises six chapters with the following titles: Cultural foundations of Khwānsār; Religious foundations; Education, training and culture; The ethnical and linguistic background of Khwānsār; Khwānsār's economic specifications; Khwānsār in tourists' journals. The book ends to a bibliography, some pictures of Khwānsār's historical monuments and scholars.

reasons of constitutional revolution; Oil national movement; Why is Muşadiq loved? The book ends with a bibliography.

351- Mīr Abu'l-Qāsimi, Muḥammad Taqī. *Gīlān az Inqilāb-i Mashrūfiyat tā Zamān-i mā (Gīlān from Constitutional Revolution to Our age)* 1st ed. Rasht: Gīlān, Tālish, 1998.

The author, here, in two parts, analyzes the recent century changes and developments in Gīlān. Part one, dedicated to historical events of the area from constitution to contemporary age, includes the following subjects: Chronology of Gīlān; Struggle to achieve independence from Constitutional Revolution to Jungle uprising, Government, consultative assembly and people; Iran and World War I; Mīrzā Kuchāk-khān and Haydar 'Amū Ughlī's viewpoints; From coup d'état 1299 H.S. to World War II; Gīlān from World War II to coup d'état 28th of Mordad; From the second coup d'état to the second republic; After the establishment of the Islamic Republic of Iran. Part two discusses the changes and innovations in Gīlān. In this part, we perceive the followings: The change of ownership right and its consequences; Urban residence and the development of cities; Modern educational institutions; Endowments – financial suppliers of movements; Publications and journals; Artistic circles and theatrical troupes; Health, treatment and medicine education; Trade center (bāzār) and social changes; The changes in the arena of public culture in the recent century; The fall of tribal and ethnical systems; Water and its sources; Public entertainments; The like. The ending pages are dedicated to some appendixes, notes, documents and pictures.

352- *Mīrāth-i Islāmī-yi Īrān (Islamic Heritage of Iran)* Ed. Rasūl Ja'farīyān. 9th Vol. 1st ed. Qum: The Library of Āyatullāh Mar'ashī Najafī, 1998.

353- Mīrzā Sālūr, Qahramān. *Rūznāmih-yi Khāfirāt-i 'Ayn al-Salṭanah: Rūzigār-i Nīyābat-i Salṭanat-i Nāṣir al-Mulk Hamadānī ('Ayn al-Salṭanah's Journal: The Period of Nāṣir al-Mulk's Regency)* Ed. Mas'ūd Mīrzā Sālūr and Īraj Afshār. 5th Volume. 1st ed. Tehran: Asāṭir

the age of Sassanid kings, 8) Decline of Sassanid reign, 9) The formation of anti-ʿArab movements, 10) Bābak Khurram Dīn's movement and his fate; Vol. 3: 11) Iran in Saljuqs' occupation, 12) Iran in Mongols' occupation, 13) The end of Chieftains' dominance on Iran, 14) Tamerlane's dominance on Iran, 15) Iran after Tamer's death, 16) Maḥmūd Afghān's dominance on Iran; Vol. 4: 17) The end of six times occupation of Iran, 18) The beginning of Qajarid reign, 19) The seventh and the last occupation of Iran, 20) A summary of Iran's history from ancient times to 1325 (H.S.), 21) Short biographies of Iranian poets, writers and their qualifications, 22) Ancient cities of Iran, 23) Iranian minorities in the course of history (Zoroastrians, Armenians, Jews and Assyrians). Each volume of the set is appended to some pictures and ends with an index of names.

350- Mahaimanī, Muḥammad 'Alī. *Nukhbih Kushī dar Jami'ih Shināst* (Elite Murder in Sociology) 1st ed. Tehran: Thālith Publications, 1998.

In the present research, the function of people and the social evolutions of Iran in the course of historical changes as well as the function of "individual" in Iranian society, considering the specific social specifications of Iran and Iranians are evaluated. The writer, having a glance at the historical changes in Iran in pre- and post-Islamic era to the contemporary age and evaluating its turning points - particularly the appearance of various elites and various national uprisings in the process of Iran's historical evolution admits that the social and environmental conditions cannot be ignored in the appearance of elites. He also relates most of the elite murders throughout history not to the people or Iranian society, but to the Kings, totalitarian regimes, arrogants, the rich, aristocrats, feudals and the like. Furthermore, he proves that people have formed most of the uprisings and movements during the history. Some topics of the book are as following: An introduction to the history of Iran; The elites of Sassanid era; Three methods of struggle against caliphate, (cultural struggle, armed struggle and penetrative struggle); Abū Muslim's uprising; Independent Iranian dynasties; Elites' characteristics (Yahyā Barmakī, Avicenna, Niẓām al-Mulk); Sarbidārān; Faẓlullāh Ḥurūfī; Turkamanāns and Safavid dervishes (religious mendicant); Mass uprising in Nādir Shāh's era; Causes and

Āyatullāh Kalbāsi's verdict about Tūdi Party; The arrest of Shaykh Muḥammad Tihrāni; Nehro's message to Dr. Muṣadiq; Muṣadiq and Hitler; The qualification of holding a referendum; America's efforts to arrange a coup-d'état in Iran; The detailed report of Ittīlā'āt newspaper about the incidents of Isfand 9-14 1331 H.S. The book ends with an index of names.

348- Malikī, Khalīl. *Nihzat-i Millī-yi Īrān va 'Idālat-I Ijtimā'i* (The National Movement of Iran and Social Justice) 1st ed. Tehran: Markaz Publications, 1998.

The present book contains a collection of articles by Khalīl Malikī on "Iranian Socialism", published in the press, during the period nationalization of oil movement through Dr. Muṣadiq's decease. These articles are as following: The historical destiny of liberalism; The condition for the successful continuation of national movement; A new world should be created: Towards the future; To counteract with the most dangerous factor threatening the national movement; The strategies and tactics of communist parties regarding Asian and African national movements; The conflict between Communism and Socialism within two centuries; An analysis of the past policies of national movement to determine the future path; The declaration of Socialist Association of Iran's National Movement; Iran Nuwīn Party or the new Class Party.

349- Mahdī-Niyā, Ja'far. *Haft Bār Ishghāl-i Īrān dar Bīst-u sih Qarn* (Iran: Seven Times Occupation in 23 Centuries). 4 vols. 1st ed. Tehran: Pānūs, 1998.

The author, in the present work, consisting of four volumes, analyzes the history of Iran in seven times of its occupation. The very seven times are as following: Alexander's attacks, 'Arabs' attacks, Seljuqs' attacks, Mongols' attacks, Tamer's attacks, Maḥmūd Afghān's attacks, The former U.S. S. R. and Britain's attacks in the contemporary age. The sections of the book are organized with the following titles: Vol. 1: 1) The beginning and background of civilization and religion in ancient Iran, 2) Religions in Iran, 3) Achaemenid kings and Alexander's inroad on Iran, 4) Iran in Parthians age; Vol. 2: 5) The set of Parthians and rise of Sassanid, 6) Development in Sassanid age, 7) Types of taxes, arts, socio-politico-religious institutions in

Relations of Iran during Riṣā-Shāh's Era: from 1921 to 1941) 1st ed. Tehran: Paikān Publications, 1999.

The main subject of this research is to study the situation of global powers, Iran's international position and its foreign relations with Germany, Russia and England during Riṣā Shāh's rule. The period covers the interval after World War I to the end of World War II. Some titles of the 21 chapters of the book are as following: Irano-German relations after the World War I; Expansion of Irano-German economic relations; Military Industries; Military aircrafts and arms; British policy in Iran; The oil issue; Soviet Union and Iran; The beginning of World War II in Europe and its reflections and consequence in Iran; Riṣā Shāh, Germany and uprising in Iraq; Occupation of Azerbaijan in Shahrīwar, 1320.

346- Ma'sūmī, 'Alī. *Qīṣihā-yī az Zindigī-yi Shakh Bahā't: Chihrihā va Qīṣihā (Stories About Shaykh Bahā't, Faces and Stories)* 4th vol. 1st ed. Tehran: Payām-i Mihrāb Publications, 1999.

In the vol. 4 of the collection: "Faces and Stories", youngsters study "Shaykh Bahā't's" lifestory within two chapters. The first chapter covers topics and incidents relevant to Shaykh Bahā't's life. In the second chapter, the readers perceive some selected stories, tales and articles of Shaykh's works.

347- Malikī, Ḥusain. *Kitāb-i Sīyāh: Sālḥā-yi Nihzat-i Millt az Nuhum-i Isfand-i 1331 tā Murdād-i 1332 (The Black Book, National Movement Years from February 27, 1952 to August 1953)* 7th Vol. 1st ed. Tehran: 'Ilmī Publications, 1999.

The book is vol. 7 of the set: "The Black-Book" through which the writer surveys the events of Isfand 9, 1331 to Murdād 1332 under the title "National Movement Years". Some of the topics are as following: Hā'irizādih's replies to Dr. Muṣadiq; Courts' declaration; A momentary report of Isfand 9th incident; Disarmament; Āyatullāh Burūjirdī's message; Ashraf's and her mother's departure from Iran; Negotiations with Shāh and the Prime Minister; The secret reasons of conflict between Shāh and Dr. Muṣadiq; Britain's and U.S.A.'s joint plot to overthrow Muṣadiq's government; Tūdiḥ Party's penetration and religious leaders' grievance:

information: subject (name) of the painting, year, the technique of coloring and size. In parts of the book, we perceive questions and answers about painting, the history of painting, painting styles, painting after revolution, painting exhibitions etc. In the beginning of the book, there is a brief explanation on “Master Kātūzīyān’s” life in Persian with its English version at the end.

343- Mustufi, ‘Abd al-Husain. *Taṣvīr-i Kurdhā dar Charkhish-i Ḥayāt-i Ijtimā’ī-yi Millathā va Şafaḥāt-i Tārīkh, az Nazar-i Mabānī-yi ‘Ilmī* (Kurds’ Picture from a Scientific Perspective in the Course of Nations’ Social Life and Historical Evolution) 1st ed. Tehran: ‘Ilm va Hunar Publications, 1999.

In this short text, the writer represents some information about Kurd’s ethnical originality, their background, their present situation and also the upheavals they have gone through in the contemporary age. In addition, the readers are introduced to subjects on land, people and culture of this sect. The final pages of the book are allocated to colorful pictures of different aspects of the community, people and the land of Kurdistan.

344- Muşadiq, Muḥammad. *Uşāl va Qavā’id va Qavānīn-i Mālīyih dar Mamālik-i Khārij va Īrān* (Financial Principles, Rules and Regulations in Iran and Foreign Countries) Introduction by ‘Izzatullāh Şaḥābī. 1st ed. Tehran: Farzān Rūz, 1998.

The book represents Dr. Muşadiq’s knowledge and his practical experiences during his tenure of finance ministry. Providing a definition of budget and its general points, he explains the following titles: On the preparation and approval of budget hand – book; on the execution of budget; on the detection of budget execution. In a section of the book, Iran’s financial regulations are compared with other European countries. The final part of the book concerns with the inventory of government’s budget revenues and outgoes verified in 1301 (H.S.) by the National Consultative Assembly.

345- Mu’tazid, Khusruw. *Tanish-i Buzurg: Ravābiṭ-i Khārijī-yi Īrān dar Durān-i Riṣā Shāh az 1300 tā 1320* (The Great Tension: Foreign

1st ed. Būshahr: The Center for the Study of Būshir, Hamsāyih Publications, 1998.

The present book is a set of articles about the history of “Būshahr’s Sa’adat School” and the position of this cultural institution in social, cultural and political changes of the region. The set has been gathered from annuals, miscellanies, private archives and some books. It should be noted that Sa’adat School was established with the efforts of the late “Aḥmad-Khān Daryā-Baigī”, the ruler of Persian Gulf ports and Islands, and some of the other businessmen. The titles of the articles and their writers are as following: The geographical, historical and cultural position of Būshahr by ‘Abd al-Karīm Mashāyikhī; A brief history of Būshahr’s Sa’adat School by Shaykh ‘Abd al-Karīm Sa’adat; A concise study of the late Shaykh ‘Abd al-Karīm Sa’adat’s cultural life by ‘Alī Haqshinās; Shaykh Muḥammad Ḥusain Sa’adat by ‘Alī Haqshinās; The history of Būshahr’s culture and science by Ḥasan Burāzjānī; Shafīq Shahrīyārī, the teacher of Sa’adat School by Sayyid Muḥammad Hasan Nabawī; Mīrzā Ibrāhīm Šādiq a title-known figure with an untimely death by Sayyid Muḥammad-Ḥasan Nabavī; The function of businessmen in Sa’adat School by Aḥmad Dashtī; Sa’adat School in the first days of constitutional victory by Sayyid Qāsim Yāḥusainī; Autobiography from school days through retirement by Aḥmad Šaliḥī. The book ends with an index, some pictures, and photographs of documents.

341- Murādī Ghīyāthābādī, Rizā. *Manshūr-i Kūrush-i Hakhāmanishī* (The Charter of Cyrus of Achaemenids) 1st ed. Tehran: Rizā Murādī Ghīyāthābādī, 1999.

The charter of Cyrus the great or “the first human rights declaration”, written on a clay cylinder in the Babilonian language and characters, has been presently published in Persian French and English languages. Also, pictures of Cyrus’s charter, its re-written form, Cyrus’s tomb, Cyrus’s glyptography and petroglyph are printed here.

342- Murtaẓā Kātūzīyān. Tehran: Farhangsarā Yasāvulī Publications, 1998.

This book contains a selection of Kātūzīyān’s black and white and colorful paintings with Persian and English captions, providing the following

and the building of trans-rail-road; The fuel of kitchen was firewood a hundred years ago. The first telephone office of Ahwāz.

338- Muḥammadī, Manūchihr. *Siṭyāsāt-i Khārijī-yi Jumhūrī-yi Islāmī-yi Īrān: Uṣul va Masā'il* (Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran: Principles and Questions). 1st ed. Tehran: Dādgustar, 1998.

The main subject of the book is the evaluation and explanation of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran through which some "general points" on the characteristics of the Islamic revolution, the range and arena of foreign policy are pointed out. Then, in the first section, the principles of the foreign policy of the Islamic Republic are analyzed. In the second section, titled "The questions of the foreign policy of the Islamic Republic", the author evaluates the remarkable changes and outstanding policies occurred during the past 20 years.

339- Muḥammadī, Manūchihr. *Murūrī bar Siṭyāsāt-i Khārijī-yi Īrān dar Durīh-yi Pahlavī, yā Taṣīmīgūrī dar Nizām-i Taḥt-i Sulṭih* (A Review of Iran's Foreign Policy During Pahlavid Age or Decision-Making in an Under Dominated System). 1st ed. Tehran: Dād-Gustar, Mīzān, 1998.

In the present book, Iran's foreign policy before the victory of the Islamic revolution is analyzed. Also, the effective circumstances and factors in determining the foreign policy in Pahlavid age are, in six chapters, interpreted with the following topics: 1) Division of governments according to the degree of their independence in determining the foreign policy, 2) The aims and policies of influential and dominant powers (including Russia, England, U.S.A., and Germany) in Iran, 3) Evaluation of political changes and foreign relation of Iran in the age of Pahlavīd I 1299-1320 H.S. (the period of British thorough dominance), 4) The period of instable dominance (1320-1332 H.S.), 5) The period of Britain's redominance and the beginning of U.S.A.'s penetration. 6) Inference and conclusion.

340- Madrisih-yi Sa'ādat-i Būshīhr az Chand Zāvīyih: Majmū'ih Maqālāt, 'Aks va Asnād (Būshīhr's Sa'ādat School from Several Aspects: The Set of Articles, Photographs and Documents) Ed. 'Abd al-Karīm Mashāyikhī.

from Beginning to 1921) Ed. Supervised by Kamāl Ḥāj Seyyid Javādī, with the cooperation of ‘Abd al-Ḥusain Nawā’ī. 2nd Vol. 1st ed. Tehran: Anjuman-i Āthār va Mafākīr-i Farhangī, 1998.

In the set “Creators”, the biographies of the well-known cultural and scientific figures of Iran including authors, poets, religious scholars and mystics, translators and artists – from beginning to 1300 H.S. – are gathered. The present book is vol. 2 of the mentioned set, dedicated to letters “B” to “Kh”. It begins with Bābā Afzal Kāshānī’s, Afzal al-Din Muḥammad-ibn-Ḥasan/Ḥusain, biography and ends to Khayrī Tabrīzī’s.

336- Muḥammad Khānī, Ḥusain. *Ma’shīn: Kandīnīn Tārīkhī, Dablarī, Giltir Yūlārī, Tārīkhī Sīmālārī (Ma’shīn: The History, Language, Ways, and the Historical Features of the Village)*. 1st ed. Tehran, 1999.

The book, written in Turkish, introduces “Mash‘aq” (Ma’shīn) village-a dependency of Shabistar city in the East Azerbaijan Province. Moreover, its natural, social, cultural, economic qualifications, historical monuments and traditions have been mentioned. The above-mentioned topics are accompanied with various pictures and photographs.

337- Muḥammadī, Muḥammad ‘Alī. *Chikīdih’ī az Rāydādhā-yi Yikṣad-u Bīst Sālīh-yi Akhīr-i Ahwāz – Bandar-i Nāṣirīyih-yi Sābiq (A summary of the Events of Ahwāz – the Former Nāṣirīyih port – in the Recent Hundred and Twenty Years)*. 1st ed. Tehran: Tūrang, 1999.

In the present work, the author has recorded his own hearings and observations on the events and changes occurred in Ahwāz during the recent a hundred and twenty years. Some of the topics of the book are as following: Geographical limits of Khūzīstān; Port installations of Oil Company; Etymology of Amānīyah; A terrific flood damaged part of Ahwāz in 1295 (H.S.); The first family immigrating to Ahwāz were the honorable ‘Amīrīs; Mosques and religious places of Ahwāz; ‘Alī Ibn-Mahzīyār’s tomb; Ponds caused diseases, particular blindness and scalp ringworm; To pass the river, people used rafts; The groom was taken to bathroom with speical ceremonies at the wedding night; The gardens of Ahwāz; Local clothing of Ahwāzi people including Bakhtīyārī and Lur tribes of Khūzīstān; Bridges of Ahwāz

Southern Iran by Dr. 'Abdul-Ḥussain Shāhkār; The Movement of Ra'īs 'Alī Dilwārī and the armed anti-colonial movements by Dr. Iraj Nabipūr; Shaykh Ḥussain -Khān Chāhkūtāhī and the anti-colonial movement of Southern Iran by 'Abdul-Majīd Zāngūī; Ḥabībullah-Khān Qawām-al-Mulk Shīrāzī and the Southern movement by Sayyid Abul-Qasim Furūzānī; The role of the late Naṣṣīr Diwān Kazirūnī in the struggles of Southern people by Mūsā Mutaharīzādih; Power instability and the situation of local forces in Southern ports and regions during the occupation of Būshīhr and the appearance of Tangistān movement (1333 A.H.) by Hamīd Assadpūr; Hajj Sayyid Muḥammad -Rizā Kāzirūnī's biography; The activities of German agents in the South of Iran during World War I by Dr. 'Alī Bīgdilī; World War I and its reflection in Fārs by Afshīn Partuw. The book ends with several historical documents, pictures, and documents.

334- *Majmū'ih Maqālāt-i Hamāyish-i Mi'mārī-yi Masjid: Gudhashtih, Ḥāl, Āyandih (The Collection of Articles in the Conference on Mosque Architecture: Past, Present, Future)* Ed. Research Vice-Presidency Division. 1st ed. Tehran: University of Art, 1999.

The present collection contains 41 articles from "The first conference on mosque architecture: past, present future", gathered under the general title: "Interpretation of architectural characteristics of mosque: structural-spacious features, constructional and visual aspects". A number of articles and their writers are as following: "Symbolic forms and patterns in Irānian mosques" by Raḥmān Aḥmadī Mālīkī, "Benediction and creation of space" by Muḥammad Rizā Uulīyā, "The relation between the appearance and concept in the process of mosque formation" by Jawād Irfānīyan, "An introduction to the Mosques on the coast of Persian Gulf" by Muḥammad Ghāidī, "Sanctity and metempsychosis in religious architecture" by Mīr Abidīn Kābulī, "The unique identity of mosque" by Muṣṭafā Kainī, "Historical analysis of Yazd's Jāmi' Mosque" by Sidīghah Gulshan, "Mosque, an image of a perfect human being" by Kāmbīz Nawāī.

335- Muḥadithzādih, Ḥusain, and Ḥabībullah 'Abbāsī. *Athar Āfarīnān: Zindigīnāmih-yi Nām Āvarān-i Farhangī-yi Īrān, az Āghāz tā Sāl-i 1300 H.S. (Creators: The Biographies of the Well-Known Figures of Iran,*

the fourth chapter, the author reveals “the provocative elements of the public will” with the following subjects: 1) The existence of common enemy, 2) The function of Islamic thought, 3) The unique leadership of Imam Khumainī, 4) The historical origin of The Islamic Revolution (a mental factor), 5) The History of the Islamic Revolution. The book ends analyzing the elements accelerating the revolution and events of 1356 to 1357 (H.S.). The final pages include a conclusion and a bibliography.

332- Shahīd Bihishtī Cultural Complex. *Ḥamāsīh-yi Hast Sāl Difā'-i Muqaddas: Dar Jibhihā Chi Khabar Bād? (The Epic of Eight-Years-Holy-Defense, What Happened on War Fronts?)* 1st Vol. 1st Ed. Tehran: Mihrbān Publications, 1999.

Here, the writer's own observations and memories from the war fronts throughout eight-year-holy-defense along with notes and remarks about the martyrs and invalids have been gathered. The book describes the warriors' braveries and the holy defense values along with photographs of the fighters, war fronts, martyrs and invalids.

333- *Majmū'ih Maqālāt-i Kungirih-yi Buzurgdāsht-i Hashtādumīn Sāl-i Shahādāt-i Ra'īs 'Alī Dilwārī: 20-22 Farvardīn 1373 H.S. (The Collection of Articles presented at: The Congress for the Commemoration of The 80th Anniversary of Ra'īs 'Alī Dilwārī's Martyrdom, April 8-10, 1994)* Ed. Muḥammad-Ḥassan Nabavī. 2nd Vol. 1st ed. Tehran: Press and Publication Organization, Ministry of Islamic Guidance and Culture, 1999.

The present book contains the collection of articles presented at the congress for the commemoration of the 80th anniversary of Ra'īs 'Alī Dilwārī's martyrdom held in Būshīhr from Farwardīn 20 - 22, 1373 (H.S.). The titles of the articles and their writers are: The historical background of anti-colonial uprising in Southern Iran by Dr.Sayyid Ja'far Hamīdī; Ayatallāh Sayyid 'Abdul-Hussain Lārī and the martyr Ra'īs-'Alī Dilwārī by Sayyid 'Alī Mīr. Sharīfī; Ayatullāh Sayyid 'Abdul-Hussain Larī and the Tangistān Movement by Muhammad -Baqīr Wusūqī; The functions of people of Būshīhr in the South movement by 'Abdul-Karīm Mashāyikhī, Būshīhr occupied by the British by Dr.Tanhā-Tan Nāssirī; The police of

329- Lāmi'ī, Sha'bān-'Alī. *Hikāyathā-yī az Zindigī-yi Dr. 'Alī Sharī'atī* (Narratives of Dr. Sharī'atī's life) 1st ed. Tehran: Qalam, 1998.

The book consists of four chapters with the titles: "Societies", "Islāmīyāt", "Deserts", and "Sharī'atī through the mirror of memories". The last part reflects the memories of some characters, such as Tāliqānī, Bāzargān, Muḥammad-Taqī Sharī'atī, 'Abd al- Karīm Sharī'atī, Muṣṭafā Chamrān, Šādiq Zibā Kalām and Ḥamīd 'Ināyāt.

330- Lachyanī. 'Alī-Rizā. *Hunar-i Dīnī Dar Gudhar-i Zamān (Religious Art in the Passage of Time)* 1st ed. Tehran: Ādharīyūn Publications, 1998.

The author aims to reveal man's motive for piety in creating artworks, studying some of the world's advanced civilizations and researching into the artistic achievements. Referring to the artworks influenced by religion, he attempts to interpret "religious nature of artworks" on the basis of scientific evidences. The discussion is arranged under eight chapters with the following titles: Definitions of religion, history, civilization and culture; Primitive art: Primary civilizations; Mesopotamia; Iranian art; Egypt; Greek art; Italian art.

331- Mutaqizādih, Aḥmad. *Inqilāb-i Islāmī-yi Īrān va 'Avāmil-i Vuqū'ī Ān* (The Islamic Revolution of Iran and its Causes) 1st ed. Tehran: Anjuman-i Qalam-i Iran, 1998.

In this book, prepared as a university text-book for the course "The Islamic revolution and its roots", the causes and reasons for the occurrence of the Islamic revolution in Iran are, within four chapters studied. The first chapter, titled "Definition of concepts and theories", includes the three following sections: 1) Definition of concepts, 2) A review of the theories of the Revolution, 3) The theories of the Islamic Revolution. The second chapter, titled "The reasons for people's dissatisfaction with the present situation", includes the following sections: 1) The function of political system in the occurrence of the Islamic revolution, 2) The cultural function in the occurrence of the revolution, 3) The function of economic system in the occurrence of the revolution. The third chapter is an analysis of "The function of Islam and the religious thought in creating a desired society". In

section: "explanations", the brief biographies of other 231 figures are included. The final section of the book is allocated to a bibliography and pictures of the mentioned deceased figures.

327- Lārījānī, Muḥammad Javād. *Darshā-yi Sīyāstat-i Khārijī* (Lessons of Foreign Policy) 1st ed. Tehran: Mishkāt, 1998.

Providing theoretical issues to explain and elaborate the global events, the author studies the diplomatic situation of Iran. Substantially, the book includes the following subjects: Understanding global events: Following a strategy: Operational planning: Administrative organization: The reasons of weakness in foreign policy system: Justification and propagation in foreign policy: The backgrounds of the appearance of new civilization: Future survey: Future prediction and the concept of government.

328- Lachhurt, Lawrence, Ghulām-Rizā Afshār-Nādirī, and Ismā'īl Afshār-Nādirī. *Nādir Shāh: Ākharīn Kishvargushā-yi Āsīyā* (Nādir Shāh, The Last Asian Conqueror) 1st ed. Tehran: Dastān Publishers, 1998.

Here, different subjects along with articles by different writers have been gathered. The first part contains the following topics: The Kings, Internal situations, foreign relations, Religious policy, Safavids' corruption. In the second part the view-points of the following writers are represented to the readers: Hin Wī, James Frasier, Dr. Lochhurt, Aḥmad Kasrawī, Dr. Rizāzādi Shafaq, K. Z. Ashrafīyān, M. R. Ārunuvā, Dr. Abdul-Ḥussain Nawā'ī, Padrī Bāzin, Muḥammad Ḥusain Ghudūsī, Sir Percy Sykes, Muḥammad Shafī Tehrānī and Ḥusain Āzād. This part ends with an article titled "Nādir Shāh's Family". The third part, titled "Nādir Shāh", consists of 26 chapters and three supplements: the titles of some of the chapters are as following: Nādir's lineage and his early measures, The expulsion of Ghīlajā'īs, Nādir's first battle with Turks and the defeat of Abdālīs, Nādir's crowning, Recapture of Qandihār, Attack on India, The period of Rizā Qulī-Mīrzā's regency, Attack on Turkistān, The battle of Dāghistān, Uprising in Iran 1743-1744 (A.D.), Nādir's characteristics and his achievements. The final pages cover a bibliography and several illustrations.

325- *Guzārishhā-yi Nazmīyih az Maḥallāt-i Tīhrān: Rāpurt-i Vaqāyī'-i Mukhtalīfih-yi Maḥallāt-i Dār al-Khalāfih* (Police Reports from Tehran Districts: The Reports of Different Events Occured in the Districts of the Capital City) Eds. Insīyah Shaykh Rizā'ī, Shahlā Ādharī. 2 Vols. 1st ed. Tehran: Iran's National Documents Organization Publications, 1998.

The present two-volumed book contains the regular reports of events and various activities of people from different walks of life in the districts of Tehran, the capital city, arranged chronologically by the police secretaries in 1303-1305 H.S.. The districts reported, are "Duwlat", "Sangilaj", "Uwdlājān", "Chalmaidān" and "Bāzār". At the end of each daily report, the names of those arrived, released or imprisoned in the police headquarters are listed. The book covers a number of photographs of ancient Tehran; it ends with these chapters: A selection of copies of documents, indexes of characters, places, mourning plays, jobs, subject, and a bibliography. The map of Tehran in Nāṣṣirīd era is also included.

326- *Gulzār-i Mashāhīr: Zindigīnāmih-yi Dargudhashtigān-i Mashāhīr-i Īrān, 1358-1376 H.S. (The Garden of The Celebrated Ones: The Life Stories of Iran's Celebrated Deceased Ones from 1979 to 1997)* Eds. Maryam Āqā Shaykh Muḥammad, Sa'īd Nūrī Nishāf. 1st ed. Tehran: Society of Cultural Heritage, Barg-i Zaitūn Publishers, 1998.

In the present work, the brief biographies and works of 667 famous Iranian characters, passing away from 1358 to 1376 (H.S.) are, within six chapters, included. Except chapter one covering Imam Khumainī's biography, each of the other chapters is devoted to one group of famous figures. The groups are titled as following: Religion, literature, theoretical sciences, practical sciences and art. The biographies, listed in each chapter, have been arranged in the alphabetical order of the figures' surnames. Each biography begins covering the relevant figure's name, subject and field of fame, place and date of birth, place and date of death or martyrdom; it continues with a brief description of his life and works, and finally ends providing the sources or references. The book also contains eleven indexes as follows: The main subjects; the famous figures; names and titles; nick names; characters; cities and countries; the titles of books; plays; magazines and newspapers; the poets' pennames, movies; television serials. Also, in the

322- Kasravī Tabrīzī, Aḥmad. *Dar Pīrāmūn-i Tārīkh (About History)*. 1st ed. Tehran: Firdus Publications, 1998.

The present book discusses the concept, methods, goals, types and various viewpoints about historiography and the dangers concealed in it. The book consists of five chapters with the following titles: About history; Post-Islamic history of Iran; History and historians; the history of constitution and the eighteen-year old history; what is a genuine history? In the two appendixes, Kasravī's new terminology used in his works as well as an index of his books is gathered.

323- Kalāntarī Bāghmīshih'ī, Ibrāhīm. *Rūznāmih-yi Khāfirāt-i Sharaf al-Dawlah [1324-1327 A.H.] (Sharaf al-Dawlah's Journal [1324-1327 A.H.])* Ed. Yaḥyā Dhukā. 1st ed. Tehran: Fikr-i Rūz, Kulbah Publications, 1998.

In the present work, Mīrzā Ibrāhīm-khān Bāghmīshih'ī's – known as Kalāntar – memories are gathered. Having been elected as the representative for the first period of National Consultative Assembly after constitutional revolution by people of Tabrīz, he recorded his diary since his leaving Tabrīz for Tehran (Dhī'l-Qa'dah 23, 1324 A.H.) till Rabī'-II 26, 1327. Edited the diary, the compiler provides the readers with the writer's biography and continues with his memories chronologically. The book ends with 191 pictures of political figures and scenes of constitutional revolution as well as some illustrations of people, places and cities.

324- Kīyānī, Manūchihr. *Kūch bā 'Ishq-i Shaqāyīq (Departure for the Love of Anemone)* 1st ed. Shīrāz: Kīyān Nashr Publications, 1998.

In the present book, aspects of life-styles, economy, handicrafts, customs, traditions, and arts of Qashqā'ī tribes are reflected along with colourful photographs. The main topics, covered here are as following: A look at Qashqā'ī tribe; the hand-wovens of Qashqā'īs; Clothing; Decorations; Pelt and the related handicrafts; Food industries; Housing; Music among Qashqā'īs; Other arts of Qashqā'īs. A glossary of terminology is included in the final section of the book.

opportunities to reform laws, along with some other recommendations to settle disputes, are introduced.

320- Kāmbakhsh-Fard, Sayfullāh. *Gār Khumrihā-yi Ashkānt: Majallih-yi Bāstānshindāst va Tārkh [Piyvast-i Shmārih-yi Yik] (Parthian Pithos-Burials: The Magazine of Archaeology and History [Attachment NO.1])* 1st ed. Tehran: The Center for University Press.

The present work is attachment NO.1 of The Magazine of Archaeology and History, published by The Center for University Press, in which there is an account on the excavation and discovery procedures of Parthian tombs. The topics, discussed here, are the burial ceremonies of Parthian dead, studying the image of life after death from people's – belonging to the very period – viewpoints, instruments and tools, ornaments, clothing, wood - work and pottery handicraft by the residents of Azerbaijan and present Ardabil, particularly Girmī and Mughān steppe. The most important result of the excavation obtained in 1344 (H.S.) is the discovery of 2200-year-old-pithos-burials belonging to Parthian periods. Annexed to the book are sketches, various colorful or black and white pictures from the excavation places, and also the discovered works. The book ends with two maps, a bibliography and a preface in English.

321- *Kitābshināst-yi Vaqf: Kitābhā, Maqālihā, Pāyān Nāmihā-yi Tahṣīlī, Vaqf Nāmihā (Endowment Bibliography: Books, Essays, Theses, Deeds of Endowment)* Ed. Muḥammad Ḥasan Bukā'ī. 1st ed. Tehran: Endowment and Charity Institution, 1998.

“Endowment Bibliography” is a collection of bibliographical information including 282 books, 222 essays, 31 theses and 117 deeds of endowment, classified in four separate sections -- with the title of book, essay or thesis in Persian alphabetical order. Under each title the following information is provided: Title, producer's name, language of the work, center of publication, date of publication, the publisher, and a page devoted to endowment questions; Separately attached to the end of the book are the indexes of the above-mentioned documents.

Khusruw". Other scholars, mentioned in this vol. are: "Bābā Ṭāhīr 'Uryān", "Ass'dī Tūsī", "Fakhrīdīn As'ad Gurgānī", and Abulfazl Baihaqī". Pictures of these scholars appear in the book. For instance, describing "Abū-Raiḥān Bīrūnī's life-story, the readers are introduced to his studies at astronomy, mathematics, his researches, his adventures with Sulṭān Maḥmūd, his viewpoints and beliefs.

318- Qaiṣarī, Ibrāhīm. *Qand-i Mukarrar: Tikrār-i Maẓmūn dar Āthār-i Sa'dī* (Repeated Sweetness: A Repetition of Subject Matter in Sa'dī's Works) 1st ed. Tehran: Ruzani Publications, 1998.

The present book analyzes the repetition of subject matter in Sa'dī's works. Having referred to the situation in creating Gulistān and Būstān, the author organizes his discussion as following: "The water of stream took away the slave"; "Stop water from the fountain"; "Sigh of the oppressed"; "Ya'qūb's life-story"; "Founding center"; "Ill-natured and jealous"; "The leaves of the green trees"; "Paradise without the friend"; and similar topics.

319- Kār, Mihrangīz. *Raf'-i Tab'iz az Zanān: Muqāyisih-yi Kunvānsīyun-i Raf'-i Tab'iz az Zanān bā Qavānīn-i Dākhilī-yi Īrān* (Elimination of Discrimination against Women: A Comparison of Elimination of Discrimination Convention against Women with Iran's Internal Laws) 1st ed. Tehran: Parvīn, 1999.

The book has been written concerning the "elimination of discrimination convention against women". The convention was verified by the General Assembly of UN in 1979. However, Iran's government has not joined it yet. On the one hand, the author comparatively studies articles of the convention with Iran's internal laws; on the other hand, the conditions of Iran's government to join it are considered. The first chapter is concerned with a short account on the human rights changes in the 20th century. In the second chapter, the capabilities and possibilities of Shiite jurisprudence -- the foundation of Iran's legislation -- are evaluated. The chapters three to eighteenth are devoted to a comparative study of articles 1 to 16 of the convention with the laws of Iran through which the similar and different points are represented. At the end of each chapter, the prevailing

Taymūr Tāsh, Qawām al-Saltanah, Sayyid Ḥasan Taqīzādah, Mīrzā Muḥammad-Khān Muṣaddiq al-Saltanah, Ardashīr Zāhidī, ‘Alī Amīnī, Asadollāh ‘Alam, Allāhyār Šālih, Amīr ‘Abbās Huwaydā, Parvīz Rājī, Banī Sadr and Parvīz Khānsārī.

317- Qanawāt, ‘Abd al-Raḥīm. *Dāstān-i Dānishvarān: Sargudhasht-i Buzurgān-i ‘Ilm va Farhang-i Īrān (The Scholars’ Life-Stories: The life-stories of the Iranian Scientific and Cultural Scholars)* 1st ed. 4 vols. Mashad: Nīkū Nashr Publications, 1998.

“The Scholars’ Life-Stories” is the Iranian scientific and cultural scholars’ biographies from the 2nd century A.H. to the present time. The first volumes begins with Bāyazīd Bastāmī and ends with Shaykh Kulainī, and contains some information about the life, works, viewpoints and achievements of the Iranian scientists and cultural scholars belonging to Islamic era from the 2nd C. (A.H.), introduced in order of their decease. The figures, introduced here, are as following: Bāyazīd Bastāmī, Muḥammad-ibn Mūsā Khārazmī, Alī-ibn Ribn Tabarī, Imām Muḥammad Bukhārī, Abū-Ma’shar Balkhī, Ḥussain-ibn Manṣur Ḥallāj, Muḥammad -ibn Jarīr Ṭabarī, Muḥammad ibn Zakarīyā Razī, Abū-Zaid Balkhī, Shaykh-i-Kulainī. The book ends to a bibliography. The second volume begins with “Fārābī’s” and ends with some information about “Kassāi Marwazī”. Some of the famous figures introduced to the readers of this vol. are as following: “Fārābī”, “Rāb’ah”, “Daqīqī Tūsī”, “Kassāi Marwazī”, “Shaykh Sadūq” and “Abū Shakūr Balkhī”. For instance, Fārābī’s life-story in Baghdād is illustrated, here. Also the reasons of his fame, his view-points and opinions about “Utopia” are evaluated. At the end, his works and the style of his writing are introduced. It should be noted that the book contains pictures of the above-mentioned scholars. In the third volume, the life-stories of “Firdūsī” to “Abū Sa’īd Abū’l-Khair” are evaluated. Some of the figures of the period are as following: “Firdūsī”, “Avicenna”, “Unṣurī”, “Manūchihrī Dāmghānī”, and “Muskuah Rāzī”. One of these prominent figures is “Firdousī” whose life in the court of Ghazni and Āl-i-Bāwnah is described. There is also a discussion about his beliefs, faith and Sulṭān Mahmūd’s hostility against him. Some pictures of the relevant figures are perceived in the book. The fourth volume begins with “Abū-Raiḥān-i-Bīrunī’s life story and ends with “Nāṣir

back - grounds for the evolution of educational system and appearance of modern schools. From the very point of view, he evaluates three factors: 1) An introduction to European culture, civilization, and educational institutions, 2) Newspapers and increase in modern schools, 3) Innovators and pioneers of modern schools (such as Amīr-Kabīr, Ākhūndzādi, Malkum-khān, Tālibuv, Sayyid Jamāl al-Dīn Asad Ābādī, Amīn al-Dowlah and Mīrzā Hasan Rushdīyah). In the fourth chapter, he studies the function and influence of constitutional revolution in increasing modern schools. In the fifth chapter, he introduces modern schools in various provinces and cities in Qajarid age. The author, in the sixth chapter, criticizes the social, political and educational outcomes of increase in modern schools in Qajarid period. At the end of the book, the readers are provided with a bibliography, an appendix and an index.

315- Qasimī, Ḥabīb. *Jughrāfiyā-yi Dashtistān (Geography of Dashtistān)* 1st ed. Qum: Hamsāyih Publications, 1998.

The author, within several chapters, illustrates the natural, economic, social and religious conditions of “Dashtistān”, a city in Bushīhr province. Some of the chapters are as following: An acquaintance with Dashtistān; The list of towns and villages of the city; An acquaintance with the historical works of the city; Spectacular sights of Dashtistān; Agricultural products, handicrafts, remarkable rivers and mountains of Dashtistān; An acquaintance with Burāzjān; An acquaintance with the central area of Dashtistān; An acquaintance with Sa’d-Ābād district; An acquaintance with Shabānkārah district. The book contains a bibliography.

316- *Qiṣṣih-hā va Ghuṣṣih-hā (Stories and Sorrows)* Ed. Cultural Institution of Qadr-i Valāyat. 1st Vol. 1st ed. Tehran: Qadr-i Valāyat, 1998.

The book is vol.I of the set “Stories and Sorrows” through which some figures and intellectuals of contemporary period -- particularly Pahlavid age -- Are introduced. Here the author through some stories and narratives represents the intellectuals’ ideologies and their critical role as well as their functions^ facing the country’s changes. Some of them are as following: - Mīrzā Malkum-khān, Muḥammad ‘Alī Frūghī-Dhukā, Mulk,

prayers, pleadings, traditions, proverbs, mottoes, poems, slogans,... in alphabetical order) and samples of the original hand written letters, too.

313- Qāsimī, Aḥmad. Mughān: Nigīn-i Ādharbāyjān (Mughan: The Gem of Azerbaijan) 2 Vols. 1st ed. Tehran: Aḥmad Qāsimī, 1998.

The present two-volumed book includes some information on the geographical, historical, social, economic, cultural, tribal and nomadic characteristics of Mughān steppe and its three suburban towns, i.e. Pārs-Ābād, Bīlah-Sawār, and Girmī. The first volume is title *The Tribes of Mughān Steppe* and the second volume is titled *The Geography of Pārs-Ābād, Bīlih Savār, and Girmī*. Volume one of the set consists of five chapters. 1) Natural geography of Mughān, 2) Historical geography of Mughān, 3) Socio-cultural structure of Mughān, 4) Geographical characteristics of Mughān's important towns and villages, 5) Economic geography of Mughān. Volume two is about the tribes and migratory life on Mughān Steppe which discusses "Shāhsuwan Tribe". The vol. includes eight chapters with the following topics: 1) Historical background of Shāhsuwan tribe. 2) Tribal organization of Shāhsuwan and the related tribes, 3) Migration of Shāhsuwan tribe. 4) The ownership of pastures belonging to Shāhsuwan tribe. 5) The economy of Shāhsuwan tribe, 6) Food and clothing of Shāhsuwan tribe, 7) The settlement of Shāhsuwan tribes, 8) Shāhsuwan' problems and the strategies followed to preserve tribal communities. The claimed subjects are appended to a great number of diagrams, maps, and pictures.

314- Qāsimī Pūyā, Iqbāl. Madāris-i Jadīd dar Durīh-yi Qājārīyih: Bānīyān va Pīshruvān (Modern Shools in Qajarid Era: The Founders and Pioneers) 1st ed. Tehran: The Center for University Press, 1999.

The present work, organized in six chapters, is a research into the reasons of foundation and increase in modern schools in Qajarid era. It is also an introduction of their founders and pioneers. In the first chapter, the author comments upon the cultural and social changes in Iran and West in Qajarid age. In the second chapter, he describes the methodology of public education in Qajarid epoch, recalling old-fashioned private schools and the method followed there. In the third chapter, he points out the intellectual

chapters with the following titles: 1) Hint and allusion; 2) Courtesy and self-punishment; 3) Joking and jesting; 4) Eating and drinking; 5) Worship and purity of devotion; 6) Presence and absence; 7) Greetings and benediction upon the Prophet; 8) the war front and the enemy; 9) Dialogue; 10) Martyrdom and the promised heaven; 11) Slyness and smartness; 12) Ignorance and pretense; 13) Recourse and praying; 14) the happened incidents; 15) Improvisation and power of repartee. The book ends with a subjective index, the narrator's names and specifications, photographs of the war fronts and the holy-defense warriors.

311- Fahīmī, Mahdī. *Farhang-i Jibhih: Mushāhidāt (The Culture of the War Front: Observations)* 2nd Vol. 1st ed. Tehran: Surūsh and Farhang Gustar Publications, 1999.

The present book, titled Observations, is the second volume of the set "The Culture of the War Front" through which the memories and observations of a group of students sent voluntarily to the war fronts from the provinces of Isfahān and Īlām are reflected. The book contains thirteen chapters with the following titles: 1) Reception, 2) Training, 3) The first days, 4) Guarding, 5) The night of operation, 6) Command and obedience, 7) Hit-and-run-battle, 8) Distress and constriction, 9) the wounded and the martyrs, 10) the enemy, 11) Living in war, 12) Merry-making, 13) In memory of friends. The book includes the index of operations, the narrators' names and specifications, a general index (including birth date, city and district, education, division and unit, battalion and unit, troop, etc.), and the photographs of the holy defense warriors.

312- Fahīmī, Mahdī. *Farhang-i Jang: Mukātibāt (The Culture of the War Front: Correspondences)* 1st Vol. 1st ed. Tehran: Surūsh and Farhang Gustar Publications, 1999.

The present book, titled Correspondence, is vol. I of the set "The Culture of the War Front". It includes 89 letters by the Islamic warriors. At the beginning of each letter, there is an identity card including the writer's and the receiver's names, the date of letter, the sender's and the receiver's addresses, and at its end, some explanations about the letter. The ending pages of the book contain a general index (including verses, narratives,

which from Ḥāfiz's poetical works, are cited. The ambiguities have been arranged in order of the last letters of sonnets.

308- Faqīr Iṣṭahbānātī, 'Alī. *Kharābāt: Dar Bayān-i Ḥikmat, Shujā'at, 'Iffat va 'Idālat bi Payruvī az Gulistān-i Sa'dī* (Kharābāt/Tavern: Statements on Wisdom, Bravery, Chastity and Justice, With Reference to Sa'dī's Gulistān) Ed. Manūchihr Dānish-Pazhūh. 1st ed. Tehran: Mīrāth-i Maktūb and Āyinih-yi Mīrāth Publications, 1999.

The present book is written by "Mīrzā 'Alī Wā'iz Iṣṭahbānātī" whose pen name is "Faqīr". The contents of the book are about wisdom, bravery, chastity and justice which have been written with reference to "Sa'dīs Gulistān" book. The text has been compiled in four sections, an introduction and a final chapter called "measure" which covers various stories and expressions, accompanied by the statements of great philosophers such as "Socrates", "Plato", "Luqmān", "Sulun" and "Hirmis". Lists of Quran's verses, narrations and quotations, names, poems, Farsi expressions as well as books are perceived at the final pages of the book.

309- Fahīmī, Mahdī. *Farhang-i Jibhih: Shu'ārḥā va Rajazhā* (The Culture of the War Front Mottoes and Slogans) 2nd Vol. 1st ed. Tehran: Surūsh and Farhang-Gustar Publications, 1999.

In this vol. of "The Culture of the War Front", the prevailing poems and slogans among the fighters are, within five chapters and with the following titles; included: 1) Complementary and supplement of the first volume; 2) Satiric slogans; 3) Slogans and mottoes; 4) Non-Persian poems; 5) Random notes. The final chapter is devoted to a general index including Quranic verses, narratives, prayers, Divine attributes, characters, places, military groups and divisions and the other.

310- Fahīmī, Mahdī. *Farhang-i Jibhih: Shūkh Ṭab'ihā* (The Culture of the War Front: Witticisms) 3rd Vol. 1st ed. Tehran: Surūsh and Farhang-Gustar Publications, 1999.

In this vol. of "The Culture of the War Front", another part of the popular witticisms among the Islamic warriors has been collected on the basis of their own memories and quotations. The book contains fifteen

premiership; Attachment No. 2: The foundation of The Center for Family in Tehran; Attachment No. 3: Farmānfarmā's private life in his last days; 'Abd al-Ḥusain Mīrzā Farmānfarmā, the benefactor of Pasteur Institution of Iran; The end (a summary of the writer's biography); 'Abd al-Ḥusain Mīrzā Farmānfarmā's chronology; Fīrūz Mīrzā Nuṣrat al-Dawlah's chronology; A detailed statement of Prince Farmānfarmā's properties, servants and gardens. Appended to the book are the indexes of names and illustrations.

305- *Farhang-i Nāmhā (Dictionary of Names)* Ed. Ḥamīd Hāshimī. 1st ed. Tehran: Farhang and Qalam, 1998.

In this work, a list of characters' names, including the common ones – in past or present time – is gathered. The names are organized in Persian alphabetical order with their pronunciation symbols in Latin. Besides, an etymology, a literal meaning and a short explanation for each word are provided. Each word is represented along with its etymology in abbreviation. Accordingly, the full forms of the abbreviations are collected in an appendix.

306- *Farhang-i Nāmhā-yi Barguzīdih: Shāmil-i Nāmhā-yi Pārsī, Lurī, Kurdī, Turkamanī, 'Ibrī, Armanī, Turkī (Dictionary of Selected Names: Including Persian, Lurī, Kurdish, Turkman, Hebrew, Armenian, and Turkish Names)* Ed. Farībā Karamī. 1st ed. Tehran: Nāzhīn, 1999.

This dictionary contains a selection of Persian, Lurī, Kurdish, Turkman, Arabic, Armenian, Turkish, Hebrew, and foreign names that are arranged alphabetically according to Persian alphabet. A synonym, definition or a short explanation is given for each name; for example, for the word "ābgīnīh" one reads: glass, crystal, dish, wine, diomand, razor, a metaphore for the sky and the mirror.

307- Farīd, Ṭāhirih. *Īhāmāt-i Dīvān-i Ḥāfiẓ (Ambiguities in Ḥāfiẓ's Poetical Works)* 1st ed. Tehran: Ṭarḥi-Nuw Publications, 1998.

In the present work, the author, first, presents a definition of ambiguity and its various types. Then she specifies the ambiguities in Ḥāfiẓ's poetical works, referring to Muḥammad Qazvīnī and Dr. Qāsim Ghanī's versions along with the number of relevant sonnets and verse. To clarify the original or ambiguous concept, some poetical evidences, most of

Zāl”; “On Rūdābih’s falling in love with Zāl”; “On Nuwzar’s son of Manūchihir monarchy”.

304- Farmānfarmā’i-yān, Mihrmāh. *Zindigīnāmih-yi ‘Abd al-Husain Mīrzā Farmānfarmā* (‘Abd al-Husain Mīrzā Farmānfarmā’s Biography) 2 Vols. 1st ed. Tehran: Tūs.

The author in the present two-volumed work describes ‘Abd Al-Husain Mīrzā Farmānfarmā’s biography along with the events in Qajarid era. It is worth saying that ‘Abd al-Husain Mīrzā was ‘Abbās Mīrzā’s grandson who was in charge with the governorship of some provinces, ministerial and some other positions in the time of Kings Nāsir al-Dīn Shāh, Muẓaffar al-Dīn Shāh, Muḥammad-‘Alī Shāh, Aḥmad Shāh and in the early period of Rizā Khān’s government. The first volume, titled *Periods of Despotism*, includes 26 chapters. It begins with a glance at the socio - economic situation in Qajarid age, then it represents ‘Abd al-Husain Mīrzā’s biography since his birth to constitutional period. Some of the topics of the book are as following: Farmānfarmā’s dynasty; his childhood and youth; mission to Tabrīz; the first and second governorship of Kirmān; political rivalry at court; Fārs governorship; exile to Iraq; constitutional and political movements; Azerbaijan governorship; Tabrīz movement against despotism; the war with Ottomans; Farmānfarmā’s resignation; the Minor despotism; Farmānfarmā’s relation with his employees; Constitutionalists’ struggle; Constitutional period. The book illustrates some pictures of Qajarid political figures. It ends with some indexes of names and pictures. In the second vol. of ‘Abd al-Husain Mīrzā Farmānfarmā’s biography, consisting of 21 chapters, his position and efforts in the beginning of King Aḥmad’s reign and the early events of World War I are indicated. Some of the topics of the book are as following: Iran’s situation and the beginning of King Aḥmad’s reign; Azerbaijan incidents and Russia’s intervention; West governorship; Iranians’ customs and traditions in the past; The beginning of King; Aḥmad’s reign and World War I; German’s activities in Iran; Farmānfarmā’s Cabinet; Some memories of Farmānfarmā’s private life; Farmānfarmā’s second governorship of Fārs; Fārsi-yān’s movement against south police; Farmānfarmā’s resignation from Fārs governorship; Isfand 3rd coup d’etat; Attachment No. 1: Rizā - khān, the commander-in-chief, undertakes

preface, there is Firdusī's biography. The meanings of difficult words are provided in footnotes.

302- Firdusī, Abu'l-Qāsim. *Dāstānhā-yi Nāmvarnāmih Bāstān-i Shāhnāmih-yi Firdustī: Dāstān-i Sīyāvush (Stories of Ancient Nāmwar Nāmih, Shāhnāmih-yi Firdustī: The Story of Sīyāvush)* Ed. Muḥammad Dabīrsīyāqī. 8th Vol. 1st Ed. Tehran: Paivand-i Muāṣir and Qaṭrah Publications, 1999.

The present work is book eight of the set. "Stories of ancient Nāmwar Nāmih, Shāhnāmih-yi Firdustī", beginning with an account on Firdusī's life-story. Some of the topics, covered, are as following: "Sīyāvush returns from Zābulistān"; "Sūdābih falls in love with Sīyāvush"; "Sūdābih thinks of a trick and the witch"; "Sīyāvush begs his father to forgive Sūdābih"; "Sīyāvush's letter to Kāvūs". After Sīyāvush's birth, an astrologer predicts his fortune unhappy, awaiting him. He, the astrologer informs Kāvūs of it. After a while, Rustam arrives at Kāvūs's court and suggests him to teach Sīyāvush fighting and battling tactics and techniques. Accordingly, Sīyāvush goes to Zābulistān and stays there for a while. Returning to Kāvūs' court, Kāvūs arranges a great feast and sends the country's commanders and noblemen to welcome them. With Sīyāvush's arrival at his father's court, the game of destiny begins and...

303- Firdusī, Abu'l-Qāsim. *Shāhnāmih az Dastnīvīs-i Mūzih-yi Filurāns, Muḥṣṣam 614 (Ḥakīm Abu'l-Qāsim Firdustī's Shāhnāmih: From the Manuscript Version in Florence Museum, Muḥarram 614 A.H.)* Ed. Juvaynī, 'Azīzullāh. 2nd Vol. 1st ed. Tehran: Tehran University Press, 1998.

The present book is an account on the complex verses and terms of Firdusī's Shāhnāmih on the basis of its manuscript version in Florence Museum. The work contains a preface and Shāhnāmih's text in prose and verse, covering "Manūchihr" to "Dhul-Tahmāsb's" sovereignties. Here, the indexes of the discussed verses, a glossary of terms and expressions and indexes of names and places have been gathered. The topics of the book include: "On the decease of Afrīdūn Shāh"; "On the joining of phoenix to

and Ḥabīb Yaghmā'ī. The master 'Abd al-Raḥmān Farāmarzī's memoirs are organized with the following titles: "Memories of my educational days"; "A journey to Ḥijāz"; "A journey to England"; "Two hours with the world greatest scientist"; "A journey to India"; "A memory of Consultative Assembly"; "The first love"; "A memory from the past".

300- Firdusī, Abu'l-Qāsim. *Dāstānhā-yi Nāmvarnāmih Bāstān-i Shāhnāmih-yi Firdusī: Dāstān-i Jang-i Hāmāwarān va bi Āsīmān Raftan-i Kāvūs, Jang-i Haft Gurdān (Stories of Ancient Nāmwar Nāmih, Shāhnāmih-yi Firdusī: The Story of Hamāwārān's Battle, Kāvūs's Rise to the Sky, and Seven Heroines' Battle)* Ed. Muḥammad Dabīrsīyāqī. 6th Vol. 1st ed. Tehran: Paivand-i Mu'āṣir and Qaṭrah Publications, 1999.

The present work is book six of the series "Stories of ancient Nāmwar Nāmih, Shāhnāmih-yi Firdusī" including Firdusī's life-story. The titles of some versified stories of the book are as following: "Kāvūs's battle with Hamāwarān's king"; "Kāvūs's marriage proposal to Sūdābih - daughter of Hamāwarān's king"; "Afrāsīyāb's attack on the territory of Iran"; "Kāvūs puts the world in order"; Kaikāvūs goes to Sīstān after combating the King of "Barbar" and stays there with Zāl and Rustam for a month as their guest. On his return, he hears the rebellion of Hamāwarān's king and the ruler of Egypt and Syria. He entrusts Iran to Rustam and moves towards Hamāwarān. At last, Kaikāvūs defeats Hamāwarān's king and marries his daughter - Sūdābih.

301- Firdusī, Abu'l-Qāsim. *Dāstānhā-yi Nāmvarnāmih Bāstān-i Shāhnāmih-yi Firdusī: Dāstān-i Rustam va Suhrāb (Stories of Ancient Nāmwar Nāmih, Shāhnāmih-yi Firdusī: The Story of Rustam and Suhrāb)* Ed. Muḥammad Dabīrsīyāqī. 7th Vol. 1st ed. Tehran: Paivand-i Mu'āṣir and Qaṭrah Publications, 1999.

Book seven of the set "Stories of ancient Nāmvar Nāmih, Shāhnāmih-yi Firdusī, narrates "Rustam and Suhrāb". It contains the following topics: "Rustam's arrival at hunting-ground"; "Tahmīnih gives birth to Suhrāb"; "Suhrāb reaches the white fortress"; "Suhrāb's battle with Gurd Āfarīd"; "Kāvūs's anger against Rustam"; "Rustam's battle with Suhrāb". In the

the definite fall of Qajarid dynasty. Here, Rizā-khān's measures and the Britons' function and intervention are evaluated. The topics, discussed, are as following: Iran in Qajarid era; Contract 1919; The annulment of Contract 1919; Wuthūq al-Dawlah's resignation; Mushīr al-Dawlah's, Ḥasan Pīrnīyā, premiership; The commander-in-chief's premiership; The beginning of coup; Rizā-khān and the coup-d'état of Isfand 3rd 1299H.S.; Sayyid Žīyā's 100-day governorship; Qavām's first government; Periodical premiership; Rizā-khān's premiership and republican movement; The solidarity and unity of Iran; The fall of Qajarid dynasty; The beginning of Pahlavid age. The book is annexed to the pictures of the mentioned figures. In the last section, there we see the last remark, notes, sources, a bibliography and an index of names.

298- Farāmarzī, Aḥmad. *Shaykh Ḥusain-Khān Chāh Kūtāhī: Dar Jang-i Mujāhidīn-i Dashtistān va Tangistān bā Dulat-i Ingilīs (Shaykh Ḥusain-Khān Chāh Kūtāhī: the Combat of Freedom Fighters of Dashtistān and Tangistān against Britain)* Ed. Qāsim Yāḥusainī. 1st ed. Tehran: Shīrāzīh, 1998.

The book contains Prof. Aḥmad Farāmarzī's memoirs about Shaykh Ḥusain-khān Chāh Kūtāhī, his efforts and combats in Dashtistān and Tangistān movements against Britain. The present work is the memoirs of some survivors of combat, specifically Shaykh Muḥammad-khān Chāh Kūtāhī's own records along with some documents. It consists of two parts and some annexes: The first part is titled: "The Combat of Freedom Fighters of Dashtistān and Tangistān Against Britain". The second part is titled: "After War and Ceasefire". The annexes include thirteen documents ending with some illustrations and an index of names.

299- Farāmarzī, 'Abd al-Raḥmān. *Khāṭirāt-i Ustād Farāmarzī (Master Farāmarzī's Memoirs)* Ed. Ḥasan Farāmarzī. 1st ed. Tehran: Dastān Publications, 1999.

In the present work, 'Abd al-Raḥmān Farāmarzī's memoirs - the contemporary literary man and journalist - are gathered. In its preface, some literary men and the learned' viewpoints about him are presented, among them are: Muḥīt Ṭabāṭabā'ī, Bāstānī Pārīzī, Parvīz Nātil Khānlārī, Mas'ūd Farzād, Abu'l-Qāsim Pāyandīh, Shams al-Mulūk Muṣāḥab, Mas'ūd Bihnūd,

contains supplements, attachments, and a bibliography. One of the supplements is a glossary of local terms of Tunikābun printed with Latin pronunciation and Persian translation. A number of tables, diagrams and photographs are also included in the book.

295- 'Ināyat, Ḥamīd. *Nahādhā va Andīshihhā-yi Sīyāsī Dar Īrān va Islām (Political Thoughts and Institutions in Iran and Islam)* Ed. Ṣādiq Zībā Kalām. 1st ed. Tehran: Ruzanih, 1999.

The author provides, through two parts, the readers with some information on socio-political institutions of ancient Iran. The first part concerns with Zoroastrianism, its link with political power, Manichean and Mazdaistic movements. Besides, the author has displayed post-Islamic Iranian historians' attempts to compose and unite between Iran and Islam. In the second part, he introduces political ideologies among various Islamic sects and Moslem thinkers.

296- Ghulārīzāyī, Muḥammad. *Sabkshināsī-yi Shi'r-i Pārsī az Zamān-i Rūdakī tā Shāmlū (The Style of Persian Poetry from Rūdakī to Shāmlū)*. 1st ed. Tehran: Jāmī, 1998.

The present work is the collection of some notes of the author gathered during his teaching of Persian poetry style. In this book consisting of 11 chapters, the methodology of order from Rūdakī to Shāmlū is being analysed. The chapters are titled as: some generalities of literary style; lingual characteristics of growth and evolution era; the style of poetry in Samanid era; the style of poetry in 5th century; the style of poetry in 6th century; Iraqi style; the style of poetry in 9th century; the period of figurative style (the flourishing of Indian style); the style of poetry in Safavid era, the style of poetry in Renaissance; and Nimai style.

297- Ghanī, Sīrūs. *Īrān: Barāmadan-i Rīzā Khān, Baruftādan-i Qājār va Naqsh-i Ingilīsīhā (Iran and the Rise of Rīzā Khān: The Fall of Qajarid Dynasty and the Britons' Function)* Trans. Ḥasan Kāmshād. 1st ed. Tehran: Nīlūfar, 1998.

In the present work, the researcher analyzes the events between 1299 and 1305 (H.S.). The period includes Rīzā-khān's coup to his crowning and

1st ed. Rīzwānshahr: ‘Alī ‘Abdulī, 1999.

In the present work, the biographies of sixty-one Tālīshīyān scholars, poets and the learned from ancient times to contemporary age are gathered, referring to historical, religious and literary sources and texts some are as following: Ashraf Kargānrūdī, Ashja‘ al-Dawlah Asālimī, Bābā Rushandihī, Jamāl al-Dīn Gīlānī, Shaykh Zāhid Gīlānī, Salmān Pāshā Sassānī, Sharafshāh Dawlā‘ī, Šārim al-Saltānah. ‘Abd al-Qādir Gīlānī, Fath-‘Alī Khān Fūmanī, Kamal al-Dīn Naqshbandī, Muḥammad Bāqir Shaftī, Mīr Muṣṭafā Khān, Mīrzā Ibrāhīm, Yūnis Khān. A bibliography is also included in the book.

293- ‘Arab, Ghulām-Ḥusain. *Iṣfahān*. 2nd ed. Tehran: Farhangsarā Yasāvulī, 1998.

In the present work, we perceive over 160 pieces of colorful pictures of various manifestations of Iṣfahān. Minār Junbāns (the shaking minaret), Takht-i-Pūlād (the steel throne), sī-yu-si pul (Bridges of thirty-three Arches), Khwājū Bridges, Palace of ‘Ālī-Qāpū, Jāmi‘ Mosque, Chihil Sutūn (fourty columns), Shaykh Luṭfullāh’s Mosque, Bāzār, schools and ancient buildings are among the pictures. The book begins with a preface about Iṣfahān in Persian and English. Also, there are some captions in English.

294- ‘Allāmah, Šamṣām al-Dīn. *Tārīkh-i Jāmi‘-i Tunikābun (The Comprehensive History of Tunikābun)* 3rd vol. 1st ed. Tunikābun: Tunikābun Publishers, 1999.

In this book, the natural and economic geography of Tunikābun, and also its anthropological characteristics-including race, language, housing, clothing, religion, historical monuments, holy shrines, handicrafts, and etc are described. Other topics, covered here, are as following: Proverbs; Riddles; Youths, games and amusements; Folk songs; Introduction of several local poets; Mourning ceremonies; Marriage customs in villages; New Year messengers and the dawn of spring; New Year ancient imperial ceremonies and Sizdih-bidar (the 13th of Farwardīn spent out in the countries); Political history of the region; A short history of governmental and national organizations, introducing their directors, and administrators, from their foundation to the present time. The final section of the book

Publications, 1998.

In this book, we are provided with the biographies of women who have had effective functions in the contemporary history of Irān from the beginning of Qājārīds region to the end of Pahlawīds period. The book begins with "Tāwūs's", entitled "Tājuduwlāh", life-story - a wife of Fath-'Alī Shāh's of Qājār - who among hundreds of his wives had the most effective influence on him, and ends with "Farah's" biography. Other women, introduced in this book include Mahd-i-'Ulyā, Anīsuduwlāh, the wellknown wives and daughters of Nāṣṣiral-Dīn Shāh and Fath-'Alī Shāh, Fakhruduwlāh, Fuwzīyah, Surayā and Ashraf. The book covers four supplements, including several documents, a collection of official correspondence and some photographs of the above-mentioned women.

291- Abbāsī Shahnī, 'Abbās, Nabīyullāh Sulṭānī, and 'Alī-Rizā Zāhirī. *Āshnāyī bā Āthār-i Sīyāḥatī va Zīyāratī-yi Masjid Sulaimān (Acquaintance with Tourist and Pilgrimage, Attractions of Masjid Sulaimān City)* Ed. The Governorship of Masjid Sulaimān. 1st ed. Tehran: Hīrmand Publications and Cultural Heritage Organization, 1999.

In this book, the readers are acquainted with Masjid Sulaimān city and its tourist and pilgrimage attractions. In its introduction, the writer discusses the geographical situation, the etymology, the function of region in the imposed war, the language and ethnicity of Masjid Sulaimān; then he introduces the historical, religious, spectacular sights of the city and the surrounding area along with black and white and colorful photographs. Among them are the followings: Sar Masjid; The ancient hill of Kalgah Zarī; Haft Shahidān's tomb; Turk Diz Fortress; The holy shrine of Bībī Batūlī; 'Alamdārī's tomb; Bābā Zaid's tomb; Shakarāb's fortress; The ancient hills of Galgir; Pibdih cave; The inscriptions; Khalīl Khān's dam; The shrine of Imām's offspring-Sulṭān Ibrāhīm; Khwājah fortress; Asad Khān's fortress; Bābā Zaid Gīlānī's tomb; Atābak Katak's fortress.

292- 'Abdulī, 'Alī. *Mashāhir-i Tālish (The Well-Known Figures of Tālish)*

287- Şūfī, Lailā. *Zindigīnāmih-yi Shā'irān-i Irān (The Iranian Poets' Biographies)* 1st ed. Tehran: Jājarmī Publications, 1998.

This book consists of some Iranian poets' biographies along with samples of their poems. Some are as following: Parvīn 'Ītisāmī, Ḥāfīz Shīrāzī, Rūdakī, Bābā Tāhīr 'Uryān, Shams-i-Tabrīzī, Shaykh Bahā'ī, Suhrāb Sipihī, Muḥavī and 'Ubaid-i-Zākānī.

288- Ṭālibī-Nizhād, Aḥmad. *Dar Huḏūr-i Sīnamā: Tārīkh-i Taḥtālī-yi Sīnamā-yi pas az Inqilāb (In the Presence of Cinema: Analytic History of Post-Revolution Cinema)* 1st ed. Tehran: Fārābī Cinematographic Foundation, 1998.

The book is a historical analysis of the post-revolution cinema, divided, by the author, into three periods. The first period is from 1358 to 1362 (H.S.) (a dilemma in Irānian cinema). The second period is from the 1362 to 1372 (H.S.) (the stability of management and the cinematographers serious presence in international scenes). The third period is from 1372 to 1377 (H.S.). The author has allocated a part, titled "a look inside", to a qualitative analysis of the post-revolution films. At the end of each Chapter, pictures of some films, critisized, have been published.

289- Ṭabarī, Īhsān. *Āvarandigān-i Andīshih-yi Khaṭā: Sayrī dar Aḥvāl-i Šādiq Hidāyat va Aḥmad Kasravī (Creators of Fake Ideas: A look at Šādiq Hidāyat's and Aḥmad Kassrawī's Lives)* 1st ed. Tehran: Kayhān Publications, 1999.

In the preface of the book, Īhsān Ṭabarī's politico-cultural life is pointed out. Then, in the introduction, the present book is such described: The book includes a documentary and critical survey of Kassrawī's religion forging, Šādiq Hidāyat's nihilistic, Taqīzādah's westernistic, and Ādamīyat's justificative viewpoints on western-stricken figures and western schools of thought.

290- Ṭulū'ī, Maḥmūd. *Az Tāvūs tā Farah: Jā-yi Pā-yi Zan dar Masīr-i Tārīkh-i Mu'āşir-i Irān (From Tāvūs to Farah: Women's traces in the Course of contemporary history of Irān)* 1st ed. Tehran: 'Ilm

Kurdish traditional games; Woman's position among Kurds; Kurdish tribes; The Kurdish rulers' biographies (Urūmī, Jāstānī, Sālārī, Shaddadī, Rawādī, Danbalī, Marwānī, Banī A'yār, Urāmān, Jāwān, Shabānkārah, Izadī, Arbīl, Ayūbī, Ardalān, Bidlīsī, Lur Kūchak, Āl-i-Kartī, Jazīrah, Shīrvān, Chiqinī, Qūchān, Bakhtīyārī, Zandīyah, Bārizānī, and...); Historical monuments of Kurdistan; Urāmān inscription; Kurds and Shāh nāmah (an epic poem by Firdusi, trans.); Glossary of terms; A bibliography and an index of names.

284- Şafizādh, Şadīq. *Tārīkh-i Mūsīqī-yi Kurdī (The History of Kurdish Music)* 1st ed. Tehran: Bihnām Publications, 1999.

The book contains articles on the various types of Kurdish music, instruments, songs and lyrics. Some of the subjects such as "Kurdish dastāns and songs" and "Kurdish hūrah" are presented in Kurdish and Persian languages with their English phonetics. The titles of some chapters are as following: "The history of Kurds and Kurdistan"; "Kurdish language and its various dialects"; "The history of Kurdish music"; "The Median Zoroaster and his religion"; "The Kurdish pleasant melody"; "The ancient Kurdish instruments"; "Kurdish melodies"; "Kurdish musical divisions"; "Kurdish dastans and songs"; "Kurdish modes". On the final pages of the book, a brief biography of Kurdish musicians, a glossary of terms, musical notes and an index of names are perceived.

285- Şafizādh, Fārūq. *Īrān Nishastgāh-i Nukhustīnīh-yi Āryā'īyān: Bāznigarī-yi Tārīkh-i Īrān (Iran, The First Dwelling of Āryāns: A Review of Iran's History)* 1st ed. Tehran: Pazhūhandih Publications, 1999.

The booklet is about the original dwelling of Āryāns and clarification of its exact location. The writer, first, refers to the viewpoints of some Iranologists, researchers and orientalists who believe Āryān's original dwelling is West or Europe. Then, he tries to prove that Iran (the present Kurdistan) is their original dwelling.

286- Şafizādh, Fārūq. *Chahār Shanbih Sūrī Yādgār-i Niyākān-i Mā (The Festivity of the Last Wednesday of Year [chāhār shanbih sūrī]: Our Ancestors' Memorial)* 1st ed. Tehran: Pazhūhandih, 1999.

the 4th century and the first half of the 5th century (A.H.)"; "Iran's political, social, scientific and literary situations from mid 5th century to the beginning of the 7th century (A.H.)". Within these sections, great Iranian scientists, writers and poets are introduced.

282- Šafā, Dhabīhullāh. *Tārīkh-i Adabīyāt-i Īrān: Khulāsih-yi jild-i Panjum, Bakhsh-i Avval, Duvvum va Sivvum-i Tārīkh-i Adabīyāt dar Īrān az Āghāz ta Sadih-yi Dahum tā ... (The History of Iranian Literature: The Summary of Volume 5: Sections One, Two, Three of the History of Iranian Literature from the Beginning of the 10th Century Until ...) Ed. Muḥammad Turābī. 1st ed. Tehran: Firdus Publications, 1999.*

No. 4 of the summary of "The History of Iranian Literature", by Dhabīhullāh Šafā, is a sum of sections one, two and three of vol. 5. The titles of which are as following: "Iran's socio-political situations in the 7th and 8th cc (A.H.)"; "A look at Iran's social situation from early 10th century until mid 12th century (A.H.)"; "Iran's religious situation from early 10th century until mid 12th century"; "Scientific situation from the 10th century to mid 12th century (A.H.)"; "Persian language and literature from early 10th century until mid 12th century (A.H.)"; "Persian poets from early 10th century"; "Persian prose from early 10th century"; "Persian writers from early 10th century until mid 12th century (A.H.)".

283- Šafīzādih, Šadiq. *Tārīkh-i Kurd va Kurdistān (The History of Kurds and Kurdistān)* 1st ed. Tehran: Ātīyih Publications, 1999.

The present book is a research into the history and background of Kurds from the earliest to the present age. It is also an account on the fate of regional dynasties and governments. The author has also presented subjects on the sects' culture and community, their beliefs and customs. The titles of some of the chapters are as following: Kurdish historians; The term, "Kurd"; Kurds from ancient age (Gutīs, Lulūīs, Kāssīs, Mītānīs, Uvirtus, Mādis); Kurds in Islamic periods; Superstitions about Kurds; Geography of Kurdistān; Rural life in Kurdistān; Kurds' nationality; Kurds in Iran, Turkey, Iraq, Syria and Russia; Religion and beliefs; Sūfism in Kurdistān; Pahlawī language and its link with Kurdish language; Kurdish language and character; Kurdish literature; Kurdish poets; Festivities in Kurdistān;

the readers are provided with some information on the city, including: the events occurred in Saqqiz and its dependencies in the recent century, Kurdistān and Azerbaijan incidents, the attack of Ottoman forces on the very areas and their crimes. The book is annexed to some pictures relevant to the geographical changes of the city and the life-style among the regional people. In section two, there, we perceive pictures of the mentioned figures in the book.

280- Şafā, Dhabīhullāh. *Tārīkh-i Adabīyāt-i Īrān: Az Āghāz-i ‘Ahd-i Islāmī tā Avāyil-i Qarn-i Haftum-i Hījri, Khulāsih-yi Jild-i Avval va Duvvum-i Tārīkh-i Adabīyāt dar Īrān (The History of Iranian Literature: From the Beginning of the Islamic Era to Early 7th Century A.H. A Summary of Volumes One and Two of the History of Literature)* Ed. Māhdukht Bānū Humā’ī. 1st ed. Tehran: Jājarmī Publications, 1999.

The present book is No. 1 of the summary of “The History of Iranian Literature” by Dhabīhullāh Şafā, covering the sum of volumes one and two - from the beginning of the Islamic epoch to early 7th century (A.H.). The book is comprised of three sections: “Iran’s political, social, scientific and literary situations from the beginning of the Islamic epoch until the end of the 3rd century (A.H.)”; “Iran’s political, social, scientific and literary situations from mid 5th century to early 7th century (A.H.)”. Students and those interested in Persian language and literature are potential readers of the book.

281- Şafā, Dhabīhullāh. *Tārīkh-i Adabīyāt-i Īrān: Az Āghāz-i ‘Ahd-i Islāmī tā Avāyil-i Qarn-i Haftum-i Hījri, Khulāsih-yi Jild-i Avval va Duvvum-i Tārīkh-i Adabīyat dar ... (The History of Iranian Literature: From the Beginning of the Islamic Era to Early 7th Century A.H., A Summary of Volumes 1 and 2 of the History of Literature in ...) 1st Vol. 1st ed. Tehran: Firdus Publications, 1999.*

The present book is a summary of volumes 1 and 2 of “The History of Iranian Literature” now published in one volume. It is arranged in three general sections as following: “Iran’s political, social, scientific and literary situations from the beginning of the Islamic epoch to the end of 3rd century (A.H.)”; “Iran’s political, social, scientific and literary situations in

concerning city planning and regional development in Iran”: “Issues on urban planning”. The book contains some illustrations, tables, maps and a bibliography. The students whose fields of study are city construction, architecture, geography, urban planning, construction and urban geography are the potential readers of this book.

277- Şadiqī, Gurg-‘Alī, and Salb-‘Alī ‘Azīzī. *Mamasanī: Dashtī pur az Khūn (Mamasanī: A Field of Bread and a Bath of Blood)* 1st ed. Shīrāz: Kūshā Mihr, 1998.

The book is a review of Mamasanī and Buyir-Ahmad history in the late Qajarid and early Pahlavid age. Its main subject is the endowed estates of Mamasanī in the late recent century and the introduction of the leading figure of the events, i.e. “Mu‘īn al -Tuǵǵār Būshehrī”. The authors, first, provides a brief introduction on Iranian tribes and clans; then he describes Mamasanī briefly. In the next chapters, he explains the events and struggles of the mentioned area in the recent century concerning the endowed estates and Mo‘inol Tojar Booshehrī’s role.

278- Şihātī Sardrūdī, Muḥammad. *Gharavī Işfahānī: Nābighih-yi Najaf (Gharavī Işfahānī: The Genius of Najaf)* 1st ed. Qum: Theological School of Qum, Islamic Propagation Office, Center for Publication, 1998.

Here, Shaykh Muḥammad Husain Işfahānī’s, known as “Gharavī”, scientific and practical doctrines are proved. The author -- describing Gharavī’s childhood, introducing his teachers and pupils, his works and innovations -- reflects some characters’ selected remarks on Gharavī; among them are remarks by ‘Allāmah Amīnī, ‘Allāmah Ṭabāṭabā‘ī, the martyr Muḥahharī, Professor Āshtīyānī, and Shaykh Āqā-Buzurg Tihrānī.

279- Şadiqī, Muḥsin. *Kurdistān va Saqqiz dar Gudhar-i Zamān (Kurdistān and Saqqiz: In the Course of Time)* 1st ed. Tehran: Muḥsin Siddīqī, 1998.

The present book deals with the contemporary events of Saqqiz city gathered by the writer on the basis of his own hearings and studies as well as others’ researches. It coincides with Nāsir al-Dīn – Shāh’s period and Sayf al-Dīn-Khān’s (Muzffar al-Saltanah Ardalan) governorship in Saqqiz. Then

275- Shaybānī, ‘Abd al-Ḥusain. *Khāṭirāt-i Muhājirat az Dawlat-i Muvaqqat Kirmānshāh tā Kumīti-yi Millīyān-i Berlin (Memories of Immigration from Provisional Government of Kirmānshāh to Nationalist Committee in Berlin)*. Ed. Īraj Afshār and Kāvih Bayāt. 1st ed. Tehran: Shīrāzīh. 1999.

“Memories of Immigration” is re-writing of notes by ‘Abd al-Ḥusain Shaybānī known as Vahīd al-Mulk, in which the incidents and events of his political immigration in 1334 A.H. have been stated. The significant topics of this book are: Departure from Tehran along with the immigrants convoy to Qum and formation of National Defense Society; immigration to Kirmānshāh and formation of provisional government; formation of country’s Defense Society in Qasr-i Shīrīn; arrival in Baghdad and Istanbul; traveling to Berlin as representatives of Kirmānshāh’s provisional government to fulfill the demands of Iranian nationalists, and residing in Berlin for three years to negotiate with the German government; international conditions and conflicts among the European governments, and the the World War I. It should be mentioned that ‘Abd al-Ḥusain Shaybānī is one of the political and academic personalities of Iran who was born in Kāshān in 1292 H (1913). He completed his higher education in Britain and acted as an assistant to Edward Brown at Cambridge University for a certain period. He also occupied several governmental and private positions. He finally died in Tehran in 1342 (1963). The book ends with an explanatory chronicle, list of names, and photographs of Mr. Shaybānī and other personalities.

276- Shī‘ab, Ismā‘īl. *Shahr va Manṭaqih dar Īran (City and Region in Iran)* 1st ed. Tehran: Science and Industry University Press, 1999.

Here, within six chapters, city and regional planning in Iran is interpreted. In each chapter, the quality of designing and planning is analyzed concerning the present condition. The chapters of the book are as following: “The environmental situation of Iran and city and regional planning”; “The planning of ecologic centres of Iran concerning the natural and human ecological structures”; “An introduction to the regulations of housing planning in urban and regional areas of Iran”; “An analysis of city and regional plannings in Iran”; “A survey of historical background

and Zandīyah periods, including the following topics: General conditions. The clergies. The position of the clergies in Afshārīds and Zandīyah eras. War-mongers. The army in Nādir's sovereignty. The army in Karīm Khān's sovereignty. Dirwīshes. Imposters. Social activities (Nādir's reforms and Karīm Khān's developmental actions). Art and artists. In the fifth part, the writer deals with the economic system of Iran in the above-mentioned periods under the following titles: Farmers. Some sources of revenue in Zandīyah period. foreign commerce. foreign and internal trade of Iran. Scales and quantities. The sixth part is about the foreign relations of Iran during Afshārīds and Zandīyah eras. In this part, the political and commercial relations of Iran with England, India, France, Holland, Russia and Oriental countries are explained. The book ends with an index of names.

273- Shams, Ibrāhīm. *Zindigī-yi Shams al-‘Ārifīn, Ḥāzrat-i Shaykh Muḥammad ‘Azīz Najārī [Quddisa Siruh] va Tarīqat-i Qādirīyah Najār* (The life of Shams Al-‘Ārifīn: His Highness Shaykh Muḥammad ‘Azīz Najārī [may his spirit be sanctified] and the School of Qādirīyah Najār). 1st ed. Tehran: Kānūn-i Gustarish-i ‘Ulūm, 1998.

The book is Shaykh Muḥammad ‘Azīz Najārī's (deceased in 1322A.H.) biography, organized in four chapters: Shams Al - ‘Ārifīn's (Muḥammad ‘Azīz Bukhārī) biography; Shaykh's miracles; Shaykh's caliphs; Shaykh's successors. At the end of the book, the pictures of some of Shaykh ‘Azīz's followers are illustrated. It is worth considering that Shaykh is the founder of Qādirīyah Najār School. Therefore, the author has, in a section of the book, provided some information on the school.

274- Shahīdī, Ja‘far. *Sharḥ-i Mathnavī (A Commentary on Mathnavī)* 3rd Vol. 1st ed. Tehran: ‘Ilmī va Farhangī Publications, 1999.

The present work is an explanation on volume three of “Mulānā Jalālādīn Rūmī's Masnavī”. The writer, providing the poems of each section, presents the meaning of words and the interpretation of the related poems. At the end of the book, indexes of Quranic verses and narratives, characters' names, proverbs and statements by the scholars are perceived.

music and songs: Religious music. The masters of various musical instruments are introduced in a part of the book. We also perceive samples of regional poems and songs of Lewiston.

270- Shāyān, ‘Alī Raḥīm. *Pārsī Sarāyān-i Bām-i Īrān, Chahār Maḥāl va Bakhtīyārī, Shāmīl-i Zindigīnāmih va Āthār-i 583 tan az Shu‘rā (Persian Versifiers of the Roof of Iran, Chahār Maḥāl and Bakhtīyārī, Including the 583 Poets’ Biographics or Works)* 2 Vols. Tehran: Jahānbīn Publishers, 1999.

In the present work, 583 poets of Chāhār Māḥāl and Bakhtīyārī are introduced. The book is arranged in the order of the poet’s surname or pseudonym, occasionally accompanied with their photographs. The poets’ biographies are followed with samples of their poems.

271- Sha’bānzādih, Bahman. *Tārīkh-i Tīhrān (History of Tehran)* 1st ed. Tehran: Kitāb-i Hamrāh Publications, 1999.

In the present issue of the set “Hamrāh”, the readers are introduced to the historical background of Tehran from Ṣafawīds to Pahlawīds era. The book contains photographs of ancient Tehran and ends to a bibliography. The main topics of the book are as following: Geographical position of Tehran: Tehran in Ṣafawīds era: Tehran in Qājārīds era: Tehran in Pahlawīds era: The short history of Tehran’s institutions - a reflection of new civilization.

272- Sha’bānī, Rīzā. *Mukhtaṣar Tārīkh-i Īrān dar Durīhhā-yi Afshārīyih va Zandīyah (The Brief History of Iran During Afshārīds and Zandīyah Dynasties)* 1st ed. Tehran: Sukhan Publications, 1999.

In the present book, the history of Iran during the sovereignty of Zandīyah and Afshārīds is, within six chapters, analyzed. The first and the second part cover “the political history of Afshārīds” and “the political history of Zandīyah” respectively. The third part covers “Iran’s administrative and governmental system during Afshārīds and Zandīyah dynasties, including: The elements of government, the commanders, The favorite of Kings (Khāqāns), The favorite of Princes (Ḥazrats), Minister of royal premises. The fourth part deals with the social discipline in Afshārīds

Tehran: Cultural Research Centre Publications, 1999.

The fifteenth issue of the set "Culture and Architecture" introduces Tāj Maḥal. The collection is published with the aim of introducing the architectural characteristics and classical city construction and their concepts. In the first chapter, titled "Persian Garden", some of the features of Persian garden is pointed out as narrated by "ʿAbdī Baig". The second chapter, titled "Tāj Maḥal", discusses the following issues: "Gurkānids and Iranian culture"; "Whose tomb is Tāj Maḥal?"; "Tāj Maḥal's elements and spaces"; "Some characteristics of Tāj Maḥal's architecture"; "Symbolic and allegoric pictures and numbers"; "Who is the architect of Tāj Maḥal?" At the end of the book, a glossary of artistic and technical terms of text "Padīshah-Nāmah", and various notes and indexes are perceived.

267- *Sīyāḥat-i Īrān: Safarī Kūtāh az Darīchih-yi Dūrbīn-i 'Akkāsān-i Īrān (Iran's Excursion: A Short Journey Through the Cameras of Iranian Photographers)* Ed. Javād Yasāvulī. 1st ed. Tehran: Farhangsarā Yasāvulī Publications, 1998.

268- Sayyid Nāširī, Ḥamīd Rizā, and Amīr Rizā Sutūdah. *A Portion of the Sun: The Told and Untold about the Martyred Teacher Murtaẓā Muṭahharī's life.* Ed. Shahrām Rajabzādah. 1st ed. Tehran: Dhikr.

The first chapter of the book, titled "Muṭahharī in Muṭahharī's narratives", represents some of his works that display aspects of his life. The second chapter, titled "Muṭahharī through family's narratives", contains memories by the members of his family. The third chapter includes some memories, titled "Muṭahharī as narrated by his friends and students".

269- Sayfzādi, Muḥammad. *Pīshīnīh-yi Tārīkhī-yi Mūsīqī-yi Luristān (Historical Background of Luristān's Music)* 1st ed. Khurram Ābād: Aflāk Publications, 1998.

In this book, the author, providing various discussions, presents a picture of the history of Luristān's music to the readers. The topics, discussed, are as following: Music in Kassits period; Music in Sāssānids period; Sāssānid musicians in Luristān; Lyrical and romantic music and songs; Epic music and songs; Mourning music; Seasonal music; Satiric

“Mythological basis of Iran’s national epic”: “Interchange ability of myths in Shāhnāmāh”: “The story of “Water of Life” in Nizāmī’s Iskandar-Namah and other narrations in the story of Iskandar”: “The heroes’ special weapon in the Indo-European epic narrations”: “Dragon-killer hero in Iranian epic and myth.”

264- Sa’dī, Īraj. *Tārīkh-i Namāyish dar Malāyir (The History of Drama in Malāyir)* 1st ed. Tehran: ‘Ilm Gustar Publications, 1999.

The readers of the book are introduced to the historical process of drama in Malāyir. The book begins with articles about the history of Malāyir and its ancient buildings and monuments. Then, referring to various sources, the writer points out the historical process of performing ritual-dramatic ceremonies, sub-plays and dramatic approaches in Malāyir. A part of the book surveys the situation of theater and play in Malāyir before and after the revolution. The book contains numerous pictures.

265- Sa’idīyān, ‘Abd al-Ḥusain. *Sarzamīn va Mardum-i Īrān (The Land and People of Iran)* 1st ed. Tehran: ‘Ilm va Zindigī Publications, 1999.

The books cover articles and essays which display different aspects of Iran and Iranians. The articles, extracted from different sources are accompanied with some maps, pictures and tables. Some of the topics, covered in the book, are as following: Natural feature of Iran: Geographical feature of Iran: Iran’s spectacular sights: The beauties of Iran’s nature: Important rivers of Iran: Lakes and seas of Iran: Mineral waters: Plants of Iran: Environment: Pastures: Forests: Gardens: Protected regions: Marshes: Islands: Animals: Tribes and clans: Historical geography: Mythological history: Science in Iran: Iranian languages: Arts: Historical works: Music: Economic life: Industries: Agriculture. The ending pages cover a bibliography.

266- Sultānzādiḥ, Ḥusain. *Tadāvum-i Ṭarrāḥī-yi Bāgh-i Īrānī dar Tāj Maḥal, Ārāmghāh-i Bāū-yi Īrānī Tabār (Designing Continuity of the Persian Garden in Taj Mahal, An Originally Iranian Lady’s Tomb)* 1st ed.

ed. Tehran: Asāṭir Publications, 1998.

Nāsikh-al-Tawārīkh is a three-volumed set on Qājārīds history by the wellknown historian, Mīrzā Muḥammad Taqī Muṣṭuvfī - entitled "Lisān-al-mulk" and pen-named "Sipīhr". He wrote this collection under Muḥammad Shāh's order and Hājī Mīrzā Āghāsī's encouragement in 1258 (A.H.). He composed book one of Qājārīd history in two volumes. The first vol. contains the events of Qājārīds period from the beginning to the end of Faṭḥ-ʿAlī Shāh's reign. It covers subjects such as Qājārīds lineage, how they rode to power, the appearance of Āghā Muḥammad Khān Qājār, the establishment of Qājārīds sovereignty and Faṭḥ-ʿAlī Shāh's of Qājār reign. The second vol. covers the monarchy of Muḥammad Shāh Qājār from 1250 to his decease in 1264 (A.H.). In Nāṣīr-al-Dīn Shāh's period, Sipīhr was commissioned to write the 3rd vol. (book two) of Nāsikh-Al-Tawārīkh. This vol. describes the events occurred during Nāṣīr-al-Dīn Shāh's rule from 1264 the year of his crowning to 1274 (A.H.). The first vol. contains a preface by the editor on Lisān-al-Mulk-i Sipīhr and his work, different prints of his book and the present edition. It is worth to consider that over half of the 3rd vol. is devoted to illustrations.

262- Sajjādī, Muḥammad Kāẓim. *Rāhnamā-yi Musātīrān-i Hamadān (A Guide-Book for Hamadān Tourists)* 1st ed. Tehran: Dānishjū Publications, 1999.

In this book the required information by the travellers to Hamidān, including Hamidān's natural and geographical position, its archaeocological, historical and religious attractions, its Bāzār (market), ancient districts, promenades and natural sights is briefly covered. The final section of the book is devoted to the list of travellers' requirements such as residential and service centers, repair shops, some departments and etc.

263- Sarkārātī, Bahman. *Sāyikhā-yi Shikār Shudih: Guzīdih Maqālāt-i Fārsī (The Hunted Shadows: The Selected Persian Articles)* 1st ed. Tehran: Qaṭrīh Publications, 1999.

The Hunted Shadows is a collection of Persian articles on mythology, epic and historical terms in Iranian classical literature. The titles of some articles are as following: "Fairy (a research into comparative mythology)";

of the plans. Also, numerous pictures of framings, mosques and schools belonging to various periods are perceived, here. Below the mentioned pictures, there are captions on the type of architecture, details of architectural styles, dimensions, materials and etc.

259- Subhānī, Jalāl. *Şiyd-i Dil: Guftārī dar hāri-yi Zībāshināshī-yi Ḥāfiz* (*Hunting the Heart, an Introduction to Ḥāfiz's Aesthetics*) 1st ed. Tehran: Jalāl Subhānī, 1998.

The author deals briefly with eminent mystics' and conductive roles. Here, Ḥāfiz's rhetorical charm is evaluated in two sections. In the first section, Ḥāfiz's ideology affected by aestheticism is discussed. In the second section, the effect of aestheticism, in his practical and behavioral manner is studied. Other topics of the book are as following: "Aesthetic knowledge among people"; "The mystery of Ḥāfiz's wide-spread popularity"; "Ḥāfiz's beloved is in unique and peerless aestheticism"; "God's love for himself"; "Not to fall in love with false beloved"; "Guarding the heart's temple". At the end of the book, notes, a bibliography and an index of names have been provided.

260- Sabziwārī, Hadī Ibn Muḥammad. *Sharḥ-i Mathnavī-yi Ḥāj Mullā Hādī Sabziwārī: Daftar-i Panjum va Daftar-i Shishum* (*A Commentary on Ḥāj Mullā Hādī Sabziwārī's Mathnavī, Books Five and Six*) Ed. Muṣṭafā Burūjirdī. 3rd Volu. 1st ed. Tehran: Press and Publication Center; Ministry of Islamic Guidance and Culture, 1998.

Vol. 3 of the set, written by Hakīm Sabziwārī, contains a commentary on books five and six of Mathnavī Mulavī. Ḥāj Mullā Hādī Sabziwārī, explaining the verses of Mathnavī, provides the meaning of some terms. On the basis of his own doctrine, he interprets some verses too. In the interpretation of the poems, he cites repeatedly various narratives and Quranic verses.

261- Sipīhr, Muḥammad-Taqī. *Nāsikh al-Tavārīkh: Tārīkh-i Qājārīyih* (*Nāsikh al-Tavārīkh: Qajarid History*) Ed. Jamshīd Kīyānfār. 3 vol. 1st

Publications, 1999.

The readers of the book are introduced to the history and destiny of Iran's National Front, the political struggles of Dr. Muḥammad Muṣṣadiq, the national movement, and also the oil nationalization movement in Iran. In other words, the political events of Iran from Shahrīwar 1320 (H.S.) to Coup Mordād 28 are explained, here. Some chapters are titled as following: "The fourteenth Consultative Assembly"; "The oil crisis"; "The appearance of Iran's National Front"; "The sixteenth Consultative Assembly"; "The composition of Iran's National Front"; "Muṣṣadiq in the National Consultative Assembly"; "The first cabinet of National Front"; "National Movement Fraction"; "Coup Mordād 28th"; "Dr. Muṣṣadiq's last defense in the military court".

257- Zamānī, Karīm. *Sharḥ-i Jāmi'-i Mathnawī-yi Ma'navī (A Comprehensive Commentary on Mathnawī Ma'navī)* 6th Vol. 1st ed. Tehran: Ittilā'āt Publications, 1999.

Publishing Vol. 6 of "Mathnawī Ma'navī" - accompanied with a complete commentary on verses - now the collection of commentaries on the whole set - six volumes - by Karīm Zamānī is available for readers. Besides, the comments on verses, difficult terms are also explained in footnotes. The stories and anecdotes, interpreted in the book are as follows: "The story of a hunter who concealed himself in the plants"; "The story of the Turkish ruler and musician"; "The story of the poet and Ḥalab's Shiite"; "The story of Hālāl"; "The story of Bukhārā ruler and the jurisprudent"; "The story of the two brothers, one thin-bearded and the other beardless"; "The story of 'Imru'al-Qais" and his escape from his home and children." A glossary of expressions and terms as well as a bibliography are perceived on the final pages of the book.

258- Zamarshīdī, Ḥusain. *Naqsh-i Ājur va Kāshī dar Namā-yi Madāris (The Role of Brick and Tile on the Schools' Façade)* 1st ed. Tehran: Zumurud Publications, 1999.

In this work, pictures of various constructional arches and patterns related to Islamic and classic architecture have been gathered. Furthermore, the readers are introduced to the styles of arch drawing and the construction

time, he has represented the customs of the area, too. The book contains some pictures of political figures of Qajarid and constitutional period as well as some documents and correspondence.

254- *Rāznāmih-yi Khāfirāt-i Nāṣir al-Dīn Shāh dar Safar-i Avval-i Farangistān (Nāṣir al-Dīn Shāh's Journal in His First Journey abroad)* Ed. Fātimah Qāẓihā. 1st ed. Tehran: The Organization of Iran National Documents, 1998.

The present book includes Naṣr al-Din Shāh's memoirs of his first journey abroad. On the 26th anniversary of his sovereignty, Naṣir al-Din Shāh's started his trip from Anzali to Caucasia and Russia by a ship. Then, he arrived in Germany, Belgium, Britain, France, Switzerland, Italy, Austria and Turkey respectively. Finally, he came back to Anzali through Caucasia and returned Tehran. He finished his records in Tehran on Sha'bān 3rd, 1290 (A.H.). The book contains some illustrations of the mentioned documents, figures and places. (It is worth mentioning that Nāṣir al-Din Shāh was the first Iranian king traveling abroad).

255- Zarshinās, Shahryār. *Ishārātī dar bāih-yi Liberalism dar Īrān (A Glance at Liberalism in Iran)*. 1st ed. Tehran: Kayhān, 1999.

First, the author briefly elaborates the philosophical concepts, principles of liberalism and the process of its historical transformation. Then, he introduces, in short, some of the founders of the school. Explaining the process of the formation of liberalism in Iran, he interprets the position and perspectives of some characters and liberal organizations, such as "Zayn Al-Ābidīn Marāghah'ī", "Mīrzā Malkumkhān", "liberal organizations in constitutional periods", "liberal organizations in Pahlavid age: Iran Party", "the appearance of National Front", "National Front and the U.S.A.", "Muẓaffar Baqā'ī and the Labour Party", "religious postivism" and "conservatives".

256- Za'im, Kūrush. *Jibhi-yi Millī-yi Īrān az Pīdāyish tā Kādītā-yi 28 Murdād (Iran's National Front, from its Appearance to Coup d'état of Murdād 28)* 1st ed. Tūysirkān: Tākh Publications; Tehran: Iran Mihr

examined. This field study is arranged in four chapters. Chapter one consists of geographical and natural generalities of the region. In chapter two, the human characteristics of tribal life in general and the life of Khazal tribe in particular are being discussed. The third chapter deals with the economic characteristics of Khazal tribe. And the fourth chapter provides the readers with some strategies for developing the Khazal tribe. The mentioned subjects are supported by various pictures and tables.

252- Ranjbar, Aḥmad. *Dah Maqālīh: Ijtimā'īyāt dar Adabīyat (Ten Articles: Communities in Literature)*. 1st ed. Tehran: Asāṭīr Publications, 1998.

The book is comprised of ten articles through which the readers are acquainted with social situation of Irān during the life-time of eight masters of science and literature, i.e. Ḥāfīz, Firdusī, Farrukhī, 'Attār, 'Ishqī, Khājū, Parwīn I'tisāmī and Sa'dī. The titles of the articles are as following: "A look at the socio-mystical points in Fakhrīdīn Arāqī's works"; "Sa'dī's viewpoint on social aid"; "Some social points in Parwīn I'tisāmī's poetical works"; "Communities in Farrukhī's poetry"; "Ishghī and social subjects"; "Social questions in Khājū-i- Kirmānī's poetry"; "Social aid in Ḥāfīz's poetical works"; "Social aid in 'Attār Naishābūrī's Mantiq-al-Tair"; "A point to socio-political questions in Nizāmī's Khamsah"; "Cultural questions in Firdusī's Shāhnāmah".

253- *Rūznāih-yi Khāṭirāt-i 'Ayn al-Salṭanah: Rūzigār-i Nīyābat-i Salṭanat-i 'Azīd al-Mulk Qājār (Ayn al-Salṭanah's Journal: The Regency of 'Azīd al-Mulk of Qajar)* Ed. Mas'ūd Mīrzā Sālvar and Īraj Afshār. 4th Vol. 1st ed. Tehran: Asāṭīr Publications, 1998.

The fourth vol. of Qahramān Mīrzā 'Ayn al-Salṭanah's journal includes the daily events of 'Alī-Rizā-khān 'Azīd al-Malik of Qajar regency. Chronologically, the book consists of four parts: A) From Jamada II 28th to Ramadan 3rd, 1327(A.H.). B) From Ramadan 14th to Dhul-Hijja 8th, 1327 (A.H.). C) Itinerary to Qazvīn: Dhul-Hijja 11th to Muḥarram 16th, 1328 (A.H.). D) Diary of residence in Alamūt: Muḥarram 21st to Shawwal 16th, 1328 (A.H.). While writing the last part of the book, 'Ayn Al-Salṭanah was residing in Alamūt: accordingly, besides describing the events of the

249- Rīzāzādah Malik, Raḥīm. *‘Umar Khayyām, Qāfilih Sālār-i Dānish* (*‘Umar Khayyām, the Pioneer of Science*). 1st Edition. Tehran: Šidā-yi Mu‘āšir and ‘Ilm va Hunar Publications, 1998.

Here, the collection of the scholar ‘Umar Khayām’s scientific, philosophic and literary articles along with his biography and life adventures have, in ten chapters, been categorized. In this book, the recognition of Khayām’s quatrains (Rubaiat) concerning their “originality”, “ascription”, and “accuracy and inaccuracy” are briefly specified. Planning and arrangement of *Jalālī* calender attempted by Khayām is another topic included in the book. In the final section, there are a bibliography and two supplements. In the first supplement, the new researches on ‘Umar Khayām and in the second supplement, Persian articles on Khayām are perceived.

250- Rizā’ī, ‘Abd al-‘Azīm. *Pīshīnih-yi Īrānīyān: az Bāstān tā Inqirāz-i Sāsānīyān* (*The Background of Iranians: From Ancient Times to Sasandians’ Downfall*). 2 vols. 1st ed. Tehran: Durr Publications, 1999.

In the present two-volumed book, the political history of Irān from the mythological and ancient times to Qājārīds and constitutional period has been briefly evaluated within 33 chapters. The titles of some chapters are as following: The historical geography of ancient Irān: The initial inhabitants of Irān’s plateau: The Devil (The Evil Principles and Urmuzd (The Good Principle) among Irānians: The first Irānians or Pāhlavīyāns: Mahābādīyān, the first Kings of Irān: Pīshdādīyāns: Kīyānīyāns: Zoroaster’s appearance and life-story: Mādes: Achaemenids dynasty: Alexander’s successors in Irān: Seleucides: Pārsīyāns or Pahlawīyāns: Sāsānīds: Moslems’ uprising; Irān’s release from Arab’s influence: Tahirīds and ‘Alawīdes: Šaffrīds their lineage: Sāmanīds: Al-i- Būyah and Dailamīyāns: Ghaznawīds.

251- Rīzvānī Gīlkulā’ī, Muḥtabā. *Pāyish-i Insān dar Jughrāfiyā [Muṭālī’ih-yi Murīdī-yi Īl-i Khazal* (*Man’s Search in Geography [The Case Study of Khazal Tribe]*). 1st ed. Tehran: Amir Kabir Publications, 1998.

In this research, the social and economic characteristics as well as the human geography of Khazal tribe in the province of Īlām has been

246- Rajabzādah, Hāshim. *Khawājah Rashīd al-Dīn Faḡlullāh*. 1st ed. Tehran: Tarḡ-i Nu Publications, 1999.

In the present issue of the set "Pioneers of Modern Culture", the writer has analyzed "Rashīdal-Dīn Faḡlallah Hamidānī's"-the Irānian minister and scholar of the Mongol Ilk Khanīds - life and works, regarding the historical situation of his time. The titles of some twenty chapters of the book are as following: Ministerial position, its condition and occasion; Rashīdal-Dīn Faḡlallah's biography; Rashīdal-Dīn's properties and income; Rashīdal-Dīn's religious beliefs; Irānian and Islamic characteristics; Rashīdal-Dīn's political doctrine; Irānian concept of monarchy and governance; Rashīdal-Dīn's governmental and reformatory measures; The concept and aims of Rashīdal-Dīn's diplomacy and reform; Rashīdal -Dīn and "Jāmi-al-Tawārīkh"; Rashīdal-Dīn's scientific and literary writings; Rashīdal-Dīn's scientific position. The book ends with a bibliography and illustrations.

247- Raḡmat-Nizhād, Ḥusain. *Żarb al-Mathalhā-yi Īrānī Shāmil-i 1999 Żarb al-Mathal-i Īrānī va 1999 Mu'ādīl va Rāhnamā (Iranian Proverbs: Including 1999 Iranian Proverbs and 1999 Equivalents and Directories)*. 2nd ed. Tehran: Shaqāyīq, 1999.

248- Rizāzādah Malik, Raḡīm. *Bulūr-i Kalām-i Firdusī (Limpidity of Firdusī's Poetry)* 1st Edition Tehran: Fikr-i Rūz and Kulbih Publications, 1999.

The book includes seven articles through which it is tried to correct those verses and parts of Shāhnāmāh which seem altered. The above-mentioned articles, in fact a kind of critical editing of sections of shāhnāmāh, are arranged with the following titles: "Social classes in Sāssānīds period"; "The establishment of Jamshīd's Nurūz"; "The ordibchesht sun"; "Phoenix and sīndukht"; "Bahram-i-gūr the womanizer"; "The number of shāhnāmāh's verses"; "Gahbud". In this section, the author, presenting some evidences and samples, regards Gahbud the one who possesses a calendar and is in charge with determining individuals' position in the caste system order of the society. A glossary of terms and a bibliography are perceived at the end of the book.

243- *Rāzvarzī dar Āyīn-i Zartusht ('Irfān-i Zartushtī) (Hidden Knowledge in Zoroastrianism (Zoroastrian Mysticism)* Ed. Shīvā Kāvīyānī. 1st ed. Tehran: Quqnūs, 1998.

What is collected in this book includes the views of James Russel and Shaol Shaked, two scientists on Iranian and Zoroastrian studies, through which the subject of hidden knowledge as well as hidden tendencies in Zoroastrianism are examined and analysed in detail. Furthermore, the customs of Rāzvarzī and mysticism in the world and in Iran are mentioned.

244- *Rāhgānī, Ruḡangīz. Tārīkh-i Mūsīqī-yi Īrān (The History of Iranian Music)* 1st Edition. Tehran: Pīshruw Publications, 1999.

Here, the historical process, appearance and evolution of the Irānian music through three different periods are studied. The first period, titled: "Ancient Age", includes the music of Medes, Acheamenids, Seleucides, Arsacids and Sāssānids. The second period is titled: "Post-Islamic Period" (from the 1st to the 9th centuries A.H.), covers the music of Islamic period, the period of Rāshidīn Caliphs Abbāssīds, Irān during the 3rd and 4th centuries A.H. (Tāhirīds, Ṣafarīds: Sāmānīds, Zīyārīds, Buyids), Irān during the 5th and 6th centuries A.H. (Ghaznawīds and Siljūkīds, Mongols, Tamerīds). The third period, titled "From Ṣafawīd period on", includes the music in Ṣafawīds, Qājārīds and Pahlawīds periods. At the end of the book, the writer has devoted a section to local (folk) music of Irān through which he has introduced various types of local music belonging to different regions of Irān.

245- *Rāhnamā-yi Tambrhā-yi Īrān: Qājār, Pahlavī, Jumhūrī-yi Islāmī-yi Īrān (The Guide-Book of Iranian Stamps: Qajarids, Pahlavids, The Islamic Republic of Iran)* Ed. Firiydūn Nuvīn Farahbakhsh. 1st ed. Tehran: Mihr Publications, 1998.

In the present collection, 2822 Iranian stamps have been arranged and introduced in order of their printed date, from Qājārīds dynasty, i.e. 1247 to 1377 (H.S.). Below each stamp, besides its picture, a caption is provided in Persian and English versions with the following information: Date and Year of Stamp; Occasion of Printing the Stamp; Stamp's Size; Number of Circulation; Price; Colour; Price of Series and Dents.

Qajar, 2) The period of restoration of autocracy, 3) The period of supremacy and dominance of national movements, 4) From Murdād 28th coup-d'état to the victory of Islamic Revolution. The book has been categorized in 24 chapters: some of which are as following: "The first period of National Consultative Assembly": "Liberal's conquests and victories"; "The literary man and the influential poet in prison": "Political poetry": "An interval between the first and second assemblies": "The list of assembly representative from the 18th to the 24th periods"; "A comparison of the political situations in country". There is a bibliography at the end of the book.

242- Dhakāvati Qaragūzlū, 'Alī-Rizā. 'Umar Khayyām Naishābūrī: Ḥakīm va Shā'ir ('Umar Khayyām Naishābūrī: A Philosopher and a Poet). 1st ed. Tehran: Tarḥ-i Naw Publications, 1998.

"Umar Khayyām" is another book from the series, published by "Tarḥ-i Nuw" through which the writer tries to illustrate a clear picture of Khayyām's thoughts. The author, referring to Khayyām's period and the socio-cultural situations of his time as well as relying on valid sources, justifies Khayyām's beliefs and rationality. Arguing that Khayyām's philosophic and rhetoric personality has been discarded, he attempts to reveal new and unknown ranges of his thoughts, differentiating between Khayyām the philosopher, the rhetorician and Khayyām the mathematician, the poet. At the end of the book, a selection of Khayyām's quatrains, concerning his philosophic and rhetoric ideas is perceived. The present work has been arranged with the following topics: "Is Khayyām the philosopher, the mathematician the very Khayyām the poet?" "Khayyām between reality and myth"; "With the Islamic philosophers and rhetoricians"; "A look at Khayyām's philosophic articles"; "A critical supplement"; "Khayyām's quatrains, between philosophy and rhetoric"; "Internal and foreign criticism of Khayyām's quatrains"; "The selected quatrains". In the final section of the book, a bibliography, Quranic verses, narratives and Arabic phrases of the book and an index are included.

Persian literature in Safavid Period; The style of poetry in Safavid Period and its characteristics; Introducing the greatest Persian versifiers in the Safavid period such as “Ahlī Shīrāzī”, “Fuzūlī Baghdādī”, “Wahshī Bāfqī”, “Muhtasham Kāshānī”, “‘Urfī Shīrāzī”, “Faizī Dakanī”, “Nadhīrī Naishābūrī”, “Zulālī Khwānsārī”, “Tālib Āmulī”, “Kalīm Kāshānī”, “Ghanī Kishmīrī”, “Šā‘b Tabrīzī” and “Bīdil Dihlawī”. The subject of Chapter 16 is “The Process of Philosophy in Safavid Era and the Outstanding Philosophers of the Age”. The final subjects of the book are related to the biography writing and lexicography in Safavid era.

240- Damandān, Parīsā (Nafīsī). *Chirih Nigārān-i Iṣfahān: Gūshih’ī az Tārīkh-i ‘Akkāst-yi Īrān (Portraitists of Iṣfahān: A Range of the History of Photography in Iran)*. 1st edition. Tehran: Cultural Research Centre Publications.

In this work, the process of photography in Iṣfahān from the beginning to the present time is studied, in seven chapters. The first chapter contains historical photographs of Iṣfahān School. In the second chapter, the photographs, belonging to Iṣfahān School, are introduced. In the third and fourth chapters, the readers are acquainted with the first importers of photographic equipments and materials to Iṣfahān and also with the German photographer “Ernest Holster” and his works left. In Chapters five and six, samples of Zill al-Sultān’s photographs and Mīrzā Mahdī Khān Chīhrahnumā’s personal letters are perceived. The final chapter is allocated to the introduction of the guild organizations of Iṣfahān photographers from past to the present.

241- Dhākir Ḥusain, ‘Abd al-Raḥīm. *Adabīyāt-i Siyāst-yi Īrān dar ‘Aṣr-i Mashrūṭīyat (Iran’s Political Literature During the Constitution Period)* 4 Vols. 1st ed. Tehran: ‘Ilm Publications, 1998.

The present work contains seventy-two year old political literary history of Iran from the establishment of constitutional system to its end. The author has gathered poems, revealing satirically and wittily the political events or the social situations of the time. Here, the constitutional era has been divided into four periods which make the titles of the four volumes of the set as well. 1) From the establishment of constitution to the deposal of

237- Department of the Islamic Revolution Literature. *Rūz Shumār-i Inqilāb-i Islāmi az 1357/1/1 tā 1357/3/31 H.S. (Chronology of the Islamic Revolution From 1978 to)*. 3rd Vol. 1st ed. Tehran: Islamic Propagation Organization Publications, Art Center, 1998.

The present book is vol. 3 of the set: "Chronology of the Islamic Revolution" which contains the summary of events and news of the revolution in spring 1357 H.S. (from 01.01.1357 to 31.03.1357). The book begins with a short introduction on the political conditions of Iran in 1357 and continues analytically with the daily news and events. The sources and explanations about the news are mentioned at the end of each daily report. It contains various photographs of figures, events and newspapers of the mentioned-period. The ending pages include an index of names.

238- Publication Office of Secretariat of High Council of Expedience. *Barrasī va Taḥlīl-i Masā'il-i Inirzhī dar Īrān (An Analysis of Energy Issues in Iran)*. 1st ed. Tehran: Secretariat of High Council of Expedience, 1998.

The attempt is to study and analyze the various procedures of energy organization, from its production and supply to its final consumption, as well as the main concerning variables in country. The most important chapters are titled as following: Analysis of country's energy demand through 1367-1376; Analysis of country's energy supply through 1367-1376; Exports and imports of energy in Iran; Regulations and standards of energy; Energy management and utilization; Analysis of energy organization in the first and second development plans.

239- Dalīrī Mālvānī, Ibrāhīm. *Tārīkh-i Adabīyāt-i Īrān: Shrh-i Zindigī va Āthār-i Shā'irān va Dānishmandān-i Durīh-yi Šafavīyih (The History of the Iranian Literature: The Safavid poets and scientists' biographies and works)* 3rd Vol. 1st ed. Qum, 1998.

The author, in vol. 3 of "The History of the Iranian Literature" which belongs to the Safavid period contrary to some contemporary historians, aims to indicate the positive aspects of the history and literature of the Safavid period. The present book includes chapters 15 and 16 of the set. The subjects, included in chapter 15, are as following: The general situation of

in Shāh's Prisons: Şafar Khān's (Şafar Qahramānīyān's) Memoirs]. 1st ed. Tehran: Chishmih Publications, 1999.

The book, arranged in the form of a dialogue, contains Şafar-Khān's (Şafar Qahrimānyān) memoirs during the years of his struggle against satanic regime. He was born in Shīshwān - a village of "Ajabshīr" - in 1300 (H.S.) and started his struggles against the landowners in 1321 H.S. openly. In 1325 H.S., being defeated by governmental forces, he escaped to Iraq along with some of his co-fighters. But returning to Iran in 1327, he was arrested and imprisoned from Isfand 1327 until Ābān 1357 H.S. He had already been in prison in Iraq for about two years from Adhar 1325 to 1327 H.S. Some of the topics of the book are as following: Geographical situation of Shīshwān Village; Şafar Khān's birth-place; Socio-political situations during Şafar khān's childhood; The appearance of Azerbaijan Democrat Faction; The first period of arrest and imprisonment (1325 - 1337 H.S.); Death-sentence; The second ten-year of imprisonment (1337-1347 H.S.); Imprisonment in Burāzjān; Şafar Khān's wife's death; The third ten-year of imprisonment (1347-1357 H.S.); Freedom - the first interview; Dialogue with 'Alī Pāyandih, a friend of Şafar khān's. On the final pages of the book there are pictures of Şafar Khān.

236- Daryānavard, Ghulām-Ḥusain. *Sīmā-yi Bandar Gināvih dar Haft Āyīnīh-yi Āmār, Tārīkh va Safarnāmihā, Iqtisād, Īthār, Farhang, Hunar va ... (The Figure of Gināvih Port in Seven Mirrors of Statistics, History, Tourists Journals, Economy, Sacrifice, Culture, and Art)* 1st ed. Tehran: Hīrmand Publications, 1998.

The present book is a research into the history, geographical, economic, social and cultural situations of "Gināvih" port, including seven parts with the following titles: Gināvih in the mirror of statistics; Gināvih in the mirror of history and tourists' journals; Gināvih in the mirror of economy; Gināvih in the mirror of sacrifice; Gināvih in the mirror of culture, art, literature and sport; Gināvih in the mirror of people's culture; Gināvih in the mirror of Bandarī's poetry. The final pages contain a bibliography and an index of names.

recent age. In addition, some information about gardens, poets, old schools, ancient buildings and folk songs of Shīrāz has been gathered in the book. On the final pages, the readers perceive numerous pictures of Shīrāz.

233- Dirakhshānī, Jahānbakhsh. *Āryāythā va Muhājirat-i Ānhā, Pīshīnih, Āthār-i Īn Qum dar Qarnhā-yi Duvum va Sivum-i qabl az Mīlād (Ariyans and Their Immigration, Their Background and Works in Second and Thirds Centuries B.C.)* 1st ed. Tehran: International Publications of Iranian Researches, 1998.

The present work is a research, on the basis of historical and archaeological discoveries in Central Asia into the Āryāns, their immigration, background and works in the 2nd and 3rd cc B.C. in German language, organized in eight chapters with the following titles: Problems and hardships, Theory of immigration, The oldest works in Āryān languages, Āryāns in archaeology and texts, Āryān ideology and its influence on other oriental nations, Etymology of the word “Āryāns” nationalities and regions, Āryān nationalities and regions, Chronological illustration, Historical illustration. The book also contains indexes of names, symbols, geographical maps, and etc.

234- Dargāhī, Maḥmūd. *Naqd-i Shi'r dar Īrān: Barrist-yi Shīvihā-yi Naqd-i Adabī dar Īrān (Poetry Criticism in Iran: A Survey of Literary Critical Approaches in Iran from the Beginning to Jāmī's Era)* 1st ed. Tehran: Amīr Kabīr Publications, 1998.

The present work is a study on the Iranians' ideas, thoughts and viewpoints concerning poetry criticism. Here, the styles of literary critical approaches in Iran from the beginning until Jāmī's era have, in four chapters, been analyzed: “A glance at the poetry criticism in ancient Greece”; “A glance at the poetry criticism among Arabs”; “Poetry criticism in Iran”; “Critical approaches”. The author has used some of the modern approaches and perspectives of literary criticism to evaluate the later literary periods, specially the Hindi style.

235- Darvīshīyān, 'Alī-Ashraf. *Sī-yu du Sāl Muqāvimat dar Zindānhā-yi Shāh: Khāfirāt-i Šafar Khān (Šafar Qahramānīyān) [32 Years Resistance*

own observations, memories and studies. Some of the topics, covered in the book, are as following: What is Darcy concession? Presenting the oil supplemental contract to the National Consultative Assembly; Dr. Muşadiq's historic speech; The oil battle between government and National Consultative Assembly; Different opinions on the oil nationalization Act; Dr. Muşadiq's premiership; Who is Dr. Muşadiq?; Britain's complaint to Hague International Court; The function of Tūdiḥ Party during Dr. Muşadiq's rule; Hague Court and the Security Council; The events of Tīr 29, 1331 H.S.; Victory at Hague Court; Nationalization of fisheries; Direct confrontation between Shāh and Muşadiq; Policies of U.S.A. and Russia in Iran; The Coup Murdād 28, 1332 H.S.; The analysis of Coup Murdād 28.

231- Khursand, 'Alī. *Zindigī-yi Sīyāsī-yi Ḥāj Mīrzā Ibrāhīm Khān Kalāntar [I'timād al-Dawlah] (The Political Life of Ḥāj Mīrzā Ibrāhīm Khān Kalāntar [I'timād al-Dawlah])*. 1st ed. Tehran: Uḥādī Publications, 1998.

In this book, the political life-story of Ḥāj Ibrāhīm-Khān I'timād al-Dawlah and his historical function in the evolutions and events of his time are, under the following titles evaluated: Karīm-Khān Zand and his successors; His lineage and family; Magistrates' function in history; To bar Luṭf-'Alī Khān from Shīrāz; Relation with the Qajarids; Mīrzā Ibrāhīm Khān in the position of Chancellery; Ḥāj Ibrāhīm's measures during Fath-'Alī Shāh's reign; Iran's political relations in Fath-'Alī Shāh's era; The survivals of Ḥāj Ibrāhīm I'timād al-Dawlah's family; Reasons of I'timād al-Dawlah's decline; Different view points and judgements on Ḥāj Ibrāhīm I'timād al-Dawlah. The book ends displaying Ḥāj Ibrāhīm Kalāntar's genealogical tree and a bibliography.

232- Dānish-Pazhūh, Manūchihr. *Shīrāz: Nigīn-i Dirakhshān dar Farhang va Tamaddun (Shīrāz, A Shining Gem in the Culture and Civilization of Iran)*. 1st ed. Tehran: Hīrmand Publications, 1999.

The book "Shīrāz" is the third work of "Iranology" set through which the readers are acquainted with different names of Shīrāz, its historical background and its various governments such as Atābakāns, of Fārs Būyah's, dynasty the periods of Karīm Khān-i Zand and Qajarids till the

229- Khusruw Panāh, Muḥammad-Ḥusain. *Sāzmān-i Afsarān-i Hizb-i Tūdiḥ-yi Īrān, 1323-1333 H.S. (Military Organization of Iran's Tudih Party, 1944-1954)* 1st ed. Tehran: Shīrāzih Publications, 1998.

The establishment of "Military Organization of Iran's Tūdiḥ Party", its ups and downs, its rapid decline, and generally its short history from 1323 to 1333 (H.S.) are the subjects of the 12th issue of the "Series of Iran's Contemporary History", arranged in three chapters. The first chapter, titled "from Shahrīvar 1320 H.S. to the decline of Azerbaijan Democrat Faction" includes the following topics: The decline of Rizā Shāhs' dictatorship and its effects on Iranian army; Kabūd Party, National Movement, and Razm-Ārā's Group; Tūdiḥ Party of Iran; The organization of military members of Tūdiḥ party; The uprising of Khurāsān army officers; The military organization of Tūdiḥ Party and Azerbaijan's autonomy; The dissolution of military organization of Iran's Tūdiḥ Party. The readers follow the activities of the military organization during the period of oil nationalization movement with the following topics: The eight-member-group of Khusruw Rūzbih; Coalition with Tūdiḥ Party of Iran; Military organization of Tūdiḥ Party of Iran; The crisis of Bahman 15, 1327 H.S. and the escape of party's leadership from Qaṣr prison; The uprising of Tīr 30, 1331 H.S. and the role of military organization; The Coup Murdād 28, 1332 H.S. The third chapter, from 28th Murdād to the dissolution of military organization, covers the following topics: Headquarter against coup-detat; Military training; Arms and ammunitions preparation; Sabotage in Qal'ihmurghī garrison; The navigator incident; The identification and dissolution of military organization, The elements of dissolution. The final chapter of the book covers five supplements: the memories of Major Humāyūnī, the subjects of two declarations and manifesto of Tūdiḥ Party, documents, photographs and an index of names.

230- Khalīlullāh Muqadam, Aḥmad. *Tārīkh-i Jāmi'-i Millī shudan-i Naft (The Comprehensive History of Oil Nationalization)*. 1st ed. Tehran: 'Ilm Publications, 1998.

The present book is a research into the movement of oil industry nationalization, led by Dr. Muṣadiq, through which the writer reflects the events, characters, and the changes relevant to this case on the basis of his

227- Khāqānī, Badīl ibn ‘Alī. *Ātash andar Jang: Guẓīdī’ī az Dīvān-i Khāqānī Shīrvānī (Fire in the Claw: A Selection of Khāqānī Shīrvānī’s Poetical Works)*. Ed. Mahdī Māhuzī. 1st ed. Tehran: Sukhan Publications, 1998.

In this work, a selection of Khāqānī’s verses along with his biography and works have under the following titles been collected: “How to know Khāqānī”; “A commentary on Buḥtārī’s elegy”; “A commentary on description Mantīq al-Tayr (conference of the birds)”; “A comparison between Khāqānī and several poets after him in the arena of Ghazal” (sonnet); and similar topics. Here, some of Khāqānī’s poems in the form of ghazal, elegy, stanza and quatrain have been gathered. In the final section of the book, an index of names, terminology of his journeys and a bibliography are perceived.

228- Khudāyārī, Nāṣir, and ‘Alī-Rizā Karīmī. *Barrasī-yi Inqilāb-i Islāmī (The Analysis of the Islamic Revolution of Iran)*. 1st ed. Tabriz: Nāṣir Khudāyārī, 1998.

In the present research, the Islamic revolution of Iran, the causes and reasons of its appearance are analyzed. The book begins with an introductory discussion about the importance, necessity, the aim of understanding the Islamic revolution and the relevant subjects; it continues with six chapters as following: The beginning of movement (from Tobacco movement); The victory of movement (constitutional revolution and the following movements such as Mīrzā Khuckah-Khān, Khīyābānī, Muḥammad Taqī-Khān Pisyān, Tangistānīs and Dashtistānīs); From coup to coup (the Rizā-Shāh’s despotism, Dr. Muṣadiq’s premiership, and oil nationalization movement); Muḥammad-Rizā Shāh’s reforms and the beginning of his decline (the study of the economic, social, cultural, political and international reasons and causes of Muḥammad-Rizā Shāh’s decline); Religion and the decline of Muḥammad-Rizā Shāh; Imām Khumainī and the victory of the Islamic revolution. The final pages of the book contain a bibliography.

information is provided: Name of the film, Director, Cameraman, Music, Actors and Actresses, Duration of film, Producer, Summary of the film and a picture of the film. The book begins with a chronology of the films and ends to some pictures and an index of names.

225- *Khāṭirāt-i Prince Arfa' (Prince Arfa's Memoirs)*. Ed. 'Alī Dihbāshī. 1st ed. Tehran: Shahāb-i Thāqib and Sukhan Publications, 1999.

The present book contains Mīrzā Rizā-Khān's - titled Arfa' al-Dawlah - memoirs. He is one of the politicians in the late Nāṣirīd era and Muẓafar al-Dīn Shāh period who undertook different positions such as Iran's political representative in Caucasus, Petersburg, Istanbul and other capital cities. The present book has been arranged under five sections with the following subjects: Section One: My life story from birthday to entering governmental services in general consulate in Tiflīs, my residence in Tiflīs to my return to Tehran. Section Two: Traveling to Khurāsān and Russia and the period of my residence in Tehran during Naṣir al-Dīn Shāh's rule. Section Three: Councilor in Iran's embassy in Petersburg to return to Julfā and traveling to Europe accompanying Naṣir al-Dīn Shāh in his third journey abroad. Section Four: General Consulate in Caucasus. Ambassador in Petersburg, ambassador in Istanbul. Section Five: Various services in Iran and abroad, traveling to Europe and U.S.Ā. after Ambassadorial position in Istanbul, Ministry of Justice in Iran. journey to Europe and the United Nations. A number of photographs of Prince Arfa', his relatives and other Qajarid officials are included in the book.

226- *Khāṭirāt va Hikāyāt (Memoirs and stories)*. Ed. The Cultural Institution of Qadr-i Valāyat. Vol. 1. 1st ed. Tehran: Qadr-i Valāyat, 1998.

In the series: Memoirs and Stories, a set of remarks, memories, and stories from Ayatollah Khāminah'ī, the great leader of the Islamic revolution, have been gathered through which some aspects of the history of revolution are revealed. In vol.1 of the recent publication of the set, there, we perceive 34 memories and stories.

Imam Khumaynī's declarations, speeches 8 letters after the tragedy of Day 19th. declarations of some religious leaders and the clergy concerning the uprising. On the last pages, the documents of the mentioned uprising are illustrated. The uprising of Day 19th, 1356(H.S.) which is referred to as "the spark of revolution" started in Qum. The uprising blazed objecting the publication of a sacrilegious article by Aḥmad Rashīdī Mutlaq against Imam Khumaynī and the clergy. It led to the martyrdom of five people and injury of tens of people in Qum, leading to a wide-spread uprising in other cities till the definite victory of the Islamic revolution in 1357(H.S.).

223- Ḥanīf, Muḥammad. *Shinākht-i Īl-i Bīrānwand (Recognition of Bīrānwand Tribe)*. 3rd vol. 1st ed. Khurram Ābād: Paighām Publishers, 1998.

The present work, arranged in two parts, is a research into Bīrānwand tribe of Luristān. The first part, devoted to the history of the tribe, includes the following topics: 1) Life limits; 2) Origin; 3) Nomenclature; 4) Tribal divisions; 5) Chiefs of Bīrānwand tribe; 6) The function of Bīrānwand tribe in Luristān history: (a) from Kāssis to Islam, (b) From Islam to Qajarids, (c) from Āghā Muḥammad Khān of Qajar to 1312 (H.S.); 7. Supplements. In the 2nd Chapter, the culture of Bīrānwand tribe is studied. The topics of the 2nd chapter are as following: 1) Morality and traditions; 2) Housing; 3) Clothing; 4) Dialects of Lori language; 5) Treatment and medical herbs; 6) Literature and art; 7) The pioneers of culture and art (Dalis, titalchis, theatre players, mourning players, narrators, story tellers, harvesting ceremony players and musicians); 8) Life traditions (birth, circumcision party, wedding, festivals, war, death, mourning); 9) Working songs (churning, milking, harvesting); 10) Beliefs; 11) other cultural affairs (fortune telling of Shushmakī and Chil Sarv, games); 12) Sources and references.

224- Ḥaidarī, Ghulām. *Fīlmshinākht-i Īrān: Fīlmshināsī-yi Sīnamāy-i Īrān, 1347-1351 (Iranian Cinema: A Filmography of the Iranian Cinema 1968-1972)*. 1st ed. Tehran: Cultural Research Centre Publications, 1999.

The collection contains an introduction of 357 films of the Iranian cinema screened from 1347 to 1351 (H.S.). Below each film the following

are titled as following: Four principles of tradition (Hadīth) and narratives; Religious policy of Qajarid kings; Jurisprudents' different viewpoints about government in Qajarid age; The beginning of Iranians' constitutional movement; The movement of Men of God ('Alī-Allāhī); Advent of Shykhīyyah order; Advent of Babism; Advent of Azalī (Azalīyān) order; Advent of Bahatism; Iranian Assassins in Qajarid age; The situation of Iranian Christians and Jews in Qajarid age; Sayyid 'Ālamgīr's turbulence; Shi'ite jurisprudents in Qajarid age; Quran exegetes Qajarid age; Typical religious poems belonging to Qajarid age. The book contains a bibliography and an index of names.

221- *Ḥikāyāt-i Shīrīn-i Mullā Naṣr al-Dīn (The Charming Anecdotes Stories of Mullā Naṣr al-Dīn)* Ed. Firiydūn Jahānbānī. 1st ed. Tehran: Armaghān Publications, 1998.

The present book is a collection of Nāṣir al-Dīn Khujah's, pen named Mullā Naṣr al-Dīn -- one of the oriental satirists living in the 7th C. (A.H.), anecdotes and advice. Here, we read the following anecdotes: "Praying on one leg"; "Mullā eating banana"; "Shared Yogurt"; "Prophecy"; "Weep and laughter"; "Headman's joke"; "Mullā's watch"; "Is it me or him".

222- *Ḥamāsīh-yi 19 Dīy-i Qum (The epic of Day 19th, Qum)*. Ed. 'Alī Shīrkhānī, 1st ed. Tehran: The Center for Documents of Islamic Revolution, 1998.

Here, we perceive the collection of interviews with the related authorities and eye-witnesses of uprising of Day 19th, 1356 (H.S.),⁶ besides the relevant documents. The interviewees are Hujat al-Islām Muḥammad Mahdī Akbarzādeh, Dr. Ghulām-Rizā Bāhir, Maḥmūd- 'Alī Dast-Afkan, Hujat al-Islām Muḥsin Rafī'i, Muḥammad Shujā'i, Rizā Ṣādiqī, Āyatullāh Sayyid Ḥasan Ṭāhirī Khurram Ābādī, Hujat al-Islām 'Abd al-Karīm 'Abidīnī, Hujat al-Islām Sayyid Żiyā Murtaẓavīyān, Āyatullāh Nāṣir Makārim Shīrāzī, Āyatullāh Sayyid Ḥusyn Mūsawī Tabrīzī, Āyatullāh Muḥammad Mow'min, Hujat al-Islām Ḥusain Wāfī, Āyatullāh Muḥammad Yazdī and Muḥammad Ḥasan Żarīfiyān Yagānah. The attachments of the book are Aḥmad Rashīdī Moṭlaq's article, the speeches delivered on Day 18th and 19th, 1356(H.S.), Qum martyrs of Day 19th, their biographies,

topics: 1) Gates and districts of Tehran, 2) Tehran from the foreigners' (tourists) viewpoints, 3) Tūp-Khānah – the center of Tehran, 4) Shams al-'Imārih and its adventures, 5) Royal Palace and its characteristics, 6) Some dimensions of people's social life, 7) People's clothing in ancient Tehran, 8) From palan-quin and carriage to locomotive and automobile, 9) Tehran's traditional schools, 10) Medicine and treatment in ancient Tehran, 11) Electrification of Tehran, 12) The foundation of mail and mail-office, 13) Order and discipline and the foundation of police departments, 14) Criminals and punishments in ancient Tehran, 15) The foundation of zoo in ancient Tehran, 16) Tea-houses and people attending to spend their leisure time, 17) Tehran's mourning ceremonies, 18) The famous clowns of the capital city, 19) People's recreations and amusements, 20) The appearance and development of cinema in Tehran, 21) From Royal Bank To Melli Bank, 22) The situation of journals and journalism, 23) The entrance of camera and photography to Tehran, 24) Cannon and arsenal. A number of pictures and a bibliography are gathered on the last pages.

219- Ḥusainīzādih, Mahdī. *Hunar dar Manẓūmih-yi Hastī (Art in the Sphere of Existence)* 1st ed. Tehran: Sanā'-i Dil Publications, 1999.

The present book consists of four chapters. The first chapter contains the author's notes titled: "What I think about art". The second chapter, titled "Phenomena in the gleam of art", deals with the relation between art and ethics, art and revolution, art and war and so on. The third chapter, titled "Scholars' art" interprets art from the religious figures' perspectives. The fourth chapter deals with art in Persian poetry.

220- Ḥaqīqat, 'Abd al-Rafī'. *Tārīkh-i Junbishhā-yi Madhhabī dar Īrān: Az Kuhantarīn Zamān-i Tārīkhī tā 'Asr-i Ḥāẓir (The History of Religious Movements in Iran: From the Earliest to Contemporary Age)*. 4th Vol. 1st ed. Tehran: Kūmish.

The present book is vol. 4 of the set "The history of religious movements in Iran: from the earliest to contemporary age" through which Iranians' religious and freedom movements in Qajarid age are evaluated. (The previous three volumes of set discuss Iranian' pre-Islamic religious movements to the end of the 12th century (A.H.). Some subjects of the book

chapters with the following titles: 1) Rizā-khān, 2) Figures in a Mirror, 3) Weddings, 4) The Years of war, 5) The black leopardess, 6) Muḥammad Muṣādiq, 7) The Beginning of an End, 8) Exile. On the last pages, besides an attachment, there are various pictures of Pahlavid dynasty and some political figures of the period.

216- Ḥātamī, Ḥasan. *Muḥarram dar Kāzirūn (Muḥarram in Kāzirūn)*. 1st ed. Tehran: Rūzgār Publications, 1999.

In this text, first, Kāzirūn city and its historical background together with its holy shrines, people's traditions and beliefs are briefly introduced. Then, the author elaborates the ritual of city's people during the mourning days of Muḥarram (* a month of Moslem calendar during which Īmām Ḥusain (PBUH) was martyred-trans.).

217- Ḥāmidī Ughūl-Bayk, 'Alī-Ashraf. *Vasāyil-i Irtibāt-i Jam'ī va Tusi'ih-yi Rūstāyī (Mass Media and Rural Development)* 1st ed. Tehran: Bih Dīd, 1999.

Elaborating the main questions of the rural development in Iran, the author attempts to reveal the role and function of mass media in rural development and other countries' experiences in utilizing it as well. Therefore, he chooses the following topics to discuss: The general points on the development and rural development; A short history of mass media, its characteristics and functions; The function of mass media in rural development; Utilizing mass media for rural development in various countries of five continents; Utilizing mass media in Iran's rural development; At the end of each chapter, a summary of discussion, footnotes and various sources are provided.

218- Ḥasan Beigī, Muḥammad-Rizā. *Tihrān-i Qadīm (Ancient Tehran)* 1st ed. Tehran: Maṣṣūrī, 1998.

Using a large number of pictures, the author, in the present work, presents the figure and characteristics of the city during its transformation from a small village into a metropolis; besides, he pictures various ranges of social, political, economic and cultural life of the city in the mentioned periods and sometimes in earlier ages. Here, we perceive the following

Islamic revolution. The complete text of the constitution of the Islamic Republic of Iran and also a bibliography are included in the book.

213- Javādī, Ghulām-Rizā. *Dilījān dar Āyinih-yi Īrān (Dilījān in the Mirror of Iran)*. 1st ed. Mashhad: Bihnashr Publications, 1999.

In the present research, different geographical, historical, economic, social and cultural aspects of Dilījān are introduced. The book begins with general topics on the strategic position of Dilījān and its etymology; it continues with the following topics: Natural geography of Dilījān, Historical geography of Dilījān, Anthropological geography of Dilījān, Economic situation of Dilījān, A look at rural geography of Dilījān, Religio-historical monuments and buildings of Dilījān, The scholars and eminent figures of Dilījān, Customs and traditions of Dilījān. The book also contains various indexes, tables, diagrams and statistics, related to the topics covered in the book.

214- Chūbīnih, Sajjād. *Ḥikmat-i Naẓarī va ‘Amalī dar Shāhnāmih-yi Firdusī (Theoretical and Practical Philosophy in Firdusī’s Shāhnāmih)*. 1st ed. Shīrāz: Navīd Publications, 1998.

In this book, Firdusī’s art, thoughts and his proficiency in different sciences of his time, specially his mastery of philosophy and rhetoric have been evaluated under the following titles: “Monotheistic ideology”; “Anthropology”; “The tactics of battle and battling morals”; “Acceptance of advice”; “The Iranians”; “Liberality and honor”; “Patience”; “Respect for tradition”; and similar topics.

215- Chihrihhāyī dar yik Āyinih: *Khāṭirāt-i Ashraf Pahlavī (Faces in a Mirror: Ashraf Pahlavī’s Memoirs)*. Trans. Hurmuz ‘Abdullāhī. 1st ed. Tehran: Farzān Rūz, 1998.

The present work is Ashraf Pahlavī’s memoirs. Throughout her lifetime, she has had an effective role in many socio-political events of Iran – from Shahrivar 1320 (H.S.) to the Islamic revolution. Recalling her memories, she reveals her relation with the former king, other members of Pahlavid dynasty and socio-political authorities of country. Besides, she points out the outstanding incidents of the time. The book consists of nine

south; VII. Changīz - khān's return to Mongolia, the last years of the Mongols' grand-master's life and his death; VIII. Changīz-khān's the four tribes, Uktāy - Qāān -- Moslems; IX. supporter – Mongol's second attack on Iran and Europe; X. Gīyūk, the grandmaster Mangū – Qāān. The book is connected to three annexes: A) Nestorianism and its function, B) Franciscans and Dominicans, C) Hatūm's – King of Armenia – itinerary to Mongolia. The book ends with a bibliography and an index.

211- Jabbārlūyi Shabistarī, Bahrām. *Daryāchih-yi Urūmīyih: Ashk-i Ṭabr'at-i Īrān (Urūmīyih Lake: Tear of Iran's Nature)*. 1st ed. Tehran: Naqsh-i Mihr Publications, 1999.

In this book, a series of geographical, geological and biological researches into Urūmīyih Lake and its basin have been gathered. The book is comprised of six chapters with the following titles: Its generalities (including the specifications of Urūmīyih Lake, names, important dwellings on the lake's banks, ports and harbors, climate and the preservation history of the lake); Geology of Urūmīyih Lake; The basin of Urūmīyih Lake; Hydrology of Urūmīyih Lake; Mythology of Urūmīyih Lake; Islands of Urūmīyih Lake (the biologic and non-biologic characteristics). The above-mentioned topics are accompanied by various pictures and tables. A glossary of English and Persian terms ends the book.

212- *Inqilāb-i Islāmī va Chirāyī va Chigūnigī-yi Rukhdād-i Ān (The Islamic Revolution, Why and How it Appeared?)* Ed. 'Abbās 'Abīrī, Introduction by Muṣṭafā Malakūtiyān. 1st ed. Qum: The Department of Islamic Instructions Publications, 1998.

In this book, prepared for B.A. students, the causes, characteristics, aims and achievements of the Islamic revolution of Iran are evaluated within ten chapters as following: The background of religion and government in Iran; Iranian intellectuals and the west; Two previous effective historic movements; The Pahlavid era to the early 1340's H.S.; Imām Khumainī's movement from the beginning to 1343 H.S.; The situations of Iran in 1340's and 1350's H.S.; Imām Khumainī's movement from 1343 H.S. to the victory of the Islamic revolution; Theoretical analyses on the Islamic revolution; The achievements of the Islamic revolution of Iran; Obstacles facing the

208- *Tavahum-i Tuḡi'ih: Guftugū bā Dr. Ṣādiq Zībā Kalām Pīrāmūn-i Dalāyil-i Tārīkhī-yi 'Aqabmāndigī-yi Īrān (The Illusion of Conspiracy: A Dialogue with Dr. Zībā Kalām on the Historical Reasons of Iran's Backwardness)*. Ed. Ardalān 'Aṭṭārpūr, 1st ed. Tehran: Justujū Publications, 1999.

"The illusion of conspiracy" is a dialogue with "Ṣādiq Zībā Kalām" on the reasons of Iran's backwardness. The topics, discussed here, are as following: The functions of foreigners and Kings in Iran's backwardness; The theory of conspiracy (the function of covert conspirators in Iran's backwardness); People's, intellectuals' and rulers' viewpoints on the theory of conspiracy; The reasons of formation and reinforcement of the theory of conspiracy; The function of historical evolutions; Ecological and geographical effectiveness in backwardness; Other similar topics.

209- *Tihrān: Javāhirī dar Jādhī-yi Abrīsham (Tehran: The Jewel on the Silk Road)* 1st ed. Tehran: Tāhīr Publicationsm 1998.

The present book contains hundreds of photographs of modern Tihrān. The photographs display the historical works to the latest urban living achievements in Tihrān. The introduction on Tihrān's history and captions are in English. The book published to be used by foreign tourists.

210- Taymūrī, Ibrāhīm. *Impirāṭūrī-yi Mughul va Īrān: Durān-i Farmānravāyī-yi Changīz Khān (The Mongol Empire and Iran: Changīz - khān and His Successors' Sovereignty)* 1st ed. Tehran: Tehran University Pressk, 1998.

The readers of the book are introduced to the political history and events of Changīz-khān and his successors' (till Hulākū) sovereignties. The book has been categorized in ten chapters with the following topics: I. Changīz-khān and the foundation of Mongol Empire; II. Changīz - khān's conquests; III. Khārazmshāhīd, King Muḥammad Khārazmshāh, the weak points of his government, diversity and separation in the Islamic world; IV. Khārazmshāh and Changīz-Khān's relation, Atrār incident and strained relation; V. Incursion of Mongol's forces on Iran: desolation, massacre and plundering of Transoxiania and Khurāsān cities; VI. Khārazmshāh's defeat and his death, the occupation of Iran's territories and Mongols' inroad on

provided with some information about the events and situations of the court in that period. The book includes 29 chapters. Some are as following: Opinions and judgements about Nāṣṣiral-Dīn Shāh; The heram was of great interest for Nāṣṣiral-Dīn Shāh; Nāṣṣiral-Dīn Shāh's the first five wives; Amīn-Aqdas and her niece Azīzal Sultān; Anīsal- Duwlah, known for loyalty; Shukūhal Saltānah, the Crown Prince's-Muẓafaral-Dīn Mīrzā's mother; Ifatal- Saltānah, Żilul-Sultān's mother; Taking photographs in Nāṣṣiral-Dīn- Shāh's heram and court; An English woman, spying in Nāṣṣiral-Dīn- Shāh's court, who pretended as a reporter; Tājal Saltānah, Nāṣṣiral-Dīn Shāh's daughter, reveals the internal affairs of heram; Nāṣṣiral-Dīn Shāh's murder as narrated by witnesses. The last subject is an article titled "Amāmah" Anīsal-Dulah's birthplace, followed by photographs of Nāṣṣiral-Dīn Shāh, his wives and some courtiers.

207- Tavāngar Zamīn, Muḥammad-Kāẓim. *Ta'kīdī bar Yigānigī-yi Shakhṣīyat-i Dhul-Qarnain va Kūrush (An Emphasis on the oneness of Dhul-Qarnain and Cyrus) 1st ed. Shīrāz: Navīd, 1999.*

The author tries to prove that Cyres, the founder of Achaemenian dynasty, is the very Dhul-Qarnain mentioned in Quran. In the first chapter, the author talks about how the issue of Dhul-Qarnain was started in Islam; then, by using Al-Mīzān interpretaion, he compares Dhul-Qarnain and Cyrus. The second chapter deals with the subject of Dhul-Qarnain from the viewpoint of Old Testament and its relation to Jews. The third chapter includes some discussions about and embossed picture that shows a man with wings, wearing a special crown and having two strange horns on his head. In the forth chapter, a short biography of Cyrus and an analysis of his martial function, and his moral and religious conduct is being discussed. In the fifth chapte, introducing the captured lands of Cyrus and immigrant nations in these lands, the author tries to compare these nations with "Yājūj and Mājūj" tribes. In the sixth chapter the author attempts to prove the oneness of Dhul-Qarnain and Cyrus by examining the term of "Cyrus" and some theories in this regard. The book ends with some pictures of historical monuments.

Tehran: Centre of Iranian Studies and Āyinih-yi Mīrāth, 1999.

The book, organized in alphabetical order, contains biographies of 343 Kings and rulers of Transoxiana as well as the poets contemporary with the author. Here, samples of the above mentioned figures' poems, satiric and witty remarks along with Quranic verses, narratives, rhetorical techniques and surprising writings have been collected. In its preface, the writer's biography, his relation with courts and kings and his works are studied. Some figures, mentioned here, are as following: Amīn Samarqandī, Anjumī Bukhārā'ī, Būrī Balkhī, Durdī Tāshkandī, Hijāyī Marwī, Wahshī Bāfqī, Ḥarīmī Kābulī and Lam'ī Bukhārā'ī.

205- Tarbiyat, Muhammad 'Alī. *Dānishmandān-i Ādharbāyjān (Azerbaijan Scholars)*. Ed. Ghulām Riṣā Ṭabāṭaba'ī Majd. 1st ed. Tehran: Press and Publication Organization, Ministry of Culture and Islamic Guidance, 1999.

Here, the biographies of 934 scholars of Adhirbāyjān especially the scholars from the 8th century (A.H.) have been gathered, referring to their works. To accomplish this task, the writer has enjoyed the historical, literal and genealogical manuscripts. The final section of the book contains a list of 105 newspapers printed and published in Adhirbāyjān. The list, arranged alphabetically, includes the following information for each paper: the period of publication, place of publication, type of print, the managing-director's name, and the year of publication. Some of these papers are: Ādhar, AdharĀbādigān, Āzād, Āzādistan, Īttihād, Ādāb, Anjuman, Barīd-i-Shumāl, Tabrīz, Ṭajaddud, Tufīq, Jarīdah Īslāmī, Khāwar, Dabistān, Millī Paper, Sa'ādat, Sharq, 'Ibrat, 'Idālat, Faryād, Fikr, Kāwah, Musāwāt, Mullā Nāṣṣrāldin and Nijāt. There is an index of names on the final pages.

206- Tafazulī, Abu'l-Qāsim, Khusruw Mu'tazīd. *Az Furūgh al-Salṭānah tā Anīs al-Dawlah: Zanān dar Ḥaramsarā-yi Nāṣir al-Dīn Shāh, Barrasī, Taḥlīl-i Zindigī, Rāydhā, va ... (From Furūgh al-Salṭānah to Anīs al-Dawlah: Women in Nāṣir al-Dīn Shāh's Harem: An Analysis of Their Lives, Events, and...)* 1st ed. Tehran: Gulrīz Publications, 1999.

In this book, the lifestories of women in Nāṣir al-Dīn Shāh's heram, from Furūgh al-Salṭānah to Anīs al-Dawlah are stated. The readers are also

202- *Tahlīl va Tafsīr-i Majmū'ih Asnād-i Rūstāyi va 'Ashāyirī-yi Īrān (Analysis of the Set: Iran's Rural and Tribal Documents)* Ed. Javād Ṣafī-Nizād, 1st ed. Tehran: Ātīyih, 1998.

The present two-volumed work is a collection of the rural and tribal documents about some regions of Iran with detailed interpretations and analyses. Vol. I of the set consists of two parts: "Census of Turbat Ḥaydarīyah in 1296 (A.H.)" and "Census of Ṭabas in 1298 (A. H.)" respectively. The present documents include some comprehensive information about families, capital, and professions of the mentioned regions. Vol. Two also contains two sections: "of Dashman Zīyārī document in 1068 (A.H.)", and "Documents of traditional agriculture in Varāmīn between 1290-1310 (A.H.)" respectively. The first part of the latter vol. is the oldest tribal document in Iran. It concerns Dashman Zīyārī Tribe, addressing the sons and people of the region, 112 of whom from various regional families were supervising the execution of the will. Part two of the very vol., i.e. "document of Varāmīn" includes the contracts relevant to Varāmīn's public domains in Nāṣir al-Dīn edīn-Shāh's age.

203- Tadayun, 'Atā'ullāh. *Naqsh Āfarīn-i Alamūt (History Makers of Alamūt)* 1st ed. Tehran: Tehran Publications, 1999.

The present book is a research on the life, activities and thoughts of Ḥasan Ṣabbāḥ, leader and founder of Iran's Ismā'īlīyān sect and also the social and political conditions during that era. The book has been prepared in sixteen chapters, the titles of which are as follow: Confession of Alamūt's white falcon; reviewing Ḥasan Ṣabbāḥ's reply to Malik Shāh; Ismā'īlīyān worries; Khayyām and Ghazālī; a short discussion about the Bāṭinīyān's method of publicity; temperament of Seljuks, the enemies of Ismā'īlīyān; underground activities of Ismā'īlīyān in the centers of big cities; bloody settlement in Alamūt, resurrection in Alamūt (557-561 H.); Hūr Shāh and disgrace of surrender (645 H); international reflection of Alamūt uprising.

204- *Tadhkirat al-Shu'arā' Sulṭān Muḥammad Muṭribī Samarqāndī (The Poets' Biographies / Sulṭān Muḥammad Muṭribī Samarqāndī)*. Ed. Asghar Jānfadā, Introduction by 'Alī Rafī'ī 'Alā Marwdashtī. 1st ed.

Kirmānī). Ed. The Cultural Institution of Qadr-i Valāyat. 6th vol. 1st ed. Tehran: Qadr-i Valāyat, 1999.

In No.6 of the set "The history of cultural invasion of West: the function of the affiliated intelligentsia" Mīrzā Āqā-khān Kirmānī is introduced. Mīrzā Āqā - khān was born in Kirmān in 1270 (A.H.). Having passed the elementary courses, he left Mashhad for Istānbūl. During his residence in Istānbūl, under the influence of various social factors, he was subjected to unusual intellectual changes. Reading Mīrzā Fath 'Alī Ākhūndzādah's "Three Letters" in Turkish language, he rejected religious ideologies. He had an immediate relationship with Mīrzā Malkum-khān. The book mainly includes "a brief record of Āqā-khān's biography", "transformation of his mental characteristics", "his principles", "his intellectual and political activities".

200- Tabriznīyā, Hasan. *Barkhī 'Ilal-i Nāpāydārī-yi Ahzāb-i Siyāst dar Īrān (Some Reasons on the Instability of Political Parties in Iran)*. 1st ed. Mashhad: Siyāvash, 1998.

In the current research, the historical processes and various reasons of the instability of political parties in Iran are interpreted. This research has been categorized in five chapters with the following titles: Party principles and structures; A short history of parties in Iran; Experiences and points; Evaluating some theories on the reasons of instability of political parties in Iran; Some reasons of the instability of political parties in Iran.

201- Tajvidī, Alī. *Mūsīqī-yi Īrānī: Muqaddamih, Navā, Rāst Panjgāh, Sigāh va Āthār-i Mu'alif (Persian Music: Introduction, Navā, Rāst, Panjgāh, Sigāh and Author's Works)*. 2nd vol. 1st ed. Tehran: Surūsh Publications, 1998.

The present work contains notes of Rast-e-Panjgāh, Nawā and Sigāh tunes. Also poems appropriate with musical elements of Irānian melody on various notes have been gathered. In the beginning of the book some points on the Irānian musical systems are mentioned.

1st ed. Tehran: Hīrmand Publications, 1999.

The readers of the book are provided with Iranian mythological stories within four chapters. The first chapter, titled "The Old Stories and Narratives", includes old stories and narratives about Pīshdādīyāns, Kīyānīyāns, Alexander, Pārsīyāns and Sāssānīds. The second chapter is about the documents of the old stories. The third chapter, titled "Evaluating and Comparing the stories with History", covers topics from the ancient times to Manūchihr, from Manūchihr to Kaiqubād, from Kaiqubād to Gushtāsb and from Ghustāsh to Dārā's decease. The fourth chapter is concerned with general topics about the pre-historic centuries.

198- *Tārīkh-i Alburz: Maqālāt Pīrāmūn-i Tārīkh-i Māzandarān, Gīlān, Gulistān, and Simnān (The History of Alburz: Articles on the history of Māzandarān, Gīlān, Gulistān and Simnān)*. Ed. Tīsāpīh Asadī. 1st Vol. 1st ed. Qā'imshahr: Rujā, 1999.

The present collection contains ten selected articles about history and culture of Māzandarān, Gīlān, Gulistān and Simnān presented at the historical-regional seminar on the History of Alburz. The titles of the articles and their writers' are as following: The situation of Caspian sea in the regional history by 'Azīz Tawīlī; Zill al-Sulṭān and the governorship of Māzandarān and Gurgān (1277-1279 A.H.) by Jamshīd Qā'imī; In memory of Mīrzā Mahdī, a rare manuscript about Babism in Gīlān by Husain Ṣamadī; Fortresses with the background of fire temples in Tunikābun by 'Alī Asghar Yūsufī Nīyām; Identification of an Īmām's offspring's shrine (Sayyid Rizā Kuntī Bihshahr) by Tīsāpah Asadī; Waqār al-Salṭanah Gīlānī, an activist in two revolutions: the review of a document belonging to constitutional age by Maḥmūd Dihqān; Ruler's assassination in Kīyā'īyān periods by Hūshang 'Abbāsī; The cause of contemporary political movements' defeat by Firiydūn Nuwzād; Historical and ritual monuments in Māzandarān's culture by Asadullāh 'Imādī; The illustrations of Alburz and Rai in Ṭabarī's history by Rujā Aḥmadzādh.

199- *Tārīkh-i Tahājum-i Farhangī-yi Gharb: Naqsh-i Rushanfikrān-i Vābastih, Mīrzā Āqā Khān Kirmānī (The History of Cultural Invasion of West: The Function of the Affiliated Intelligentsia, Mīrzā Āqā Khān*

conditions. This sort of thanksgiving impairs the motivation to change the present situation. Therefore, life is limited to subsistence. From the author's viewpoint Iran is in this situation. Through essays titled "Tomorrow is too late", "Inflation and the uncommitted to revolution", "Intellectuals' mission and characteristics", "Men and toymen", "Industry and pseudo-industry", he interprets Iran's condition from a "negative thanksgiving" perspective. In the first part, we perceive articles, titled "To welcome liberty", "To accept realities", "To respect national trends", and "To improve historical memories", all of which treat of the current age and particularly the presidential period of Sayyid Muḥammad Khātāmī.

195- Panāhī Shafūyī, Yadullāh. *Sharfūyih Dār al-Mu'minīn. Shīrāz, 1998.*

In this book, issues about the history and culture of Sharfūyih village, a suburb of Lār city in Fārs province, have been prepared. The main topics of the book are as follow: Geographical specifications and state divisions of Sharfūyih; history of Sharfūyih; the great men of Sharfūyih, holy sites of Sharfūyih; language, dialect, and vocabulary of Sharfūyih. Writer's notes, bibliography and several pictures of Sharfūyih village and its historical monuments are also included in this book.

196- Pūrahmad, Kīyūmarth. *Shāh: Ravāyat-i Sīnamāyī (King: Cinematographic Narration)*. 1st ed. Tehran: Ruzanahkār Publications, 1999.

The scenario deals with Rizā Khān and Muḥammad-Rizā Pahlawī's biographies and the historic and influential moments in their lives. The present script begins with a picture of Rizā shāh dressed in a soldier's uniform and ends with the occurrence of the Islamic Revolution, Shāh's flee to Egypt, and finally his death in Cairo Hospital. On the final pages of the book, various pictures of Muḥammad Rizā Shāh and the events of the Islamic Revolution have been gathered.

197- Pīrnīyā, Ḥassan. *'Aṣr-i Asāfīrī-yi Tārīkh-i Īrān (Mythologocal Era of Iran's History: The Outstanding Events of the Legends of Ancient Iran)*

Figure of Baghdad during Ilik-Khānīd era; Baghdad in the final years of Ilik Khānīd era. The book includes a bibliography, indexes of names and places.

193- Pārsā-Dūst, Manūchihr. *Shāh Ṭahmāsb-i Avval (King Tahmāsb I)*. 1st ed. Tehran: Shirkat-i Sahāmī-yi Intishār, 1998.

The book is a research into the life of King Ṭahmāsb I of Ṣafawīds, and the events during his rule. It is comprised of seven sections; each including several chapters. The first section, titled "The Years of Weakness", includes two chapters with the titles: "King Ṭahmāsb and Monarchy" and "King Ṭahmāsb's efforts to stabilize his power". The second part, titled "King Ṭahmāsb and Neighbours", covers the following chapters: King Ṭahmāsb and Uzbigs; King Tahmāsb and Ottomans; Sulṭān Bāyazīd, seeking asylum in Iran; King Ṭahmāsb and other Ottoman Kings. The third section, titled "King Ṭahmāsb's Conquests", covers the following topics: The conquest of provinces (i.e. Qandihār, Shirwān, Shakī and Sīstān); Continious attacks on Georgia. "The fourth section, titled "King Ṭahmāsb and Humāyūn-Shāh, includes "Humāyūn-Shāh before visiting King Ṭahmāsb " and "Humāyūn-Shāh and King Ṭahmāsb " respectively. The fifth part, titled, "King Tahmāsb and Internal Problems", covers "Uprisings and riots", "Gīlānīyāns' uprising" and "The uprising of Tabrīz". The sixth part, titled, "King Tahmāsb's Country Administration", covers the topics: "Internal policy, Methods of country administration. King Ṭahmāsb and people. Transfer of capital city to Qazwīn, Shāh Ṭahmāsb's foreign policy, The final years of King Ṭahmāsb. The seventh part includes two chapters, titled, "King Ṭahmāsb's impotence" and "Evaluation of King Tahmāsb ". The final part covers appendixes, a bibliography and an index of names.

194- Parhām, Mahdī. *Shukrānih-yi Manfī: Imrūz, Dīrūz, Fardā (Negative Thanksgiving: Today, Yesterday, Tomorrow)*. 1st ed. Tehran: Shālūdih, 1999.

The author reveals the point that "thanksgiving" is due to "lack of opportunities" and not "possessing them". For instance, people in a society which is socially, politically, and economically instable constantly compare their own conditions with people who live in worse situations. That makes them feel grateful regarding the fact that they do not live in similar

dynasty so that a summary of political situations of the period and the first and second - hand sources are represented respectively. In the part -- The history of Iran after Islam – the historians are introduced in alphabetical order, recalling their distinguished works. At the end, a short account is provided on the conversion of various calendars.

191- Bayāt, ‘Azīzullāh. *Kullīyāt-i Tārīkh-i Taṭbīqī-yi Īrān (Main Features of Iran’s Comparative History)*. 1st ed. Tehran: Amīr Kabīr, 1998.

In this work, the author compares the main features of historical events of Iran in pre and post-Islamic epochs with remarkable events in other countries in each period. Then, for each historical period in Iran, he parallels the historical events and upheavals of contemporary countries. The book has been divided into four parts: I. Pre - Islamic dynasties; II. Post-Islamic Iran; III. From Ṭāhīrīd to Mongols’ attack; IIII. From Mongols’ dominance to the fall of Pahlavid dynasty. Each part consists of several chapters so that each of them is devoted to a ruling dynasty. The book is annexed to a bibliography.

192- Bayānī, Shīrīn (Islāmī Nadūshan). *Tīsfūn va Baghdad dar Gudhar-i Tārīkh (Tīsfūn and Baghdad in the Course of History)*. 1st ed. Tehran: Jāmī Publications, 1999.

The present book is a research into the formation, development, bloom and decline of Tīsfūn and Baghdad cities from the oldest to the end of Mongol era, arranged within twelve chapters. The topics, covered in these chapters, are as following: The foundation of Baghdad; Baghdad the mythological; The ancient Babylon in relation with Baghdad; Baghdad after the Achaemenids and the construction of Seleucid city; Seven cities of Madā’in (Balāshgird, Wah Ardishīr, Wah Āntūk Khusruw, Hanbū Shāh pūr, Tīsfūn); Sassanids and Tīsfūn; Fall of Tīsfūn, Madā’in and after it; Madā’in replaced by Kūfah; Madā’in and Mongols; Baghdad in Islamic era; Choosing ancient Baghdad as the capital city; Iran verses Baghdad; Tughrīl Big Siljūk’s successors and Baghdad; A general look at Baghdad during Abbassid era; A list of buildings, monuments and districts; Gates; Mongols’ attack and the fall of Baghdad; Baghdad during Ilik Khanīd era; The role of Christianity in the fall of Baghdad; The bloom of Baghdad in Ghāzānīd era;

Ātashī, Hūshang Ibtihāj, Mahdī Akhawān Thālith, Parwīn I'tiṣāmī, Manṣūr Awajī, Shahrnūsh Pārsīpūr, Gulī Taraqī, Ṣafdar Taqīzādih, Asghar Ilāhī, Rubāb Tamadun, `Alī-Muḥammad Ḥaqshinās, Bahā al-Din Khuramshāhī, Sīmīn Dānishwar, Maḥmūd Dulat-Ābādī, Munīrih Rawānī-pūr, Yadullāh Ruyā`ī, Muḥammad-`Alī Sipānlū, Suhrāb Sipīhrī, Manūchihr Shaibānī, Hūshang Gulshīrī, Jawād Muḥabī, Firiydūn Mushīrī, Ḥamīd Muṣadiq, `Abbās Ma`rūfī, Ibrāhīm Mukallā, Zīya Muvaḥid, Nādir Nādirpūr, and Bīzhan Najdī. The second section of the book contains "dialogues and interviews" mainly about "poetry", "culture", "story writing" and "women". There is an index at the end of the book.

189- Bihnūd, Mas'ūd. *Majmū'ih Maqālāt-i Ḥurūf: Guẓīdi-yi Maqālāt-i Du Ḥarf va Ḥarf-i Dīgar (Letters: 32 Articles. A selection of Articles Published in "Two Letters" and "The Other Letter")*. 1st ed. Tehran: 'Ilm Publications, 1999.

The present book contains 32 short articles selected from the author's two books titled "Two Letters" and "The Other Letter". The first twelve articles are discussions, which, according to the author, are about "human being, in general". The second section includes five articles discussing the global questions, particularly the political and humanistic problems of the contemporary age. The third section contains the following figures' biographies: "The King", "Iḥsān Ṭabarī", "Īraj Iskandarī", "Muẓaffār Baqā`ī" and "Muẓaffār Fīrūz". At the end of this section, there is an article, titled "The Third Generation", through which the author analyzes the above-mentioned figures in a specific historical period. The fourth section is and criticism of books through which the author deals with some characteristics of "Muṣadiq", "Jalāl Āl-i-Aḥmad", "Taqīzādih" and "Allahyār Ṣāliḥ". The last section is the author's biography and more about his birth-place-Tehran.

190- Bayāt, `Azīzullāh. *Shināsāyi-Manābi' va Ma'ākhidh-i Tārīkh-i Īrān (The Recognition of Sources and Origins of Iran's History)*. 1st ed. Tehran: Amīr Kabīr, 1998, 2 vols.

Having referred to the function of documents and documentation in history, the author categorizes, regarding the periods of Iran's history, pre and post - Islamic dynasties to Qajarid era. Each chapter is devoted to one

the reasons and background of Nurūz festivity appearance, Jamshīd's revolution as well as performing Jamshīd's justice tradition. The fourth section provides the readers with Nurūz customs and traditions performed and ingrained in Iranian culture. Moreover, the author has introduced the very Nurūz traditions no longer practiced.

187- Bulūkbāshī, 'Alī. *Naqd va Nazar: Mu'arifi va Naqd-i Āthārī dar Adabīyāt-i Mardum Shināsī (Critique and Review: Introduction and Criticism of Some Ethnological Works)*. 1st ed. Tehran: The Center for Cultural Researches, 1998.

In the present work, there are eighteen essays already published in various periodicals during a 36-year-old-period. The essays are, concerning their subject matter, classified in five sections with the following titles: The range of Iranian mythology (the age of Iranian mythology in Ṭabarī's history, knowledge of Iranian mythology and...); The range of faith and religion (phenomenology of pilgrimage rituals, Islam in practice, historical ethnology of Middle - East Islamic territories); Women in ideological and practical arena (women's viewpoints, women of Dihkūh); Ethnic in historical and cultural arena (world Moslem ethnics; Silk-Road, the question of national minorities in the former Russian Soviet, immigrants); Science, art and literature (Maysarī's Dānishnāmih, the paintings at the top of the doors of Tehran's old buildings, Religious mourning plays (Ta'zīyih-nāmih) of Darbandsar, the Balūch's folk poems and...).

188- Bihbahānī, Sīmīn. *Yad-i Ba'ẓī Nafarāt (In the Memory of Some Figures)*. 1st ed. Tehran: Alburz Publications, 1999.

Mrs. Bihbahānī, first, replying poetically to some critics concerning her poems, points out the following subjects: "Time and poetry"; "Coherence in modern and classical poetry"; "The value of vocabulary resonance"; "The value of vocabulary formation"; "The poet's language"; "Illustration"; "The poetry with little illustration"; "Metaphoric illustration". Then, she, under the title "In memory of some figures", presents ranges of some contemporary poets and writers' lives, situations and works occasionally in the form of memories and poetical perception. The figures whose photographs are also published here are as following: Manūchihr

184- Bakhshandih, Farhād. *Tārīkh-i Mukhtaṣar-i Jahān-i Islām Bā Ta'kīd bar Vaqāyi'-i Īrān: az 'Ām al-Fīl tā Qarn-i Pānzdahum-i Hījri-yi Qamarī* (A Concise History of the Islamic World with an Emphasis on the Events of Iran: From the so-called Elephant-Year to 15th C.A.H.). 1st ed. Tehran: Chugān Publishers, 1999.

The subject of the book is a brief explanation on the political history of Islam and Iran in Islamic period from the appearance of Islam to 15th c. (A.H.). The topics of the book are arranged in order of Moslem calendar cc: the eminent events in each century are pointed out. (*According to Islamic history, during the so called year the Abyssinian King - Abraha and his forces, riding elephants, attacked Mecca, but were defeated by Allah's order, it is also the Prophet Muḥammad's (PBUH) birth date-trans.)

185- Barzīn, Sa'īd. *Zindigīnāmi-yi Sīyāsī-yi Muhandīs Mahdī Bāzargān* (The Political Biography of Mahdī Bāzargān Eng.) 1st ed. Tehran: Markaz Publications, 1999.

The topic discussed here is to study and describe the life story and the political struggles of Engineer Mahdī Bāzargān and also the most important events relevant to him in contemporary history and Islamic revolution. The book covers twelve chapters with the following titles: "The Roots", "The First Political Experiences", "Socio-Islamic Ethics", "Resistance Against the Coup-d'état", "Social and Historical Law", "Religious Attraction among People", "Rejection of Despotism", "Ideological Struggle", "The Structure of Islamic Ideology", "Revolution and Temporary Government", "The Defeat of Liberal Movement", "The Rule of Law and the Government of Common People". On the last pages, there are a list of Bāzargān's works and a directory.

186- Burūmand Sa'īd, Javād. *Nurūz-i Jamshīd: Pazhūhishī Nuvīn az Pīdāyish-i Nurūz* (Jamshīd's Nurūz: A New Survey of Nurūz Appearance). 1st ed. Tehran: Tūs, 1998.

The author has provided, through four sections, some information on Nurūz. The first section is about the festivities performed in Farvardīn since ancient times, bringing about dignity and priority for the month. The second section deals with the sacrifice rituals in Farvardīn. The third section studies

182- Bāqirī, Muḥammad-Mahdī. *Mukhtaṣarī az Tārīkh-i Baṣṭām: az Piydāyish tā Hukūmat-i Qājārīyān (A Concise History of Baṣṭām: From its appearance to Qajarids sovereignty)*. 1st ed. Tehran: A'lamī Publications, 1998.

The author provides a picture of “Baṣṭām” from the earliest to the contemporary age. The titles of some chapters are as following: Natural geography of Baṣṭām; The oldest narrative about Baṣṭām; The nature of Baṣṭām in ancient time; Plundering of Baṣṭām by Seleucids; Religion and tradition of Baṣṭāmīyāns in the ancient time; Baṣṭām during Islamic period; The history of “Qumis” conquest; The history of Imām’s offspring’s, Muḥammad - Imām Ṣādiq’s son (PBUH) - arrival in Iran and his residence in Baṣṭām; The reason of Imām’s offspring’s – Muḥammad - murder; Building a dome and a shrine for Imām’s offspring – Muḥammad; Amīr Tāj al-Dīn Baṣṭāmī; Baṣṭām and Sarbidārāns movement; Baṣṭām and Ṣafarids; Baṣṭām and Sāmīds; Baṣṭām during the period of Īsmā‘īlīyah Sect; Baṣṭām and Seljuqs; Baṣṭām and Khwārazmshāhids; Baṣṭām during Mongols’ attack; Baṣṭām and ‘Alawīds’ sovereignty; Baṣṭām and Safavids’ sovereignty; Baṣṭām in the age of Afshārīyah, Zandīyah and Qajarids sovereignty; Historical monuments of Baṣṭām; Baṣṭām’s scholars and noblemen; Ancient arena religious theatres of Baṣṭām; Baṣṭāmīyah elegy.

183- Baḥraynī, Ḥusain. *Tajaddud, Farātajaddūd va pas az Ān dar Shahrsāzī (Modernism, Post-Modernism, and after in Urban Design)*. 1st ed. Tehran: Tehran University Press and Publication Inc. 1999.

The author, having a glance at “the unpleasant experience of modernism and post-modernism”, points out the 20th century realities concerning urban design. Then, referring to the experiences of other countries, he represents the consequences of urban design in Iran. The main topics of the book are as following: Annihilation of modern urban design; Post – modernism: Anew extinction or existence; Modernism or post – modernism in urban design; Post – modernism in urban architecture and design; Two post – modernistic perspectives in urban design; Post – modernism and urban planning; Changes after post – modernism.

influence on calendars and mendicants' traditions and ceremonies; Buddha's biography in Arabic and Persian languages;" Metaphors and narrative literature in the story of Būdāsiff and Blūhir; Islamic theology and ethics manifested in the story of Būdāsiff and Blūhir.

180- *Inqilāb-i Islāmī va Tahdīdāt (Islamic Revolution and Threats)*. 'Alī Sa'īdī Shāhrādī. 1st ed. Tehran: Islamic Propagation Organization, The Center of Press and Publication, 1978.

In the present work, the author, analyzing, in briefly, the policies of the enemies of the Islamic revolution, specifically the method of their cultural invasion, puts forward the appropriate strategies to counteract it. To clarify the question, he discusses the following subjects: The major reason of global imperialism for opposition and obstruction of Islamic movement; A literal and a metaphoric definition of revolution; The aspects of the Islamic revolution; The background of enemy's plots against Islamic movement; The plots of imperialism against Islamic revolution; The enemy and the subversive strategies (including military and political ones, economic sanction, spying and espionage, cultural invasion); The domain of cultural invasion (including incursion on the principles of religious ideology, religious background, people's moralities and culture); The specifications of cultural invasion; The strategies and policies for counteracting the cultural invasion; The background of incursion on the principles of the religious ideology; The policy adopted to counteract the invasion of ideology in past; The policy to counteract the west invasive trend. The book contains a bibliography.

181- Bāqirzādih Bābulī, 'Abd al-Raḥīm. *Āshnāyī bā Farzānigān-i Bābul dar si Qarn-i Akhīr (Familiarization with the Thinkers of Bābul During the Last Three Centuries)*. Introduction by Ja'far Subḥānī Tabrīzī. 1st ed. Qum: Mab'ath Publications, 1998.

In this collection, information about 29 religious scholars of the city of Bābul during the last three centuries has been gathered. Among the persons mentioned, we can refer to Shaykh 'Abdullāh Māzandarānī, Shaykh Ja'far Ishrāqī, Āyatullāh Sayyid Ibrāhīm Thābitī, 'Allāmah Ḥāyirī Māzandarānī, Shaykh Najaf-'Alī Fāzil, and Sayyid Zain al-Ābidīn Adnānī.

177- Imāmī, Karīm. *Shīrāz va Chishmandāzhā-yi Pīrāmūn-i Ān (Shīrāz and Its Surrounding Views)*. Photographer: Muḥammad Šādiqī Fasā'ī. 1st ed. Tehran: Zarrīn, Sīmīn, and Nāristān Publications, 1999.

In the present book some artistic and colorful pictures of various historical, social, cultural, natural and artistic manifestations of Shīrāz have been gathered. The pictures are provided with Persian and English explanations and are arranged according to these subjects: 1) Shīrāz in the past and present; 2) following the migrant clans; 3) other panoramas of Shīrāz; 4) an honourable past.

178- Amīrī Isfandqah, Murtaẓā. *Īn Sharḥ-i Sharḥi Sharḥi: Tajallī va Barrist-yi Ijmālī-yi Ramẓān dar Advār-i Shi'r-i Pārsī (The Explanation of the Sliced Heart: The Manifestation and a Brief Study of Ramādhān in the Periods of Persian Poetry)*. 1st ed. Tehran: Safīr Šubh Publications, 1999.

The present book, containing some poems on Ramadan, analyzes the effect of the very month, on the different periods of Persian poetry. The topics of the book are as following: "Khurāsānī style"; "Khayyām, a philosopher and a poet"; "Mysticism and sufism"; "Iraqi style"; "Hindi style;" and similar topics. Among the poets whose poems are quoted here are Farukhī Sīstānī, Amīr Mu'izī, Khayyām, Nāšir Khusruw, Ḥāfiẓ Shīrāzī, Anwarī and Jalāl al-Dīn Muḥammad Balkhī.

179- Amīnī, Ḥasan. *Bāztāb-i Būdā dar Īrān va Islām (The Influence of Buddhism on Iran and Islam)*. 1st ed. Tehran: Mīr-Kasrā, 1999.

The present research includes three subjects: 1) The influence of Buddha's instructions, preaching, and traditions on Iran and Islam, particularly on the Islamic Sufism (mysticism), 2) Recognition of identity, background and historical importance of Būdāsiff and Blūhir, the heroes of the Islamicized story, 3) Similar and different points of stories in literary, mystic and philosophic subjects spread among Moslems in Persian and Arabic languages throughout history. The above - mentioned subjects are interpreted through the following titles: Comparative theology; Buddhism in Islam; The 2500-year-old-history of Buddhism; The background of Buddhism in Iran; Buddhism reflection on Islamic sources; Buddhism

173- Iftikhārzādiḥ, Maḥmūd-Rizā. *Tahrīr-i Avestā'ī Tārīkh-i Īrān-i Bāstān: Āyīn va Farhang (Avestaic Writing of Iran's Ancient History, Iran: Ritual and Culture)*. 1st ed. Tehran: Risālat-i Qalam Publications, 1999.

174- Afshār, Īraj. *Yazd Nāmih: Yazd Namā – Mutūn-i Pīshīnih – Pazhūhishhā-yi Tārīkhī ... (Yazd Nāmih: A Picture of Yazd, Ancient-Texts, Historical Researches)*. 1st ed. Tehran: Yazdān Publications, 1999.

The second vol. of "Yazd Nāmih" contains discussions about Yazd which includes ten chapters as following: A picture of Yazd, i.e. Yazd-Namā (a collection of Ghazals about Yazd); Ancient texts; Historical researches (including ten articles); Archaeology and archaeological monuments; Geography and travel notes; Culture and literature; Art and paintings; Bibliology; Documents; Photograph and drawings.

175- Afshār Sīstānī, Īraj. *Jazīrih-yi Kīsh: Murvārīd-i Khalīj-i Fārs (Kīsh Island, the Pearl of Persian Gulf)*. 1st ed. Tehran: Hīrmānd Publications, 1999.

In this book, the natural, economic, cultural and historical specifications of Kīsh Island are introduced within three chapters. In the first chapter, the writer describes the geographical, natural, strategic and geopolitical situations of Persian Gulf. Moreover, he introduces the islands, ports, rivers, climate characteristics, and the etymology of the term Persian Gulf. The second chapter, devoted to the study of Kīsh Island situation, covers four sections: Geographical and natural situation of Kīsh Island; Etymology, historical background and archaeological monuments of Kīsh Island; Social position of Kīsh Island; Economy of Kīsh Island. The third chapter of the book covers the indexes of names, figures, places, references and the writer's works.

176- Afshār Sīstānī, Īraj. *Jazīrih-yi Hindūrābī va Daryāy-i Pārs va Niḡāhī bi Jazāyir-i Fārūr va Fārūrgān Shāmil-i: Uzā'-i Ṭabī'ī, Juḡhrāfiyāyī, Tārīkhī ... (Hindūrābī Island and Persian Sea: A Glance at Fārūr and Fārūrgān Islands Including Natural, Geographical, Historical ... Situations)*. 2nd ed. Tehran: Ruzānih, 1998.

Ārā: the formation of Muṣadiq's government and the nationalization of oil; the mission of Harriman, the disputes of British-Iranian Oil Company in the United Nations; Muṣadiq's visit to Washington; and other events in that period.

171- *Asnādī az Ravand-i In'iqād-i 'Ahdnāmih-yi Duvvum-i Arzanah al-Rūm, 1258-1264 A.H. (Documents on the Negotiation Process and the Conclusion of the Second Contract of Arzenahal-Rūm, 1258-1264 A.H.)* Ed. Naṣrullāh Ṣālihī. 1st ed. Tehran: Press and Publication Organization of Ministry of Foreign Affairs, 1998.

In this book, a collection of documents and historical correspondence in Qājārīd Period belonging to the second contract of Arzenahal-Rūm" between Iran and Ottoman (1258-1264 A.H.) have been gathered. The documents, arranged chronologically, mainly consist of correspondence between the officials of the two countries, a number of orders and the subjects of contracts. The book contains a short introduction about the history of Irano-Ottoman relations, the causes and procedures of the second contract conclusion. On the final pages, the indexes of names, places, tribes and clans have been collected. Moreover, with the typed text of each document, the photograph of its manuscript is included.

172- *Iftikhārzādih, Maḥmūd-Rizā. Islām va Īrān: Madhhab va Millīyat-i Īrānī (Islam and Iran: Religion and Nationality)*. 1st ed. Tehran: Risālt-i Qalam, 1999.

The author, in the first section of the book, having a glance at the historic eras of ancient Iran, studies the aristocratic structure, the bases of the Zoroastrian clergy's power, the methodology of religious ritual practice and jurisprudential assemblies in Sassanid age. In the second section, he discusses the appearance of Islam and its function on the formation of Iranian identity, nationality and history. In the last section, he elaborates the principles and elements of Iranian national identity, such as Āshūrā (the 10th of Muḥarram, the day of Imam Ḥusain's martyrdom), Iranian mourning traditions, religious mourning plays (ta'zīyah), Nurūz and its ceremonies. To display the reflection of Islam on Iranian national identity and culture is the author's principal message.

tribes at present, traditions, social relations, economic situations, and political events of the area. The writer has arranged the book with the following topics: historical background of tribes and human civilization;

Iranian tribes; Iran's policy and tribes; scattered distribution of tribes in Azerbaijan; Pre-Islamic tribes of Azerbaijan; Post-Islamic tribes of Azerbaijan; Tribes and clans of East and West Azerbaijan; Mughān and Sāvālān; Shāhsuwan tribe; Tribes and Nadirshāh; Mughān steppe-tribes; Traditions and culture of Shāhsuwan tribe; Clothing and ornaments of Shāhsuwan tribe; Trade; Education and worship; Feasts and wedding; Burial, etc. The book ends with some photographs and a bibliography.

169- Ismā'īlī, Maḥmūd. *Qaṭrih-yi Bārān: Chand Nāmih bi Pisaram, bi Javānān-i Khārij az Kishvar (The Rain Drop: Some Letters to My Son and the Youth Abroad)*. 1st ed. Tehran: Maḥmūd Ismā'īlī and Kitāb-i Zamān Publications, 1999.

The book contains the letters that the author in the recent years has written to his son abroad, through them he has provided some scientific information on water, oil, the contemporary social and historical conditions of Iran. Some topics of the book are as following: Kavīr's lonely flower; Šadām's attack; Baren Reuter; The oil century; The discovery of oil; The owl of war; Rizā khān's coup-d'état; Khuramshahr's release; Qādisīyah; The allies' army in Iran; Šadām's chemical weapon; Expropriation of British Oil Company; Dissimulation and hypocrisy; Three imprisoned characters in Dizfūl; Conquest of Fāw; The governor of Ahvāz prison; Acceptance of resolution 598. It is to consider that the subjects of the book are arranged with no chronological order.

170- *Asnād-i Ravābiṭ-i Khārijī-yi Americā dar bāri-yi Nihzat-i Millī Shudn-i Naft-i Īrān (The Documents of Foreign Relations of U.S.A. about the Oil Nationalization Movement in Irān)*. Trans. 'Abd al-Rizā Hūshang Mahdawī and Aṣghar Andarūdī. 2nd Volume. 1st ed. Tehran: 'Ilmī Publications, 1998.

The documents collected in this book deal with the following subjects: economic aid to Iran; US interests in settling the disagreements between Iran and Britain on oil; events resulting in the murder of Prime Minister Razm

affairs through the letters of an exchanger; Trade and banking affairs in the early 14th century A.H.; The list of Iran's army in World War I (1914-1918); Renting and rental houses in Tehran; The case of renting the tax of Tobacco in Kurdistan 1333 (A.H.); The problems of an Iranian student living in Germany (1340-1348 A.H.) 1921-1930 A.D. The book contains photographs and tables: it ends with an index of names.

166- Aḥmadī, Ḥamīd. *Qumīyat va Qumgarāyī dar Īran: az Afsānih tā Vāqī'īyat (Ethnicity and Ethnocentrism in Iran: From Myth to Reality)*. 1st ed. Tehran: Nashr-i Nay, 1999.

The author, studying ethnical issues methodologically, comments on the questions of ethnicity, nationality and identity. According to three major variables: "modern authoritative government", "the campaign of political elites", and "international political effect", he reveals his theoretical ideology concerning the upheavals of Kurdistan, Azerbaijan and Balūchistān so that their experimental validity can be evaluated.

167- Arjumand, Mahdī. *Ulgūhā-yi Ravāyat dar Sīnamā-yi Īrān (The Patterns of Narration in the Cinema of Iran)*. 1st ed. Tehran: Fārābī Cinematographic Foundation Publications, 1998.

In this book, the author attempts to decode analytically the concept of narration and the internal world of the eminent narrators of the cinema of Iran. He tries to answer why cinema has, in the course of its improvement, benefits fiction forms to communicate with its audiences as well as why the narrative films, as a prevailing trend, dominate the world of cinematographers presently. The issues, contained in the book, are: "What is narration?"; "The expressive forms in Iran's cinema"; "Aesthetic experiences": "Modern values".

168- Ismā'īlpūr, Jamshīd. *'Ashāyir-i Ādharbāyjān va Īlāt-i Mughān (Azerbaijan Tribes and Mughān Clans)*. 1st ed. Tehran: Fākhtih Publications, 1999.

The present book is a research into the tribes and clans of Azerbaijan, introducing the residing and immigrant tribes of this region in ancient Iran and after Islam. the various specifications and characteristics of the regional

letter written by Ihsān Ṭabarī", "Khalīl Malikī, Īraj Iskandarī and Dr. Anwar Khāmi", "the list of Group 53", "Index of Names" and "Photographs"

164- Āyatullāhī, 'Alī-Rizā. *Shurāhā-yi Kishvarī va Āmāyish Shahr va Rūstā (State Councils and Development of City and Village)*. Ed. Nādir Zakariyā-pūr. 1st ed. Tehran: 'Alī-Rizā Āyatullāhī, 1998.

The discussion of the book has been classified under two categories: 1) "Local Societies" through which the following subjects are interpreted: A) Village association or rural council, B) City and town councils, C) The method of general elections, D) The law of responsibility organizations and the elections of country's Islamic councils, E) The election of mayors, F) Municipality in Iran and etc; 2) "Urban Societies" through which the followings are explained: A) Provincial or regional council, B) The manner of people's participation, C) The responsibilities of provincial council.

165- Ittihadīyah, Manṣūrih (Nizām Māfi). *Īnjā Tihrān Ast ... Majmū'ih Maqālātī dar bāri-yi Tihrān (Here is Tehran: A Set of Articles about Tehran 1269-1344 A.H.)*. Ed. Muṣṭafā Zamānī-Niyā. 1st ed. Tehran: Tārīkh-i-Iran Publications, 1998.

"Here is Tehran" is a set of articles. prepared using the private documents, on different problems of Tehran in the previous century such as population, culture, court, security, police, endowments, crown lands, provisions of the city, women and businessmen. The titles of the articles, arranged in seventeen parts, are as following: The growth and development of Tehran during Nāṣirīd period (1269-1320 A.H.); Tehran, the cultural centre of Iran, during Qājārīd era; The memoirs of Qājārīd statemen, a review of court affairs and the courtiers' relations; The socio-economic structure of Bāzār and its surrounding district in the 2nd half of the 13th century (A.H.), besides the list of shops, professions and occupations in Tehran in 1269 and 1320 (A.H.); The security in Tehran during Nāṣirīd era and the duties of police; Land trading in Tehran; a look at the social situation of Tehran in the early 14th century (A.H.); Tehran's endowment and the changes of city (1269-1320 A.H.); Tehran and Warāmīn's crown lands; The imports of Tehran gates, the introduction of a document; Women's position in Qājārīd society; Women's activities in constitutional revolution; Banking

162- *Āmūzigār-i Jāvīd (The Everlasting Teacher*. Ed. Şādiq Lārījānī. 1st ed. Qum: Mirşād, 1998.

The present book contains articles by some scholars and writers to honor the late Mīrzā Hāshim Āmulī's scientific and spiritual position. Ten Arabic and fifteen Persian essays with various jurisprudential, methodological, philosophical, explanatory and historical subjects are gathered in this set. The first section includes his biography. The title of some of the articles and their writers are: *The Philosopher's Gift (Tuḥfat al-Hakīm)* by Javādī Āmulī; *On the judge's knowledge* by Sayyid Muḥammad Khāminihī; *On the meaning of Bismillāh al-Raḥmān al-Raḥīm (In the name of God, the merciful, the compassionate)* by Husain Mazāhirī; *Pre-Islamic intellectual philosophy* by Parvīz Adhkāī; *Āshūrā (the 10th of Muḥarram) - buttress of Shi'ism* by Sayyid Ja'far Shahīdī; *Jurisprudential heritage (song and music)* by Rizā Mukhtārī.

163- Awānisīyān, Ardishīr. *Khāṭirāt-i Siyāsī (Political Memoirs)*. Ed. 'Alī Dihbāshī. 1st ed. Tehran: Shahāb-i Thāqib, Sukhan Publications, 1999.

The present book is the political memoirs of one of the activists and an outstanding member of Iran's communist movement arranged with different titles. It should be mentioned that "Āwānisīyān" was a member of the group "53". He was born to an Armenian family in a village near Tabrīz in 1284 H.S. and died in 1369 H.S. in Iran. Setting up the union of pharmacy workers in Rasht in 1301 H.S., he started his activities as a member in Communist Party and later in Tūdi Party. Accordingly he was sentenced to imprisonment and exile so many times. Finally having been sentenced to death by default, he spent some years in asylum. The topics of some chapters are as following: Establishing Iran's Tūdi Party; Relation with comintern; Marxist literature; Bihshahr workers' trial; Organization in Māzandarān; Some of our methods in the beginning of party's activity; Movement of Tūdi Party in Azerbaijan; About Ja'far Pīshihwarī; The active members of party in Azerbaijan; About the Azerbaijan democrat faction; Khurāsān uprising; About Ruzbih; The activities of Iran's Tūdi Party in parliamentary elections; The story of 'Alī Dashtī and... The book contains twelve supplements such as "the organization of Iran's Communist Party in Khurāsān", "Memories of Iran's Communist Party", Ardishīr Āwānisīyān's

*Abstracts of
Books*

Winter & Spring 1999

Golchin

periods as under: 1) The first period that started before the advent of Islam and continued until the Safavid Period. 2) The second period beginning during the Safavid era and ending just before the premiership of Amīr Kabīr. 3) The third period beginning with Amīr Kabīr's premiership and ending in 1316 AH. 4) The fourth period starting in 1316 AH, when the National School of Thought Association was established, and ending at the time of the second Constitutional Movement. 5) The fifth period beginning at the time of the second Constitutional Movement and ending in 1912. 6) And finally, the sixth period, which started in 1912 and has been the most glorious period in the history of education in Iran.

sorcery. From the findings in ancient graves in Māzandarān, it is so understood that they believed that in the next world the dead ones would live a very earthy way of life and would possess the same sentiments they had had in their lives. Then the author has mentioned the rituals and beliefs of the ancient nations such as Massagets and Kassites concerning the burial of the dead and their treatment of old people; he believes that the burial of the dead with his possession had its roots in Sumerian culture. Among the things, found in Tūrang Tappah, is a sculpture of a goddess, which implies the importance of the role played by women in social affairs. The growth of the social domination of women led to the growth and stabilizing of maternal relations that was finally sanctified. Though the beginning of this civilization in Māzandarān is not known, it suggests the advance of tribal society in Māzandarān. With the appearance of agriculture, the natural powers such as rain, fire, sun, and thunder attracted the attention of men. Thus it is not so surprising that they were worshipped in Māzandarān.

161- Marzīyih Yazdānī, "Tārīkhchih-yi Ma'ārif dar Īrān: Bāzkhānī-yi Guzārishī az Rūykard-i Īrānīyān bi Gustarish-i Farhang va Ījād-i Mu'asisāt-i Āmūzishī (The History of education in Iran; Reviewing a Report about Iranian's Approach towards Culture and the Establishment of Educational Institutions in Iran)," *Ganjīnih Asnād*, No. 31 and 32 (Autumn-Winter 1998): 10–25.

After giving a brief introduction about historical documents and dividing the documents available in the National Archives of Iran into three groups of government, collective, and personal documents, the author reviews the contents of a government document and highlights the conditions of education from before the advent of Islam until 1934. According to the author, this document, which was a report prepared on the advise of the Statistical Council of Iran, indicates that the trend of education in Iran had been influenced by that of Europe. Thus, as we approach the date of the preparation of the report, we find that generalizations are less and are replaced with objectivity. The author also emphasizes on this point that the report is, to a large extent, influenced by the communalism and nationalistic extremism that was prevalent during Rizā Shāh's rule. The report has divided the cultural trend in Iran into six distinct

(spring 1999): 96-101.

This is the second part of an article about the history of orchestras in Iran. The first part was dedicated to an analysis of official and governmental orchestras. While this part discusses the popular non-governmental orchestras. From the analytical and historical points of view, the initial organizers of these orchestras could be categorized amongst those who were although attracted to the western culture and its great civilization, still maintained a truthful and increasing relationship with their own traditions and culture. Turning to the western culture was an answer to a social dilemma that came about with the appearance of Constitutionalism in Iran. Therefore, some changes took place in the methods, instruments and forms of musical performance. In that period, the Ukhuvvat (Fraternity) Association, headed by Mīrzā 'Alī Khān Zahr al-Dawlih, became the refuge for musicians such as Darvīsh Khān, Bāqir Khān Rāmishgar, Husain Khān Ismā'īlzādi. Nāyib Asadullāh Iṣfahānī, Sayyid Husain Tāhirzādi, etc., who used to perform in the Association. The programs of the Association included the presentation of European and Iranian music in the form of orchestras. The second group are the followers of the College of Music and the 'Alī-Naqī Vazīrī School, amongst which was the Orchestra of Parvīz Irānpūr. As part of this group, we can also name the Maestro, 'Alī Akbar Khān Shahnāzī, who in 1305 (1926) founded the Association of Iranian Music Promoters. The article continues with the introduction and historical progress of other personalities and groups that were active in the field of orchestras. Amongst these personalities and groups we can name the Orchestra of Murtaẓā Khān Maḥjūbī and the Orchestra of Jāmi'i-yi Bārbad, founded in 1305 (1926) by Ismā'il Mihrtāsh. The article concludes with the introduction of some of the musical instruments used in orchestras as well as the introduction of famous musicians.

160- Ṭayyār Yazdānpanāh Lamūkī, "Farhang-i i'tiqādī-yi Māzandarān-i bāstān: az āghāz tā hazārah-yi duwwum-i pīsh az milād ("The Creedal Culture of Ancient Māzandarān: From Beginning down to The 2nd Millenium B.C.)," *Chīstā*, Nos. 154 & 155 (Diy and Bahman 1377/1998): 333-336.

The author of the present article believes that the religious belief of the people of Māzandarān had been Totemism, leading in the course of history to some other beliefs such as Tabooism, Manichaeism, and

unwanted details - like to the wrinkles and folds on clothing - so as not to create unnecessary distraction. In Iranian miniature paintings, space, mainly represents the celestial realm and forms and colours are considered as manifesting the forms and colours of the World of Similitude ('Ālam-i Mithālī).

158- Rasūl Hādīzādih, "Āghāz-i Rāh-i Nuvīn dar Pazhūhish-i Adabīyyāt-i Dawri-yi Sāmānīyān (The Beginning of a New Method of Research on the Literature of the Samanid Era)," *Iranology*, No. 12, (Spring 1999): 58-69.

In this essay by a Tajik writer, the author has first touched upon the experiences of learning the history of literature of the Sassanid era as well as the works of Rūdakī in Tajikistan. He writes that this issue has existed in Tajikistan for approximately 200 years. During this period, the faces of a great number of anonymous and less-renowned poets of the Sassanid era and earlier have been reflected and the works of the tenth century poets and earlier have been painstakingly collected and have been repeatedly printed in a scientific way. In short, in the field of textology and the knowledge about our historic literature, the Western orientalist have rendered great historical services in prescribing the time, space and literature of the Sammanid era. In learning the history of Fars and Tajik literature, a new trend was created for the first time with the initiative of a Moscow scholar of Daghestan origin, i.e., Muḥammad Nūrī Osmānov. Another new method and way in learning the Persian literature, was the scientific method of the versatile Russian scholar, Mikhail Bakhtin, to be followed later on in some research articles by a new generation of Tajik researchers. In his article, the writer has proposed some methods and new principles of research on the Persian and Tajik literature, especially the literature of the Sassanid era and has later pointed to the measures taken by Tajik scholars in collecting and printing the poetry of Rūdakī. He however mentions that, the complete and authentic, scientific and edited text of Rūdakī has not been compiled so far and has proposed to the Iranian scholars a new way as a token of cooperation in this connection.

159- "Yāddāshthā-yī darbārih-yi Sābiqih-yi Tārīkhī-yi Urkistr (Notes on the Historical Background of Orchestras, Part II)," *Maqām*, No. 4

therefore, in these paintings whatever which is pictured contrary to the real world paintings is not because of the artist's ignorance and inability, but it's due to the artist's deliberate ignoring the reality. In this regard five paintings of this kind has been selected and analyzed from the school of Kamāl al-Dīn Bihzād and his students, which include: the first painting is of Yūsuf and Zulaikhā (a page from Sa'dī's *Būstān*, by Kamāl al-Dīn Bihzād in the late of 9th century); the second painting is of Khusruw and Shīrīn (a page of Nizāmī's *Khamseh*, ascribed to Sultān Muḥammad in 10th century); the third painting is of Shaykh San'ān and the Christian girl (from Amīr 'Alīshīr Navāyī's *Khamseh*, ascribed to Shaykhzādi in 10th century); the fourth painting is of Sufī in bath (from Jāmī's *Haft Urang*, ascribed to Qadīmī in 10th century); the fifth painting is of Majnūn in the tents (from Jāmī's *Haft Urang*, ascribed to Shaykh Muḥammad).

157- 'Alī-Rizā Nurūzī-Ṭalab, "Justārī dar Mabānī-yi Naẓarī-yi Hunar va Maḥālim-i Nigārgarī-yi Īrānī (An Enquiry into the Theoretical Principles of Art and the Concepts of Miniature Painting in Iran)," *Hunar (Art) Quarterly*, No. 39 (spring 1999): 86-106.

This article initially deals with the theoretical principles of art and the characteristics of Iranian paintings and miniatures from an observer's point of view. According to Nurūzī-Ṭalab, Iranian miniatures possess some general characteristics, which to some extent, can also be seen in the artworks of other nations. The general characteristics of the art of Iranian painting are: Ignoring the use of absolute realism and avoiding the employment of perspective and dark to light techniques while representing forms and symbols (by means of shapes and colours); emphasizing the elements of ornamentation and illusionary spatial depth; relying on the utilization of lines for the purpose of separating surfaces and employing the traditional methods of miniature painting; making use of the art of calligraphy in order to describe images and to decorate borders; the illustrations of mythical characters, angels, djinns and demons; the combining of man's daily environment with Euclidean geometry; the creation of ornamental and decorative borders in architecture as well as combining man's daily environment with nature in a logical, balanced manner; and the absence of paying minute attention to excessive and

music has been discussed in the latter part of the article and the writer has suggested many alternatives to review and reform some types of Iranian music which would be more adaptable to the present social conditions and Shari'ah (religious laws) of the country.

155- 'Abd al-Husain Navā'i, "Asnādī az Dāstān-i Taryāk (The Documents of the History of Opium)," *Ganjīnih Asnād*, No.31 and 32 (Autumn-Winter 1998): 62-75.

Opium has had a very long and fluctuating history in Iran, marked by ups and downs. In certain periods of history, the consumption of this controversial drug was supported and encouraged while at other times its cultivation and consumption were strictly banned. This paper contains fourteen documents discussing the cultivation, consumption, trade, monopoly, and the bans on opium in Iran as well as a list of the public places that had been especially used as opium joints. The original documents are in the official possession of the National Archives of Iran, copies of which are presented in a chronological order in this paper. Although opium is the common topic of discussion in all these documents, the subject matter of each of these documents is widely varied and even contradictory. While one document holds the monopolization of opium as the factor responsible for millions of deaths and murders, another document elaborates on the need for quitting its consumption. Yet another document goes on to prove how years of piled stocks of opium were being spot-sold to the government; at the same time one more document is regarding a person's appeal to Rizā Shāh for the need to raise the purchasing price of opium from the farmers. The multifarious approach and attitudes exhibited by these different documents reflect on how national interest was neglected or ignored in favor of selfish, individual interests.

156- Kāmbīz Navāyī, "Panj Majlis dar Nigārgarī-yi Īrānī (Five Paintings of Iranian Miniature)," *Ravāq*, No. 2 (Winter 1998 & Spring 1999): 21-37.

This article aims at proving the claim of a group of researchers who believe that Iranian miniature pictures the World of Similitude (ʿĀlam-i Mithālī) and doesn't pay any attention to the World of Realities: and

153- ‘Abd al-Raḥmān Najl Raḥīm, “Ṭa‘m-i Gīlās: Namāyishī az Payvand-i Sirisht-i Insān bā Ṭabr’at (The Taste of Cherries: Man and Nature),” *Guftugū (Discussion)*, No. 23 (spring 1999): 114-127.

This article evaluates the film, “The Taste of Cherries”, directed by ‘Abbās Kīyārustamī. Najl believes the director of this film to be a naturist and a thinker who possesses a unique style of his own. He believes that in this film, Kīyārustamī has attempted to draw aside the veils of awareness and self-awareness of man, so as to discover a deeper rooted meaning to human life and death, alongside the living nature. He has used many professional tricks in the film to expose the position of human beings in the world, vis-à-vis life and death. To get his point across on screen, Kīyārustamī resorts to making the leading actor in his film commit suicide (technically considered to be a disgraceful termination of life), and who, by avoiding any emotional explanations for his unconventional decision, challenges cultural and social misconceptions, in order to uncover the vulnerable position of man, in his direct relationship with nature.

154- “Nigāh-i Kūtāhī bi Mūsīqī-yi Īrānī az Manzar-i Tafakkur (A Brief Review on Iranian Music Through Reflection),” *Maqām*, No. 4 (spring 1999): 134-141.

This article or speech, whose writer is anonymous, has been compiled in two parts. The first part discusses the present situation of music in Iran and the relationship between music and culture, politics, society and the social and psychological importance of music. The second part deals with the views of scholars regarding music and the manner in which it is related to other sciences such as mathematics and philosophy. The article continues with the description of different types of contemporary music and their characteristics. In this section, different types of secular and liturgical music and their characteristics are explained. In Pre-Islamic Iran, there were three common types of music: martial music, religious (liturgical) music and entertainment music. Martial music was used during wars, defences and resistance against enemies and the instruments used were mostly wind instruments, *karnas*, *dirāz-nāys* (a kind of wind instrument), *surnāys*, percussion and a variety of drums. This kind of music developed greatly in western countries in the form of military marches. Contemporary Iranian

Khānī (a kind of narration in which a poem or prose is sung in homage to the wisdom of a deceased beloved). Hamlah-Khānī. Pardah-Khānī (a kind of narration in which an image of the tragedies of Karbalā are painted on a large panel and the story is related by narrators) and Rawzah-Khānī (in which poems are recited at funerals in memory of the Martyrs of Karbalā). The writer of this article has categorized the art of narration into three types on the basis of the content and theatrical form: a) theatrical chanting and story-telling, b) theatrical story-telling of popular legends, and c) religious theatrical narrations. The most important religious epics mentioned in this article are: Khāvarnāmih, Šāhibqarānnāmih, Mukhtār-nāmih, Shāhnāmih-ye Hayratī, Qazv-nāmih-yi Asīrī, Khudāvandnāmih, Urdībihishtnāmih, Dilgushānāmih, Jangnāmih, and Dāstān-i ‘Alī Akbar (the Story of ‘Alī Akbar). Hamlah-yi Haydarī written by Mullā Bimān-‘Alī Rājī Kirmānī, was later completed by Mīrzā Abū Ṭālib Findiriskī.

152- Khusruw Nāqid, “Īrānshināsī dar sarzamīn-hā-yi ālmānī zabān (Iranology in German –Speaking Countries),” Vol.2, *Bukhārā*, No. 4 (Bahman and Isfand, 1377/1998): 160-175.

In the present article, the author has introduced those Persian literary works that have been translated and published in German. Some of them are as following: 1) The Stars of Oriental Poetry in the West, which includes the most beautiful Persian classical poems by Khayyām, Mulavī, and Hāfiz. 2) “damhā-yi ghāyib” (Absentees), by Taqī Mudarrisi; 3) “Mardī bā krāvāt-i surkh” (A Man with a Red Tie), a collection of novels by Hūshang Gulshīrī; 4) “Sū va shūn”, by Sīmīn Dānishvar; 5) “Zimistān-i 62” (The Winter of 1979) by Ismā‘īl Fasīh 6) Samfūnī-yi murdigān (The Deads’ Symphony), Rishtih-yi tasbīh (Bead’s String) and “Paykar-i Farhād” (Farhād’s Body) all by ‘Abbās Ma‘rūfī. 7) Nasīm-i sharq (The Orient Breeze), compiled by Muhammad ‘Allāfī and translated by some Iranian and German translators. The book includes sixteen short stories. Besides the above-mentioned books, “Iran Zamīn” Journal, which is published in Germany by the Center of Iranian Culture and Civilization, has been introduced as well. This journal is published seasonally and its editor in chief is ‘Alī Rahbar.

150- Humā Nātiq, "Payāmad-i Tanzīmāt-i 'Uthmānī Sarāghāz-i Buḥrān-i Siyāsī-Farhangī (Political and Economic Consequences of the Reforms in the Ottoman Empire on the Turks, Armenians, and Iranians, Part I)," *Bukhārā*, No.5 (March-April 1999): 281-306.

This article is the first of a three-part article about the reforms in the Ottoman Empire in the 19th century. In this article the author examines the consequences of the so-called reforms in the Ottoman Empire among the Turks, and other nations, particularly the Armenians, and by relying on available documents and political reports claims that the western powers that were plotting to disintegrate the Ottoman Empire were displeased about the trends of progress in this country, and the reconciliation between the Turks and the Armenians. Discussing the role of the Christian missionaries, the freemasons, and the political representatives of the European governments in creating rifts among the Armenians and Turks, the article also throws light on the existing relations between the Ottoman Empire and Iran at different points of time. As explained by the author, the first round of reforms continued until 1808. The second round began in 1808, when Maḥmūd II or Sulṭān Ghāzī Maḥmūd II came to power, and continued until 1839. The third stage of reforms was initiated by Sulṭān 'Abd al-Majīd – supported by his Prime Minister, Rashīd Pāshā – in 1839 and continued until 1860. According to the author these reforms also had their impact on Iran.

151- Farhād Nāẓirzādiḥ Kirmānī, "Ḥamlah-Khānī: Gūnih-yi Muhimī az Naqālī-yi Madhhabī dar Īrān (Ḥamlah-Khānī: An Important Kind of Religious Narration in Iran)," *Hunar (Art) Quarterly*, No. 39 (spring 1999): 65-74.

Ḥamlah-Khānī is a kind of religious narration, the "content" and "text" of which have been mainly acquired from the book "Ḥamlah-yi Ḥaydarī" by Rājī Kirmānī. To deeply understand this book, one should become more familiar with the art of narration and religious narration, in particular. An outstanding example of religious narration is Ḥamlah-Khānī. The issues pointed out in this article include the characteristics of the art of narration (dramatised story-telling) and its importance in Iran. The many types of religious narration include: Manāqib-Khānī (a kind of narration in which a poem or prose is sung in homage to a deceased beloved), Fazā'il-

of the string into 17 segments or melodies. This treatise comprises two articles. The first article defines the division of dimensions, compilation and dissonance, study of cycles and a list of the 84 scales. The second article describes the science of cadence. The important point about Banāyī's treatise is that it is literary brief, and easily understandable and is enriched with an outstanding calligraphy.

149- 'Abbās Milānī, "Tadhkirat al-Awliyā va Tajaddud (Biographies of Friends of God and Modernism)," *Kārnāmiḥ*, vol. 1, No. 3 (Isfand 1377/1998): 100-107.

Sufism is one of the foundations of Iranian spirituality and *Tadhkirat al-awliyā* is one of the most influential and important works of the Sufis. This book was written at the first part of 7th century A.H./13th century A.D. Capitalism and civilization gradually developed, the domination of church and theology was gradually replaced by that of a civic society, and scientific and conventional thought. Among the most eminent characteristics of *Tadhkirat al-awliyā* is its language. In brevity and firmness as well as in eloquence it is among the rare Persian writings. The language, employed in this book, is at the peak of expressiveness and strength. The other characteristic of the book is the poetic substance of 'Attār's prose. The language of the book is not only easy to understand and difficult to imitate but is also rhymed and rhythmic. On the other hand, the make-up of *Tadhkirat al-awliyā* represents the philosophical essence of Sufism. The narrative composition of the chapters (*abwāb*) of *Tadhkirat al-awliyā* is also fascinating. Every chapter begins with a rimed description of one of the Sufis. In most chapters, immediately after this brief account, the name of guides, under whom the Sufi in question has been taught is mentioned. Then we come to the reason behind the Sufi's repentance. After this, a great part of the chapter is dedicated to the Sufi, describing his sayings and miracles. Most of the chapters of *Tadhkirat al-awliyā* end with the death of the Sufi and the dreams they had about him on the night of his death. The next part of the article deals with the philosophical nature of *Tadhkirat al-awliyā* and the characteristics of the man it intends to address.

reservation. Among the entire works of Khayyām, Hidāyat has dealt Naurūznāmeḥ separately, for one can find in this book certain scientific materials, which contrary to other books, have escaped Khayyām and unveil his inner thoughts. At the end, it can well be said that by transferring the studies and researches of the European Iranologists to the cultural milieu of Iran, Hidāyat has introduced a new trend in the field of Khayyamology.

148- ‘Alī-Rizā Mīr ‘Alī Naqī, “‘Alī ibn Muḥammad Mi‘mār Banāyī: Khushnivīs, Shā‘ir, Mūsīqīdān va Āhangsāz (‘Alī ibn Muḥammad Mi‘mār Banāyī, Calligrapher, Poet, Musician and Composer),” *Maqām*, No. 4 (spring 1999): 120-123.

This article had been originally written for the Islamic Encyclopaedia Foundation, which has been reproduced in *Maqām* to make it available to those interested in music. ‘Alī ibn Muḥammad Mi‘mār Banāyī, was born in Herat and lived in Mīyānīh. He was also known as Kamāl al-Dīn Shīr ‘Alī Banāyī Hiravī. He first became famous as a calligrapher and then turned to poetry. Banāyī was his title and his nom de plume was Ḥālī, which is also the name of his Divān (book of poetry). He was extremely fond of music and wrote two treatises on the techniques of Advār (Iranian musical cycles) and was skilled in creating different musical patterns and styles. He then became a devotee to Shaykh Shams al-Dīn Muḥammad Lāhījī, the Nūrbakhshī Sufi leader of Fārs Province and composed poems in his praise. Later on, he spent his life in the courts of many kings until he was killed in Transoxiana, during the invasion of Amīr Najm Thānī, the minister of Shāh Ismā‘īl, either in 918 A.H. or 922 A.H. He was granted the title of Malik al-Shu‘arā (the King of Poets) by Shakīb Khān. He composed all kinds of poems and his famous works include a book of poetry (Divān), the versified stories of Bahrām and Behrūz and the Shaybānī Nāmih Mathnavī. Banāyī was also famous for his re-emergence as a musician, a proof of which is his treatise on music. The introduction to his treatise includes a brief sermon, which is characterized by the use of simple words and expressions of musical terminology. The introduction begins with his definition of music followed by a description about melodies, high and low pitches and then goes on to defining “dimension”. He then discusses “anef” and “masht” (the alphabet used as notation in ancient Iranian scales) followed by a description of the division

is the two are intertwined. In the relation of poetry and music, "accent" plays an important and fundamental role, and taking the syllable on which accent is placed, every word finds a special meaning.

147- 'Alī Mīr-Afzālī, "Šādiq Hidāyat va Tarānih-hā-yi Khayyām (Šādiq Hidāyat and the quatrains of Khayyām)," *Nashr-i Dānish*, 16th year, No. 1 (Spring 1999): 27-39.

Ḥakīm 'Umar Khayyām of Nayshābūr is the highly celebrated Iranian poet in Europe whose quatrains have been translated and printed time and again in European countries. Šādiq Hidāyat is the foremost Iranian researcher, who through studying the achievements of the European Iranologists, became the founder of the relatively modern method of critical analysis and compilation of the quatrains of Khayyām. In 1924 he arranged the printing of his *'Muqaddamih 'i bar Rubā'iyāt-i Khayyām'* (prolegomenon to the Quatrains of Khayyām), the material of which he gathered from the 'history of the Iranian Literature, authored by Edward Brown and from the research works of other Iranologists. After 10 year, Hidāyat published *'Tarānih-hā-yi Khayyām'* (the Quatrains of Khayyām). In the preface to the book, he has mentioned the collection of 80 to 1200 quatrains attributed to Khayyām and considers them as to lack form and spiritual and structural versatility. Following his research on and exploring the old Persian and Arabic resources and references, Hidāyat considered a total of 14 quatrains to be attributed to Khayyām and has called them as the basic and key quatrains of Khayyām. Valentine Zhukovsky discovered 82 quatrains from a total of 464 quatrains included in the collections of 39 Persian poets which he found attributed to Khayyām in Nikolai edition and called them the wandering quatrains being attributed to two or more poets. This method has more digestive value and has been objected to by a number of researchers. Among these opponents and their pioneer in Iran has been Hidāyat. Comparing the Persian poets with Khayyām, Hidāyat has divided the poets into 2 categories, those who have nothing to do with the Khayyāmian themes and those who follow the school and genre of Khayyām. Hidāyat does not accord more credit to the scientific books of Khayyām, for according to him, Khayyām has written these books on the instructions and request of the ruling circles in which he has followed the method of dissimulation and

expansion of diversity and pluralism in society, amending the approach towards politics and its culture, limiting the structure of political power, paying attention to class structure in society, and creating an atmosphere of tolerance. Muhājir is also of the view that by studying the constitution of the Islamic Republic of Iran, one would observe that the four basic pillars of the rulership i.e., legitimacy, acquisition of power, application of power and the process of limiting it have been laid down in a very unique manner. According to him, it is on the basis of the fourth pillar or the process of limiting the power that the foundation of the civil society is laid down.

146- Līdā Mihrdādpay, "Irtibāt-i Shi'r va Mūsīqī (The Relation between Poetry and Music)," *Maqām*, No. 4 (Spring 1378/1999): 28-37.

In the first part of the article, the constructive factors in the relation between music and poetry are studied; and certain kinds of local songs and the occasions, on which they are sung, are introduced. Songs for parties are divided into urban and rural songs. According to the late Khaliqi, rural songs are among the richest sources of music in every country, for they are not so influenced by urban thinking and thus, are more natural and original. Iranian rural songs are, in terms of melody, very rich, and among the most attractive and fruitful folkloric songs of the world. They are the symbols of our way of thinking, civilization, culture, nation, and history. Iranian rural music is divided into rural song music and rural dance music; they are composed of percussion melodies and songs, with concrete metrics. The themes of these songs are related to the lives of villagers. The styles of these themes are as follows: endeavor, heroic acts, epics, religious rituals, songs, lyrics. Despite the diversity of styles, those songs with lyric themes are predominant. Urban songs are divided into ten types: 1- narrative (in praise of kings and rulers); 2- lyric; 3- advising; 4- mystical; 5-patriotic or political; 6- grievance; 7- critical; 8- satirical; 9- songs for children; 10- *baḥr-i ṭawīl*-like songs (*baḥr-i ṭawīl* is a sort of "poem", in whose metre the feet are repeated in a great number). Since olden times, poetry and music have been closely related. Both of them are the fruits of a lofty art; they are, in fact, twins. Music speaks in sounds, and poetry speaks in a language and words are among its building elements. Since the relation between poetry and music causes the two to be manifested in the same form, it is called *taḥfīq* (composition), that

(*umma*), the world state of the inhabited part of the earth); then he enlists the conditions and characteristics of the president (*ra'is-i awwal*) in all three levels of the political system.

145- Muhsin Muhājir, "Jāmi'ih-yi Madanī va Jumhūrī-yi Islāmī-yi Īrān (The Civil Society and the Islamic Republic of Iran)," *Dīyānat va Madanīyat*, No. 9 and 10 (Winter 1998 and Spring 1999): 46-63.

According to the author, the civil society is a method for administering man's social life that goes through changes and developments in the course of the history, and the existing interpretations about it may be subjected to reconsideration. Thus, any form of absolutism and dogmatism about accepting or rejecting it is invalid. As a method, the doctrine of civil society is universal and is of a neutral nature and could be compatible to many cultures and social structures. The West has not so far reached any absolute conclusion about the concept of civil society and its relationship with the government. No answers are as yet provided to such questions as a) does it come into existence before the government, b) is it equal to the government, c) is it opposed to it, or d) is it formed after the government collapses? Muhājir is of the opinion that while challenging the concept of civil society and the ways and means of its materialization in Iran, the following points should be borne in mind: 1) It is a concept that was originally formed in the West. 2) The criteria for evaluating the western concepts should be clearly defined. 3) There is no agreement among the social scientists that the doctrine of civil society can or cannot be adopted against a religious background. 4) In case its adaptation to the society requires any modifications should we reconsider the ways of debating it? 5) Is it possible, under the new communication conditions, to deal with it by resorting to dogmatic refutation? 6) Unmindful reactions towards western thoughts and ideas result in backwardness or the cultural and identity annihilation of societies that are not proactive. 7) While translating and transferring other people's thoughts the personal interpretations and motives of the translators are also included that cause problems for religious thoughts. The author then makes a few suggestions that, in his view, would expand the interactions between the government and the civil society and increase the efficiency of both. These suggestions include law and order.

143- Manūchihr Mūqārī, "Gustariḥ-yi Tajālī-yi Sufāl: Nigarishī bar Āthār-i Hunarmandān-i Sufālgar dar Shishumīn Namāyishgāh-i Dusālānih-yi Sufāl dar Mūzih-yi Hunarhā-yi Mu'āṣir-i Tihrān (A Presentation of the Luxury of Ceramics: A Glance at the Works of Ceramic Artists in the Sixth Biennial Ceramics Exhibition held at the Contemporary Arts Museum of Tehran)," *Hunar (Art) Quarterly*, No. 39 (spring 1999): 107-126.

This article is the study of the works of ceramic artists in the Sixth Biennial Pottery Exhibition held at the Contemporary Arts Museum of Tehran and discusses the characteristics of the works of the artists in each gallery, as well as the cultural, traditional and artistic symbols, patterns and forms of the works exhibited.

144- Muḥsin Muḥājir. "Andīshah-yi sīyāsī-yi Ṣadr al-Muta'allihīn (Political Thought of Ṣadr al-Muta'allihīn)," *Qabasāt*, vols. 3 & 4, Nos. 10 & 11 (Winter 1377/1998, Spring 1378/1999): 108-125.

So far philosophers and thinkers have not succeeded in agreeing upon a common and comprehensive concept of politic and each of them has maintained certain limits for it. Today, some claim that politics should not be regarded as having a rigid concept, but on occasion it should be redefined according to new approaches and attitudes. Mullā Ṣadrā (Ṣadr al-Muta'allihīn) believes that politic are a deliberate, rational attempt, based on man's natural needs, to correct the social life, in order to attain happiness and divine goals. He classifies politic under two headings: humane and divine. Mullā Ṣadrā considers the relation between religion and politics to be based on the relation between "world and religion" and "world and the hereafter". According to him, politics without religion is like a body devoid of spirit. To show the instrumental role of politics in religion, he discusses it from four points of view: "origin, end, action, and reaction", and then he goes on to compare it with religion. He regards man as Allah's viceroy on the earth, and believes that performing this task and correcting the social life without politics and presidency is impossible. He divides societies into imperfect and perfect; and regards the perfect societies, which are at the level of government, at three levels (the city-state, the state of community

And in order not to loose his scholarly grandeur, he has spoken to the daughter of vine and abstention in strict and abstruse words and has ended up with praising the exalted Safavid under the pen name of Ḥasan. At the end, the writer gives a list of Āqā Ḥussayn Khwānsārī's compositions from different collections and magazines.

142- "Mūsīqī va Mūsīqīdānān-i Mu'āṣir-i Īrān (Contemporary Iranian Music and Musicians)," *Maqām*, No. 4, (spring 1999): 66-77.

By the end of the 8th Century A.H, Iranian music was still at the peak of its grandeur, only to suffer a decline by the beginning of the 9th Century A.H. The appearance of musical maestros started dwindling and the arena of music came to be dominated by inexperienced and incapable individuals. No important musical treatises were written from the period of 'Abd al-Qādir Marāqī'ī until the beginning of the reign of the Pahlavid Dynasty. Many musical instruments became extinct and music was limited to homes and closed doors, restricting its development and evolution. During the Safavid period, Shiite religious music and melodic culture were promoted and during the reign of Shāh 'Abbās, more attention was paid to the recital of the tragedies of Karbalā, the Adhān (the Moslem call to prayer), supplications and finally, passion-plays, which are the fundamental bases of Iranian religious music. Poets such as Muḥtasham Kāshānī contributed to the promotion of this kind of music by composing beautiful elegies. The essence of the art of instrumental music was dissolved in lyrical music that underwent some insignificant changes and was passed on to the Qajar period. During the reign of Nāṣir al-Dīn Shāh, passion-plays regained the same popularity as instrumental and entertainment music. Different types of palestra music, regimental music, dervish music and entertainment music were more or less popular but lacked the liveliness, power and magnificence of the past centuries. Music and musicians were completely isolated. In 1248 A.H. a school of military music was established at the Dār al-Funūn and a type of simple European music was introduced to the Qajar Court. The graduates of the Dār al-Funūn obtained great skills in western music and also became familiar with traditional Iranian music outside of the school. Fifty of the most popular contemporary Iranian musicians along with their biographies and works have also been introduced in this article.

important outcomes of this incident included the instability in the political determination of the Pahlavi regime, the heightening of the political demands of the dissident groups of the regime, the imposition of abortive curfews in the country, and the instability in the army. The author also reviews the role played by the US in the course of the Revolution in general and after the September 8 incident in particular. In the last section of the article, the author discusses Imam Khomeini's migration from Najaf to Paris, the spread of anti-government demonstrations and the fall of the Pahlavi regime.

141- Muḥammad-Rizā Muvahiddī, "Āqā Ḥusain Khwānsārī va Munsha'āt-i Adabī (Āqā Ḥusain Khwānsārī and Literary Works)," *Āyinih-yi Puzhūhish*, Nos. 55, 56 (Mar. Apr. - Jun. Jul., 1999): 11-66.

The prose of the Safavid writers, like that of the Timurid and post-Mongol periods, was elaborate and artificial and they looked upon simple writing as being against their pomposity. This tendency was found more often among court scribes and scriveners, who produced more abstruse and complicated prose, reflecting an exhibition of talent and poetic pomposity on the part of the writers. The scattered leftover compositions and writings of Āqā Ḥusain Khwānsārī indicate that he lived in the same milieu of scholarly writing. His prose, while describing the virtues of speech or giving an account of Gnostic gathering, is more delicate and penetrating than that which he uses in letters to the Sultan or on behalf of the Sulṭān. The grandeur and glory of formalities and etiquette of a king-court have cast their shadow on his penmanship. He corresponded with many a poet and writer of his time. Among the extant compositions of Āqā Ḥusain Khwānsārī, there are also a number of Arabic letters, the two most important of which are those written to the head of Mecca. It can perhaps be said that the most valuable and worthwhile piece in the compositions of Āqā Ḥusain Khwānsārī is a letter under the title *Qūrūq-i Sharāb*, 'The Wine Goblet', in which he shows his inclination towards wine and freedom from thought, and allowing himself to be prevailed upon by fantasy through a poetic narration full of poetic ferment within the framework of sensual mimesis, and touches upon the rapture derived from the wine of love and gnosticism and shows a corner of his inner sentiments in such a state of intoxication and drowsiness.

musical instruments, terminology and modes (a Maqām) of that period. The Roman, Fizerus, believes the main four strings of an instrument to be examples of the four temperaments: the high string symbolizes hot-tempered people, the second string symbolizes optimistic people, the third string represents easy-going people and the low string represents melancholic people. The high string is strung by the little finger, the second string by the ring-finger, the third string by the middle finger and the low string by the index finger. Iranians believed the ‘ūd (a kind of lute) should be accompanied by the nay (a kind of reed pipe), the zunāmī (a kind of woodwind instrument) with the tambūra, the surnāy (a kind of woodwind instrument) with the duhul (kettledrum) and the mustaj with the sanj (a kind of harp). Singing was accompanied by the ‘ūd and harp. Iranian music comprised a variety of melodies, tunes, ditties and songs which consisted of eight main categories: Bandistān and Bahār, Abrīn and Abrīnih, Mādar and Asbān, Shasm, Qubih and Ispirās. Kasrā stated: The ‘ūd is the best of all musical instruments and I am prepared to grant one hundred thousand dirhams towards its betterment and perfection. The Iranians have a musical instrument called the vanj (or vanaj), which has seven strings and is played like the sanj (harp). It is made by the people of Khurāsān and its rural regions. In Ray, Ṭabaristān (Mazandarān) and Daylam, the tambūra is played more than in any other region. Another instrument which was popular amongst the Nabātī and Jarāmiqih tribes was the Qūndul. The greatest musician in the court of the king, Khusruw Parvīz, was called Bārbad. It is said that whenever the king’s eyes and ears were afraid of announcing any bad news to the King, they asked for Bārbad’s assistance, who was able to calm the King’s fury by first playing a soothing melody. Bārbad composed more than seventy-five melodies and tunes in honour of the king, Khusruw Parvīz.

140- ‘Alī-Rizā Mullāyī, “Barrasī va Taḥlīl-i Rūydād-i 17 Shahrīvar 1357 H.S. (Reviewing and Analysing the Sep. 8, 1978 Incident),” *Pazhūhish Nāmih Matn*, No. 1 (Winter 1998): 267-290.

This article reviews the chronology of the Islamic Revolution since January 7, 1978 through to its victory on February 11, 1979, and discusses the September 8, 1978 incident in details. According to the author, the most

certainty is a permanent one: he regards the postulates to have the truest knowledge; to affirm them nothing but imagination of subject, predicate and relation between them is needed: and he considers the laws of non-contradiction and excluded middle to be the truest postulates. In western epistemology, following Plato, modality is added as a restriction to definition. Mullā Ṣadrā considers the knowledge to be knowledge of certainty (*'ilm al-yaqīn*), intuitive certainty (*'ayn al-yaqīn*) and truth of certainty (*ḥaqq al-yaqīn*): the first is demonstrative knowledge; the second is intuitive, and the third is an ontological connection. One of the foundations of the true knowledge is certainty, and if one considers the certainty to be unattainable, in fact he maintains that the true knowledge is unattainable. Mullā Ṣadrā regards the certainty not only possible, but also attainable. That is, Mullā Ṣadrā refuses skepticism and regards the certainty to be possible. He divides knowledge into acquired knowledge and knowledge by presence; and as regards the reason and its ability, he believes that man's soul is so prepared that all the truths will be manifested in it. Mullā Ṣadrā regards the knowledge by presence and postulates as the full example of knowledge and certainty. Correspondence with the real world is the other criterion of the true knowledge. Mullā Ṣadrā regards the sense as the origin of man's imagination, and sense in turn is among the hosts of reason. He thinks that man's perceptions are, at first, particular, and man's soul with the help of the reason attains the universal concepts. He considers five senses, knowledge by presence, and internal senses as the origins of imaginary perceptions, and thinks that knowledge is obtained in the course of man's life. Mullā Ṣadrā regards the postulates as the certain statements, corresponding with the real world. He deems the postulates as the truest knowledge, and among the postulates, he considers the laws of non-contradiction and excluded middle as the truest knowledge, being the basis of all sciences.

139- Ḥusain-'Alī Mallāḥ, "Risālih'ī az Ibn Khurdādbih dar Zamīnih-yi Mūsīqī-yi Durih-yi Sāsānī (A Treatise by Ibn Khurdādbih on Music in the Sassanid Period)," *Maqām*, No. 4 (spring 1999): 42-47.

The treatise "Al-Lahw wa Al-Hilāhī" by Ibn Khurdādbih consists of 29 pages which offer useful information on Iranian music, songs and poems of the pre-Islamic period. This treatise names some of the following Iranian

had reached perfection and would adopt a life of celibacy and austerity. The second group was the listeners or the common people.

137- Ma'şūmah Ma'dankan, "Rāhhā-yi Nazdīkī bi Hikmat-i Mawlānā (The Ways to Approach the Philosophy of Mawlānā)," *Irānshinākht*, No. 11 (Winter, 1377/1998): 84-99.

A way to approach the philosophy of Mawlānā is plunging into his great collection of lyric poems. In reading Mawlānā's lyric poems to grasp his philosophy, the reader should open all his internal, intellectual, spiritual, and inferential windows to the extremely volatile concepts of the symbolism, prevalent in these poems so that the reader may enjoy them. One of the ways to approach this point is grasping and knowing these symbols; and it is in this way that through reading only one *ghazal*, one can approach the philosophy of Mawlānā. One of the other ways is grasping the central point in each ghazal, for without grasping this point, the main theme of the poem cannot be found, and the scattered notions of a poem cannot be understood within a certain circle. The central point of a lyric poem is the stable mental, spiritual, or sentimental atmosphere, prevalent in the poet's thought and heart, while composing a poem. The other point is that Mawlānā's philosophy, without reading the great collections of lyric poems and *Mathnawī* simultaneously, is almost impossible to approach, or, at best, it is imperfect. And without mental practice and an attempt to grasp Mawlānā's symbols, these two great works cannot be understood. Then, the author has mentioned some of the most important themes in Shams' lyric poems.

138- Ḥasan Mu'allimī, "Ma'rifat Shināsī az Dīdgāh-i Hikmat-i Muta'ālīyah (Epistemology according to the Transcendent Theosophy)," *Qabasāt*, vols. 3 & 4, Nos. 10 & 11 (Winter 1377/1998, Spring 1378/1999): 86-93.

Previously epistemological issues were among the trivial issues in Islamic philosophy; they never were central to Islamic philosophy. Contemporary philosophers like the late 'Allāmah Ṭabāṭabā'ī, posed it [epistemology] as an introduction to philosophy. This article is to study epistemology as viewed by Mullā Ṣadrā. For Mullā Ṣadrā, the true knowledge is knowledge and certainty, corresponding to the real world. This

utilized rhetorical figures in his other odes; also, he has used other techniques masterfully enough in other poems. The writer then gives a few samples of the poems in which the poet has used these rhetorical figures.

136- Manīzhīh Mushīrī Tafrishī, “Mānī va Āyīn-i Ū (Mani and His Religion),” *Chīstā*, No. 154 and 155 (January–February 1998): 326-332.

Manichaeism is the first and foremost movement that separated from Zoroastrianism and began to spread in the 3rd century AD in Iran. Its rapid spread provoked the hostility of the leaders of orthodox Zoroastrians. By mixing the principles of various religions Mani tried to present a new faith to the world and bring the East and the West closer in this way. Mani was born into an aristocratic Persian family in southern Babylonia (now near Baghdad in Iraq) in the year 216 AD. His father was from Hamadān and his mother came from a Parthian family. In 242 AD he participated in the coronation of Shāhpūr I and claimed prophethood when he was 20 years old. The Iranians initially welcomed his religion but since Zoroastrians opposed it strongly and defamed him before the king, Shāhpūr exiled him from Iran. Mani returned to Iran during the reign of Hormoz and received his support. However, when Bahrām I succeeded to the throne, the Zoroastrian priests persuaded him to have Mani arrested as a heretic, after which he was executed in a gruesome manner. Mani believed that he had completed the missions of Zoroaster, Buddha, and Christ and has adopted certain parts from each of these religions. According to Mani, the creation of the entire universe was based on two elements. He considered light as goodness and spirit, and darkness equal to material and evil. He also believed in three distinct periods of history from the beginning to the end: the preliminary period, the middle period and the final period. His power of imagination allowed him to describe the world and the stages of its creation in a delicate manner, which has been discussed in details in this paper. Mani considered himself to be the last messenger of truth and claimed that his divine mission was to reveal all the knowledge that could deliver the human generation. In Mani's opinion, man was made of body, soul, and psyche. He had adopted this doctrine from the ancient mystical system of Christianity. He divided his followers into two groups. The first group was the chosen ones or those who

records or selected by a body of experts. 2) Selection of the ruler by the people based on the conditions laid down by the religion of Islam for the ruler. According to Mazīnānī, a review of Āyatullāh Muṭahharī's written works reveals that he believed in the former method i.e., the appointment of the Faqīh by the infallible Imams, who would in turn formulate secondary laws within his power and jurisdiction. In a nutshell, like many other Shiite thinkers Āyatullāh Muṭahharī believed in the absolute rule of the Faqīh and considered rulership to be based on Valāyat and not representation.

135- Jalīl Misgarnizhād, "Nigāhī bar Fanāvarī-yi Salmān dar Sanāyi'-i Badī' (A Glimpse at Salmān's Innovativeness in Rhetorical Arts)," *Īrān Shinākht*, No. 11 (Winter 1999): 64-83.

Despite the fact that the Eighth century Hijri/fourteenth century had been tumultuous owing to the historical and government circumstances and numerous rulers in different parts of Iran, but from the point of view of the multiplicity and diversity of schools of thoughts as well as from the point of view of a great number of literati and mystics, it has been very prominent and enjoys a great significance. Due to the abundance of mystical thoughts on the one hand, and poetry and literature on the other, the Eighth century Hijri has been the most flourishing and productive one. In such an intellectual milieu abounding in thoughts, not every one could attain respect and esteem unless he distinguished himself from his peers, and Salmān had been one of those. The eminence of Salmān Sāvajī among his contemporaries and in the entire Persian literature, which makes him an innovative poet with versatile, penetrating and enduring speech, can well be ascertained from his manner of versification, for he was influenced neither by intellectual and mystical currents, nor did he establish his own school and monastery and nor did he produce a single work on intellectual and traditional sciences. The art of rhetoric and rhetorizing shows us the artistry and strength of poets in different eras and has contributed to bring the poets to the forefront of fame who used it for the elegance of their speech and linked it to the spiritual expressions and who have tried to achieve expertise in this field. In this art, Salmān too, has produced a poem entitled '*Badāyi' al-Abḥār*', in which he has improvised 120 rhetorical arts, 64 poetical meters and the six-fold *Davāyir-i Arūzī*. Besides this sophisticated ode, he too has

this paper, Mudīr Shānihchī compares Abrahamian's views with those of other writers and researchers and after highlighting the existing similarities and differences between the various views about the causes of the Islamic Revolution of Iran attempts to critically evaluate the authenticity of Ebrahimian's views in interpreting it.

134- Muḥammad-Ṣādiq Mazīnānī, "Ḥukūmat va Mashrū'iyat dar Qarā'at-i Shahīd Muṭahharī (Government and Legitimacy as Seen by Shahīd Muṭahharī)," *Huzih*, Vol. 16, No. 19 (March-April 1999): 272-314.

This article discusses one of the most basic topics in the political philosophy of Islam i.e., "Legitimacy of Rulership", as viewed by Āyatullāh Murtizā Muṭahharī. Āyatullāh Muṭahharī wrote: "Government is, in fact, the manifestation of justice and internal security, rule of law, social decisions, in social relations, and the strength of a society against foreign aggression." Critically examining the views of anarchists, Marxists and others who refute the need for any government, Āyatullāh Muṭahharī proves the necessity of government and rulership by referring to intellectual reasoning as well as prophetic traditions. According to him, as far as political discussions are concerned legitimacy has two implications: a) rule of law and b) the right to rule. Political thinkers and philosophers have presented different views about the criterion for the legitimacy of the rulership and the right to rule. These views include the right of certain groups as granted by their racial supremacy, the rulership rights of elites and aristocrats, social agreements, democracy, and the divine right. Āyatullāh Muṭahharī has also referred to two other rights that have their roots in the divine right. According to Mazīnānī these five views can be categorized into people's choice and the divine right. In Islam the rulership receives its legitimacy from the divine will. According to Sunnis receiving power in any of the following ways renders it as legitimate: Council, swearing allegiance by the subjects, appointment by the previous caliph and coming to power through might. However, according to Shiite school of thought, the legitimacy of the rulership, during the period of occultation, can only be established only in one of the following ways: 1) The rule of the just jurisprudent (Valī-yi Faqīh) who is either unanimously accepted by the people as per his previous

Before Ikhwan al-Ṣafa. Ishāq al-Kindī had described eight rhythmic modes of his time, presented later by George Farmer. These modes are as follows: *thaqīl-i awwal*, *thaqīl-i duwwum*, *makhūrī*, *khafīf- thaqīl*, *raml*, *raml-i sabuk*, *sabuk*, *sabuk-i sabuk hazaj*. In all old writings from those of Fārābī, to Avicenna, to Ṣafī al-Dīn, and ‘Abd al-Qadīr Marāgha’ī, three terms “*naqarah*”, “*īfā*” and “*dawr*” are used to describe the modes of rhythms. According to Fārābī, *naqarah* is the shortest unit of time, based on which the metric compositions are formed. This thinking is the basis of the rhythm in ancient Iranian music. Fārābī divided rhythms into two types: continuous and discontinuous. He regards the continuous rhythms, which have equal pitches (*zarb*), as the origin of discontinuous rhythms, which are of unequal pitches (*zarb*). The duration of *miyānzarbs* is different in light and heavy rhythms. In heavy rhythms, which are slower, there are long notes; while light rhythms are faster. Non-Arab musicians use a rhythm, which is called Fākhī. The commentator of *al-Adwār* says that Iranian music has rhythms, which are not popular among Arabs and other peoples, and among these rhythms, fākhī is more famous than others. This heavy continuous rhythm is *hazaj*, which is synthesized with its light mode. In *Sharḥ al-adwār*, ‘Abd al-Qadīr considers *fākhī* rhythm to be composed according to metre, sounding *tatan tan*, which can be regarded as the foundation of *fākhī* rhythm. Raga music in India is, like our music, solistic: that is, it is strongly dominated by melody, rhythm. ... Two Iranian and Indian schools of music are classified among modal music, and concerning the philosophy of rhythmic *dawrs*, they have certain things in common. Olivier Masian, a French music composer, in his book, *The Language of My Music*, has described the rhythmic system of Indian music, called Ragavardna and Simhavi Kridita, in detail.

133- Muḥsin Mudīr Shānīhchī, “Nazarīyi-yi Tusi‘ih-yi Nāmuzūn dar Taḥlīl-i Inqilāb-i Islāmī (The Theory of Unbalanced Development and the Islamic Revolution),” *Nāmih Pazhūhish*, No. 10 and 11 (Autumn-Winter 1998): 27-36.

This paper is an attempt to review one of the important theories – the theory of unbalanced development – about the causes of the Islamic Revolution of Iran. This theory has been formulated by the famous Iranologist, Y. Abrahamian, in his book “Iran Between Two Revolutions”. In

varying approaches to it which can be divided into three categories: The first approach is that of Taqīzādhī, who followed the West without the Iranian interference, and who believe in a cap-a-pie surrender to the Western civilization, the second approach is that of Mīrzā Malkūm Khān, which follows the West in a conservative way and which can also be observed in the progressive scholar of the Constitutional period, Mīrzā-yi Nā'inī. Mīrzā Nā'inī wants to include in the treasury of our teachings whatever we see in the West: and the third reaction is that of Shaykh Faḡullāh Nūrī, who negates the modern phenomena in order to safeguard the treasury and impugns modernism and its writers for safeguarding our cultural traditions and teachings. 'Alī Akbar Tabrīzī is another representative of this tendency. During the last 150 years, we have tested all the above three approaches and have witnessed their defeat. None of the above approaches could lead us to overcome the crisis. While pursuing the already traversed ways during this period, a fourth reaction can also be found which has triumphed over the crisis in its respective jurisdiction. This reaction leads to modernism by the assessment and criticism of tradition and belongs to Nīmā. Through criticism of separation from the classical Persian verse, he achieved a kind of verse which is the continuation of the classical verse. He spent a lifetime with the crabby Persian verse, criticized it, examined its pros and cons and pruned it until he founded the modern Iranian verse and found the way to overcome the crisis. His innovation was not only confined to the changes in the meter and rhyme, but had found a completely new outlook. The cogitation and verse of Nīmā, was a fourth reaction to modernity. This reaction can well be followed and can be used to overcome the crisis. The crisis in architecture, painting, music, sociology and culture are in need of ideation for to exit.

132- Fūzīyyah Majd, "Az Piywand va Yigānigī: Tarḡī Barāy-i Fārābī wa Masīyān (About the Relation and Unity: a Plot for Fārābī and Masiyan)," *Māhūr*, Vol. 1, No. 3 (Spring 1378/1999): 35-68.

The present article is to find the relation between rhythms of Iranian music and *dawr-i fākhī*. Until the 7th. century A.H./13th. century A.D., the method to designate the rhythms was based on a *nāmāwā* system, composed of the metric foundations. In Ikhwān al-Ṣafā's treatises, the rules of singing (*ghinā*) and rhythm (*alḥān*) are described based on the *nāmāwā* system.

tourist capacities. The author has initially described the geographical situation and historical background of Burūjird and then has introduced its cultural and historical monuments in four parts: shrines, ancient hills, mosques, and other monuments. In the first part, the Ja'far's (p.b.u.h.) shrine, two sisters' mausoleum, tomb of Āqā Husain, the shrine of Qāsim (offspring of Imam Hasan), tomb of Sayyid Jamāl al-Dīn Wa'iz Isfahānī (Sadr al-muhaqqiqīn), Shāh Zawāriyūn's shrine, the shrine of Muhsin (p.b.u.h.), the shrine of Vīlīyān (Vīlū), the shrine of Abul-Hasan (p.b.u.h.), and tombs of Hāj Mīrzā Mhmūd Mawāhib Tabātabā'i and Sayyid Bahr al-'Ulūm, are introduced. The second part provides valuable information about some ancient hills such as Quruq, Qulābā'i, Qulārmīyān, etc. In part three the historical background and architecture of Jāmi' Mosque of Burūjird, Sultānī (Imam) and Qal'ah Mosques have been studied. In the fourth part, some brief information about Bazaar of Burūjird and Dimūrgān carvansary have been presented. Thirty four different names of Burūjird, recorded in historical sources, have been mentioned at the end of the article.

131- Hūshang Māhrūyān, "Nīmā, Rūykard-i Chāhārum bih Mudirnītiḥ (Nīmā, the fourth Approach to Modernism)," *Nigāh-i Naw*, No. 39 (Winter 1999): 79-98.

The present essay is the first discourse of the writer who has embarked upon the assessment of two issues of Gnosiology and Aesthetics in the Western world in the medieval and renaissance era and later on analyses the different approaches of the Iranian society vis-à-vis the phenomenon of modernism. The main intellectual sources of Europe in the medieval ages have been the Bible, and the Divine City authored by Saint Augustine. During this period hedonism, which is the motto of modernism, is a taboo and through suffering a man can attain to the will of God. With the Renaissance the Epistemology and aesthetics of mankind altered. Nature and senses provided the bases for the attainment of truth. During the fifteenth and sixteenth centuries modernism was in a state of confusion and had not yet founded philosophical grounds for itself. These bases were provided in the seventeenth century. During the eighteenth century modernism expanded in all directions and in the nineteenth century started to become universalised and reached out homeland as well. Ever since its entry into Iran, we had

(winter 1998): 63-71.

According to Kīyānī's study, in teaching music, imitation or following the behaviour or speech of another; and repetition, meaning doing the same thing more than once, play an important part. Students of music mentally register the lessons imparted to them and master them mainly through practice and repetition. This method of imitation and repetition pertains to the period of training that eastern cultures, including Iran, call the period of Shari'ah. This period, however, concerns basic or primary learning. Therefore, a student of music has no option but to repeat and imitate the work samples of previous masters, at the beginning of his training. Unfortunately, in the past half a century or more, due to the influence of the Western culture, the concept of education in general, and music in particular, is facing a difficult situation in our country. The blind and unquestioned imitation of alien cultures, has negatively affected the Iranian culture to such an extent that in order to learn the theory of music, we resort to following the theories and methods, particular to western music; and even in the process of teaching Iranian music, scientifically, we tend to seek out the methods that have been acquired from Western sources. The writer finally concludes that in the period of primary training and education or Shari'ah, in cultures like Iran that have ancient musical traditions, it is necessary to imitate and repeat the works of earlier masters. But in the period of advanced learning or Tariqah, it is not acceptable to imitate and repeat the works of earlier masters. If all creative work is based on the principles of freedom, humanity, justice, peace and understanding, works of art - including music - will tend to be invaluable and immortal. The contemporary trends of popular music, however, are threateningly overlooking the real values of traditional art and music. To combat this serious situation, it becomes necessary to define the position of popular music and its true identity within the context of the culture of Iranian music.

130- Kayvān Lū'lu'ī, "Burūjird, Nigīn-i Kuhan-i Tārikh-i Luristān (Burūjird, the Ancient Gem of the History of Luristān)," *Īrānshinākht*, No. 13, (Spring 1378/1999).

The main purpose of the present article is to introduce the characteristics and attractions of Burūjird in order to highlight its unknown

A.D., when most of Aristotle's works on logic and nature and the books of Yahyā Nahvī were translated. Dār al-'Ilm of Alexandria, Jundī Shāhpūr of Iran and Bayt al-Hikmah of Baghdad were among the great foundations of translation during the Islamic era. In the second half of the fifth century A.D. and at the outset of Seljuk era, the prevalence of religious bigotries, division and diversity of ideas and the encroachments of rulers in the affairs of the scholars gradually rendered severe blows to the intellectual framework of the Islamic society and twisted it. During this period neither a single linguist could be traced, nor were the scientific links established and nor the translations of latest scientific discoveries were accessible.

128- Nūrullāh Kasā'ī, "Jughrāfidānān-i Jahāngard va Naqsh-i Ānān dar Bālandigī-yi Farhang va Tamaddun-i Islāmī (Geographer Tourists and Their Role in the Progress of Islamic Culture and Civilization)," *Īrān Shinākht*, No. 11 (Winter 1998): 192-213.

This article discusses the importance of traveling and tourism in Islam, and quotes certain verses from the Holy Quran in which believers are advised to travel around the earth and learn from the history of the earlier communities. The author also makes reference to some prophetic traditions (Alḥādīth) in this regard, and then goes on to introduce some prominent Muslim geographers and tourists like Abū'l-Qāsim Muḥammad ibn Ḥūqal popularly known as Ibn Ḥūqal, Abū Ishāq Ibrāhīm Iṣṭakhrī, Ibn Baṭūṭah, Ibn Jahān Bastī, Abū 'Abdullāh Yāqūt ibn Ḥamūy Rūmī, Nāṣir Khusruw Qubādīyānī, and Abū 'Abdullāh Maqdasī, and their life sketch and travel memoirs. According to Kasā'ī, the secret behind the progress and grandeur of Islamic culture and civilization in the past was the cultural atmosphere that prevailed those days rather than the role played by the ruling governments. For, in those days the only objective of the scholars was to serve the human society and the world of knowledge and, therefore, spent a lifetime for this cause.

129- Majīd Kīyānī, "Jāygāh-i Taqlīd va Tīkrār dar Mūsīqī-yi Īrānī (Imitation and Repetition in Iranian Music)," *Māhūr*, First Year, No. 2

documents available in the National Archives of Iran as well as other documents the present paper is an attempt by the author to review the economic, social, cultural, and health consequences of the entry of these Polish migrants in Iran – as well as the manner of their departure from Iran – between 1941 and 1944.

127- Nūrullāh Kasā'ī, "Tarjumih va Tahrīr-i ān dar Tajallīy-i Farhang va Tamaddun-i Islāmī (Translation and its Impact on the Flourishing of Islamic Culture and Civilization)," *Āyinih-yi Pazhūhish*, No. 53, (No. Dec. 1998 & Dec.98-Jan.1999): 13-20.

The present essay seeks to assess the importance of knowledge and the acquisition of knowledge in Islam, of the history of translation and linguistics in the world of Islam and of their role in and impact upon the Islamic culture and civilization. The first and most important tools and factors for the exploitation of the wisdom of other nations have been the acquisition of the language and the scientific acquaintance with the language and script of the aliens. The first step in the direction of translation was taken from the very beginning of the migration of the Prophet (P.B.U.H.). At that time the Prophet (P.B.U.H.), urged Zayd ibn Thābit Anṣārī to learn Hebrew and its script. The presence of faithful non-Arab companions of the Prophet (P.B.U.H.), such as Salmān Fārsī, Bilāl Ḥabashī and Ṣaḥīb Rūmī was very effective in introducing foreign vocabularies into the society of Madinat al-Nabī. This work continued during the lifetime of the Prophet (P.B.U.H.) and after his passing away, and the newly established Islamic state, with an unpredictable speed, became well informed about the main civilizations of the age and cast its shadows over the greatest centres of sciences and learnings of that time, the historical course of which has been pointed out in the present essay. Prof. 'Sanṭalānat', has divided the history of translation during the Abbasid era into three categories: 1) From the caliphate of Mansur through the end of the caliphate of Harun, when the first batch of translators embarked upon the task and translated such works as Majisti, Kalīlih Va Dimnih and the works of Aristotle in Arabic; 2) From the caliphate of Ma'mūn through beginning of fourth century A.D., when the works of Hippocrates, Galen, Aristotle and a number of Plato's works were translated; 3) From the fourth century A.D. through the mid-fifth century

people (both physically and mentally) people was prohibited. The characteristics that a Mazdai man had to possess included intelligence, education, good manner, and skill in his profession. The various types of marriage prevalent in the Sassanid era were Pādshāzan, Chakarzan, Ayūlzan, Satarzan, and Khudsarzan. A document called 'Piymān-i Kadkhudā'ī (Kadkhudā'ī treatise) describes marriage customs as follows: "After a girl was 15 his father would endeavor to find her a suitable husband. In case of father's death this duty would on the new head of the family. It was recommended that girls should be married to intelligent and competent men and men should marry pious women. Generally young men of 20 years of age, after performing their ṣadrā and Kashtī ceremony at the age of 15 and a few years of work in order to have enough savings for a decent family life would send a match-maker to suit a girl from his profession." Dower was determined at the time of marriage ceremony and man would gift half his property to his wife. At the same time the girl would bring certain household items to her new house as per her family standard. The author is of the opinion that in the Sassanid era marriage was a means to attain salvation, which was based on the teachings of Zoroaster. Marriage was a means for the Ahūrāmazdā forces to overcome Ahrīman and his forces. It was a bond between to souls with a common destiny. A destiny that depended on work and knowledge in this world and was full of beauty in the hereafter.

126- 'Alī-Rizā Karīmī, and 'Alī Karīmī, "Lahistānīhā-yi Muhājir dar Īrān 1320-1323 H.S. (The Polish Migrants in Iran, 1941-1944)," *Tārīkh-i Mu'āṣir-i Īrān*, Vol. 3, No. 9 (Spring 1999): 7- 40.

The World War II began with the German invasion of Poland, which remained under the German and the Soviet occupation until September 29, 1939. During this period many Polish people were sent to work camps in Germany and the Soviet Union. However, the later developments resulted in disagreements between Germany and the USSR as a result of which the Polish people that were sent to the Soviet Union got their freedom back for various reasons. Following an understanding between Stalin and the Polish government in exile about 150 thousand Polish refugees migrated to the South Africa, Palestine, and North Africa, etc. through Iran. The Polish migrants entered Iran via Bandar Pahlavī (now Bandar Anzali). Based on the

findings can be evaluated by studying how and why this term is mentioned in the Avesta. There is no indication of “*khuvayt vadatah*” existing in the Avesta, but some cognate words, transliterated without any translation can be seen. There are some obscure lines on Gushtāsb’s marrying his sisters in “*Yādgār-i zarīrān*” that even believers in marrying immediate relatives suppose to be fables created to sanctify the matter. They had great tendency towards “Zervanism” and held that marrying immediate relatives resulted from Zervanism. Marrying immediate relatives was first established by Krītīr Sāsānī, the great priest and this is evidence to prove that this kind of marriage was attributed to the Mughān (fire-worshippers). Ascribing the customs to the public in Pahlavid and Budahash traditions is further evidence to prove that the custom is not Zoroastrian. In historical reports, Herodotus mentioned that the marriage between Kambūjīyah and his sisters was a sin and that this had never been in vogue among Pārsīyāns. Among Sassanid kings, only Qubād married the daughter of his sister. Considering these facts, marrying immediate relatives in ancient Iran is of neither Iranian nor Zoroastrian origin. Today, researchers believe that some instances of this custom among Achaemenians were borrowed from the Elamites.

125- Muḥammad Karīmī Zanjānī Aṣl, “Izdivāj Dar Īrān-i Bāstān, Gūnih Shināsī va Ādāb va Rusūm (Marriage in Ancient Iran; Typology, Customs and Traditions),” *Chīstā*, No. 158 and 159 (May-June 1990): 663-674.

This paper that has been written on the basis of Pahlavi texts and other historical sources is an attempt to review the customs and traditions pertaining to marriage in ancient Iran. According to the author in the Sassanid era, ancestral background played an important role in social life of the Iranians and youths would not be given any social status or identity before their ancestral background was determined. As per the teachings of Zoroastrianism, marriage is a religious duty and necessary for the salvation of the soul. In the Mazd-e Yasnai society, the citizenship of a person was based on his marriage and family formation. As per the Avestan teachings, both boys and girls were not allowed to get married before the age of 15 and before completing the ceremony in which they wear ‘*ṣadrā*’ and ‘*kashtī*’. In the Mazd-e Yasnai religion marriage with non-believers and unhealthy

In 1941 he held the portfolio of the commerce minister in the government of Muhammad 'Alī Furūqī's and was a minister in the subsequent ministerial cabinets. After the fall of Ḥakīmī's government in June 1948, he was appointed as the prime minister. His premiership invoked the opposition of Islamic scholars and a number of members of Majles. Ḥazhīr was assassinated on November 4, 1949 by Ḥasan Imāmī (a member of the Fadā'iyān-i Islam group). The article also contains the photographs and specimen signature of these two ministers as well as the titles of the books written by them.

124- Muḥammad Karīmī Zanjānī Aṣl, "Izdivāj-i bā Maḥārim, Gamānih'ī Dīgar bar Nisbatī Dīrpā" (Marrying Maḥārim [Those with whom marriage is prohibited] a New Glance at a Long-standing Accusation)," *Chīstā*, No. 156&157 (1377, Winter, and 1378, Farvardīn): 482-496.

Marrying immediate relatives as a Zoroastrian teaching has an important place in Iranology research. To clarify the basis of the opinions of the Iranologists in this regard, the author attempts to present their theoretical findings that are focused on comparative linguistics and historical reports. Linguistic findings has drawn more attention to the term "*khavayt-i vadatah*" or "*khuvad vaqadas*" or "*khavadūdah*", which has been translated as marrying immediate relatives, by referring to Pahlavī and Avestan texts. The most important supporting documents are: 1) Mentioning this matter in Riwāyat-i Āshūhistān; 2) Deriving the term "*khavayt-i vadatah*", and giving the meaning of marriage to it, from "*khūvītū*" that allows marriage between brother and sister; 3) Deriving the afore-mentioned term from the Avestan word meaning submitting oneself; 4) Pointing to the usage of this term in *Yasnā* 12 and translating it into marrying immediate relatives; 5) Referring to paras. 3 and 4 in chapter 80 of Dinkird, and the translated copy of Yasna 41 in Pahlavī language, including the union of Ahūrāmazdā with his daughter, Spindārmadh; 6) Placing emphasis on lines in Pahlavī books about the spiritual rewards of marrying immediate relatives; 7) There being no other way open to the commentators of Avestan texts than to apply the new Avestan word to a certain specific and already existing concept in the absence of an appropriate term to explain this new word. The linguistic

has exploited this traditional characteristic of the Indian style for positive purposes and for the ornamentation of his speech. Under the impact of Iraqi and Azerbaijani poets Amīrī has delivered the Indian style poetry from slackness and decadence to a great extent.

123- ‘Alī Karīmīyān, “Nimūnih Imzā-yi Hi’at-i Dulat az Sāl-i 1320 tā 1332 Shamsī, Qismat-i Hasht (Specimen Signatures of the Cabinet Ministers of Iran from 1941 to 1953, Part 8),” *Ganjīnih Asnād*, NO. 31 and 32 (Autumn-Winter 1998): 90-102.

This paper is the eighth part of a series of articles on the life and activities of some of the cabinet ministers of the Pahlavi regime and has been compiled from the documents available in the National Archives of the Iran and various other sources. In this part the author gives an account of the life and activities of Firiydūn Kishāvarz Gīlānī and ‘Abd al-Ḥusain Hazhīr. Firiydūn Kishāvarz Gīlānī was born in Rasht in 1907. He received his primary education in the Gīlān province and then moved to Dār al-Funūn school in Tehran for his high school education. After his graduation from Dār al-Funūn, he went to France and graduated in pediatrics. On his return to Iran, he joined the Tūdhī Party of Iran and was elected to the Majles (parliament) from Bandar Pahlavī (now Bandar Anzalī). Kishāvarz started a newspaper called ‘Razm’. When Qavām al-Saltānīh became the prime minister of Iran, Kishāvarz was given the portfolio of the minister of culture, and when the Tūdhī party was declared as illegal by the regime and its leadership was put under arrest, Kishāvarz and a group of his friends fled to the erstwhile Soviet Union. Ten years later, he traveled to Iraq, China, Algeria, and Switzerland. In 1973, he received political asylum from the Swiss government and lived in Switzerland until the last days of his life. ‘Abd al-Ḥusain Hazhīr was born in Tehran in 1902. He received his schooling from Dār al-Funūn and graduated from the college of political science in Tehran. He then joined the ministry of foreign affairs and began working in the Soviet Embassy. Nine years later, he was expelled from the foreign ministry after which he joined the ministry of transportation, the finance ministry and Bank Melli Iran. Later on, he was appointed as the head of the Foreign Exchange Commission, the managing director of the Textile Company, and chairman of the board of directors of Bank Kishāvarzī Iran.

awareness of mysteries same as the awareness of the essences of affairs as well as their ends; beaming it needs a great heart and immense patience; and betraying the mysteries will derange the system of life. He assigns this characteristic to intellectuals, who are, according to him, the successors of prophets.

122- Yahyā Kārdgar, "Amīrī Fīrūzkūhī va Sabk-i Hindī (Amīrī Fīrūzkūhī and the Indian Style)," *Faṣḥnāmih-yi Adabīyāt-i Mu'āṣir*, Year 3, No. 27, (Spring 1999): 92-104.

At the beginning of the Safavid era, *Sabk-i Hindī*, or the Indian Genre, emerged to combat the decadence of poetry of the Timurid period and due to its excessive use of strange and unfamiliar allegories and metaphors declined towards the end of the Safavid era. But because of failure of the poets of the restoration and due to the reduction of literal prejudices after one and a half centuries it succeeded in securing a number of supporters. With the emergence of such poets as Ḥaydar 'Alī Kamāl-i Iṣfahānī, Mīrzā Ḥusain Ātash, 'Abd al-Rasūl Bazmī, Hādī Ranjī, Rahī Mu'ayirī, Khalīl Sāmānī and Amīrī Fīrūzkūhī, an imitation of this genre took place in the contemporary poetry. But these poets refrained from sheer imitation and adopted its virtues and forsook its defects. Among these poets, Amīrī Fīrūzkūhī is widely renown. He is the foremost researcher who with a profound outlook on the poetry of the Indian Style, evaluated and assessed its weak points and emancipated the poets following this style from going astray. Great many themes and compositions of the Indian style are reflected in his poetry, of which the impact of Ṣā'ib's poetry is very tangible. Most of the characteristics of the Indian style seen in his poetry, include: excessive use of allegory, application of popular expressions and idioms, reflection of the experiences of daily life and life happenings; preparation of theme and realization of strange themes, preponderance of despondency and pessimism of the poet's reflections, description of points of morality and sagacity and excessiveness in the use of imagery. Besides being influenced by the Indian style, the poetry of Amīrī also contains efforts for the improvement of its shortcomings, the most important of them has been the reduction of ambiguities existing in the Indian style and the repetition of rhyme abundantly used in the Indian style, but is used in his poetry to minimum. He

many cases, remains intact. Even the knowledge resulting from it, retains many marks of that astonishment. Since, here, inconsistency between science and religion is considered in the field of the of religious scholars, it can be said that for them the presence of the Beloved and being in relation with the heavenly issue is of such importance that for this they sacrifice everything and everyone. Hence one of the difficulties, with which religious scholars are confronted, is determining the priorities in a world, in which everyone has to choose. Meanwhile they are going back and forth between two kinds of knowledge and experience. Besides being in an individual scope, this inconsistency has existed [and exists] in the realm of cultures such as Iranian-Islamic culture. However, man, today, has shown his need to both the wonder of learned and the astonishment of devout and has found that a one-sided approach is disabled to fulfill his two- sided and multi-dimensional needs. Hence, the author of the article maintains that establishing these two experiences in man's multi-layer existence is among the greatest problems of thoughtful man who lives at the end of the 20th century.

121- Hūsein Kājī, "Rāzdānī-yi rushanfikran; ibhāmā va ihāmā: tabyīn va taḥlīlī az nisbat-i rushanfikrī va rāzdānī dar ārā-yi doctor 'Abd al-Karīm Surūsh (Intellectuals' Awareness of Mysteries; Ambiguities and Puns: an Analysis of the Relation Between Intellectuality and Awareness of Mysteries in Dr. 'Abd al-Karīm Surūsh's Ideas)," *Dunyā-yi Sukhan*, No. 84, Isfand 1378/1999: 98-101.

In this article, the author goes on to describe and analyze 'Abd al-Karīm Surūsh's ideas concerning the intellectuals' awareness of mysteries. The analysis is, in brief, as follows: 1) Surūsh regards the intellectual to be a product of modern time, and the elite and excellent individual of this period, and considers the wise and *pīrs* as the elite of the ancient world. 2) He regards the awareness of mysteries as the most important characteristic of the intellectual and in particular the religious intellectual. According to him, in this way, the intellectuals are very similar to prophets, since Surūsh takes the awareness of mysteries among the qualities of prophets. 3) Following Hafiz and in particular Mulavī, he speaks of concepts such as mystery, the one who is aware of mysteries, and the awareness of mysteries; and takes the

and Suhrāb and the story 'Khāl' by Sholokhov, i.e., the murder of the son at the hand of the father, but the attractive versification by the sage of Tūs with poetic imagination, and the stage-setting and above all, the cadence of speech of Shāhnāmih is missing in the story by Sholokhov. The other dissimilarity of these two stories is being the end of (the father), and his attitude after being informed of the horrible act being committed by him. The end of Ataman (the father) is moral, for the father can no longer bear the brunt of the crime committed by him and resort to retaliation and redeems himself from the pangs of being the killer of his own son, and the issue changes into an individual aspect. Of course, Rustam, too, takes the same decision and wants to kill himself with the poniard, but his companion heroes prevent him.

120- Husain Kājī, "Ta'ajjub-i 'Ālimānih; Tahayyur-i 'Ābidānah: Baḥthī Pīrāmūn-i Rūḥīyyāt-i 'Ālimān-i Dīndār (The Wonder of the Learned and the Astonishment of the Devout. A Study of the Mentality of Religious Scholars)," *Dunyā-yi Sukhan*, No. 83 (Diy and Bahman 1377/1998): 68-71.

This article sets out to show and define the relation between the wonder of the learned (which is one of the most important examples of the manifestation of man's confrontation with the world in the ontological realm) and the astonishment of the devout (which is one of the main examples of man's confrontation with the heavenly issues). This relation is divided into commonalities and inconsistencies. 1) Commonalities: Religion and man's relation with heavenly issues are much older than the history of science and the relation between man and nature. Hence, according to some evidence, it can be shown that in many cases, an experience of astonishment with a heavenly issue, has paved the way for the seeking of knowledge and wise wonder. Two concepts of wonder and astonishment make a spectrum, the origin of which will be of much help in the other's coming into being. 2) Inconsistencies: the two concepts are far from each other; and we confront two kinds of approach to the world as well as two kinds of experiments. Learned wonder leads to science, a science which attains, through disenchanting, the rule which diminishes the wonder of learned and in some cases changes it. The astonishment of devout is resistant to change, and in

118- Mahdī Qarakhlū, “Muhājirān-i Īrānī dar Kishvar-i Kānādā (Iranian Migrants in Canada),” *Journal of the College of Persian Literature and Social Sciences, Tehran University*, No. 148 and 149 (Winter 1998 and Spring 1999): 193-212.

Migration to other countries of the world is an international phenomenon that affects both the parent and the host countries economically, politically, socially, culturally, and population-wise. The existing trend indicates that many Iranians who are trained in Iran find their way abroad and settle in western countries in one way or the other and for various economic, social, and political reasons. It goes without saying that it is generally the host country that benefits from such migrations. By making reference to statistical data from the Canadian Immigration Office, the author reviews the general condition as well as the geographical concentration of the Iranian migrants in Canada. Qarakhlū is of the opinion that availability of unbiased information about the social and political condition of the Iranians leaving in Canada will provide an incentive to the government of the Islamic Republic of Iran to accelerate and expand its services to the non-resident Iranians. Moreover, it will also prompt the government to set up an office to provide these migrants with their required cultural services. The author concludes that certainly logical and positive relations between the government of Iran and the Iranians living abroad are in the interest of the country both politically and security-wise.

119- Ibrāhīm Qayṣarī, “Rustam va Suhrāb-i Sholokhov (Rostam and Suhrāb of Sholokhov),” *Faṣlnāmiḥ-yi Hunar*, No. 39, (Spring 1999): 47-53.

‘Girdāb’ or vortex, is a collection of short stories by Alexandrovich Mikhail Sholokhov (1905-1980), the celebrated author of the great epic story ‘And Quiet Flows the Don, the winner of 1965 Nobel Peace Prize. ‘Khal’ (mole) is the second story of the ‘Girdāb’ collection in which Sholokhov shows a part of the unhappy episodes during the Russian Civil War. The present essay summarizes the story and later on embarks upon hinting at its similarity to the story of Rustam and Suhrāb of the Shāhnāmiḥ of Firdusī. Despite the close resemblance of the principal axis of the myth of Rustam

its managing director Muḥammad Nadīm Bāshī, and its editor in chief was ‘Alī ibn Mūsa Qājār, (Šidq al-Malik). According to the author, Nāširī was the most prominent printed media of its time. Sixty-five issues of this bi-weekly and a total of 595 pages were published during the time it was in circulation. Nāširī was priced at 250 dinars per issue and its subscription rates for three, six, and twelve months stood at 6000, 12000, and 24000 dinars, respectively. The front page was dedicated to the government emblem, the name of the publication, table of contents and the editorial. It was written on the front page that: This publication will not discuss politics and government issues and main purpose behind its publication is to make available certain informative writings about science, civilization, and commerce.

117- Muḥammad-Ḥasan Qadr-dān Qarāmalakī, “Mashrū‘īyyat-i ḥukūmat-i Islāmī az manẓar-i shahīd Muṭahharī (Legitimacy of Islamic Government as viewed by Martyr Muṭahharī),” *Nāmih-yi Mufīd*, (Spring 1378/1999): 205-232.

This article studies the origin of the legitimacy of Islamic government according to Martyr Muṭahharī. In this writing the following points are studied: 1- Various doctrines concerning the legitimacy of government (power and dominance, natural and innate right; tradition; convention and public census; divine and charismatic legitimacy); 2- The Divine legitimacy of the Prophet of Islam and the Imāms; 3- The answer provided by Martyr Muṭahharī for the paradoxes, introduced by some contemporaries concerning the legitimacy of the government of the prophets and the Imams (p.b.u.t.), for example the paradox of consultative committee and the fact that some Imāms avoided accepting government; 4- An analysis of the origin of the legitimacy of guardianship of jurisprudent (*walāyat-i faqīh*). In the latter, the position taken by martyr Muṭahharī, is not so clear and it cannot be understood whether a jurisconsult is to be selected or assigned; or a combination of the two. Through a survey of the various ideas of Ustād Muṭahharī and by making comparisons between them, the writer attempts to find the answer. To better explain the issue, the evidence in favor of both doctrines (selection and assignment) from the works of the Martyr is analyzed.

and have developed a penchant for particularism, is mainly due to their endeavours for the discovery of new forms in the realm of poetry. Furthermore, escapism from utopia has been the main characteristic of today's poetry. A handful of people hold that this escapism from utopia is that today's social poetry is disinclined from social issues and has totally become oblivious thereof. The peculiarity, which separates today's poetry from what it had been in the past, has been most of the entire notion, which the young poets hold vis-à-vis the social function of the poetry. These poets are no longer optimistic about the social function of the poetry and its impact upon the people as they used to be in the past.

115- 'Izzatullāh Fūlādvand, "Akhavān Thālith va Sabk-i Khurāsānī (Akhavān Thālith and Khurāsānī Style)," *Faṣlnāmih-yi Adabīyāt-i Mu'āṣir (Contemporary Literature Quarterly)*, Year 3, No. 27, (Spring 1999): 2-16.

For the reunderstanding of new and old content and subject in the works of the earlier and later poets, a single theme can be traced in the thought and speech of the great poets and from the artistic recreation of each one of them, their poetic creativity and capability can be ascertained from the same theme under consideration. And the creativity of a poet can be known from the newness of his thought and from the creation of new images and from his command on the words, or on the contrary, his weakness and incompetence can be understood. In this essay, the writer has pursued the theme of *Abr* (cloud) as a natural and objective theme in the collected works of renowned poets such as Farrukhī Sīstānī, Mas'ūd Sa'd Salmān, Arzaqī Hiravī and Akhavān Thālith, and has embarked upon a comparison of their power of creativity, thought and reflection.

116- Farīd Qāsimī, "Nāṣirī dar 'Ahd-i Nāṣirī (The Nāṣirī bi-weekly)," *Nigāh-i Nu*, No. 39 (Winter 1998): 133-147.

In this article the author attempts to introduce a publication titled 'Nāṣirī', which was published towards the end of Nāṣir al-Dīn Shāh's period. Its first issue was printed on a Sunday in the month of Shawwal, 1311 AH. This bi-weekly was being printed at 'Dār al-Salṭanat press (a press that belonged to the royal court) in Tabrīz. Its publisher was Muẓaffarī School,

have been different in that they generally prefer to link historical events to class conflicts within a society.

113- Satār Falāḥatkār, “Mūsīqī dar Sarzamīn-i Gīl va Daylam (The Music of the Land of Gils and Daylams),” *Maqām*, No. 4 (spring 1999): 138-140.

The historical remains of eastern Gīlān, especially the southeast region and the surrounding foothills, reveal that the Gil and Daylam music originated in this region. In Gil and Daylam, music is divided into four groups: 1) Martial music including wrestling and acrobatic music. One of the instruments used is the karna (either made of long reeds or horns of bulls and stags). 2) Ceremonial music, which includes the music played for weddings, circumcision ceremonies, births and New Year celebrations. Two of the main instruments used are the *sumāy* (a kind of woodwind instrument) and *naqārah* (a kind of percussion instrument) 3. Religious or mystical music including passion-plays and *Chāvushī-khānī* (the songs sung by the leader of a pilgrim caravan). The *karnā* and cymbals are used in passion-plays. 4. Pastoral music is a special kind of music, specific to herdsmen and farmers, whilst working and has two types of lamenting and yodelling songs and one type of romantic melody.

114- Mihrdād Fallāḥ, “Barrasī-yi Taḥavullāt-i Shi'r-i Fārsī dar Daw Dahi-yi Akhīr: Īn Shi'r Barāy-i Khudash Shināsnāmīh Dārad (An assessment of Persian poetry during the last two decades: This poem has its own identification),” *Kārnāmih*, 1st year, No. 3 (Feb. Mar., 1999): 16-25.

One of the problems, which our professional readers encounter in the poetry of young poets, has been the meaninglessness and vagueness of their poetry. The majority of these readers consider the meaning of the poetry on a par with the theme and the theme from their outlook is confined to the general themes such as death and love etc., and since in most of the poems composed by these poets no stress has been laid on these general themes, the readers get confused and irritated and put the poetry aside. Looking on the best poetry of the last twenty years, one should sympathize with the readers. The reason that the young poets have become divorced from general themes

monopolistic in nature. 2) Since the entire earnings of the country were from oil sales, the Pahlavi regime unscrupulously used it to provide for the increasing expenses of the royal family. 3) Over attention to urban areas and urbanization and undue growth in investments on arms. 4) Unbalanced gap in income distribution and lack of distributive justice. In the year 1973, about half the population received only seven percent of the total income of the country. 5) Lack of political legitimacy in the eyes of the people. 6) A sense of independence from the public and its opinion on the part of the regime. 7) Putting a ban on legal and peaceful protests. 8) An Islamic ideological hegemony by the political Shiite leadership, which managed to mobilize the masses and lead the revolutionary movement.

112- Yūsuf Fazā'ī, "Baḥth-i Kūtāhī dar Maḥmū-i Durust-i Tārīkh (A Brief Discussion about the Concept of History)," *Chīstā*, No. 154 and 155 (January-February 1998): 343-345.

During the glorious days of the Islamic civilization in the Islamic lands ruled by the caliphs, most historians only concerned themselves with merely recording the events, without probing into and analyzing or interpreting their causes. The most prominent of such historians were Muḥammad Ibn Jarīr Ṭabarī, Ibn Athīr, and Ibn Khaldūn. However, there were also a few historians like Abū Rayḥān Bīrūnī, Nāṣir Khusruw, and Ibn Abī Asiba'e who have discussed the conditions of the people as well as the existing cultural trends of their times. The modern trend of history writing in which the historians resorted to scientific methods of research began in Europe in the 17th century. Since then the world has seen many great historians like Will Durant, Alber Male, Arnold Twinby, and Gordon Childe who have written world history by adopting scientific methods used in sociology, and made the study of history a science, by dividing it into different branches. In Iran, too, there have emerged some historians like Ḥasan Pīrnīyā, the author of "The History of Ancient Iran"; Naṣrullāh Falsafī, the author of the "The Bibliography of Shāh 'Abbās, the Great"; and, Murtizā Rāvandī, the author of "The Social History of Iran", who have resorted to modern methods of history writing in narrating historical events. Since the late 19th century socialist historians, too, have followed the scientific methods of history writing. However, their styles and approaches

will discover that the Iranian drumming music also follows the same basic framework, although it possesses some characteristics which could be considered as an exception to Brillio's theory.

110- Ghulām-Rizā Fadā'ī 'Irāqī, "Asnād-i Kitābkhānih-yi Majlis, Abzārī dar Khidmat-i Namāyandigān va Ganjīnih'ī Arzishmand dar Tārīkh-i Mu'āshir-i Īrān (Documents of the Majles [Parliament] Library, A Resource at the Disposal of the Members of the Majles and a Valuable Treasure of the Contemporary History of Iran)," *Journal of the College of Persian Literature and Social sciences, Tehran University*, No. 148 and 149 (Winter 1998, and Spring 1999): 261-281.

This paper discusses the importance and the variety of documents available in the Majles library. These documents include many old filed letters, UN documents, paper clippings, newspapers and magazines, albums and maps. The paper also elaborates on the current methods available for the preservation, organization, and retrieval of each of these different types of documents, and also discusses the steps that are being taken for the computerization and the new methods of maximizing the use of these documents. The paper enumerates the main problems faced by the Majles library as: shortage of space, the inconveniently distant spacing between the different sections of the library, the unscientific methods of preservation, lack of organization, lack of a proper information system, and lack of awareness among the members of the Majles as well as scholars regarding the availability of such invaluable resources.

111- Maqṣūd Farāsatkhāh, "Bāzkhānī-yi Yik Ravāyat: Chirā Inqilāb Shud? (Re-writing an Event, Why did the Revolution Take Place?)," *Dunyāyi Sukhan*, No. 84 (January 1998): 40-45.

In this paper that discusses the causes of the Islamic Revolution of Iran, the author enumerates eight different factors that led to the Revolution. These factors are as follows: 1) The indebted economy and the exploiting regime; in this type of political economy, the government relies on the easy income from oil proceeds and since it does not resort to levying taxes on people, it becomes indifferent towards their rights and opinion. This, along with other factors, makes the regime despotic, self-centered, and

theories. This paper attempts to critically examine the views of contemporary, classic, and modern theorists regarding the Islamic Revolution of Iran, and challenges all the popular theories about the socio-political aspects of revolutions. According to the author, no single theory can successfully explain the cause of the revolutionary uprising of the Iranian nation. The paper further emphasizes that those theories that have probed into the various decisive factors leading to the Islamic Revolution have been comparatively more successful in understanding and explaining the phenomenon of the Islamic Revolution of Iran. In conclusion, the author goes on to discuss how the Islamic Revolution has been acclaimed as being one of its kind by western observers.

109- Sāsān Fāṭimī, “Yik Shikl-i Jahānī barā-yi Yik Nu‘-i Jahānī (Uniformity for a Standardized World),” *Māhūr*, Year 1, No. 3 (spring 1999): 70-82.

The claim that music is a common international language is as far-fetched as the claim that there is something that can be called “international music”. Music is neither international nor is it some “general” concept that can be conceived by one and all. Nevertheless, the discovering of the international dimensions of music is one of the pre-occupations of the “anthropology” of music. The ideal objective of this science is to define an international theory of music which can be identified to form the basis of what could then be assimilated into something called “international music” with a common structure. That is, to discover a global structure for a specific music. This objective has not been materialized thus far. For example, there is, as yet, no common framework for the composition of lullabies, labour music and religious songs. The only achievement in this regard, probably belongs to Constantine Brillio, who discovered that all the “ring a ring of roses” in the world are of the same rhythmic basis which he called the “children’s rhythms”. However, he points out that this rhythm is not unique to the “ring a ring of roses” or other nursery rhymes, as this rhythm can be found in all other types of music in the world. He also emphasizes that this classification does not mean that children are not familiar with other rhymes. This article aims to introduce Brillio’s theory regarding children’s rhythms and their correlation with the Iranian “ring a ring of roses”. In this article, we

trends in the Iran-France political relations in details and covers the following topics: Iran-France relations during the Safavid era, the commercial treaty of 1708, and the consul judgment system for both the countries; The relationship between the two countries in Zandīyih era; The relationships during the Qājār era including exchange of ambassadors, Napoleon's letter to Āqā Muḥammad Khān, proposing a friendship and military treaty with Iran, and Fath 'Alī Shāh's reply to this letter; The Fin Kentshtein treaty and its outcomes, the decline of relationships between the two countries – after a treaty between Napoleon and the Russian Tsar – and its resumption later on; The trend of relationships until the World War I, the cultural relations between the two countries during the time of Qājār kings and Rizā Shāh; The Iran – France relations from World War II until the fall of the Pahlavi regime; economic relations during this period. While reviewing the relationship between the two countries during the course of the Islamic Revolution, the author examines the causes of strained relations between the two, - which included French government's support to the anti-Islamic Revolution elements, military support extended to Iraq during the Iraqi imposed war on Iran, and the unpaid \$1 billion loan. The author also looks at the position adopted by France in respect of the US economic sanctions against Iran, and the expansion of relationships between the two countries after the victory of President Jacques Chirac and President Khatami in their respective presidential elections.

108- Muḥammad-Raḥīm 'Iyyazī, "Inqilāb-i Islāmī-yi Īrān va Taḥavulāt dar Naẓarīyihā-yi Inqilāb (The Islamic Revolution and the Change in the Theories of Revolution)," *Nāmih Pazhūhish*, No. 10 and 11 (Autumn-Winter 1998): 267-285.

The Islamic Revolution of Iran, which took place under certain unique circumstances, gave rise to a number of new theories in the study of revolutions. At the same time, it also resulted in the re-construction of the classical theories about the political sociology of revolutions, within the social framework of Iran. There are some basic similarities between the different theories of revolution, which suggest that it is primarily the prevalent pre-revolutionary conditions that eventually culminate into the revolution. The Islamic Revolution, however, called for revisiting these

106- Bihnāz ‘Abdullāhīyān, “Mafāhīm-i Nahādihā-yi Mihr va Māh dar Sufālīnīhā-yi Pīsh az Tārīkh (The Meaning of Sun and Moon Symbols in Pre-historic Ceramics),” *Hunar Nāmih*, No. 2 (Spring 1999): 63- 64.

The present article is a research work in the area of comparative studies taken up by the Art University of Tehran. The main purpose of this paper is to undertake a comparative study between the various ancient civilizations and present them in specialized tables to provide an easy access to the available information. The author initially discusses such natural elements as sky, earth, sun, moon, etc. in various civilizations and then goes on to explain the concept and meaning of these symbols. He has presented tables of geometrical, animal, and plant symbols as well as other natural elements that can be the subject of discussion. These tables have been arranged in such a way that can serve as a dictionary of symbols and help the reader understand the meaning and application of each symbol in the pre-historic ceramics. ‘Abdullāhīyān considers it necessary to mention about a few important points. Firstly, some symbols were initially used for a particular natural element and gradually their usage changed. Secondly, when one talks about pre-historic symbols one should know that certain concepts and meanings are based on assumptions and should not be taken as absolute. And lastly, it can be observed that most of the collected patterns, although different in some designs, were used to denote the same concept in most ancient civilizations

107- Ghulām-Rizā ‘Alī Bābā’ī, “Nigāhī bi Munāsibāt-i Siyāsī-yi Īrān va Farānsih (A glance at the Iran and France Political Relations),” *Sīyāsat-i Khārijī*, Vol. 13, No. 13 (spring 1999): 23-26.

The beginning of the Iran and France political relations dates back to 1292 when Arghūn Khan sent the first official Iranian ambassador to the court of the French king, Philip IV. However, there are many evidences that the relations between the two countries existed much before this date. Although, until mid 17th century the Ottoman Empire’s rivalry with Iran as well as the natural dangers on the way impeded traveling between Iran and France, a number of French tourists managed to travel to Iran during the Safavid era. The travel memoirs written by these tourists attracted many European tourists to visit Iran those days. This paper looks at the historical

the Gīlakī poetry has progressed to a great extent and has even tried various styles. Gīlān has been one of the very few regions that have been a forerunner in modern civilization. Gīlān has also presented the world with many great philosophers and scholars like ‘Abd al-Qādir Gīlānī, Maḥmud Pasīkhānī, Pīr Sharafshāh, Shaykh Zāhid, etc. There are certain common beliefs that exclusively belong to the people of Gīlān. These common beliefs include lighting fire in the month of Murdād (July), a Deilami new year celebration called Nau Rūz Bel, ceremonies for asking for rains or sunshine, and Gīlakī folklore music, songs, and melodies. As far as religious beliefs are concerned Gīlān has been a house to the Alawites, Ismailis, and the Ithnā Asharī Shi‘ism.

105- Hūshang ‘Abbāsī, “Muqadamih’ī bar Farhang-i Būmī – Humīyat-i Gīlānī, Qismat-i 2 (An Introduction to the Folklore Culture with Special Reference to the Cultural Identity of Gīlān, Part II)”, *Gīlihvā*, No. 53 (April-May 1999): 24-25.

This paper is the second part of a paper about the folklore and ethnic characteristics of the people of Gīlān. In this section the author attempts to study the handicrafts, traditional products, historical, ancient and old monuments, mixing of ethnic groups, demographic features and psyche of the people of Gīlān. According to the author, the handicrafts of Gīlān comprise hand-woven silk and woolen garments, rug-weaving, straw-weaving, textiles, pottery, and bamboo-works. The old and ancient buildings of Gīlān are the heritage of its rich civilization. These constructions include forts, fortresses, caravanserais, mosques and other religious places, public bathhouses, bazaars, bridges, etc. Abbasi is of the view that maintenance and restoration of these constructions are important to preserving the cultural identity of this region. One of the important cultural characteristics of Gīlān is that different ethnic groups co-exist peacefully. The feature of the people of Gīlān is very distinct and separates them from other parts of Iran. The author concludes the paper by quoting the views of anthropologists about the physical, emotional, and behavioral characteristics of the people of Gīlān.

mysticism, and his commentary upon “*Yoga vaiseska*” is a remembrance of that period. During his life, he was respected by Safavid kings and Indian monarchs; his great spirit, however, was never captured by material things, and he lived his estimable life in self-sufficiency. What are available of Mir’s works are mostly short gloss-like notebooks, and all of them represent his extraordinary understanding and skill in the explication of philosophical issues. He has an eloquent prose, avoiding seriously artificiality, and regards those who do so among the ignoble ones. Some of his works are as follows: *Risalah Sanā’iyyah*, *Sharḥ Jūk Bāsisht* (Commentary upon *Yoga vaiseska*), *Jawābīyyah-yi Mīr bi Āqā Muẓaffar Kashnānī*, *Al-Ḥarakah* (Risālah-yi). Finally, Mīrfindiriskī died at the age of 80 in 1050 A.H. lunar and was buried in Takht-i Fūlād cemetery in Isfahān.

104- Hūshang ‘Abbāsī, “Muqadamih’i bar Farhang-i Būmī – Humīyat-i Gīlānī, Qismat-i 1 (An Introduction to the Folklore Culture: with Special Reference to the Cultural Identity of Gīlān, Part I),” *Gīlihvā*, No. 52 (February, March and April 1999): 24-25.

This paper is the first part of a paper about the folklore and ethnic characteristics of the people of Gīlān. In this part, the author reviews the ecology, geography, history, language, art, literature, culture, common beliefs, and religious beliefs of the people of Gīlān as well as the works of the Gīlānī scholars. According to ‘Abbāsī, the folklore culture of Gīlān is based on material and spiritual achievements of its people achieved in the course of the history of Gīlān, reflecting their social life and the qualities that separate them from other ethnic groups of Iran. These characteristics could be looked for in their beliefs, thoughts, emotions, traditions, customs, art, industry, social norms and behaviors. The nature in Gīlān is full of tall trees seen everywhere, which the Gīlān men climb with ease to pluck fruits. The houses built in the Gīlān Plain, like the trees, follow a perpendicular design and are multi-storied. Gīlān was one of the important centers of civilization in the Ancient Iran. Their local language is popularly known as Gīlakī, which is from the family of northwestern languages of Iran and has its roots in the ancient languages of Iran. Grammatically speaking it has certain similarities and differences with other languages of Iran including Persian. The Gīlakī literature has been very dynamic during the past one century, and

and science with platonistic outlook, with the preponderance of Islamic culture... are all whereby Shirvani intends to demonstrate his obligation in the above few poems. Through the application of dignified language far from oratory and idiomatic peculiarities along side old myths and thoughts, he intends to prevent the infinite and finite pause in the audience.

102- Javād Ṭāhā'ī, "Ātā az Jāmi'ih Shināsī-yi Inqilāb-i Islāmī Mītavān bi Falsafih-yi Ān Rāh Burd? [Yik Yāddāsht] (Can Reviewing the Sociology of the Islamic Revolution Reveal the Philosophy Behind it [A note])," *Nāmih Pazhūhish*, Nos. 10 and 11 (Autumn-Winter 1998): 5-25.

The paper studies the challenges faced by the Iranian intelligentsia in answering the question "what is the philosophy behind the Islamic Revolution?" A major portion of the paper is devoted to critically examining the research ethics, analytical methods, and mindset of the people who have analyzed the Islamic Revolution of Iran. The author then goes into the enquiry of whether one can judge the ultimate cause or philosophy of the Islamic Revolution by studying its sociological or subjective causes. The paper does not, however, venture into what the philosophy of the Islamic Revolution is and leaves it open for further inquiry.

103- Muhammad Ṭabāṭabā'ī Bihbahānī (Manṣūr), "Dar Maḥzar-i Ḥakīm-i Findirisk (In Presence of the Philosopher of Findirisk)," *Journal of Faculty of Literature and Humanities of Tehran University*, Nos. 148 & 149 (Winter 1377/1998, Spring 1378/1999): 213-229.

Mīr Abu'l-Qāsim Findiriskī is one of the great, and at the same time unknown, philosophers of the Safavid era. Despite his high position in philosophy and mathematics, this philosopher is not known as he should be. Only some of his works are available. His philosophical school is disputed; some have regarded him to be Illuminationist, and the majority of this group appeal to his *Yā'īyyah* elegy, which reminds one of the composer's belief in Platonic ideas. Some others have considered him to be Peripatetic, and what can be understood from his explicit discussions does not confirm but the latter idea. Mīrfindiriskī spent some years in India in order to travel in new horizons and do some soul searching, and was strongly influenced by Indian

(Winter 1977): 174-182

Western researchers and present sources have concluded that Iranians adopted the Egyptian calendar and took it as the basis for their religious year in the late sixth century or early fifth century B.C. According to Taqīzādah, after Dāriyūsh return from Egypt, the chiefs, priest, and circles of Zoroastrians adopted and used the Egyptian calendar instead of the ancient Avestan one. The modern Avestan calendar is the same as the Egyptian. Each day of a month was ascribed to an angel and named after him or her. But these claims have some faults. It is evident that Egyptians used numbers, figures, and not names in their calendar before the Iranian conquered Egypt. Those researchers who claim that Iranians adopted the Egyptian calendar have not given an exact definition of the Egyptian calendar. In the calendar of ancient Egypt, the year was lunar and had 365 $\frac{1}{4}$ days. Then they invented the common calendar, in which there were 365 days and the extra $\frac{1}{4}$ day was not taken into account, although they were aware of it. The year was divided into three seasons and each season had four months with thirty days in each month, plus five extra days (the days of Abūghanmā or Panjah-yi duzdīdah). The ancient Egyptians used different kinds of year with different length synchronously, including: a year of 360 days, which had a religious nature; a year with 365 days known as *'urfī/qurdān*; a *qamarī/najmī* year (lunar year) called *Sūtīsī* with 365 $\frac{1}{4}$ days; and a *qamarī* year with 354-5 days. The question is: which of the above-mentioned years did the Zoroastrians accept? Western researchers insist that only the *'urfī* and nonreligious year or the so-called Egyptian conventional year, with 365 days and without $\frac{1}{4}$ day were adopted and used in all the religious ceremonies of the ancient Iranians.

101- Īrāj Žīyāyī, "Shi'r va Mafāhīm-i Azalī (Verse and the Eternal Concepts), *Kārnāmih*, year 1, No. 5, (May-Jun. 1999): 80-83.

Shīvānī belongs to the first generation of poets of guild of Iṣfahan. His first collection was printed in the guild thirty years ago in the spring of 1967. The outcome of his efforts is the selection and printing of his 13 poems. The present essay describes the characteristics of his poetry. To bring down the eternal concepts and to uphold the partial concepts for their similitude through the use of the stories and fictions of the creation of Adam and Eve in the framework of divine disposition in the background of history, traditions

1378/1999: 10-15.

In this article, referring to some poems of Mawlānā Jalāl al-Dīn Mulavī, the author has analyzed the stages of spiritual wayfaring and concepts such as heart and love as viewed by mystics and Sufis. The great mystic of the 7th and 8th centuries A.H., Kamāl al-Dīn ‘Abd al-Razzāq regards men to be in three stages of soul, heart, and spirit. Taking this very point into account, the value of the heart for the great Sufis can be understood to some extent. Mystics have alluded to some similarities and dissimilarities between heart and the Divine Throne. According to Sufis, heart has a certain form, i.e. its pineal form, and a spiritual life, which is specific to men, and that life has another heart made of the illumination of kindness, which is not bestowed on all men. Sufis say that the heart has various moods, which amount to seven, as follows: *ṣadr*, *qalb*, *shighaf*, *fu‘ad*, *ḥabhat al-qalb*, *siwaydā*, and *muhjat al-qalb*. These stages can be reached when the heart enjoys the teachings of those who are aware of the mysteries of religion, and the ingenious spiritual physicians and Imāms (p.b.u.t.), and this gift will not be granted, unless the wayfarer (*sālik*) is the enamored lover of the Oneness and the pure friend of the leaders of religion, and a free-of- suspicions devotee of the saints, and in fact if he has already entered the emotional stage of kindness. And if this kindness approaches to extreme, it will be called love, and no one can be called lover unless when he is far from his beloved during the nights of separation he has amorous talks with the beloved, and his heart is full of her image and beauty. Evidently this love is other than that continuous and burning temptation, which imprisons the man with the desire and passion. The mystics and other scholars have spoken of these two loves in detail, and regard one of the two as originating from bodily insanity, and the other to be a gift of the Heavenly and Divine ecstasies. It is this same divine and true love, on which the mystical school of Mulavī has been founded; and when it mixed with his pure heart, it led to the creation of works such as Mathnawī.

100- Humāyūn Ṣan‘atī, “Iqtibās-i Gāhshumārī-yi Miṣr-i bāstān bi wasīlah-yi rūḥānīyyat-i zartushtī-yi Īrān (Adoption of Ancient Egyptian Calendar by Zoroastrian Priests of Iran),” *Farhang-i Kirmān*, No. 2

98- Maryam Su'ūdīpūr, "Ta'thīr-i Adabīyāt-i Fārsī Bar Adabīyāt-i Farānsih (The Impact of Persian Literature upon French Literature)," *Majmū'ī Maqālāt-i Farhangī*, (Spring 1999): 66-77.

The present essay deals with the impact of Persian literature upon French literature and the acquaintance of French readers with the Persian language. Until late eighteenth century, the French readers were only acquainted with the *Gulistān* of Sa'dī and were familiarized with Iran through the book 'Nāmih-hāyi Irānī' (The Persian Letters), by Montesquieu. In 1795, the National School of Oriental Languages was inaugurated and the translation of Persian works (the works of Sa'dī, Firdusī, 'Attār and Jāmī) commenced. The politicians, who came on a visit to Iran, also rendered help to this enterprise. The foremost person who benefited from Iran in French literature was the French playwright 'André Rivodo', who wrote the play entitled Haman. 'Peer Mathew and 'Anton De Mon Karatin', changed the above fiction into play. Until seventeenth century, none of Persian literary work had been translated into French. In 1596, 'Peer Victor Kaye' translated a Persian poem in French and in 1624, 'André Dorbey', through the translation of the *Gulistān* of Sa'dī, made the first effort on introducing the Persian literature to the French readers. The works of Voltaire opened a new era in the cultural relations of both countries. These relations prospered in the nineteenth century and Avesta was translated into French. Maeterlinck, more than others, was inspired by Shāhnāmih and Victor Hugo also apportioned a number of his poems in 'the legend of the centuries' to Firdusī. The acquaintance with Sa'dī brought considerable impact upon French romantic literature and composition of sonnet of the nineteenth century and the French readers were introduced to the works of Ḥāfiz through English and German translations and were greatly influenced by them. Ḥāfiz, Sa'dī and Khayyām cast their shadows on French literature. Théophile Gautier, Goethe and Ernest Renan discovered the ideas of Khayyām through his *Rubā'īyāt* and introduced him to their respective nations.

99- Dhabīhullāh Šafā, "Dīl va 'Ishq dar Ištīlāl-i Sūfiyān (Heart and Love in Sufis' Terminology)," *Hunar Quarterly*, No. 39, spring,

was followed by his renowned predecessors such as Ahmad Ghazālī, Fakhr al-Dīn ʿIrāqī, Awḥad al-Dīn Kirmānī and countless others.

97- Muḥammad-Rizā Sarfī, “Uṣṭūrih-yi Zamān dar Shiʿr-i Ḥāfiẓ (The Myth of Time in the Poems of Ḥāfiẓ),” *Farhang-i Kirmān*, No. 2 (Winter 1999): 149-172.

The sacred time are the moments when a Gnostic becomes aware of the invisible world, not through outward senses but through the use and the instigation of the inner senses, which in itself is the transformation of outward senses into inner and objective senses. For a Gnostic, the sacred time is process of gradation. The loftiest sacred time for him has been the moment when he comprehends the creation of universe and man. Every sacred time acquired by the Gnostic gives reality to the sacred happening, which is likely to have taken place in the unknown past; therefore, the sacred time repeats itself for the Gnostic. The sacred time is the sequence of the eternities, for it partakes the sacred happening which has taken place in the eternity and which the Gnostic comprehends through spiritual revelation and intuition. By entering the sacred time, the Gnostic becomes part of the eternity and attains to the stage of condescension. Ḥāfiẓ interprets this sacred time in such words as: *dūsh* (last night), *day* (yester night), *dīshab* (the night before last), *saḥar* (dawn), *ṣubḥ* (morning), *ān zamān* (then), *ān rūz* (that day), *saḥargāh* (aurora), *saḥargāhān* (dawn), *ūzal* (primordially), *shab-i dūsh* (last night), *nukhust rūz* (first day), *Khwāb-i Khush* (slumber), *ṣubḥdam* (dawn), *shām* (evening), *bāmdād* (morning), *nīmih shab* (mid-night) etc. With such interpretations, he speaks about divine primordially and shows the beginning of creation in complete mythological scenarios. He unveils the moments, which indicate the eternity at the beginning and as such are also connected to the present and the eternity at the end. Sometimes Ḥāfiẓ speaks about the creation and birth of love and sometimes meets with angels and celestial creatures in this time and perceives their words. Sometimes this 'time' serves him as a pretext to narrate about his desire; yet, sometimes he succeeds in meeting the beloved. Or sometimes he comprehends a message or tidings from his beloved. Yet living in this sacred time, he enters the sacred place and cures his mental problems.

Rizā Shāh),” Ed. Īraj Afshār, *Nigāh-i Nu*, No. 40 (Spring 1999)” 10–12.

This paper has been compiled from the personal notes of Allāhyār Šālih, which were written on July 26, 1942 in New York, when he was Iran’s commerce representative in the US. In these notes, Šālih writes about the manner in which Rizā Shāh treated his subordinates and gives a brief account of the situation in his court. To authenticate his claims Šālih mentions about Rizā Shāh’s harsh reactions to a meeting that had taken place between his finance minister and the secretary of a British oil company that proves Rizā Shah did not trust any body and all his men were compelled to lie to him out of deep fear. The author also reminisces the effects of the Second World War on Iran, how the allied forces entered the country, the incompetence of the Iranian army to withstand the aggressors, and finally Rizā Shah’s resignation.

96- Bāqir Šadrī-Niyā, “Sīmā-yi Kamāl dar Āyinih-yi Tadhkarih-hā (The Visage of Kamāl in the Mirror of Biographies),” *Īrān Shinākht*, No. 12, (Spring 1999): 78-97.

Despite the fame of Kamāl Khujandī, as exaggeratedly mentioned by Ḥāfiẓ Ḥusain Karbalā’ī Tabrizī, author of *Rawzat al-Janān*, had reached four corners of the world, and was considered among the renown mystics and poets, his biography and a number of the incidences of his life are still shrouded under the cover of ambiguity and a great number of biographers and historians have not explored the minutest particulars of his life. Some have only taken for granted whatever information had been provided by their predecessors in this connection. Yet, others have added to the already existing ambiguities by their misleading and contradictory statements. In the present essay, a portion of these contradictory statements and parts of his life aspects and his thought has been reviewed. All biographers and historians concur on his origin and place of birth. Regarding the date of his death, there are varying statements and this diversion still continues. The majority of his biographers stress that the Sheikh was endowed with the grade of *Valāyat* (leadership) and Guide and that the poetry does not match his dignity and consider his involvement in poetry as a means to hide his circumstance and devotion to the Almighty, and suggest that he be called the spiritual leader and of mystical disposition and belonging to the same mystical school which

followed by a suggestion as regards the length of the intervals between them. The writer then goes on to present illustrations of Fārābī's, Avicenna's, Šaḡīr al-Dīn's as well as natural frets and explains them in his article. In the final part of the commentary, the writer presents a comparative analysis between the *du-tār* (a kind of string instrument) from the eastern and the northern parts of Khurāsān and the differences between their scales and the scales of the *tambūra*.

94- Maḡṣūd-'Alī Šādiqī, "Ravābiṭ-i Saljūqīyān, Qarākhṭā'īyān dar Durīh-yi Sulṭān Sanjar (The Relationship between Seljuks and Qarākhṭā'īyān during the Reign of Sulṭān Sanjar)," *Iran Shinākht*, No. 12, (Spring 1998): 130–163.

The author is of the view that in order to understand the history of Seljuks it is important to know their relationships with their neighboring governments, particularly those that ruled over the eastern and northeastern states of Iran. For, such a review could highlight the roots of the establishment, progress, and downfall of Seljuks. The relations between Seljuks and Qarākhṭā'īyān entered a new phase during Sulṭān Sanjar's rule. During this period the capital of the Abbasid caliphate was transferred from Baghdad to Khurāsān as a result of which there were new developments in their relationships with the neighboring governments. These developments affected the conditions of the Seljuks and weakened their rule and finally led to their downfall. This paper is an attempt to study the relationships between Qarākhṭā'īyān and Seljuks right from the beginning, with a special reference to these relationships during Sulṭān Sanjar's rule. According to the author, studies indicate that among all the governments that ruled under Sultan Sanjar Qarākhṭā'īyān had the closest relationship with him. Choosing Marv, which was close to Transoxania as the capital strengthened the political and cultural relations between the two sides. During Sanjar's rule not only did Qarākhṭā'īyān participate in political and military affairs of Sulṭān Sanjar but also Sanjar would support them in their problems as and when needed.

95- Allāhyār Šāliḥ, "Īrān Zamān-i Riżā Shāh (Iran During the Reign of

Ṣāhib al-falāsifah, was born about 300 A.H. and died in 381 A.H. He studied philosophy under Abū Zayd Balkhī. In philosophy, he is considered to be at the level of Fārābī and Avicenna. He tried hard to reconcile religion and philosophy. He was interested in Sufism and associated with Sufis. His other masters were Abū Ja'far Khāzin (in mathematics and astronomy), Abū Bakr Qaffāl, Abu'lfaẓl Ibn 'Amīd (Buyid vizier). He wrote many books on philosophy, theosophy, and politics. His books on politics, are as follows: "*al-A'lām bi manāqih al-Islām*", which is classed among theological books, "*Farrokhnāmah-yi Yūnān Dastūr*" in Persian, and "*al-Sa'ādah wa'l is'ād*". According to *Manāqih* and his other treatises, the main principles of his political philosophy are as follows: 1) Divine originality of reason. He considers reason as the ultimate fruit of creation. On the other hand, since reason is also a creature, it is not absolute; and has some imperfections, which are compensated through revelation. 2) The complementary roles of reason and revelation. Abū'l-Ḥasan 'Āmirī followed the school of al-Kindī and Abū Zayd Balkhī, who maintained two original sources for human knowledge namely reason and revelation; and considered man's happiness, to be dependent upon the agreement between the two, and thus they did not see any inconsistency between philosophy and religion. 3) Islamic political system and its advantages. 'Āmirī summarized the foundations of Islam in four principles: "beliefs", "worship", "transactions", "punishments and rewards". He says: "Political leadership consists of two principles: true prophecy and real leadership: none of which may be attained without Divine grant. Thus he does not accept separation of politics and religion, but rather he regards them as perfecting each other. He mentions two other kinds of political leadership: one, a political leadership and system, based on power and dictatorship; and the other a political leadership and system, called as Imamate.

93- Kīyāvash Ṣāhib Nasaq, "Nuqṭih, Khaṭ, Navā [2] (Points, Lines, and Tunes [2])," *Hunar-i Māsīqī* (The Art of Music), No. 6 (December and January 1998): 28-31.

This commentary is the second part of an article written by Kīyāvash Ṣāhib Nasaq. This part begins with the discussion of the problems of applying Sorī and Corone (Persian equivalent of quarter scales) and is

91- Shahryār Sharīf-pūr, "Taṣnīf dar Iran (Taṣnīf in Iran)," *Hunar-i Mūsīqī*, No. 7 (Bahman 1377/1999): 18-19 & 43.

Taṣnīf is a sort of poem sung with music. According to Akhawān Thālīth, it is a sort of rhythmical poem, which has been known since old times, along with lyric poem (*ghazal*) and has been called *qawl* and used in the frame of *ghazal*. It was a sort of *ghazal*, in rhythmical metrics, which was composed to be sung with music; and singers and minstrels sang lyric poems along with these *qawls*. According to Bahār, there wasn't any difference between poetry and ditty, and every poem, composed in *hazaj* and *rajaz* metrics, was used instead of ditty. He mentioned some examples, and thinks that ditty is a sort of syllabic poem, which was popular in pre-Islamic Iran. The term *taṣnīf*, which has been popular since the 10th century, might have emerged in the 8th, or 9th century, and replaced the terms *qawl* and *ghazal*, which were popular in the first period after the advent of Islam. In music, *taṣnīf* is a short melody accompanied by poems; it was composed according to special themes; and sometimes described the events of time in brief, and had a critical tint. The local melodies are, in a way, the same as these primitive *taṣnīfs*, in which Europeans look for the roots of our music. This is not true, since in addition to these vulgar *taṣnīfs* we have also a *radīf*, on which our music is based; and these songs are composed only in some fields of our *radīf*, which are simpler or more vulgar. The *taṣnīfs* of the Safavid era were not syllabic, but in accord with metric poem. In the era after it, however, they were, to a great extent, free of the metrics. The subject of *taṣnīf* was, sometimes, love, and sometimes making a joke, or praising or criticizing persons and circumstances of the time. In the present form, *taṣnīf* is a new phenomenon; and when poetry came from the kings to the people it took the form of *taṣnīf*. After the Constitutional revolution, poets paid more attention to *taṣnīf*. The kinds of *taṣnīf* are: *taṣnīf* sung at a wedding; political *taṣnīf*; and satirical one, the examples of which are quoted in this article.

92- Abu'l-Faḍl Shakūrī, "Andīshah-yi siyāsī-yi Abu'l-Ḥasan 'Āmirī (Political Thought of Abu'l-Ḥasan 'Āmirī)," *Āyīnah-yi Pazhūhish*, No. 53 (Ādhar & Diy 1377/1998): 2-12.

Abu'l-Ḥasan Muḥammad Ibn Yūsuf 'Āmirī Nayshābūrī, the head of the Muslim philosophers in the second half of 4th century, and known as

love, education, mountain, wilderness, beasts, river, flood, deluge and the secrets of birth and death. This famous epic is the foremost collection of human legends. Gilgamesh is a Sumerian epic written circa 3000 B.C. This is a story of the legendary king of Ur, a city of Sumer, who embarks upon the exploration of eternal life. Later on, the Babylonians developed this fiction into versified epic form. Gilgamesh is considered among the masterpieces of world literature. A part of this epic describes a kind of deluge which is very much similar to the parable of the deluge of Noah given in the Old Testament. The main text of this epic on 12 clay tablets has been discovered from the library of Assurbanapal in Nineveh.

90- Maryam Sharī'atzādh Junaydī, "Ḥisāmīzī dar Mūsīqīdānān-i Īrānī (Creating Emotion in Iranian Musicians)," *Hunar (Art) Quarterly*, No. 39 (spring 1999): 165-169.

Nowadays, the phenomenon of "creating emotions" in creative psychology has been propounded from the neuropsychological point of view. This means that emotional stimulation which reflects the actual reality of the outside world in the brain, integrates with the common senses, leading to the interpretation and solid understanding of knowledge. The objective of the present research was to determine the difference between musicians and common people regarding the phenomenon of "creating emotions". This research was based on the hypothesis that visual and audio "creation of emotions" is more in musicians than common people. The studied statistical universe included 51 Iranian musicians employed by the Radio-Television Network and 31 common people, all of whom were male and of the same age group and qualifications. The research was carried out using a tachistoscope, which exposes visual stimuli and assesses visual perception within a thousandth of a second. The audio stimulus was assessed through a headphone. According to the statistical results, at the level of $\alpha=5\%$ with a certainty degree of 80% and 95%, we come to the conclusion that there is substantial correlation between creating audio emotions in musicians and common people. The occurrence of "creating emotions" is more common in left-handed musicians than right-handed ones. This same phenomenon is more distinguishable in musicians with more than 20 years of working experience.

1378/1999): 27-32.

The Book *Kulthūm nanih* or *'Aqāyid al-nisā* is among the famous books of Iranian folklore literature. Some think the book to be written by Āqā Jamāl al-Dīn Muḥammad Ibn Ḥusain Ibn Muḥammad Khwānsārī, known as Āqā Jamāl Khwānsārī, *muḥaddith* (traditionist), *uṣūlī* (specialist in principles), philosopher, theologian, and jurisprudent of the Safavid era. The content of book is, in fact, an indirect critique of the women's gossips and ways: and in a direct way, it is a collection of the "knowledge" of the masses. For the assignment of the book to Āqā Jamāl Khwānsārī, some reasons have been provided: firstly, Āqā Jamāl was an easygoing jurisprudent, who was in contact with the masses. He was aware of the unfounded and superstitious ideas, which were then prevalent among people. Secondly, Āqā Jamāl lived at a time, when superstitious ideas were prevalent. Until ascending the throne, the then king, like his father, had lived, instead of among politicians, in a Harem and among women. The training of the king was mainly under females and the domination of the Harem in governmental issues had paved the way for growth of the feminine ideas. Writing a book to describe the superstitious ideas of women, not only does not reduces the rank of a jurisprudent, but reveals his intelligence and fight against the superstitious ideas and the cultural policy of time through disdaining it. For the sociological-historical studies, the book *Kulthūm nanih* or *'Aqāyid al-nisā* is of paramount importance, and for a study on the closed society of women in the Safavid era is an indispensable source. The values emphasized by women, their concerns for their families, ..., their thoughts, their religious approaches, their views concerning the social classes and dozens of other issues can be found in the book *Kulthūm nanih*.

89- Aḥmad Shāmlū, "Gīlgamish," *Kārnāmih*, first year, No. 2, (Jan.-Feb. 1999): 7-16.

Gilgamesh, also known as Gilgameš, is the kind of 'Orak' in the south of Babylon (3000 B.C.). His image at the time of killing two wild bulls is extant. 'Ḥamāsi-yi Manzūmi-yi Gīlgamish' (the versified epic of Gilgamesh), as a hero king is available, consisting of 12 large plates in cuneiform and as they were made of clay, are broken into pieces. Today, these plates can be seen in the British Museum. The themes of this epic are

the 7th century AH, as Reported by Kitāb al-Ḥawādith),” *Āyīnīh Pazhūhish*, No. 54 (February–March 1998): 2–6.

Kitāb al-Ḥawādith is the surviving section of a history book by an unknown writer, which was mistakenly attributed to the famous Iraqi historian, Ibn Fawatī. The book contains the historical events between 625 and 700 AH. It also contains reports about books and libraries of that era. These reports have been reviewed by Sulṭānī date-wise. In reports pertaining to the year 626 the author of al-Ḥawādith writes about the completion of Mustanjid mosque in Baghdad, popularly known as Qamarīyah, as well as its library. In reports pertaining to 631 AH he mentions about the completion of Mustansariyih School and its library, which had a collection of valuable books and tablets. This library was one of the largest libraries of its time and its affairs were managed by Ibn Fawatī for some time and it was being regularly visited by the guests of the ruling caliph. In the reports pertaining to the year 639 AH the author talks about the caliph’s library and the appointment of its librarian. The author also reports about a number of other important libraries like the library of Jama mosque in Basra, the personal library of Musta’sim, the Abbasid caliph that was established in 641 AH in his residence, and a library called Dār al-Kutub that Mu’ayyid al-Dīn Muḥammad ibn ‘Alqamī, learned prime minister of Musta’sim, had established in his house in the year 644 AH. The establishment of these libraries in Iraq in the 7th century AH are indicative of the fact that many scholars and book lovers lived in Iraq in that period of history: the fact that had prompted the author to write about them in his book. The author also writes about the bitter destiny of the libraries of Baghdad and the Mongolian invasion of the city in 656 AH, as a result of which many invaluable books were sold at very low prices for a meal or two. Nevertheless, many of those books were preserved by the locals. According to the author when Khwājah Naṣīr al-Dīn Tūsī visited Baghdad, Wasit, and Basra he managed to find a large number of these books and buy them for his observatory.

88- Muḥammad-‘Alī Sulṭānī, “Guzārishī az ‘aqāyid al-nisā (A Report of Ideas of Women),” *Āyīnah-yi Pazhūhish*, Nos. 55 & 56 (Farvardīn-Tir

American and British poets),” *Majmū’ih-yi Maqālāt-i Ravābiṭ-i Farhangī* (Collection of Essays of Cultural Relations), (Spring 1999): 54-65.

The importance of comparative literature for the evaluation of inter-cultural relationship is hidden from no one. Regrettably, scant attention has been accorded to this fact by our academic circles. The present essay strives to trace the impact of Ḥāfiz’s poetry on the American and British poets and tries to ascertain the extent of the role of these poets in introducing the Iranian literature and consequently in knowing its impact upon the literatures of these two countries. Since time immemorial, the European poets and writers have shown great interest in the poetry and literature of Iran and have undertaken the task of translating the works of a number of illustrious Iranian poets. Goethe, the celebrated German poet, has been one of them who translated the Divān of Ḥāfiz into German. A number of American and British poets also translated and introduced the Iranian literature, such as: 1) Ralph Waldo Emerson: From 40 up to 50 years of his age, he was constantly inspired by the Persian poetry. In 1841, the names of Sa’dī and Ḥāfiz had been included in the list of his book. At the beginning, he only wrote sporadically about Ḥāfiz, but in 1845 he seriously devoted himself to study the works of the Iranian poets. Emerson translated and published around 700 couplets of Ḥāfiz and included two selected collections of Ḥāfiz in his book of poems. 2) Henry Wadsworth Longfellow: He was introduced to the Iranian literature through Emerson and is influenced by Sa’dī and Khayyām in his poetry. 3) Herman Melville: He was mainly inspired by Ḥāfiz, but during his last years, he greatly benefited from the Gulistān of Sa’dī and Khayyām. 4) Alfred Lord Tennyson: The impact of Ḥāfiz can explicitly be observed in his poems and works. He was also inspired by the Rubā’īyyāt of Khayyām. 5) Mathew Arnold: He is one of those British poets, who were avid for Iranian culture and literature. He has benefited from the most inward Iranian sources, first, in his extracts from the story of Rostam and Suhrāb, and secondly, in his treatise entitled passion play. Of course, in both of the above works, the inquisitiveness of Arnold is rooted in suspensive culture.

87- Muḥammad-‘Alī Sultāni, “Kitāb va Kitābkhānih dar Qarn-i Haftum-i Hijrī bi Guzārish-i Kitāb al-Ḥawādith (Books and Libraries in

1999): 17-26.

The subject of "Ra", i.e. the symbol of expressed object in the intransitive verb is one of the most complicated and most delicate subjects in the Persian language grammar. It is complicated because it cannot easily be subjected to rules and any rule we find for it, there might still be some exceptions and it is delicate because the recognition of the use of its position requires deep familiarity with the spirit of language and depends on the status and position of the preceding expressed object. In this article, the writer has given numerous examples of intransitive verbs whose expressed object is both animate and inanimate and has analyzed the rules of using or avoiding "Ra" in them in details.

85- Hürriyih Sa'idi, "Shukūfih, Nukhustīn Rūznāmiḥ-yi Zanān-i Īrān (Shukūfih, the First Iranian Newspaper for Women)," *Tārīkh-i Mu'āṣir-i Īrān*, Vol. 3, No.9 (Spring 1999): 347-358.

Shukūfih was the first Iranian newspaper that was exclusively published for women and contained ethical, literary, health, good housekeeping, and childcare and upbringing articles. The first and foremost objective of Shukūfih was the ethical enhancement of Iranian women. It was published for a period of four years beginning from Zil-Hajja 1330 AH to Zil-Qa'da 1334 AH and was printed by lithography and typography printing methods in a tabloid size. The managing director, chief editor, and publisher of Shukūfih was Maryam Mīr 'Amīd Simnānī, alias Muzayyan al-Saltānīh, daughter of Mīr Sayyid Razī Ra'īs al-Aṭibbā, the special physician of Nāṣir al-Dīn Shah's army. The main theme of this newspaper was centered on family issues, personal and social hygiene, teaching religious principles and rules and regulation, emphasizing on the need for educating girls and women. Since its second year of publication, however, there was a political trend in the topics discussed in Shukūfih and it began to critically analyze the economic and social backwardness in Iran, severely criticizing the authorities.

86- Ismā'il Salāmī, "Niḡāḥī bi Ta'thīr-i Shī'r-i Ḥāfiẓ bar Shā'irān-i Āmrīkā'ī va Īngīlīsī" (A Glimpse at the Impact of Ḥāfiẓ's Poetry on the

83- Zīyā al-dīn Sajjādī, "Laylī va Majnūn dar Qarn-i Shishum-i Hijrī-yi Qamarī va Laylī va Majnūn-i Nizāmī (Laylī and Majnūn during the twelfth century A.D. and the Laylī and Majnūn of Nizāmī)," *Shi'r*, 25, (Spring 1999): 8-17.

The story of Laylī and Majnūn, which is a paragon of the simplicity of desert love affairs, apparently became famous among the masses in the seventh century A.D. during the caliphate of Marvān ibn 'Abd al-Malik as a result of amorous poems entitled 'Qays ibn Mulavvīh 'Āmirī, alias Majnūn and became famous among the Arabs. The Divān of Qays was collected by Abū Bakr al-Mavaqibī, to which he added poems of other poets as well. The poems were memorized by the lovers and votaries of poetry and literature and shared them with others. In the 9th century, Ibn Qatibih Dīnūrī included the poems of Qays as well as the anecdotes imputed to him in his book 'Al-Shi'r va'l-Shu'arā' and has also quoted a number of couplets of the above poems in his other works. In the tenth century, Abu'l-Faraj Isfahānī has quoted the story of Laylī and Majnūn in the book of Aghānī which has caused the widespread fame of this story in the Arab countries and among the Iranian literati and poets. During the 11th century too, the Iranian poets seem to have paid their attention to this story and have mentioned about it in their poems, such as Bābā Tāhir Hamadānī, Amīr Mu'izī, Qaṭrān and Mas'ūd Sa'd, but Nāṣir Khusraw, owing to his religious trait has refuted such an outward love and such amorous stories. The 12th century marks the climax of popularity of this story and almost all prose and versified works produced during this century contain hints of this story. And this fame of the story urged the literary and scholar king Shīrvān to encourage Nizāmī to produce his celebrated work Laylī and Majnūn. The Laylī and Majnūn of Nizāmī contains 5000 couplets and culminates with the death of Majnūn on the grave of Laylī and with the awareness of the Majnūn's tribes of her demise and with the mention of Shīrvānshāh's name. The essay goes on to mention about other works and about the narratives on Laylī and Majnūn contained therein.

84- Ismā'īl Sa'ādat, "'Rā-yi' Ba'd az 'Yā-yi' Nakarih ('Rā' Following 'Yā' or the Indefinite 'Rā')," *Nashr-i Dānish*, year 16, Issue 1 (Spring

be inspired by *Ways o Rāmīn*. According to Parvīz Nātal Khānlārī, the translator of *Tristan and Izzot*, the only difference between the two fictions lies in the ending parts of them. The love of *Tristan and Izzot* culminates in the death of both lovers, but in the versified *Ways o Rāmīn*, the lovers enjoy union, a happy and long life. In this essay, the views of the renowned literary figures on the symmetries and differences of these two romances are given in detail.

82- Mahdī Sitāyishgar, “Shā’irān-i Mūsīqīdān, Mūsīqīdānān-i Shā’ir’ (The Musician poets, the Poet Musicians),” Hunar-i Mūsīqī, No. 6, (Nov.-Dec. 1998): 32-33.

The present essay introduces Sayyid Mīrzā Muḥammad Naṣīr Husainī Shīrāzī, alias Furṣat al-Dawlah Shīrāzī, who was born in Shīrāz in 1854 and died in November 1920. His tomb is located in Hāfizīyih of Shīrāz. He accompanied Shujā’ al-Saltānih, son of Muṣafar al-Dīn Shāh, on his return from Shīrāz to Tehran. After joining the company of the Shāh, he was nicknamed Furṣat al-Dawlah Shīrāzī. Furṣat al-Dawlah was a poet and musician. *‘Buḥūr al-Alḥān* is his celebrated work. He benefited from the schools of Shaykh Muḥid Shīrāzī, Sayyid Jamāl al-Dīn Asadābādī and Mahdī Sālīhī. Rūhullāh Khāliqī, Najafqulī Mīrzā and Kūhī Kirmānī are among his celebrated disciples. His works include: *Āthār-i ‘Ajam*, *Divān-i Ash‘ār*, *Daryāy-i Kabīr*, *Ashkāl al-Mīzān*, *Munsha’āt*, *Risālah-yi Shatranjīyih*, *Mathnavī-yi Hajwnāmih*, *Maqālāt-i ‘Ilmī va Sīyāsī*, *Risālih dar ‘Ilm-i Hayāt-i Jadīd*, and *Risālih dar Grammar-i Khat-i Mīkhī*. He has left no works on scientific music, and owing to the then social and religious atmosphere, he refrained from writing about scientific music. Ghazal enjoyed a special status and a great number of ghazals were recited and performed by singers. His celebrated work *‘Buḥūr al-Alḥān* has been reprinted many times during the course of time. This is a celebrated and reference work on the science of music and is widely read owing to its cadence and fluency. Furṣat has described the relationship of verse and music on the basis of rhythm and has mentioned as witness a relatively famous ghazal of one of the poets according to the status, base, voice or an appropriate part of that verse.

80- Mahdī Rahbarī, "Nusāzī-yi Shitābān va Inqilāb-i Islāmī (A Hasty Modernization and the Islamic Revolution of Iran)," *Nāmih Pazhūhish*, No. 10 and 11 (Autumn-Winter 1998): 147-161.

Many prominent Iranian and foreign thinkers are of the opinion that the hasty decisions made by the Pahlavi regime to adopt the process of modernization and socio-economic reforms, during the 1960's and 1970's, paved the way for the victory of the Islamic Revolution in Iran. These thinkers believe that the untimely spread of mass communication and media, an increase in the number of schools, factories, and business and industrial firms, exodus of the rural population to the urban areas are all indications of a hasty process of modernization in these decades. According to them this hasty trend of modernization brought about a quick change in the traditional Iranian society and, therefore, led to quick reactions on the part of socio-economic forces against the regime. After giving an account of the theories of such foreign thinkers as 'Olson' and 'Louise' about the effects of such hasty modernization in causing revolutions in the third world countries, the author then attempts to critically examine and evaluate the views expressed by Iranian writers like 'Niki Keddī', 'Manṣūr Farhang', and 'Bakhash' on the phenomenon of the Islamic Revolution of Iran.

81- Jalāl Sattārī, "Uṣṭūrih-yi Ulgūy-i Irānī Tristan va Izzot (The Myth of Tristan and Izzot based on the Iranian Model)," *Bukhārā*, No. 4 (Jan. Feb & Feb. Mar. 1999): 32-47.

The 12th century fiction, *Tristan and Izzot*, became a myth of sensation, love, mystery and amorous devotion in the Western literature: that is, the myth of the preordained loves terminating in death. This fiction or romance, as held by some, has been modelled after the versified *Ways o Rāmīn* of Fakhr al-dīn As'ad Gurgānī. In this essay, the writer intends to show the extent to which it has borrowed from the versified *Ways o Rāmīn*. In fact, the similarity of both stories cannot be denied and the original plot of the two is the same. Due to this similarity, the foremost person who compared *Tristan and Izzot* with *Ways o Rāmīn* and who reached the conclusion that it has been modelled after Iranian fiction was a German scholar called Zenker. His view was accepted by a number of researchers. Vladimir Minorsky and Peer Gala also accepted the *Tristan and Izzot* as to

79- Muḥsin Rūstā'ī, "Vāzhigān-i 'Ilmī Muṣavab-i Farhangistān-i Īrān (Scientific Terms approved by the Iranian Academy (1935-1941))," *Ganjīnih-yi Asnād*, issues 31 and 32 (Autumn & Winter 1998): 76-89.

Using the documents available in the Iranian National Documents Organization, in this Essay, the writer has studied the history of the associations involved in correction, alteration and substitution of Persian words for foreign words and has presented the approved words in different sciences including physics, meteorology, mechanics, calculus and geometry, psychology and statistics. In 1928, following the establishment of the high teachers' association for coining equivalents for foreign terms, meetings were convened in the room of late Badī' al-Zamān Furūzānfar for this purpose in which Sa'īd Nafīsī, Hurmuz Sālwar, Shaykh al-Ra'īs Afsā and Ḥusain Guligulāb used to take part. In 1932, Dr. 'Isā Ṣādiq established the Association for Coining Scientific Terms and Expressions in the High College where a group of students used to coin words in weekly meetings being supervised and advised by one of the lecturers. Professors such as Dr. Rizā-zādi Shafaq, Maḥmūd Ḥisābī, Bīzhan, Ḥusain Guligulāb and Muḥammad Bāqir Hushīyār were members of this association. This association coined about 3000 words and terms about 400 terms of which found their way into the textbooks. The Association was active even after the establishment of the Iranian Academy in 1935 and cooperated with it. In December 1935, in a letter to the Academy, Ḥusain Guligulāb reminded the importance of substituting foreign words by Persian and proposed the formation of a commission for scientific and technical words and terms in the school textbooks. Consequently, a commission was assigned to study the above proposal and in Feb. 1937, the by-law for review of scientific terms was approved by the Academy in which the working method of the Academy and the qualifications and conditions of the members are mentioned. This Commission was active from 1938 through September 1941 and some of the basic science terms are the outcome of activity of this Commission. Members of scientific terms commission were about 20 people. Ghulām-Ḥusain Rahnamā was the chairman, Dr. Maḥmūd Ḥisābī, the spokesman and Ḥusain Guligulāb the secretary of the Commission.

It took him nine months and twenty-three days to complete his to and fro journey and passed through a hundred and ten stations. In his travel memoirs Bādkūbī has written about the cities and stations he passed through, their inhabitants and the events that took place during his journey.

78- Muḥammad-ʿAlī Ranjbar, “Mutivaliyyān-i Madrisih-yi Maṣṣūriyih-yi Shīrāz: Bāzkhānī-yi Shish Sanad (Custodians of the Maṣṣūriyih School of Shīrāz: Reviewing Six Documents),” *Ganjīnīh Asnād*, No. 31 and 32 (Autumn-Winter 1998): 48-61.

The Maṣṣūriyih School of Shīrāz was built by its founder, Ṣadr al-Dīn Muḥammad Dashtakī Shīrāzī, during the reign of Yaʿghūb Āq-Quyūnlū. As per the will of its founder, the custodians of this school have all been the members of his family, and all the donations made to the school were exempted from taxes. In this paper the author briefly goes through the life of the custodians of the school and examines six documents pertaining to the school available in the National Archives of Iran, the subject matters of which is mainly the appointment of consecutive custodians of the school as well as the exemption of school from paying taxes. These documents were written between 1118 and 1133 AH. The first custodian of the school was none other than Ṣadr al-Dīn Dashtakī himself who remained in this position until 903 AH when he was killed by the Āq-Quyūnlū Turkmen. After him his eldest son, Ghīyāth al-Dīn Maṣṣūr Dashtakī Shīrāzī took over as the custodian of the school. The names of the successive custodians of Maṣṣūriyih School after Ghīyāth al-Dīn are as follows: Amīr Salāmullāh ibn Amīr Ṣadr al-Dīn Muḥammad Dashtakī, Mīrzā Ibrāhīm Dashtakī Shīrāzī, Amīr Ḥusain Naṣīr al-Dīn, Mīrzā Nizām al-Dīn Aḥmad ibn Ibrāhīm, Mīrzā Muʿīz al-Dīn Muḥammad Dashtakī Shīrāzī, Mīrzā Muḥammad Maʿṣūm Dashtakī Shīrāzī, Mīrzā Nizām al-Dīn Aḥmad Makkī Shīrāzī, Mīrzā Sayyid ʿAlī Khān Ṣadr al-Dīn Ḥusainī Ḥasanī Madanī, Makkī Shīrāzī, Mīrzā Majd al-Dīn Muḥammad ibn Mīrzā Sayyid ʿAlī Khān, Mīrzā Ḥasan, Mīrzā Ḥasan Ḥusainī Fasāʿī, the author of *Fārsnāmih Nāṣirī* who was the third son of Mīrzā Ḥasan. The author has rewritten all the six documents and explained the terminology used in them. Photocopies of these documents have also been printed at the end of the paper.

comprised a brick dome and two minarets, an altar and two Shabistān (part of a mosque designed for sleeping or nocturnal prayers). An inscription in Thulth script and another one in Kufic script were hung under the dome. Four arch-like niches and four small adjoining rooms were also built around the main prayer hall. According to the author, after the construction of this mosque the mosque architecture reached its zenith. The most important mosques built in the 6th century AH were the Old Jama Mosque, the Ardistān Jāmi‘ Mosque, and the Zavārīh Jāmi‘ Mosque. All the three mosques belong to the Seljuk period and have inscriptions in Kufic and Thulth scripts. It has been recorded that these mosques had beautiful Mihrābs (Niches) with raised plaster works and inscriptions in Kufic and Thulth scripts. The Old Jāmi‘ Mosque of Iṣfahān was renovated during the Safavid era and its Mihrāb was designed with tile-work. The tombs of Mullā Muḥammad Bāqir Majlisī and his father Mullā Muḥammad Taqī Majlisī are in this mosque. The dome of the mosque, which was built in 481 AH is known as Gunbad-i Khākī or Gunbad-i Tāj al-Mulk and is, technically, the most perfect dome in the world.

77- ‘Ārif Ramazān, “Safarnāmiḥ-yi ‘Abd-Raḥīm Bādkūbi’ī: Asāmī-yi Manāzil az Iṣfahān tā Makih-yi Mu‘āzamih az Samt-i Tabrīz va Shām va Mu‘āvidat az Daryā va az Jādiḥ (‘Abd al-Raḥīm Bādkūbi’ī’s Travel Memoirs: Names of Various Places from Iṣfahān to Mecca, via Tabrīz and Shām and the Return via Sea and Jeddah),” *Ganjīnīh Asnād*, No. 31 and 32 (Autumn-Winter 1998): 4–9.

This paper has been compiled from Ḥāj ‘Abd al-Raḥīm Bādkūbi’ī’s travel memoirs currently available in the Institute of Manuscripts, the Science Academy of Azerbaijan Republic. As per this document ‘Abd al-Raḥīm Bādkūbi’ī began his Ḥajj journey from Iṣfahān and passed through Kāshān, Qum, Zanjān, Tabrīz, Khuy, Ḥasan Qal‘ih, Arzan Rūm, Arzangān, Kamākh, Akīn, Malātīyih, Anṭāb, Halab, Hamra, Ḥamīš, Shām (Damascus), Medina to reach Mecca on the 5th of Zil Hajja. After completing the Ḥajj ceremony he set out on his return journey via the Arabian Sea and passed through Jeddah, Aden, Muscat, Bandar ‘Abbās, Bandar Lingih, Būshihr, ‘Isā Valadī, Kinār Takhtih, Kumārij, Kāzīrūn, Mīyān Kutāl, Zanīyān, Shīrāz, Zarqān, Dih Bīd to return to Iṣfahān on the 12th of Rabi‘ al-Thani 1265 AH.

dictatorship, and war for power between emperors and scholars on the one hand and the church on the other, were involved. Because of the fundamental differences between Islam and Christianity, the advent of the phenomenon of secularism in the Islamic world is obviated. These differences are: the presence of the Holy Quran, the Prophet's tradition along with other authentic traditions, which are available to Muslims; the Holy Quran's being saved of deviation; the necessity of using reason and *Ijtihād* in principles; reason in intellectual systems of Muslims is equivalent to revelation; Islam's attitude toward the high position of science and the scientist; system-making capacity of Islam in all social arenas. In Imām Khomeynī's political doctrine of relations between religion, state, and society are defined and regulated in a reasonable manner. The Islamic Republic is a clear indicative of the relations between religion, state, and people in contemporary Iran. Republicanism suggests the nature of government, and Islam is the indication of this republic. As a result, religion is the guide and origin of the legitimacy, and people's agreement and selection are the basis of the state's decision making. In the following part of the article, the constituents of government and the characteristics of the Islamic Republic system, with references to the constitutional law, are described.

76- 'Izzatullāh Rukū'ī, "Nigāhī bi Mi'mārī-yi Masājīd-i Avalīyih va Murūri dar sih Masjid-i Saljūqī (A Glance at the Architecture of the Early Mosques with Special Reference to Three Seljuk Mosques)," *Chīstā*, No. 156 and 157 (March 1998 and April 1999): 497-503.

The early mosques of Islam were very simple in design and architecture. The main prayer hall was surrounded by four mud walls and covered with wood and/or straws. This type of architecture was commensurate with the environment and the life style of the people of Arabian Peninsula. The Iranians on the other hand had a background of about two thousand years of architecture that did not match with this type of architecture. As a result they began implementing their style of architecture in the construction of mosques. By mid 5th century and early 6th century, dome and minarets were used in mosques. The Jama Mosque of Qarvīh may be called the earliest experiment of this type of architecture. This mosque

movement was prevalent. The earlier rationalist theologians lived in this era. The fourth period: This period began in the second half of the fourth century upon the appearance of Fārābī and Avicenna. These two philosophers paved the way for Islamic rationality to reach its culmination. The fifth period: the originator of this period is the great philosopher, Ṣadr al-Muta'allihīn or Mullā Ṣadrā. What he did in the field of Islamic knowledge and philosophy was an unparalleled phenomenon in the history of Islam. In a subtle and methodological way, he synthesized the Illuminationist school, Peripatetic school, theology and Mysticism, and thus founded a united philosophical and epistemological system. The martyr Muṭahharī has enlisted 22 contextual achievements of Mullā Ṣadrā as the foundations of Sadrian philosophy. As it is said, the sixth period has been begun by 'Allāmah Ṭabāṭabā'ī and the martyr Muṭahharī. In the contemporary philosophical discourse in Iran, changes have occurred in three fields: form, methodology, and content.

75- 'Alī-Akbar Rashād, "Hindisih-yi Munāsibāt: Dīn, Dawlat va Jāmi'ah dar Īran-i Mu'āṣir (Geometry of Relations: Religion, State, and Society in Contemporary Iran)," *Dīyānat wa Madanīyyat*, Nos. 9 & 10 (winter 1377/1998, spring 1378/1999): 104-115.

In this writing, religion is regarded as a guide school for man's thinking and practice is a series of true and semi-true statements about the world and man, as well as a collection of imperative and deontological teachings to be employed in order to regulate man's relation with the world and other men, which are revealed through the prophets of God, or received by man's reason through revelation. By State, the collection of legislative, legal, and administrative powers, i.e. government, is meant. And society is the crystallization of individuals i.e. people. Going to extremes and having one-sided approach in theorizing, whose traces are seen in all domains, particularly in the social sciences and humanities of modern times, are great obstacles in perceiving the truth. Secularism is among the extreme symbols of contemporary human-centrism; and humanism is, in turn, a response to the extreme thinking of Middle Ages, that is absolute servitude. With the advent of European secularism, various factors such as the absence of social-religious systems, imposing religious ideas on science, religion-centered

eloquence is, in fact, Imām ‘Alī Ibn Abī Tālib’s sermons and letters, as well as influences imparted by ‘Alī Ibn Abī Tālib’s style on him. To prove this claim, some arguments have been adduced, for instance: emphases made by some earlier researchers and scholars; the confession made by Ibn Muqaffa’ himself; the comparison between the works of Ibn Muqaffa’ and Imām ‘Alī’s sermons and letters, and finding many similarities between them in terms of style as well as Ibn Muqaffa’s imitation of ‘Alī.

74- ‘Alī-Akbar Rashād, “Guftmān-i Falsafī-yi nuṣadrāyī (Neo Sadrian Philosophical Discourse),” *Qabasāt*, vols. 3 & 4, Nos. 10 & 11 (Winter 1377/1998, Spring 1378/1999): 52-63.

Today Islamic philosophy demands to be revived and essentially changed. In this revival, the challenges presented by various philosophical attitudes and the needs of time should be paid attention to. This change has already been begun, and its beginning is the philosophical discourse triggered by ‘Allāmah Tabāṭabā’ī and Muṭahharī, since the twenties solar A.H. The new challenges, which emerged in the seventies in Iranian philosophical and theological centers, have provided very good circumstances for the growth of this tree. In the present article, after mentioning the periods of appearance and growth of Islamic philosophy, the characteristics of contemporary discourse in Iran, known as Neo Sadrian school of thought, have been described in brief. Islamic rationality has passed five stages and now is in the sixth period of its fruitful life. The first period: Except in the era of Abraham (p.b.u.h.), Hijaz had never enjoyed a background of philosophy, and had always lived in ignorance. Upon the advent of Islam, the lamp of rationality had been turned on in that land. The second period: this period, which was spontaneous with the decline of philosophy and sciences in the West and Middle Ages, is the time of compilation and organization of rational thinking in the Islamic world. The third period: the 2nd century A.H. (the 8th century A.D.) is the beginning of the era of flourishing of the Islamic civilization and the 3rd century was the era of growth of philosophy and knowledge in the Islamic world. In this period the intellectual achievements of various nations were translated into Arabic. In this stage, Islamic rationality was still of an intact identity: the epistemological issues were not of such importance, and the Mu’tazalī

Dīn's death Turkān Khātūn was appointed the ruler of Kirmān. In 1302 Aḥmad Sultān came to power and deposed Turkān Khātūn who eventually died in Tabrīz and was buried under the dome of a school she had built in Kirmān. The Green Dome or the Qutbīyah School is the only monument, built at the time of Qarakhtaiian that has survived until our times. It was repaired at the time of Turkān Khātūn and a mosque was built next to it. Later on, large properties were donated to the school and great teachers were invited to teach in it. This school is popularly known as the 'Iṣmatīyih or Turkān Khātūn School. During the reign of Jalāl al-Dīn Sīvarghatmish, Shahāb al-Dīn Zuzānī, who was then the ruler of Kirmān destroyed the Turkān Khātūn Mosque and canceled all the donations given to the school and the adjoining hospital. However, when Padishāh Khātūn became the ruler of Kirmān the Turkān Khātūn School was rebuilt. Three famous mathematicians of the 9th century AH lived in Kirmān and spent part of their life teaching the students of Turkān Khātūn School. These mathematicians were 'Alā al-Dīn 'Alī ibn Muḥammad Samarqandī popularly known as Mullā 'Alī Qūshchī, Sayyid Rukn al-Dīn Ḥusain Āmulī, and Shaykh Zādiḥ Abū Ishāq Kūbanānī.

73- Ḥujjat Rasūlī, "Mansha'-i faṣāḥat va balāghat-i 'Abdullāh Ibn al-Muqaffa' (The Origin of 'Abdullāh Ibn Muqaffa''s Elequence and Rhetorics)," *Journal of Faculty of Literature and Humanities of Tehran University*; No. 148-149 (Winter 1377/1998, Spring 1378/1999): 120-135.

The eloquence of Ibn al-Muqaffa' has always been noticed and discussed by historians and earlier or later eloquent writers. The mystery of his eloquence and the origin of his learning, on which various points can be found in the books of history, are discussed in this article. All the researchers are of the opinion that he learned Persian from his father in Fārs, got acquainted with the Arabic language and literature in Basra, where he was in touch with the scholars of his time; he lived in the light of the friendship with Āl-i Aḥtam, who were well-known in having enjoyed knowledge and literature; he was taught by Abū Jamūs Thawrī; he was in correspondence with 'Abd al-Ḥamīd Kātib, and has been influenced by him. Though these all had, somehow, an influence on Ibn Muqaffa''s eloquence, none of them can be regarded as the main reason for his eloquence. The main origin of his

literati and scholars of all these cities and imbibed learning from them. When his friend and classmate Sulṭān Husain Bāyqarā was enthroned in Herat, Amīr ʿAlīshīr was called to Herat and became a courtier. Later on, he became his minister and was subsequently made the governor of Astarābād. After one year, he returned to Herat and asked for retirement and lived in peace. Subsequently, he gave his allegiance to ʿAbd al-Raḥmān Jāmī as a spiritual master and entered the Naqshbandīyih Order. He took to compiling and writing literary and historical works and composing poems until the end of his life and eventually died Jamādī al-Ākhir, 906 Lunar Hijrī. He has left around thirty books and treatises in Persian and Turkic, including: his Persian Divan, Khamsat al-Mutaḥayyirīn, four divans of ghazals, the mathnavī Lisān al-Tayr, which is the Turkic translation of ʿAṭṭār's Manṭiq al-Tayr, Tadhkarat Majālis al-Nafāyis in Turkic, Arbaʿīn or forty versified Hadiths in Turkic, Tārīkh-i Anbīyāʾ (History of the Prophets) in Turkic, Sirāj al-Muslimīn, Nazm al-Javāhir, Maḥbūb al-Qulūb etc., However they might have been composed in response to the poems of his preceding Persian poets, the poems of Navāʾī give a new shape to the composition of poems and to the virtues of the heroes and take many themes from one versified work and change them into another verse.

72- Mahdī Rajab ʿAlīpūr, “Madrisih-yi Turkān Khātūn Qarākhṭāʾī (Turkān Khātūn Qarākhṭāʾī's School),” *Farhang-i Kirmān*, No. 2 (Winter 1998): 200-214.

Burāq Hājib, the founder of the Qarākhṭaian dynasty, was a minister in the royal court of Khārazm Shah dynasty. He conquered Kirmān in 1240 and established his own rule. Although he interacted with Muḥammad Khārazm Shah's two sons, he secretly obeyed Genghis Khan. Burāq assassinated Sulṭān Ghīyāth al-Dīn and his family members and married his servant, Turkān Khātūn. After Burāq's death, his nephew and son-in-law, Sulṭān Quṭb al-Dīn, took the reins of power in his hands and after four months married Turkān Khātūn. Sixteen years later, he was deposed by the Mongol ruler, Qāʾān Khān, and was replaced by Burāq's son, Rukn al-Dīn. However, after Mangu Qāʾān Khān became the Mongol emperor he once again made Quṭb al-Dīn the ruler of Kirmān. After coming to power for the second time, Quṭb al-Dīn immediately killed Rukn al-Dīn. After Quṭb al-

were driven to extremes and every movement and stirring were severely crushed. Parvin, who could not resist the ruling system fact-to-face, expressed her contradictory thoughts in the frame of debate and allegory. Parvin is a sympathetic but responsible and committed poetess. She relies on her potentials and is forbearing and patient vis-à-vis nuisances and defeats. Her profound feelings for humans enable her to use her poetry as a tool for assisting the humanity. She leads the oppressed towards the realization of the trampled rights. She was a far cry from the short-sightedness and selfishness of a number of her contemporary poets and always tried to sympathize with the people. The poetry of Parvīn is a mixture of mystical teachings and moral precepts based on the Qur'anic instructions and Traditions of the Imams (Peace be upon Them All) and a link between subjectivity and objectivity. She discusses human values in her poetry and considers the moral precepts for the refinement of the society. Her poetry is the outcome of the detailing of the lofty thoughts of the past and the present, which is also a guarantor for the expression of the social responsibilities of the time and circumstances of the poetess. Malik al-Shu'arā Bahār in his comments about the genre of her poetry says: The divan of Parvin is the composition of two genres – Khurāsānī and 'Irāqī – with the contents of mysticism and sagacity. The bibliography of Parvin is given in the following five discourses: 1) the printed works of the poetess, 2) private collections, 3) parts from a book, 4) essays, and 5) poems in other languages.

71- Abu'l-Qāsim Rādfard, "Navā'ī, Nizām al-Mulk Thānī va Amīrkabīr-i Khurāsān (Navā'ī, Nizām al-Mulk Thānī and Amīrkabīr of Khurāsān)," *Īrān Shinākht*, No. 11 (Winter 1999): 42-63.

Nizām al-Dīn Amīr 'Alī Shīr Navā'ī, a multi-dimensional personality and a man of extraordinary aptitude has been an eminent and prominent personality in the history, culture, poetry, literature, and architecture. He has played a worthwhile role in the dissemination of Tajik and Persian languages and literature, and has been one of the luminaries during the era of Sulṭān Ḥusain Bāyqarā and in the past. He was born in the month of Ramadan in 844 Lunar Hijri in Herat and travelled with his father to Yazd in his childhood and settled in Taft. He embarked upon acquiring learning in Yazd, Mashhad, Samarkand and later on, in Herat, and became acquainted with the

officials, the army, the gendarmerie, and the tribes. 2) The role of the "resistance movement" in case of a leftist coup d'état in Iran. 3) The role of the "resistance movement" in case of Iran's occupation by the Soviet Union. 4) The probable centers of the "resistance movement" in Iran. 5) Selecting the capital of the "Free Government of Iran". 6) The role of the dissidents within the "resistance movement". 7) Organization, training, and supplying the "resistance movement". 8) The suggestions made to the American government that persuades it to support the "resistance movement".

69- Rizā Ra'īs Ṭūsī, "Istirātizhī-yi sarzamīn-hā-yi sūkhtah: i'mal-i nufūdh-i Brīṭāniya dar 'azl va naṣb-i maqamāt (The Strategy of Burned Lands: British Influence in Appointing and Discharging the Authorities)," *Tārīkh-i mu'āṣir-i Iran (The Contemporary History of Iran)*, No. 8, (Winter issue, 1997): 45-88

The present article has explained the colonialist policies of Britain in some areas of Iran such as Khūzistān and Sīstān. Taking the concrete local and foreign sources such as the reports of the Britain Embassy in Tehran, the article has set forth the following topics in detail: the influence of Britain in the appointing and discharging of Iranian authorities in Sīstān, the detached lands of Sīstān, and dividing the water resources of the Hīrmand River.

70- Abu'l-Qāsim Rādfard, "Ganj-i Ḥaḳīqat: Nigāhī bar Shi'r va Andīshih-yi Parvīn va Kitābshināsī-yi Ū (The Treasury of Truth: A Glimpse of Parvin's Poetry and Thought and her Bibliography)," *Farhang-i Kirmān*, No. 2, (Winter 1999): 117-148.

Parvīn I'tīṣāmī, daughter of Yūsuf I'tīṣāmī Āshtiyānī, is a poetess, who during her short life of 35 years was able to present her lively and animated tableaux of human sufferings to the readers of her poetry. She was born in Tabrīz and graduated from the American College in Tehran at the age of 18. She had an unsuccessful marriage and as a result of that she fell to the death-bed and died on 05 April 1931 at the age of 35. Her life is a saga of vicissitudes. The socio-political aspects on the one hand, and the economic and moral issues, on the other, brought her face to face with a new incidence each day. She was living in a society, where the ruling machinery was working on the behest of the alien and the freedom-loving and intelligentsia

67- Yahyā Dhukā', "Ta'yīn-i Nau Rūz Dar Takht-i Jamshīd (How Nau Rūz was Determined in Persepolis)," *Bukhārā*, No. 6 (June-July 1999): 183-185.

During his excavations in Persepolis Hertsfeld, the German archeologist has found a square stone among the four pillars of the consultation hall, which he has called the measuring stone. According to the author, the lines and circles on engraved on the stone and the manner in which it was installed indicate that it had been used for astrological purposes. At 7.30 am on the first day of Farvardīn (March 21), the sunrays would fall on the sundial of this stone in such a way that that it would make a line from one of the corners with a small sign through the center of the circle. This square stone that was slightly slanting would show the position of the Persepolis, Kūh-i Rahmat (Rahmat Mountain), and the sunrise. This proves that beyond all doubts this square stone was used for astrological purposes. Interestingly, this experiment can only be done in the morning of the first two days of the year, which were called 'Nau Rūz' and 'Mihrigān'; otherwise no positive results would be achieved.

68- Īraj Dhuqī, "Iyālāt-i Mutahīdih-yi Āmrīkā va Dulat-i Āzād-i Īrān (The United States of America and the Free Government of Iran)," *Sīyāsāt-i Khārijī*, Vol. 13, No. 1 (Spring 1999): 101-210.

According to the author the years following the Second World War was the most decisive time period for the foreign policy of Iran and joining the western block. Impressed by Harry Truman's Doctrine announced in 1947, there was a turn in the foreign policy of Iran, which came to be aligned with the US foreign policy. Although this change in the foreign policy of Iran did not materialize in practice and merely remained a theory, it proved to be indicative of the American influence over Iran and the interference of the US government and its policy makers in the internal affairs of Iran, planning to form the "Free Government of Iran" in 1948. While reviewing the intended 1948 coup d'état by way of which the American policy makers were planning to set up the so-called "Free Government of Iran", the paper discusses the following issues: 1) The probable factors that could lead to the establishment of the "Free Government of Iran" such as the Shah and his court, the ministerial cabinet, the parliament (Majles) and the government

1377/1998): 22-50.

According to the author, it is necessary to travel back to Akaemenian times to find out the message and meaning of the images of Persepolis (Takht-i Jamshīd). Scholars have suggested some sources for studying the Akaemenian religious beliefs, the most eminent of which are as follows: 1) Inscriptions belonging to Akaemenian kings; 2) Writings on different non-Persian and non-Iranian inscriptions and tablets; 3) Greek historians and classical authors' implications and words; 4) Some points that can be extracted carefully from the Avesta; 5) Some unclear and limited points in Pahlavid books and writings as well as the *Shāhnāmah*; 6) The sixth source, according to the author, is that the Akaemenians used to languages to report their beliefs and ceremonies: the language of tablets and epigraphs and the artistic and coded language, in which their particular beliefs were presented by means of drawings, symbols, and images; and were handed down to their future generations. The author has mentioned ten reasons to prove that the Akaemenians were not Zoroastrian: 1) There was no hint of Zoroaster in Akaemenian inscriptions; 2) Ancient historians did not mention the Avesta as the religious book of the Akaemenians in their inscriptions, tablets, and writings; 3) Zoroastrianism is a monotheistic religion, but the Akaemenians believed in several gods. 4) Immolation was banned in the Zoroastrian religion, but Akaemenians offered animals as sacrifice in their religious ceremonies; 5) Drinking Hū'mah was forbidden in Zoroastrian teachings whereas it was in vogue among Akaemenians; 6) The Akaemenian burial ceremony was different from that of the Zoroastrians; 7) There is no relation between Akaemenian names and titles and the Zoroastrian religion; 8) The calendar of the Akaemenians differs from that of the Zoroastrians; 9) No word of the principles and terms of Zoroastrianism exists in the written documents of the Akaemenians; 10) Zoroastrianism has not been mentioned in Herodotus' works on Iranian religion in the Akaemenian age. However, Akaemenian and Zoroastrian religions have three points in common, as follows: The names of Ahūrāmazdā, Mihr (Mītrā), and Nāhīd (Ānāhītā), fire-worshipping and the establishing of fire temples. The author believes that the Akaemenians were devoted to three gods: Ahūrāmazdā as the greatest god, Mihr or Mītrā as the god of the sun, and Ānāhītā as the god of water.

Abū Ya‘qūb Yūsuf Ibn Ayyūb Ibn Ḥusain was born in 440 or 441 A.H. in Būzanjird of Hamadān, and died in Bādghays in 535 A.H. That in some sources, following Dawlatshāh-i Samarqandī, he is nicknamed as Abū Yūsuf is not correct. At the age of 20, he went to Baghdad, and studied science of jurisprudence (*fiqh*) and theology (*kalām*) in Nizāmīyyah in Baghdad. He became well-versed in argumentation and studied Ḥadīth from the masters of Nizāmīyyah. Having completed his studies, Shaykh retired to seclusion and went to worship and ascetic practices. The chain of guides of Abū Yūsuf in Sufism leads to Abū ‘Alī Fārmadī; at the same time he enjoyed the presence of some other Sufis as well. He was a moderate Sufi, inclined to *sharī‘ah*, and chose invocation [of God] over reflection. Like most of the *pīrs* of Sufism, he also had a leaning to the masses, but dealt with the “clever” and not ignorant ones. Of course, he makes exact distinctions between the levels of knowledge and existence. Through his disciple ‘Abd al-Khāliq Ghajdawānī, Khwājah Yūsuf is regarded to be the leader of Khwājigān and Naqshbandīyyah; and through Aḥmad Yāsāwī (Yasawī) he is considered as the founder of *‘irfān* (mysticism) in Turkistān. ‘Attār assigns a certain book, to him, called *Kashf*, but apparently of his books there remains no other book but *Ruthat al-ḥayāt*, which is edited and published by Dr. Muhammad Amīn Rīyāhī. One of the psychological and educational points posed by Khwājah Yūsuf is that we have two kinds of confidence: confidence in the world, and confidence of the heart through the glorification of God. In the point posed by Khwājah Yūsuf, that is, the correct thought depends upon the cleanness of the “tongue, wealth, and body” there lays a great and valuable truth. Like all other mystics and Sufis, Khwājah Yūsuf is a determinist and speaks of the depth of existence.

66- Yahyā Dhukā, “Āyā Hakhāmanishīyān Zartushtī Būdih-and? Pazhūshishī dar Jahānbīnī va Bāvar-i Sigānih Parastī-yi Hakhāmanishīyān bar Asās-i Tajzīyah va Taḥlīl Namādhā-yi bar Jāy Māndih az Ānān (Were the Akaemaninans Zoroastrian? A Research on Akaemenians’ Ideology and Their Belief in Trinity, according to an Analysis of the Symbols, Left by Them), *Bukhārā*, No. 3 (Ādhar and Diy

been able to perceive the state of affairs of the Iranian society only when they have objectively taken into consideration its historical conditions and the basic Iranian thinking patterns. However, since they have mainly relied on the views and interpretations presented by the political leaders of the West who assume a crucial role for themselves in deterring or accelerating all the movements, including the Islamic Revolution, most foreign thinkers have not been able to present an appropriate analysis about this Revolution.

64- Muḥammad Dīyānatī-Fayzābādī, “Pazhūhishī Dar Shinākht-i Mutanāqiz-nāmā Dar Adabīyāt (A Research on Understanding the Paradox in Literature),” *Farhang-i Kirmān*, No. 2 (Winter 1999): 92-116.

The term 'paradox' in dictionary applies to a situation, which is seemingly illogical but correct virtually or may be correct and is referred to a person, thing, and situation having paradoxical characteristics. Also, paradox points to a situation or condition with two different facts and no one expects both of them to be true. Paradox refers to a contradictory, ambiguous statement and a belief that is contrary to widely held beliefs and 'paradoxically' means something, which is apparently ambiguous and correct in meaning or contradictory to general beliefs. The essay analyses and criticises the views of the following connoisseurs on the rickety and art of paradox in literary parlance: Dr. Shafī'ī Kadkanī, Muḥammad Rāstgū, 'Abd al-Karīm Surūsh, J.A. Cudden, K. Brooks, M.H. Abrams, Lawrence Perrine, Alexander Pope, Chris Baldic, N. Leech, Schlegel, Thomas De Quincey and Vahīdīyān Kāmyār. In the present essay, the application of allegory in paradox, display of paradox in literature, the essence, and the risk and origins of paradox, have been described. Furthermore, glimpses of paradox in world literature along with the recital of a few examples have been presented.

65- 'Alī-Rizā Dhakāvātī-Qarāguzlū, “Naẓarī bar aḥwāl va afkār-i Khwājah Yūsuf Hamadānī (A Look on the Life and Thoughts of Khwājah Yūsuf Hamadānī),” *Irānshinākht*; No. 12 (spring 1378/1999):

tambourine and flute found their way to the singing gatherings of the Sufis. The Sufi poets used to compose poetry in the symphony of tambourine and flute during the singing gatherings when the ardour of the wine of the spirit vitalized the soul in the goblet of body and in the course of such gatherings accompanied by poetry and music they attained Unity. The great mystics played music themselves and performed spiritual works on music. At the outset of her puberty and prime age, Bībī Hayātī Kirmānī developed a state of spiritual ardour and circumstance and set on the spiritual path towards the Truth and was endued with outward and spiritual perfection. Her collection of poems comprises ghazals, quatrains, return-ties and composite-ties and has used the musical terms here and there. Her poems can be divided into three categories: poems with musical terms, poems in which the names of birds and musical terms are used together, and the poems in which the musical terms have been applied with other connotations.

63- Muḥammad-Rizā Dihshīrī, “Barrasī-yi Taṭbīqī-yi Naẓarīyat-i Imām Khumainī va Andīshihgarān-i Gharbī Darbārih-yi Inqilāb-i Islāmī (A Comparative Study between Imām Khumainī’s views on the Islamic Revolution and the Views of the Western Thinkers),” *Nāmih Pazhūhish*, No. 10 and 11 (Autumn-Winter 1998): 286-301.

After emphasizing on the necessity of distinguishing between the subjective and objective methods of analyzing the Islamic Revolution and elaborating on the importance of a comparative study between Imām Khumainī’s views as well as the views of western thinkers on this issue, the author initially highlights the unique characteristics of the Islamic Revolution, and then goes on to discussing the factors that led to the victory of the Revolution. From the author’s point of view, both Imām Khumainī and the western thinkers agree that certain factors like the ‘Shāh’s anti-Islamic campaign’, ‘general unrest’, and the ‘popular anti-imperialistic drive’ were very decisive in ensuring the victory of the Islamic Revolution. However, the main points of difference in the Imam’s views and the views of the western thinkers include ‘the spiritual aspect of the Islamic Revolution’, ‘the internal conditions of the Iranian society’, and ‘people’s determination to put an end to the political suppression imposed by the Pahlavi regime’. Finally, the author concludes that the western thinkers have

61- Tūraj Daryā'ī, "Madārik-i Pahlavī va Taqsīmāt-i Nizāmī va Idārī-yi Sāsānīyān (Documents in Pahlavi Language Showing Military and Administrative Divisions of Sassanids)," *Chīstā*, No. 154 and 155 (January-February 1998): 337-342.

The military and administrative divisions of the Sassanid dynasty, in the 6th century AD. had direct a relationship with their collapse at the hands of Arabs. Earlier historians were of the opinion that the Sassanid government had divided the people into four castes. However, recently Philippe Jeaneau has laid his hands on some first hand documents that make him claim that such a division did not exist at all, and the idea of caste division is based on secondary and tertiary documents. According to him a Sipahbud (General) controlled each caste and an 'Iran Sipahbud' supervised the entire Sassanid army. The reason for dividing the country into four castes was that the ancient title of the Iranian kings was 'Mianvardani, (the king of the four corners of the world). King Sargen, the Akadian monarch used the title for the first time, and it was also used by Achaemenian and Cyrus, the Great. A tri-lingual inscription available at Persepolis provides important information about it. As per the Armenian and Pahlavi texts the Sassanid Empire was divided into four castes. The tradition of dividing the world into four corners has also been mentioned in Persian texts like Abū Mansūr's *Shāhnāmih*. Avesta divided the world into seven countries. Muslim historians like Tabarī, Tha'ālabī, and Mas'ūdī who had access to Sassanid texts approve of division of the Empire into four castes. The same divisions existed in the East Roman Empire, which according to some historians is the effect of the Sassanid Empire's influence on Byzantine

62- 'Abd al-Bāqī Dashtīnizhād, "Shā'irān-i Musīqīdān, Mūsīqīdānān-i Shā'ir (The Musician Poets, the Poet Musicians)," *Hunar-i Māsīqī*, No. 7, (Jan.-Feb. 1999): 13-14,17.

The present essay introduces the connoisseurs in the fields of poetry and music and focuses on Bībī Ḥayātī 'Alī, spouse of Nūr 'Alī Shāh Iṣfahānī, the lady mystic of the 18th century. She is among those who were devoted to great Sufis. The essayist believes that with less words in eulogizing, the mankind brings forth hundreds of melodies from a single string, and it was perhaps in this way that the melody was created and the

Jacque Rousseau and Hugo Grotius, he regards the establishment of a parliamentary system as a political consequence of natural rights. He emphasizes that we have to arrange our own parliament and conventional government according to the system established in Britain, and to choose our ministers from among the members of parliament.

60- Muḥsin Khalīlī, “Bāyistigī-yi Padīdārī-yi Qānūn-i Asāsī-yi Jumhūrī-yi Islāmī-yi Īrān dar Dīdgāh-i Imām Khumainī (RA) (Imām Khumainī’s (RA) Views on the Importance of the Constitution of the Islamic Republic of Iran),” *Pazhūhish Nāmih Matn*, No. 7 (Winter 1998): 225-266.

In this article the author attempts to present two different versions of the manner in which the constitution of the Islamic Republic of Iran was formed. 1) The historical events that were based on the sayings and life of Imām Khumainī. 2) Imām Khumainī’s thoughts that inspired the formation of the constitution. The basic question that the author tries to answer is “How did Imām Khumainī began and expedited the process of legislation of the constitution of the Islamic Republic of Iran?” He thus furnishes the following hypothesis in order to answer the question. Besides considering the importance of a constitution for the post-revolution Iran, Imām Khumainī gave special importance to the following four issues: a) Expediting the legislation of the constitution. b) Speedy establishment of the Islamic Republic in Iran. c) Administration of the affairs of the society according to the rule of law. d) Involving people in the political affairs of society and giving importance to their views and participation. The author has divided the paper into five sections dealing with: First, the initial attempts for the rejection of the monarchy and its constitution. Second, finding a suitable title for the assembly that would write the new constitution. Third, setting up the Assembly of Experts (Majles-i Khubrigān) to scrutinize the new constitution. Fourth, inclusion of the concept of valāyat-i faqīh (the rule of the jurisprudent) in the constitution. Fifth, holding general referendums for the constitution and its amendments. The author also refers to Imam Khomeini’s sayings in every section.

that it manifests a sort of collective will. In Foucault's view the entire Iranian population rose, empty-handed, against Shah's political power supported by the police and the armed forces. Foucault was of the opinion that the main cause of the Islamic Revolution and its endurance should be searched for in the fundamentals of the religion of Islam. He calls this reality as the 'Political Will of a Special Kind'. According to the author it is, thus, the concept of spiritualism on which Foucault's analysis of the Islamic Revolution is based. In the Islamic Revolution he found the birth of a new ruling system and a new system of power distribution that the West had forgotten ever since the Renaissance.

59- Muḥammad-Ḥusain Khusruwpanāh, "Mudabbir al-Mamālik Harandī va Rūyārūyī-yi Sunnat va Mudernitih dar Iran (Mudabbir al-Mamālik Harandī and the Confrontation between Tradition and Modernity in Iran)," *Guftigū*, No. 22 (Winter 1377): 85-95.

Early in the 19th century, Iranians became acquainted with modern Western civilization. Before this time, Iranians were, for certain reasons, unaware of the material and spiritual advancements in Europe. Since the last part of the 18th century, political-economical developments in Europe had begun to affect the political-social circumstances in Iran. Some far-sighted politicians, thus, noticed the disability of the country, compared to Western countries and the necessity of adopting the tools of Western civilization. This confrontation along with influences imparted by Western civilization demanded a good response; and so far Iranian thinkers and political-social workers have provided various answers for it. Among these responses, the one provided by Mīrzā Rizā Khān Mudabbir al-Mamālik to the confrontation between tradition and modernity is an exception to the rule. After the establishment of the national consultative assembly, he published a newspaper called "*Tamaddun*" ("Civilization"), in which he tried to describe the political, social, and cultural circumstances in Iran and find the reasons behind the retardation of the country. He attempted to find a way to overcome this backwardness. He considers the way of thinking and mentality as the reasons behind the backwardness of Iranians and believes that their minds should be cleansed of these beliefs and ideas, and then they should be taught modern sciences. In politics, following John Locke, Jean

many heads of the states of the West who had participated in this conference had reached the conclusion that the Pahlavi regime could no longer withstand the revolutionary movement of the Iranian people, they were still hopeful that a loyal army backed by western support would be able to reverse the situation. Thus, President Giscard d'Estaing was willing to order for Imam Khomeini's deportation from France. However, since Shah was unwilling to accept responsibility for such a move, he gave up the idea. Even after the victory of the Islamic Revolution the Giscard d'Estaing Administration considered it to be an unstable and unpredictable revolution, and expressed their hope that the democratic and laic forces would soon take over and replace the religious minded revolutionaries.

58- Muḥammad-Bāqir Khurramshād, "Foucault va Inqilāb-i Islāmī: Ma'naviyatgarāyī dar Siyāsāt (Foucault and the Islamic Revolution of Iran: Spiritualism in Politics)," *Pazhūhish Nāmih Matn*, No. 1 (Winter 1998): 209-224.

This paper examines the views of the French thinker and philosopher, Michel Foucault, about the Islamic Revolution of Iran. Foucault's connection with Iran dates back to the times when he and Jean-Paul Sartre wrote fiery letters and statements against the Shah's regime and in support of Iranian people and intellectuals. Foucault traveled to Iran in September 1977 and wrote nine articles for an Italian newspaper about the existing situation in Iran. After the victory of the Islamic Revolution he wrote a letter to Mahdī Bāzargān and published an article titled 'The Fruitless Uprising'. According to the author, Foucault was very impressed by the uniqueness of the Islamic Revolution, and in almost every writing of his – prior to the victory of the Revolution – expressed his despise for and stance against the despotic Pahlavi regime. His analysis about the phenomenon of revolution in general and the Islamic Revolution of Iran in particular is reflective of his views about power and history. In Foucault's view a revolution is a dividing line that separates history into two parts and should be considered as a new beginning. He considers power as a strategy rather than a personal property. The author then goes on to explain that Foucault was of the opinion that the Islamic Revolution could not have taken place merely on material and economic grounds. The most important characteristic of this Revolution is

documents of these laws are available at the National Archives Organization of Iran.

56- “Khānih-yi Hāj Mīrzā Aḥmad Abrīshamī va Barrasī-yi Ijmālī-yi Vīzhigīhā-yi Hunarī-Mi‘mārī (The House of Hāj Mīrzā Aḥmad Abrīshamī and a Brief Study of Its Artistic and Architectural Characteristics),” *Gīlīhvā*, No. 53 (May-June 1999): 22-23.

This article introduces and studies an architectural masterpiece, one of the old aristocratic houses of the city of Rasht belonging to the Qajar Period. This house, known as the Abrīshamī House, was the property of Hājī Mīrzā Ismā‘īlī, a powerful governor who lived in the Pīrbāzār district of Rasht. He was appointed as the Chief of Police of Rasht by Nāṣir al-Dīn Shāh and became popular as Hāj Hākīm. It has been said that the house was built by the youngest son of Hāj Hākīm. Hāj Qāsim, popularly known as ‘Ālījīnāb (His Majesty). In 1318 A.H (1939), Hāj Mīrzā Aḥmad Abrīshamī bought the house from the heirs of Hāj Mīrzā Qāsim. Despite the changes made to the structure, it is still one of the most outstanding historical-architectural structures of Gīlān. The article describes in detail the artistic and decorative characteristics of this ancient structure. The Abrīshamī House was purchased by the Ministry of Culture and Higher Education in 1377 (1998) and then donated to the Gīlān University to house the College of Architecture and Urban Planning.

57- Muḥammad-Bāqir Khuramshād, “Nīzām-i Sīyāsī-yi Farānsih va Inqilāb-i Islāmī-yi Īrān (The Political System of France and the Islamic Revolution of Iran),” *Nāmih Pazhūhish*, No. 10 and 11 (Autumn–Winter 1998): 195-214.

Imām Khumainī’s short stay in Paris, before returning to Iran, resulted in the worldwide popularity of the Islamic Revolution. At the same time the French political system’s reaction towards the Islamic Revolution was dual in nature. On the one hand the right wing, led by President Valéry Giscard d’Estaing, supported the Shah’s regime and on the other hand the left front, led by Francois Mitterrand sided with the revolutionary people of Iran and tried to strengthen the ‘National Front’. The Govalp Conference was organized by the French in order to review the situation in Iran. Although

statement and condemned it. According to the author the event on the one hand strengthened Imām Khomeinī's role as the leader of the Islamic Revolution and on the other hand led, to underground arm struggle against the atmosphere of political suffocation imposed on the country by the Pahlavi regime.

55- Amīr Hikmat Tihirānī, "Sābiqih-yi Tārīkhī-yi Payvand-i Iqtisādī va Hunar dar Īrān: Ḥāfiẓān-i Aṣvāt va Ḥāfiẓān-i Manāfi' (The Historical Background of the Connection between Art and Economy in Iran: The Protectors of Sound and the Protectors of Interests)," *Maqām*, No. 4 (spring 1999): 90-95.

This article is about the history of gramophone records and recording in Iran that can be divided into two periods. The first period goes back to the reign of Muẓafar al-Dīn Shāh. During the years 1285 to 1295 (1906 - 1916), Hubāmbārtisum, an Armenian man of distinction in the court of Nāṣir al-Dīn Shāh, became the intermediate for His Master's Voice Company to negotiate with great musicians to record their songs on gramophone records. This was the first foreign economic transaction in the arena of traditional and native arts, which preserved the works of the masters of the time. During this period, the music was recorded in Tehran and the original records were sent to London to be copied and then returned to Tehran for sale. Mīrzā Ḥusain Qulī and his successor, Darvīsh Khān, were the first people whose works were recorded. The second period of recording Iranian music goes back to the years 1305 to 1318 (1926-1939) during the reign of Reza Shah. As the quality of gramophones and sound recording had considerably improved, their use became more popular and on the other hand, no trips were made to Europe to record songs anymore. Lots of companies such as the Polyphone and Bedaphone brought their recording equipment to Tehran. High quality original records were produced by using electrical devices in Tehran and the copied versions, sent from London and Berlin, passed through the customs to Tehran. During this period, all kinds of records were available for all kinds of people and tastes and many companies and businessmen made huge profits. In 1307-1308 (1928-1929) laws were established on the import of artistic and musical instruments and gramophone records. The relevant

Mathnavī Ma'navī and other *mathnavis* of equi-meter do not contain pause. In a number of stanzas, too, two pauses can be found, which result in the dual rhythm. In view of the poetic options and requirement, the pause is used abundantly in Arabic verse, especially in the Arabic prosody more than the Persian verse. In the indicator, which bears the historic course of pause in 40 divans and poetry collections, the averaging method of four-fold has been used. The essays give a list of books in chronological order along with the statistics on pauses. The essayist has cited the examples which describe the differentiating mode between comfort and pause.

54- Ḥasan Ḥazratī, “Gāmī Dīgar bi sūyi Inqilāb-i Islāmī: Ta’amulī dar Kāpītulāsiyun-i Duvum, 1343 H.S. (Another Step Towards the Islamic Revolution: Reviewing the Second Capitulation in 19640,” *Pazhūhish Nāmih Matīn*, No.1 (Winter 1998): 189-207.

The law of capitulation implies granting certain rights, privileges, and immunities, including the consulate judiciary arbitration, to the citizens of a foreign country on the basis of which they cannot be put on trial and convicted by the host country. Rather, they should be sent back to their own country for trial. This law came to existence for various political, economic, commercial, and legal reasons. In 1961, for the first time the US Embassy in Tehran asked the Government of Amīnī (Shah’s prime minister) to grant immunity to the American military advisors in Iran. This request was more or less ignored during Amīnī’s tenure. When Asadullāh ‘Alam took office as the prime minister of Iran, he presented the bill to the Majles and had it passed in 1963, the news of which was not made public. The Vienna Accord was passed in June 1964 by the Iranian Senate. On July 25, 1964, Ḥasan ‘Alī Manṣūr (prime minister) called for a special session of the Senate and presented a single article bill, to be included as a new article to the Vienna Accord. The bill was introduced at 12 mid-night and passed immediately. Later, on October 13, 1964 the bill was presented to the Majles as well that was passed without any resistance. The press refused to publish its news because of their fear of people’s reaction. A copy of the Majles minutes reached Imām Khumainī on October 26, the same year. He reacted sharply to this degrading action taken by the Iranian government and issued a fiery statement against the law of capitulation. Āyatullāh Mar’ashī, too, issued a

rebirth. In most of such myths, the absence or invisibility of the male or female God becomes identical with the death and infertility of the earth. DOMOUZI, TAMOOZ and ISIRIS are among this type of Gods. Upon return of these outcasts who are sent to the underground world, the universe is revived again and the plants begin to grow. In all myths, the rebirth of life is accompanied with the descent and sacrifice of the male or female God. On this basis, in view of the ancient people, birth, life and reproduction are impossible without sacrifice and ransom. The life generates from the blood or the carcass of the oblate and finds variation and reproduction. This theme can be called "the green blood" in the fictional literature especially with regard to its more recent forms in the folk tales. Samples of such myths in the Iranian tales as well as in the tales of other nations are presented in this article.

53- Ḥamīd Ḥasanī, "Sikṭih dar Shi'r-i Fārsī (Pause in Persian Verse)," *Shi'r*, No. 25, (Spring 1999): 102-109.

Thus far, many definitions have been provided for the 'pause'. In the present essay, the definition of this term has been provided from 14 old and new dictionaries. In most of these dictionaries, the pause has been explained as a short stoppage in the rhythm of verse as far as it does not render it indecorous and unpleasant. In a number of prosody books, inter alia, *Ma'yār al-Ash'ār* of Khwājah Naṣīr al-Dīn Ṭūsī, *Shajarāt al-'Arūz* of Muẓaffar 'Alī Asīr and the *Guzārīsh-i 'Arūzī* of Sayfī from Henry Blockmann, have defined this term as to mean the conversion of two short syllables into a long syllable and have called it as comfort. The late Mas'ūd Farzād has divided the pause into two categories: one is that which is called comfort by Khwājah Naṣīr, and the second is the pseudo- or semi-pause, that which makes a short syllable to stand still, such as 'm' in 'jāmhā'. The essayist continues to make an assessment of the definition of this term in a number of prosody and non-prosody books. According to the essayist, the pause applies for 'the conversion of two succeeding short syllables into a lone one in the rhythm of verse and according to the need of the word', and has cited a couple of examples in varying rhythms of verse and in free verse. The pause can only be found in rhythms with two succeeding short syllables. Therefore, in the texts such as *Shāhnāmih*, *Būstān*, *Iskandarnāmih*, *Manṭiq al-Ṭayr*,

point in the uprising and gradually enhanced their position in the movement and took on the leadership of the Revolution. On 17th Diy 1356 (Jan. 6, 1977), i.e., two days before the incident the, *Ittilā'āt* Daily published an article entitled "Iran and the Red and Black Colonialism" insulting Imām Khumainī and labeling him as the stooge of the colonial powers. The publication of this article served as a spark that flared up the fire of the Islamic Revolution. For, immediately following its publication theological schoolteachers stopped their classes, and theological students poured into the streets to protest against the contents of the article. Soon these protests spread to other cities including Tehran, which witnessed the 17th Diy incident. By resorting to fire arms the lackeys of the Pahlavi regime killed a large number of people and wounded many more. The author enumerates the consequences of the incident as follows: 1) The incident caused closer solidarity and unity among the jurists and religious scholars. 2) It highlighted the role of the clergymen and religious scholars and paved the way for Imam Khomeini's leadership of the movement. 3) It was the beginning of a series of gatherings to commemorate the previous killings and gave momentum to the pace of the Revolution. 4) It popularized the protests made by the clergymen and political dissidents and turned it into a mass movement.

52- 'Alī-Rizā Ḥasanzādih, "Khūn-i Sabz Zādmard-i Qahramān-i Dastānī dar Qīshā-yi Īrānī (The Green Blood: Rebirth of the Mythical Hero in the Iranian Tales)", *Chīstā*, Issue 158 & 159 (May and June 1999): 675-683.

By rebirth, the writer means Karma, a word which has been extracted from the works of Professor Mihrdād Bahār. Rebirth enjoys a dynamism in the same direction and speed needed and demanded by the "myth-making" masses. Transformation of a cultural face or foundation is correlated with the needs of the "undermined" gender, age, nation, rituals or class. In the deep landscape of the folk stories, one can watch themes identical with the ancient fundamental myths. An image of a new being or a green vegetation from a red place, the plant life of the hero and his plant or animal rebirth after death. By a glance at the myths of the ancient peoples, we find a repeated and rather identical theme which is an allegorical and symbolic representation of

50- Shahrām Ḥasanpūr, “Maṣḥūm-i Maṣlaḥat va Jāyāh-i Ān dar Niẓām-i Qānūngudhārī-yi Jumhūrī-yi Islāmī-yi Īrān (The Concept of Expedience and its Status in the Legislative System of the Islamic Republic of Iran),” *The Research Quarterly of the Imām Ṣādiq University*, No.8 (Winter 1998): 145-176.

The difference of opinion between the Council of Guardians and the Majles (parliament) regarding some of the legislations passed by the latter would at times result in a deadlock over certain important issues. Since the constitution was silent in this regard, the repetition of such disagreements prompted the Late Imam Khumainī (RA) to order for the establishment of the State Expediency Council. While trying to explain the concept of expedience and its legal and religious nature this paper is an attempt to discuss the status of the State Expediency Council, which was included in the constitution of the Islamic Republic of Iran as a part of the first constitutional amendments in 1989. In this review, the author evaluates the role of expedience in the formulation of secondary laws and the existing contradictions between these laws and the laws of Islam as the basis for understanding the legal status of the Council. Ḥasanpūr also looks at the necessity, or otherwise, of such a council as well as the legal and practical ways of reducing and/or eliminating disagreements between the Majles and the Council of Guardians.

51- Ismā‘īl Ḥasan Zādih, “Taḥlīlī bar Vāqih‘I-yi 19 Day-i Qum 1356 H.S. (An Analysis of the Jan. 8, 1977 Incident in Qum),” *Pazhūhish Nāmih Matīn*, No. 1 (Winter 1998): 59-188.

While looking into the causes and consequences of the 19th Diy incident in Qum, the author claims that the absence of proper information about the dissident groups, the solidarity of the clergymen, and their organizational strength in the theological schools, the Pahlavi regime hurt people’s religious sentiments, and in this way, unconsciously, caused a momentum to the uprising. By resorting to anti-religious slogans the regime brought the dissident clergymen close to each other only to remind them of their common enemy, i.e., the ruling political system. The author then goes on to explain that by reminiscing the 19th Diy incident and inviting people to commemorate the 40th day of the massacre, the clerics created a turning

Iranian libraries such as Malik National Library, the libraries of Tehran, Vienna, Istanbul, and in different cities of India and other countries.

49- Abu'l-Faḡl Ḥurrī, "Naqd-i Fumālistī bar Shi'r-i 'Tā Intihā-yi Ḥuẓūr' Athar-i Suhrāb-i Sipihrī (Formalistic Criticism of a poem by Suhrāb Sipihrī called 'Up to the End of Presence')," *Shi'r*, issue 25 (Spring 1999): 96-101.

In this article, the writer describes the features and characteristics of formalistic criticism and then criticizes the poem "Up to the End of Presence" by Suhrāb Sipihrī from a formalistic approach. The poem "Up to the End of Presence" is one of the poems in the book "We nothing but Glance)". This poem can be considered a response to that group of poems by Sipihrī in which he talks of "the wordless vastness," "there is a voice calling me from afar," or "nowhere". The poem of "Up to the End of Presence" is the Promised Land, the city or the nowhere he reaches after a very long time. This poem consists of four unequal stanzas the first three of which starts with the word "tonight" and only the last stanza begins with the antonym of the night, i.e. the morning. Therefore, the poem begins at night and continues to the early morning. All the verbs are mobile and kinetic type. In the two initial stanzas, the poet takes advantage of plant combinations (plant imagery) or in general, natural elements. In respect to the rhythm and tone of the poem, the movement of the poem becomes more rapid and the time passes more quickly by shortening the number of verses from the beginning toward the end and at the end of the poem, the morning emerges and the life of the night ends. The general form of the poem is like an ivy, the first stanza is its roots spread in the darkness of the earth and the second stanza is the stem (stem of meaning) and the third stanza is the tip of the ivy which is alone and from that tip and height onwards, there comes the perception of God which is revealed in the image of morning. Furthermore, the first stanza is also similar to an insect. In this poem, the poet makes a tree from the word, calls its root the piety of time and its stem the meaning. It can be acknowledged that in Sipihrī's poem, life and death which are apparently paradoxical are combined with one another. It is one concept one end of which we see as life and the other end as death.

makes an assessment of different languages spoken in these regions. These languages include Uzbek, Tajik, Turkeman, Kirghizi, Eughord, each one of which is spoken in different accents which have been hinted at in the essay. Furthermore, the common regions of the Persian and aforementioned languages (especially Tajik) have been mentioned with the recital of examples.

48- Ismā'īl Hākīmī-vālā, "Nukātī dar bāri-yi Sabk-i Kitāb-i Bahāristān-i Jāmī (A Few Points Concerning the Style of Jāmī's Book 'Bahāristān')," *Journal of the Faculty of Literature and Humanities of Tehran University*, No. 148 & 149 (Winter 1998-99 and Spring 1999): 6-10.

The Bahāristān of Jāmī, which has been compiled in the manner of Sa'dī's Gulistān in prose along with Persian and Arabic poems, is considered a pleasant and sweet specimen of Persian prose. By this work, Jāmī intended to render simpler the compositional method of Sa'dī and due to this fact, the composition of Bahāristān is more inclined to simplicity than could be expected. One of the reasons for this simplicity perhaps could be the fact that the author designed it for the instruction of his neophyte son. Bahāristān has been arranged in eight chapters, prologue and epilogue. At the outset of the book, Jāmī reminds that since his son, Żīyā al-Dīn Yūsuf was busy in learning the literary arts; therefore, he compiled this book for him. He wrote it after the manner of the Gulistān and dedicated it to Sulṭān Ḥusain Bāyqarā. Bahāristān is mostly comprised of lofty moral topics and fruitful instructions for life. While comparing the Bahāristān of Jāmī with Gulistān of Sa'dī, it should be said that the Bahāristān is more inclined to verse and that it abounds in rhythm and in the sixth chapter of the book, it is full of jests that makes the readers question Mawlānā's didacticism. Some of the literary and compositional of the Bahāristān include: quoting the Holy Qur'an, using the religious hadiths, using proverbs and maxims, using figures of speech such as pun and paradox, kinds of simile, using rare grammatical rules, quoting Arabic and Fārsī poems, and using beautiful Fārsī words. Meanwhile, it must be noted that the Bahāristān contains very interesting historical literary tales, jests, words and narrations about the generous ones, words of the poets etc. there are a number of printed and manuscript texts of the Bahāristān in the

and those of subtle taste and with perfect conscience. In this commentary and especially in the prolegomena, Jāmī has greatly benefited from Mashārib al-Adhwāq of Mīr Sayyid ‘Alī. First, he explains the vocabularies and interpretation of each couplet, and after the phrase 'he says' he presents a literal and artistic translation thereof and later on embarks upon mystical interpretation of the poem. As we proceed towards the end of the ode, the 'translation and transcription of the couplet' seems to mix up with its interpretation. Besides the couplets of the Ode, the translation by Jāmī, which has its mystical value in the history of the Arabic translation in Persian, is very attractive from the points of view of writing, eloquence and artistic value. At the end, the text of Ode has been given with as translated and written by Jāmī.

47- Dāvūd Ḥātāmī, “Chishm Andāz-i Zabān-i Fārsī dar Āsiyāyī Mīyānih (A Perspective of Persian Language in Central Asia),” *Īrān Shinākht*, No. 12 (Spring 1999): 202 – 231.

In the present essay an assessment has been made of the existing languages of the world, of the existing outlooks on their evolution and of the classification of the present-day languages of the world, and subsequently points have been mentioned regarding the Persian language and its history and regarding other Central Asian languages. The Persian language is an offshoot of the Indo-European languages. Historically, the Iranian languages are divided into two categories: 1. the ancient, archaic or dead languages of Iran, such as Avestic, the ancient Persian, Sikai, Mede, and Sogdian etc., 2. the current or living languages of Iran such as Persian, Tajik, Afghānī, Assī, Kurdish, Balūchī and a great number of other languages and dialects with minimum number of speakers. From historical and evolutionary points of view, the Iranian languages have passed over three phases: the ancient Iranian period from the fourth and third millennia B.C. through the second millennium B.C.; the period of the Middle Iranian language from the fourth and third centuries B.C. through the eighth and ninth centuries A.D.; the period of the modern Persian language from the eighth and ninth centuries A.D. until present. The most ancient abode of the Iranian people has been the Central Asia and its contiguous regions. Later on, the essay gives a full detail about the advent of Islam in Iran and Transoxiana in Central Asia and

tarhīmāt 'ind al-ta'āruz), and "taking the votes of the majority as the criterion while in doubt" (*akhdh-i bi aktharīyyat 'ind al-dawarān*) as well as arguments transmitted from 'Amr ibn Ḥanzalah, and traditions of the Holy Prophet and the Imams. Another principle deals with the parliament's legislation. Parliament is allowed to get involved only in those issues, not mentioned in the Scriptures, in other words in accidental issues, for which there is no explicit ordinance in *shar'*. Nā'inī believes that, if in their absence, jurists are not able to legislate, they can entrust this task to another person or institution such as parliament. In order that the rules be approved by parliament so as to be recognized, however, they should be confirmed and signed by the jurists of the first rank or their representatives.

46- Jūyā Jahānbakhsh, "Tarjūmih va Tahṛīr-i Jāmī az Khumrīyyih-i Ibn Fāriz' (The Translation and Transcription of Ibn Fāriz's Khumrīyyih [WINE SONGS] by Jāmī)," *Āyinih-yi Mīrāth*, Year 1: No. 3 & 4 (Winter 98.99 - Spring 1999): 18-28.

Abū Ḥafāṣ (Abu'l-Qāsim) Sharaf al-dīn 'Umar ibn 'Alī ibn Muṣṣid ibn 'Alī Ḥamavī, alias Ibn Fāriz, is one of the greatest composers of mystical poetry and founder of secretive language in the Arabic poetry. His panegyrics *Tā'īyyih* and *Khumrīyyih* are among his mystical works. *Khumrīyyih* being composed in praise of wine of divine love and which is also known as *Mamīyyih*, was translated into Persian for the first time by Mīr Sayyid 'Alī Ḥamadānī in the fourteenth century A.D., which is well known as *Mashāriḥ al-Adhvāq'*. Another well-known commentary is that written by Jāmī entitled '*Lavām-i Anwār al-Kashf va'l-Shuhūd 'alā Qulūb-i Arbāb al-dhawq val-Vujūd*', which became known as '*Lavāmi*'. Other commentaries have also been written on this panegyric. Jāmī is one of the greatest Sufis of the fifteenth century A.D. He was a follower of Naqshbandīyeh Order. He has authored a number of mystical works, one of which has been *Lavāmi*'. Regarding *Lavāmi*' he says, "These are the few pages, which explain the words, expressions, and unveil the secrets and clues of the panegyric Mamīyyih Khumrīyyih Farīzīyyih composed in praise of the wine of love in which the most noblest desire has been expressed with utmost delicacy and which has become very popular among mystical circles

to show the relation between rhythm in poetry and rhythm in music and has concluded that the rhythm of poetry and speech is one of the constituent factors of Iranian music and the Iranian creative composers and musicians should be familiar with poetry and literature as well.

45- Nāṣir Jamālzādih, "Tanavū'-i Guftmānī-yi 'Ulamāy-i Shī'iah dar 'Aṣr-i Mashrūṭīyat (Diversity of Discourse of the Shiite Scholars in Constitutional Era)," *Imām Ṣādiq University Research Quarterly*, No. 8 (Winter 1377/1998): 177-200.

Constitutionalist scholars, unlike those who emphasized on religious legitimacy, do not mind admitting that they have borrowed some of their concepts and models from the Western discourse. They pretend that westerners, for the concepts which brought about progress are indebted to Islam and Muslims. The theoretician of this discourse, Nā'īnī thinks that concepts such as consultative system, parliament, law, freedom, equality, and the votes of the majority are issues beyond man's reason, and Europeans have found them in the original Islamic sources; while Muslims, themselves, did not reflect on their own religious texts, and inevitably imitated them. Relying on the Quranic verses and *ḥadīths*, he tries to show that the foundations and principles of constitutionalism are taken from Islam and in accordance with Shiite beliefs. He believes that in the early era of Islam these principles were observed, thus making progress at that time; from Mu'āwīyah's era onward, however, Muslims were dominated by despotic and hereditary monarchy, and began to decline. One of the foundations of this discourse is "parliament", which is included in the Shī'i paradigm, in an accurate manner and through rational and juridical arguments that presents the way in which this group of jurists embraced political reasoning. Nā'īnī puts the parliament, instead of the principle of infallibility, in the paradigm. This group believes that the parliament takes its religious legitimacy from jurists' supervision, confirmation and permittance; and its political legitimacy from the supervision of the citizens on parliament. Parliament should include a group of jurists or those who have permission from them. Another principle is the reliability of the votes of the majority. To prove the validity of this principle, Nā'īnī makes uses of rational arguments such as "empathy while being in conflict" (*akhdh-i bi*

dishes as a manifestation of human or animal powers came into vogue. Such methods had a special place in Iranian art. Sāghar, wine cup in the Persian dictionary, is the best equivalent for Rītūn. To study the historical background of this art since early times, we can classify it into the following types: A) Cups in the form of animal or man or both. B) Cups in the form of animal heads. C) Horn shaped cups with the shape of animal heads or bodies at the end. D) Conical or cylindrical cups, placed on the back of animal images. Several samples of the cups have been discovered in Iran, which will be fully explained in this article.

44- Khusruw Ja'farzādih, "Vazn dar Shi'r-i Fārsī va Rītm dar Mūsīqī-yi Īrānī (Rhythm in the Persian Poetry and in the Iranian Music)," *Māhūr*, year 1, issue 2 (winter 1998): 89-101.

The phenomenon of rhythm in the Iranian music, especially in its singing form is one of the complicated and important issues in this music and is combined and related to the phenomenon of rhythm in the Persian poetry. The subject of this Essay is the study and knowledge of the relation between these two phenomena. The science of prosody in Persian poetry is the knowledge of the "rhythm of poetic expression" and is based on the phonemes used in the Persian language. The constituent components of the vocal or phonetic system of Persian language are divided into two categories: the vowels and the consonants. The vowels include short and long vowels. A voiced phoneme is resulted from the combination of consonants and vowels. The long vowels are mobile phoneme and the consonants silent phonemes. Each word is the result of combination of these phonemes. Any combination of silent and mobile phonemes shows an expressive or prosodic rhythm. The major factors affecting the rhythm in poetry includes the sequence of long and short phonemes and the stress used in pronunciation. Then, the writer has given examples to clarify the prosodic rhythms. Rhythm is an essential element in poetry, music and dancing. We don't have a precise equivalent for "Rhythm" in Persian. In the past, the word "Īqā'" and today the words "zarb" and "vazn" are used but as these words have other usage as well, they are not exact and expressive enough and it is better to use the same word of "Rhythm". The constituent parts of rhythm include: value, weight and speed. The writer has also given examples

of the Revolutionary Trend in Iran)," *Pazhūhishnāmih Matn*. No. 1 (Winter 1998): 83-105.

Following the 1920 coup d'état led by Rizā Khān, the early decades of the 20th century witnessed a new social trend in Iran to which the author refers as the "Pahlavism." According to him the most important elements of this social trend consisted of 'Iranian chauvinism (extremist Iranian nationalism), pseudo modernism, and secularism'. The author is of the opinion that efforts were made in this social trend to reconstruct the national identity on the basis of the so-called ancient cultural and historical heritage of the Iran. The Pahlave regime also aimed at strengthening the nationalistic attitudes of the Iranian people by trying to replace their Islamic beliefs and faith with ancient monarchy legends, mythology, and culture. The exponents of this social trend treated Islam as an alien phenomenon that was supposedly imposed on the land of Cyrus and Darius with the intention of corrupting its nobility and cultural identity. The author believes that, following the victory of the Islamic Revolution another social trend emerged in Iran to which he refers as the "Revolutionary Trend." In this trend, according to him, Islam was redefined as a religion that does not draw a distinction between politics, religiosity and ethics. The most important characteristic peculiarities of the 'Revolutionary Islam' were that firstly it was very popular among people and secondly it was based on what the author calls as the "Truth Regime." He also stresses that Imām Khumainī (RA) played an undeniable and outstanding role in the prevalence of this social trend. The author concludes that this social trend also manifested the revolutionary moments of all the earlier social trends of Iran.

43- Fā'iq Tuḥīdī, "Barrasīhā-yi Hunarī va Kārburdhā-yi Zurūfī bi Nām-i Rītūn [Sāghar] dar hunar-i Īrān (Artistic and Applied Studies on Dishes called Rītūn [Wine Cup] in Iranian Art)," *Mūzihā*, No.2 (Autumn and Winter, 1977): 24-47.

Ritun as applied to horn shaped dishes is a Greek word. Such dishes with a horn shape or cups in the shape of animal head in their long end had certainly ornamental uses. They were used in religious ceremonies as well. Later, with the expansion of beliefs and the ways in which ceremonies were performed, the dishes were changed into cups with animal forms. Making

41- Firiydūn Pūr-Rizā, “Yaddāshthā-yi Parākandih darbārih-yi Mūsīqī-yi Īrān (Random Notes on the Folk Music of Gīlān),” Compiled and Edited by Kārush Buzurgpūr, *Hunar-i Mūsīqī (The Art of Music)*, No.7 (February 1998): 25-27.

Folk songs and tunes are of great importance and reflect a vast part of the common traditions and customs of their times. The local music of every region and province in the country consists of one or two “dastgāh” (modes). Original songs and tunes in general, and the achievements of the province of Gīlān in particular, have no known composer and poets and have actively emerged as a result of effective environmental factors. Such ditties belong to the people. The allusions used in the songs were usually expressions of the disapproval and criticism of the people, vis-à-vis the issues of the village and were sometimes used to condemn the lifestyles of the hated oppressors and tyrants of the village - and often to taunt the misbehaved and badly covered young girls who stepped over the limits of morality, thereby insulting the customs of the village. The Daylamān region of Gīlān is famous for its Dashtī melodies. After the province of Kurdistan, Gīlān has more musical “dastgāh-hā” (modes) than any other province. The Shūshtārī, Chahārgāh and to some extent, the Navā modes have been deeply rooted in the original music of the region. Of course, the Shūr mode is the most outstanding. The music of Gīlān is divided into melodies and songs accompanied by lyrics, and even without lyrics and include long rhythmic melodies which are known as the “ring-i maḥallī” (local tunes). Songs can be romantic, sad, merry, lamenting or allusive in nature and could include epic poems and anthems. Tunes include elegies and melodies such as Qāsimābādī, Ishkivarī, Zard-i malījīh, Galangashī, Lili-mārī, Gūsfand Dukhvān, Maḥmūdbayg, etc., which are performed with instruments such as nays (reed pipes) and surnāys (a kind of woodwind instrument) and have no lyrics. Most of these melodies have not been recorded in the history of Iranian music. The original music of Gīlān which has to some extent preserved its original form with the passage of time is mostly heard in eastern and western Gīlān rather than in central Gīlān.

42- Muḥammad-Rizā Tājīk, “Ghiyriyat va Huvīyat: Shiklgīrī-yi Guftimān-i Inqilābī dar Īrān (Alienation and Identity: The Formation

and intertwined fishes can be seen in Tabrīz carpets and carpets woven in other parts of Iran.

40- Naṣrullāh Pūrjavādī, "Sa'dī va Aḥmad Ghazālī (Sa'dī and Aḥmad Ghazālī)," *Nashr-i Dānish*, year 16, No. 1 (spring 1999): 3-16.

Throughout the history of Persian literature, Sa'dī is considered a great poet, an able writer, and a learned scholar. Jāmī and Junayd of Shirāz rank him among the Sufis and mystics. He received training in the manner of a Sufi. For a while, he studied at the Nizāmīyih College of Baghdad where Muḥammad Ghazālī and his brother had taught. In Baghdad, he met Suhrawardī and joined his circle. In Baghdad, he had a propitious opportunity to get to know the Sufis and their works. In one way or another, Sa'dī was attached to Aḥmad Ghazālī and his school. Shahāb al-Dīn Suhrawardī was the nephew and disciple of Zīyā al-Dīn Abu'l-Najīb Shurawardī. Abu'l-Najīb was one of the disciples of Aḥmad Ghazālī. Aḥmad Ghazālī expatiated upon amorous Sufism in his book entitled *Sawānīḥ*; there are similarities between this book and the *Gulistān* of Sa'dī. One of these similarities is the apparent similarity between the two books. The composition of the *Gulistān* is very similar to that of the *Sawānīḥ*. Many books have been written in imitation of the *Sawānīḥ* and the *Gulistān* is no exception. It is logical to presume that Sa'dī had read this book and had been inspired by it. Ghazālī had visited Baghdad many times and had given celebrated discourses. The discourses of Sa'dī are to some extent similar to those of Aḥmad Ghazālī and it is not far-fetched that Sa'dī had read them and had been inspired by them. Some contemporary scholars including Malik al-Shu'arā Bahār have stated that the composition style of Sa'dī is similar to that of Khwājah 'Abdullāh Anṣārī. The time when Bahār passed judgment upon the similarities of Sa'dī's style to that of Khwājah 'Abdullāh Anṣārī, the *Sawānīḥ* and other works of Ghazālī had not been published. And Bahār was totally ignorant of them. It is advisable that the scholars, who conduct studies on Sa'dī and the impact of previous writers upon him, refer to the *Sawānīḥ* and consider the similarities between this and the works of Sa'dī instead of just regurgitating what Bahār has stated about him.

achievement to man's prosperity. According to Islamic mysticism, man has two dimensions, and that heaven world is his main perspective. His creative power depends on recovering this unknown world. By an analytic study of Iranian architecture and urban design, some permanent principles with divine and mystical origins can be concluded. Such principles agree with modern needs. If the fifth supposition is proved, the afro-mentioned principles can be more proper solutions to revive values in contemporary Iranian architecture and urban design.

39- Sīrūs Parhām, "Jilviahā-yi Asāṭīrī va Nīmādhā-yi Nukhustīn dar Qālī-yi Īrān (Mythical Figures and the Archetypal Patterns of Iranian Carpets)," *Nashr-i Dānish*, Year 16, No. 1 (spring 1999): 40-47.

According to Parhām, carpet weaving and pottery are two of the most ancient arts. These two fields of art (and architecture to some extent) are the major arts of Iran. The patterns of ceramic pots and carpets have always been associated and connected to one another throughout history. This association is important in understanding the culture and civilization of Iran. A study of these associations can throw light on some of the ambiguous periods of the history of Iranian art. None of the images and patterns on the objects of the prehistoric and the primitive eras were merely decorative or ornamental in nature. All of them were created so as to cater to the needs and beliefs of the societies that produced them. Considering the fact that Iran is a dry country - most of the patterns, symbols and drawings are somehow related to water, rain, cultivation and fertility of the land. Wheat clusters, trees, the moon, ibexes and birds symbolize rain and water in mythology. Other symbols of water are parallel, straight or broken lines, as well as comb-like parallel lines that symbolize rain. Successive triangular lines represent mountains. The mythical patterns that are found woven into tribal and rural carpets also symbolize water and rain. Patterns such as broken lines represent stormy waters and waves; hand-woven chequered strips portray stormy rivers and cedars; birds and citrons symbolize ponds and river basins. The very popular ficu and citron and the combination of birds and plants imply that birds bring news of rain and protect sacred trees. Three-branched or three-flowered plants are other symbolic patterns of Iranian carpets that represent the three positions of the sun. Trees with three trunks and fishes

Aḥmadī is a famous contemporary musician. The music of Qūchān is also divided into both lyrical and non-lyrical kinds. Amongst the most famous lyrical Maqāms, we can name the Navāyī, Tajnīs, Nasīhat, Zaranjī and the non-lyrical types of Maqāms are the Qarijih Bāyir, Shutur Zang, Alaqāyīsh, Āqānūr-Maqām Lurbāshī and a part of Hājī Qalāq. One of the characteristics of the music of Qūchān is the full, consistent and melodious high notes which are combined with the shalapih and a variety of repetitions in order to create a unique consistency and stability in the music of the region. Amongst the most famous music maestros of Qūchān, we can name Hāj Qurbān Sulaymānī who has invented a number of new techniques of strumming and has composed musical scales such as the Ghazal-na-Ghazal, Pīrān and a style of Shāh Khatāyī, based on these new movements.

38- Parvīn Partuvī, "Tadāvum-i Tārīkhī dar Mi'mārī va Shahrsāzī-yi Īrān (Historical Continuance in the Iranian Architecture and Urban Design: Principles and Concepts)," *Hunarnāmih*", No. 2 (Spring, 1999): 106-129.

The main purpose of this article is to study the principles and concepts that had consistency in the Iranian architecture and urban design and were effective in its promotion and flourishing. The author has used library studies, and the particularity of such study is considering abstract principles and concepts along with concrete ones. According to these studies, the principles such as positive cultural interaction and interchanging; the prevailing of moral and spiritual values in the society and its manifestation in architecture and urban design; the success of commercial exchanges and avoidance of consumer economy; government's support for the scholars, experts and artists; and union with the past and respecting it have been among the most important factors that in Iranian architecture and urban design have been proved to 13th century. These principles can be regarded as the most important reasons for their consistency in Iranian prominent cultural inheritance in this regard. The conclusion of the article is that, up to 13th century, Iranian architecture and urban design included some valuable buildings and urban places. The available information about circumstances of this historical inheritance is much less. The Western man's trend of thought and his behavior show the insufficiency of mere individualism to get

a horseshoe shape oven discovered at 'Tall-e Jadideh'. Studies carried out on the historical evidences and the style of the houses of Trans-Caucases, pertaining to about 3000 BC, indicate that Huriyanis originally came from Syria and Mesopotamia with which they shared flourishing trade relations.

37- 'Alī-Aṣqar Bayātī, "Mūsīqī-yi Maqāmī-yi Khurāsān (The Maqāmī Music of Khurāsān)," *Maqām*, No. 4 (spring 1999): 144-147.

The province of Khurāsān is an important centre of music. The history of its music goes back to thousands of years and it is used as the basis of research for many scholars. According to musicians, the basis of eastern and western scales relies on the frets of the tambūra of Khurāsān. Ṣafī al-Dīn Arnavī has obtained important results from the effects of Khurāsānī music and his scales are believed to be the most complete ones ever compiled. This scale has been adapted from the frets of the tambūra of Khurāsān and the two scales attributed to Pythagoras and Zarlen are also extractable from the mentioned frets. In the Qūchān region, the migrating tribes of Turkmen, Fārs and Kurds, have integrated and created an independent and distinct culture of music that is a combination of three main styles. The music of Qūchān, especially the du-tār, is of great importance. The high string of the du-tār is used to perform parts of melodies. The low string of this instrument has different uses in Qūchān and Turbat-i Jām. The popular musical instruments of the Qūchān region include the du-tār (a kind of string instrument), surnāy (a kind of woodwind instrument), duhul (kettledrum), quchmih (a woodwind instrument), dāyirih (tambourine), kamānchih (violin-like instrument), nay (a kind of pipe) and the būq (an instrument made from the horns of the ibex). The music of Turbat-i Jām is divided into both lyrical and non-lyrical kinds. The most important non-lyrical Maqāms (musical scales) are the "Allāh" and "Mashq Peltan". The Allāh musical scale consists of seven parts: Allāh, Rajul, Murgh-i Zīrak, Murgh-i Saqā, Kūk Zarī (Kabk Zarī), Shūr-i Shīrīn and Vird-i A'zam. Amongst the most famous lyrical Maqāms (musical scales) we can name the "Navāyī" and "Sarḥadī". The Sarḥadī musical scale includes the sonnets and couplets of Sarḥadī. The Navāyī musical scale is one of the most ancient Maqāms and sonnets are sung along with it. Amongst the great musicians of Turbat-i Jām, we can name Yūsuf Khān Taymūrī, Ustād Ismā'īl and Naẓar Muḥammad Sulaymānī, 'Abdullāh Surūr

are measured according to a scale. Having extended among the Mughān (magi), Zoroaster's teachings prevailed all over in Iran. There has never been any doubt about the concrete connection between Manicheanism and Zoroastrianism. The Manichean dualism is as universal and extremist as dualism in Mazdaism, and accepts two certain and eternal principles. There is a principle, including three parts about the mouth, hands, and heart in Manicheanism that is similar to Zoroaster's trilateral principle of good thoughts, good words, and good deeds. In Manicheanism, as in Zoroastrianism, there is some emphasis on purity. In fact, Manicheanism is a Mazdian sect, influenced by Christian beliefs. The Mazdak doctrine prevailed in the sixth century (A.D.) and had a mostly social aspect rather than a "religious" one. It defended the theory of women's participation; the beliefs of Mazdakians are similar to those of Manicheans. Christians suggest that although Mazdak is known as the founder of Mazdaism, he was only the preacher of Mazdak doctrine and its promoter was, in fact, Zartusht Khūrkhān of Fārs. It is said that he caused some innovations in the Manichean doctrine, and preached his order in Iran. His followers were called *Durust dīnān* (people of the true religion).

36- Ruqayyah Bihzādī, "Hūrīyānīs (Ancient Communities)," *Chīstā*, No. 154 and 155 (January-February 1998): 346-356.

In this paper the author discusses the origin, ethnic groups, language, script, religion, art, culture, civilization, and the life style of the Hūrīyānīs. This tribe lived around the northern part of the Tigris River and the foothills of Zagros Mountains in the second millennium BC. Later on they advanced towards the west and Syria and established the Mitani rule by deposing some Assyrian dynasties, and chose Vasukani as their capital. The language of Hūrīyānīs was close to "Urartui" and their religion was similar to that of the Assyrians and the people of west Midian Kingdom. They inscribed strange images of half human and half animal, winged Sphinx, and other imaginary creatures. According to the author, the Hūrīyānīs may be considered to be part of the near eastern civilization, for their name has been mentioned in discovered Akadi inscriptions, which indicate that Huriyanis had a flourishing trade in Mesopotamia. Some of the artifacts discovered include a vessel called 'Kharbat Kork', discovered in plains of Antakya (Antioch) and

bright the firmament of literature and culture of Iran. The writer has brought together parts of the above works and has pointed to their links with the Qur'ānic verses and at the end of his essay concludes that: The Qur'ān is the book of guidance and this guidance leads and solves all material and spiritual problems of the mankind, such as dandyism, self purification, attitude towards family and society, occupation, and socio-political issues etc... Therefore, it will not be a wonder if we call the light of divine instructions and man-purifying teachings of shining stars of the firmament of literature and culture of Iran as the result of the Divine Speech and the teaching of our Holy Prophet (P.B.U.H.)

35- Ruqayyah Bihzādī, "Pāyihā-yi Ta'ālīm-i Zartusht, Mānī va Mazdak (The Bases of the Teachings of Zoroaster, Mānī and Mazdak)," *Farhang-i Kirmān*, No. 2 (1377, winter): 183-199.

Zoroaster, the Iranian prophet belonged to the Spītmān family. Concerning his origin there are various narrations. He took refuge in Vīštāsb's court and Vīštāsb accepted his religion. The Avesta is the holy book of the Zoroastrians and only a small part of it, called *Gāhān*, can be attributed to Zoroaster. In *Gāhān*, Zoroaster appears like a real human being. Zoroaster tried to propagate the more developed customs of the western part of Iran in the east. The essence of Zoroaster's teachings can be inferred from a phrase of *Yisn* 30. The twin substances that appeared in man's thought were "sipantā mīnū", i.e. goodness in thoughts, words, and deeds, and "angirah mīnū", meaning badness in thought. A wise man chooses goodness but a foolish man chooses badness. This is the essence of Zoroaster's morality, which later became an extensive world system. Beliefs, the sacred things, and Zoroastrian myths, concerning good and evil, have been explained in the article. Zoroastrian fire-temples have vessels, in which sacred fires burn, and sometimes sweet smelling herbs are put in fire. Everyday some verses of the Avesta are recited and each month or day has its own protector. The main ceremonies are *Nurūz*, *Rūzhā-yi murdigān* (days devoted to the dead), *Pīshkishī*, and *Taqdīm-i hūmah*. It is said that at the time of death, the Mazdian soul walks through the house for three days and then he goes to the tower of silence and flies to the court of justice and appear near Mītrā, Surūsh, and Rashan. His competence and incompetence

opinions of philosophers regarding Samā' have been brought in this article and the poems and odes of Sa'dī regarding Samā' have been quoted.

33- Muḥammad-Rizā Bilādī, "Naqd-i Mūsīqī-yi Shahristān: Mūsīqī-yi Būshihr (A Critical Evaluation of Provincial Music: The Music of Būshihr)," *Hunar-i Mūsīqī (The Art of Music)*, No. 7 (February 1998): 30-31.

This article critically evaluates the new trend that has flooded the market in the form of musical cassettes sold as "Būshihrī music". This article has reviewed the contents of these cassettes from different professional aspects: These songs are generally presented in two different styles, viz. the classical, native style and the modern style. According to Muḥammad-Rizā Bilādī, there are two basic flaws in the playing of the nay anbān (an ancient kind of bagpipe) and the drone pipes, while in accompaniment with the damādām and the dāyirih (a kind of tambourine). Studies indicate that in the past two decades, the accompaniment of the damādām and the nay anbān or drone pipes has not been very popular among the people of Būshihr, except on special occasions (the cymbals and the damādām are played to mark religious ceremonies or on special occasions like "dam dam saharī" and certain nautical ceremonies). The bagpipers play songs that are not really of Būshihrī origin. Some flaws have also been pointed out in the "yazlih" in the first and second parts.

34- Ḥusain Bihzādī Andūhjirdī, "Manẓūmih-yi Shamsī-yi Adabīyāt-i Īrān (Shamsī Manẓūmih of Iranian Literature)," *Kilk*, New Phase, No. 7-9 (Dec.98, & Feb.Mar.99): 50-59.

Inspired by the collection of Shamsī Manẓūmih and by exploring the literature of the Islamic Iran has thought of such a collection. In this versification the Qur'ān is like a sun and the works being produced under the same impact and which illustrate our culture and literature are as follow in respect of their birth: the Shāhnāmih of Firdūsī, Ḥadīqat al-Ḥaqīqah of Sanā'ī, Makhzan al-Asrār of Niẓāmī, Manṭiq al-Tayr of 'Aṭṭār, Mathnavī and the Ghazalīyāt-i Shams of Mawlānā Jalāl al-dīn Mulavī, the Būstān of Sa'dī, and Ghazalīyāt of Ḥāfīẓ... all of which without exception take their illumination from the sun of the Divine Revelation – Qur'ān – and make

was not a pantheist at all but a dualist, convinced of God's supermacy, and what he said were completely intentional. Since Iqbāl's philosophy is based on pluralism, he regards God also as one "self" or "individual" among individuals, though the most exalted one. Unlike Sharī'atī, not only does he not reject "I am the Truth", but crosses the boundaries of insanity and leaves the meaning of "I am the Truth" behind, since he considers insanity as a garment, befitting reason. According to him, reason turns to a pure reality only when it is synthesized with insanity or love and intuition. This is one of the characteristics of Iqbāl's ideal man. Thus Iqbāl's ideal man goes beyond "I am the Truth" so that God comes to see him and creates many ways to find him.

32- Aşqar Bukā', "Sa'dī va Mūsīqī: Māhīyat-i Samā', Samā' dar Shi'r-i Sa'dī (Sa'dī and Music: The Nature of Samā' [Song and Dance], Samā' in the Poems of Sa'dī)," *Hunar-i Mūsīqī (The Art of Music)*, No. 7 (February 1998): 20-22.

The term "Samā'" is generally applied to the singing, the playing of music and the foot tapping of the Sufis and has its own specific customs and traditions that are still prevalent amongst some sects of Sufism. Sama', which is considered indecent and even sinful by many traditionally religious jurists, is an important practice to achieve joy and rapture amongst many great Sufis. It creates joy and rapture in the heart which results in movements of the body. If these movements are out of rhythm, they show anxiety, but if they are rhythmic, they create dancing and clapping. The Sufis believe Sama' to be comforting to the heart in love; food to the soul; and a poultice to the pains of disciples. They also believe that the pleasing tunes of the rabab (a kind of string instrument) and the heart-rending melody of the nay (a kind of reed pipe) comfort the souls of the mystics. Traditionally, the tearing of clothes and even ripping them off, means that the Sufi is experiencing rapture, joy and ecstasy and has turned his back to the world by throwing his clothes at the singers, musicians and the audience. Certain Sufis were against Samā' and many mystics have limited Sama' to regulations which state they should feel joy and ecstasy with the verses of the Koran and not by poems, or at least with poems which include religious matters. The

kings were from Indo-European origin and came from an aristocratic and warrior family. The documents pertaining to that era indicate that language and religion stabilized in Babylonia after its conquest by Kassites. However, the documents and other evidences pertaining to Kassite era are not in any way comparable to those pertaining to the first Babylonian dynasty. The prominent characteristics of these documents is that the dates on them are according to the number of years each king ruled, and the innovating idea of using border stones on which the king's commandments to his subjects were inscribed. According to the author, another sample of Kassite art is the cylindrical seals. Bashāsh Kunzuq has written about a bronze sword that is being displayed in the Tabrīz Museum. An inscription in cuneiform script and in the middle Babylonian language has been placed between its handle and blade on which is written 'from Sīmāsh Shīkhū the King of the World'. This sword is the fourth object discovered that belonged to this king. This king of the middle Babylonian era ruled over a large area southwest of Mesopotamia; between 1007 and 1024 BC. In Diakonov's view he was the last of the Kassite kings.

31- Muḥammad Baqāyi (Mākān), "Iqbāl, Sharī'atī va Maḥmūd-i Ana'l Ḥaqq (Iqbāl, Sharī'atī, and the Concept of "I am the Truth")," *Dunyā-yi Sukhan*, No. 84 (Isfand 1377/1998): 80-82.

The present article is a comparative study, along with some new ideas concerning the meaning of "I am the Truth" (*ana'l haqq*), with reference to the viewpoints of two great contemporary thinkers, Iqbāl and Sharī'atī, in this regard. "*ana'l haqq*" is the well-known dictum of Maṣṣūr Ḥallāj, which is associated with his name, meaning I am the Truth or I am God. Having heard these words, jurisprudents (*fuqahā*) and traditionalists (*muḥaddithān*) excommunicated, killed and burned him and poured his ashes into the river. After his death, his thoughts took root among people. At first followers of pantheism took this Ḥallāj's famous saying as their main motto. For the Sufi everything is God, and he himself is also one of these entities and thus he is entitled to say "I am God". The Ḥallāj's words are reflected in the works of 'Aṭṭār, Ibn 'Arabī, Shabistarī, 'Arāqī, and others as well as in the western Sufism. In *Rawish-i shinākht-i Islām (The Way To Know Islam)*, Sharī'atī degrades Ḥallāj to a madman. The latest research, however, shows that he

Europe),” *Īrān Shinākht*, No. 11 (Winter 1998): 142-177.

At the time when Medians, Achaemenids, and Parthians ruled over Iran, there were other Persian speaking communities who ruled over East Europe. Among them Sakas and Samartians were the most prominent Persian speaking communities who ruled over Southern Russia and Ukraine for a period of about one thousand years; from the 7th century BC to the 4th century AD. The main sources available for studying these communities include the Greek, Roman, Assyrian, Babylonian, and Achaemenian written documents as well as the artifacts that the archeologists have discovered from their graves. Among the various writings, by Greek and Roman writers and poets about the Sakas the most outstanding is a book by Herodotus. The Greek and Roman sources confirm that the Sakas ruled over an area north of Black Sea – today’s Ukraine, Hungary, and Romania – for a period of four hundred years. Sakas were famous for breeding horses and their warring skills. The author also highlights on the life style, culture, civilization, and trade practices of Sakas. According to the author the Saka dynasty began deteriorating with the advent of new Saka tribes called the Samartians entered their region from eastern parts of the Ren River. Samartians had a unique position among the Persian speaking tribes, and their rule had spread over the entire Eastern Europe plains. Their history is divided into two periods. In the first period, they lived as small gypsy tribes neighboring the Ukrainian Sakas. In the second period, however, the Samartians took over Saka and ruled over East Europe until the 4th century AD. The author then goes on to elaborate on the life style, culture, civilization, their warring skills as well as the causes of downfall of the Samartians.

30- Rasūl Bashāsh Kunzuq, “Kāsīhā va Qarā’at-i Katībih-yi Zabān-i Bābilī-yi Miṡānih [Kāsī] Manqūr bar Yik Qabzih Shamshīr-i Durih-yi Kāsī (The Kassites and a Study of the Engravings [Mid-Babylonian Language] on the Hilt of a Sword from the Kassite Period),” *Mūzi-hā*, No. 2 (Autumn-Winter 1998): 57-59.

The Kassite tribe lived around central Zāgros. The most ancient texts referring to them is those of the Elamids belonging to the end of the 3rd millennium BC. In the second millennium BC, they settled in the northern part of Babylonia and ruled over it for a period of 576 years. The Kassite

28- Rīzā Barāhanī, "Inqilāb va Adabīyāt (Revolution and Literature)," *Ādīnih*, No. 137 (*Nurūz*, New Year's Eve, 1999): 16-19.

The essay evaluates the impact of the Islamic Revolution on the literature and assesses the literary crisis during the past twenty years in Iran. Revolution has introduced a phenomenon of the displacement of values in the realm of literature, which ought to tackle and comprehend in our ego and being. For the last twenty years, we have been facing the phenomenon of leadership crisis in the realm of literature, which deals with the literary phenomena, varying literary types, and with literary relationships and priorities, rather than with the individuals who create literature. The reason behind this crisis lies in the importance of anecdote which has been attached to the anecdote by everyone in such a way that everyone brings his anecdote to those taken from the theme. This crisis covers both the protagonists and the antagonists of the literature. In order to evaluate the leadership crisis prevailing in the realm of literature during the last twenty years, we ought to go a little back in the past and examine a number of basic literal assumptions and figures from the revolution of constitutionalism up to the Islamic Revolution. After the constitutional revolution, we have developed a kind of proximity with the Western culture. New Western expressions and their combination with our traditional expressions emerged in the works of the creators of our culture and we entered a stage, which the writer of the essay has called the arena of death. The main characteristic of literature in the post constitutionalism has been the disintegration of the literary works. The new expressions of 1940s want to refute the debilitated expressions brought about by the action on 28 Mordād (19 August), and secondly, strive to make this decade one of the greatest decades in the cultural history of Iran. The Islamic Revolution opens up the next Islamic and Western expressions. In the post-Revolution era, our literal priority is changed and leaves behind the 1300-year old priority of poetry and brings to fore the priority of romance and narrative. In the course of the essay, the status of Iranian literature during the post-Revolution years has been described in detail.

29- Ḥabīb Burjīyān, "Sayrī dar Tārīkh-i Aqvām-i Īrānī Zabān-i Urūpā-yi Sharqī (A Glance at the Persian Speaking Communities of East

finally the stimulant of a romantic sense or a pastoral property and defamiliarizes the verbal tone of non-Nimaic poetry. Emphasis on the image centrality in the form of simile, metaphor, symbol and excessive use of image-making attributes is among the specifications of Non-Nimaic and Nimaic poetry. But the post-Nimaic poets, the same as modernists and Russian formalists, are not so inclined to metaphoric language.

26- Bahādur Bāqirī, “Dūdmān-i Kishvād dar Dāmān-i Tārīkh va Ḥamāsīh (The Kishvād Family in the Iranian Epics and History),” *Shi‘r*, No. 25 (Spring 1999): 22-27.

The Kishvād family is one of the greatest heroic families of the Iranian history and occupies an important place in the epoch making events of Firdusī’s *Shāhnāmih*. The important members of the Kishvād family include Kishvād (father of the family), Gūdarz (Kishvād’s son), Gīv, Bahrām, Raḥām, Shīdūsh and Hājir (Gūdarz’s sons), Bīzhan (Gīv’s son), Shīrūyih and Ardishīr (Bīzhan’s sons). Gūdarz’s daughter who is Rustam’s wife, and nearly eighty of Gūdarz’s sons all of whom sacrifice their lives for their homeland. According to the author, besides the decisive presence of the members of this family in many Iranian battlefields, right from the days of Firiydūn to Khusruw’s era, a number of them have played a key role in many beautifully described battles of *Shāhnāmih*.

27- Parvīz Badī‘ī, “Yāddāshthā-yi Muntashir Nashudih-yi Nāṣir al-Dīn Shāh, Qismat-i Haftum (Nāṣir al-Dīn Shāh’s Unpublished Notes, Part Seven),” *Ganjīnih Asnād*, No. 31 and 32 (Autumn-Winter 1998): 26-47.

This article is the seventh part of the unpublished notes from Nāṣir al-Dīn Shāh’s diary, available in the National Archives of Iran, containing his daily memoirs from the 1st of Zīl Qa’dih, 1302 AH to the end of Muḥarram, 1303 AH. In these memoirs, Nāṣir al-Dīn Shah mentions about his huntings in the sub-urban areas of Tehran like, Chamanī-i Kūchak, Lavārak, Galīh Gīlih, Shahrīstānak, Chamanī-i Buzurg, and Saltanatābād. He has also written about his illness in Saltanatabad, the Id al-Azha festivities, the mourning ceremonies in the moth of Muḥarram and his meeting with the British minister in Dūshān Tappih.

took undue advantage of the main purpose intended by philosophers in creating music. Ikhvān Al-Ṣafā has also pointed out the effects of music and different melodies in the treatment of patients. To conclude, the laws of Arabic tunes - consisting of 8 principles - and the opinions of philosophers regarding music, have been described in detail.

25- ‘Alī Bābāchāhī, “Miḥvarhā va Mushakhaṣṣihā-yi Shi‘r-i Pasā-Nimā’ī (The Axes and the Specifications of Post-Nimai Poetry),” *Kārnāmih*, year 1, Issue 4 (April and May 1999): 10-12.

In view of the difference in the artistic tastes of the people in the society, the Persian poetry can be categorized under four titles: Pre-Nimai, Nimai, Non-Nimai and Post-Nimai. In this article, the differences of Non-Nimai poetry with Post-Nimai poetry is explained in order to define and describe the axes and the specifications of post-Nimai poetry. Rhythm is one of the major components of non-Nimai poetry. For example, on the one hand, Shāmlū puts the Nimai rhythm totally aside and at the same time maintains the element of rhythm more or less in some of his poems. In the shadow of the non-rhythmic poetic experiences of Shāmlū and non-Nimai rhythms of Furūgh, the contemporary poets conduct some experiences. Some tend to Shāmlū’s style of rhythm strongly and some to non-rhythmic poetry and sometimes poetry lacking music. In any case, today’s poetry shows a totalitarian function and evaluates the rhythm or lack of rhythm as two powerful institutions. But the post-Nimai poetry avoids absolutism of rhythm and lack of rhythm and approaches them with relativism and believes that rhythm has a combined function: combination of rhythms, not necessarily two rhythms. In the Non-Nimaic approach as in the Nimaic one, polyphony is something similar to putting a number of men or men-like birds before one another, the distinguished sample of which is the Murgh-i Āmīn by Nima. In the post-Nimaic poetry, we face the reminiscences, interruption and re-connection of phrases and variety of voices. The post-Nimaic poetry avoids techniques and forms which have been repeatedly used and believes that some of the sounds, words and phrases in the Non-nimaic (an Nimaic) poetry have lost their aesthetic potentiality. The post-Nimaic poetry is in conflict with the adherence to elements such as the moon, the sun, the night, etc. as the gravity center of the beauty or the ugliness which is

Ghaznavī, Abū Saʿīd Abū'l-Khayr and ʿAttār of Nishapur can well be ascertained from his works. Between him and his two contemporary shining stars, i.e., Saʿdī and Mulavī an interchange of influence and impression can be seen. Many proceeding literati were greatly influenced by him, of whom Shaykh Maḥmūd Shabistarī, Ḥāfiẓ of Shīrāz and Jāmī etc., can be mentioned. The influence of Irāqī on the proceeding generation is so deep that it can well be witnessed even in the works of the present-day literati, such as Farrukhī Yazdī and the late Dr. Fakhr al-dīn Mazārī. Irāqī died in A.D. 1287 in Syria and was buried beside the grave of Muḥīy al-dīn al-ʿArabī. His works clearly show he traversed the mystical path from the beginning to the end and is undoubtedly one of the three shining stars of letters and mysticism of the thirteenth century A.D.

24- Akbar Īrānī Qumī, “Risālih’ī az Ikhvān al-Ṣafā: Tarjumih va Tuẓīḥ (A Treatise from Ikhvān Al-Ṣafā: Translation and Description),” *Maqām*, No. 4 (spring 1999): 6-15.

This article is about one of the treatises of Ikhvān Al-Ṣafā on music. Whilst presenting a general introduction to music, melodies and tunes, this treatise mentions the effects of music on man. This article believes that music was first created by philosophers and provides proof to this claim. Ikhvān Al-Ṣafā defines music and categorizes sounds into two groups: animal and non-animal sounds. The former is further divided into logical and illogical sounds, and the latter into organic and inorganic sounds. The article then states that from the qualitative point of view, eight types of sounds exist and from the quantitative point of view, sounds are divided into separable and inseparable types. Inseparable sounds are themselves divided into high and low sounds, the repeated combination of which creates rhythmical tunes. Furthermore, this article describes the various numbers of sounds and keeping in view the science of prosody (the study of poetic meters and versification), with the basic principles of music, it goes on to explain the science of prosody and the rhythm in poems and their variety. Ikhvān Al-Ṣafā believed all musical instruments to be the inventions of scholars and philosophers and has described how the ʿūd (a kind of lute) was made and how it is used. Ikhvān Al-Ṣafā also believed the reason why music was banned in a number of religions, was because of the fact that certain people

suggested remedies. In the second section, the author has reviewed six documents. The first document contains the minutes of the meeting between Manūchihr Zillī, the deputy foreign minister, political affairs, with Āl-i Yāsīn, the Iraqi Ambassador, in which they discussed issues like Imam Khomeini's exile and the stance adopted by the Iranian press against Iraq. The second document is a letter from General Mahdī Rahīmī the Military Governor of Tehran to Āyatullāh Ṭāliqānī. The third document is an official letter from the Military Governor of Tehran to the Office of the Prime Minister about the mourning processions during Muḥarram and Šafar (the 1st and 2nd months of Muslim lunar calendar). The fourth document is a report by the police department about the events in the Kirmān Jāmi' Mosque. The fifth document is the report prepared by the commission dispatched to Isfahan and Najafābād to review the law and order situation in these two cities. And finally the sixth document contains a series of reports prepared by the Military Governors of Iran about the events that took place on December 26, 1978. Besides giving details of people's demonstrations and events that took place on this day these reports also contained the analysis of the military governors about these events, the dissidents and their status in the society as well as how they should be dealt with.

23- Mušṭafā Awliyā'ī, "Ta'thīrpadhūrī-yi 'Irāqī az Buzurgān-i Adab va 'Irfān-i Pīsh az Khud, Ta'thīr wa Ta'athur-i Ū bar Ham'ašrān wa Ta'thīr Guzārī-yi Wiy bar Afrād-i Ba'd az Khud (Susceptibility of 'Irāqī to his Predecessor Literati and Mystics and his Impact upon his Contemporaries and the Later Generation)," *Journal of the Faculty of Literature and Humanities of Tehran University*, No. 148 & 149 (Winter 98-99, Spring 1999): 104-119.

Fakhr al-Dīn 'Irāqī was born in A.D. 1213 in Kumījān of the Central province. He started learning from his childhood in Hamadān city and memorized the Holy Qur'an during his childhood. He was seventeen years old when he embarked upon travelling and pursued his studies in India, Iraq, Syria and Hejaz. In pursuit of his mystical path he greatly benefited from eminent mystics such as Šadr al-Dīn Qūnavī, Shaykh Bahā al-dīn Zakarīyā and Shams Tabrīzī. His susceptibility to great personalities such as Muḥīy al-dīn al-'Arabī, Aḥmad Ghazālī, Khwājah 'Abdullāh Anšārī, Firdusī, Sanā'ī

the current realities of the society have created a kind of distrust among the audience of poetry). 2) new comers and repetition of the experiments. 3) lack of useful criticism, and 4) the role of the press in the audience crisis. At the end, the essayist says that: The audience crisis of today's poetry is a serious matter and in a country like Iran the lack of devotion and attention towards poetry is an occasion for deliberation. Yet, the poetical works of the preceding generations and centuries are accorded more reception than today's poetry. After the passage of more than half-a-century history of modern poetry, it is highly desirable for us to open a clear and realistic vista for the future poetry, so that to restore to this art its former desirable status.

22- Jalāl Andarmānizādih, "Dar Āstānih-yi Inqilāb-i Islāmī: Asnādī az Ākharīn Talāshhā-yi Kārguzārān-i Ḥākīmīyat-i Pahlavī (On the Threshold of the Islamic Revolution: Documents Showing the Last Endeavors of Pahlavi Regime's Officials)," *Tārīkh-i Mu'āṣir-i Iran*, Vol. 2, No. 8 (Winter 1998): 137- 224.

This paper is an attempt to review the documents that highlight the fact that the officials of the Pahlavi regime did not leave any stone unturned to prevent the Islamic Revolution from taking place. The author has divided these documents into two categories. According to him the first category reflects the views and reactions of the supporters of monarchy and the Pahlavi regime about the Islamic Revolution, and the second section contains the news and information about the events and the analysis presented by the intelligence organizations about these events. In the first section Andarmānizādih reviews two documents. The first document is an absolutely confidential memo prepared in a meeting in the office of the Chancellor of the Tehran University on October/November 1978. The participants of this meeting included people like Karīm Sanjābī, Shāpūr Bakhtiyār, Daryūsh Furūhar, Aḥmad Madanī, 'Alī Amīnī, Muḥsin Pizishkpūr, certain members of the Senate and Majles, and representatives of some clerics. As per this document, all the participants in this meeting unanimously supported the idea of retaining the conditional monarchy with the Shah as merely the monarch and not the ruler. The second document is a write up by 'Abd al-Rizā Qutbī, the Managing director of the National Radio and Television Organization, who had reviewed the ongoing situation and

Farsi, before the main feature film. The employment of audio-visual combinations was first applied in news documentaries and this trend continued for many years. In March 1951 (1330), ten film producers from the University of Syracuse visited Iran and started the production of a series of educational films for Iranian villagers over a period of two years and set up classes as well. Consequently, documentary films entered a new stage of being accompanied with commentaries. The use of background commentary in Iranian documentary cinema owes its development to the methods of commentary writing of the "Films of Origin 4" and the efforts of the Syracuse group. The writer concludes the article with an analysis of the application of narration in the first Iranian documentaries and gives examples in this regard.

21- Muḥammad-ʿAlī Amīnī, "Shiʿr-i Imrūz va Buhrān-i Mukhātab (Today's Verse and the Audience Crisis)," *Shiʿr*, No. 25, (Spring 1999): 42-45.

Poetry had been enjoying a special status in the Islamic culture of Iran during the preceding centuries and has been considered a mirror reflecting the sentiments and feelings of the Iranian society. The audience of poetry in the past and the countless votaries of this art, not only resulted in the bulkiness of the history of the Persian literature, but is isolated and rendered passive other arts as well. But during the last one century the process of the poetry audience's predominance with the gradual development of other cultures faded away and has been subjected to change. The audience of today's poetry means the poets, literary circles, intellectuals, writers themselves and other strata of society. The audience crisis does not mean that today's poetry has a dull reception among the general public, but rather that the poetry has been accorded less acceptance by the educated class of the society as a whole. The present essay hints at a number of factors being involved in the creation of audience crisis. These factors are: 1) The poetry currents of the 1960s (a group of poets of this period, as a result of their indifference towards the upheavals of the society and the revolutionary aspiration and values, and even through their enmity and hostility towards the popular values of the society and through considering them degraded and ridiculous and through the creation of irresponsible and careless works on

March and April 1999): 14-17.

This paper aims at highlighting the tourist attractions of the Rāmsar city with a particular reference to Mārkūh. Rāmsar is situated west of the Māzandarān province. On the north it is neighboring the Caspian Sea, on the south the Alburz range, on the west the Rūdsar city and on the east the Tunkābun city. Previously called Sakhtsar, Rāmsar has a number of large camping areas, mineral water fountains and other tourist attractions. About five kilometers from the city there is a forested single mountain called Mārkūh or Mālkūh, which is popularly known to the locals as Mārkūh. Mārkūh is surrounded by the Nīyāstih, Pūstih and Mīyānhālih villages on the north, the Shahīd village and the Nisārūd river on the east, the Kūzihgar and Maḥallih Katālim villages on the west, and Tajan and Talār villages on the south. Mārkūh is basically made of lairs of limestone on which forest trees have grown to create fabulous scenery. What gives importance to Mārkūh is a fortress at its peak the period of construction of which is not known. On the 13th of Farvardīn. (April 2), large crowds of people from the nearby towns and villages gather at its foothill to spent the day and enjoy their holiday. In the concluding section of the paper the author has mad a few suggestions to the tourism authorities of the country to pay better attention to this region by establishing tourist resorts, hotels and other tourist facilities in order to speed up the process of economic growth of the region.

20- Humāyūn Imāmī, “Darāmadī bar Sayr-i Taḥavulī-yi Guftār dar Sīnamā-yi Mustanad-i Īrān (An Introduction to the Developments of Background Commentary in Iranian Documentary Films),” *Hunar (Art) Quarterly*, Nos. 148 & 149 (winter & spring 1999): 172-179.

The importance and function of background commentary in documentary films is obvious to all. Today, we can find different applications of the usage of commentary in documentaries, which depending on the subject of the film, provide special attraction and depth to the film. In this article, the writer has tried to describe and briefly analyse the first serious attempts made in the writing of these commentaries. As a result of the arrival of the Allied Forces in Iran, British cameramen started producing news documentaries of political and military events in Iran. These documentaries were first shown in cinema halls as documentary films in

Iranology, part 2),” *Bukhārā*, No.3, Ādhar and Diy, 1377/1998): 222-262.

This is the second part of the article by the author, which includes his writings on Iranology, introducing Iranologists, and some Iranian researchers and their works. The author has also included some of the letters received by him, the following people have been introduced in this article: Manūchihr Sūtūdāh Bīyābānī, Milush Brutiski of Czechoslovakia, Karl Ishulitz, Husain Tūṭi, Fritz Meyer, and Yūsuf Raḥmatī. Furthermore, the article contains some points about print transfer copy from Persian manuscripts along with the introduction of some celebrated examples, lithography and gravure and two inquiry notes of Mushīr al-Dawlah.

18- Dāryūsh Akbarzādih, “Yādigār-i Zarīrān or Yādigār-i Isfandīyārī (Zarīrān Memorial or Isfandīyār Memorial),” *Mūzi-hā*, No. 2 (autumn-winter 1998): 60-62.

Yādigār-i Zarīrān is a small treatise in Pahlavi language that was originally written in Parthian language and was apparently a combination of prose and poetry composed during the Parthian era. When Gashtāsb and his tribes accepted the religion of Mazd-e Yasni, the news reached Khīyūnān. Arjāsb Khīyūnān Khudāy sent his messengers to Gashtāsb and asked him to leave the religion of Mazd-e Yasni and adopt his religion failing which he would lead an expedition to Iran and destroy it. After Gashtāsb’s negative reply to Arjāsb, a bloody war took place between the armies of the two sides in which twenty-three of Gashtāsb’s near and dear ones, including his brother Zarīr, Jāmāsb’s son, Pādkhusruw, and his son Farshāvard were killed. Towards the end of the battle Bastūr, the seven-year-old son of Zarīr, avenged his father’s death and the defeated army of Arjaseb returned to the 13th Khīyun. The battle between Zarīr and Arjāsb is also found in other Avestan texts like Aban Yasht, paragraph 12. Zarīr’s bravery, the manner in which he was killed, and Bastur’s revenge are also recorded in Tha’alebi’s Shāhnāmeh as well as Firdusī’s Shāhnāmeh.

19- Nūr al-Dīn Ikrāmī, “Mārkūh, Kūhī Zībā va Dīdanī dar Rāmsar (Mārkūh, a Beautiful Mountain in Rāmsar),” *Gīlihvā*, No. 52 (February,

Golchin

In Armenia and Georgia it is pronounced as Izdī; Iranian Kurds pronounce it as 'Izdī; the Syrians Yazdī, the Turks Izdī, and Iraqi Izdā'īyān, like their Syrian counterparts probably pronounce it as Yazdī. Izdā'īyān have two religious books called 'Muṣḥaf Rash' and 'Jilvih', and their renowned reformist was a person named Shaykh Ādī (ʿAdī). Azdā has a prominent place in their religious hymns and supplications and is considered to be the only god and the creator of everything. They believe in seven angels whose creation resembles that of Amshāspendān Mazd-e Yasna. They do not believe in Satan and consider all evils to be the effects of human deeds and thoughts. Their main hymn is praising the sun, which every devotee is supposed to repeat thrice a day at the time of sunrise, noon, and sunset by turning his face towards it. The religious books of Azdā'īyān are in Kurdish Surani language and are written in a particular script. Its alphabet has 33 letters and is written from right to left. This religion originated in Iraqi Kurdistān in a place called Sanjār. There is a profound relationship between this religion and the national culture of Kurds, and many religious ceremonies and cultural beliefs of Azdā'īyān are in fact the national ceremonies and beliefs of ancient Kurds, which are being hitherto practiced in Kurdish areas either with the same name or different names.

16- Īraj Afshār, "Bi yād-i Sa'īd Nafīsī, az Pīshruwān-i Pazhūhishhā-yi Īrānshināsī (In Remembrance of Sa'īd Nafīsī, one of the Forerunners in Iranology)," *Bukhara*, No.4, (Bahman va Isfand, 1377/1998): 135-159.

The author wants to commemorate the Iranian celebrities and has devoted this article to Sa'īd Nafīsī letters. Totally, 25 letters written to the author, from different places from 1327 to 1345 (the year of the late Nafīsī's decease) have been presented in this article. The late Nafāsī was one of the Iranian outstanding figures and his name will be present in Persian literature, and values of his works will never forgotten. His letters suggest his interest in and truthfulness to science and his love of friends, and some of his crucial problems in his life during the afore-mentioned years.

17- Īraj Afshār, "Tāzih-hā va Pārihā-yi Īrānshināsī" (New Issues in

musical instruments such as drums and kettledrums in battles. During the Parthian and Sassanid periods, musical instruments were used during wars and in classifying the social classes. Artaxerxes granted musicians a high position alongside the governors and commanders.

14- Aşghar İftikhārī, "Ta'thīrāt-i Inqilāb-i Islāmī-yi Īrān dar Gustarihi-yi Jahānī: Dīdgāh-i Nivīsandigān va Taḥlīlgarān-i Khārijī (The Global Impact of the Islamic Revolution of Iran: from the viewpoints of Foreign Observers and Writers)," *Nāmih Pazhūhish*. No. 10 and 11 (Autumn-Winter Issue 1998): 215-266.

Although the Islamic Revolution of Iran took place in a particular geographical territory, its impact on the various countries of the world was felt within a very short span of time. This article reviews the depth of the impact of the Islamic Revolution on the Middle East, South West Asia, Central Asia, South East Asia, and Africa as seen by foreign observers. The impact of the Islamic Revolution on these regions could be divided into the following categories: a) The obvious and direct impact on Lebanon and Afghanistan. b) The revival of Islam in countries like Egypt, Tunisia, and Pakistan. c) The increased awareness of the people of Malaysia and Indonesia about their Islamic identity. d) The indirect impact on countries like Iraq and Saudi Arabia, proved by the sharp reaction on the part of the governments of these countries.

15- Bāyz Afrūzī, "Madkhalī bar Dīn-i Azdā'ī: Yazīdī, Īzadī, Yazdī, Aduvī, ... (An Introduction to the Azdā'ī Religion)," *Chīstā*, No. 158 and 159 (May-June 1999): 684-691.

The Azdā'ī religion, also known as Yazīdī, Īzadī, Yazdī, Aduvī, etc., is an ancient and mysterious religion that has its roots deep in the religions and religious beliefs of the Aryan tribes. Muslim historians have recorded its name as Aduvī. In Iraq, it is famous as the Yazīdī religion and its followers are mistakenly taken to be worshipping Yazīd ibn Mu'āwiyah, the Umayyad caliph. Owing to its similarities with some ancient Iranian religious beliefs, some research scholars have mistaken the term Yazīdī for Īzadī and have considered its followers as monotheist and at times, even as Zoroastrians. The term is pronounced differently among its followers in different regions.

since, in comparison to the “Tūmār” (scroll) script, this script is called the Thulth because a third of the letters in a word are written above a line and the rest is written under the line. The main characteristics of this script include: *shimrih* or *tash’irs*; *tarvīs* or *sarak*; the broad, tall and exquisite letter “alif” (the Persian letter for a); the reversed yā (the Persian letter for y) which may stretch several meters across the epigraphs; and rectangular or square-shaped dots. Other derivations of this script are the *Tawqī’* and the *Riqā’* scripts. Some of the most famous non-Iranian masters of this script are Muṣṭafā Rāqim, ‘Azīz Al-Rifāhī, Ḥāfiẓ ‘Uthmān, Ḥāj Aḥmad Kāmil, and Muḥammad Hāshim Baqdādī. The most famous Iranian calligraphers of this script are: ‘Alī-Rizā ‘Abbāsī, Aḥmad Ma’sūmī Zanjānī, Ḥabībullāh Fazā’ilī, Murtaẓā Nujūmī, Ḥujat Kashfī and Sayyid Muḥammad Ḥusainī Muvaḥhid.

13- Muḥsin Uftādih, “Mūsīqī-yi Niẓāmī ‘Razmī’ Īrān Qabl , Ba’d az Islām (Martial Music of Pre-Islamic and Post-Islamic Iran),” *Hunar-i Mūsīqī (The Art of Music)*, No. 7 (February 1998): 23-24.

The writer points out the importance, effects and application of music in wars and their historical progress in Iran, especially in the Achaemenian and Sassanid periods, through the study of ancient historical texts written by Greek and Persian writers. Wars are unavoidable events of human life and history and martial music has always existed during wars. By reviewing the works of historians who were themselves present in battlefields, we come to the conclusion that music has always had a deep and tangible effect at the war fronts. Soldiers playing drums and trumpets were in the front lines of the battlefields and the playing of special tunes and melodies boosted the morale of the soldiers and inspired them to attack. The sound of the trumpet calls and drum roll for attack were different to that of the reveille (the wake up call). From the limited historical books and evidences, it is concluded that each military regiment had a special unit comprised of musicians. Without doubt, there should have been experts making musical instruments alongside these units. During the Achaemenian period, especially during the reign of Cyrus, the Great, as the effectiveness of this traditional system became obvious to the military commanders, music was seriously put to use and the musicians were given the same rank as the flag bearers. After the conquest of Persia by Alexander, the Great, the Greeks acquired and began using

world was introduced by the Gnostics in the second and third centuries A.D. Therefore, the foremost Christian Gnostical views of Simon Magus, and that of Marcion, the mystic of the earlier Christianity, have been described; other tendencies of Gnosticism, inter alia, the Ormozd School of Egypt, the School of Valentine, which has also been called the School of Syro-Egyptian Gnosticism, and the Manichean mysticism as the ultimate Gnostical tendency, have been discussed; the samples of Gnostical-Manichean poetry bearing mystical themes have been cited and by their comparative analysis with the couplets of the Prolegomenon to the Mathnavī Ma'navī of Mawlānā Jālāl al-Dīn Balkhī, this result has been obtained that there is a correlation between the mystical themes of the earlier Christian Gnostics and the works and ideas of the Islamic mystics, which in itself is an indication of the enduring mystical culture in a broad sphere of the Christian, Manichean and Islamic world.

12- Ḥusain Ismā'īlī, "Thulth," *Mūzi-hā (Museums)*, No. 2 (Fall and Winter 1998): 48-50.

The art of calligraphy is deeply interwoven with the culture, literature and history of our land and is manifested in the calligraphy of the Holy Quran, architectural epigraphs, petrographs and bas-reliefs. The German, Buckhart believes the calligraphy and inscription of the Quran to be the noblest visual art in the world of Islam. Dr. Annemarie Schimmel believes the main body of Islamic culture is the art of calligraphy. Calligraphy is the foremost art of the Islamic world. The resonance and tone of the eloquent Arabic language can be experienced, only by viewing the depth of the exquisite Thulth script, that is the primary common consolidating factor of Islamic art throughout the world. The history of Arabic inscription goes back to the period of the Abbasids. This art was seriously promoted in the 4th century by the Vizier, Ibn-i Muqalah and was later perfected by Ibn-i Bavāb and Yāqūt Musta'samī. The Thulth script is unique in terms of its strength of character, its beauty and its freedom in combining letters and words. Since it continues to preserve its dynamic identity while maintaining its exceptional qualities, it is also referred to as the Umm-al-Khuṭūt (lit. Mother Script) or the Sayyid al-Khuṭūt (lit. Chief Script). As regards the naming of this script as "Thulth" -- literally meaning "one-third" -- Ibn-i Muqalah reasons that

to its very nighness to socio-political currents, the modern poetry shouldered multiple obligations, which damaged its objectivism to some extent. And this fact resulted in the increased symbolism in the realm of aesthetics. Alongside that, an inclination towards the presentation of an overall outlook on life and its comprehensive definition brought a main portion of modern poetry in line with dominant ideological currents. This tendency was so powerful that until a couple of decades ago our poets considered themselves as spokesmen of the people and a considerable portion of the audience of the modern poetry had the same expectations from the poets. In the present circumstances in which our poets compose poetry, the diversity of outlooks has been valuable. The present essay has divided the poets of modern poetry into five generations. On this basis, Nīmā can be counted as the first generation of modern poetry. After him, the poets such as Shāmlū, Akhavān, Fūrūgh, Maftūn Amīnī, Raḥmānī and Sipīhrī etc., could be looked upon as the second generation. The third generation of the modern poetry is comprised of poets such as Aḥmad Rizā Aḥmadī, Yadullāh Ruyā'ī, and Manūchihr Ātashī, Sipānlū, Muḥammad Ḥuqūqī, Zīyyā Muvahid, Uwji and Bābā Chāhī. A number of poets belonging to this generation have tried and succeeded, because of aesthetics to create fresh spheres and patterns for modern poetry. Regarding the fourth generation, the names of Hurmuz 'Alīpūr, Shāpūr Bunyād, Bīzhan Najdī and Shams Langarūdī etc., can be mentioned. And the poets such as Shahāb Mugharrabīn, Nāzanīn Niẓām Shahidī, Mihrdād Fallāh, 'Alī 'Abd al-Rizā'ī and Rizā Chāpchī make the fifth generation. By citing few examples, the essay has attempted to pinpoint the cultural differences and the diversity of views of the poets of the fourth and fifth generations of the modern poetry.

11- Abu'l-Qāsim Ismā'īlpūr, "Barrasī-yi Taṭbīqī-yi Dībāchih-yi Mathnavī Ma'navī va Ash'ār Ginūsī' (A Comparative Analysis of the Prolegomenon to Mathnavī Ma'navī and Gnostic Poems)," *Īrān Shinākht*, No. 11, (Winter 1999): 14-41.

The aim of the writer of the present essay is to highlight the point that the theme of the fall or captivity of the soul in the dungeon of body is not a fresh and newly emerged theme of the Islamic mysticism; on the contrary, it has a long history. The theme of the fall and captivity of the soul in this

These thinkers thought of the tribal and collective ownership and lack of private ownership, and the concentration of general responsibilities (irrigation, communication and the like) and considered them an instrument whereby the state exercised its despotism and dominance over the society and interfered in the life affairs of the people as a chief supervisor. Implicitly, the idea is that in the majority of Asian countries like India, Russia and Iran, hundreds of years ago, the masses of the people were looked upon as a segregated part of the society and tribe, rather than as an individual, compatriot and members of a single family. Such an outlook in regard to the masses appears on the social level as 'oriental despotism' and undisputed state authority, and on family level, in the shape of patriarchy. In the Iranian society during the period under assessment, the novel the symphony of the dead written by 'Abbās Ma'rūfī, the patriarchal dominance over the family bespeaks the reliance on patriarchy and of the dependence of the family member on the patriarch, and in the most general term, is an indication of the undisputed dominance of the patriarch. In this novel, patriarchy is viewed as a harsh and backward social phenomenon, and in the general and symbolic way it relates about the state rule in the Iranian society in the era of the tyrannical rule.

10- Abu'l-Qāsim Ismā'īlpūr, "Barrasī-yi Taḥavullāt-i Shi'r-i Fārsī dar Daw Dahih-yi Akhīr: Āyā Dūrbīnhā Avaz Shudih Ast (An Evaluation of Changes in Persian Poetry in the Last Two Decades: Those with the foresight have been displaced)," *Kārnāmih*, Year 1, No. 2 (Jan. Feb., 1999): 34-41.

There is a considerable difference between present-day poetry and that, which has been composed two decades earlier. Some considered these transformations as sign of a kind of crisis, whereas some others have considered them a positive change in our poetry. In addition to the persisting transformations in aesthetics, these evaluations bring to light the cultural reasons and roots and the widening gap between the poets of present-day and those of the past. Until two decades ago, the modern poetry was considered sacred and such a view was in conformity with our traditional outlook. According to this outlook, the poet could be the tongue of the invisible and the verse was a thing nigh to revelation. On its course of movement, owing

and the language of the poet. This internalization, idolization of rhythm even reveals itself in the most non-rhythmic poems of the poet as well and in fact builds up the musical foundation of his poetry. Therefore, it cannot be the differentiating element of the poetic cycles. In the “becoming” cycle, the poet wants to weep his sorrow out and is anticipating someone to take him back from the “sunsets” and the “rains”. The poem “Sometimes Alone” can be called the first characteristic poem of this period. Among the verbal arts, poetry is the most concise and centralized forms of literature which expresses maximum meanings in minimum words. This conciseness can be seen in all poems of the three poetic periods of *Žīyā Muvahid*.

8- Parvīz Adhkā’ī, “Khāndān-i Shāhī-yi Khwārazm (The Khārazmshāh Family, Part II),” *Iran Shinākht*, No. 11 (Winter 1998): 112-141.

This paper studies the Āl-i Ma’mūn Khārazmshāh and Āl-i Farīghūn and the historical events that took place in Iran during the reign of these two dynasties. The rulers of the Ma’mūnīyān Khārazmshāhs that are mentioned in this paper include Ma’mūn ibn Muḥammad, Abū al-Ḥasan ‘Alī ibn Ma’mūn Khārazmshāh Abu’l-Abbās Ma’mūn ibn Ma’mūn, and Abu’l-Ḥārith Muḥammad ibn ‘Alī. Adhkā’ī explains that this dynasty was a contemporary of Samanids and Ghaznavids, and their relationships with these two dynasties have been referred to in this paper. The Āl-i Farīghūn dynasty ruled over the Gūzgān (Jūzjān) or Gūzgānān (Jūzjānān), which is part of the northeastern Afghanistan today. They had a glorious political and cultural period in the 4th century AH and claimed to be the descendents of Afrīghūn or Afrīdūn. The rulers of this dynasty that have been introduced in this article are Farīghūn, Aḥmad ibn Farīghūn, Abu’l-Ḥārith Muḥammad ibn Ḥārith, Farīghūn ibn Muḥammad, Abū Naṣr Aḥmad ibn Muḥammad, and Ḥasan ibn Aḥmad Farīghūn.

9- Javād Ishāqīyān, “Hashtpāy-i Pidarsālārī dar samfunī-yi Murdigān (Octopus of Patriarchy in the Symphony of the Dead),” *Adabīyāt-i Mu’āṣir*, Year 3m No. 27, (spring 1999): 17-31, 162.

One of the theoretical debates being discussed has been the oriental despotism, which has been brought to fore by a number of Western thinkers during their making the assessment of the Asian methods of production.

and Sunshine in Azerbaijan)," *Shi'r (Poetry)*, No. 25 (spring 1999): 116-121.

Pagan cultures had special customs and songs to repel unpleasant and painful events and disasters and to invoke and welcome the blessings of the earth. Disasters such as floods, storms and famine threatened the lives of these people and at the occurrence of each incident, they held customary ceremonies to prevent or at least counteract their losses and damages. And to be free of the worries of shortage of water and such natural afflictions, they resorted to certain pagan customs and composed and recited songs. These ceremonies and invocations are still used in many parts of Iran, especially in barren regions, desert lands, and mountainous regions and amongst the older generation of farmers. Many of these poems and songs do not have specific rhythm and rhymes, but the pieces and hemistiches are harmonious and melodic. These rhythmic pieces and tunes with their simple and pleasant lyrics were gradually passed on from generation to generation and became part of the local culture. The pagan customs to invoke rain are more ancient and of a larger variety in regions such as Azerbaijan. In the distant past, pagan ritual ceremonies such as the "Khaydīr, Khaydīr" and "Chumchih Khātun" were held regularly. The pagans either directly invoked the Creator, or the sun or a third anonymous person who was addressed as "Gitīr, Gitīr".

7- Muḥammad-Raḥīm Ukhuwat, "Rū dar Rū-yi Hastī: Bāzkhānī-yi Shi'rhā-yi Żīyā' Muvahid (Face to face with the Universe: Re-reading of the poems of Żīyā Muvahid)," *Kilk*, New Series, Issue 7-9 (Jan.-Mar. 1999): 60-76.

This article studies and criticizes the poems of Żīyā Muvahid, the contemporary poet and has described the particulars and the poetic cycles of this poet in details. In a preface to his book, Żīyā Muvahid writes: "I think these poems represent a passage through three cycles." Adherence to Nimaic rhythms in a few poems of this collection and disregard for this rule in the following poems is a sign of this passage. "Rhythm" whether prosodic or Nimaic is a chain to the poem which can be tight or loose. But this element has enamored the poet in some of his poems. The collection of "White Crows" is so calmly restful in the bed of rhythm that the reader feels no entanglement or chain and this shows that rhythm is internalized in the mind

Following the innovation of Mīrzā Malkum Khān, dialogue was entered into the Iranian political discourse as a literary style and after the constitution movement and the following years, another group of Iranian reformist intellectuals used this same technique to express their political ideas. Among these writings one can name of the followings: "The Dialogue of the Iranian Tourist with the Indian Sheikh" by Jalāl al-dīn Mu'ayyid al-Islām. "The Conversation of a knowledgeable man and an idle man" and the "Epistle of Shaykh and Shūkh" whose writers are anonymous. Other papers in dialogue style include "Muṣāḥibih-yi Īrānīyyih" (The Iranian Interview) which was first published under the title of "Maqālih-yi Malikī" by Īraj Afshār in the "Collection of Essays by Abdul Raḥīm Talibuv Tabrizī" named "Freedom and Politics". These dialogues indicate the degree of effect of the literary styles which are basically of a foreign and European nature on some of the Iranian writers of the Constitutional era.

5- Raḥmān Aḥmadī Malikī, "Iḥyā-yi Zamān-i Asāṭirī dar Āyīnhā-yi Sāl-i Nu (Revival of Mythological Time in New Year Ceremonies)," *Hunarnāmah*, No. 2, (Spring 1378/1999): 6-13.

Iranians renewed their life and world by holding various special ceremonies at the time of new year in the past centuries. According to their beliefs, the creation of the world is renewed every year when the new season and Nurūz come about. This eternal repetition of creation that changed every new year to the beginning of new age gave fresh spirit to their lives. They held Nurūz as the symbol of revival, newness, and regularity of life. And their customs, held towards the end of the previous year and the beginning of the new year, originated in their doctrinal and thoughtful persuasions. According to the beliefs mentioned in this article, at this mythological moment, when the world, which had been on the path to annihilation, is recreated, the reversal of time is made possible. The dead can now return to the world because all barriers between death and life have been demolished. And by resorting to such customs, men do away their alienation and attempt to restore their relationship with the eternal source of creation.

6- Raḥmān Aḥmadī Malikī, "Surūdihā va Taṣnīfā-yi 'Bārān Khāhī' va 'Khurshīd Khāhī' dar Ādharbāyjān (Songs and Ditties to Invoke Rain

retreat. And principally it cannot be asserted that the outward change, which took place in two phases of his life, i.e., before and after his departure from Baghdad, may have caused a profound transformation in his intellectual principles and his basic religious outlooks. The present analysis is based on the belief that transformation in the life course of Ghazālī can not be observed in his person, and the outcome of this transformation can rarely be distinguished and ascertained on the basis of the prevailing interpretation of his retrogression from teaching and turning towards seclusion and mysticism and that too, in the form prevailing in the eleventh century A.D. It has been attempted in the present writing to analyse, as far as possible, firstly, the cultural influence of Ghazālī on the milieu of Baghdad, and secondly, the reasons for his departure from Baghdad and the outcome thereof in the first place from the context of events and circumstances of that time and in the light of the characteristics of that milieu.

4- Tūraj Atābakī, "Guftugū: Vajh-i Adabī-yi nu dar Guftār-i Siyāsī-yi 'Aṣr-i Mashrūṭih (Dialogue: The Modern Literary Style in the Political Discourse of the Constitutionalism Era)," *Guftigū*, Issue 23 (Spring 1999): 106-113.

This Essay studies the prevalence of dialogue as a new literary style in the political discourse of the Constitutional period. In the Persian classic literature, question and answer is the closest sample to this special style in the literary tradition of Iran. Its first samples can be seen in the Pahlavi literature which is found both in oral and written literature. The difference between "question and answer" and the "dialogue" is that in "question and answer" the parties are not of equal status and an obedient humble student takes questions before the master (teacher). Therefore, there is no sign of challenging the other party. In the second half of the 19th century, some Iranian reformists entered dialogue into the political discourse of the Country as an expression of their objection toward the social disorders and the governing political dictatorship. For the first time in further clarification of his former essay "Hidden Book or the Orders Book", Mīrzā Malkum Khān used the dialogue style in an imaginary conversation between "Rafīq and Vazīr" (The friend and the minister). While in Istanbul, he wrote another dialogue entitled "Shaykh va Vazīr" (The Clergyman and the Minister).

Mar. 1999): 7-18.

Mulānā Jalāludīn Mulavī Balkhī always lamented the limitations of meter and rhyme of versification for the expression of inner thought and speech. A number of researches, taking for granted the above expression of Mulānā and due to their difficulty in understanding some of his orations hold that as if Mulavī has expressed whatever thought and speech was formed in his mind without any regard to linguistics and rule of verse. These researches do not acknowledge their shortcoming in understanding the speech of this celebrity. Mulavī left Balkh in his childhood but he did not forsook the Balkh accent and his oration on many occasions has been under the influence of the accent of Balkh and Bukhārā, both from grammatical and terminological points of view. If we realize this point and examine the ambiguities of the speech of Mawlānā in the light of the accents of Balkh, Kābul, Dushanbih and Bukhārā, we will observe no ambiguity and equivocalness. Mulānā was not indifferent towards meter and rhyme, but was rather under the influence of his own old accent. The writer of the present essay goes on to describe the characteristics and peculiarities of the accents of Balkh, Bukhārā as well as the Tajik accent, such as the positioning of particle after the noun, the progressive tense of verbs, the imperative moods. At the end, the writer has cited examples from Ghazalīyāt-i Shams through the use of accent.

3- Ādhar Āhanchī, "Ta'thīr-i Farhangī-yi Ghazālī dar Baghdad va Masīr-i Tafakkur-i vay az Tahāfat al-Falāsafih tā Ihyā-yi 'Ulūm al-Dīn (The Cultural Influence of Ghazālī on Baghdad and his Course of Thought from Tahāfat-ul-Falsafī to Ihyā-yi 'Ulūm al-Dīn)," *Journal of the Faculty of Literature and Humanities of Tehran University*, No. 139 & 148 (Winter 98-99 & Spring 1999): 64-85.

In the present essay an attempt has been made to analyse, as far as possible, the cultural impact of Ghazālī on the milieu of Baghdad and the reasons for his departure there from and the outcome of his departure from the context of the events of that time, as well as the issues being discussed in the religious and cultural realm of Islam. The present essay is based on the belief that the transformation, which took place in the life course of Ghazālī, cannot be attributed to his entry into the world of mysticism and spiritual

1- 'Alā' al-Dīn Ādharī, "Ishārih'ī bi ravābiṭ-i farhangī-yi Īrān va Yūnān dar aṣr-i Ashkānī" (A Glance at the Cultural Relations between Iran and Greece in the Parthian Era), *The Journal of the Faculty of Literature and Humanities of Tehran University*, Nos. 148-149 (winter & spring issues, 1977-8): 7-13.

The Greeks were the first missionaries of the culture and civilization of Hellenism. Alexander and the Seleucids extended their traditions in the Orient. The Romans and churches as well as the Seleucids made great effort to propagate the culture of Greece. To protect their territory, the Seleucids encouraged those who were interested in Hellenism to migrate to their eastern frontier areas and to establish cities next to ancient regions. Such cities were established in the style of Greek architecture. The language and script of Greece prevailed in the Parthian and Seleucid eras, but did not flourish in Iran due to the fact that they were prevalent among the well-off social classes rather than the ordinary hard-working Iranian citizens. In the northeastern part of Iran, there were some colonies of Greeks who spoke and wrote in Greek. Even in the last years of the Sassanid dynasty, and in the early years of the Islamic period, the scientists of these colonies were fully aware of Greek sciences and their inhabitants spoke and wrote in Greek. The city of Sulūkīyih was also influenced by Greek culture and was the main center of the Christian priests in the Sassanid era. Shūsh was influenced by Greek culture as well. The Parthian kings who had come to power by overthrowing the Seleucids were interested in Greek culture and loved Greek gods, and their coinage often had writings in Greek, but this interest declined during the time of the last Parthian kings. Some of them knew and spoke in Greek. Documents, pertaining to the Parthian era in early times, were written in Greek, and Greek literature was respected by the high social classes. Greek dramas and pieces were demanded by many people and theatres were set up in some cities.

2- Muḥammad Āṣif Fikrat, "Lahjih-yi Balkh va Daryāft-i Bihtar-i Sukhan-i Mulavī (The Balkh Accent and a Better Understanding of Mulavī's Oration)," *Āyini-yi Pazhūhish*, No. 54, (Jan.-Feb. and Feb.-

*Abstracts of
Articles*

Winter & Spring 1999

Each issue covers three sections including “abstracts of articles”, “abstracts of books”, and an index. There is an abstract for each article and book to provide the reader with some information regarding the subject of the article or the book.

It is noteworthy that the present volume consists of articles and books published in different quarterlies in the winter 1998 and spring 1999.

Gloch welcomes the views and suggestions of esteemed researchers.

Golchin

Introduction

Iranology, in the broad sense of the word, is one of the most important ingress for Orientalism. The reason to have accorded considerable attention for this notable aspect of Orientalism is that Iranian culture and civilization have left a great impact on the mores of many of cultures and civilizations of old and new world. Its presence has remained in various forms in different countries in Asia and Oceania.

Due to her unique geographical situation and her being long exposed to various cultures, Iran enjoys a broad and rich culture. During its long history, it has rested on the most sublime values of thought, religion, and morality, and has had a seminal situation compared to other cultures. It was a culture endowed with salient features, scientific achievements, morality, vivacity, philosophy, and fine arts.

One of the most important responsibilities of the writers, scholars, and Iranologists is introducing this rich culture and civilization and its manifestations to the orientalists, especially at this time that is called the age of the dialogue among civilizations by Ḥujjat al-Islām Muḥammad Khātāmī, the esteemed President of the Islamic Republic of Iran; and for the same reason the year 2001 is announced the year of dialogue among civilizations by UN.

Following the approval of the preliminary congress on Iranian Studies (held in Tehran on 11 and 12 March, 1995 with the presence of Iranian and foreign Iranologists), the Center for Cultural and International Studies has embarked upon the formidable task of publishing *Galchin* to introduce articles and books prepared by Iranian researchers. The collection includes the subjects of literature and mysticism, art and archaeology, society and history, history of science and technology, and people and land.

Galchin only consists of first edition of books and articles on Iranian studies that are written by Iranian authors in Iran.

COTENTS

Introduction

Abstracts of Articles 1

Abstracts of Books 131

Index 229

List of Transliteration

Persian Alphabet

ء	'
ب	b
پ	p
ت	t
ث	th
ج	j
چ	ch
ح	h
خ	kh
د	d
ذ	dh
ر	r
ز	z
ژ	zh
س	s
ش	sh
ص	ṣ
ض	ḏ
ط	ṭ
ظ	ẓ
ع	ʿ
غ	gh
ف	f
ق	q

ک	k
گ	g
ل	l
م	m
ن	n
و	w/v
ه	h
ی	y

ة	ah; at (construct state)
ال	(article) al- and 'l-

Long vowels

آ	ā
و	ū
ي	ī

Short vowels

اَ	a
وُ	u
يَ	i



*Organization for Islamic Culture & Communications
Deputy of Research & Education
Center for Cultural-International Studies*

Golchin

Editor in Chief: Muḥammad ‘Alī Shu‘ā’ī

Assistant Editor: Fāṭimah Ismā‘īlī

Abstracts of Articles: ‘Abbās ‘Alīnaqīzādīh

Abstracts of Books: Kitāb-i Māh Journal

Editorial Board: Dr. ‘Alī Shāh Shujā‘ī, Jamīlīh Kukabī, Manṣūr Kīyāyī,
Dr. Ḥujattulāh Ḥasan Lārījānī

Translation Section: Majīd Ja‘farī Aqdam

Translators: Dr. Muḥsin Shujā‘khānī, Dr. Ismā‘īl Salānī, Bītā Bilādī,
Estel Faqīh, Farrukh Khudābandihlū, Abu’l-Faẓl Ḥaqīrī

Publisher: Al-Hudā International Publisher

Date of Publication: 2001

Address: P.O. Box 14155-6485, Tehran, Islamic Republic of IRAN

Tel: 0098-21-8153486 Fax: 0098-21-8153288

E-Mail: faslnameh@yahoo.com